

قیمت اراضی در منطقه طرف ضرورت در سال جاری از طرف وزارت صحیه پرداخته شده راجع بمصالح تعمیری این جذام خانه از حالا اقدامات جدی بسلسله مقام محترم ولایت کابل روی دست شعبات ذی علاقه میباشد، نقشه تعمیری آن نیز در شرف تکمیل است که امید است به مدد خدای پاک اعمار این جذام خانه نیز در سال آتی شروع خواهد گردید، ضمناً اشاره میشود که برای آنچنان وقایع غیر مترقبه که در اثر معاینات برخی دکتوران کدام نفر جذامی در شهر کابل به نظر بر خورد وزارت صحیه طور موقتی یک قلعه را در حصه بتخاک برای رهاش تجرید این قبیل جذامی ها تحت نظر قراردادده است که حین تصادف با این قبیل اشخاص در قلعه بتخاک تحت کنترل گرفته شده بصورت مجانی حفاظه و اعاشه کرده خواهند شد -

### افتتاح شفاخانه ملکی مشرقی :-

شفاخانه ملکی مشرقی که اساس اعمار آن قبلاً گذاشته شده و اخیراً با مساعی شعبه مربوطه وزارت فوائد عامه اختتام می پذیرفت در جریان سال ۱۳۲۴ افتتاح و دوائر و لوازم شفاخانه از عمارات سابقه بمعارت نوین منتقل و مورد استفاده قرار گرفته است - این شفاخانه دارای هر نوع لوازم عصری یک شفاخانه ولایتی بوده و از هر حیث طرف استفاده ولایت مشرقی قرار گرفته میتواند -

### افتتاح شفاخانه های حکومت اعلاای فراه و بدخشان :-

چون بر طبق پلانهای اساسی که وزارت فوائد عامه مدنظر دارد متدرجاً به تعمیر و انشاء شهرهای جدید مطابق مقررات صحی و بلدی خواهند پرداخت، بنا بر آن اعمار شفاخانه های عصری - نه برای اهالی ملکی این دو منطقه لازم بود و مکول و بیکار افتادن نقشه های وزارت فوائد عامه گردیده و عجلتاً جهت بهتری اوضاع سابق عمارات شفاخانه های ملکی فراه و بدخشان و رفع ضرورت های فعلی که به انشاء دوشفاخانه فوق دیده میشود حسب مفاهمه که بین وزار صحیه و عالی قدران صداقت مابان حاکم اعلی فراه و حاکم اعلی بدخشان بعمل آمد حکام اعلی این دو منطقه و ادار ساخته شدند تا یک موضوع مناسبی راجعت انشاء شفاخانه ها که حاضراً احتیاجات منطقه فراه و بدخشان را تکافو کرده بتواند تعیین و پس از موافقه وزارت صحیه به تعمیر آن مبادرت نمایند همانست که مقدمات این کار قبلاً برچیده شده و اخیراً (در ظرف ۱۳۲۴) هر دو شفاخانه که دارای یولی کلینیک و کلینیک ها یعنی دارای معاینه خانه یومی و بستر میباشد افتتاح و از مراجعین و مریضان استقبال مینمایند.

## منع اسقاط جنین :-

موضوع اسقاط جنین که بدون مراعات نمودن قوانین طبی صورت داده شود اساساً بحسب شریعت ممنوع و مانند سایر ممالک در افغانستان نیز يك جنايت تلقی شده و به مرتکبین اسقاط سخت ترین مجازاتی تعیین و تطبیق می گردد، اگرچه وزارت صبحه از ابتدا درباره این کیفیت اقدامات نموده و بوسیله مکاتیب و دتورات جدا گانه اجرای این کار را منع قرار داده و همیشه مراقبت خود را در اطراف آن معطوف میداشت ولی برای اینکه منع عملی اسقاط چیز در مواردیکه فن طبابت جواز داده است (بتائید اجراءات سابقه) صورت يك مصوبه فنی داشته و بعداً در جزو اصولات مملکتی به حیث يك ماده واحده جا گرفته باشد موضوع در مجلس فنی مقام وزارت صبحه مورد بحث قرار گرفت و بعد به ملاحظه و تأیید مقام وزارت نیز رسانیده شد، برای اینکه جمیع منسوبین طب باردیگر از مقررات منع اسقاط جنین مطلع بوده و خوانندگان نیز از آن اطلاعی بهرسانیده باشند ذیلاً به درج مصوبه این مجلس پرداخته میشود :-

«سقط جنین یعنی آورتمان (Ovoremment) را وزارت صبحه بصورت قطع ممنوع قرار داده و هیچ يك از منسوبین فن طبابت به استثنای وقایع و حالات ذیل به این کار مبادرت کرده نمی تواند :

در مواقع و حالاتیکه حامله گی اسباب اتلاف شخصی را فراهم کرده و یا به اساس تصویب و تصدیق دکتور واقعه حمل به سلامتی خانم نقصان و خرابی تولید کند درین قبیل وقایع یک نفر دکتور متخصص این فن حسب آتی به اسقاط جنین و یا کورتاژ اقدام کرده میتواند .

اول :- دکتور معالج بعد از آنکه متیقن گردید که تداوی حامله جز با عملیه کورتاژ صورت ندارد باید برای تأیید و اجرای این کورتاژ تصدیق دو نفر دکتور دیگر و یک نفر متخصص جراحی را بدست آورد -

دوم : در ورقه که از طرف دکتوران عملیه کورتاژ تصدیق میشود باید علت اساسی اسقاط جنین توضیح داده شود -

سوم : عملیه کورتاژ بایستی طوره همیشه در شفاخانهای مستورات صورت گیرد و اگر از حیث وضعیت صبحیه مریض برای بردن او به شفاخانه مشکل باشد و دکتور معالج هم تأیید کند که کورتاژ در خانه اجرا شود درینصورت تمام مسئولیت های دسپسی و انژی سپسی بعد از دکتور کورتاژ کننده بوده به اجرای کورتاژ در خانه بصورت استثنائی پرداخته میتوانند

چهارم : بعد از اینکه اقارب و یا اختیار دار خانم حامله تصدیق اجرای آورتمان را به امضای سه نفر دکتور حاصل نمود، آنگاه ورقه تصدیق را به شعبه صلاحیت دار وزارت صبحه حاضر کرده و بعد ملاحظه این شعبه به عملی نمودن آن اقدام کرده میتواند -

پنجم : در وقایع عاجله که معطلی آورتمان و یا کورتاژ اسباب ضرر حامله گردد ، درنصورت دکتورمعالج میتواند پس از حاصل کردن تصدیق دو نفر دکتور طبق (ماده اول) بدون مراعات ماده (۴) به این عملیه اقدام نماید، دکتوران مصدق باید از عاجل بودن آورتمان و یا کورتاژ در ورقة تذکارنموده بعداً به امضا بپردازند -

ششم - سقط اتفاقی که در اثر حوادث غیر مترقبه و یا اسقاطی که عمدارخ میدهد دکتور در محل واقعه احضار کرده میشود ، دکتورمعالج مکلف است که بارعایت از ماده اول و درنظر گرفتن ماده (۵) به آورتمان و یا کورتاژ قیام کند -

هفتم : اخبار و اطلاع وقایع عاجله و اتفاقی اسقاط چنین متذکره ماده ۶۵ در دوران تداوی بوزارتصحبیه حتمی و ضروریست -

تبصره : -

در اضراف اسقاط عمدی باید توسط دکتوران مربوطه این فن مقالات مفیدی تحریر و وقتاً فوقتاً جهت درج در مجله روغتیا ارسال نموده و در آن زنان حامله را از اضرار این اقدام و عواقب وخیم آن مطلع نمایند -

هشتم : دکتورانیکه بدون مراعات این مواد به اسقاط چنین مبادرت نمایند به مجازات شدید محکوم خواهند گردید -

تعیین مجازات این قبیل دکتوران توسط مجلس فنی وزارت صحبه صورت خواهد گرفت مسائل تفتیش و مراقبت های عمده : -

اول : تفتیش ادویه فروشی های مرکزی وسایر ولایات حسب مقررات وزارتصحبیه در هرپانزده روز مانند سالهای گذشته جریان داشته و نواقصی که به ملاحظه رسیده به اساس مقررات متذکره یا توضیح داده شده و یا مورد اخطار و جزا قرار داده شده، گویا این تفتیش ها مانند سال گذشته در اصلاح ادویه فروشی ها چه در زمینه نظم و نظافت ادویه فروشی ها و چه در خصوص فروش ادویه و غیره آنها رول خوبی را ایفا کرده است -

دوم : از آنجائیکه در سال ۱۳۲۴ نیز از رهگذر جنگ نسبت به توريد ادویه مشکلاتی موجود و قیمت ادویه هم رو به تزئید بود برای جلوگیری از احتکار ادویه فروشی ها و قایم نمودن يك معیار معین جهت فروش ادویه مسئله زیاده تر تحت کنترول قرار گرفته و برای فروش ادویه شرکتهای مرکزی و اطراف معیار اساسی تعیین گردید -

سوم : در سال ۱۳۲۴ هم با اینکه بحران جنگ در توريد ادویه مشکلات زیادی را پیش کرده مع هذا نسبت به تجاویز یکه از طرف وزارتصحبیه اتخاذ گردیده بود با همکاری ریاست دیوادیة احتیاجات شفاخانها حتی المقدور تهیه گردیده و مخصوصاً نسبت به توريد کینین از

جاپان مانند سال گذشته و تهیه سرورم ضد دیفتری و خریداری واکسین ضدحمای لکه دار از امریکا اقدامات مجربی بعمل آمد و نظر به این کنترل و پیش بینی های موقع در جریان سال ۱۳۲۴ در امورات جاریه هیچ شفاخانه بندشی بوقوع ناپیوست.

چهارم : در اثر بحرانی که از رهبر جنگ پیدا شد چون شرکتهای ادویه فروشی شهری به توريد نمودن ادویه از خارج حسب مطلوب فوق شده نتوانستند وزارت صبحیه محض رفاه عامه مانند سال گذشته برباست دیوی عمومی دستور داد تا يك اند از ادویه را به ان ویه فروشی های شهری عوض کمبود و ضرورت شان در مقابل قیمت بپردازد تا به اینو سبله از سر گردانی مراجعین و اهالی جلو گیری بعمل آید -

پنجم : در جریان سال ۱۳۲۴ که برای فروش ادویه پاتنت نسبت صرفه جوئی آن قیوداتی وضع شده بود از بین برداشته شده و برباست دیوی عمومی دستور داده شد که ایشان میتوانند به استثنای ادویه های پاتنت ساخت جرمنی باقی ادویه را حسب نخسه دکتور بالای مراجعین آزادانه بفروش برسانند -

ششم : در جریان این سال شفاخانه مجبیس عمومی ، سناتوریم ، نسوان شفاخانه حکومتی کلان لوگیر تحت تفتیش قرار گرفته و به اشخاصیکه قابل جزا بودند جزا داده شد

ادویه فروشی هائیکه در سال ۱۳۲۴ مفتوح شده اند : -

اول : ادویه فروشی ( داحمدشاه بابا درملتون ) واقع جاده وزارت پست

دوم : » » » ( بری درملتون ) واقع جاده شاهی

سوم : » » » ( ژوندون درملتون ) درمرکز ولایت مشرفی

علاوه ادویه فروشی های فوق که در جریان این سال دائر و بیکار آغاز کرده اند اجازه افتتاح سه دوافروشی دیگر درمرکز کابل و یک ادویه فروشی در حکومت لغمان برای اشخاصیکه درخواست داده بودند صادر شده که عنقریب ادویه فروشی های مذکور حسب مقررات موضوعه بیکار آغاز خواهند کرد .

تجدید ادویه فروشی های شهر کابل : -

از آنجائیکه تعداد ادویه فروشی های يك شهر وابسته به کثرت نفوس آن میباشد یعنی به تناسب جمعیت يك شهر که درفی چند هزار نفر باید يك دوافروشی اصابت کند وزارت صبحیه



نیز به تاسی همین مقررات فنی برای نفوس شهر کابل پانزده دوا فر وشی رعیتی را مکلفی دانسته و تعداد دوا فروشی شهری را به همین پانزده دوا فروشی محدود ساخت ، ولی در اینجا باید متذکر گردید که ادویه فروشی های مربوط ریاست دیوا زین تعداد مستثنی بوده و در مواقع ضرورت ریاست دیوی عمومی حسب نظریه وزارت صحتیه در برخی نقاط دیگر شهر کابل میتواند به مفتوح نمودن سائر شعب مربوطه خویش قیام کند .

### راپورت سالانه صحتی منطقوی: -

در جریان سال ۱۳۲۴ وزارت صحتیه تمام مدیریت ها و مامورین بتهای صحتیه مربوطه اطراف خود را مکلف ساخت تا علاوه احصائیه های معینه که طبق نمونه های جدا گانه در مواقع لازمه آن بوزارت صحتیه ارسال میدارند باید يك راپورت سالانه منطقه مربوطه خود را که شامل معلومات موقعیت شفاخانه کمبود لوازم آن ، وضعیت استقبال اهالی از مؤسسات صحتیه ، پرسونل فنی و کمبود آن ، وضعیت های جغرافیایی و محیطی ، آب و هوا ، طرز معیشت توده تعداد نفوس منطقه مربوطه بصورت تقریبی ، تولدات و وفیات ، امراض مخصوص منطقه مربوطه که خواه ساری باشد یا غیر ساری ، موجبات و تسکین سرایت آن ، فیصدی امراض مذکور بطور تقریبی ، چاره های جلوگیری آن در حالت حاضر بعقیده مدیر یا مامور صحتیه ، تقدیم راپورتها ، صورت پیشنهادات مامورین ذی علاقه بادلایل معقول و ثابت نسبت پیشرفت امور صحتی منطقه مربوط بوزارت صحتیه ارسال نماید تا وزارت صحتیه از روی این راپورت و صورت پیشنهادات فهمیده بتواند که نواقص صحتی آن منطقه چیست و بسکدام نوع پلانی متشبه گردد تا امورات صحتی به محور اساسی خود چرخیده بتواند -

تجاویز تازه برای بدست آوردن :  
احصائیه های متفرقه : -

چون احصائیه های صحتی جهة معلومات و اجراءات صحیح دوائر ذی علاقه و پیشرفت امور صحتی مملکت به حیث يك رهنما تلقی میشود ، و از طرفی وزارت صحتیه مطابق معاهدات بین المللی مکلف است تا وقتاً فوقتاً احصائیه امراض ساریه را به ممالک همجوار و سائر مراجع خارجی فرستاده و بجواب استفسار هائیکه از خارج نسبت باین موضوع واقع میشود پیردازد از چندین سال قبل مبادرت به تهیه و تدوین احصائیه فعالیت های شفاخانه های مرکز و ولایات و سائر مؤسسات صحتیه نموده و در نظر داشت تا این راپورتها را بطور مرتب اخذ و بر حسب مطلوب از آنها استفاده شود ، اما ظهور جنگ و تولید مشکلات در صرف کاغذ که اساساً جداول احصائیه به آن منوط است ، از حیث بدست آوردن انواع احصائیات سکنه گی وارد نمود ،

کنونکه این تقصیر ا کمال و تمام موسسات صحتیه مملکتی اعم از اشکری و کشوری و ادار بار سال احصائیات صحتیه متعلقه خویش شده اند و در زمینه ا ینگونه احصائیات یک همکاری خوبی برقرار گردید و وزارت صحتیه مبادرت به تدوین جداول راپورهای احصائیه و صحتی نموده و نمونه این راپورها را جهت طبع فرستاد که عده از آنها طبع و بقیه نیز عنقریب از طبع خارج و پس از توزیع بمقامات عاید امید و اراست یک آهنگی در ترتیب و توحید احصائیه ها رونما شده و مطابقی که از آن منظور است اخذ کرده شود. عجائبات این راپور ها شامل جداول ذیل قرار داده شده است :

جداول احصائیه امراض عمومی از نقطه نظر کلینیک و بولی کلینیک

احصائیه امراض ساری که در بولی کلینیک ها به مشاهده میرسد

احصائیه امراضی که در معاینه خانهای عمومی به ملا حظه میرسد

احصائیه امراض ساری و غیر ساری که در معاینه خانهای شخصی د کنوران و بادر حین معائنات خصوصی آنها در خانه های مریضان و مریضداران به آن تصادف واقع میشود. علاوه ا یک راپور دیگری بنام کارت امراض ساریه نیز بطبع رسیده که بطور مختصر بوده و از آن در موقعی که یکی از متتسبین طب به یک یا زیاده تر مریضان مبتلا به امراض ساری در هر جا که تصادف کنند فوراً اسم و آدرس آنها را با نوع مرض شان تصریح و به زودترین ذرائعی بمقام وزارت صحتیه ارسال مینمایند.

### مضاعف شدن وظائف شفا خانهای ژاندارم

اگر چه مطابق پلان مرتبه وزارت صحتیه در صورت امکان هر ساله به تو سعه دادن شفا خانهای اطراف پراخته شده است، مع هذا در جریان سال ۱۳۲۴ بادر نظر گرفتن منظور فوق به یک تجویز تازه دیگری نیز متمسک گردید، یعنی بمقامات عالیله از طرف وزارت صحتیه پیشنهاد ذیل تقدیم شد :-  
از آنجائیکه پلان مرتبه وزارت صحتیه در حالت حاضر تاسیس شفاخانه رادر مناطق کم جمعیت و کوچک لازم نمی بیند پس بهتر خواهد شد که از همان شفا خانهای ژاندارمه که فعلاً در آن حصص دائر میباشد در حصه معاینه و تدای افراد کشوری ازان استفاده بعمل آید و برای اجرای این منظور وزارت صحتیه حاضر شد تا همه ساله یک مقدار ادویه کافی و سایر لوازم مربوطه شفاخانه آنجا را از بودجه خویش کار سازی نماید : چنانچه این پیشنهاد وزارت صحتیه از صحت مقامات عالیله نیز گذارش یافته و منظوری آن حاصل گردیده است

## تعیین حق الزحمه عملیاتهای / صغیره در معاینه خانهای شخصی :-

ورار تصحیه نسبت به تعیین عملیات و معایناتیکه در خارج شفاخانههاچه در (معاینه خانهای شخصی دکتوران و چه در خانه مریضان) اجرا شده میتواند به اندازه حق الزحمه معائنات و عملیاتهای مذکور مقرراتی وضع و برای اینکه بین مریضداران و دکتورانیکه به اینگونه عملیات و معاینات می پردازند اشتباهی راجع به اعطای حق الزحمه رخ ندهد و ضمه محدودی برای همه عملیاتها در خارج شفاخانهها قید شده باشد لستی از از سمای عملیات و معائنات متذکره ترتیب داده و حق الزحمه هر کدام را در مقابل هر يك از عملیات متذکره تعیین و قید کرده و توسط انتشار درجراید به اطلاع عامه رسانید.

نشرات سال ۱۳۲۴ :-

الف : در جریان این سال وزارت تصحیه توجه خود را بیشتر به توسعه دادن دستورالعمل های جامع که به حیث راهنمای شعب ذی علاقه محسوب می گردید معطوف نموده و این دستورالعمل ها قبل از آنکه بطبع رسد بوسیله متحدالاهای متعدد بمراجع ذی علاقه ارسال شده است و در ضمن این سال چیزیکه از طبع خارج شده است تعلیماتنامه بلدیها از نقطه نظر حفظا لصحه شهر و نظافت آن میباشد که در سال گذشته تدوین و برای تطبیق امتحانی بریاست بلدیهمرکز فرستاده شده بود

## تعلیماتنامه توری دادویه مخدره طبی و مسائل مربوطه آن :

از آوانی که دولت افغانستان به کنوانسیون ۱۹۳۱ جینوا امضا نمود مسائل مربوطه به توری دادویه مخدره طبی را بوزار تصحیه و موضوع تریاک خام و تجارت آنرا بوزارت اقتصاد ملی متعلق ساخت ، پس برای اینکه مواد کنوانسیونهای ۱۹۱۲ الی ۱۹۲۵ و ۱۹۳۱ جینوا در حصه متعلق بوزارت صحیه و مقاماتیکه سروکارشان درین زمینه باوزار تصحیه واقع میشود باسہولت تطبیق شده بتواند وزارت تصحیه ترتیب و اشاعه این تعلیماتنامه پرداخته و يك تعدادش را بمراجع مربوطه جهت تطبیق مواد مندرجه آن ارسال نموده .

## ب: بزرگ شدن قطع مجله روغتیا :-

قطع مجله روغتیا که قبلاً بنابر کمی کاغذ خیلی کوچک شده بود در آغاز امسال که امکان تهیه کاغذ از طرف وزارت صحیه موجود شده و از طرفی مطبعه عمومی نیز حاضر مساعدت درین باره شدند قطع مجله دو چند قطع سابق ساخته شده و ساحه استفادہ از مضامین آن وسیع تر گردا بندہ شده -

### احراز تخصص بعض دکتوران افغانی :

شاغلی دکتور عبداللہ خان ( روغ ) برحسب لایحہ تخصص بعد از دادن امتحان دریک مجمع دکتوران و پروفیسران کہ تیز خود را در اطراف فلج نصف طولانی نوشت موفق بہ احراز تخصص بہ شعبہ خود کہ امراض عقلی و عصبی است گردید -

### اجراءات متفرق :

۱- طوریکہ در سال گذشتہ نسبت دائرشدن و ارسال نقشہہای شاخہای دوا فروشی دیوی عمومی مرکزی ولایت مزارشریف، فندہار، ہرات و قطن و بد خشان اشارہ رفتہ بود بالاخرہ در جریان سال ۱۳۲۴ از جملہ ادویہ فروشی ہای متذکرہ فوق عمارت دوا فروشی ہرات تسکبیل گردیدہ و بہ ہدایت وزارت صحتیہ از طرف ریاست دیوی عمومی ادویہ لازمہ با پرسونل فنی آن بہ آنجا فرستادہ شد -

۲- در کنفرانس بین المللی طبی کہ در اول جولائی در تہران افتتاح گردید و در این کنفرانس نمایندگان دول شرقی و غربی از طرف دولت ایران دعوت شدہ بودند و نمایندگان کہ از طرف دولت افغانستان درین کنفرانس شرکت ورزیدہ اند شاغلی دکتور غلام فاروق خان و شاغلی عبدالظاهر خان میباشند -

۳- حسب تجویز وزارت صحتیہ و استشارہ مقامات صلاحیت دار در حکومت کلان پروان یک شفاخانہ دائر و بیکار انداختہ شد -

۴- چون در حکومت درواز نسبت کمثرت نفوس آن تا سیس یک شفاخانہ لازم بود وزارت صحتیہ چنین تجویز نمود کہ در آنجا فعلاً یک شفاخانہ ژاندارم دائر گردیدہ و ضمناً بہ تداوی افراد رعیتی درواز ہم مشغول شود -

۵- پلان تعمیری شفاخانہ خوست از طرف وزارت صحتیہ ترتیب و وزارت فوائد عامہ ترسیل شد تا ہرچہ زودتر نقشہ شفاخانہ مزبورہ را تکمیل نمودہ و ازراہ وزارت صحتیہ بمرجعی ارسال دارند، چنانچہ برای تہیہ مصالحہ تعمیری این شفاخانہ یکمشت پول کافی بہ حکومتی خوست تخصیص دادہ شد تا در جریان سال ۱۳۲۴ تمام مصالحہ طرف ضرورت این شفاخانہ را تہیہ دیدہ و در اوائل سال ۱۳۲۵ بیکار آغاز نمایند -

۶- در جوار شفاخانہ مستورات برای پولی کلینیک موسسہ دندان سازی نسوان حسب نقشہ مرتبہ یک عمارت جامع اعمار گردیدہ و امورات تعمیریہ آن در شرف اختتام میباشند - این موسسہ ازہر حیث مکمل و بہ اساس یک کلینیک عصری دندان سازی آمادہ شدہ است -

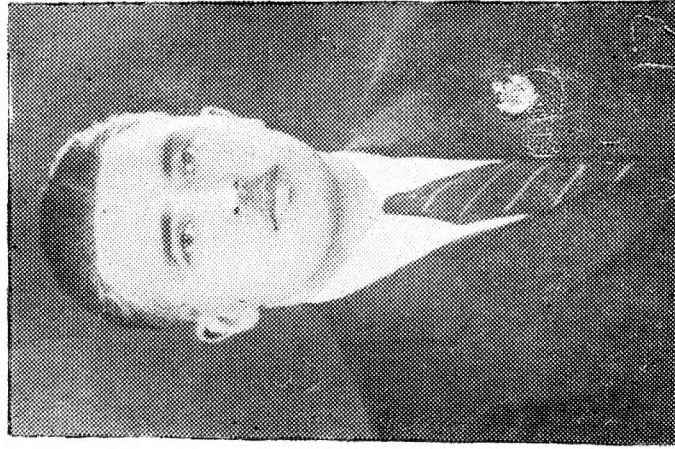
د صحتي د وزارت مقرري



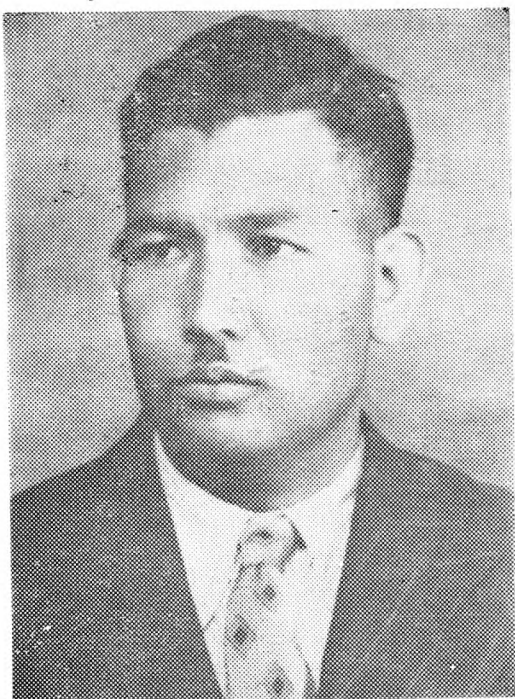
ع ، نظام الدين خان د مستورانو  
د شفاخانه سرطبيب



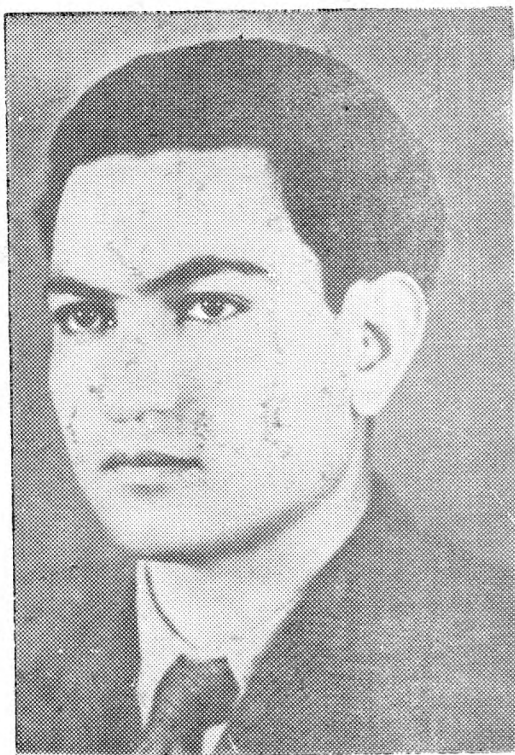
ع ، عبد القیوم خان د هلي آ باد  
د شفاخانه سرطبيب



ع ، ص دكتور غلام فاروق خان  
د طبي فاكولتي رئيس



ص ، دکتور محمد ايوب خان چه په داخله  
مرضو نو کښې تخصص حاصل کړيدی



ص ، دکتور مير غلام حيدر خان چه په داخله  
مرضو نو کښې تخصص حاصل کړيدی



ص ، دوکتور محمد آصف خان چه په داخله  
مرضو نو کښې تخصص حاصل کړيدی



ص ، دوکتور محمد عزيز خان چه په داخله  
مرضو نو کښې تخصص حاصل کړيدی



۵۰ د کټور عبدالقدير خان چه په داخله  
مرضونو کېږي ټي تخصص حاصل کړېدی.



۵۰ د کټور محمد ادهم خان چه په جراحي  
کېږي ټي تخصص حاصل کړېدی.



۵۰ د کټور امير جان خان چه په جراحي  
کېږي ټي تخصص حاصل کړېدی.





ص ۰ ۰ کتور کرام الدین خان چه په جراحۍ  
کښي ېې تخصص حاصل کړېدی



ص ۰ ۰ کتور محمد عظیم خان چه په جراحۍ  
کښي ېې تخصص حاصل کړېدی



۷- در جریان سال ۱۳۲۴ برای بار اول وزارت صحتیه به توريد نمودن يک مقدار کافي ادويه ينسلين که در دنيای طبابت تازه طرف استفاده قرار داده شده و شهرت به سزائی داشت اقدام و آنرا وارد نموده و مورد استفاده ضرورت مندان قرارداد

۸- چون توريد کنين در دوران جنگ مشکلات زيادی داشت پس برای اينکه مقدار کنين وارده درست طرف استفاده شفا خانها قرار گرفته و تلف نشود وزارت صحتيه به دوا اقدام ذيل متشبت گردید :

الف : حسب نظريه هئيت فني برای تمام مقادير کنين وارده يک نوع رنگ آبی را انتخاب کرده و با آن مخلوط نمود تا اگر کنين در شفا خانها بصورت بود رهم استعمال شود از سایر کنين ها زودتر تفريق شده و بصورت نامشروع از آن استفاده شده تواند -

ب : علاوه اين اقدام به ديوي عمومي دستور داد تا کنين های محتاج اليه شفا خانها توسط ماشين تلبيت سازی به پيلوهای قسم ده سانتی گرامه و ۲۵ سانتی گرامه ، تبديل نمايند - چنانچه اين دو تجويز خیلی مجرب واقع شده و مقادير کنين حسب مطلوب طرف استفاده حاجتمندان قرار گرفت -

۹- در موقع مشتعل بودن جنگ چون برای توريد گاز ململ که در امور جراحی ها و يانسما نها بمصرف ميرسد مشکلات زيادی توليد گردید، وزارت صحتيه برای رفع اين لطمه پس از تجارب زياد از گاز ململ ساخت فابريکه بلخمری استفاده کرده و اکنون هم در شفا خانهای مربوطه از همين گاز ململ ساخت فابريکه مذکور کار گرفته ميشود -

هشت نفر فارغ التحصيلان دوره هفتم فاکولته طب که در سال گذشته شامل ستاژ شده بودند بعد تکميل ستاژ در هذا سنه حسب توضيح ذيل به رتب و مراجع آتیه الذکر مقرر شده اند :-

۱- ص، دكتور محمد اسمعيل خان به حيث مدير صحتيه و سر طبيب مدیریت صحتيه فراه

۲- ص دكتور نظام الدين خان به حيث دكتور درقوای مرکز

۳- ص، نصير احمد خان به حيث دكتور به ژندارمه وزارت داخله

۴- ص، محمد علي خان به حيث دكتور ها به ژندارمه وزارت داخله

۵- ص، عبدالشکور خان به حيث دكتور دوم مدیریت صحتيه ولايت فندهار

۶- ص، محمد ظاهر خان به حيث دكتور دوم مدیریت صحتيه ولايت مشرقی

۷- ص، سيد ولي خان به حيث دكتور دوم مدیریت صحتيه ولايت قطغن

۸- ص، محمد کبير خان به حيث دكتور بوزارت جليله حريه

سيزده نفر فارغ التحصيل دوره دهم مکتب طبی بعد تکميل ستاژ حسب آتی به حيث مامور صحتيه به مراجع ذيل مقرر شده اند :-

- ۱- ص ، محمدناصر خان و محمدایوب خان و غلام حضرت خان و غلام علی خان و محمدعارف خان معاونین بهیث معاون دکتور بوزارت جلیله حریه
  - ۲- ص ، میر عبدالرزاق خان بهیث معاون دکتور به شفاخانه وزارت جلیله معارف
  - ۳- ص ، پاینده محمدخان به شفاخانه ژدارمه حضرت امام صاحب
  - ۴- ص ، جلال الدین خان بهیث معاون دکتور شفاخانه مجیس
  - ۵- ص ، محمدانور خان نمبر ۱ بهیث معاون دکتور شفاخانه گذرگاه مربوطه بلدیہ
  - ۶- ص ، محمدانور خان نمبر ۲ بهیث معاون دکتور شفاخانه قلات
  - ۷- ص ، وکیل احمدخان بهیث معاون فنی به موسسه دندان سازی
  - ۸- ص ، غلام علی خان بهیث معاون دکتور ارزگان
  - ۹- ص ، فقیر اللہ خان بهیث معاون دکتور چخانسور
- هشت نفر فارغ التحصیل دورہ ہفتم شوق دواسازی فاکولتہ بعد تکمیل ستو حسب آتی بمراجع ذیل مقرر شدہ اند :-

- ۱- ص ، محمد اسمعیل خان ، و غلام حسین خان دواساز بوزارت جلیله حریہ
  - ۱- ص ، عبد اللہ خان دواساز به موسسات صحتی علی آباد (دواخانہ علی آباد)
  - ۳- ص ، نور محمد خان دواساز بهیث دواساز به مدیریت صحتیہ جنوبی
  - ۴- ص ، سلطان محمد خان دواساز بهیث دواساز به مدیریت صحتیہ مشرقی
  - ۵- ص ، محمد اکبر خان دواساز بهیث دواساز به مدیریت صحتیہ ولایت مزار شریف
  - ۶- ص ، محمد افضل خان دواساز بهیث دواساز به مدیریت صحتیہ حیکومتی اعلیٰ فراه
  - ۷- ص ، محمد یاسین خان دواساز بهیث دواساز به ریاست دیوی عمومی
- هشت نفر فارغ التحصیل دورہ ہشتم فاکولتہ طب کہ پس از اکمال تعلیمات نظری داخل سناژ شدہ اند اسامی شان حسب ذیل است :-

- ۱- ص ، محمد ضیاء خان ، دکتور ستاژیر
- ۲- » ، میر فخر الدین خان ، »
- ۳- » ، سید محمد خان ، »
- ۴- » ، عبد اللہ خان ، »
- ۵- » ، محمد عمر خان ، »
- ۶- » ، محمد اکرم خان ، »
- ۷- » ، عبد الستار خان ، »
- ۸- » ، علی اکبر خان ، »



ع. ج. ا. ع والا حضرت سردار محمد نعیم خان دادا بی حضرت فوق العادہ نمایندہ او مختار وزیر بریلین کینی  
S.A.R. «E. A» Sardar Mohamad Na'im Khan envoyé extraordinaire  
et ministre plenepotentiaire de Sa Majesté à Londres.

داعلی حضرت لوی سفارت په مسکو کښې :-

سفیر : ع ، ج ، ۰۰۰۰۰  
سرکاتب : ص ، غلام احمد خان (نوید)

دافغانی وزارت مختاری په پاریس کښې :-

مختار وزیر : ع ، ج ، ۱ ، انشان والا حضرت سردار شاه ولی خان  
مستشار : ع ، ص ، س ، ع اسلام بیګ خان

دافغانی وزارت مختاری په لندن کښې :-

مختار وزیر : ع ، ج ، س ، ۱ ، والا حضرت سردار محمد نعیم خان  
دسرکاتب وکیل : ص ، عبدالقیوم خان  
سیکرتر : ص ، عبدالرحمن خان

دافغانی وزارت مختاری په روما کښې :-

مختار وزیر : ع ، ج ، عبدالصمد خان  
سرکاتب : ص ، محمد علیخان

دافغانی وزارت مختاری په قاهره کښې :-

مختار وزیر : ع ، ج ، محمد صادق خان مجددی چه په حجاز کښې افغانی مختار وزیر هم دی

دافغانی وزارت مختاری په بغداد کښې :-

مختار وزیر : ع ، ج ، عبدالرحمن خان  
سرکاتب : ص ، تار احمد خان

دافغانی وزارت مختاری په واشنگتون کښې :-

مختار وزیر : ع ، ج ، عبدالحسین خان  
سرکاتب : ص ، سید تاج الدینخان

سبزه نرفارغ التحصيل دوره یازدهم مکتب طبی که تعلیمات نظری خود را تکمیل نموده اند و شامل ستار شده اند اسامی شان حسب ذیل است :-

۱ - ص ، امیر محمد خان معاون ستاریر

۲ - ص ، عبدالله خان »

۳ - ص ، عبدالوهابخان »

۴ - ص ، محمد بشیر خان »

۵ - ص ، حبیب الله خان »

۶ - ص ، عبدالسمع خان »

۷ - ص ، میر غلام حیدر خان »

۸ - ص ، امام الدین خان »

۹ - ص ، میر عبدالله خان »

۱۰ - ص ، محمد موسی خان »

۱۱ - ص ، محمد ایوبخان »

۱۲ - ص ، غلام سخی خان »

۱۳ - ص ، عبدالقدوس خان »

یائزده نرفارغ التحصيل دوره هشتم شق دواسازی فاکولته که جدیداً از تعلیمات نظری خود فارغ و شامل ستار شده حسب آتی اسامی شان توضیح است :-

۱ - ص ، عبدالرحمن خان ۲ - ص ، امام داد خان ۳ - ص ، میر عبدالسلام خان

۴ - ص ، میر شرف الدین خان ۵ - ص ، محمد یوسف خان ۶ - ص ، محمد کریم خان

۷ - ص ، محمد یحیی خان ۸ - ص ، کبیر الدین خان ۹ - ص ، عبدالغفور خان

۱۰ - ص ، نظر محمد خان ۱۱ - ص ، محمد سرور خان ۱۲ - ص ، غلام نبی خان

۱۳ - ص ، محمد زمانخان ۱۴ - ص ، محمد نعیم خان ۱۵ - ص ، میر محمد ایوبخان

تقرر مامورین (معاون و کاتب) شفاخانه جنام خانه بتخاک که عنقریب افتتاح میشود ورود عزتمند کستور طالب بیگ و اشغال وظیفه او به سرویس امراض داخله معاینه خانه گذرگاه ورود عزتمند سلامی آچار متخصص جراحی و اشغال وظیفه او به سرویس جراحی شفاخانهای مربوط ریاست موسسات صحتی

ورود عزتمند کپطان اوغلو متخصص امراض داخله و اشغال وظیفه او به سرویس داخله شفاخانهای مربوط ریاست موسسات صحتی -

## امور صحی ولایت هرات :

- ۱ - نظریه اقدام و مساعی وزارت صحیه افتتاح يك دیپوی عمومی در هرات پیش بینی و عمارت و ادویه لازمه آن تهیه دیده شده است .
  - ۲ - نظریه مساعی دو کتوران مربوطه بفصل خداوند امراض و بائی و استیلائی موقع بروز نیافته و یکی دو حادثه دیفتری ، حمای لکه دار و مرض سگکهار بخوبی جلوگیری گردیده است .
  - ۳ برای مجادله سفلیس که يك مرض مدش بوده و يك شفاخانه علیحده برای آن در نظر است فعلاً در شفاخانه ملکی شق مخصوص برای آن تخصیص داده شده است .
  - ۴ وقتاً فوقتاً در کتب مطبوعات در اطراف ترتیب پروژة صحی ولایت و امراض مخصوصه محلی توسط دو کتوران مربوطه مذاکره بعمل آمده و نتیجه بمقام وزارت جنبله صحیه معروض گردیده است .
  - ۵ - برای اصلاح آب مشروب شهر پروژة علیحده ترتیب گردیده و اگر خدا بخواهد بزودی ممکنه درین قسمت اقدام مفید بعمل خواهد آمد .
  - ۶ - مریضانیکه به شفاخانه معاینه شده و ادویه برده اند قرار ذیل اند
- |            |             |           |           |
|------------|-------------|-----------|-----------|
| شعبه جراحی | امراض داخله | امراض چشم | جمعه      |
| ۷۷۱۱ نفر   | ۷۶۰۲ نفر    | ۵۰۰ نفر   | ۱۵۸۱۳ نفر |
- ۷ - مریضانیکه در شفاخانه ملکی داخل بستر گردیده عبارت از ۳۸۲ نفر اند که از انجمله ۳۰۴ نفر صحت یاب گردیده اند
  - ۸ - مریضانیکه در شفاخانه ملکی جراحی شده اند به ۷۹ نفر بالغ می شوند .
  - ۹ - مریضانیکه به جراح خانه بانسمان شده اند به ۳۰۸۸ نفر بالغ میگردند .
  - ۱۰ - مریضانیکه در شفاخانه مستورات بانسمان گردیده اند عبارت از ۲۷۰۰ نفر میباشند
  - ۱۱ - اطفالیکه در شفاخانه مستورات آبله کوبی شده اند به ۶۲۰ نفر بالغ میشوند .
  - ۱۲ - مریضانیکه داخل شفاخانه مستورات تحت تدایوی گرفته شده اند عبارت از ۸۶ نفر میباشند
  - ۱۳ - مریضانیکه از شفاخانه مستورات ادویه برده اند عبارت از ۸۰۰۰ نفر میشوند .
  - ۱۴ - نظریه توجه وزارت صحیه برای امراض چشم یک نفر متخصص علیحده فرستاده شده است
  - ۱۵ - شعبه سیار شفاخانه وقتاً فوقتاً در اطراف دوردست به تدایوی و مجادله پرداخته است .
  - ۱۶ - در شفاخانه های هرات بر علاوه بسترهای سابقه تر نیمه فناد بستر نیز پیش بینی گردیده است .

مدیریت صحنه میمنه :

۱ : - در سال جاری برای هفت هزار نفر وا کسین ضد چیچک از وزارت صحنه رسیده که از آنجمله به تعداد پنجهزار اطفال وا کسینا سیون ضد چیچک الی ۱۵ دلو گردیده و سلسله آبله کوپی هنوز هم ادامه دارد .

۲ : - به تعداد سه صد نفر الی ۱۵ دلو وا کسینا سیون ضد محرقه شده و سلسله آن ادامه دارد .

۳ : - توسط اخبار و اعلانات وقتا فوقتا هدايات صحی با هالی داده شده .

۴ : - معاینه طلاب مکاتب مرکز میمنه توسط داکتران مرکزی و از اطراف ذریعه شعبات سیار بعمل آمده .

۵ : - ترتیب افتتاح يك دوا فروشی عصری اتخاذ شده که عنقریب افتتاح خواهد شد .

مریضانی که از اول حمل الی ۱۵ دلو طور بستری و یا غیر بستری تداوی شده اند .

۱ : - مریضان بستری ۹۶ نفر، صحت شده - ۷۲ نفر، صلاح ۱۵ نفر ، فوت ۹ نفر

۲ : - مریضانیکه یومیه مراجعه نموده و تداوی شده اند :

امراض جهاز هضمی، تنفسی، طرق بولی، دمو، امراض گوش و گلو و بینی و چشم، امراض جلدیه، ولادی و تناسلی، امراض عقلی و عصبی و غیره حسب ذیل اند :

ذکور	۳۰۸۱ نفر	اناث	۱۱۹۱ نفر	اطفال	۱۷۱۴ نفر
------	----------	------	----------	-------	----------

امراض ساری، استیلانی و غیر استیلانی :

ذکور	۱۹۲۳ نفر	اناث	۸۷ نفر	اطفال	۸۰۸ نفر
------	----------	------	--------	-------	---------

پانسمان شدگان : -

ذکور	۲۷۹۲ نفر	اناث	۳۳۶ نفر	اطفال	۱۱۷۰ نفر
------	----------	------	---------	-------	----------

عملیات جراحی - ۶۳ نفر

## امور وزارت پست و تلگراف و تلفون

اجراآت مهمه وزارت پست و تلگراف در سال ۱۳۲۴ قرار ذیل است :

### الف - شق پست :

۱ : - تکت های پستی از عصر اعلیحضرت امیر شیرعلی خان مرحوم الی عصر حاضره اعلیحضرت المتوکل علی الله محمد ظاهر شاه در البه های مخصوص مرتب شده ، چنانچه تاریخ تکت ها از سنه ۱۲۸۸ الی سنه ۱۳۶۵ که وزارت پست مرتب نموده است معلوم می شود که افغانستان از (۷۸) سال پیشتر تکت پستی داشته است .

۲ : - از مدیریت عمومی پست چنین تجویز شده که مراسلات عادی را کنترول نمایند ، باین ترتیب که مامورین غرفه جات اخذ محصول مکاتیب عادی را بعد از اخذ محصول ونصب تکت معینه ومهر بطلان واپس برسل تجویز بدهند که خود مرسلین مکاتیب مذکوره را بصندوق مخصوص که کلید آن یک شعبه دیگر تماس دارد ببندازند ، در آخر وقت که اخذ مراسلات خاتمه پیدامی کند مامورین شعبه صادره مکاتیب عادی را از صندوق مخصوص آن بیرون کشیده وبشعبه مربوطه خود آورده وراپورت آنرا بمدریت اداری پست میدهند نظیر آن غرفه که مراسلات مذکوره را پذیرفته وتکت نموده آنها را پورت بمدریت اداری پست میدهد که مدیریت موصوفه به این اجراآت از هر گونه سوء اجراآت مامورین ماتحت اگر واقع شود جلوگیری میتواند .

۳ : - قبل ازین در سنوات گذشته ارسال ومرسل مراسلات در خط خان آباد هفته دو مراتبه جاری بود ، البته پسته های یک وقت معینه برجعاتش واصل وتوزیع میگردد ، برای اینکه در سرعت پسته های مذکور با این هم ترتیب بعمل آید ، در جریان سال جاری هفته سه مراتبه تعیین وتحت اجرا گرفته شد .

۴ : - ارسال ومرسل مراسلات در خط بین کابل وجنوبی که قبل ازین هفته یک مراتبه بود برای اینکه سریعتر شده باشد وزودتر برسل الیهارسیده باشد هفته دو مراتبه بعمل آمد .

۵ : - هکذا خط مشرقی واسمار که سابق هفته یک مراتبه در جریان بود در ظرف سال جاری هفته دو مراتبه جاری شده .

۶ : - مدیریت عمومی پست توانسته است که احصائیه های مرسلات پستی از قبیل مراسلات نمونه های مال التجاره مطبوعات اوراق کار آمد مراسلات بازگشتی و مراسلات احصائیه های واردات پستی مرکرو ولایات با جزویات آن مثلاً علاقه اربها وفروش تکت های پسی و محصولات



رسمی ویرنگت و محصول پارسلات وارده انواع مراسلات نمبر داخله و خارجه و احصائیه اوزان  
پستی خطوط موتررو سوار و پیاده و احصائیه تعطیلات پستی احصائیه حاملین پستی احصائیه وسائل  
و سامان پستی و احصائیه مکاتیب عادی و غیره را مرتب نموده .

### ب - شق تیلیفون :

وزارت پست در سال جاری مدیریت تیلیفون را تحت اثر مدیریت عمومی تیلیفون بند و مدیریت ،  
تخنیکي و دوم اداری و در تحت اداره این دو مدیریت شعبات تشکیل و اجرا و انجام وظایف  
هریک را تعیین و به شعبات مربوطه آن سپاریده است .

### مدیریت تخنیکي :

ترتیب احصائیه عمومی آلات نصب شده و غیره سامان مربوطه تیلیفون نهالین هاسو چپورد  
و امپلیفایرها را مرکرو ولایات .

۲ ترتیب پلان توسعه لین ها تیلیفون ها امپلیفایر و غیره آلات مربوطه هم توسعه آلات و سامان  
نصب شده موجوده .

۳ ترتیب و تنظیم مکتب تیلیفون و میخانیک های تیلیفون .

۴ تهیه و بدست رس گذاشتن نقشه ها و باقی هدايات سوچ بورد نهالین ها و تیلیفون ها .

۵ ترتیب و تنظیم تحویلخانه های شعبات مربوطه و ضمناً مراقبت سامان تخنیکي .

۶ توسعه و رک شاپ (شعبه تخنیکي ترمیم) موجوده و تهیه سامان و آلات که وقتاً فوقتاً  
مورد ضرورت واقع شده و می شود .

۷ معاینه و اصلاح بعضی نواقص سوچبورد ها تیلیفون ها .

۸ ترتیب دفتر احصائیه سامان و آلات مصرف شده .

۹ ترتیب دفتر اردر و فرما یسهای سامان و پرزه جات مورد ضرورت و توريد آن ،

۱۰ ترمیم و اصلاح هرگونه تیلیفون سوچ بورد ها و ماشین های تخنیکي تیلیفون .

۱۱ تیلیفون و سوچبورد های داغمه و مستعمل تحویلخانه را اصلاح و قابل کارنمو دن .

۱۲ تهیه سوچبورد های جدید و تیلیفون و سامان فالتوی آن .

۱۳ ترتیب احصائیه آلات و غیره سامان تیلیفون و لین .

۱۴ نصب و یکبار انداختن سوچبورد ها تیلیفون ها و غیره آلات جدید تیلیفون .

۱۵ ترتیب دفتر تنظیم ساعات کار اگوملیتر های تحت کار تیلیفونخانه های مربوطه

و باخبری در اطراف تیزاب و غیره خصوصیات اگوملیتر های مرکز .

- ۱۶ - باخبری در اطراف آلات زنگ ریلی فیوزها و لامپها را در یک نفر یا دو نفر سوچوردهای مرکز
- ۱۷ - بر آوردن نمودن سامان نصب و تمديد شدن تلهفون وغيره در مرکز بحضور نماینده تفتيش
- ۱۸ - اصلاح کيبل های ناقص شده و ترتيب منظم
- ۱۹ - كنترول مخابرات تلهفوني بوقت مخابرات رسمي كه مخابرات شخصي صورت نگرفته باشد
- ۲۰ - مراقبت اخلاق و تهذيب تلهفوني های لين مين ها و نگران های مرکز
- ۲۱ - در سال ۱۳۲۴ نسبت باینكه مشترکین تلهفون از قبیل دواير رسمي موسسات ملي و تجار انفرادی وغيره رو بازديد گذاشته و در سوچ بورد های سابقه کدام نمره فالتو موجود نبوده توانستيم كه يك عدد سوچورد جديد بکصدويست ليته سنترال بتری نصب و درخواست کننده گان را مشترک و تلهفون داده باشيم
- ۲۲ - باوجود يکجه برای قوی ساختن مخابرات تلهفوني بين کابل و هرات به تعداد پنج پايه ماشين های امپلفاير نصب بود برای اینکه اواز متکلم به مخاطب خوب تر رسیده و مطلب بهتر مفهوم شده باشد يك پايه ماشين جديد امپلفاير در نقطه گرشك مربوط ولايت قندهار نصب و بکار انداخته شده چنانچه تاحال ماشين مذکور اجراآت می نماید
- ۲۳ - طوریکه در سال ۱۳۲۳ شرح داده بوديم كه به سرك جديد تنگی غار از سرسروبی به تنگی ابريشمی لين جديد الی جلال آباد تکميل شده است لذا در امسال ۱۳۲۴ از مرکز کابل برای ماهی بره پايه های آهنی لين مذکور را در سرسروبی وصل و مخابرات را ساين کابل و جلال آباد وصل شده يعنی از مرکز کابل كه زنگ زده ميشود جلال آباد بدون سلسله سوچورد ها - جواب میدهد هكذا جلال آباد كه زنگ بزند کابل جواب میدهد بعد مسافه لين جديد از کابل الی سرسروبی بيخجاه ميل از اين جديد مخابرات تلهفون تلگراف بدرستی کار گرفته ميشود
- ۲۴ - نظير آن حينكه بعضی رباط های ارض را هم مذکور از قبیل سوچورد سروبی كه از سرك جديد دور افتاده بود برای باخبری لين ها و بسهولت به وسایل حمل و نقل و عابرين سوچورد - منصوبه آنجا برداشته به حدود گردابی به لين جديد تنگی ابريشمی انتقال داده شد كه گویا لين قديم و لين جديد از موضع جديد كنترول ميشود
- ۲۵ - قبل از اين مخابرات جبل السراج از چهار ريكار برای پل مترك و گلبهار بحكمومت كلان پروان جريان داشت كه نسبت به بعضی علل اساسی نبود و طوریکه لازم بود جريان مخابرات شده نمی توانست اکنون بر طبق اصولات فنی لين مذکور را از چهار ريكار راسابه گل بهار از راه پايان ويل سعدا لله وسيد خيل ار تباط داده شد كه از مرکز گلبهار هم بحكمومتی كلان پروان و پنجشير وهم به جبل السراج مخابراته جاري شد

۲۶ - منطقه گلستان مربوطه حکومتی اعلی فراد که قبل از این بجز از ار سال و مر سول بستی کدام مخا بره با حکومتی اعلی فراد نداشت در سال ۱۳۲۴ تصمیم گرفته شد که یک لین تلفون به علاقه داری مذکور تمدید گردد چنانچه لین مذکور را بقا صله (۵۰) میل از حدود دل آرام الی گلستان تمدید و مخا برات تلفونی بین حکومتی اعلی فراد و گلستان جاری گردید .

۲۷ - یک قسمت لین های عمده تلفون از شیوه الی چغه سرای و سمار به انداز (۳۸) میل کاملاً تجدید و دوباره تمدید گردید .

۲۸ - در زمان قبل از جنگ هر قدر سامان که برای مرکز سو چوردهای سنترال بتری و غیره ذخیره داشتیم در زمان جنگ با وجود بعضی جزویات را بدست آورده ایم کاملاً مصرف و یک قسمت کمی که باقی مانده البته مصرف خواهد شد ولی برای اینکه سو چوردهای موجوده سنترال بتری مرکز و شهر نو وزارت خانه ها و غیره اساساً استوار و برقرار باشد یک قسمت بزرگ سامان کار آمد و فالتوی آنها فرمایش داده شده چیزی رسیده و بقیه ممکن است بزود ترین وقت وارد شوند .

۲۹ - در مرکز یک شعبه کوچک ترمیم جدید وجود آورده شده بود که عندا للزوم تلفون ها سو چوردها و غیره سامان ملحقه را ترمیم و دوباره قابل کار می ساختند اینک در سال ۱۳۲۴ وسعت داده شده .

۳۰ - به اثر پیشنهاد وزارت پست و رویت قیمت های و کتلاک ها مرکز سو چوردهای تلفون اتوماتیک که از امریکاء و سویدن و لندن بدست آورده بودیم در مجلس عالی وزراء رویت و منظور فرمودند که یک دستگاه پنج هزار لینه مرکز سو چوردهای برای مرکز کابل خریداری شود چنانچه برای اجرا و انجام و فرمایش مرکز جدید وزارت پست داخل اقدامات است .

۳۱ - قبل از این در مرکز کابل وسیله زنگک برای تلفون های مربوطه سنترال بتری ذریعه ( پول چنجر ) از بتری و ذریعه یک موتر برقی بوده که از برق بتری ها و برق عمومی استفاده می شد چون بتری ها از عرصه چندین سال تحت کار بوده و علاوه بر بیکار انداختن پول چنجر یک وظیفه عمده دیگر را که رساندن آواز متکلم به مخاطب است انجام میدهد طبعاً از قوه اش کاسته و ضریقه لازم است بهمان ساعت معینه کار کرده نمی توانست برای اینکه بمواز نه قوه آن یک ترتیب نگه داشته شود تجویزی اتخاذ و یک آلله مخصوص توسط متخصصین مربوطه ترتیب داده شد که یک قسمت کار را از قسمت بتری ها کم و بالای آلله مذکور انداخته شود چنانچه تجویز مذکور عملی و فعلاً هم آلله

مذکور تحت کار است تاموتر مذکور بقسم فالتو موجود بوده و بوقت ضرورت از آن کار گرفته شود.

۳۲ - برای امتحان لین های تلیفون های مرکز کیبل ماشین موجود است که توسط بتری خشک - مخصوص بکار انداخته شده و هر روز از طرف صبح لین های موجوده امتحان میشود چون از يك طرف بدست آوردن بتری مذکور مشکل و از طرف دیگر بتری های موجوده و ذخیره سابقه بصرف رسیده و هم حسب مرعات اقتصادی که بتری خشک مصرف زیاد داشته و بوزارت پست گران تمام می شد از طرف متخصصین مربوطه چنین تجویز شد که يك اله مخصوصه ترتیب و عوض بتری های مذکور بکار انداخته شود چنانچه اله مذکوره ترتیب و ساخته شده تحت کار گرفته شد که تا الحال کار خود را داده و برای آینده هم از آن استفاده خواهد شد.

مدیریت اداری :

- ۱ - قید کردن انواع واردات سنویه و ماضیه بدفاتر تحصیلاتی.
- ۲ - ترتیب حساب انفرادی برای بیشتر کین تلیفون.
- ۳ - ترتیب تابلوهای واردات تفریق انواع واردات.
- ۴ - قبل از بسر رسیدن موعد معینه راجع به تادیبه محصولات تلیفون زرايع ممکنه به مشترکین تلیفو اعلام نمودن.
- ۵ - قید جمع نمودن جرایم محصولات تلیفون.
- ۶ - تطعم و نصب تلیفون های که در اثر درخو است اشخاص مشترک صورت می گیرند.
- ۷ - شرکت ها و سفارت خانه ها نیکه خارج منطقه بلديه مخابره می نمایند نمبر دادن و کنترل مخابره آنها را نمودن و در آخر هر ماه فارم آنها را مرتب و برای تحویل پول بمرجع اتش فرستادن.
- ۸ - راپورت محصولی مرکز راپومیه از يك روز رافرا دی آن در داخل دو نسخه گرفتن و بعد تطبیقات یکی آنها را به کیبل و دیگران را بکنترول خارجه فرستادن.
- ۹ - مراقبت واردات.
- ۱۰ - گرفتن راپورت عایدات تلیفون به تفریق رسمی و شخصی محصولی و بعد تطبیقات قید دفتر نمودن و راجع بکسرات آن اقدامات نمودن.
- ۱۱ - ترتیب جداول مامورین تلیفونی و غیره با هویت آن.
- ۱۲ - تحقیقات در اطراف شکایات محصولات دهنده گان.

« اجراءات شق محصولی »

- ۱ - اخذ نمودن محصولات تېلفونهای محصولی .
- ۲ - ترتیب راپورت عایدات یومیه بشامل دونهغه وسنجش ابتدائی آن .

ج : مدیر تخنیکي ټیليگراف :

۱ - قبل از این تمام امور ټیليگراف از مدیریت اداری ټیليگراف اجرا ولی نسبت باینکه امورات اداری چیزی و تخنیکي چیزی دیگر است برای رفع مشکلات امور فنی تصمیم گرفته شد که شعبات مذکور علیحدہ و علیحدہ و هر کدام بوظیفه که برای شان تعین شده داخل اجراآت گردند چنانچه از ابتدای سال ۱۳۲۴ - يك مدیریت بنام اداری و يك مدیریت بنام تخنیکي تاسیس شد که لایحه وظایف ترتیب و محول شدند که به همان اساس امور تخنیکي را ادامه بدهند چنانچه از ابتدای سال الی حال مدیریت موضوعه وظایف خود را انجام میدهند .

۲ - برای بیکار انداختن استیشنهای برود کاست ټیليگراف خانه يک توت علاوه از آنکه دیزل موجود داشتند برق های تنش توسط لین های هوائی برای شان میرسد که ازان امورات خود را انجام میدادند ولی از طرف دیگر که کبیل های تنش تحت الارضی ازبست استیشن های ټیليگراف خانه يک توت - تمدید شده بود نسبت بعدم سامان ازان کار گرفته نشده بود در سال ۲۴ و قتیکه سامان مطلوبه تکمیل شد سوچ بورد ترانسفارمر و غیره سامان ملحظه آن نصب و از برق تحت الارضی مذکور کار گرفته شد زیرا واضح بود که لین هوائی نسبت به بعضی عوارض از قبیل برف باران بادو غیره نقص واقع و سکنه در امور مخابراتی خارجه تولید می نمود اینک باین وسیله البته از حدوث عوارض مذکور جلوگیری خواهد شد .

۳ - اساساً طوریکه ملاحظه می شد در بدو نصب دستگاه بزرگ ټیليگراف يک توت يك عدد جنریتر برای گرم نمودن فلیمینت های چراغ های کوچک و بزرگ دستگاه مذکور نصب و ازان بصورت مسلسل کار گرفته می شد و درین اواخر برای حفظ ما تقدم چنین جنویز شد که يك عدد جنریتر دیگر هم خواسته و تحت کار انداخته شود تا با ترتیب از هر دو کار گرفته شود چنانچه در سال ۱۳۲۴ ماشین مذکور از خارج وارد و تحت کار گرفته شد نظیران يك عدد اله ستار تر که قبلاً فرمایش داده شده بود از خارج وارد و به ټیليگراف خانه يک توت نصب و بیکار انداخته شد که فعلاً هم تحت کار است

۴ - آخذہ که قبل از این به ټیليگراف خانه مهتاب قلعه نصب و مخابرات را از خارج اخذ می نمود . کفایت نکرده و در صد دبودیم که تعدادی اخذہ هارا اضافه نموده و خرات را طوریکه لازم است اخذ نمائیم در این اواخر که فرمایشات وزارت پست از خارج واصل شد

- ۵- يك عدد ریسور جدید (آخذہ) کلان بامداد اخذہ های سابقہ نصب و تحت کار گرفته شد . چون در مدیریت تخنیکي تلگراف کہ جدید التأسیس بودہ کدام شعبہ ترمیم اساس موجود نداشتند تصمیم گرفته شد کہ يك شعبہ بنام لابراتور اساسی تشکیل و ما مو رین مربوطہ گذاشتہ شوند کہ ترمیمات متعلقہ تلگراف راتحت اجرا گرفته باشند چنانچہ اطانی های لابراتور مذکور را طوریکہ متخصصین فن نظریہ داده بودند تعمیر و سامان ملحقہ بہ لابراتور مذکور فرمایش داده شد ممکن کہ بعد از مدتی کمی وارد لابراتور مذکور شروع بیکار نماید .
- ۶- چون يك قسمت سامان فالتو برای دستگاہ بیسیم و غیرہ خود موجود بود ولی با آن ہم يك عده از سامان فالتو و کارآمد دستگاہ های بیسیم و سیمدار مرکزی و اطرافی نیز بہ خارج فرمایش داده شد کہ برای ایندہ کدام مشکلاتی تولید نشدہ باشد .
- ۷- چون در مرکز جلال آباد بدون از تلگراف سیمدار کدام مرسلہ بیسیم موجود نبود يك دستگاہ تلگراف بیسیم ہم در مشرفی نصب و تحت کار گرفته شدہ و توسط مامورین فنی بمرکز جلال آباد نصب و مخابرات آن بمرکز جاری شد .
- ۸- برای اینکہ در مخابرات تلگرافی بین کابل جلال آباد و طوزخم و کابل و سپین بولدک کہ بتعداد زیاد می باشد سهولت بخشیدہ باشد تجویز شد کہ مثل دنیای متمدن المبتلی برتر کہ از طرف تلگراف مقابل تلگرامات را توسط تاپ مخابرہ می کنند بدفتر مقابل خود بخود بدون امداد کدام تلگرافی تلگرامات مذکور اخذ و بہمین ترتیب مخابرہ می کنند فرمایش آن داده شدہ .
- ۹- در سنہ ۱۳۲۴ کہ امور تلگراف توسعہ و ہم در سال های ما بعد يك عدد بزرگ استیشن های بیسیم و غیرہ در مرکز و اطراف نصب میشوند نفر موجودہ کفایت ننکرده وزارت پست مجبور شد کہ برای انجام امورات مذکور نفر تہمیہ و قابل کار ساخته باشد در این اواخر بانضمام حکومت بوزارت جلیلہ معارف امر داده شدہ کہ بہ تعداد (۷۵) نفر از طلاب فارغ التحصیل مختلف صنوف برای تحصیل فن تلگراف بہ وزارت پست تخصیص بدهد تا مرتباً داخل کورس گردیدہ و بہ تحصیل فن مطلوبہ صرف مساعی نمایند چنانچہ احکام مذکور صادر و امید است در این نزدیکی ہا عملی گردد .
- ۱۰- قبل ازین کہ حسب مقتضیات وقت و زمان يك دستگاہ بزرگ تلگرافی و تلیفونی برای مخابرات ممالک خارجہ و چندین دستگاہ کوچک برای مخابرات ولایات داخلہ از قبیل ہرات کابل دایرنکی و خوست موجود بود کہ کارات مخابراتی چہ از داخلہ و چہ از خارجہ توسط آنها انجام می یافت ولی امروز طوریکہ ملاحظہ می شود تمام امور مخابراتی روبہ ترقی و دستگاہ موجودہ نمی توانست کہ ۲۴ ساعت جاری باشد و ہم ممکن است بعد

دافغانی وزارت مختاری په چین کښې :

مختار وزیر : ع ، ج حبیب الله خان «طرزی»

دافغانی ژنرال قونسلگری په دهلی کښې :

ژنرال قونسل : ع ، ص غلام محمد خان  
سرکاتب : عبدالحمید خان

دافغانی ژنرال قونسلگری په مشهد کښې :

ژنرال قونسل : ع ، ص عبدالرؤف خان  
سرکاتب : عبدالغنی خان

دافغانی قونسلگری په بمبئی کښې :

قونسل : ع ، عبدالرحمن خان  
سرکاتب : ص ، میرامان الله خان

دافغانی قونسلگری په کراچی کښې :

قونسل : ع ، محمد یونس خان  
سرکاتب : ص ، سید محمد امین خان

دافغانی دوېزي ماموریت په پېښور کښې :

دوېزي مامور : ص ، محمد قیوم خان  
سرکاتب : « ، غلام قادر خان »

دافغانی دوېزي ماموریت په چمن کښې :

دوېزي مامور : ص ، گلاب شاه خان

ازین مخابرات تیلگرافۍ و تیلفونی باممالک دور ترین از قبیل امریکاء و بعضی نقاط دیگر طوریکه لازم است صورت بگیرد البته واضح است که د ستگاه موجوده کفایت انرا کره نتوانسته و لازم بود که یک دستگاه بزرگتر برای امداد د ستگاه موجوده و تکافوی مخابرات اضافی که روز افزون است خریداری گردد و از طرف دیگر که بعضی ولایات داخلی مابرای مخابرات تیلگرافۍ و تیلفونی کدام د ستگاه بیسیم موجود نداشت لازم بود که این مشکلات رافع و درموقعات سقوط لین های تیلگرافۍ و تیلفونی از آنها کار گرفته شود چنانچه ترتیبات مقدماتی یک دستگاه بزرگ تیلگرافۍ و تیلفونی برای کابل و هفت دستگاه کوچک برای اطراف از قبیل جلال آباد و قندهار، فراه، پل خمری، خان آباد، بدخشان و گردیز گرفته و بحضور مجلس عالی وزراء تقدیم و منظوری حاصل شده چنانچه اوامر لازمه و فرمایشات آنها داده شده که بعد از یک موعده معین بمرکز واصل و بموضعات معینه نصب خواهد شد مزید بران تصمیم گرفته شد که اوامر تعمیر استیشن های مذکور داده شده تا بوقت رسیدن دستگاه های مذکور تکمیل گردند .

۱۱- قبلاً تماماً مخابرات که قابل مخابره بوده و یا مخابراتیکه قابل اخذ بوده بداخل نقاط داخله- مملکت که دستگاه تیلگراف بیسیم موجود دارند از تیلگرافخانه های بیسیمیکه توت و مهتاب قعله عملی می گردید مگر در سال ۱۳۲۴ تماماً تیلگرامات مذکور از دفتر مرکزی مخابره و اخذ می گردد .

۲- ترتیب احصائیه عمومی الایات و غیره ماشینهای نصب شده و یا نصب میشود .

۱۳- ترتیب دفاتر منظم عمرچراغهای تحت کار دستگاه های بیسیم مرکزی و ولایات .

۱۴- مراقبت داشتن لینهای تیلگراف و اجراءات لازمه آنها .

۱۵- ترتیب دوسیه شایعات بین المللی و توزیع آن به تیلگرافخانه های مربوطه .

۱۶- نصب و بکار انداختن آلات و ماشینهای که جدید وارد میشود به موضعات مطلوبه و تهیه نقشه و دایگرامهای آن .

۱۷- ترتیب پلانهای لازمه برای توسعه دادن تیلگراف بیسیم و سیمدار .

۱۸- اجراءات و امتحانات تیلگرافۍ به دستگاه جدید الاربط .

۱۹- ترتیب و تنظیم مکتب تیلگراف بیسیم و سیمدار و ترتیب پروگرام تعلیمی آن .

۲۰- تنظیم و بکار انداختن لابراتور فنی تیلگراف .

۲۱- نگرانی دستگاهها و اصلاح نمودن در صورت وقوع نواقص .

۲۲- ترتیب دفتر احصائیه سامان مصرف شده .

۲۳- « « فرمایشات سامان و پرزدهات قابل ضرورت و ترتیب تشریح و مراقبت آن .



- ۲۴ - فرستادن سامان و پرزدهات فنی به تیلگراف خانه های مربوطه بوقت ضرورت .  
حصه مدیریت اداری تیلگراف :
- بدفتر مرکزی اداری احصائیه برای راجع تر عناوین تیلگرافی جدید مرتب داده شده است که ادرس های چند ساله آینده هم به عناوین اشخاص مرتب میشوند .
- ۲- درخواست مربوطه حکومت اعلی جنوبی که برای دستگاه تیلگراف بی سیم اطاق های اساسی وجود نداشت ترتیبات گرفته شد که تعمیر آن اساسی و مطابق نقشه معینه تعمیر گردد چنانچه کار آن جاری و در شرف اختتام است .
- ۳- در اسپین بولدک ولایت قندهار در نقطه سرحدی که تیلگراف خانه منظم عصری موجود نبود در سال ۱۳۲۴ که کار تعمیر جدید عصری آن آغاز شد فعلا خاتمه پیدا نموده و تیلگرافخانه بانجا مستقل و مامورین آن انجام وظیفه مینمایند .
- ۴- ترتیب بیلاس عایدات عمومی .
- ۵- ترتیب دفتر عایدات عموم تیلگرافخانه ها .
- ۶- ترتیب دفتر احصائیه عموم تیلگرامات تیلگرافخانه های مربوطه .
- ۷- مراقبت و تفتیش یومیه در اطراف مخابرات تیلگرافی و غیره امورات مربوطه .
- ۸- ترتیب دفتر استهلاك عمومی دستگاهها و تعمیرات مربوطه تیلگرافخانه ها .
- ۹- ترتیب دفتر مامورین تیلگراف .
- ۱۰- ترتیب و حفظ هدایات و قوانین و غیره متحدالامال های قابل تعمیل .
- ۱۱- ثبت اجراءات و امورات لازمه مهمه در کتاب رویداد مدیریت .
- ۱۲- تکمیل و اجرای ترمیمات تعمیرات مربوطه مدیریت تیلگراف .
- ۱۳- تحقیقات و اجراءات در اطراف اغلاط تیلگرامات صادره وارده .
- ۱۴- مراقبت در اطراف اخلاق و اجراءات و یا بندی مامورین تیلگراف
- ۱۵- سنجش الفاظ شماری و محصولات تیلگرامات مطابق به قاعده بین المللی و نرخ نامه معینه آن .
- ۱۶- ترتیب دفتر اساس و سنجش ابتدائی آن و سپردن راپورت های مذکور به چک افس و کنترول وزارت .
- ۱۷- تابلوی ماهوار و تطبیق نمودن آن بخزانة .
- ۱۸- ترتیب کتاب ادرس تیلگرافی و تحصیل پول و غیره اجراءات اصولی آن بدوایر مربوطه .
- د- شق مدیریت ارتباط و محاسبات خارجه :
- مدیریت ارتباط و محاسبات خارجه در سال ۱۳۲۴ توانسته است که فقرات ذیل را انجام بدهد .
- ۱- حسابات تیلگرامات وارده و صادره سال ۱۹۴۴ و ۱۹۴۵ هند ترتیب و راجع بتادیات آن حل و فصل گردیده .

- ۱۲۲

- ۲۳ - پرداخت تادیات به معمالک خارجه بابت معاملات امور زمینی و هوائی و پارسلات و تبلیغات .
- ۲۴ - ترجمه بفارسی تماما مکاتیب سفارشی و عادی مطبوعات و پارسلات و غیره وارده معمالک خارجه که به شعبه وارده مبرسند .
- ۲۵ - ترجمه مکاتیب انگلیسی و فرانسوی بفارسی و بالعکس از فارسی به لسانهای مذکور .
- ۲۶ - « فارسی مقررات مربوطه قوانین پوستی تبلیگرافی و پارسلات بین المللی .
- ۲۷ - اقدامات جهت تحصیل پولهای باقی ذمت سفارت خانه های خارجه مقیم کابل بابت سنوات گذشته .
- ۲۸ - موافقه در باب تبادل مجانی خریطه های سیاسی بین حکومت پادشاهی افغانستان و دولت اتا زونی امریکه .
- ه شق مدیریت اجرائیه :

۱ - قبل از این در حدود مقابل ولایت کابل يك تعمیر كوچك برای پسته خانه شهری موجود داشتیم ولی برای اینکه آبادی زیادی در حدود ده افغانان و نژدیکي های دروازه عمومی ولایت کابل بعمل آمده پسته خانه شهری نقل داده شود يك موضع را در آنجا خریداری و ترتیبات ساختمان يك تعمیر عصری برای پسته خانه مذکور گرفته شد چنانچه تعمیر مذکور را در سال ۱۳۲۴ توسط شرکت عمران تکمیل گریده که قسمت فوقانی آن دارای شش اطاق و قسمت تحتانی آن دارای شش دکان می باشد -

۲ - چون در عمارت موجوده وزارت پست به کمی اطاق و گراج محسوس گردید تصمیم گرفته شد که از يك حصه زمین فالتوی وزارت پست استفاده نموده و احتیاجات خود را تاحد ممکنه تکمیل نمائیم - چنانچه يك عمارت که قسمت تحتانی آن دارای سه عدد گراج و قسمت فوقانی آن دارای چهار اطاق است در خود وزارت پست تعمیر و تکمیل گردیده .

۳ - در حکومتی کلان غرنی يك تعمیر عصری برای دوا پرستی و غیره قبلا موجود نبود در سال ۱۳۲۴ تعمیر عصری پسته تلفون و تبلیگراف آغاز و کار آن قریب ختم است .

شق مدیریت کنترول وزارت پست :

مدیریت کنترول وزارت پست از ابتدای سال ۱۳۲۰ به این طرف توا نهسته است که حسابات ادارات تخنیکي و اداری را حسب مطلوب ترتیب و انجام بنماید چنانچه تا بلوی سنوات سابق از سال ۱۳۱۹ و ۱۳۲۰ و ۱۳۲۱ را در سال ۱۳۲۲ ترتیب داده و کذا حسابات سال ۱۳۲۲ الی ۱۳۲۴ تصفیه و تابلو های ماهواره را حسب نظریه وزارت مالیه در اوایل ماه نو بوزارت مالیه سپرده است به اساس آن الی اخیر سال ۱۳۲۴ عموماً تابلو ماهواره وزارت پست و تبلیگراف و تلفون با وجود یکه ادارات وزارت پست شقوق تخنیکي است تابلو های ماهواره را رونقی داده که در اختتام برج تابلو مرتب و بوزارت مالیه تقدیم شده است .

### مخابرات ولایت قطغن :

- ۱ : - يك لين تېلفون طور اساسی و اصولی از قندوز بطرف حضرت امام صاحب تمديد گرديده که در برج دلو سال جاری مخابراته در آن جريان یافته .
- ۲ : - ترميم و اصلاحات لين عمومی از يلخمری الی خان آباد بمسافت ۳۴ کروه
- ۳ : - در شهر نوی بغلان يك سو چپورد پنج لینه نصف گرديده که اذان برای عموم دوائر مربوطه ولایت لين داده شده .
- ۴ : - برای اینکه مخابرات تېلفون فيما بين حضرت امام وقندوز ر قلعه ذال طور مطلوب جريان داشته باشد ، دراب دریای قندوز يك سو چپورد پنج لینه نصف ولین قندوز و حضرت امام و قلعه ذال به آن وصل گرديده .
- ۵ : - بواسطه که مخابرات شرکت قندبدون کدام معطلی اجراء شده باشد . حسب امریه مقامات مربوطه برای شرکت مذکور يك سو چپورد (۱۰) لینه نصف ولین های دوائر شرکت مذکور به آن وصل گرديد .

### امور مخابراتی حکومت اعلای بدخشان :

تمديد لين تېلفون از حصه مرکز حکومت اعلی الی کوف درواز که يك موقع کهسارو سرحد برف گیر بوده فعلاً تا خواهان امتداد یافته که علاقه داری خواهان و اهالی آنجا ازان استفاده کرده میتوانند و پایه های آن تابخود کوف نصب گرديده .

## امور معادن

وزارت معادن در جریان سال ۱۳۲۴ متناسب به توان و وسایطی که برایش مهیا و ممکن بوده اقدامات خود را به تعقیب اجراءات گذشته در قسمت بلند رفتن عایدات و بهبود و اصلاح امور معادن جاریه دوام داده و چون اجراءات این شعبه به صنایع سنگین تعلق میگیرد اجراءات خود را بدون وسایل ماشینری و خارج تطبیقات تخنیک طوریکه لازم است پیش برده نتوانسته و بوضعیت فعلی جز نتایج محدود مرام حقیقی بدست نمی آید، از آنجا که پیشرفت و ترقی مسایل معدنی به فن و وضعیت ارتباط مستقیم دارد و منوط و مربوط به تحقیقات جیالوجی، و نقشه برداری و برمه کاری و غیره عملیات فن میباشد تا زمانیکه ذخایر و قابلیت استخراج معادن مملکت عزیز ما از روی عملیات و اکتشافات فنی بدرجه اثبات نرسد اقدام در امور استخراج بالوازم غیر فنی مسئله قبل از وقت بوده بسا اوقات نتایج آن منجر به خساره فاحش و نا کامی بزرگ میگردد به همین جهت تمام رشته های متعلق به کار معادن ایجاب تشکیل مؤسسات فنی و موجودیت متخصصین و تهیه اوازم ضروریه و آلات تخنیک را مینماید که در ایام جنگ بواسطه موجود نبودن وسایل لازمه عملی کردن پروگرام کشفیاتی و استخراج معادن معطل ماند و اکنون که جنگ دنیا ختم گردیده وزارت معادن مجدداً احتیاجات ضروری خود را بمقامات رفیعہ پیشنهاد و به استخدام گروپ های متخصصین و تورید سامان و آلات معدن کنی داخل اقدامات میباشد.

اجراءاتی را که این وزارت در جریان سال ۱۳۲۴ بادر نظر داشتن مشکلات فوق توسط چند نفر متخصصین قبیل داخلی و سامان ساده معمولی بعمل آورده باصورت واردات و اوضاع چگونگی معادنیکه تحت کار و عمل میباشد بطور اختصار در ذیل شرح داده میشود :-

۱- راجع به امور معادن نمک : این امر به تحقیق و اثبات رسیده که مهمترین و بزرگترین معادن موجوده مملکت عزیز ما نمک طعام بود و تا حال دیگر معادن مکشوفه ما از حیث مقدار و ذخایر کافی و اندازه عایدات و رفع حوائج ضروریه با معادن نمک رقابت کرده نتوانسته و فعلاً بقسم سرچشمه وارداتی وزارت معادن به سرمایه مملکت مقادیر بزرگی میرسانند.

(۱) معادن نمک نوع سنگی : معادن نمک ولایت قطن و بدخشان که جنساً از رقوم سنگی و معدنی

بوده و در نواحی نمک آب و چال و قراق و کلفگان وجود دارند دارای مخازن بسیار وسیع و از قدیم الایام در تحت کار بوده و استخراج آن بیک پیمانه بسیار وسیع رفع احتیاجات مهم حیاتی را میکند با وجودیکه معادن مذکور به احتیاجات بشری از قرنهای باین طرف خدمت نموده و در اثر حفر گودال های نامنظم و بی ترتیب غیر فنی سالانه در حدود ۱۰۰۰۰ تن (وزن هر تخته تقریباً ۳ تا ۴۰ کیلوگرام) استخراج میشود باز هم این نمک استخراج شده در مقابل ذخایر طبیعی

معدن يك مقدار خېلي جزوی بمشاهده ميرسد پس ميتوان گفت كه نظريه وسعت ذخاير آن به اولاد آينده اين خاك نيز تازمان متمادی خدمات زياردرا انجام داده ومقاد هنگفتی به واردات مملكت تقديم خواهد كرد .

از نقطه نظر طبقات الارضی تشكيل معادن نمك ولايت قطن از دوره سوم طبقات الارضی بوده و در معادن نمك آب وچال سنگها ومواديكه در تحت آن طبقه نمك وجود دارد مشتمل از سنگ چونه خاکی ، كانگلمورات ، سنگهای ريگی سرخ ، خاك سرخ زراعتی و گلی میباشد ، ضخامت پوشش طبقه خاك بالای نمك از ۲ تا ۷ متر اما ضخامت طبقه نمك تاحال معلوم نشده (در بعضی مواضع گفته ميشود پنجاه متر ودر بعضی قسمتها الى ۱۰۰ متر ضخيم دانسته ميشود) تناسب گل بالای طبقه نمك تقريباً ۱ نسبت ۶ يا ۱ : ۸ میباشد و در هوای آزاد شرايط بكار انداختن يك جای وسيع از اين بهتر ومساعدتر نميباشد ، بهمين جهت اگر جاهای حفريات شده كم وسعت نمك كنی كه فعلاً در حصه طايفه خانه وخم خيران در معدن نمك آب زير كار میباشد يك منطقه وسيع تبديل بشوند كار صورت اقتصادی بخود مگردد و از همه اولتر لازم ميشود كه بعد از تحقيقات سروی (نقشه برداری) مساحتی معلومات مكمل از ضخامت طبقه نمك كرده وبعداً نقطه مدخل معدن (نقطه كه از انجا جر زده تا به متن معدن ميرسد) معين وبه كار حفريات اساس واستخراج اصولی نمك شروع شود، منجمه معادن نمك ولايت قطن چون در حال حاضر صرف معدن نمك آب مربوط تالقان تحت كار و عمل میباشد وزارت معادن كه اكنون وضعیت دنيارا مساعد يافته بااساس راپورت عزتمند مستر جي انگليس مفكوره ونظرياتی برای بهبود آينده معدن مزكور قايم نموده كه در اثر استخدام بعضی متخصصين اولاً كار استخراج معدن نمك آب از وضعیت مبتدیانهموجوده يك شكل وترتيب فن جديد مبدل گردد تا نيأ نقل نمك از موضع معدن تا موضع فروش وترتيب وزن آن تهيه يك قسمت سامان وآلات لازمه از قبيل واگون ها وخط ريل وغيره مورد احتياجات میباشد كه سرو صورت كار زن ريعه متخصصين مذكور انجام داده خواهد شد . شوملاً راجع به استخدام يكنفر متخصص وبكنفر معاون ميخا نيك اقدامات جاريست بعداز ورود متخصصين سامان لازمه استخراج ونقله نمك را تهيه در سر معدن ارسال ميشود تا بخواست خداوندى مشكلات فعليه رفع وكار به ترتيب صحيح وصورت فنی صورت بگيرد . چون در اثر اقدامات فوق شكل اجراآت معدن نمك تالقان از وضعیت موجوده تبديل خواهد يافت آنوقت بهر موضع كه كار اقتضا داشته باشد گدام اساسی وتعميرات لازمه بنا خواهد شد ودر هر موقع كه كار ذخيره وفروش نمك بيشتر تمر كز بگيرد ساختمان پل اساسی كه بالاي دريای نمك آب زير نظر میباشد هم تحت تعمير گرفته خواهد شد، نقشه وبرآورد تعمير مذكور تكميل وبمجرد رسيدن متخصصين تحت ساختمان گرفته ميشود .

فعلاً دواير مدیریت معدن و موضع فروش موجوده در طاقچه خانه میباشد که مفاصله تخمین پنج میل از خود معدن فاصله دارد برای حفاظت نمک های ذخیره در جریان سال ۱۳۲۴ تعمیر یک گدام موقتی در موضع طاقچه خانه زیر ساختمان گرفته شد هنگامیکه موضع گدام اساسی معین و این گدام موقتی متروک شود در ثانی محل اقامتگاه خریداران نمک قرار داده و بصورت کرائی در دسترس اشخاص کار وانی گذاشته خواهد شد.

خلاصه در جریان سال ۱۳۲۴ کارهای استخراج و وسایل فروش نمک تا لقان بصورت معمول و اطمینان بخش جریان داشت، در سر معدن و گدام طاقچه خانه متجاوز از (۴۲۱۹۸) کدمه نمک ذخیره و عمل فروش نمک تا اخیر برج دلو بطور یقین (۲۹۴۴۹۰۹/۹۶) افغانی رسیده است.

(ب) معادن نمک نوع رسوبی: علاوه بر معادن نمک ولایت قطن بدیکر ولایات افغانستان

نیز ذخیره های بزرگ نمک قسم رسوبی که از آبهای نمکدار تشکیل و مترسب میگرددند بمقدار وافر وجود داشته و بمصارف خورا که احتیاجات اهالی خدمت شایانی انجام میدهند مثل نمکسار اندخوی مربوطه حکومت اعلی میمنه، و نمکسار غوریان مربوطه ولایت هرات و نمکسار تاشقرغان و نواحی مربوطه ولایت مزار شریف و نمکسار قندهار و فرام که نمک های مستقر این معادن علاوه بر نحو را که انسانی و حیوانی در آش دادن پوست های قره قل به پیمانه خیلی بزرگ مخصوصاً در ولایات شمال مملکت بمصرف میرسد و موجودیت این نوع نمک ها و شوره زارهای نمکی به آنقدر وسعت و وفرت در دست های پهنآور و گوشه و کنار مملکت عزیز بملاحظه میرسد که نظر بوسعت آن تحت انضباط و کنترل صحیح آمده نتوانسته و راه های کوچی و چادر نشین غالباً بمصارف نمک کار آمد خود را از هیچ شوره زارها تهیه میدارند فعلاً مسایل کنترل آن تحت غور و نظر حکومت بوده زیرا از بعضی انواع نمک های رسوبی که بعداً در اطراف آن مفصل بحث خواهیم کرد مواد کار آمد طبی و صنعتی استحصال میشود که مفاد بزرگ اقتصادی ازانها متصور است، علاوه چشمه های معدنی و نمکدار در گردنواح مملکت ها بکثرت وجود دارد که برای معالجه بعضی امراض از نقطه نظر خواص طبی آن مفید ثابت گردیده است.

عمل فروش نمک مدیریت نمکسار اندخوی در جریان سال ۱۳۲۴ تا اخیر برج دلو بطور یقین مبلغ (۲۷۱۳۶۴۹۰/۵۰) افغانی بالغ گردیده است و اگر یکماهه برج حوت را طور تخمین بحساب بگیریم واردات سال تمام آن در حدود (۲۹۰۱۲۰۳/۹۵) افغانی بالغ خواهد شد که نظر به عمل سال گذشته در تنزید میباشد.

عمل معدن نمک تاشقرغان مربوط ولایت مزار شریف تا اخیر جدی ۱۳۲۴ ده ماهه طور یقین مبلغ ( ) افغانی بالغ شده و اگر دو ماهه اخیر سال بصورت تخمین سنجش و بر آن افزود گردد

عمل سال تمام آن بالغ به ( ) افغانی خواهد رسید که نظر به عمل سال گذشته در تولید می باشد کمی عمل فروش این ولایت از این باعث می باشد که در قسمت های مجاور ولایت فططن و اند خوی نمک مصارف کار آمد ولایت مذکور از نمکسارهای آنجا ها وارد و بمصرف میرسد . عمل نمکسار قندهار بر طبق عمل سال گذشته به مبلغ (۳۰۰۰۰) افغانی به اجاره داده شده و عمل نمکسار غوریان هرات را اهالی آنولا مبلغ (۲۱۱۵۷۳۵) افغانی بر محصولات خویش افزود و تادیبه آنرا قبول کرده اند ، حاصلات نمک چشمه نی اشتر شهر غور بند که برای حفظ صادرات روده بکار میرود چیزی بیشتر از عمل سال گذشته به اجاره داده شد و جنس مستحصه مقدار (پنجاه و پنج) خروار نمک از چشمه های نمکدار به عملیات تبخیر بدست آمد که فروش آن بالغ به (۳۳۰۰۰) افغانی میگردد .

### (ج) مواد مستحصه کار آمد طب و صنایع از نمکسار تاشقرغان :

طوری که در سالنامه سال گذشته مختصری در اطراف استحصال و موجودیت مواد مذکور از آبهای نمکدار تاشقرغان شرح داده شده بود نتایج امتحانی که در جریان سال ۱۳۲۴ توسط یک نفر متخصص هندی بعمل آمد بفرض مزید معلومات خوانندگان محترم تذکار میدهم :

از آب های نمکدار تاشقرغان علاوه بر استحصال نمک طعام تصفیه شده بدرجات مختلف حرارت مواد مگنیزیم کلوراید ( $MgCl_2$ ) و مگنیزیم سلفیت ( $MgSO_4$ ) و سود یوم سلفیت ( $Na_2SO_4 + 10H_2O$ ) کار آمد طبی و صنعتی بدست می آید ، چون نظر به ملاحظه راپورت عزتمند مستر جی انگلیس موجودیت مقدار ۴۸ فیصد مواد مگنیزیم کلوراید در آبهای نمکسار تاشقرغان نشان داده شده بود برای اینکه مگنیزیم کلوراید مذکور در ساخت یک نوع سممنت مصنوعی بنام زودل سمنت (Soralcement) بکار میرود و هم در اثر تصفیه و بدست آوردن باقی نمک های تلخ صفات نمک طعام مستحصه بلند رفته باعث جاب توجه خریداران و ترقی عمل آن میگردد نظر به اهمیت موضوع وزارت معدن در سال ۱۳۲۴ برای ترتیب کار عملی و تحقیقات لابراتوار (تجزیه خانه) نمکهای مذکور یک نفر متخصص نمک را از حکومت هنداستخدام و در بر ج سنبله بالای معدن تاشقرغان فرستاد نامبرده برای اینکه غلظت آب نمکسار تاشقرغان را از ۱۳ درجه بومی به ۲۴ درجه بومی که نقطه منتهای غلظت یا ترسب می باشد برساند ترتیب ساختن



يك سیت حوض های ذخیره و نمک گیری را رویدست گرفت و برای اجرای این عمل آب نمکدار از چاه های حفر شده ذریعه جویچه ها که  $\frac{1}{2}$  میل فاصله دارد به حوض یا مخزنیکه  $80 \times 80$  فوت مساحت و ۱۸ تا ۲۰ انچ عمیق ساخته شده انتقال و ذخیره میگردد تا ذریعه حرارت آفتاب غلظت آن به ۲۴ درجه بومی برسد در همین وقت که غلظت صورت میگیرد جویچه که مخزن و حوض تبخیر را مربوط میسازد باز کرده میشود تا آب در حوض تبخیر جریان یافته و سود يوم کلوراید (NaCl) یعنی نمک طعام بین ۲۸.۵ و ۲۹ درجه بومی شروع به ترسب میکنند و از دیگر نمک ها جدا گردیده نمک طعام خالص استحصال میشود ، و در صورتیکه درجه غلظت از ۲۹ به ۳۰ درجه بومی ترنید گردد از دیاد آن باعث تشکیل نمکهای مگنیزيوم گردیده و نمک طعام را ناخالص میسازد ، هرگاه در حوض های نمک گیری تاشقرغان حاصلات تحت عملیات گرفته شود هر حوض آن (۲۵۰۰۰) افغانی حاصل میدهد بعد از اینکه درجه غلظت آب نمکدار به ۷۳ درجه بومی برسد و آب مذکور گذاشته شود که به ۸ درجه سنتی گرید سرد گردد بلور های مگنیزيوم سلفیت آبدار یا جلاب مگنیزيوم ته نشین میگردد و هر وقت که حد اوسط درجه حرارت در اثنای ۲۴ ساعت شباروز به ۱۲ درجه سنتی گرید یا کمی تا و بالا برسد موسم استحصال تعریبی مگنیزيوم سلفیت آبدار شروع میگردد و برای انجام مقاصد ادویه طبی می باید مگنیزيوم سلفیت دوباره در آب بلوری گردد ، در این مورد مگنیزيوم سلفیت که ۸۷ فیصد خالص باشد به تاشقرغان یا کابل نقل و سپس تحت نگرانی مناسب ذریعه آب خالص دوباره بلورین کرده میشود زیرا آب خالص و صاف در تاشقرغان موجود نیست و انتقال مگنیزيوم سلفیت غیر خالص به کابل یا تاشقرغان امر لازم نیست ، از روی عملیات و نتایج کیمیاخانه معلوم گردیده که از مقدار دوهزار مکعب سنتی متر محلول به غلظت ۷۳ درجه بومی به اندازه (۲۰۰) گرام مگنیزيوم سلفیت آبدار حاصل میشود ، این ماده که بنام جلاب تلخ یاد میشود در صنایع تاردوانی ، رنگ سازی و رنگمالی مورد استفاده قرار داده میشود اما استعمال مخصوص و مهم آن در انجام دادن حاصلات پخته ئی بعمل می آید ، برای مواد ضد آتش نیز بکار میرود استعمال آن در امور طب آنقدر شایان اهمیت و زیاد است که در اینجا تشریحات آن بعمل آمده نمیتواند .

مگنیزيوم يوم کلوراید (MgCl<sub>2</sub>) که برای ساخت سمنت مصنوعی بکار میرود و در آبهای

## د اخله وزارت



ع . ج . س . ا غلام فاروق خان د داخلې وزیر  
S.Ex. Gholam Farouq Khan  
Ministre de l'Intérieur.

د وزیر ع . ج . س . ا غلام فاروق خان

د مخصوص قلم مدیر ا . س . ا محمد صدیق خان

### د خود ادارې ریاست :

معین اواله الدین رئیس ع . ج . س . ا محمد فاروق خان

د کشور د قومو مدیر ا . ج . س . ا محمد سعید خان

د دواړو ریښو مدیر ا . س . ا عبدالرحیم خان

د وروڼو د خواجبه محمد خان

### د س . ا حقینه ریاست :

د افیو رئیس ا . ج . س . ا شمس صوفیاز خان

د تشکیلاتو مدیر ا . ج . ا محمد اکبر خان

د شخصیه ا . ج . ا محمد جانا خان

د سرحدی شمیرت کفیل ا . س . ا غلام دوستگیر خان

د اطلاعاتو احصاء مدیر ا . س . ا عبدالباقي خان

د افیو مدیر ا . ج . س . ا شاه محمد خان

د صافتی مدیر ا . ج . ا صالح محمد خان

د پاسبورته ا . ج . ا محمد ابراهيم خان

د روغتیا د مدیریت کفیل ا . ج . ا نصر الله خان د د کنور معاون

د لواړو مدیر ا . ج . ا سهراب الدین خان

### ج - د احصائي ریاست :

د احصائي رئیس ا . ج . س . ا محمد امین خان

د ریاست معاون ا . ج . ا محمد معصوم خان

د اخذ عسکر مدیر ا . س . ا شاه جانا خان

### د - د تفتیش ریاست :

د تفتیش رئیس ا . ج . س . ا عبدالله خان

د ادارې مدیر ا . س . ا عبدالله خان

نمکسار تاشقرغان ۴۸ فیصد وجود دارد برای استحصال آن آبهای فضلّه که خیلی ها غلیظ باشد استعمال میشود ، از نمکسار تاشقرغان آب فضلّه به ۳۴ درجه بومی بسهولت استحصال و برای این مقصد تصفیه میگردد ، استعمال اصولی و تخنیکي مگنیزوم کلوراید همانا مصرف آن در اندازه دادن تارهای ینبه نی است که از باعث داشتن خواص جاذب الرطوبت آن استعمال میشود تا ینبه را مرطوب نگاهداشته و نرم و دمدارش بسازد ، استعمال دیگر آن در ساختمان زورل سمت یا ( اکزی کلوراید ) میباشد که این ماده در نتیجه اختلاط با مواد مگنیزیت (  $MgO_3$  ) این ماده معدنی خیلی ارزان و در محمد آغه لهور کرمعدن بزرگ و ذخیره کافی دارد و بسهولت مبدل به مگنیزوم او کساید میشود ) کثرت استعمال این سمت را در افغانستان واضح میسازد .

سودیم سلفیت ( $Na_2SO_4$ ) هر گاه محلول نمک خوب غلیظ نباشد و از ۳۰ درجه بومی یائین باشد بلورهای سودیوم سلفیت جدا نمیکرد و این عملیات بدرجات پست حرارت که از صفر یان تر باشد صورت میگردد ، نمونه نمک آورده کی تاشقرغان که ۲۰ فیصد مگنیزوم سلفیت را دارا بود ذریعه تجارب مقدار (۵۱۰) گرام سودیوم سلفیت آیدار از مقدار (۴۲۰) مکعب سانتی متر محلول فضلّه بدست آمد ، این ماده ذریعه رنگمالها بطور بلورو بصورت بی آب در کمسا ختن قوه رنگها و در یکسان نگاهداشتن عملیات رنگسازی استعمال میگردد برای ساختمان تاردوانی و ینبه تابی و ساختن سودیوم کاربنیت یا مصالح صابون و شیشه سازی و غیره بمصرف میرسد طور یکسه مستر چندرا کبات متخصص در راپورت خویش توضیح نموده در اثر مطالعات و نتایج امتحانی لا بر اتوار علاوه بر نمکطهام سهمواد فوق الذکر نیز بدست می آید که از نقطه نظر طبی و صنعتی دارای اهمیت زیاد بوده و مقدار (۴۲۰) سیر مواد مگنیزوم کلوراید مستحصله تاشقرغان که از حاصلات سال ۱۳۲۴ بشعه تجارتهی مکتب صنایع بغرض امتحان ساخت سمت مصنوعی تحویل داده شده قیمت فعلی آن از روی برآورد ابتدائی فی سیر ۹۴۹ افغانی سنجش گردیده است .

برای اینکه از نقطه نظر خواص و صفات طبی مواد مگنیزوم سلفیت و سودیوم سلفیت مستحصله تاشقرغان بامواد ادویه خارجی تطبیقات کرده شود یکمقدار نمونه های آن بوزارت جلیله صحبه ارسال گردیده تا ذریعه دو کتوران مربوطه در اطراف استعمال و تجزیه آن تحقیقات لازم بعمل آورده بعد از اطمینان مقدار احتیاج کارآمد دواخانهای مرکز را با اندازه قیمت های آن معلومات بدهند ، چون در اثر تحقیقات امتحانی نتایج مطلوب از آبهای نمکدار تاشقرغان حاصل

میگردد وزارت معدن ترتیب استحصال نمکهای مذکور را بدست گرفته که در جریان سال ۱۳۲۵ بصورت اجاره یا غیر آن تحت عمل بیاید و امکان پذیر است که بواسطه حفر چاه ها و ترتیب حوض های متعدد نمک طعام خالص و مگنیزیم کلوراید و مگنیزیم سلفیت و سودیوم سلفیت به پیمانه مطلوب از آبهای نمکدار تاشقرغان ۱ - استحصال شود و در قبه نمکدار که فعلاً تحت کاس

در آمده چون منطقه خور د می باشد کارات آنرا در آینده توسعه داده خواهد شد و برای توسعه آن رقبه اطراف نمک نقشه برداری و سر دی بکار دارد که نوعیت ریگ نمکسار ویدایش آب نمکین معلوم کرده شود بعد از انجام کارات سردی در صورت امکان در رقبه نمکسار مذکور مخزن ها ساخته و در قسمت دیگر آن چاه های آب حفر و حوض های آب با هم مربوط گردیده ساختمان خطوط و اگون و غیره زیر تجویز گرفته خواهد شد برای مقاصد استحصال مواد مذکور لازم است که همیشه درجه حرارت و غلظت محلول تحت کنترل قرار گیرد از انرو آله بومی و ترمامیتر (مقیاس الحرارت) برای معلومات حداقل و اکثر حرارت و فهرست آب و هوای روزانه آن تهیه دیده خواهد شد و چون عملیات استحصال نمک های متنوعه یک اقدام خیلی جدید می باشد پس از امورات آن متدرجاً قرار نظریه منحصص مذکور توسعه داده میشود و بعد از انقضای موعد اساسی چند سال و پیدا شدن تجارب عملی آنگاه تمام تجاویر تحت عملیات قرار خواهد گرفت و به اساس حاصلات بدست آمده مواد و لوازم ضروریه تهیه خواهد شد .

دوهم - راجع به معادن ذغال - نظریه اینکه مملکت عزیز ما بیشتر به مواد محروقات احتیاج دارد وزارت معادن به تاسی از نظریات قیمت دار حکومت متبوعه در این قسمت توجه زیاد داشته و از نقطه نظر فلت محروقات و احتیاج شدید شروع این کار را بد رجه اول قرارداد داده است ، تا جائیکه امکان داشته برای اثبات و ترقی دادن ذغال و اکتشافات و زید اقدامات صحیح اتخاذ گردیده ولی این مسئله به وضاحت رسیده که طبقه ذغال دار وسیع بشمال هند و کش واقع است و مخازن زیاد ذغال خوب و مقادیر ذغال عصر جو را سیک در صورتیکه از نقطه نظر جیالوجی نقشه های دقیق و تحقیقات اساسی کرده شود از مناطق شمال افغانستان توقع کرده خواهد شد لاکن پیدا کردن ذخایر ذغال وافر در قسمتهای مرکزی و جنوبی و مشرقی از نقطه نظر طبقات الارض (Geology) غیر قابل تصور بنظر میرسد زیرا ساختمان این قسمتها تعلق به عصر جوان تر تسیر داشته ذغال قیمتی و قابل کار در عصر تر تسیر افغانستان بسیار کم میباشد مگر ممکن است که در بعضی سطوح که موقعیت مناسب دارند نشین های ذغال قسم اینت میباشد (Lignite) اتفاق افتاده باشد ( مثل ذغال غور بند ولته بند

ودره کوت شنوار (غیره) این قسم ذغال ها برای استخراج آنوقت نافع ثابت میشود که يك مقدار کافی رقم خوب آن دستیاب شود لاکن تاچا ئیکه در معدن ذغال اینت افغانستان تحقیقات ابتدائی واکشافی بعمل آمده درخصوص موجودیت رگهای ضخیم وممتد طوریکه ذخیره کانی وذغال کارآمد رامحتوی باشد نتایج تسلی بخش تاحال بدست نیامده است معاندین ذغال شمار مملکت نسبت بعد فاصله ومشکلات وگرانی ترانسپورت درحال حاضر احتیاجات ضروری کابل را رفع نمیتواند یگانه معدن ذغال که بسبب نزدیکی مرکز به محروقات فعلی کابل خدمت میکنند معدن ایشیسته میباشد که دراطراف آن قرار ذیل معلومات داده میشود :

(۱) معدن ذغال ایشیسته : این معدن در ۱۷۲ میلی شمال کابل واقع است واز دواب میخ

زربین بطرف شمال شرق ۹ میل فاصله دارد ذغال آن از عصر جوارسیک ودر تحت اثرات تخته نیک وشکسته گی ها و بی انتظامی های طبقات الارض واقع گردیده وتپه ها وطبقات بالای رگ های ذغال خیلی نرم وغیر منظم میباشد از اینرو استخراج ذغال بدون وسایل فنی و دادن بایه ها مشکلات زیاد تواند و حیات معدن کاران را تهدید میکند برای معلوم شدن وسعت وامتداد وضخامت اصلی رگهای ذغال دار ایشیسته و بر فک مدت سه سال از طرف هیئت سردی تحقیقات جیاالوجی ونقشه برداری و برمه کاری دران بعمل آمد ودر شش اینز معدن بیست ویک صوف متحانی به اعماق مختلف بوسایل بایه بندی ترتیب داده شد در نتیجه موجودیت ذغال مذکور را در رابورت خویش مقدار (۲۱۰۲۰۶) تن تخمین نموده اند رگهای آن از حدود کر نیمک تا علاقه بر فک امتداد دارد ضخامت رگهای آن در حدود ۲ متر یا چیزی بیشتر ازان بمشاهده میرسد ولی در اثر بی انتظامی های طبقات الارض ضخامت آن زود زود تغییر یافته در بعضی قسمتها خیلی باریک وبعضاً مفقود واز نظر غایب میگردد ، جنسیت ذغال آن از روی خواص فزبکی و کیمیاوی (سب بیتومن) یعنی مابین لینت و بیتومن حقیقی قرار داده میشود ، قسمت بزرگ آن دارای استحکام زیاد نبوده از بعضی قسمتهای معدن تیکه های تازه استخراج شده آن در مقابل تاثیرات جوی وتابش مستقیم آفتاب ازهم متلاشی وبخا که تبدیل میگردد بهمین جهت از روی خاصیت ذغال پودری نامیده میشود ذغال مذکور مواد روغنی نداشته در جمله ذغال لاغر محسوب میگردد بهمین واسطه در موقع احتراق شعله زیاد تولید نمیکند ولی حرارت ودوام بیشتر دارد نتیجه تجزیه ذغال مذکور که به تفريق لینزها (عدسیه ها) ذریعه شعبه طبقات الارض هند وستان بعمل آمده در جدول ذیل نشان داده میشود :

صورت تجزیه لیزهای مختلف	لیزر نمبر ۱ صوف نمبر ۲ به عمق ۱۰۰ فوت	لیزر نمبر ۲ صوف نمبر (۱) صوف نمبر (۳) عمق ۷۵ فوت	لیزر نمبر (۳) صوف نمبر (۱) به عمق ۹۰ فوت	لیزر نمبر (۵) صوف نمبر (۱) به عمق ۶۴ فوت	لیزر نمبر (۶) صوف نمبر (۲) به عمق ۷۵ فوت	موجودیت ذغال در قسمت (ب) لیزر نمبر (۵) = (۳۰۰۰) تن » » » » لیزر نمبر (۴) = (۱۹۷۵۰) تن مجموع ذخیره ذغال هر شش لیزر تخمین = (۲۱۶۲۰۶) تن
رطوبت	۲۹۴	۲۰۵۸	۶۵۶	۸۴۲	۱۴۵۸	
مواد متصاعده	۳۲۸۷	۲۷۹۲	۳۳۳۶	۳۳۳۶	۳۸۵۴	
کاربون معینه	۵۷۶۵	۶۶۹۴	۵۶۶۸	۵۲۶۲	۳۷۸۴	
خاکستر	۶۶۰	۲۵۶	۳۵۰	۵۹۰	۹۰۴	
گوگرد	۰۶۶	۰۴۴	۰۶۲	۰۴۴	۱۳۹	
خاصیت کربن شدن	مثبت	منفی	منفی	منفی	منفی	
وزن مخصوصه	۱۴۱	۱۳۷	۱۵۶	۱۵۶	۱۵۴۳	
مقدار کالوری	۱۲۰۷۴۳	۱۳۰۷۶۱	غیر معین	نامعین	۹۱۴۳	
موجودیت ذغال در لیزرها	تن ۱۶۴۱۵	تن ۷۷۸۲	تن ۶۳۱۰	تن ۸۹۰۱۱	تن ۷۰۰۰	

تجربه ذغال مذکور که در سال ۱۳۱۷ در جرمني بعمل آمده از روی تجربه ذغال ایشیته را در جمله بهترین ذغال های افغانستان قلمداد نموده و تجربه بر کرده اند که ذغال مذکور برای کارخانه سمنت سازی هم کار داده میتواند و حداقل کالوری آنرا (۵۱۰۲) و حداکثر کالوری را (۵۲۴۵) معلومات داده اند یک مقدار نمونه آنرا که بغرض امتحان کو کس در لاهور فرستاده شده بود از روی تجارب و امتحانات مقدماتی معلوم گردید که از این ذغال کو کس هم ساخته شده میتواند.

تجربه قلمت روز افزون معروفات در کابل در جریان سال ۱۳۲۴ برای رفع حواجی محروقات زمستانی دواير و مصارف سوخت داش های خشت پزی مرکز مقدار پنج هزار تن یا (۸۸۴۴ خروار) ذغال از معدن مذکور استخراج و پروژه استخراجی آن ذریعه یناغلی عبدالله خان انجنیر عملی گردید کار اساسی استخراج از اول جوزا ۱۳۲۴ شروع شد و روزانه ۱۱۷ نفر کاریگر در امور داخلی صوفها و گندام های ذخیره خدمت میکردند که در موعد ۲۱۵ روز مقدار (۴۵۶۵) تن ذغال از معدن استخراج شده و منجمه مقدار (۸۰۰) لاری آن بر کر نقل داده شده است.

برای انجام کار استخراج لیتر (عدسیه) نمبر (۳) از حیث نزدیکی بسرك و وفرت ذخیره و قلمت تعزیرات رگک انتخاب گردید در عدسه مذکور روی هم در حدود (۷۲۰) متر پیشرفت بعمل آمده دراز ترین صوف در این رگک عبارت از (۹۰) متر بوده و عموماً به میلان ۲۸ نیم درجه در عمق معدن بیش میرود پنج صوف در این رگک کشیده شده که آنها به تکرار در سیئه معدن بهم وصل شده اند، فاصله خط بیرونی آن عموماً (ده) متر اتخاذ گردیده برای واریسی دخول هوا سیستم کار به طریقی عملی گردیده که همیشه با فاصله های هر یک ده متر از یک صوف بدیگر صوف راه رو های اصولی ترتیب گردیده با آنکه راه رو های مذکور مقصد استخراج را حاوی بوده ولی مسئله جریان هوا در ضمن آن ملحوظ نظر میباشد، بهمین جهت صوفهای حفر شده دارای جریان هوای تازه بوده و عملاً استخراج معدن فعلاً محتاج به تهویه هوای (ماشین و فن) نیست. نمایانند ولی در آینده به آن احتیاج پیدا خواهد شد، برای استخراج پمانه های بزرگ ذغال بدون وسائل فنی و تهیه لوازم ضروری به پیشبرد کار خیلی مشکل و پرمصرف بمشاهده میرسد چون نقلیه مقادیر بزرگ ذغال به ترتیب حملی علاوه بر تولید مشکلات و ازیا در افتیدن کار یگران از نقطه نظر اقتصاد غیر مجاز میباشد، و هم کندن ذغال از اعماق معدن بوسیله بیل و کنگری کار یگران را به مشقت گرفتار و به قیمت اقتصادی تمام نمیشود بنابراین برای استخراج ذغال سه نوع ماشین حتمی و لازمست اول ماشین تجدید هوا برای تصفیه هوای داخل صوفهای





از بریکت هائیکه ازمخلوط يك فیصد سرش درمر کر ساخته می شد، بهتر بملاحظه میرسید ولی حاصلات آنها کم وبعضی ترتیبات که برای خشك کردن ذغال در داش وچیدن ذغال در روی جالی ها وغیره اتخاذ کرده بودند بعداز قدری تجربه اصلاحات آن امكان پذیر معلوم می شد، وزارت معدن تصمیم گرفت که بقرار موافقه، شرکت قندیک پایه ماشین تحویل داده گی فابریکه را وایس گرفته در ایشیسته یامر کر نص و ذریعه میلاس بیکار انداخته شود، در این اواخر برای تجارب امتحانی واختلاط فیصدی میلاس لبلو يك هیئت فنی در فابریکه قندارسال شد قرار یکه هیئت مذکور هشت مرتبه امتحانات مختلف ذریعه میلاس بعمل آوردند معلوم گردید که از اختلاط يك فیصد میلاس و (۹) فیصد آب و دو فیصد میلاس و (۸۵) فیصد آب باخا که ذغال چنان بریکت های مستحکم بدست می آید که از هر حیث اطمینان بخش بوده ونظر به اختلاط سرش گاهی بقیمت اقتصادی تمام میشود، ولی بهمه حال خشك کردن آن ایجاب تعمیر يك داش رامینماید، در باب عملی کردن این کار ونقل ماشین بریکت که در کجا نصب وبیکار بیفتند وزارت معدن مصروف غور ومطالعات فنی میباشد، بعداز سنجش جنبه های اقتصادی آن تحت عمل و اجرا قرار داده خواهد شد، فعلا يك مقدار شیر لبلو که از بغلان درمر کر آورده شده از روی تناسب فیصدی باخا که ذغال ایشیسته آمیخته در اطراف نتایج آن امتحانات مقدماتی جار یست .

موضوع تهیه چوب برای کار آمد پایه بندی معدن ایشیسته :- قرار یکه تخمین میشود معدن ذغال ایشیسته با آنکه نظر بدیگر معدن ذغال يك معدن غریب میباشد مدت بیست سال مصارف کابل را تکافو خواهد کرد بنا بران نظریه نوع رسوبی بودن کوه های ذغال دار آن و اینکه طبقات آن نامنظم و استحکام ندارند لازمی است که استخراج ذغال به سیستم پایه بندی جریان داشته باشد و این سیستم همیشه ایجاب مصارف بنانه بزرگ چوبی را در صوفها میدارد، در اوایل سال ۱۳۲۴ به تعداد (۵۲۶۱) اصله درخت چنار به درجه مصرف تقریبا دوساله صوفهای معدن از بامیان ونواحی آن بقیمت خیلی ارزان خریداری شد و این کار ذریعه يك هیئت در تحت ریاست ع، محمد احسان خان مدیر عمومی فنی اجرا یافت که خدمتش مورد تقدیر و انعام وزارت واقع شد، برای کارهای پایه بندی آینده صوفهای معدن مذکور نیز لازم می افتد که چوب کار آمد آن از نقاط بعیده وارد شود، زیرا گرد و نواح معدن چوبی موجود نمیشد و این کار همیشه مشکلات خواهد داشت، چون منطقه ایشیسته بصورت يك دره تشکیل یافته و دارای آب جاری میباشد وزارت معدن تصمیم گرفته است که دره مذکور که حاوی هشتاد دجریب زمین خواهد شد به تدریج نهال شانی شود و در موقعیکه نهال ها بسر میرسند اگر از مصارف آنوقت معدن ایشیسته اضافه میماند به معدن ذغال دره صوف که موجودیت ذغال آن در قسمت دره طور و شب با شک

قرار راپورت هیئت سروی در حدود (۱۴۶۱۳۲۴۴) تن تخمین شده و در نظر است که راهی از کهمرد به آن طرف کشیده شود بیکار خواهد رفت و در غیر آنهم قیمت خود را گم نخواهد کرد. در اثر پیشنهاد وزارت معادن یک نفر متخصص از ریاست زراعت در بالای معدن مذکور از سال و در این اواخر صورت مصارف بر آورد نهال شانی را بوزارت معادن تقدیم نمود و با اثر آن به انجنیر معادن هدایت داده شد که زمین را جو به کشی و برای نهال شانی آماده بدارد در سال آینده به نگرانی متخصصین زراعت موضع مذکور نهال شانی خواهد شد فعلاً در اطراف آن اقدامات جاریست.

(ب) راجع به معدن ذغال کر کر بغلان : شرایط موقعیت و چگونگی لیتزها و مایل بودن رگهای ذغال کر کر تقریباً مشابه با معدن ایشپشته میباشد فرقی که بملاحظه میرسد، اینست که حداکثر ضخامت لیتزهای ذغال کر کر در حدود زیاده از هفت متر میرسد، دارائی مقدار ذغالهاییکه تا اکنون در ناحیه کر کر کشف شده در حدود پنج ملیون تن تخمین میگردد ولی معدن خیلی غنی تر از آن است که تا حال به آن اکتشافات به عمل آمده امتداد لیتزهای ذغال در حدود چهارده کیلو متر تخمین میشود و قسمت های باقیمانده مستلزم تحقیقات و کشفیات مزیده بوده و ذغالی که اکنون استخراج میشود در ضمن عملیات اکتشافی صورت میگردد و عندالموقع به عملیات اکتشافی قسمت های نا تحقیق شده معدن نیز ادامه داده خواهد شد.

معدن کر کر تقریباً در ده میلی فابریکه قند بغلان و موسسه نساجی پل خوری واقع است بنابراین از حیث موقعیت و نزدیکی مراکز صنعتی دارای اهمیت بسزائی میباشد، ذغالی که از معدن مذکور استخراج میگردد قسمتی بودری و خا که بوده در جنسیت از گروپ ذغال نصواری بحساب میروند، و نظر به چندین تجارب تخنیککی که در اطراف تجزیه آن بعمل آمده نتایج آن قرار ذیل است :-

رطوبت به ۱۰۵ درجه حرارت ۵۰ درجه فیصد مواد متصاعده ۴۰ فیصد کاربون معینه ۵۰-۴۷ فیصد خاکستر ۸ فیصد درجه حرارت از ۵۸۰۰ تا ۶۰۰۰ کالوری در یک قسمت معدن که ذریعه یک تعداد صوفهای امتحانی تحقیقات اکتشافی شده ضخامت رگ آن از ۲ تا ۸ متر بوده و ذغال آن تا عمق (۱۵۰) متر در حالت بودری باقی مانده، نسبت خا که بودنش و اینکه یک اندازه غاز

میتان (مارش گاز) بفرمول ( $CH_4$ ) در آن موجود است در حین عملیات استخراج گرد ذغال هوای معدن را کثیف و برای انفلاق مستعد میسازد، اگرچه این معدن جدید الکشف و جوان میباشد و از حیث دارائی موقع متوسطی را اشغال میکند مگر با آنهم نسبت تمام معدن ذغال افغانستان از آن بیشتر استفاده کرده شده جمله مقدار ذغالی که در سنوات اخیر از معدن

مذکور استخراج گردیده ومورد استفاده مؤسسات ولايت فطعن قرار گرفته جزو آن قرار ذیل میباشد :-

$$\left\{ \begin{array}{l} ۱ - \text{در سال } ۱۳۱۹ = ۹۳۵ \text{ تن} \\ ۲ - \text{» } ۱۳۲۰ = ۲۳۵۱ \text{ »} \\ ۳ - \text{» } ۱۳۲۳ = ۵۸۰۳ \text{ »} \\ ۴ - \text{» } ۱۳۲۴ = ۵۰۰۹ \text{ »} \end{array} \right. \text{ جمله } = ۱۴۰۹۸ \text{ تن}$$

در سال ۱۳۲۱ و ۱۳۲۲ کار معدن مذکور معطل بوده قسمت بیشتر ذغال مذکور را فابریکه قند بغلان جهت سرخت کوره های بخار فابریکه مورد استفاده قرار میدهند و به عوض تیل دیزل که سابقاً از خارج مملکت به مشکلات و قیمت زیاد وارد میکردند استعمال میدارند بقیه ذغال استخراج شده جهت پخت مصالح شعبات تعمیراتی ولايت فطعن بمصرف میرسد . کار معدن کرکر در سال ۱۳۲۴ به اساس سال گذشته آن بصورت خوبی جریان داشت و پروژه استخراجی آن توسط شاعلی غلام علی خان مدیر کشفی عملی گردیده است از برج جوزا شروع کار تا برج عقرب سنه مذکور مقدار (۵۰۰۹) تن = (۸۸۶۰) خروار ذغال از معدن کرکر استخراج شده وشعب مربوطه تاختم کار قرار ذیل از معدن مذکور ذغال اخذ ونقل داده اند :-

$$\left\{ \begin{array}{l} ۱ - \text{فابریکه قند بغلان } ۵۶۳۳ \text{ ر } ۲۷۱ = ۳۱۸۴ \text{ تن} \\ ۲ - \text{ماموریت تعمیرشش صد کوتی } ۲۰۸۷ \text{ ر } ۰۰ \\ ۳ - \text{» محبس بغلان } \frac{۱}{۲} \text{ ر } ۹۲۷۶۳ \\ ۴ - \text{» تعمیر شهر نو بغلان } ۱۰۰۰ \text{ ر } ۰۰ \\ ۵ - \text{» مدیریت نهر گورگان } ۶۲۰ \text{ ر } ۰۰ \\ ۶ - \text{» شرکت تعمیراتی ولايت مزار شريف } ۱۶۳۶۰ \text{ ر } ۰۰ \end{array} \right. = ۲۳۶۵۰۸۰ \text{ تن}$$

منجمه مقدار اضافه گسی آن از ذغال های استخراج شده سال گذشته که در سرمعدن ذخیره بود پرداخته شده است ولايت مزار شريف که در جریان سال ۱۳۲۳ از معدن ذغال دره صوف برای پخت مصالح تعمیراتی ذغال وارد میکردند بسبب مشکلات راه ونبودن سرک موقتاً ذغال کار آمد سال ۱۳۲۴ خود را از معدن کرکر تهیه ونقل دادند و برای تسهیلات نقلیه ذغال دره صوف بین مزار شريف ونقاط ذغال دار دره صوف ساختمان سرک موثر و زیر کار گرفته شده که در سال ۱۳۲۴ تا یک اندازه کار آن پیشرفت نموده واز باز شدن راه وامداد سرک مذکور ذغال دره صوف بمصارف محروقات ولايت مزار شريف و نواحی مربوطه آن خدمات بزرگی را انجام خواهد داد .

راجع به امور معدن کتی و کشفیات تی : پلان و دستاویز کار استخراجی و کشفیاتی از طرف

مدیریت عمومی فنی به معدن کر کر داده میشود لیکن اصول کشفیات و امور استخراج ذغال کر کر تا حال به بسیار صورت ابتدائی و ساده اجرا شده ، همچنان مسئله استخراج با اصول قدیمی و ابتدائی در معدن مذکور معمول است کندن ذغال بوا سطح کلنگ و نقلیه ذغال از داخل صوفها در پشت اجوره کاران به ترتیب حمالی صورت میگردد ، و ترانسپورت ذغال خارج معدن بواسطه موتر و بار گیر عملی شده است ، هوا رسانی معدن بوا سطح ترتیب و پیوسته کردن صوفهای یکی بدیگر استفاده کرده میشود ، تنویر داخله ، صوفها ذریعه اریکین و چراغهای کلسیوم کار باید اجرا میگردد پایه بندی صوفهای معدن توسط چوبهای عرب و سفید دار استحکام داده میشود ، نواقص وارده از باعث جنگ خانمان سوز جهان رخ داده که این معدن جوان و پر اهمیت ما را معروض فقدان ماشینهای ترانسپورتی و استخراجی و هوا رسانی و غیره وسایل تکنیکی قرار داده است ، با این بی دستگاهی اجرا آتی که در پیشبرد کارات این معدن از طرف وزارت معدن بعمل آمده مورد قبول و رضایت اولیای مملکت واقع شده است برای اینکه کارات آینده معدن بوسایل تکنیکی پیش برود وزارت معدن داخل اقدامات اساسی میباشد که برای معادن ذغال ماشینهای کندن و هوا رسانی و آلات نقلیه ذغال تهیه و بکار بیندازد چنانچه در قسمت اجراآت معدن ذغال ایشبته تفصیلات داده شده است . اجراآتیکه در قسمت امور کشفیاتی و استخراجی معدن مذکور بعمل آمده خلاصه آن قرار ذیل توضیحات داده میشود : -

۱ - حفر صوفهای اکتشافی و استخراجی بداخل کوه در (۱۴) نقطه معدن رویهم ۴۰۶۳ متر

۲ - ترتیب نقشه طویو گرافی منطقه ذغال دار کر کر به مقیاس  $\frac{1}{1000}$  به رقبه پنجاه مربع کیلومتر

۳ - ترتیب نقشه طویو گرافی منطقه کشفیاتی عمق طبقه ذغال به مقیاس  $\frac{1}{1000}$  به رقبه

صفر اعشاریه ۸ مربع کیلومتر

۴ - ترتیب نقشه مار کشید ری صوفهای معدن به مقیاس  $\frac{1}{1000}$

۵ - ترتیب نقشه پروفیل جبرهای اکتشافی معدن به مقیاس  $\frac{1}{100}$

اندازه صوفهای اکتشافی از  $\frac{1}{4} \times \frac{1}{4}$  الی  $2 \times 2$  متر

اندازه صوفهای استخراجی از  $2 \times 2$  الی  $\frac{1}{4} \times \frac{1}{4}$  متر

## د عملگړي دواړو تشکيلات

د ولاياتو د احصائي د تفتيش مدير : ص. عبدالواحد خان			
د تفتيش د رياست عضو	۱. ۲. ۳.	۴. ۵. ۶.	۷. ۸. ۹.
۱. غلام نبي خان	۲. عبدالواحد خان	۳. عبداللطيف خان	۴. محمد شيرين خان
۵. محمد طاهر خان	۶. مير حسام الدين خان	۷. مير عطاء محمد خان	۸. مير عطاء محمد خان
۹. مير عطاء محمد خان	۱۰. مير عطاء محمد خان	۱۱. مير عطاء محمد خان	۱۲. مير عطاء محمد خان

## د ناقلينو عمومي مديريت :

عمومي مدير	د ناقلينو عمومي مديريت
اداري	د ناقلينو عمومي مديريت

## د عدلي وزارت



وزير	۱. غ. ج. مير عطاء محمد خان
معيّن	۲. ص. محمد امين خان (خوگياڼی)
د اجرايي او د مامورينو مدير	۳. ص. ...
د تحرير او مدير	۴. ص. فيض محمد خان
د كنترول	۵. محمد ناصر خان
د تميز رياست :	
رئيس	۶. ج. ف. عبدالکريم خان «حقاني»

غ. ج. مير عطاء محمد خان د عدلي وزير  
S.Ex. Mir Ata Mohammad Khan  
Ministre de la justice.



— مہرات نوی ہو تیل



دائره خوي و حكومت خوي عمارت

- ۳۶ - از منتهای شرقی شهر جدید الی سرک اوبه ورخ بدامنه جنوبی زامی کوت سرک مستقیم  
به عرض ۳۵ متر احداث گردیده است .
- ۳۷ - از عقب عمارت دارالحکومه گی الی تخت صفر سرک مستقیم و به عرض ۳۵ متر جدیداً  
کشیده شده است .
- ۳۸ - بمقبل مزار حضرت جامی پارک جدیدی احداث گردیده است .
- ۳۹ - کار تعمیر دواير حکومتی گذره اتمام یافته است .
- ۴۰ - تعمیر دواير حکومتی انجیل تکمیل گردیده است .
- ۴۱ - نظر بمساعدت بامور معارف در موضع غیزان يك مکتب عصری تعمیر گردیده است .
- ۴۲ - به سلسله مساعدت بامور معارف در موضع غوردرواز يك مکتب عصری ساختمان شده است .
- ۴۳ - امور عمرانی مربوطه قوماندانی عسکری بنوبه خود در مرکز و اطراف پیشرفت محسوسی  
نموده است .

### امور عرفانی :

- امور معارف که برای تقویۀ روح و تنمیه قوای معنوی افراد محیط در جریان است بشمار  
توجهات قیمتدار حکومت متبوعه پیشرفت های محسوسی نموده که ذیلاً به ترتیب تحریر می یابد:-
- ۱ - نظربه توجه وزارت جلیله معارف يك مدرسه صحیح و عصری برای اطفال اناث تا سیمین  
گردیده است و تا کنون دران یکصد نفر شامل شده است
  - ۲ - مکتب متوسطه سابق نظر به امر و اراده وزارت تجلیله معارف به لیسه تعدیل گردیده است .
  - ۳ - برای اثاثیه مکاتب در حدود يك لک و هشتاد هزار افغانی منظوری حاصل گردیده است .
  - ۴ - به همکاری ارباب سرمایه برای اکثر مکاتب اطراف فروشات کافی تهیه گردیده است .
  - ۵ - برای پیشرفت و رونق سپورت هیئت ازورز شکار ان لیسه های مرکز بهرات دعوت  
گردیدند چنانچه هیئت موصوف در مدت توقف خود مسابقه های مختلفی نموده و از ان  
تأثیرات نیکی بمشاهده رسید .
  - ۶ - در ریاست معارف برای تنظیم امور دفتر داری ماموریت جدیدی بنام ماموریت اجراییه  
تشکیل گردیده است .
  - ۷ - يك ماموریت جدیدی در مرکز حکومت کلان غور ات بنام ماموریت معارف منظور  
گردیده است .
  - ۸ - یکمده طلاب ناکام معارف که در هر صنف و هر مکتب از سال های گذشته بدون  
تحصیل مانده و استعداد آنها نداشته به شعبات صنعتی تقسیم گردیده اند



- ۹ - برای تشیید علایق عرفانی بین طبقه جوان تاسیس يك كلوب و كمتا بخا نه بنام كلوب (هرویوا) در نظر گرفته شده ومقدمات آن تهیه گردیده است .
  - ۱۰ - يك فرائٹ خانه در كلوب مطبوعات نیز افتتاح گردیده است .
  - ۱۱ - بجمع آوری تراجم احوال مشاهیر تاریخی هرات اقدام وراجع به تدوین مواد مذکور در كلوب مطبوعات تعاضی افكار ومذاكره وقتاً فوقتاً بعمل آمده است .
  - ۱۲ - جهت پیشرفت كورس های زبان ملی چهار نفر معلمین جدید استخدام شده اند .
  - ۱۳ - در پیشرفت كورس های پشتو وسواد خوانی فرقه نیز جدیت ومساعی بارزی از طرف منصبداران مربوطه بعمل آمده ونتیج بسیار اعلی بمشاهده رسیده است .
  - ۱۴ - قطع اتفاق اسلام نسبت بسال گذشته بزرگتر واز تاریخ پانزده اخیر جدی به تقطیع قطع سابق اصلاح رسانده شده است .
  - ۱۵ - در اداره مطبوعات مؤسسه جدیدی بنام پوهنی ننداری برای نمایش های عرفانی تاسیس وبكار آغاز کرده است .
  - ۱۶ - هیئت سیار پوهنی ننداری كابل نیز بغرض تنشيط ذوق اهالی دعوت گردیده است .
  - ۱۷ - برای تالیفات وتراجم در موقع جشن استقلال جوایز اعطاء گردیده است .
- امور اقتصادی:

- نظر بمشكلات جنگه جهان وبهران عالمگیر امور اقتصادی حائز مشكلات زیاده بوده كه بتدایر حسمه حكومت غمخوار بخوبی حل گردیده و فعالیت های يك ساله آن به ترتیب ذیل می باشد :-
- ۱ - برای ترویج وترقی صنایع ملی ووطنی مؤسسه بنام مؤسسه فنون ملی بسرمایه ده لك افغانی تاسیس گردیده است كه فعلاً دارای چهل نفر معلم و ۴۰۰ نفر متعلم بوده وشعبات حدادی ، گادی سازی ، ترمیم موتر ، ترمیم ساعت ، نجاری ، وموبل سازی ، رسامی ، نساجی ، قالین بافی وغیره را دربر گرفته است .
  - ۲ - برای جلوگیری از احتكار وگران فروشی هیئتی بنام هیئت كنترول نرخ تعیین وتطبیق واجرای لایحه احتكار توسط آنها بعمل آمده است .
  - ۳ - توسط اطاق تجارت برای اجناس ما یحتاج عامه و طبقه بزاز ، سیمسار ، عطار وغیره تابلوهای نرخ تعیین وتوزیع گردیده است .
  - ۴ - نظر به قوت عمو می اجناس مال التجاره وارده عندالموقع طبق تقسیم معین بدكانداران توزیع گردیده است .

- ۵ - در مقابل صادرات برای توريد اجناس كار آمد اهالی از تجار وارد كننده وقتاً فوقتاً تهيد گرفته شده است .
- ۶ - نظر به فلت گندم كه نظر به نشدن حاصل سال گذشته در اول سال محسوس بود تو سط شركت ارزاق پنج هزار خروار گندم از نقاط دور دست على الرغم خسارات هنگفت كه از حيث حمل و نقل و غيره بهلك ها افغانى بالغ گرديد وارد و بمصرف شهر و اطراف رساننده شد .
- ۷ - در حصه استخراج معدن ذغال سنگ كرك اقدامات بعمل آمده و تو سط متخصص معدن بكمقدار ذغال استخراج گرديده است .
- ۸ - برای سهولت و رفاهيت كار عامه معدن نمك ساز غور يان طرف استقاده عموم قرار گرفته است .
- ۹ - برای تربيه اخلاقی محبوسين و تعميم صنعت به صنايع محبس هرات شعبات زيادى افزود شده و در محبس قلعه نو ، غوريان ، غورات ، جلگه شعبه صنايعى بيش بينى گرديده است .

### مواصلات:

- موضوع مواصلات و ارتباط مجايره وى نظر به اهميتى كه دارد به اثر توجهات نافعه حكومت متبوعه و بيشترت هاى خوبى كسب نموده كه خلاصه آن را ذيلاً مى نگاريم :-
- ۱ - يك خط دستى جديد بين كاشك ، گلران ، قلعه نو ، تشكيل گرديده است .
- ۲ - از حصه تنگي از و مربوط شهر ك الى مركز حكومت توك جديداً لين تيلفون تهديد يافته است .
- ۳ - از مركز حكومتي كاشك الى علاقه دارى كاشك كهنه لين تيلفون امتداد يافته و در نظر است كه از آنجا به قلعه نو وصل شود .
- ۴ - تيلفون در قسمت غورات از يك طرف تا مركز غور و از طرف شرق تا دولت يار امتداد داده شده و به لين تيلفون دايژنگى اتصال يافته است .
- ۵ - راجع به افتتاح يك سرويس محلى بين هرات و ميمنه نيز بيش بينى لازمه بعمل آمده است .
- ۶ - تعداد لاريهاى بيه به سمت قندهار ، اسلام قلعه و سائر نقاط حركت نموده است بالغ ۲۰۳۶ عراده ميباشد .
- ۷ در عايدات حمل و نقل نسبت بسال گذشته (۲۵۰۰۰) افغانى افزود گرديده است .
- ۸ - برای حمل و نقل ارزاق توسط شركت موصوف يك تعداد لاريهاى جديد خريدارى و بكار انداخته شده است .

## امور ولایت مزار شریف

الف: ریاست بلدیہ :

- ۱ :- تعمیر دیو (دواخانہ) بلدیہ تا کرسی طور پختہ کاری ساختہ شدہ .
- ۲ :- « یک حصہ دیوار سمت جنوب غربی روضہ شریف بہ طول (۴۰) متر پختہ کاری شدہ .
- ۳ :- تمدید سړک غربی روضہ شریف بصورت خامہ و هموار کاری آن بطور اساسی الی خواجہ آبجوش (۲۰۰۰) متر
- ۴ :- تمدید سړک شمالی روضہ شریف بصورت خامہ و هموار کاری آن بطور اساسی مکتب متوسطہ (۲۵۰) متر

ب- مدیریت معارف :

در سال جاری یک مکتب لیسہ افتتاح و ہم بحکومت کلان بلخ یکم اموریت معارف تشکیل گردیدہ .

ج ریاست روضہ شریف :

کاشی کاری دروازه سمت غربی روضہ شریف تا یک اندازه کار شدہ و باقیما ندہ آن تکمیل خواهد شد .

د- قرضدانی امنیہ :

- ۱ :- شق بافندگی : در سال ۱۳۲۳ بہ تعداد ۲۳ کار گاہ دستی بودہ ، در ہذہ السنہ پیجاہ کار گاہ دیگر اضافہ و یک کار انداختہ شدہ کہ جملہ کار گاہ مذکور (۸۸) کار گاہ و بہ تعداد دوصد نفر باما ہرین کار داخل بودہ و کار می کنند و ہر نوع تیکہ های مختلف الرقم از قبیل کشمیرہ ، دستمالہای دست ، دریشی های بہا ری پای پیچ های عسکری و غیرہ بافتہ و در معرض فروش واستفادہ عامہ گذاشتہ شدہ ، علاوہ بر کار گاہ سطرانچی بافی در سال جاری کار گاہ گلیم بافی و شال بافی نیز اضافہ گردیدہ و ہر نوع گلیم های قافہ منی و غیرہ بافتہ می شود و بہ تعداد (۱۲۰) نفر داخل کار بودہ و محصول دستی آنها روز بروز رو بہ ترقیست .
- ۲ :- شق نجاری : در کار نجاری نسبت بگذشتہ در سال جاری یک تعداد فوری دیگر اضافہ گردیدہ و در کار خود مہارت خوبی پیدا نمودہ اند ، چنانچہ چوکی ، میز های ہر رقم ، دروازہ و کتیکین های کار آمد تعمیر در اینجا ساختہ و بفروش میرسد ، بر خی محبوب سین

- ۶ معاینه معدن فیلد سیات و کوارتز (مواد کارآمد چینی سازی) در سرچنگل اشکاشم که ذریعه خود آقای دوکتور موصوف کشف گردیده است .
  - ۷ معاینه معدن آهک رسوبی در حدود قریه اشمرغ و اخان که از نمونه کشفیاتی خود دو کتر موصوف می باشد
  - ۸ معاینه معدن زمچ در کوه روغ مرکز حکومتی زیباک .
  - ۹ در موضوع خواجه غار علاقه کرخ هرات که از شهر هرات بیست و چهار میل فاصله دارد يك معدن بزرگ سنگ سرخ ریگی توسط بناغلی سید عبدالاحد خان کشف گردیده که در تعمیرات هرات به پیمانۀ بزرگ بمصرف میرسد معدن خاک سرخ وزردوسفید نیز توسط آقای موصوف درخولی مرغ قریب حکومت کشکک یافت شده است .
  - ۱۰ برای مصارف بارود سازی در جریان سال ۱۳۲۴ مقدار ده هزار سیرگو کرد از معدن چمتال مزار شریف توسط نماینده وزارت معدن استخراج و در تحویلخانه نمک ولایت مزار شریف نقل و ذخیره گردیده است که بالای اشخاصیکه در ساخت بارود کار میکنند به نرخ معین بفروش رسانده میشود .
  - ۱۱ يك معدن سنگ صابون (Talc) در موضع المره جدران جدید کشف گردیده و نمونه آن در این اواخر بوزارت معدن واصل شده است .
- مدیریت معدن ولایت مزار شریف :

در موبوط مدیریت معدن مزار شریف استخراج يك مقدار مکنز یوم کلو رانید و مکنز یوم سلفیت و حفر يك تعداد حوض بصورت فنی که در نمکسار تاشقرغان واقع است ، در اثر تفحص متخصص خارجی صورت گرفته .



دروغی سیمانی غرنی دیووا زه چه دافتر گام په دیووا زه شهپوره ده .  
او کا شیو گماری نوی جاری ده .



مستشفى حكومتی نئی عمارت



دسریل دحکومت نوی عمارت، چه زیلا حصار بهر موضع  
شی واقع او تر تعمیر لاندی شوی -



دسریل مرنه داره عمومی باغ او دبله نې عمارت



د سړک لوی بازار چوڅنار په غرنی حصه کښې واقع  
اود هیوتې په بازاران مشهور دی

• • •



د پسته خان لوی عمارت په ده افغانانو کښې



- که موعد حبس خود را بسر رسانده، در بازار بهمین کسب خود ادامه داده و ازین رهگذر مفاد خوبی بدست میا ورنند .
- ۳ :- شق بوت دوزی : نظر بسال گذشته در سال جاری يك تعداد نفر اضافه و شعبه مذکور حسب المطلوب پیشرفت نموده و مفاد زیادی از آن بعمل آمده است .
- ۴ :- شق خیاطی : در سال جاری تاسیس گردیده و از آن استفاده خوبی حاصل و به مفاد صنعتی كمك نموده است .
- ۵ :- شق شانه سازی : در هذمه السنه تاسیس یافته و استفاده خوبی از آن گرفته شد ، یعنی تمام شانه های شق نساجی از آن حاصل و به تعداد زیادی که از کار اضافه بوده بغرض استفاده اهالی در معرض فروش گذاشته شده است .
- ۶ :- شق خبازی : در ۱۳۲۴ تاسیس و (۷۴) نفر شامل کار گردیده، علاوه از تهیه نان محوسین در بازار به (۲۲) موضع جهت رفاهیت اهالی در معرض فروش هم گذاشته شده .
- ۷ :- شق تعمیر : در محوطه تعمیر محبس بار کهای صنعتی که در گذشته تا سیمس و تحت کار آمده بود، در سال جاری یککصه آن نزدیک به پوشش رسیده .
- ۸ :- در محکومات کلان شبرغان ، بلخ ، ایبک کار صنعتی درین سال نیز جاری و نفری محبوسین شامل کار شده اند .
- ۹ :- در شقوق آهنگری ، رنگریزی ، چرم گری و خشت مالی نسبت بگذشته درین سال نوجه شده، و کارهای مذکور وسعت یافته که استفاده خوبی از آنها بدست می آید .

### هـ حکومت کلان ایبک :

- ۱ :- د کاکین شهر ایبک که کرسی نداشت در سال جاری به اندازه (۲۷۰) باب د کان از زمین به اندازه يك متر ارتفاع کرسی داده شده و نوافضا ت دیگری هم که داشت اصلاح شده است .
- ۲ :- دیوار احاطه مکتب مر کر ایبک که اساسی نبود ، در سال جاری منهدم و بطول (۲۵۰) متر و ارتفاع (۲) متر حسب نقشه تعمیر و اکمال گردیده است .
- ۳ :- هفتاد و پنج دربند حویلی شهر جدید که اصلاح طلب بود ، اصلاح گردیده ، و بر علاوه جای (۸۰) دربند حویلی دیگر بقیمت معینه برای اهالی فروش و کار آن حسب نقشه مهندسی جاری بوده، امید است که بزودی مورد استفاده قرار گیرد .

ز - حکومت سرپل :

- ۱ - تعمیر عمارت حکومتی سرپل طور پخته کاری تکمیل و تنها کار دروازه شانیدن آن باقیمانده .
- ۲ - چهل و شش باب دکانهای جدید سمت غربی بازار سرپل طبق نقشه مرتبه بصورت عصری تکمیل گردیده .
- ۳ - پل بالای دریا واقع باغ عمومی سرپل قرار نقشه مهندسی طور پخته کاری تکمیل گردیده .
- ۴ - « » « » در موضع سیدآباد طور پخته کاری شروع و تهداب آن کار شده .
- ۵ - تعمیر شرکت اقدام سرپل طور پخته کاری طبق نقشه مهندسی که بصورت دومنزه است بپایه تکمیل رسیده است .

ح - حکومت آقچه :

در حکومتی آقچه که اساس شهر جدید در یک موضع مناسب گذاشته شده و نقشه های آن از مقامات رفیعہ منظور گردیده تسطیح زمین و تقسیمات شهر و خیابان بندی و سرک کشی و باغ عمومی آن در سال گذشته اجرا شده بود، در سال جاری به تهداب گذاری مسجد جامع و عمارت بلدیہ اقدام شده و در سال آینده زمین به مردم تقسیم و تعمیر بازارها و سرای ها و غیره شروع خواهد شد .

امور ولایت خان آباد

بلدیہ پلخمري :

- ۱ - يك نهر جدید از حد کافر قلعه الی اخیر بازار پلخمري جفر گردیده که یکسوم مغر میکعب آب فعلاً در آن جریان دارد، نهر مذکور علاوه ازین که یکجسه از اضی را آبیاری می کند، از طرف بلدیہ يك آسیا هم در آن ساخته شده .
- ۲ - پلها :

الف - پخته کاری :

- ۱ - پل سرک شهر نو  $۴ \times ۵ \times ۸$  - ۱ پایه
- ۲ - « » دوصد کوتی  $۴ \times ۵ \times ۱۰$  - ۱ پایه
- ۳ - « » گدام  $۱۰ \times ۵ \times ۴$  - ۱
- ۴ - « » عمومی خان آباد  $۱۰ \times ۵ \times ۳$  - ۱

## امور ریاست مستقل زراعت

شعبات مربوطه ریاست مستقل زراعت درین سال تاجائیکه امکان داشته در اوضاع زراعتی مملکت اقدامات خوبی نموده و از هیچگونه مجاهدت خود داری نه نموده اند ، چنانچه خلص اجراآت مهمه آنها فرار آتی درج میگردد .

### مدیریت توسعه و اصلاح زراعتی :

مسائلی که در جریان ۱۳۲۴ زیاده تر جلب دقت ریاست زراعت را نموده است همانا اصلاح جنس است که در اصلاح نباتات و حیوانات رول بس مهمی را بازی میکند : بلی تا وقتیکه نباتات و حیوانات اهلی که با داشتن مزایای طبیعی در ادوار مختلف صورت تحول نزولی و تغلیط جنس را متحمل شده اند بطریقه های فنی تحت اصلاح گرفته نشوند تکثیر آنها منتهی به نتیجه اطمینان بخش نخواهد گردید زیرا محاصیل آنها نه تنها قلیل بوده نیکافوی مصارف و زحمات متحمل را کرده نخواهد توانست بلکه از لحاظ خواص تجاری نیز ناقص بوده در بازار های داخل و خارج قیمت کمتری خواهند داشت . از همین جهت است تشکیل تجربه گاهها که در نقاط مختلف مملکت هر سال توسعه داده میشوند و علاوه بر آن در نقاط محدود تر قطعات کوچک زمین بنام قوریه های فنی تشکیل میگردد که مراد از آن اصلاح جنس و تکثیر حبوب مختلفه داخلی و خارجی بوده و مرام کلی آنست که یک مقدار حبوب و بته ها و قلمه های اصلاح شده متنوعه بدسترس اهالی گذاشته شده و باینصورت زرع اجناس خوب توسعه و تعمیم پذیرد . اجرا آتیکه به مطلوب اصلاح جنس در ۱۳۲۴ بعمل آمده قرار ذیل اند :

- ۱ - : صورت اجراآت در مرکز و نواح آن .
- ۲ - : صورت اجراآت در تجربه گاه بغلان .
- ۳ - : » » » » قندوز .

### ۱ - صورت اجراآت در مرکز و نواح آن :

در قوریه های محلی مثل قوریه گذر گاه وینی حصار و بتخاک و یغمان و در باغهای چهل ستون و گل باغ و بگرامی و استالف و غیره بعضی عملیات فلاحتی تحت اجرا گرفته شده از یک طرف در قوریه گذر گاه و باغ چهل ستون و بگرامی و استالف یک مقدار حبوب گله ها و سبزیجات خارجی به مطلوب حصول تخم تحت زرع گرفته شده و از طرف دیگر از بهترین اجناس اشجار مشمر نقاط مختلفه مثل کهمرد و یغمان و چاردهی قلمه های پیوندی گرفته شده در باغهای بگرامی و چهل ستون و گل باغ و یغمان و باغ بالا برنهای الهای متنوعه پیوند زده شدند و نیز برای

ب- خامه کاری :

۱ :- پل طرف شرق جنوب دآشپا و عمارات ۱۰×۵×۳×۱ پایه

۲ :- « غرب مندوی بازار بالای نهر استیا ۹×۵×۴- »

۳- عمرانات :

۱ :- از جمله ده عمارت که جهت مامورین تعمیر میگردد، ۴ عمارت آن چوب پوش گردیده .

۲ :- « جویابی های متصل ضویله حیوانات ۳ » « » « » « »

۳ :- دو تحویله خانه جنسی بنده چوب پوش گردیده .

۴- معابر و غیره :

۱ :- در سرك ۱ بر است دریا دولینه درین آن یار کهای گنکاری ترتیب یافته وبدو طرفه

سرك مذکور امتداد دارد، به پیاده روهائی آن نهالهای ناجو غرس و چراغهای برق نصب گردیده .

۲ :- سنگ کاری اب دریا اخیر باغ ذخیره بار تقاع  $\frac{1}{4}$  متر = ۲ متر = ۲۵۰ متر

۳ :- پر کردن یار کهای گنکاری اطراف قهوه خانه ۳۰۰۰ »

۴ :- حفر جزیره بین دریا تحت بندبرق برای اصلاح جریان آب دریا بلحاظ حفاظت تعمیرات

و سركهای شهری پلخمری وسواحل دریا ۳۸۰۰ متر

۵ :- سنگ کاری ساحل چپ دریاء تحت بند برق بغرض جلوگیری از ضرر طغیان آب دریا

بار تقاع ۳ متر ۱۵۰ متر طول

۶ :- تعمیر مسجد جامع بازار که در سال گذشته خراب شده بود در سال جاری نسبت بسابق

خوبتر تعمیر گردیده .

۷ :- پرکاری عقب سنگ کاری اب دریا ۱۵۰۰ متر مکعب

۸ :- دکانهای پخته کاری بازار پلخمری چوب پوش و مسطح شده .

۹ :- ساختمان يك اپارتمان پخته بالای دکانهای مسجد .

۱۰ :- انصباب پایه های سمی لبین برق از حد بند الی اخر باغ ذخیره به فاصله ۱۸۰۰ متر

## امور ولایت مشرقی

- ۱ : - در سال جاری در نظر گرفته شده که يك تعداد ابار تمانهای عصری در باغ مقبره به محاذی سراج العمارت جهت رهائش مسافرین تعمیر گردد ، چنانچه سنگ تهداب آن گذاشته شده و کار آن سرعت جاریست .
- ۲ : - جهت رهائش حکومت کلان شتوار حسب نقشه يك تعمیر زیر نظر گرفته شده که کار حرمسرای آن فریب الاختتام است و مابقی کار آن نیز سرعت جریان دارد .
- ۳ : - برق جلال آباد که قبلاً خیلی مختصر و خفیف بود ، که دوائر مملکتی و اهالی شهر ازان استفاده کرده نمیتوانستند ، در سال جاری ماشین قوی تری نصب گردیده که عموم دوائر و اهالی شهر حسب مقررات شرکت ازان استفاده مینمایند .



## امور ولایت جنوبی

### الف - ریاست بلدیه :

شق تعمیرات :

- ۱ : - مسجد جامع گردیز بصورت اساسی مرمتکاری گردیده
- ۲ : - دكانهای بازار جدید گردیز                      »                      »
- ۳ : - يك مهمانخانه عصری مطابق نقشه بایک گلخانه و دیگر لوازم آن در سمت شمالی باغ ریاست تنظیمیه آباد گردیده .
- ۴ : - دیوار سمت شرقی احاطه هتل که مقرر ریاست تنظیمیه قرار داده شده بصورت سنگکاری (بأنصب کتاره ها) طور اساسی تعمیر گردیده است .

شق معابر و غیره :

- ۱ : - از حصه انتهائی جنوبی شهر گردیز یکسرك اساسی که دارای عرض کافی و پیاده روها میباشد بطرف زیارت شاه قصور صاحب (ع) تمديد شده که احداث این سرك به زیبایی شهر افزوده ، و در نظر است که سرك مذکور تا مرکز حکومتی زمرت و از آنجا تا انتهای حدود زمرت بهمین نهج تمديد گردد .
- ۲ : - يك سرك اساسی دیگری از حصه جنوب غرب عمارت دارالحکومگی جدیداً تمديد و به

جاده شاه قصور صاحب (ع) در حالیکه شفاخانه ملکی و عسکری راطی و از سمت شرق تعمیرات مزبور عبور می کنند اتصال یافته است .

۳ : - چون تپه که تعمیر عمارت دارالحکومگی بالای آن واقع است بصورت ناموزون و سنگ لاخ و بحال طبیعی بود سمت شرق و جنوب آن تسطیح و سرنگ پرانی شده ، و زمین تسطیح شده در وسعت باغ مینه وری افزود گردید ، و سر کهای دو طرفه تپه مذکور که تنگ و کم عرض بود ، به اندازه کافی عریض گردیده و قسمت های سر نشیبی مذکور که ناموزون بود بصورت مرتبه دار ساخته شده .

۴ : - اراضی و باغ متعلقه شفاخانه ملکی گردیز که از سابق بصورت خرابه و پست و بلند بود امسال تماماً هموار و در بین آن خیابانها و کرد های گدل و سبزی کاری و غیره ساخته شده و یک تعداد نهال هم در آن غرس و صحن منزل دوم عمارت مذکور که تماماً خشت فرش نشده بود ، در سال جاری فرش گردیده است ، و اکثر اطاقهای اول آن سمت کاری نیز شده است .

۵ : - چون مراکز حکومته کلان خوست و حکومت درجه اول ارگون از هر حیث تشکیل ماموریت بلدیہ را ایجاب مینمود ، یکیک ماموریت بلدیہ تاسیس و شروع بکار کرده اند .

### ب- قوماندانی امنیه:

۱ : - عمارت مجوده قوماندانی امنیه که برای نشیمن دوائر مربوطه کفایت نمیکرد ، در سمت غربی عمارت مذکور یک تعداد اطاقها مطابق نقشه تعمیر گردیده ، و علاوه بران برای بکار انداختن کارگاه صنعتی مجلس که لوازم آن بعضی وارد و برخی در شرف وارد شدن است ، یک تعداد اطاقها نیز مطابق نقشه ساخته شده است .

۲ : - باغ مینه وری که بصورت خرابه و بائر بود ، در سال جاری آبا و در بین آن میدانهای متعدد سپورت و تفرج گاه ها ساخته شده و قسمت کلی آن گلیکاری و نهال شانی شده و سمت جنوب آن یک دیوار اساسی محاط شده است .

۳ : - واردات قوماندانی امنیه نسبت بسال گذشته در سال جاری در فیصد ، زیاده از سه صد تریبد بعمل آمده است .

### د- حکومت کلان خوست :

شق عمرانات : تعمیرات ذیل در مرکز حکومت کلان خوست در سال جاری بنایافته که برخی آن بیایه تکمیل رسیده و از برخی کار آن سرعت جاریست .

نیز برای تکثیر مزید حبوب ونهال و نه های زینتی تربیت وسیع تری گرفته شده است . علاوه بر آن بمطلوب تکثیر اشجار کوهی از قبیل ناجو ، ارچه ، بلوط ، العنز ، سرب ، بجورو غیره یک مقدار تخم از ولایت جنوبی ذریعه یک کفتر مأمور فنی جمع آوری و بمرکز آورده شد تا در قوریه های مربوطه تحت زرع و تجربه گرفته بشوند زیرا این انواع که درز مستان هم سبز می باشد نه تنها برای تزئین باغچه ها و حویلی ها مورد خواهش عموم قرار گرفته بلکه در نقاط مرتفعه و دره های سرد نیز امکان تکثیر و تعمیم زرع آن متصور است .

تقسیمات حبوب بمطلوب تر و بیج زرع نه تنها بقوریه های مرکز بعمل آمده بلکه بحکومتی های اعلی و ولایات نیز یک مقدار حبوب ونهال فرستاده شده است تا قوریه ها ئی در آنجا ها تشکیل و حبوب تخمی لازمه بصورت صحیح بدست آید . چنانچه بحکومتی پروان بادام و بقطغن ناجو و تخم سبزیجات و پیاز نرگس و بهرات یکعده نهالهای گیلاس ، و سیب و ناک و جنوبی قلمه و نهالهای اشجار مثمر و بفرا یک مقدار تخم درختان مخصوص مشرفی و بحکومتی اسمار تخم سبزیجات و گسل و ولایت مشرفی تخم برسیم و بادام و بهیمه و مزارشریف و هرات تخم اشجار و گسل فرستاده شده است .

در تجربه گاه سید آباد که قبلاً در سال گذشته از شروع کار آن اطلاع داده بودیم جاده کشی و خیابان بندی و کرد سازی اراضی طبق نقشه مرتبه ادا مه داشته و نیز در زرع انواع مختلف گندم و حبوب اشجار مثمر و غیر مثمر تجاربی بعمل آورده شده و برای اصلاح کاریز های آن ترتیبات لازمه گرفته شده است مرام از این تجربه گاه و سبع چنانچه در سالنامه ۱۳۲۳ تذکار شده است تربیه و اصلاح نباتات و حیوانات داخلی و توریذ اجناس نباتی و حیوانی خارجی و اعتیاد آن ها با آب و هوای افغانستان است تا مطلوب و نصب العین اصلاحاتی به بیمانه وسیع تر و طور اساسی تری بدست آید . در خصوص استخدام نفر فنی و تهیه آلات و ادوات لازمه که جریان اصولی این تجربه گاه ایجاب میکند ریاست زراعت داخل اقدامات است ، البته حینیکه این تجربه گاه با وسایط فنی لازمه از قبیل متخصصین شق نباتی و حیوانی و لابورا توری ها و آلات فنی مجهز گردد یکی از تجربه گاه های مهم مملکت خواهد بود ،

در تجربه گاه زراعتی بغلان : از آنجا که اصلاح جنسیت در حیوان و نبات رول مهمی

بازی کرده اگر بطور فنی در این راه سال چندی متواتر دقت و صرف مساعی بعمل آورده شود اجناس اصلاح شده خوبی بدست آمده از تکثیر و تعمیم آنها مفاد زیادی برای زراعت پیشه گان حاصل خواهد شد و از آنجا که آب و هوای قطغن برای تربیه حیوانات اهلی مثل اسب و گاو و گوسفند و اشتر و مرکب و برای تربیه طیور مثل قاز و فیل مرغ و مرغ معمولی مساعد بوده وجود اراضی وسیع و معلوف تربیه همچو حیوانات را آسان ساخته است .

## امور حکومت اعلاى میمنه

### اول شعبه مالیه :

الف :- درم حصول مال مواشی نسبت به سال گذشته در سال جاری - ۱۰۵۷۰۷۹۸۴۱ - افغانی تزئید بعمل آمده  
 ب :- در فروش قیمت وثایق » » » » - ۷۰۲۶۴۲ -  
 ج :- در تحصیل باقیات » » » » - ۸۹۱۰۲۷۶۷۶ -

### ۲- شعبه گمرک :

الف : عایدات نقدی مدیریت گمرک در ظرف ده ماه ۱۳۲۴ با مقایسه ده ماه ۱۳۲۳ حسب ذیل است :  
 از اول حمل الی اخیر برج جدی ۱۳۲۳ ۲۳۸۲۹۳۴ - افغانی  
 » » » » » ۱۳۲۴ ۴۴۵۴۱۸۵ -  
 تزئیدات ده ماهه ۱۳۲۴ نسبت به ۱۳۲۳ ۲۰۷۱۲۵۱ -  
 ب : عایدات واحصائیة پوست قره کلی : پوست قره کلی که درین پنج سال آتی از گمرک میمنه  
 به کابل ارسال شده قرار ذیل است :  
 - در سال ۱۳۲۰ (۲۶۲۰۰۱) جلد - در سال ۱۳۲۱ (۳۱۵۷۸۷) جلد - در ۱۳۲۲ (۳۹۲۳۵۰)  
 جلد در ۱۳۲۳ (۳۷۴۸۵۲) » - ۱۳۲۴ (۴۰۷۳۴۳) جلد الی اخیر جدی .  
 پوست بغنه خالص عربی که به کابل فرستاده شده :  
 در سال ۱۳۲۳ (۲۴۴۹۳) جلد - در سال ۱۳۲۴ (۲۹۳۱۰) جلد



گمرک اندخوی : در سال ۱۳۲۴ با مقایسه آن به سال ۱۳۲۳ و افزودی که در چند ماه اخیر  
 بعمل آمده قرار ذیل است :

عایدات برج اسد سال ۱۳۲۳ - ۳۲۷۳۷۷۶ - افغانی در اسد ۱۳۲۴ - ۳۹۸۷۸۷۲ - افغانی  
 » » سنبله » - ۱۱۶۹۰۰ - » سنبله » - ۲۴۷۸۲۶۵ -  
 » » میزان » - ۳۵۷۸۷۵ - » میزان » - ۴۰۷۲۵۶۹ -  
 » » اقرب » - ۶۰۴۸۸۰ - » اقرب » - ۱۳۳۷۹۱۱ -  
 » » قوس » - ۲۷۲۱۹۰ - » قوس » - ۲۵۳۱۷۴ -  
 » » جدی » - ۷۱۸۰۰ - » جدی » - ۴۰۰۰۰۰۰ -



### ۳- بلديه :

- ۱- زمينه برای تعميرات عصری و اساسی شهر جدید الی وصول نقشه عمرمی آماده شده، چنانچه شرکتی بنام « ودانیو شرکت » تاسیس گردیده که وظیفه آن تهیه مصالح تعمیراتی است.
- ۲- يك حصه پلها و پلچك های داخله شهر و بازار تعمیر شده است.
- ۳- راهها و جاده های داخل شهر ريك و جفله اندازی گردیده.
- ۴- تنویر بازارها و جاده های عمومی که قبلا ذریعه چراغهای نفتی بود، به برق تبدیل گردیده.
- ۵- ماموریت بلديه اندخوی : پیشنهاد يك شهر جدید عصری را نموده ، و حسب پیش نهاد مذکور از مقام ذی صلاحیت منظور گردیده و نقشه شهر نیز توصل ورزیده و از ابتدای سال ۱۳۲۵ به تعمیر آن اقدام خواهد شد .

### ۳- معارف :

- ۱- اصلاحات کتب اداری مکاتب و ترتیب دفاتر سوانح برای هیئت تدریسی و شاگردان .
  - ۲- ترویج کنفرانسهای علمی و درامه های عملی .
  - ۳- تکمیل سامان تدریسی و واریسی به توزیع و تقسیم آنها .
  - ۴- معاینه و تفنیش عموم مکاتب .
  - ۵- جریان سپورتهای مختلفه در مکاتب .
- ۴- قوماندانی امنیه :

- ۱- در مجلس میمنه علاوه بردستگاههای سابق در سال جاری چند دستگاه جدید نصب گردیده ، که درین دستگاه ها هر نوع آنچه های چینی اعلی و غیره بافته می شود، و پسند عامه گردیده .
- ۲- در شعبه صنعتی مجلس بوتهای اعلی و سایرری ، چپلی و موزه های خوب و چاروق ، ساخته میشود و بشعبه نساجی کشمیره های پیراهنی و غیره بافته شده ، و بشعبه سطرانجی بافی سطرانجی های خوب و گلیم های اعلی بافته می شود ، و نسبت به سالهای گذشته به شعبات صنعتی مذکور ترقیات زیادی محسوس میگردد .

### امور حکومت اعلای فراه

### الف شق مالیه :

- ۱ - تعداد مساحت صحیح املاك تحت اجرا گرفته شده .
- ۲ - تزییدات مالیاتی، در مالیات فیصد (۱) افغانی و ۲۲ پول - در مالیات اصنافی فیصد (۲) افغانی و ۶ پول - در فروش عرایض فیصد (۱) افغانی - در فروش صکوکات فیصد (۱) افغانی و ۷ پول در واردات عمومی فیصد (۱۰۲) افغانی و ۶۶ و نیم پول تزیید بعمل آمده .

ب - بلدیہ :

۱ - بلدیہ حکومت اعلای فراه يك سلسله اپارتمانها متصل سرک زیر تعمیر گرفته که چندی از اپارتمانهای مذکور تکمیل گردیده .

۲ - به تعمیر يك مسجد جامع شروع و دوازده باب دکان در جاده مسجد مذکور تحت تعمیر گرفته شده .

د - گمرک :

در عایدات گمرکي ۱۳۲۴ نظریه ۱۳۲۳ - ۷۹۵۷۰۱ - افغانی تزئید بعمل آمده است .

ج - مخابرات :

از حدود دلارام الی مرکز علاقه داری گلستان که (۱۶) گروه مسافه دارد یک هزار و دوصد یاه تلیفون نصب و تمديد گردیده که مخابره هم در آن بعمل می آید .



امور حکومت اعلای بدخشان

شق بلدیہ :

امور بلدی که مستقیماً در تحت او امر حکومت اعلی اجرا و اداره می شود ، و در سال جاری اجرا آتی که در آن بعمل آمده قرار ذیل است :

۱ - جوی قریه بشی یفتل که از فیض آباد دو گروه فاصله دارد ، و از سالهای زیادی بایطرف خراب گردیده بود ، درین اواخر جوی مذکور مجدداً آباد و آب آن جاری گردیده است .

۲ - يك تعداد نهالهای مشمر و غیر مشمر در جوی قریه بشی و غیره مواضع شهر فیض آباد غرس گردیده است .

۳ - در حدود مزار خواجه سبزیوش در بالای شهر فیض آباد متصل شفا خانه ملکي که يك تپه مخر و به قدیمه بوده و چند سال قبل يك تفریح گاه خوبی گردیده بود ، مگر باز در اثر کم برداختی مثل گذشته خراب و ورهم شده بود ، در سال جاری با اثر توجه حکومت اعلی مجدداً آباد گردیده ، سرک های موثر رو و میدانهای سپورت و يك عمارت عالی و يك چبوتره در آن آباد و بنام کلوپ محمودیه منسوب و يك تفریح گاه خوبی برای مامورین و اهالی گردیده است

## تصویبات سال ۱۳۲۴ شورای ملی

- ۱ - موازنه بودجه عمومی واردات و مصارفات سال ۱۳۲۴ مملکتی .
- ۲ - « » معاشات و مصارفات قروض بانکی ازبابت سال ۱۳۲۴ .
- ۳ - افزودی معاشات مامورین ملکی و عسکری و افراد عسکری و مستخدمین .
- ۴ - امتیاز نامه تیل خاک .
- ۵ - راجع به بعضی تعديلات و تزئید و تنقیص برخی مواد اصولنامه مامورین و متقاعدین ملکیه .
- ۶ - راجع به تصحیح و تعدیل بعضی مواد اصولنامه مامورین و متقاعدین ملکیه .
- ۷ - اصول تعیین میعاد استماع مرافعه و تمیز و دعوی حقوقی و جزائی .
- ۸ - اصولنامه کار و کارگران مؤسسات صنعتی ملی .
- ۹ - ماده واحده در منع اسقاط قصدی جنین .
- ۱۰ - ضمیمه نمبر ۵ - اصولنامه مکلفیت عسکری راجع به معافیت منصبداران نیکه مدتی در اردو خدمت کرده اند ، از خدمت دوره مؤظفیت و خدمات غیر محارب در خارج اردو .
- ۱۱ - ضمیمه نمبر ۶ - اصولنامه مکلفیت عسکری راجع به معافی اشخاصیکه قبلاً شامل خدمت عسکری و ترخیص حاصل داشته اند .
- ۱۲ - ضمیمه نمبر ۳ مالیات بر عایدات .
- ۱۳ - « » اصولنامه مسافرت و اقامت اتباع خارجه در افغانستان - تعدیل اصل ۳ و تزئید اصل ۳۲ با اصولنامه متذکره .

## تصویبات سال ۱۳۲۴ مجلس اعیان

- ۱ - لایحه راجع به تعديلات و تزئید و تنقیص برخی مواد اصولنامه تقاعد .
- ۲ - « » تصحیح و تعدیل بعضی مواد اصولنامه استخدام و تقاعد .
- ۳ - « » ضمیمه اصولنامه مکلفیت عسکری .
- ۴ - « » راجع به تعیین میعاد استماع دعاوی .
- ۵ - « » اصولنامه کار و کار یگران مؤسسات صنعتی .
- ۶ - ماده واحده راجع به اسقاط جنین .
- ۷ - ضمیمه اصولنامه مکلفیت عسکری .
- ۸ - « » مسافرت و اقامت اتباع خارجه در افغانستان .
- ۹ - « » مالیات بر عایدات .
- ۱۰ - افزودی معاشات مامورین ملکی و عسکری و افراد عسکری و مستخدمین .

## اعطای نشان

است نشا نهاییکه از حضور اعلیحضرت معظم همایونی برای ذواتیکه در اثر خدمت و صداقت شان اعطا شده قرار ذیل است :

- ۱ - برای ع ، ج ، س ، ع سردار محمد داؤدخان وزیر حریبه المرعالی
- ۲ - » ع ، ج سردار محمد نعیم خان وزیر مختار افغانستان در لندن المرعالی
- ۳ - » ع ، ش سردار اسدالله خان مفتش عمومی اردو سردار اعلی
- ۴ - » ع ، ج علی محمد خان وزیر خارجه سردار اعلی
- ۵ - » ، » ، » محمد نوروز خان وزیر مالیه
- ۶ - » ، » ، » مرزا محمدخان » دولت
- ۷ - » ، » ، » عبدالاحدخان رئیس شورای ملی
- ۸ - » ، » ، » فضل احمدخان » مجددی » رئیس مجلس اعیان سردار عالی
- ۹ - » ، » ، » میرعطاءمحمد خان وزیر عدلیه
- ۱۰ - » ، » ، » غلام یحیی خان وزیر پست و تلگراف
- ۱۱ - » ع ، ع ، ش محمدانورخان نائب سالار معاون وزارت حریبه
- ۱۲ - » ، » ، » ، » محمد عمر خان رئیس ارکان حریبه عمومیه
- ۱۳ - » ، » ، ش عبدالغنی خان قوماندان فرقه اول قوای مرکز
- ۱۴ - » ج ، صلاح الدین خان رئیس مستقل مطبوعات ستور درجه اول
- ۱۵ - » ع ، ج رحیم الله خان سابق وزیر معدن
- ۱۶ - » ع ، ع ، ش توفیق اوگه رئیس تدریسات حربی پوهنتون
- ۱۷ - » ع ، ش جودت ارمن معلم طوپیچی حربی پوهنتون دوم
- ۱۸ - » ح بای انور توق معلم پیاده
- ۱۹ - » ، » ، محمد آصف خان غند مشر معاون ریاست لوازم سوم
- ۲۰ - » ۱۶۶۲ نفر افراد و خورد ضابطان فرقه دوم قوای مرکز نشان خدمت نقره ئی
- ۲۱ - » ۱۱۲ نفر وکلای دوره پنجم شورای ملی نشان یادگار
- ۲۲ - ص عبدالواحدخان معلم پشیتو و جزای عسکری حربی پوهنتون نشان درجه ۲ معارف

## د افغانستان بانک

سال ۱۳۲۴ او لړن سالی است که بعد از جنگ پر آشوب جهان امده و باز دنیا اداره و سیاست و مخصوصاً جهان اقتصادیات را مجدداً در آغوش امن و امان کشیده و برای عناصر اقتصادی موقع داده است تا سراسر از نو فعالیت پرداخته از مافات تلافی و از آینده بایک جدیدت خستگی ناپذیری استقبال کنند. اگر چه در راه اعاده وضعیت عادی اقتصادیات عالم هنوز مشکلاتی موجود میباشد اما امید واثق است که عوایق موجوده اقتصادی بزودی رفع گردیده و کشور عزیز مانیز در راه نهضت اقتصادی خویش قدمهای وسیع تر برداشته بتواند. موسسه د افغانستان بانک که از عناصر مهمه پولی و اقتصادی مملکت عزیز بوده نیز درین جنگ بر موانع و مشکلات زیادی مواجه شده زحمات و تضیقاتی را متحمل گردیده است چه بانک مذکور در همان وهله تاسیس و بیکار پرداخته که جنگ عالم نیز آغاز گردیده بود. اینک باتذکر مختصری از تضیقات متذکره اجرا آت اخیره بانک موصوف را از نظر مطالعین گرام گذارش میدهم :-

دراثر ادامه جنگ طور یکه در بازار تجارتی و پولی ممالک متحارب فتوری رخ داد طبعاً اثرات آن رفته رفته به ما هم رسید و بازار تجارتی و پولی ما را متأثر ساخت چون بازار و سیاست پولی همیشه به بازار و سیاست تجارتی ربط و علاقه مستقیم داشته و تأثیرات آن باهم دیگر حتمی میباشد لهذا در اثناى جنگ همینکه بازار و سیاست تجارتی ممالک متحارب بصورت آنی و غیر منتظر تغییر کرد این تغییر بدو در بازار تجارتی و متعاقباً در بازار پولی ما تأثیرات نامالایم خویش را انداخت. یعنی وقتیکه ممالک متحارب در ورود و صد و رامتعه و اموال تجارتی در خاک خود سیاست کنترول پولی را پیش گرفت؟ برای امتعه و اجناس مهمه صادراتی خود قیوداتی وضع نمود این مسئله تجارت ما را که بر اساس موازنه واردات و صادرات ادامه داشت یک طرفه ساخت یعنی تجارت و موسسات تجارتی ما از افغانستان صادرات کرده اما بالمقابل بیمانه لازمه واردات کرده نمیتوانست. از جانب دیگر چون این سیاست ما را قهراً بتجدید اندازه واردات از خارج و بانامکس بتوسعه بیمانه صادرات از داخل واداشت لذا قیوم اموال وارداتی در بازار های داخلی ما بصورت فوق العاده صعود کرد. و در نتیجه قیوم عمومی دیگر اشیا نیز بلند رفت. اینک اتخاذ این روبه از طرف ممالک متحارب بمقابل ما چنان نتیجه بار آورد که تجار و موسسات تجارتی ما امتعه و اموال صادراتی خود را در بازار های خارجه فروخته و بالمقابل اسعار خارجه حاصل کردند و چون بذریعه اسعار مذکور بنا بر قیودات فوق الذکر مال التجاره خریده نتوانستند لهذا اسعار حاصله بصورت نقد بدست آنها ماند بناء علیه مجبور شدند که اسعار خود را بموسسه د افغانستان بانک که وظیفه خرید و فروش اسعار خارجه و وظایف مشخصه آن شناخته میشد عرضه و در مقابل آن افغانی مطالبه نمودند.

بناء علیه ریاست زراعت علاوه بر یکمده حیواناتیکه در تجربه گاه طور فنی تحت تربیه میباشد برای اینکه در اصلاح حیوانات قطغن خصوصاً جنس اسپ که بمروار اوقات خواص و مزایای او به خود را ساخته و تربیه گاوهای شیری و قلبه ننی که اجرا آت و مراقبت فنی مخصوص را ایجاب میکند و برای تکثیر جنس قاطر و اشتر که در حمل و نقل اهمیت خاصی دارد و بالاخر برای تکثیر جنس قاز و فیلمرغ و مرغ خانه کی ترتیبات لازمه گرفته در دو مراکز مختلف بغلان و غوری میخواید که به تربیه وسیع تر این حیوانات اقدام ورزد . بناء علیه بعد از مفاهمه با ریاست تنظیم قطغن و وائز فنی آنجا تشکیلات جدیدی در این موضوع روی کار آورده و بعد در حصول منظوری از مقامات عالی ترتیبات گرفته است که اجناس اصلاح شده گاو و اسب و انواع طیور از قبیل فیلمرغ و قاز و غیره بذرایع لازمه مهیا شده در بغلان فرستاده شود تا در خصوص اصلاح جنس و تربیه فنی حیوانات موصوف به پیمانیه و وسیع تری اقدامات بعمل آورده شود .

علاوه بر آن در تجربه گاه بغلان برای استفاده عموم و انتشار حبوب اصلاح شده مختلفه از قبیل انواع مختلفه گندم مخصوص مناطق گرم و انواع تخم سبزیجات و گیل و حبوب اشجار جنگلی تجارب فنی بعمل آمده و یک مقدار تخم و نهال کافی حاصل شده است که عندالمطالبه بهزار عین قطغن تعمیم خواهد شد .

علی الخصوص برای اینکه زمینه جهت توسعه تربیه کرم پبله فراهم گردد یک تعداد زیاد نهالهای توت حاصل گردیده است که بالای زارعین به قیمت مناسب بفروش رسانیده خواهد شد . تجربه گاه زراعتی قندوز : تجاربیکه به اراضی تجربه گاه ذراعتی قندوز در ۱۳۲۴

بعمل آمده است برای نصب العینی بوده است : یکی اصلاح تخم پنبه و دیگر اصلاح جنس و تعمیم زرع حبوب دیگر مثل سبزیجات و غله جات و گیلها . سوم تشکیل قوریه نهالهای شمر و غیر شمر و حصول یک تعداد نهال برای توسعه زرع و تکثیر اشجار مختلفه در قطغن .

بناء علیه در ۱۳۲۴ یک مقدار از تخم های متنوعه سبزیجات داخلی و خارجی و حبوب مختلفه دیگر مثلاً انواع گندم و ناس جو و توت و یک اندازه پیاز و ترگس و نیز یک اندازه تخم اشجار شمر و غیر شمر از قبیل شفتالو ، شلیل ، شکر یاره ، اکاسی ، یاسمن و غیره بمطلوب تشکیل قوریه های آنها نیز در اراضی تجربه گاه زرع شده است .

مطلوب تنها از تکثیر نهال نبوده اصلاح آنها نیز داخل پروگرام فنی مدیریت تجربه گاه است چنانچه الی سال ۱۳۲۴ زیاده از سی هزار نهالهای شمر از قبیل سیب ، ناک ، شفتالو ، آلو بخارا و غیره پیوند شده و نیز عندالمراجع دهافین با آنها داده شده است و هم یک تعداد زیاد نهال توت

امریکا جمع گردید و اغلب بدال تبدیل شد. د افغانستان بانک برای اینکه دارائیهای مذ کوره باوجود مشکلات سیاست های کنترولی ممالک متجارب و برهمی توازن سیاست پولی و تهدیدات بازار سیاه و انسداد راهای تجارت عدم مساعدت زمینهای فعالیت بانکی، را کد و بیکار نموده باشد و بالااغل یک تجولی در آن وارد شده باشد درصدد آن برآمد تادالر های مذ کوره را قسماً بکدام جنس باعتباری تبدیل نماید تا شاید از بحرانات متصوره محفوظ تر باشد همان است که یک قسمت از دارائیهای دالری خود را در امریکا طلاء خریداری نمود. در این موقع رفته رفته زاویه های تاریک و غیر مرئی سیاست جنگی قدری روشن شد و بمنافع ممالک متحده انکشاف نمود و معلوم شد د افغانستان بانک در این گیرودار و کشمکش؛ سیاست بدی را تعقیب و پیروی ننموده. از طرف دیگر مملکت امریکا نیز در تجارت با ما از در مسالمت و معاملت پیش آمده کرده بعضی از اموال صادراتی افغانستان را ابتیاع و بالمقابل یک اندازه مال التجاره برای تجارت و مؤسسات تجارتنی ماداد و باین وسیله باز زمینه مساعد شد تا در حوزه معاملات بانکی نیز بتوان قدمی فراتر گذاشت. همان است که د افغانستان بانک مجدداً موقع را مغتنم یافته و یک قسمت دیگری از دارائیهای خود را طلاء و نیز یک قسمتی را توسط مؤسسه (نیشنل سیتی بانک) مقیم نیویارک اسناد قرضه از حکومت امریکا خریداری نمود.

در این معاملات روی هم رفته اوضاع تجارتنی ما با امریکا در عین جنگ نسبتاً رونقی بخود گرفت. از جانبی هم حکومت همجوار ما هند نیز پیمانه کافی از اموال و امنه پیداوار خود در داخل قیودات - لایسنس و سهمیه های بهاری و زمستانی مال التجاره داد که این دوما مله عطش بازار های داخلی ما را تا اندازه فرو نشاندد و در بازار های پولی مانیز اثرات نیکی بخشید و در نتیجه اوضاع بانک - قدری بهبودی حاصل کرد. تا اینکه نائره جنگ خاموش گردید. و قتیکه جنگ ایستاده شد حکومت امریکا فروش اسناد فتح جنگ را اعلان کرد. باز هم د افغانستان بانک موقع را از دست نداده بوسیله وزارت مختاری افغانستان درواشنگتن یک مقدار کافی از اسناد فتح جنگ را از حکومت امریکا خریداری کرد.

کذا با (ویست منستر بانک لندن) داخل مفاهمه گردید و پس از حصول موافقه یک مقدار کلی از دارائیهای پولی خود را در بانک موصوف که از بانکهای مهم و باعتبار انگلستان میباشد در حساب امانت بامقاد داخل نمود.

بعد از این اوضاع امید بخش شده میرود و امید است آن فشارهایی که بانک در اثنای جنگ از ناحیه تبدیل شدن سرمایه های افغانی خود بطلاء و اسعار خارجه متحمل شده بودند ثمره نیکی بار

بیاورد؛ چه دنیای بعد از جنگ ملل را در ساحه اقتصاد و تجارت بایک سرمایه کافی تر و وسیع تری دعوت مینماید و طبیعی است که در این ساحه آن ممالکی مستعد تر خواهند بود که از اسعار و اجناس قابل تبادل با اسعار خارجه ذخیره مکفی داشته باشند و سرمایه های مذکور در ابرای توريدات ما بحتاج مملکت بخرج ببرند. یقین است و فیکه متدرجاً اوضاع اقتصادی عالم رو با نیکشاف رفته و ممالک خارجه قوانین کترولی و قیودات موضوعه جنگ را از مقابل اخراجات خود بردارند و ذخائر طلا و اسعار خارجه د افغانستان بانک نیز قابل تبادل با اجناس و مال التجاره گردد و برای انجام پلانهای بزرگ اقتصاد و تجارت مملکت عزیز د نزدیک موقع خوبی بدر د بخورد و مملکت افغانستان هم مانند بعضی از ممالک بیطرف دیگر که بیلاس تجارت آنها بمنفعت شان بوده و مثل مادر ایام جنگ طلاء و اسعار خارجه ذخیره کرده و امروز بایک وضعیت مستحکم و مضبوطی از تحت فشارهای اقتصادی جنگ خارج میشوند؛ در ساحه اقتصاد و تجارت مظهر حرکت و پیشرفت بشود.

ریاست د افغانستان بانک علاوه تا بجهت اینکه دارا نیهای افغانی بانک یک اندازه بلند تر برود (۲۵ فیصد) از اسهام عمومی د افغانستان بانک را که تا آن وقت بفروش نرسانیده بود برای فروش عرضه نمود. شعبات و نمایندگی های بانک را در داخل و خارج بیکار انداخته و توسعه معاملات و تشکیلات آنها کوشید تا شعبات مذکوره بذریعہ عملیات بانکی از قبیل نگهداشتن حسابات جاری و امانت و قبول تبادلات پولی و غیره بافزایش دارا نیهای بانک بتوانند کمکی بنمایند. بنابر آن منظور اولاً نمایندگی های قندهار و هرات را سر و صورتی داده و سپس نمایندگی های مزار شریف - آفچه و اندخوی را جدیداً افتتاح نمود. چنانچه نمایندگی های مذکوره در این او اخر هر گونه معاملات بانکی و امور خزانه داری + حکومت را بدست اجراء گرفته است. بر علاوه د افغانستان بانک در نظر دارد تا شعبات خود را در داخل بیشتر توسعه داده و در آینده قریبی بنقاط لازمه داخلی از قبیل جنوبی - مشرقی قطغن و غیره نیز نمایندگی های خود را تا سیس و هکذا بمناطق مهمه اروپا و هند و غیره شعبات خود را بفرستد.

از جانب دیگر در اثر ختم جنگ و تأمین صلح و امنیت طرق تجارت و سیر و سفر باز گردیده و برای فروش اسعار خارجه بانک موقع دیگری دست داد. روی هم رفته وضعیت پولی بانک که از سال ۱۳۲۳ بعد رخ به بهتری میرفت در سال ۱۳۲۴ بهتر شد و فی الجمله بازار خرید و فروش اسعار سر و صورتی بخود گرفت که اینک برای توضیح نمونه از احصایه خرید و فروش

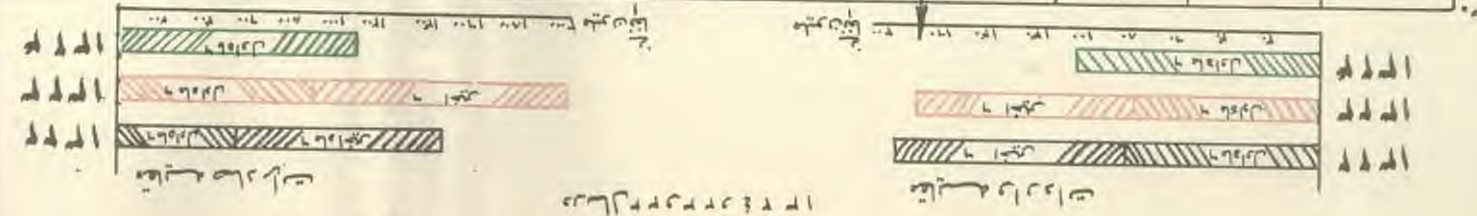
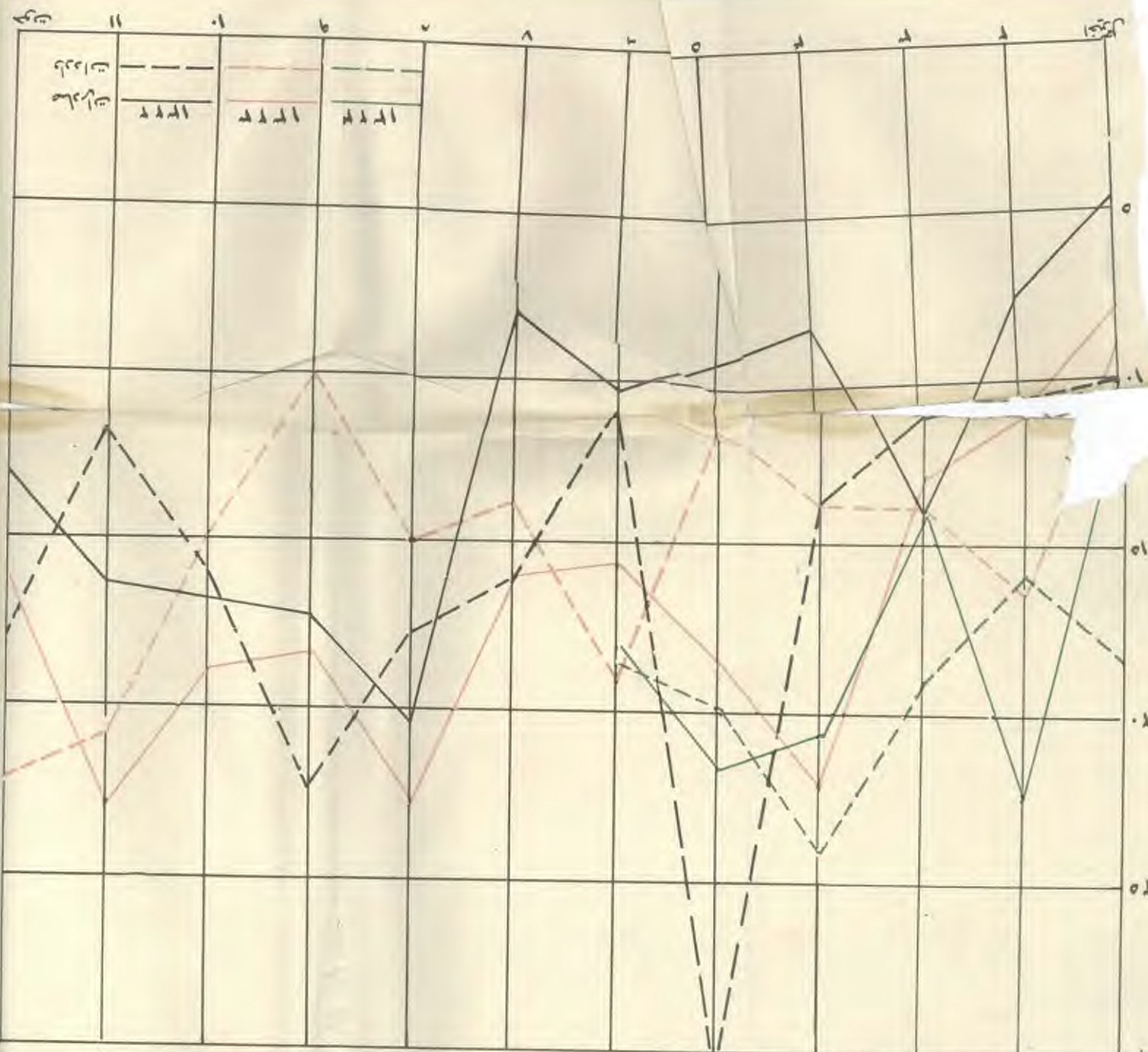


# د کابل کمانځي

اسعار خارجه مر کړي دافغانستان بانک را در شمه اول سال ۱۳۲۳ و شمه اول ۱۳۲۴  
در ذیل قید میکنیم :

اسعار	در شش ماه اول سال ۱۳۲۳		در شش ماه اول ۱۳۲۴	
	خرید	فروش	خرید	فروش
کلدار	۱۲-۱-۲۴۲۸۰۳۰۶	۱۱-۲-۱۳۱۲۴۷۰۴	۱۱-۷-۲۲۳۰۱۲۰۹	۰۵-۳-۱۷۳۲۳۲۰
یونید	۲۹۰۷۶-۶-۲	۱۱-۸-۳۰۹۷۶	۱۰-۷-۳۱۳۳۴	۱۳-۵-۰۳۲۴۷
دالر	۶۷۱۸۳۹۸-۰۲	۳۳-۹۸۹۸۴۳	۴۸-۱۱۹۷۷۹۰۱	۰۹-۰۴۰-۳۷۸۶۰
فرانک				
سویسی	۲۷-۴۱۵۱۶۱	۰۶-۵۶۵۳۸۱	۰۱-۲۵۷۱۱۲	۱۲-۱۲-۱۹۶۰۵۱

طوری که دافغانستان بانک در انتظام بازار یول و خرید و فروش اسعار خارجه مسؤ لیتی داشته  
و متحمل زحمات گردیده است هکذا در ساحت کنترول اسعار خارجه نیز بنا بر مکلفیتی که دارد مظهر  
کوشش و فعالیت مزیدی گردیده است که در این مختصر تنها باندراج احصائی واردات و صادرات  
تجارتی (شعبه نظارت اسعار) نظارت اسعار دافغانستان بانک- کابل را که اسعار مذ کوره با افغانی تسعیر  
گردیده است باو گراف مربوطه آن اکتفاء میکنیم :



سیر در ارتفاعات و مسافتات

معاونت های کل معمر بنی هاشمی در افغانستان بانك در او اخر معاوضه اروپا چنانچه در بالا نذكر گرفته است برای مطالعين گرام و اصحاب بر معنوم شود بانك پيلاس عمومی سال ۱۳۲۴ بانك موصوف در بين حادث ج و در اخبار ان احواله های چند از معاملات تاريخ هجری سال ۱۳۲۴ بانك مذکور که در مقابل احواله معاملات تمام ۱۳۲۳ نشان داده شده است قید میگردد.

بيلا نس سال ۱۳۲۳ د افغانستان پاك

مدارائی :

۱. پول های موجود صندوق	۷۶۳۲۵۱۰۸۲۷	افغانی
۲. طلا در گنج	۶۲۲۲۴۳۰۲۷۰	
۳. سکه های نقره	۱۳۵۹۰۴۰۳۵۲	
۴. سکه های طلا	۲۱۱۴۲۹۰۰	
۵. پول های دولتی	۵۰۳۸۹۰۷	
۶. پول های خارجی	۱۵۰۶۶۱۰۶۰	افغانی
۷. طلا در بانک امریکا	۲۲۸۸۱۱۸۲۴	اوسر
۸. طلا در بانک انگلیس	۱۸۷۵۱۹۹۷	دالر
۹. طلا در بانک فرانسه	۲۵۲۴۱۲۲۲	پوند
۱۰. طلا در بانک ایتالیا	۳۱۳۳۹۱۱۴	کلیار
۱۱. طلا در بانک سوئیس	۳۳۳۹۳۱۱۹	فرانک
۱۲. طلا در بانک بلژیک	۱۳۶۹	کرون
۱۳. طلا در بانک آلمان	۲۳۶۷۷	مارک
۱۴. طلا در بانک روسیه	۶۲۵	روبل
۱۵. طلا در بانک یونان	۲۷۶۳۶	درهم
۱۶. طلا در بانک اسپانیا	۲۷۸۲	پیسو
۱۷. طلا در بانک پرتغال	۲۶۷۲۹۴۹۳۷	اسکودو
۱۸. طلا در بانک برزیل	۲۲۲۹۶۲۷	ریال

۱- دوايز دولتې قرضې برابره	۲۹۳۱۲۸۰۹ ر. افغاني
۲- د سود سرمايه	۶۵۲۱۰۵ ر.
۳- سرمايه پورې	۶۲۸۹۸۳ ر.
۴- پوښتني وي	۶۶۹۸۹۱۷۳ ر.
۵- سرمايه سود	۱۳۳۱۶۰۸۲۴ ر.
۶- د پوښتني سرمايه سود	۱۳۳۹۲۹۴۳۸۴ ر. افغاني
۷- مرصه افراډي افغانستان	۱۷۴۸۰۰۰۰ ر. افغاني
۸- د افراډي سود	۱۰۱۳۰۹۸۰۳۰ ر.
	۲۲۰۹۰۲۲۸۲ ر.
	۲۱۲۲۹۲۲۶۷۰ ر. افغاني
۹- د دولت د سود د پوښتني مرصه سود	۴۴۴۰ ر. افغاني
۱۰- د مرصه سود د پوښتني مرصه سود	۷۶۶۰ ر.
	۳۷۱۱۰ ر. افغاني
۱۱- د مرصه سود د پوښتني مرصه سود	۱۶۲۶۱۰ ر. افغاني
۱۲- د برق	۸۷۵۰۰۰۰ ر.
۱۳- د آب و هو	۳۳۷۳۷۵۰ ر.
۱۴- د مرصه سود د پوښتني مرصه سود	۳۶۰۳۳۴۷۰ ر. افغاني
۱۵- د مرصه سود د پوښتني مرصه سود	۸۱۷۶۱۰۶۱۰ ر. افغاني
۱۶- د مرصه سود د پوښتني مرصه سود	۷۰۰۰ ر.
۱۷- د مرصه سود د پوښتني مرصه سود	۷۰۰۰ ر.

۸۱۷۶۱۶۶۶۱ - افغانی

جمع کل دارائی ما

٧٧، ٤٦٣٢٢٨ - افغان

جمع کذا بلعمه ۷۷ ۸۳۵۲۲۶۶۳۹ افقا

برای فراهم نمودن زمینه پیله وری بدها قین تقسیم گردیده است .  
 همچنین یکتعداد کافی نهالهای غیر متمر از قبیل پنجه چنار ، سفیدار ، کاتالپا ، شنک  
 اکاسی و غیره در اطراف و کنار سرکهای بزرگ اراضی تجربه گاه قندوز غرس گردیده  
 است در شق زراعت پنبه و دیگر نباتات تجارتی و غیره مثل تمباکو، پسته زمینی و سویا بین و برسیم  
 و غیره طبق پلان فنی عملیات زراعتی جریان داده شده و نتایج مفید گرفته شده است در ترویج  
 زرع پنبه امریکائی جدید که از لحاظ صفت بر پنبه امریکائی سابقه عادی برتری دارد نیز مساعی  
 زیادی بعمل آمده است چنانچه از جمله ۸۶۲۴۲ جریب زمین مزروعی پنبه ۷۳۳۵۶ جریب آن از پنبه دانه  
 جنس امریکائی جدید و صرف ۱۲۲۲۳ جریب از پنبه دانه امریکائی سابقه عادی زرع  
 گردیده مابقی ۶۶۳ جریب دیگر از پنبه دانه جنس مصری کاشته شده است .

مراقبت فنی زرع پنبه اهالی مطابق بهدایات مدیریت تجربه گاه ذریعه مامورین فنی مربوطه اش  
 بعمل آمده از این پنبه خودهارا مطابق بهدایات و قوانین فنی موضوعه زرع نموده اند  
 و نیز پیمایش جریبی اراضی پنبه کاری مثل هر سال ذریعه مامورین نماینده گی های زرع پنبه  
 عملی گردیده است تا احصائیه صحیح آن معلوم بوده موارد ازدیاد و یا کسر زرع پنبه معلوم و در نتیجه  
 اجراءات لازمه بعمل آورده شود .

در حصه تربیه حیوانات ترتیبات گرفته شده است که بهترین اجناس گاو های قلبه نی و شیری  
 و اجناس اسپ در تجربه گاه تحت تربیه گرفته شده از این اجناس اصلاح شده در صورت تیکه  
 تکثیر آنها تامین گردد بدسترس دهاقین و شایقین گذاشته شود و یا اینکه مالدارها حیوانات  
 خودهارا جهت چرخه گیری به تجربه گاه آورده مستفید گردند .

### مدیریت مدافعه امراض زراعتی و فلاحتی :

طوری که در سالنامه گذشته اشاره شده بود مدیریت دفع آفات ریاست مستقل زراعت درین  
 سال بعملیات خود طبق هدایات حکومت متبوعه توسعه خوبی داده و علاوه از شقوق سابق در حصه  
 امراض حیوانی اقدامات تازه و بی سابقه را اجرا کرده است که با سائر اجراءات این شعبه برای  
 اطلاع خوانندگان محترم ذیل توضیح می یابیم :

### اول شعبه حیوانی :

در مدیریت مدافعه آفات زراعتی و فلاحتی جدید آشنی بیطاری تشکیل شده که اگر خدا بخواهد  
 در قسمت مدافعه امراض حیوانی در آینده نتایج مهمی از آن گرفته خواهد شد و حاضرأ شعبه موصوفه  
 به دو حصه منقسم شده است که یکی شق مؤسسه باکتر و و لوژی حیوانی و شق دیگر آن مجادله  
 امراض حیوانی بوده اجراءات این دو شعبه قرار ذیل توضیح میگردد :

احصائیه واردات و صادرات تجارتي نطرات اسمار د افغانستان بانک - کابل

۱۳۲۴

۱۳۲۳

۱۳۲۲

واردات	صادرات	واردات	صادرات	واردات	صادرات
۱۸۴۳۱۲۴۸ - افغانی	۹۶۵۶۴۱۲ - افغانی	۷۸۰۳۴۱۶ - افغانی	۷۷۷۵۵۴۷ - افغانی	۱۰۹۴۵۷۲ - افغانی	۴۷۸۱۶۴۴ - افغانی
»	۲۲۵۰۷۴۶۰ - افغانی	»	۱۶۵۵۷۹۹۶ - افغانی	»	۷۷۷۵۷۸ - افغانی
»	۷۲۰۲۵۰۷۵ - افغانی	»	۳۹۹۷۲۳۰۰ - افغانی	»	۱۴۱۶۷۴۵۲ - افغانی
»	۷۷۶۹۴۴۶۷۶ - افغانی	»	۳۹۵۱۵۵۶۰ - افغانی	»	۷۲۴۶۶۸۰ - افغانی
»	۰۷۸۷۰۶۷۷۶ - افغانی	»	۳۷۱۶۷۸۱۵ - افغانی	»	۲۹۶۹۳۰۰ - افغانی
»	۶۹۹۶۹۱ - افغانی	»	۷۰۰۹۰۷۱ - افغانی	»	۷۷۷۶۰۱۱ - افغانی
»	۶۵۸۸۶۶۷۱ - افغانی	»	۶۰۸۱۱۹۱ - افغانی	»	۳۴۳۷۴۵۵۱ - افغانی
»	۳۷۱۶۷۸۱۵ - افغانی	»	۷۴۸۳۰۵۷۱ - افغانی	»	۳۰۹۶۶۸۰۰ - افغانی
»	۷۷۶۹۴۴۶۷۶ - افغانی	»	۲۲۱۳۴۴۱۶ - افغانی	»	۷۴۱۴۴۱۰ - افغانی
»	۰۷۸۷۰۶۷۷۶ - افغانی	»	۳۱۳۴۷۴۴ - افغانی	»	۱۰۵۴۰۲۰۰ - افغانی
»	۶۹۹۶۹۱ - افغانی	»	۱۰۸۱۱۹۱ - افغانی	»	۷۷۷۶۰۱۱ - افغانی
»	۶۵۸۸۶۶۷۱ - افغانی	»	۶۰۸۱۱۹۱ - افغانی	»	۳۴۳۷۴۵۵۱ - افغانی

۱۸۴۳۱۲۴۸ - افغانی ۹۶۵۶۴۱۲ - افغانی ۷۸۰۳۴۱۶ - افغانی ۷۷۷۵۵۴۷ - افغانی ۱۰۹۴۵۷۲ - افغانی ۴۷۸۱۶۴۴ - افغانی

میزان	۷۰۲۹۹۰۴ - افغانی	۱۶۰۷۷۷۰۴ - افغانی	۱۶۰۴۶۳۲ - افغانی	۴۰۷۰۰۰۰ - افغانی	۱۰۰۰۰۰۰ - افغانی
عقرب	۳۰۶۹۳۱۶ - افغانی	۷۰۸۷۰۱۰ - افغانی	۲۲۳۷۷۷۵۲۴ - افغانی	۱۰۰۰۰۰۰ - افغانی	۱۰۰۰۰۰۰ - افغانی
قوس	۱۷۱۰۳۰۳۶ - افغانی	۳۲۳۳۳۳۳۷۴۴ - افغانی	۴۶۶۴۱۲۷۱ - افغانی	۷۰۷۰۳۰۳۰ - افغانی	۷۰۷۰۳۰۳۰ - افغانی
چندی	۱۶۶۹۵۰۴ - افغانی	۵۵۱۰۵۵۱ - افغانی	۳۷۰۹۱۷۷۱ - افغانی	۲۰۰۰۰۰۰ - افغانی	۲۰۰۰۰۰۰ - افغانی
دلو	۱۷۱۷۳۰۳۲ - افغانی	۵۸۹۵۷۸۱۱ - افغانی	۷۷۰۷۳۰۳۰ - افغانی	۲۰۰۰۰۰۰ - افغانی	۲۰۰۰۰۰۰ - افغانی
حوت	۲۹۵۱۷۶۴ - افغانی	۷۴۳۴۴۶۷۱ - افغانی	۴۰۳۰۳۰۳۰ - افغانی	۲۰۰۰۰۰۰ - افغانی	۲۰۰۰۰۰۰ - افغانی

۷۰۲۹۹۰۴ - افغانی ۱۶۰۷۷۷۰۴ - افغانی ۱۶۰۴۶۳۲ - افغانی ۴۰۷۰۰۰۰ - افغانی ۱۰۰۰۰۰۰ - افغانی ۱۰۰۰۰۰۰ - افغانی

احصائیه حساب جاری دواړ - وموسسات ملی - وبلدی و اشخاص .

سال ۱۳۲۳	سال ۱۳۲۴
۱ - در اخبر حمل ۱۰۵۱۶۳۷۷۱۴۳ - افغانی	۱۱۹۹۰۸۶۶۹۹۹۹ - افغانی
۲ - » » » ثور ۶۹۹۱۷۳۲۹۴۵ - »	۱۳۳۰۹۲۸۴۷۷۴۴ - »
۳ - » » » جوزا ۹۴۶۹۴۰۹۵۱۷ - »	۱۸۷۳۹۱۲۰۱۴۲ - »
۴ - » » » سرطان ۱۰۰۸۶۹۳۹۱۶۹ - »	۲۱۰۷۰۵۴۹۴۶۶ - »
۵ - » » » اسد ۱۱۲۱۰۳۱۱۳۰۹۳ - »	۲۲۴۷۰۱۶۳۹۸۴ - »
۶ - » » » سنبله ۱۰۴۳۴۸۰۶۴۴۱ - »	۱۹۶۴۲۴۴۱۷۰۳ - »
۷ - » » » میزان ۸۵۶۲۵۲۵۹۹۱ - »	۱۸۳۱۴۳۶۳۳۲۲ - »
۸ - » » » عقرب ۱۰۰۶۴۹۳۲۹۲۴ - »	۱۸۹۲۲۹۱۰۰۸۷ - »
۹ - » » » قوس ۱۲۶۸۸۵۳۵۸۵۵ - »	۲۰۲۴۸۱۵۱۶۷۶ - »
۱۰ - » » » جدی ۱۳۷۸۹۸۶۰۶۷۵۶ - »	۲۱۵۳۶۷۸۳۸۴۳ - »
۱۱ - » » » دلو ۱۴۶۵۷۴۵۰۶۳۹ - »	
۱۲ - » » » حوت ۱۶۲۴۱۸۷۴۷۷۳۸ - »	

نوت: در احصائیه فوق حساب جاری اسماری مشتریان نیز داخل است که اسمار آن بشرخ روز

قیمت شده و نقود فوق در اخبر هر ماه تنها باقیهای کزیدت است .

احصائیه موجودی های مابه اسمار خارجه و افغانی در بانکها و نمایندگیهای داخله و خزانه مرکزی و بانکها و نمایندگیهای خارجه

در ختم ماه دوازدهم سال ۱۳۲۳ در ختم ماه دهم سال ۱۳۲۴

۳۷۴۵۳۷۱۹۷۷۸۱ - افغانی ۳۸۶۳۲۲۵۷۳۹۵ - افغانی

احصائیه طلا و نقره ذخیره پشتوانه به نوت های منتشره .

در ختم ماه دوازدهم سال ۱۳۲۳ در ختم ماه دهم سال ۱۳۲۴

۳۴۳۰۱۱۲۹۴۰۱ - افغانی ۵۵۹۷۶۷۱۳۱۲۴ - افغانی

## د کابل کالنی

احصائیه امانت های مفادی و بی مفاد .

سال ۱۳۲۳

- ۱ - در اخیر حمل ۲۸ ر ۲۶۲۴۷۲۶۲۸ - افغانی
- ۲ - » » ثور ۳۳۵۵۸۹۱۸۸۳۳ - »
- ۳ - » » جوزا ۳۳۵۵۰۷۹۴۸۴ - »
- ۴ - » » سرطان ۳۳۹۵۴۳۲۶۳۳ - »
- ۵ - » » اسد ۳۵۰۳۲۴۱۶۱۰ - »
- ۶ - » » سنبله ۳۵۲۶۵۳۲۳۴۷ - »
- ۷ - » » میزان ۳۵۲۸۵۸۸۰۶۱ - »
- ۸ - » » عقرب ۳۷۱۹۶۸۷۰۶۲ - »
- ۹ - » » قوس ۴۱۰۳۳۷۰۳۳۴۴ - »
- ۱۰ - » » جدی ۴۰۶۵۲۶۳۰۵۶ - »
- ۱۱ - » » دلو ۴۰۹۰۸۳۵۹۴۳ - »
- ۱۲ - » » حوت ۴۷۳۳۶۸۷۰۳۰۷ - »

تبصره : اعداد فوق باقیهای کزیدیت اند .

سال ۱۳۲۴

- ۱ - ۹۸۴۴۱۹۸۱۴۶ - افغانی
- ۲ - ۸۸۸۶۵۸۲۷۷۵ - »
- ۳ - ۴۹۳۴۵۴۸۹۷۸ - »
- ۴ - ۴۸۲۴۳۶۳۴۰۲ - »
- ۵ - ۴۸۲۶۲۲۳۸۶۸ - »
- ۶ - ۴۵۶۵۳۴۲۳۱۶ - »
- ۷ - ۵۷۴۸۵۰۴۳۶۰ - »
- ۸ - ۵۰۱۴۷۲۹۱۷۵ - »
- ۹ - ۵۱۶۶۷۶۳۷۱۹ - »
- ۱۰ - ۵۱۵۸۱۱۳۹۲۴ - »

احصائیه قروض د افغانستان بانک بدوایر و موسسات صنعتی و تجارتی و سهامی .

سال ۱۳۲۳

- ۱ - در اخیر حمل ۱۸۸۰۶۵۳۷۶۸۱ - افغانی
- ۲ - » » ثور ۱۷۵۷۷۶۲۸۰۵۶ - »
- ۳ - » » جوزا ۱۷۷۷۳۲۶۴۶۸۱ - »
- ۴ - » » سرطان ۱۷۶۱۱۳۹۸۳۳۷۷ - »
- ۵ - » » اسد ۱۷۷۲۴۴۷۲۹۴۴ - »
- ۶ - » » سنبله ۱۷۱۹۹۰۴۰۶۴۴ - »
- ۷ - » » میزان ۱۶۵۲۲۵۵۸۰۹۱۹۹ - »
- ۸ - » » عقرب ۱۶۵۴۱۷۵۳۳۶۴ - »
- ۹ - » » قوس ۱۶۵۶۰۷۷۲۰۶۴ - »
- ۱۰ - » » جدی ۱۵۵۸۵۹۷۳۴۷۹ - »
- ۱۱ - » » دلو ۱۵۹۲۹۱۶۹۰۶۱ - »
- ۱۲ - » » حوت ۱۵۵۱۸۴۴۶۴۸ - »

تبصره : - احصائیه فوق باقی دبت است .

## بانک ملی

در نتیجه خاتمه جنگ سال ۱۳۲۴ چیش در کلیه ارکان اقتصادی مملکت وارد گردیده که انعکاس آن بصورت بارزی در امورات بانکی و تجارتي و صنعتی بانک ملی محسوس و هر يك از شعبات مذکور به سیر صعودی آغاز نمودند که خلاصه آن در ذیل شرح داده میشود :

### الف ر وضعیت حسابات جاری و امانت :

سال ۱۳۲۴ تعداد حسابات جاری ۲۵ فیصد و حسابات امانت ۱۷ فیصد و حسابات صندوق پس انداز ۳۰ فیصد نسبت بسال ۱۳۲۳ ترقی نموده و تناسب داد و گرفت بولی حسابات مذکور و معاملات تبادلوی از فیصدی مذکور هم بیشتر بوده .  
در مورد ترقی تعداد حسابات اولایا بایان جنگ که باب معاملات و تجارت خارجی سهل تر گردیده اهمیت خاصی داشته و انبیا آشنائی مشتریان با معاملات بانک عامل مهم دانسته میشود . بطوریکه امروز اکثراً معاملات انتقالی و تبادلوی را بر معاملات نقدی ترجیح داده و داد و ستد بولی را توسط چک و حواله بانک اجراء میدارند .

### ب- وضعیت کزیدیت بانك ملی :

(۱) متعلق به فینانس صادرات : بانک ملی که منظور بزرگ آن خدمات صادرات و واردات مملکت است پیوسته در صد آن بوده تا برای نیل مقصود از مجاهدات خود نه کاسته باشد چنانچه در هذ السنه تجار پوست که احتیاج خورانسبت باخذ قرضه در مقابل پوست بیشتر نشان دادند بانک ملی معیار اعطای قرضه خود را در مقابل پوست اصل از فی جلد پوست و هشت افغانی به سی و شش افغانی ترقی داده و بدینصورت يك مبلغ معتنا بهی در معرض استفاده تجار پوست قرار گرفت .  
(۲) متعلق به فینانس واردات : در قسمت واردات بدیهست که با ختم جنگ تورید اموال برای تجار وارداتی ما از ماورای بحار مخصوص از ممالک متحده امریکاء بیشتر از سابق امکان پذیر گردیده . خدمتی که درین زمینه بعمل آورده ایم توسعه لیترا ف کزیدیتها نیست که برای انجام خواهشات مراجعین اعتبارات مفتوح و برای اجرای ترانزیت اموال امریکائی از هندی مبالغ کفایه راجعت کشتم در بانک انگلیسی در معرض استفاده تجار خود قرار دادیم .  
(۳) نظر عمومی در معاملات قرضه و لیترا ف کزیدیت : معاملات قرضه بطور عموم نسبت بسال گذشته وسعت اختیار نموده چنانچه رو هر هفته در هذ السنه عده درخواستهای قرضه عموماً و در خواستهای لیترا ف کزیدیت خصوصاً نسبت بگذشته بیشتر شده است .

ج - وضعیت تجارت : گرچه جنگ عمومی سال ۱۳۲۴ خاتمه یافت اما قیود و موانعی که در آن جنگ

در زمینه تجارت بین المللی وضع گردیده بود هنوز بکلی و بلكه به یما نه مكفی رفع نشده و باین علت تجارت



## نوي مقررې



ع. ا. محمد احمد خان د معداو  
د وزارت فني عمومي مدير



ع. ا. محمد كريم خان د بډختان اعلا  
حاکم چه نوي مقرر شوي دي

## په ملي دوائر و کښې مقررې



ښاغلي غلام حسن خان «صافي» د تعاوني  
ديپو رئيس



ښاغلي حاجي عبدالغافي خان د دند جوړه وولو  
د شرکت رئيس

## دخريداری هيئت په هند کښې



د حرب دوزارت اود مرکزي قوا دخريداری هيئت په هند کښې چه د انجنيري اود شفاخاني سامان قرار داد امضا کوي :

ناست د کښې خوا : (۱) م. محمد آصف خان د مرکزي قوا د شفاخاني سرطبيب (۲) ع. ش. غلام دستگیر خان دوهم فرقه مشر اود د بریځي عړمي مدير د هيئت رئيس په حيث (۳) جنرال مسکت امریکاني

• • •



م. یار محمد خان نظامی صحافت دخانگی مدیر  
اود کابل دکالنی مهتم

مؤسسه بکتورولوژی حیوانی : که در بین حصار جادارد و فعلاً به دو وظیفه مکلف و مشغول است :  
 ۱- شق و اکسین سازی : پس از انجام امور مقدماتی کار آن بتاریخ ۲۱ اسد ۱۳۲۴ آغاز گرفته و این شعبه در مملکت عزیز بار اول است که شروع بیکار میکند و از یک حیوان نیکه بمرض تا کو مبتلا گردیده میباشد عامل مرض مذکور از وجود آن گرفته بحیوان سالم که قرار قواعد فنی ایام قرانطینی خود را گذشتانده و ثابت شود که از امراض ساری عاری میباشد در وجود آن انجکسیون شده بدین ترتیب حیوان مزبور بمرض تا کو مبتلا ساخته میشود چنانچه بهمین اساس اقدام گردیده یک حیوان تقریباً برای هزار حیوان بزرگ ساختار از قسم گاو و غیره مرتبه اول و اکسین ساخته شده و قسم تجربه وی کامیاب گردید و از آن به بعد کار و اکسین سازی تحت جریان میباشد .

۲ شق سیروم سازی : علاوه بر اکسین چون قبل ازین برای حیوانات مریض سیروم ضد تا کو از ممالک خارج خواسته می شد، همانا در موسسه مذکور برای ساختن سیروم نیز داخل اقدامات گردیده و یک تعداد جوانه گاو ها که برای سیروم گرفتن مناسب بوده است برای عملیات آن تخصیص و تحت تربیه قرار داده شده است :

ب : شق مجادله امراض حیوانی : علاوه بر امراض عادی (انفرادی) حیوانی در حیوانات مملکت یکی از مرض های ساری تباه کن مرضی است که در بین اهالی زراعت پیشه و دهاقین بنام تا کو یاد شده و عامل مرض یک نوع ویروسی است که داخل وجود حیوان شده آن را از یا در می آورد و اکثراً بهلاکت میرساند، مرض مذکور که بمواشی مملکت خساره رسانیده است در مناطق مختلف در بین گاو ها ظهور کرده حتی در کابل به تربیه خانه علی آباد و همچنین در بعضی تربیه خانه های شخصی و کذا در منطقه لاهور و همین قسم در مشرقی به تربیه خانه عبدالخیل سرایت کرده یک تعداد زیاد حیوانات بدین مرض مبتلا گردیدند که بالنتیجه انجکسیون سیروم وارده در آنها تطبیق و نتیجاً به نتیجه گردیده علاوه بر تدای حیوانات مذکور تجارت فنی خوبی هم درین موضوع بعمل آمد، چنانچه در سال ۱۳۲۳ که مرض تا کو در گاو های مربوطه تربیه خانه علی آباد واقع دارالفنون شیوع یافته بود تلفات گاو های مذکور در ظرف یک هفته ۱۱۸ فرد در سنه حاضر یعنی ۱۳۲۴ در همان مدت به دو فرد تنزل کرده است .

از طرف دیگر قرانطین لازم در مناطق مذکور نسبت بحیوانات مریض اجراء و از جانبی سیروم ضد تا کو در حیوانات مریض تزریق گردیده از طرفی هم برای حفظ ماتقدم بحیوانات سالم بعد از علم آوری و اکسین ضد تا کو ساخت مؤسسه بین حصار تزریق گردیده است چنانچه در جا های مختلف بعد از کنترل علمی و اکسین (۱) یک تعداد حیوانات سالم بزرگ

راجع به اصلاح پخته کاری سرک معدن کر کر : در معدن کر کر دوسرک در پشته های خامه از پیل خمیری و بغلان، طرف معدن امتداد داده شده، نظر باینکه متن زمین این سرک ها بسبب خامه بودن یک توده خاک میده گردیده و از باغیسیکه زمین هموار درین حدود نیست موثر های ذغال به مشکل تردد توانسته و ماشین موثر ها هم زود زود از کار می افتند راه بین بغلان و معدن کر کر که (۱۲) میل فاصله دارد و برای نقلیه، ذغال فابر یک نسبتاً نزدیک میباشد از زیادت خرابی بکلی متروک و تمام ذغال کار آمد فابریکه قند و شعبات تعمیراتی بغلان از راه پیل خمیری نقل داده میشود باین صورت دوایر بغلان از بابت مصارف نقلیه دوچند کرایه تادیه میدارند چون خرابی سرک های موجوده به بسیار زودی تردد و امور نقلیه را از پیل خمیری الی کر کر مانده بین کر کر و بغلان متوقف میساخت در جریان هذالسنه با تریبشهاد وزارت معدن و برآورد وزارت جلیله فوائد عامه برای پخته کاری سرک های مذکور که از سنگ گ کلوله ساخته میشود مبلغ (۸۴۹۱۰۹۹۰) افغانی جهت اصلاح و پخته کاری هر دو سرک مذکور از مقام منبع صدارت عظمی منظوری داده شده است و مصرف پول مذکور در موعد سی سال بالای قیمت ذغال افزود و از نزد مشتری ان اخذ خواهد شد فعلا به شعبات مربوطه هدایات داده شده که اولاً کار پخته کاری سرک بین کر کر و بغلان را روی دست بگیرند و سرک بین معدن کر کر و پیل خمیری که الی موضع دروازه کن (۷) میل فاصله دارد بعد از انجام کار سرک اولی عندالموقع شروع خواهد شد در باب پخته کاری سرک های مذکور که عنقریب رویدست گرفته میشود تسهیلات زیادی در امور نقلیه مذکور تولید میکند .

راجع به تعیین اجوره کار یگران معادن ذغال : به اساس نظریه بهی خواهانه حکومت متبوعه به ملحوظ شافه بودن کار معادن همیشه اجوره کاران معدن نسبت به دیگر کار یگران شعبات تعمیراتی و غیره امتیاز داده شده در سابق که اجوره کار یگران معدن ذغال ایشپشته و کر کر نظر به نوع زحمت شان به سه تفریق از قرار سه افغانی و چهار افغانی و پنج افغانی تادیه میگردید وزیر معادن نظر به شاق بودن کار و خرابی اوضاع اقتصادی مزدور کاران در برج عقرب ۱۳۲۴ تزئید اجوره آنها را به مقام منبع صدارت عظمی پیشنهاد و منظوری حاصل فرمودند که از تاریخ صدور احکام اجوره کار انیکه بداخل معدن به کندن ذغال می پردازند فی نفر روزانه هفت افغانی و اجوره کار انیکه از داخل صوفها ذغال رادر بیرون معدن نقل میدهند فی نفر روزانه پنج افغانی و برای کار یگر انیکه در خارج معدن به ذخیره های ذغال و امور متفرقه کار میکنند روزانه چهار افغانی داده میشود و این حکم شامل سایر معادن ذغال مملکت قرار داده شده است .

(ج) راجع به معدن ذغال کرخ هرات : در نزدیکی کوتل سبزک هرات دولینز ذغال وجود دارد که این رنگ های ذغال دار از سرک عمومی قلعه نوسه کیلومتر و از شهر هرات ۷۵ میل فاصله دارد

مملکت ما هم نتوانست که سال گذشته باوضاع عادی قبل از حرب عو دت کرده سیر ارتقای خود را از سر بگیرد .

رؤس اقدامات بانك ملی را درین سال در زمینه تجارت بطور ذیل میتوان خلاصه کرد .

۱- پوست قره کل : در سال ۱۳۲۴ تمام فصل پوست سال ۱۳۲۳ و تخمین ۵۰ فیصد فصل سال ۱۳۲۴ که مجموعاً بالغ بر ۱۵۸۰۲۰۴۰ جلد میشود با امریکا صادر و چون باز از مملکت مذکور مساعد بود قسمت زیاد آن بفروش رسید - در عین حال بعلت اختتام جنگ در بازار لندن نیز تقاضای پوست محسوس شد - لهذا بكمك دوائر متعلقه لایسنس ورود يك تعداد پوست را بانگلستان حاصل و از فصل سال ۱۳۲۴ حمل نمودیم - امید است در اثر این اقدام تجارت پوست که در آوان حرب محدود با امریکا بود انكشاف یافته با خریداران اروپائی نیز روابط تجارتی دوباره قائم شود .

۲- پشم : اگرچه بازار بین المللی پشم مساعد و تقاضا زیاده بود اما بعلت مشکلات ترانسپورت داخلی و خارجی نتوانستیم که بدون از پشم قند هار چیزی از پیداوار دیگر ولایات بغارج عرضه کنیم - معذ لك شركتها مطابق هر سال سهمیه معین خود را خرید و ذخیره نموده اند - امید است که باصلاح وضعیت ترانسپورت و نظر به تقاضا ئی که در امریکا و اروپا محسوس است در آینده قریب زمینه صادرات پشم به پیمانۀ کافی مساعد شود .

۳- پنبه : در سال ۱۳۲۴ شركت شمالی مقدار ۵۳۴۰- تن پنبه دانه دار خرید و ۴۸۵۱- تن به هند صادر نموده - بازار هندوستان مساعد و تقریباً مطابق بسنوات قبل بوده علاوه يك مقدار پنبه در داخل بفروش رسیده و مقدار مكفی در فابریکه های بافت وطن صرف شد از تحقیقاتی که بعمل آمده معلوم میشود که در انگلستان و دیگر ممالك نیز تقاضای زیاد برای پنبه موجود و جنس پنبه افغانی مرغوب است اما قلت وسائل حمل و نقل مانع اجرای معامله با ممالك مذکور میباشد - امید است که با تخفیف این مشکلات در صادرات پنبه مانیز افزایش كفی رو بدهد .

۴- تریاك : اگرچه زراعت تریاك منع گردیده اما از ذخائر گذشته در سال ۱۳۲۴ مقدار ۰۰۰۰ تن تریاك بدخشان با امریکا و فرانسه فروش گردیده .

در قسمت واردات که اخیراً بعلت قلت مال و گرانی نرخها اهمیت فوق العاده كسب نموده بانك ملی در این سال بیش از سابق داخل اقدامات شده و يك مقدار مكفی پارچه جات نخی و پشمی از امریکای جنوبی و انگلستان خریداری نموده امید داریم که این اقدام مادر راه تكثیر جنس در بازار و تعدیل نرخها مفید ثابت شود علاوه بر آن آرد رهای متعدد دیگر تجارت و شركتها نیز ذریعۀ نمایندگیهای لندن و نیویارك در معرض اجراء گذارده شده .

از هند مقدار ۱۵۰۳۳۰۰ گیلن بطرول و ۲۷۷۱۷ بوری مساوی ۴۰۱۸۹۶ سیر شكر ذریعۀ شركت قند سازی وارد گردید و شركت انحصار موثر موفق شد که آرد رهای خود را جهت توريد موثر های لاری و نیز رفتار با امریکا صادر نماید .

## وضعیت صنعتی

اگرچه سال ۱۳۲۴ جنگ جهانی یافته اما صنایع و مشکلاتیکه در آوان جنگ وضع گردید و هنوز رفع نشده و بنابر آن اداره صنعتی بانک ملی در این سال نیز از یکطرف به ترتیب پلان و پروژه های تازه که بعد از خاتمه جنگ و باز شدن باب تجارت کار انداخته شود مصروف بوده و از طرف دیگر با وجود موانع و عوائقی که از هر گذر بیودن آلات و التوسه مان ضروری به پیش روداشتند در ترمه و نشو و نمای مصنوعات فابریکه های مربوطه پرداخت که خلاصه آن در ذیل شرح داده میشود فابریکه ساجی پلخمري - فابریکه ساجی جبل السراج - فابریکه پشمینه بافی - قند هارس - فابریکه پشمینه بافی کابل (سهامی اقتصاد) با وجود عدم تکمیل و نبودن پرزه جات فالتو در ریائی و تکثیر تولیدات کوشیده و نسبت پرورهای اولیه کار گران آن تازه کار بودند موفقیت حاصل نموده اند مثلاً در فابریکه ساجی پلخمري که قبلاً فی نفر در مدت ۸ ساعت بیش از ۱۰ متر پارچه تولید نمیتوانستند امروز در اثر تربیه کاریگران مذکور از طرف مدت مزبور فی نفر از ۳ الی ۵ متر پارچه تولید میکنند که این زیادت معیار تولیدات فابریکه های مذکور در رقم احتیاج عیده مصرف کنندگان اهمیت خاص دارد

فابریکه ساجی پلخمري و فابریکه ساجی جبل السراج که بواسطه افراد داخلی انتظام و اداره میشود نیز در این مدت از تولیدات روز افزون صحن های پردوام خود ها کمک شایانی با هموطنان عزیز معمول داشته و بر علاوه بر آن بافتن پارچه جات تولیدی مدیریت عمومی مجلس و بافندگان انفرادی نج بهیه و بهیئت مناسب در دسترس شان گذارده که این اقدام فابریکه های مذکور از نقطه تکثیر تولیدات وطن عزیز اهمیت بسزائی دارد

(۲) فابریکه پشمینه بافی قند هارس که بوسیله افراد داخلی انتظام می باید پیمانه صادرات خود را با اندازه بلند برده که علاوه بر تولیدی خویش با اندازه هفت هزار سیر تار با پشمینه بافی اقتصاد کابل فرار داد نموده و بر علاوه با رقابت آزاد پشم های زیبا و خوش رنگ خود را برای برای بافت البسه پشمی که قلا از خارج وارد میشد بازار عرضه نمود که هنوز مذکور از نقطه ارزش و ارزانی قیمت جای مونهای خارجی را گرفته

(۳) فابریکه سهامی اقتصاد که با چند دستگاه فابریکات کهنه و چند دستگاه فابریکات نامکمل جدید که اصلاً برای نقاط دیگر در نظر بوده داخل صحنه کار گردیده و با وصف گرانی قیمت پشم و نبودن آلات و پرزه جات و معیار تولید و جمعیت پرزه جات خود را بلند برده چنانچه غرض نمایندگان سال ۲۴ دکان فروش تولیدات فابریکه مذکور این ادعا را ثابت ساخته است

(۴) برای سوخت فابریکه قند بغلان که قبلاً درصد ۸۰ تن ذغال بمصرف میرسید در هدهد البسه به پنج تن تنزیل یافته که تفاوت قیمت آن مبلغ پنج لک اقتصاد است و علاوه بر آن احداث سرك جدیدی از معدن ذغال سركالی فابریکه قند بغلان تحت اجراء قرار یافته است

تکمیل آن در تقلیل کراهه ذغال و نالنتجه مفاد شرکت قند سازی اهمیت قابل ذکری دارد

شاخدار تطبیق شده است و در خلال جریان پیچکاری واکسین الی تاریخ حال نتایج خوبی بدست آمده است .

نا گفته نماند معافیتی که واکسین ضد تا کو در عضویت حیوان میکنند پیدامت آن يك الی دو سال میباشد از این رود رسال آئنده نیز این سلسله باید به پیمانۀ وسیع تری تحت اجرا گرفته شود .  
این موسسه که در سال اول حیات خود میباشد در مملکت سابقه ندارد امید است در آئنده به توجه حکومت پیشرفت زیادی کرده و برای سلامتی مواشی مملکت خدمت شایسته را مصدر گردد .  
دوم شعبۀ نباتی :

مدافعۀ ملخ پروازی شستو سر کا : طوریکه در سالنامۀ گذشته تذکار شده بود از دو سال به این طرف در موسم اول بهار دسته های ملخ پروازی موسوم به (شستو سر کا گریگاریه) از خاکهای همجوار مایعنی ایران و هند در ولایات غربی و جنوب غربی افغانستان داخل می شوند و اگر بمقابل آنها مدافعۀ جدیدانه نشود برای حاصلات مملکت خساره بزرگی میرسانند و رسال حاضر نظر به اطلاعیه های واصله که وجود ملخ مذکور را در خاکهای مجاور سرحدات افغانی در خاک ایران و هند و انمود میساخت، پیش از پیش مامورین فنی باتجربه در ولایات قندهار، حکومت اعلیٰ فراه و حکومت کلان غزنی و همچنین مامورین فنی دائمی مدافعۀ ملخ در ولایات هرات بوقت معینه در مواقع لازمۀ حاضر و آماده بودند ملخ پروازی در ولایت قندهار بتاريخ ۲۰ و ۲۵ حمل یعنی دودفعۀ از خاک هند بطرف سپین بولدک و ارغسان داخل و ساحه انتشار آن در حکومت کلان قلات گذشته تا حدود حکومت کلان غزنی در علاقه مقرر سیده بود و همچنین در حکومت اعلیٰ فراه در دو گروپ بتاريخ ۱۶ و ۲۶ حمل از خاک ایران داخل علاقه چغانسور شده چاربرجک و ناد علی را پیهم استیلا کردند، کذا دسته های ملخ پروازی مذکور بتاريخ ۲ ثور از قلات واقع ایران به ایالت هرات داخل و تاحکومت شین دند و حوالی شهر هرات رسیدند اما در تمام این مواقع نفر فنی منتظر و آماده بود و بدون فوت وقت از یکطرف بمدریت رفع آفات ریاست مستقل زراعت اطلاع و از طرف دیگر خودشان قرار هدایت مرکز داخل فعالیت شدند و قرار او ضاع محیطی شروع بمدافعۀ کرده، در دوره های مختلف ملخهای مذکور را چه در حال پرواز و چه در موقع تخم گذاری و چه در حال تخم و چک حتی المقدور از بین بردند، چنانچه در اثر این عملیات جدی که در مناطقی موصوفه صورت گرفت ملخهای پروازی مدافعۀ شده و موقع نیافتند که در خاک افغانی بمزارع ضرر رسانند و یابۀ تولید و تکثیر بیردازند و یا بخاکهای مجاور ماسرایت کنند این عملیات از کامیاب ترین عملیاتی بود که برای مدافعۀ ملخ درین ولایات خصوصاً قندهار و هرات صورت گرفته است و تفصیلات آن در موقعش از طرف ریاست زراعت به روزنامۀ اصلاح هم نشر یافته است که

تکرار آن درینجا بی ازوم خواهد بود و این عملیات قرار راپورت هیئت فنی جداگانه که برای ملاحظه این امر اعزام شده بودند مقام دارالحکومه گئی قندهار و هرات و حکام محلی و اهالی هردو ولایات به معیت هیئت های فنی ریاست زراعت و مامورین فنی دایمی مدافعه ملخ اقدامات خیلی جدیانه نموده اند که مخصوصاً قابل تذکر میباشد . همین قسم در حکومت اعلیٰ فراه و حکومت کلان غزنی و مربوطات آنها نیز همکاری خوبی از طرف مامورین و اهالی بعمل آمده است .

مدافعه ملخ مراکشی و ایطالوی :

چون یکمده مامورین فنی مدافعه ملخ بطور دائمی در ولایت مزار شریف ، فطغن ، هرات و حکومت اعلیٰ میمنه داریم مامورین فنی مذکور بهمکاری آمرین و معاونت اهالی ولایات مذکور فعالیت داشته و قراریکه راپور کشفیات و عملیات خودهارا راجع بملخ مراکشی و ایطالوی بمدریت مدافعه امراض زراعتی ریاست مستقل زراعت ارسال نموده اند ساحت اراضی کشفیات شده و اراضی مسموم که جدول هذا بصورت خلص ازملخ را که بطورخیلی پراگنده است نشان میدهد

ولایات	مساحت اراضی کشفیات شده	مساحت اراضی مسموم از ملخ طورخیلی پراگنده
مزار شریف	۴۵۸۲۰ جریب	۱۹۶۹ جریب
فطغن	۴۲۰۰۰ »	۱۷۹۲ »
هرات	۵۵۴۷۰ »	۱۱۹۵ »
میمنه	۹۹۷۶	۵۴۰ »

### معاینه مزارع پنبه سمت شمالی :

طبق همه ساله هیئت فنی رفع آفات زراعتی برای معاینه رفیات زرع پنبه سمت شمال مملکت اعزام و در هر مجال نسبت بوجود حشرات قرانطینی علم آوری کرده اند . قراریکه هیئت مذکور در راپور خود اطمینان داده اند از حشرات قرانطینی در کشتزارهای سمت شمال قطعاً بمشاهده نرسیده و تنها از حشرات غیر قرانطینی يك اندازه بسیار کمی بنظر رسیده است که درازیین بردن آنها اقدامات بعمل آمده است .

### مدافعه حشرات درختی :

در سال گذشته نسبت به مبارزه حشره شنگ خوراك که يك حشره زنگاری رنگ بوده و درختان شنگ را مورد حمله قرار داده بر گهای آن را میخورد و درخت را از سرسبزی باز میدارد



اطلاع داده بودیم ، عملیات تدافعی آن امسال نیز از طرف شعبه دفع آفات ادامه یافته و این عملیات در شهر کابل و اطراف در وقت لازمه اجرا گردیده که نتایج اطمینان بخشی گرفته شده است و همچنین حشره مضره مور که در حکومت کلان غزنی رونما گردیده بود در سال حاضر بدو موسم بمقابل آن اقدامات تدافعی صورت گرفته و برای مدافعه این حشره حکومت کلان با اهالی طبق هدایات مأمورین فنی ریاست زراعت مجاهدت درستی نموده و بالنتیجه مدافعه آن قیوم درستی اجرا شده است.

### مدیریت تبلیغات زراعتی :

این مدیریت نیز بسهم خود در قسمت تبلیغات زراعتی از قسم نمایشات زراعتی ، نشر مقالات ، ترتیب لوايح ، مقررات وغيره تاجائیکه ممکن شده سعی و مجاهدت نموده است چنانچه در روز اول سال در موضع تربیه خانه علی آباد ترتیب میله قلبه کشی و آغاز نهال شانی و نمایش حیوانات را گرفته پس از ورود والا حضرت افخم و سائر مدعوین محترم با مراسم لازمه آن آغاز یافته و بعد از قرائت چند آیه قرآن شریف و وصایای سودمند دینی برای سعی و مجاهدت در راه زراعت و فلاح و الا حضرت افخم معاون صاحب صدارت عظمی نخست قلبه را رانده ، سپس بغرس اولین نهال اقدام فرمودند که سائرین نیز این کار نیکوی والا حضرت را تعقیب نمودند ، و بالاخره که والا حضرت با سائر مدعوین محترم به کمپ مخصوصه شان نزول اجلال فرمودند نمایش و گذشتاندن حیوانات قابل انعام که قبلاً ذریعه هیئت معینه آن تثبیت و تعیین گردیده بود آغاز یافت و برای حیوانات مختلفه از قسم اسب سواری ، اسب گادی ، گاو قلبه ، جوانه گاو ، گاوشیری و اقسام طيور وغيره انعامات تقدی پرداخته شد تا برای دهاقین و زارعین تشویق و ترغیب خوبی شده و در سالهای مابعد برای نسل گیری و تربیه حیوانات خوب و صحیح سعی و کوشش درستی نمایند و روز موصوفه پس از مشاهده يك عده نمایشهای دیگر ختم یافته و واقعی است که ترتیب موصوفه تاثیر بارزی در بین توده زراعت پیشه و دهاقین نموده است . علاوه بر نمایش فوق ، مدیریت تبلیغات زراعتی وقتاً فوقتاً از طریق نشر مقالات زراعتی و فلاحی کار گرفته و مقالات سودمند و مفیدی در روز نامه های مرکز و ورقه های علیحده در معرض نشر قرار داده است و ازین به بعد هم سعی میکند تا از درك نمایشات و نشر مقالات وغيره وسایلی که در دسترس باشد تبلیغات خوب و مؤثری کند و خدمتی ازین راه بنماید .

### مدیریت عمومی املاک و مدیریت جنگلها :

مدیریت عمومی املاک رویهمرفته در نظم و نسق امور املاکی سعی و مجاهدت نموده شعبه باغهای آن در اصلاح و ترتیب باغها به اتفاق مأمورین و باغبان باشی های مربوطه آن اقدامات نموده است که چیزهای مهم آن در ذیل یادداشت میشود :

بر سر کار

۱: اصلاحات عمومی در داخل باغ چهل ستون ، گلباغ ، بگرامی ، باغات استالف ، باغ عمومی گلبهار به نوعیکه لازم بوده است بصورت قشنگ و زیبا ترتیب گردیده است .

۲: در چهل ستون بر علاوه اصلاحات عمومی يك قطعه چمن کبلی باندازه تخمین ۴ جریب جدیداً احداث و در آن انواع گل و بوته های زینتی بندرو غرس گردیده است و برای اصلاح تخم حبوبات در حدود سه جریب زمین را از انواع سبزیکاری های داخلی و خارجی بندر و تخمهای آنها را به ترتیبیکه لازم بوده جمع آوری گردیده و هم برای موجودیت همیشگی گل و ضایع نشدن بوته های قشنگ زینتی - تعمیر يك گلخانه بزرگ را از ابتدای سال ۱۳۲۴ شروع و در اخیر قوس کار ساختمان آن تمام و باندازه پنج الی هفت هزار گلدان و بوته های قشنگ بر علاوه از گل و بوته که در زمین گلخانه در نقشه های قشنگ آن غرس شده تحت حفاظت گرفته شده است

۳: در باغ گلباغ يك قطعه چمن کبلی در حدود پنج الی شش جریب زمین متصل سرک دروازه درآمد احداث شده که ازان هم بر علاوه نمایش و استفاده گل و سرسبزی مذکور در گلدانهای آن اصلاح تخم های گلها در نظر گرفته شده است .

۴: باغ بگرامی اگرچه موسم بهاری قشنگی دارد مگر اضافه ترازیام زمستان از موجودیت گلپهای قشنگ گلخانه های مذکور استفاده زیادی می شود بر علاوه اصلاحات عمومی داخلی آن اصلاحات زیاد در ساختمان گلخانه های مذکور و نظر بضرورت بسمت غربی گلخانه گدامی آن اطاق جدید تعمیر و به اتمام رسانیده شده است که مورد استفاده قرار گرفته است .

۵: در باغ های استالف بر علاوه اصلاحات عمومی ترتیب يك قطعه باغ جدید به حصه زیر تخت متصل دریاء که کار پرزحمت و نقل دادن سنگ های بی جاء آن ذریعه سرنگ و غیره از ابتدای سال ۱۳۲۴ شروع و يك اندازه زیاد آن نزدیک با تمام رسیده است و در پشته های بالائی استالف يك تعداد نهال های بادام و غیره غرس گردیده است .

۶: در باغ گل بهار که باغ جدید الاحداثی است بر علاوه ترتیب کردها و يك اندازه خیابانها و غیره آن کناره های طرف دریاء شتل آن ترتیب خوبی داده شده است ،

مدیریت جنگلات در نواحی و مقامات مختلفی مثل اطراف دارالفنون ، چمن بینی نیزار ، کته پلوان ، موضع خورد کابل ، حصص مختلفه دره شکاری و ولایات يك يك اندازه معتابهی نهال و قلمه شمر و غیر شمر غرس نموده است تا اگر خدا بخواهد در آینده زمینه خوبی برای احداث جنگلات نوی بشوند .

## امور زراعتی و فلاحتی هرات :

خدمت برای پیشرفت و سرسبزی ولایت و تربیه مواشی و حیوانات اهلی از منظو رات مهم حکومت متبوعه بوده و در هداسته اجراآت ذیل درین قسمت بعمل آمده است :

۱ - برای نهال شانی دوطرفه هر یرو د از چشت الی اسلام قلعه که به عرض دو جریب بعمل می آید پلان پنجسا له ترتیب گردیده است .

۲ - به تعداد چهل یک هزار نهال ناجو، بدوطرفه سرک شین دند از سرک پشتون پل الی میردارود تقریب گردیده است .

۳ - به نیت سرسبزی دامنه های شمالی جلگه از خواجه گاز و رالی دشت مولوی صاحب که ۱۵ کروه فاصله داشته زلمی کوت و تخت صفر را نیز در بر می گیرد جوی حقا به آن بمعیه یک باغ و اراضی مربوطه در موضع شیدائی کاملاً خریداری گردیده است .

۴ - در باغ شیدائی اصلاحات بعمل آمده و تعمیر حوض آب و توسیع باغ بصورت عصری در نظر گرفته شده به تعداد کافی نهال ناجو ، سرو و غیره در باغ عمو می جدید الاحداث شیدائی تقریب گردیده است .

۵ - در زلمی کوت و سایر قسمت های آن بتوجه قوماندانی عسکری نهال شانی زیادی بعمل آمده واصله های ناجو، و سایر اشجار به تعداد هنگفتی تقریب و باعث سرسبزی گردیده است .

۶ - برای تعمیم درخت بادام در غور و سایر مواضع به اندازه یک خروار بادام از قندهار وارد گردیده است .

۷ - برای حفاظت جنگلهای پسته و ارچه بادغیسات جداً اقدام و قطع اشجار قدغن گردیده است .

۸ - در حصه کشک ، گلران ، قلعه نو تجربتا یک اندازه پسته بدر گردیده است .

۹ - برای تعمیم درخت ناجو، قوریه های بزرگی احداث گردیده که کار آمد تمام ولایت را کفایت نموده می تواند .

۱۰ - قوریه های درختان مشر نیز در باغ های سرکاری احداث گردیده است .

۱۱ - به غرض تربیه مواشی مالداران بر علاوه آنکه در تابستان بصورت صحیح از قسمت های علف خود استفاده مینمایند برای زمستان نیز علاوه کافی فراهم میدارند

۱۲ - در حصه نسل گیری گوسفند مرینوس تربید بعمل آمده و نیز یک تعداد فیل مرغ های تربیه شده در دسترس عمو م قرار داده شده .

۱۳ - به غرض تربیه نسل اسب خوب توسط موسسه فلاحتی اقدام و بهترین مادیانها از داخل و خارج تدارک واکثرأ خریداری گردیده است .

۱۴ - به تعداد پنجصد مادیان در مؤسسه فلاحتی برای نسل گیری خریداری گردیده است .

- ۱۵- توسط مؤسسه فلاحتی وزراعتی به تربیة شتر، اسب، گاو، مرکب، طیور و غیره اقدام گردیده است
- ۱۶- در دو طرفه عموم جاده های هرات نهال ناجو تفریس گردیده است .
- ۱۷- کار نهال شانی پارك شهر جدید که دارای ۱۱۳ جریب زمین میباشد تکمیل گردیده است
- ۱۸- برای تعمیم درخت سرو و سرو آزاد اقدام بعمل آمده است .
- ۱۹- برای پیشرفت امور وزراعتی و فلاحتی يك مؤسسه ب سرمایه هنگفتی پیش بینی و مقدمات کار و سرمایه ابتدائی آن تدارك گردیده است
- ۲۰- درغوش رباط يك جوی جدیداً احداث و با اثر آن به نهال شانی و سر سبزی موضع مذکور اقدام گردیده است .

- ۲۱- در موضع میرداؤد سر رشته قنات برای آب رسانی نهال های دو طرفه سرك خریداری و بر علاوه در موضع مذکور يك پارك پنجاه جریبی احداث گردیده است .
- ۲۲- در حصه پوزه لج و چچچران يك جوی جدیداً احداث گردیده که يك اندازه اراضی کافی را آبیاری می کند و کذا برای تعمیر سایر جویها پر وژه تر تریب گردیده است .
- ۲۳- برای جلوگیری از سرایت ملخ نوع شصت سر که از سرحد ات ایران تجاوز نموده بود بمجادله بزرگ آغاز و بهمدستی اهالی این سیلاب مضره دفع و تخم گذاری آن نیز تلف گردید .

### مدیریت زراعت ولایت مزار شریف :

- ۱- به تعداد سی جریب زمین در امرخ مربوط حکومتی کشنده و سی جریب زمین دیگر در دو آب مربوط حکومتی سنک چارک يك يك باغ ذخیره تاسیس و يك تعداد نهال مثمر و غیر مثمر در باغات مذکور غرس گردیده است .
- ۲- راجع به جنگل های چوب سیکساول که بحصص ریگستان اینولا وجود دارد، و رفع حوائج عمده محروقات عامه از آن می شود، برای اینکه محو نشود ، در آنباره ترتیبی به قرار تصویب مجلس مشوره اتخاذ و تحت اقدام آورده شده است .

### مأموریت زراعت میمنه :

- ۱- کار حفردو قنات که در حصه موفانی و آقسای برای آبیاری اراضی در سال ۱۳۲۳ - آغاز شده بود ، در سال جاری نیز کار مذکور ادامه داشته و تا حصه زیادی کار مذکور پیشرفته است و وضعیت آب کاریز های مذکور اطمینان بخش است .
- ۲- يك مقدار خسته اشجار میوه از قبیل آلبالو ، آلو بخارا ، شلیل قندهاری ، شکرپاره ، شفتالو هر نوع بادام و غیره که از ریاست زراعت در سال گذشته رسیده بود ، بواسطه عدم مساعدت

ضخامت رگک آن دارای يك متر بوده و جنسیت ذغال آن از نوع بهترین ذغال های افغانستان میباشد که در وقت احتراق به دوام زیاد و شعله بلند میسوزد، در لیتز نمبر (۱) هفت صوف اکتشافی بعرض يك و نیم متر و بطول مجموعی ۵۰ ر ۴۲۹ متر حفر گردیده که بعد از تعقیب کار گذشته ۳۱۵ متر پیشرفت صوفها در سال ۱۳۲۴ بعمل آمده در لیتز نمبر (۲) يك صوف امتحانی به عمق ۲۰ متر حفر شده و جمله طول رگک ذغال که تا حال کشف شده (۱۸۰ + ۱۲۰ = ۳۰۰ متر) میباشد که در اثر عملیات اکتشافی تا حال بطور تخمین (۱۹۰۰۰) تن ذغال کشف شده است و مقدار باقی مانده نیز قابل کشفیات و مستلزم تحقیقات میباشد در نتیجه ادامه کار سال ۱۳۲۴ که توسط عسید عبدالاحد خان دیپلوم انجنیر مسایل استخراجی معدن مذکور صورت گرفته در وضعیت رگک و نوعیت ذغال کدام نقص و تغییری واقع نشده زیر ضخامت رگک ذغال از دهن صوف الی عمق (۷۴) متر که دراز ترین صوفهای حفر شده موجود میباشد تقریباً یکسان یعنی از ۸۰ تا ۱۰۰ سانتی متر بملاحظه میرسد در اثر تجسساتی که بعمل آمده علاوه بر رگهای ذغال کوتل سبزک و مسجد چوبی آثار و علائم ذغال در حدود کوه دوندرو و علاقه درملق که تقریباً سی میل از هرات مسافه دارد نیز مشاهده رسیده که چون (عصر یورا) درین علاقه تشکیل وسیع دارد امکان پیدایش ذغال بدیگر نقاط آنجا پیش بین میگردد بنابراین تمام مناطق ذغال دار ولایت هرات تحقیقات اکتشافی و تجسسات مزید بکار دارد که بعد از معاینات مفصل برای معلوم شدن وسعت و امتداد رگهای مخفی از نقطه نظر طبقات الارضی و نقشه برداری تحقیقات مکمل بعمل آید و موجودیت مقادیر ذغال آنجا بواسطه عملیات برمه باثبات برسد، اجرای این کار در وقت تحقیقات اکتشافی عمومی افغانستان که عنقریب شدنی است عملی خواهد شد.

در جریان سال ۱۳۲۴ بفرض ترویج و رفع احتیاج محروقات شهر هرات معدن ذغال کرخ توسط ریاست ارزاق آنولادر تحت اثر امر و توجه مخصوص و ج عبد الله خان نایب الحکومه بکار انداخته شد و از برج ثور میزان ذریعه دیپلوم انجنیر موصوف رویهم مقدار ۴۰ ر ۱۰۰۶ تن ذغال ازان استخراج گردیده و در نظر است که پیمانه استخراج برای مصارف آینده ولایت هرات وسعت داده شود و کار آینده آن بوسایل پایه بندی پیش برود.

(د) راجع به معدن ذغال بشگی : این معدن ذغال که از کشفیات سابقه و در کوتل چال مربوط اشکشمش وجود دارد نظر بغربی نوعیت ذغال آن قابلیت کوکس شدن را دارد و در فابریکه، پخته فندز برای امور ریخته گری ازان کوکس میسازند نظر به اهمیت آن در هذالسنه ۱۳۲۴ معدن مذکور تحت مطالعات متخصصین قرارداد شده در ایورتیکه ص دوکتور سلطان احمد خان متخصص درمو ضوع چگونگی معدن مذکور و نوعیت ذغال آن داده مختصر آن ازین قرار است :-

- وقت معطل مانده و در هذالسنه در باغ های قوریه بلچراغ و قیصار و باقی محلات بذر گردید .
- ۳ :- در عایدات محصول جنگلات در سال جاری نسبت به سال گذشته مبلغ ۲۱ ر ۱۴۴۹۴۱ افغانی تر نید بعمل آمده .
- ۴ :- در بلچراغ بمساحت یکس نیم کروه یک موضع که در سابق جنگلزار بود، و رویهم رفته در اثر بی پردا ختی ازین رفته بود در هذالسنه اقدام به نهال شانی و آبادی آن گردید .
- ۵ :- در سال جاری در اثر تشویق مدیریت زراعت از طرف اهالی (۲۴۸۹۶۲) اصله اشجار مثمر و غیر مثمر غرس گردید .

### شعبه زراعت حکومت اعلای فراه :

- ۱ :- در حدود ( ۲۵۰۰۰ ) جریب زمین های مغروبه که از سالهای قدیم به نواحی دلارام و خاشرود بایروام یزرغ افتاده بود در هذالسنه در اثر توجه و کوشش حکومت اعلی یک شرکت بسرمایه نیم ملیون افغانی تاسیس گردیده ، تا این مبلغ به حفر نهر که از دریای خاشرود منبع میگردد صرف و تا به اوایل سال آینده به پایة تکمیل برسد ، و تا کنون باندازه ده کیلومتر کار مذکور انجام گردیده و باقی کار آنهم بسرعت جاریست .
- ۲ :- در علاقه داری کرکی یکنهر جدیدی که از نهر شیخ سرد یوارک آب میگردد ، برای آبیاری شش هزار جریب زمین بلند آب که متصل خط واقع است مساعد و تحت کار گرفته شده . و کار آن قریب الاختتام است ، این نهر علاوه بر اینکه اراضی فوق راسر سبز و آباد میسازد ، در موقع سیلاب و وفور آب دیگر انهار که اکثریه املاک تحت خطر واقع است نیز کمک میسراند .
- ۳ :- در حصه سیاب مربوط حکومتی بکوا یک چشمه و ذخیره آب موجود بود ، در اوایل سال بکار حفر آن اقدام و آب و افری ازان جریان یافت که لین آب برای احداث باغ و آبیاری یک حصه اراضی مغروبه که تحت آن واقع است کفایت خواهد کرد .
- ۴ :- در حدود دشت سر جزان مربوط حکومتی انار دره آثار قنوات مغروبه محسوس و درین روزها فرار هدایت مقامات صلاحیت دار به آبادی آن شروع بکار گردیده که بعد از ا کمال تخمینا شش هزار جریب زمین مغروبه را آبیاری خواهد کرد ، و یک فئات آن قریب تکمیل و باقی آن زیر کار است .
- ۵ :- در حدود چشمه میثاک که بین راه علاقداری جوین واقع است ، باندازه دو هزار جریب زمین مغروبه را داراست آبادی آن نیز زیر نظر گرفته شده .
- ۶ :- در حدود بیست هزار جریب زمین مربوط علاقداری جوین که مسمی به خاکک است از قدیم مغروبه بوده در هذالسنه جهت آبیاری زمینهای مذکور اقدام گردیده .
- ۷ :- نهر منار واقع خاشرود که از قدیم مغروبه بود ، در هذالسنه در آبادی و حفر نهر مذکور اقدامات بعمل آمده .
- ۸ :- یکباغ عصری در سمت غربی شهر کهنه فراه احداث و متصل آن تعمیر یک کافی از طرف ریاست بلدیة زیر نظر گرفته شده .

## امور ریاست مستقل مطبوعات

ریاست مستقل مطبوعات درین سال باوجود مشکلات باقیمانده دوره محاربه موفق به پاره اجراآت شده که بهترین آن حسب ذیل است :

### مدیریت عمومی نشریات

#### شعبه اول

- ۱ - فراهم کردن تسهیلات برای تاسیس يك مدیریت مطبوعات و جریده و مطبعه در بدخشان.
- ۲ - كمك در ارسال يكمده وسایل جدید طباعتی بمطابع ولایات.
- ۳ - وصول و اندراج ۲۵۲ اثر تالیف و ترجمه فارسی و ۲۲ - اثر ترجمه و تالیف پشتو.
- ۴ - همكاری در تاسیس يك مجله سه ماهه افغانستان به زبان انگلیسی و فرانسوی و نشر شماره اول آن در ماه حمل.
- ۵ - زیر طبع گرفتن كتاب د پښتو د ادب تاریخ برنده جایزه خوشحال خان خټک .
- ۶ - اعزام يك هیئت مطبوعاتی جهت معاینه امور مطبوعات بگلان.
- ۷ - تهیه مقدمات تاسیس يك مرکز نشریاتی در غزنی عجل التاموریت اژانس غزنی بماموریت مطبوعات شناخته شد .
- ۸ - مساعده با روزنامه ها و جراید در ارسال مضامین.
- ۹ - فراهم کردن تسهیلات برای بزرگت ساختن روز نامه های اصلاح و انیس و اتفاق اسلام به قطع سابق آن.

#### شعبه دوم نشریات :

- ۱ - اقدامات برای تاسیس و تقویه روابط عرفانی و نشریاتی بامؤسسات علمی و نشریاتی خارجه جهت معرفی افغانستان به خارج و استفاده از تتبعات و آثار منتشره مؤسسات مزبور بالخاصه تاجائیکه به افغانستان مربوط باشد .
- ۲ - همكاری با جراید و سائر دوائر مطبوعاتی در قسمت توريد کتب و جراید و تهیه مقالات و تصاویر و غیره که این شعبه در حدود وظایف خود به آن دسترس پیدا میکند .
- ۳ - همكاری در تاسیس يك مجله مصور سه ماهه بنام افغانستان بزبان انگلیسی و فرانسوی .
- ۴ - جمع آوری و توزیع اطلاعات مربوطه به افغانستان و سائر اطلاعات مفید بدوائر و مقامات ذی علاقه مملکت .

### شعبه رادیو :

رادیو کابل پنجمین سال نشریاتی خود را با نشر موعظه های دینی و مضامین اخلاقی، اجتماعی، صحی، تربیوی، زراعتی، فلاحی، دیالوگ ها، و رادیو درام ها، به پایان رسانیده با تنگی وقت و ضیق فرصت، کوشید مثل سالهای گذشته حتی المقدور به نشرات خود دوام داده و يك حصه اوقات فراغت شنوندگان خود را بخود مصروف سازد و آنها را از شنوندن مضامین متنوعه و موزيك های ملی متلذذ ساخته رضائیت شان را، فراهم نماید و در قسمت اخیر سال در اثر مفاهمه با شعبه تخنیکي بوقت نشرات خود دوباره افزوده و در ایام تعطیل از طرف روز باز دو ساعت به نشرات خود زیاده کرده و بیشتر اسباب تفریح شنوندگان خود را فراهم ساخته روی هم رفته رادیو کابل در ظرف سال ۱۳۲۴ بصورت مجموعی ۷۸۰ ساعت نشرات نمود که در آن موضوعات، آتی نصب العین آن بوده :

- ۱ - موعظه های دینی و تفسیر آیات قرآنی .
  - ۲ - مضامین اخلاقی - اجتماعی - تربیوی - علمی - تاریخی - صحی - زراعتی و غیره .
  - ۳ - رسانیدن اخبار و اوضاع جهان بوسیله سرویس های خبر و اجمال های سیاسی هفته وار .
  - ۴ - خدمت بزبان ملی و تدریس زبان ملی بصورت مسلسل .
  - ۵ - نشر درام ها و دیالوگ های اصلاحی و ادبی .
  - ۶ - شنوندن موزيك های مختلفه و آهنگ های ملی .
- از جمله ۷۸۰ ساعت نشراتی ۱۴۱ ساعت آن وقف موعظه ها و مضامین و دروس پشت و ۲۴۰ ساعت آن صرف خبر های داخلی و خارجی و وقایع سیاسی گردیده و باقی آن را نوختن موزيك ها و آهنگ های ملی دربر میگيرد .

بر علاوه رادیو کابل توانست که درین سال يك قدم دیگر در راه نشراتی خود بردارد و آن این است که فعلا در هفته يك شب پروگرام اردو رادر پروگرام عمومی خود شامل ساخته است درین پروگرام شنوندن خبر های داخلی کشور و مضامین مختلفه و موزيك های ملی و هندي خاص برای هندوستان است البته این يك اقدام جدید است که در عمر پنج ساله خود رادیو کابل بیان موفق شده است .

در قسمت تخنیکي رادیو کابل :

- ۱ - مدیریت عمومی تخنیکي رادیو کابل درین سال از وزارت پست منفصل و مربوط ریاست مستقل مطبوعات گردید .



۲ - از ابتدای سال ۱۳۲۴ الی اخیر سال استیشن براد کاست کما فی السابق به محور اصلی خود جریان داشته و دستگاه های آخذه مربوطه این مدیریت بدون جزئی وقفه با وجود قلت وسائل تخنیکي مثل سابق بکار خود ادامه داده است .

۳ - در اثنای سال ۱۳۲۴ از اینکه استیشن رادیوی گردیز به نسبت نبودن برق آن خاموش شده بود از طرف مدیریت عمومی تخنیکي رادیویك عدد توربین برق آبی تهیه و در گردیز بموقع مناسب نصب کرده شد که در اثر آن استیشن رادیوی گردیز بکار افتید و در نظر است که برای چندموضع ضروری دیگر چون فیض آباد و غزنی ولو گردیز همین قسم توربین ها تهیه کند.

۴ - مدیریت عمومی تخنیکي رادیو مثل سالهای گذشته به کارهای مخواه خود از قبیل ترمیم موتور جنریترهای مولد برق و رادیو های آخذه و رادیو و امیلی فایرها و لود سپیکرهای ولایات و حکومتی ها و ترتیب احصائی رادیو های آخذه شخصی مرکرو ولایات و غیره ادامه داده است اما پروگرام بزرگ توسعه رادیو بسبب ختم جنگ سردست گرفته شده و در نظر است که در ظرف پنج سال تا مراکز حکومت کلان و سایر شهرها و قصبات مهم مملکت رادیو توسعه داده شود .

#### مدیریت عمومی دائرة المعارف :

مدیریت عمومی دائرة المعارف در مدت سال ۱۳۲۴ به اجرای مواد پروگرام خود که برای پیشبرد این خدمت بزرگ علمی وطن از آغاز تشکیل و شروع کار بروی دست گرفته است همت گماشته، و نظیر موفقیت هائیکه در سنوات گذشته از قبیل جمع نمودن تراجم و تهیه مواد و مضامین علمی که بر حسب پروگرام مدیریت عمومی دائرة المعارف ضروری میباشد حاصل کرده است، در سنه ۱۳۲۴ هم به کمک و معاونت دانشمندان و ارباب قلم و اصحاب علم و معرفت که بوطن و مملکت خویش حس خدمت گذاری صمیمی و علاقه قلبی دارند، توانسته است تا جائی این خدمت پر افتخار را تعقیب و موفقیتی حاصل نماید؛ چنانچه علاوه بر اوراق مضامینیکه قبلاً تهیه و تتبع گردیده بود يك تعداد مضامین مختلفه دیگر را نیز از ماخذ متعدده ترجمه و تتبع کرده است که مجموع صفحات موجود در حدود (۲۷۰۰۰) هزار صفحه میرسد .

علاو تا حسب لامر مقامات عالییه جهت تدقیق مضامین مختلفه کمیسیون هائیکه از ارباب علم و فن مرکب می باشد تشکیل داده و مقداری از مضامین گوناگون علمی و فنی را ذریعه این کمیسیون ها تدقیق و تطبیق کرده است .

امیدوار است، اگر اصحاب علم و فن، و ارباب قلم و دانش وطن عزیز، کمک های علمی و قلمی خود را ادامه دهند این مؤسسه بتواند در سال های آینده بامدد گاری خدای متعال در پیشبرد این کار بزرگ به موفقیت هائی درخشان تری نائل گردد که نتیجه آن در راه عرفان پروری های حکومت متبوعه، خدمت بزرگی ثابت و مرجع استفاده عام و خاص قرار بگیرد ان شاء الله.

## مدیریت عمومی پبنتو قولنه

### مدیریت قواعد :

الف : قسمتی از گرامر مؤلفه شعبه قواعد که بسال گذشته در مجالس فضلاي پبنتو قرائت وازطرف آنها تصویب شده بود، درماه میزان ۱۳۲۴ بفرض طبع بمطبعه ارسال وکارطبع آن بهزیر نگرانی شعبه قواعد جاری شده است .

۲- کتابلمری لپار بنوونکی معاونسمستر ۶ پبنتو کلی دراوایل امسال ازطبع فارغ گردیده وبمعرض استفادۀ کورسهای پبنتو گذاشته شد .

ب : تراجم پبنتوی مضامین دایرةالمعارف که کار آن تااخیر سنبله هذالسنه جریان داشت جمله ( ۴۰۰ ) صفحه تصحیح وتدقیق وباصل فارسی آنمقابله شده وکارباقی آن هم جاریست .

ج . اصولنامههای شورای ملی وبرخی اعلانات واوراق شعبهها، همچنان جداول وسرلوحهها، وعناوین واردۀ دوایر رسمی وملی درظرف سال به پبنتو ترجمه وتعدیل، وکذا کار وضع لغات جدیدۀ پبنتو درائر مراجعه دوایر مثل سال گذشته جریان داشته است .

د : درنصف اخیر سال برای ترجمه وتحویل لغاتوعناوین دایرةالمعارف به پبنتو، کمیسیونی تحت آمریت بناغلی رشتین شروع بیکار نموده که هرروزه بعد ازیک بجه منعقد ودر آن تااخیر سال ( ۱۲۰ ) صفحه عناوین که مشتمل بر ( ۲۴۵۸ ) لغت میباشد به پبنتوترجمه وتعدیل یافته است .

ه : ۱ - همکاری با مجله کابل وجرایدوطن درحدود ( ۳۰ ) مقاله ۲ نگارش یک مقاله برای سالنامه عنوان « پبنتو - اوسانسكریت گرامری نزدبوالی » در ( ۴۰ ) صفحه .

۳- شمول اعضای شعبه در هیئت های ممتحنه کورس های پبنتو .

### شعبه لغات

۱- بآثر اعلان مدیریت لغات پبنتو قولنه مانند سال ۱۳۲۳ درین سال ۱۳۲۴ تا آخر سال ( ۲۳۰۹ ) لغات خیلی نادر به مدیریت لغات وارد وجمع آوری شده بعد ازمقابله باذخیره شعبه ( ۳۲۹ ) لغات صحیح وباقی مکرر بود .

۲ - اصل لغات فوق بهدوسیه علیحده ولغات مکرره آن در دوسیه جداگانه ولغات صحیح آن بطور مخصوص ونمره واردردوسیه های جداگانه یا کنویس وقید شده .

۳ - کتبی که در شعبه لغات ازطرف اعضای شعبه لغات برای بیرون نویسی لغات ملاحظه ومطالعه شده وازان یککده لغات بیرون نویس وباذخیره مقابله کرده اند بقرار ذیل است :

- ۱ :- سی و سه جلد کتب متفرق پښتوی درسی میکاتب وزارت معارف .
- ۲ :- هشت جلد پښتو کلی کورسها .
- ۳ :- دو جلد کتاب قامی و یک جلد کتاب قلمی تاریخ اعثم کوفی وغیره .
- ۴ :- لغاتی که در شعبه از طرف مامورین شعبه لغات از کتب فوق وغیره لهجه های پښتو از محاورات پښتو مشترک اند جمع و با ذخیره مقابله شده (۲۹۳) .
- ۵ :- در سنه ۱۳۲۳ تفصیل پنج ردیف از جلد اول قاموس پښتو در سالنامه ۱۳۲۳ نشرو بمطبعه برای طبع فرستاده شده درین سنه ۱۳۲۴ جلد اول قاموس پښتو تماماً از طرف صباغلی محمد گل خان نوری آمر شعبه لغات و تالیف و ترجمه مکمل و مرتب و آماده طبع شده که آن هم بعد از نظر ثانی مدیریت عمومی بمطبعه فرستاده و طبع خواهد شد ، لغات و مصادر و مشتقات و اصطلاحات آن بقرار ذیل است :

۱ :-	ردیف	(الف)	لغات	(۱۷۶۴)	مصادر	(۱۴۵)	مشتقات	(۵۵۲)	اصطلاحات	(۳۹۵)
۲ :-	»	(ب)	»	(۲۰۴۹)	»	(۱۵۱)	»	(۶۰۴)	»	(۳۶۳)
۳ :-	»	(پ)	»	(۳۲۱۲)	»	(۱۷۹)	»	(۶۴۰)	»	(۳۷۲)
۴ :-	»	(ت)	»	(۱۶۱۰)	»	(۱۱۶)	»	(۴۶۰)	»	(۱۶۳)
۵ :-	»	(ث)	»	(۶۲۸)	»	(۵۲)	»	(۲۰۰)	»	(۷۳)
۶ :-	»	(ج)	»	(۵۱۹)	»	(۳۳)	»	(۱۰۸)	»	(۳۰)
۷ :-	»	(چ)	»	(۱۱۸۹)	»	(۸۴)	»	(۱۳۶)	»	(۸۹)
۸ :-	»	(خ)	»	(۴۰۳)	»	(۱۵۳)	»	(۱۵۶)	»	(۷۴)
۹ :-	»	(ح)	»	(۷۱۵)	»	(۵۰)	»	(۱۸۴)	»	(۶۱)
۱۰ :-	»	(ع)	»	(۱۴۳۵)	»	(۱۱۵)	»	(۴۰۸)	»	(۳۰۴)
۱۱ :-	»	(د)	»	(۱۰۹۰)	»	(۸۲)	»	(۲۰۲)	»	(۱۰۸)
۱۲ :-	»	(ذ)	»	(۵۴۳)	»	(۳۳)	»	(۱۰۸)	»	(۷۴)
۱۳ :-	»	(ر)	»	(۹۰۳)	»	(۱۴۲)	»	(۳۷۸)	»	(۵۳)
۱۴ :-	»	(ز)	»	(۱۰۸)	»	(۱۳)	»	(۴۸)	»	(۱)
۱۵ :-	»	(ژ)	»	(۷۷۳)	»	(۷۳)	»	(۱۷۴)	»	(۱۳۱)
۱۶ :-	»	(س)	»	(۱۸۰)	»	(۱۶)	»	(۴۴)	»	(۱۵)
۱۷ :-	»	(ش)	»	(۵۶)	»	(۶)	»	(۲۴)	»	(۸)

عرض رگ زغال بخوبی دیده نمیشود ، زیرا جثا حین ذغال کاملاً رگ ها را در بین گرفته و اجازه نمیدهد که عرض معدن بصورت واضح معلوم شود ، و از ملاحظه قسمت فوقانی - رگ زغال مذکور به عرض ده متر بنظر میرسد و بعداً در زیر طبقات فوقانی مخفی میگردد در اینصورت عرض حقیقی رگ زغال بدون عملیات برمه کاری معلوم شده نمیتواند ، ضخامت رگ زغال تا ۹ سانتی متر میرسد که عموماً در بین طبقات تون شیفر قرار گرفته و در حین استخراج تکه های بزرگ از آن استخراج میشود .

جنسیت ذغال برنگ سیاه براق بوده و هیچگاه پودر نمیدهد از جلای ذغال معلوم میگردد که مقدار گسی ذغال مذکور زیاد میباشد ، در اثر امتحان فابریکه ، قندز معلوم گردیده که ذغال مذکور برای کوکس سازی خیلی کار آمد میباشد با وجودیکه داش های مخصوص کوکس سازی در قندوز وجود ندارد با آن نتیجه که از داش ابتدائی و سیستم ساده فابریکه بدست آمده مآرابه آینده درخشان این معدن و تهیه کوکس مطلوبه امیدوار میسازد .

در معدن مذکور تحقیقات اکتشافی و جیالوجی کرده نشده و مستلزم تحقیقات مفصل میباشد ذخیره فعلی آن قلیل بوده لکن در گرد و نواح معدن مذکور دیگر رگهای ذغال نیز وجود دارد که باید بعد از تجسسات و تحقیقات اکتشافی لازمه موجودیت مقادیر رگهای مخفی ذغال بواسطه عملیات برمه به اثبات برسد ، چون معدن مذکور در نزدیکی فابریکه قندز و بنلان واقع شده و هر دو فابریکه احتیاج زیاد به کوکس دارند در این باب اقدامات مقتضی از طرف وزارت معدن عملی خواهد شد .

در ختم تشریحات متعلق به ذغال این مسئله نیز تذکر داده میشود که وزارت معادن برای کشف ذغال در نزدیکی های مرکز جدا داخل اقدامات است چنانچه در اوایل سال ۱۳۲۴ مناطق ذغال دار ولایت مشرفی که آثار و علائم ذغال دوره ترسیر و رگهای خفیف در بعضی قسمتها به ملاحظه میرسد تحت تحقیقات اکتشافی مزید هیئت متخصمین قرارداد شد ولی نتیجه مطلوب بدست نیامد ، در وقت مساعدت هوا برای پیدا شدن ذغال در مناطق غرنی نیز یک هیئت متخصمین فرستاده میشود تا در نواحی آنجا تجسسات و اکتشافات لازمه را ادامه بدهند .

(۳) معدن سرب فرنجل غور بند : این معدن در هشتاد میلی شمال کابل در وادی غور بند وجود

دارد از سالیان دراز کار آن بیکه پیمانه وسیع جریان داشته ولی نظر به مشکلات کار از چندی باینطرف متروک گردیده بود در آوان جنگ دنیا که تورید سرب از خارج مشکلات پیدا کرد برای رفع احتیاجات ضروری معدن مذکور مجدداً بکار انداخته شد و تا برج میزان ۱۳۲۴ کار آن دوام داشت و سرب کار آمد به پیمانه مطلوب استخراج گردید ، در نتیجه تحقیقات اکتشافی و جیالوجی و نقشه برداری که از طرف هیئت متخصمین و وزارت بعمل آمد معلوم شد که

نوبت : - لغات سابق این جلد اول که در کارتها بوده واخذ شده (۹۹۹۲) بود، اکنون (۱۶۲۷۶) ولغاتیکه بر آن افزوده شده (۶۲۸۴)  
 ۶- همکاری و معاونت شعبه لغات بامجالس تحویل لغات دائرة المعارف به پیتو که نصف روز شامل ودرانجا کار کرده .  
 تالیف و ترجمه

کتابیکه در شعبه تالیف و ترجمه به پیتو ترجمه شده قرار ذیل است :  
 الف : ۱- ترجمه کتاب عربی غایة الانسان ( ۴۴۵ ) صفحه - مترجم شیا غلی مولوی عبدالخالق خان واسعی .  
 ۲- ترجمه کتاب عربی روح الاعتدال ( ۵۰۶ ) صفحه - مترجم شیا غلی مولوی عبدالخالق خان واسعی .  
 ۳- ترجمه کتاب عربی کتاب الصفا ( ۵۰۶ ) صفحه - مترجم شیا غلی مولوی عبدالخالق خان واسعی .  
 ب : ۱- نظم تاریخ آریانا که در این سنه ۱۳۲۴ به شعبه تالیف و ترجمه رسیده ( ۲۳۰ ) صفحه که حاوی ( ۵۶۴۸ ) بیت است شیاغلی سید میرحیدر خان ناظم تاریخ آریانا درفندهار .  
 نوبت : - در سنه ۱۳۲۳ ( ۲۵۵ ) صفحه که حاوی ( ۵۷۵۰ ) بیت بود، که اکنون جمله ( ۴۸۵ ) صفحه و ( ۱۱۳۹۸ ) بیت می شود .

ج : - تراجم اصولنامه های شورای ملی و غیره .  
 د : - تهیه و نقل مضامین تاریخ آریانا از شعبه تاریخ برای نظم کردن و فرستادن آن درفندهار

### مدیریت ترجمه مضامین دائرة المعارف

این شعبه جدید التاسیس بوده و در آخر سال ۱۳۲۴ شروع بکار نموده است .  
 مرام این شعبه ترجمه مضامین تهیه کردگی مدیریت عمومی دائرة المعارف به پیتو است که بعد از معائنات و تدقیق از مدیریت عمومی دائرة المعارف جهت ترجمه پیتو به این شعبه فرستاده میشود، این شعبه بعضی از آنها را در خود شعبه ذریعه اعضاء شعبه و بعض دیگر را توسط همکاران خود قرار اصول حق الزحمه به پیتو ترجمه مینماید . تا حین نوشتن این رایوراجرا آتی که درین شعبه شده این است :

۱- مضامین فرستادگی مدیریت عمومی دائرة المعارف ۱۰۰ (  $100 \times \frac{1}{4}$  ) صفحه

۲ ترجمه شدگی در خود شعبه ۰۰۰۰۰۰۰۰ ( ۴۷۴ ) صفحه

- ۳- مضامینیکه به همکاران خارج شعبه با اصول حق الزحمه داده شده ( $۸۲۷\frac{1}{2}$ )  
 ۴ مضامینیکه بعد از ترجمه پښتو وارد شعبه گردیده و جهت تدقیق بر جعش ارسال گردیده است  
 (۱۵۷) صفحه

- ۵ مضامینیکه بعد از تدقیق وارد شعبه گردیده است ۰۰۰ (۳۰) صفحه  
 ۶ کمک با جراند ذریعه نوشتن مقالات از طرف مدیر شعبه ۰ (۶۰) صفحه  
 ۷ تراجم اصولنامه‌های متفرقه ۰۰۰ (۱۰) صفحه

### مدیریت صحافت و شعبه مبصریت :

- ۱ - ترتیب مضامین و نشر مجله کابل در اول هر ماه و اخذ ترتیبات برای کلان ساختن  
 قطع و تزئید صفحات مثل زمان سابق قبل از جنگ که از اول سال نیز عملی شده است .  
 ۲- نوشتن و نشر یک عده مقالات بغرض اصلاح سبک و اسلوب زبان پښتو و مضامین تبصرویی و برخی  
 از مسائل گرامر پښتو .  
 ۳ - نشر شرح حال مشاهیر و مقالات علمی و بعضی از افسانها و از ادبیات غرب بصورت ترجمه .  
 ۴ - تصحیح مضامین نشر و نظم و اداره .  
 ۵ - فراهم نمودن مضامین اجتماعی برای مجله بطور نگارش و یا ترجمه از منابع خارجی .  
 ۶ - انتخابات از اشعار قدما و نشر آن در مجله .  
 ۷ - همکاری و معاونت با دوائر مطبوعاتی در نوشتن مقالات .  
 ۸ - ترجمه مضامین فارسی به پښتو که از خارج پښتونو لڼه رسیده .  
 ۹ - تهیه فوتو‌ها برای نشر مجله کابل و «د کابل گالری»  
 ۱۰ - با خبری و نگرانی یومیه برای کارهای مجله و د کابل کالنی در مطبعه و تهیه مضامین آن .  
 ۱۱ - ملاحظه بعضی از کتب پښتو که جهت اخذ جواز مطبوعاتی بمدریت عمومی نشریات  
 وارد و بمدریت عمومی مذکور آنها را جهت مطالعه و گرفتن نظریات باین مدیریت فرستاده است .

### مدیریت کورس‌ها :

- الف - تعداد کورسهای مرکز و ولایات ۱ -  
 ۱ شق مرکز - ۱۴۵ کورس / ۵۰۸ کورس  
 ۲ و لایات - ۳۶۳



۵ - ریاست مالیات بر عایدات که در جدی ۱۳۲۴ مستقل تشکیل و منظور گردید. معلومات داشت که طبقه تجار داخلی علی العموم حسابات تجارتی مرتب نداشتند و بعضی که برای معلومات خود قسموهی و خا ته ترتیب می نمود آن هم به اقتضای فکری اشخاص بوده لهذا ترتیب حساب تجارتی را بصورت ساده که خواننده میتواند بدون اشکال صورت دوران چلند فروش و مفاد ضرر خود را بداند نقشه و برای عملیات به تاجر انفرادی سپرده طور یککه حسابات مرتبه ملاحظه و مشاهده شده است طرز معاملات اطمینان بخش بوده یعنی ترتیب مندرجات تحریر دا دوستد طبق پروژه عملی شده چون اجراءات عملیات حسابات متحد الشکلی در سراسر مملکت بمعرض اجرا بوده .

۶ - بعضی تجاریکه بواسطه نقل مکان و باثر واقعات به طبقه است معرفتی نامه وزارت اقتصاد ملی دستياب نگردیده بودند باثر اقدامات و تجسس بعضی دستیاب و اصولاً مالیه معینه با جریه اصولی از آنها تحصیل و در حصه باقیمانده تعقیبات جاری است .

۷ - قائم شدن يك يك شعبه كنترولى بامامورين كنترولران بمديريت هاى ماليات ولايات و حكومات اعلى از حيث نظم و نسق امور ادارى و انفصال قطعيه ماليه دهان و اجرائى معاش و مصرف مامورين و مستخدمين مالياتى هم در سال جارى بعمل آمده كه در تخصیصات بودجه وى كرانى هم نیامده :

۸ - تاسیس يك مدیریت باسم مدیریت ولايات در مرکز بعوض مدیریت سیار که در تشکیل سابق وجود داشت که این وظیفه دار تطبیقات اظهار نامه های تجار اطرافى و غیره بوده و ضمناً معاملات آنچنان مالیه دهان را انجام میدهد که از عدم وسعت مرکزیت تجارت شان مامور مالیاتی در آنجا مقرر نیست امثال تجار تگاب دایزنگی و غیره .

۹ - وقتاً فوقتاً اعطای هدايات لازمه از نقطه نظر پیشرفت امور جاریه بدوائر اطرافى مالیاتی و حسن انتظام امور دفتر داری و حصول عوایدیکه در اثر مراقبه و سنجش بالانس و اظهار نامه بعضی تجار شرکت های اطرافى که ذریعه مامورین مرکزى بملاحظه رسیده .

۱۰ - نقل مرکز مدیریت مالیات بر عایدات از اندخوی به میمنه و موجودیت یکنفر مامور تحت اثر مدیریت میمنه در اندخوی حسب هدایت مقام صالحه .

۱۱ - تهیه و توزیع قرطاسیه و لوازم ادارى و کتب دفاتر تجارتی بدوائر مالیاتی اطرافى و توزیع دفاتر مذکور به تجار جواز نامه دار .

۱۲ - تصفیة معاملات مالیه دهان سال ۱۳۲۳ به اندازه ممکنه و اعطای تصدیق فراغت .



۱۳- اعزام يك هیئت تفتیش حسب معمول جهت بازرسی دفاتر و حسابات دوائر مالیاتی قطغن ، بدخشان ، مزار شریف ، میمنه ، قندهار ، فراه ، هرات و اعطای هدایات مفیده به مامورین .

۱۴- بالاخره بعد از طی جریانات دوسالنه امور مالیات بر عایدات که در مملکت ما بی سابقه بوده و اکنون مالیه دهان چه از طبقه شرکت ها و مؤسسات و چه تجار انفرادی از نقطه نظر هم کاری مامورین مالیاتی و حسن تفاهم یینی در سال ۱۳۲۴ هیچ مشکلاتی قابل ملاحظه در سال ۱۳۲۳ گردید و جو دنداشته نودفی صد مشکلات عدیده که در جریان این امر موجود بود رفع و تماما مالیه دهان بادیای حقوق مالیات بر عایدات بر روی دفاتر تریکه ترتیب داده اند بموقع اش حاضر و تحویل نموده و دفاتر و اسناد خود را ارائه و بعد از ملاحظه دوائر مربوطه تصدیق فراغت حاصل نموده اند .



### امور ریاست تفتیش عمومی محاسبات

بر ریاست تفتیش عمومی محاسبات اجراءات ذیل صورت گرفته :

- ۱ - تفتیش مدیریت عمومی نمکسار اندخوی
- ۲ - « معدن نمک تالقان »
- ۳ - « حسابات سه ساله مدیریت عمومی حمل و نقل »
- ۴ - « پنج ساله مدیریت عمومی املاک »
- ۵ - « حساب سال ۱۳۲۲ تعمیرات تپه بلند یغمان »
- ۶ - « بیلانس های سال ۱۳۲۱ و ۱۳۲۲ شرکت ارزاق »
- ۷ - « سال ۱۳۱۹ الی ۱۳۲۲ شرکت مسلخ »
- ۸ - « تحقیقات فقره عرض کارگران شرکت پخته قطغن »
- ۹ - « فقره فروش فابریکه مکتب صنائع ، فقره خریداری اجناس مکتب حریبه و غیره بعضی فقراتی که بر ریاست حل و فصل شده .



معدن مذکور باوجودیکه به احتیاجات این مملکت مدت طولانی خدمت نموده بازهم امیدهای بیشتری بان متصور است .

سرب در طبیعت بیشتر بصورت گلینا بفرمول (Pbs) یعنی ترکیب سرب و گوگرد یافته میشود و این ماده در بین طبقات سنگ چونه بصورت لنبزها (عدسیه‌ها) وجود دارد دراز منته سابق بداخل و اطراف مختلف معدن تا حدود چندین کیلو متر بو ضیعت غیر فنی کار شده و بغرض یافتن مواد گلینا در بین طبقات سنگ چونه صوفهای متعدد و نامنظم حفر گردیده که فعلاً سنگهای سرب دار بعملیات سرنگ پرانی و مشکلات زیاد بدست می آید، داخل معدن بسبب تاریکی زیاد ذریعه چراغهای کار روشن ساخته میشود هوای داخل معدن خوب نیست و یک مقدار هوا که بواسطه دو منفذ قدیمه داخل معدن میگردد برای تنفس کار یگران غیر کافی دانسته میشود مخصوصاً در قسمتهائی که کار استخراج جریان دارد از باعث تولید بخارات مواد انفلاقی و تنفس معدنچیان بیشتر برای تنفس غیر مساعد میباشد .

ترتیب کار موجود و استخراج سرب : یومیه ذریعه عملیات سرنگ پرانی از ۷ تا ۸ خروار

سنگ چونه که دارای مواد گلینا میباشد از داخل معدن استخراج و منجمله از یک تا دو خروار آن از داخل معدن بدهن صوفها نقل و در انجا تحت عملیات سنگ شکنی قرار داده میشود سنگهای سرب دار آن تفریق و به اندازه دانه بادام و خورد یا کلاتر شکستاده سپس جفلهای خورد شده در آسیا نقل و میده کرده میشود بعدها مواد میده شده را در تحت عملیات ریگشویی قرار میدهند موادیکه از نتیجه این عملیات بدست می آید قابل ذوب کوره ها بوده و آنرا کنسترات میگویند در نتیجه عملیات گداز که در هر کوره بدفعات مقدار هشت سیر کنسترات بکار میرود از دونیم سیر تاسه سیر سرب یک آبه حاصل میدهد فعلاً برای گداز سرب پنج کوره موجود است و حاصلات سرب ذوب شده و بکار افتیدن تعداد کوره ها بمقدار مواد گلینا و کنسترات مستحصله منحصر میباشد بهمین جهت نظر بو ضیعت فعلی و مشکلات کار و فقدان کوره های اساسی حاصلات یومی معدن در حدود ۸ تا ۱۰ سیر چرخ میخورد و در فی کوره در هر مرتبه از دونیم سیر تاسه سیر چوب بید بمصرف سوخت میرسد .

بر طبق نظریه متخصصین معدن مذکور بصورت عمومی ذخیره و استعداد کافی دارد ، برای اینکه پیمانه استخراج ترقی داده شود و بر حسب مقتضیات فن کار جاری گردد اصلاحات ذیل برای بهبود آینده معدن لازمی است .

اصلاحات جهت بهبود آئنده کار معدن : معدن سرب فرنجل باوجود سوابق تاریخی آن

تحقیقات مزید اکتشافی بکار دارد تا نقاط مساعد برای استخراج اساسی تعیین گردد ، از دهن

۴ - مدیریت کنترول فوائد عامه

۵ - ریاست گمرک کابل

۶ - دایرة تحصیلی مستوفیت

### مدیریت تفتیش احصائیه :

صورت اجراءات این مدیریت نسبت تفتیش امورات احصائیه سنوات گذشته محالات ودوایر مربوطه که نتایج آن باتصاویر مجاليس مشوره ولایت وحکومات کلان به مراجعش تحویل داده شده قرار ذیل است :

۱ - تفتیش امور احصائیه سال (۱۳۲۱ الی ۱۳۲۳) مرکز بلدیہ کابل وتامام ناحیه های مربوطه آن وریاست نوی کابل

۲ - تفتیش امور احصائیه سال (۱۳۲۲) مرکز وتامام حکومات مربوطه شمالی به استثنای حکومات مربوطه پروان

۳ - تفتیش امور احصائیه سال (۱۳۲۲) و (۱۳۲۳) مرکز وتامام حکومات وعلاقه داری های مربوطه حکومت کلان لاهور

۴ - تفتیش امور احصائیه سال (۱۳۲۳) حکومات شش گروهی مربوطه مرکز ولایت کابل و محکمه ابتدائیه : فیصله های حقوقی وجزائی وعایدات محکمه ابتدائیه حسب توضیح آتی است :-

فیصله جزائیه - (۳۱۲) قطعه - فیصله حقوقیه = (۱۱۲) قطعه = پول عایدات محکمه اذدرك فیصله ها وصورت حال ها = (۱۰۳۲۰۸) افغانی

محکمه مرافعه : درمحکمه مرافعه درسال جاری الی آخر دلو که (۱۱) ماه میشود فقرات

ذیل فیصله ومبالغ ذیل عائد گردیده فیصله جزائیه = (۴۰۴) فقره = فیصله حقوقیه = (۲۱۴) فقره = پول عایدات اذدرك فروش نکاحنامه وقیمت تکت ومحصول وثایق (۵۱۹۳۱۵۰۰) افغانی

### قوماندانی امنیه :

قوماندانی امنیه ولایت کابل بر حسب وظیفه وصلا حیت خویش در حفظ امنیت و وارسى و تعقیب قضایای جنائی وجزائی و گرفتاری ومجازات مرتکبین وتحصیل حقوق مراجعین به مقتضای اصول اقدامات ودرحسن تدویر امور مربوطه وتعلیم وتربیه قطعات پولیس وژاندارمه واتخاذ تدابیر صحی وتعیین وتقرر ضابطان وخورد ضابطان فارغ التحصیل مکتب ژاندارمه وپولیس به قطعات ژاندارمه وپولیس وسائر امور مربوطه صرف مساعی نموده

### مدیریت عمومی محبس :

محبس عمومی مرکز در سال جاری نسبت به سنه گذشته بیشتر از آنچه توقع میرفت مورد برتری و افزونی مواد مصنوعه متنوعه قرار گرفته است . از نمونه و پیشرفت های مهمه این مؤسسه عام المنفعه شاید فراموش نشده باشد یکی وضع و ترتیب مواد مصنوعه است درنمایشگاه جشن استقلال وطن عزیز که از حیث کثرت مقدار ، مجاسن ، نوع و جنسیت ساختمان طرف رضایت واستفاده اکثر از طبقات عامه واقع و در عین زمان میان دیگر مؤسسات صناعیه ملیه حایز جایزه درجه اول گردید ، همچنین توسعه معاملات تجارتنی محبس در تمام نقاط مرکز و برخی از ولایات دوردست چون قندهار ، هرات ، مزارشریف . . . الخ قدم دیگری بوده که جدا در راه مجادله با عوامل فلت و گرانی نرخ امتعه مایحتاج وتامین وسایل رفاه وآسوده حالی ابناى وطن برداشته شده است .

برعلاوه از اثر تطبیق پروگرام های مرتبه محبس تغییرات مطلوبیه که در اوضاع اخلاقیه وصحبیه وصنعت عمله یعنی توده محبوسین رونما گردیده است نشان میدهد که صنعت و خرفت محبس هنوز هم درجاده اصلاح وتعديل مقتضیه رهسپار وطریق معیشت وحفظالصحه و بهبود برتری و بهتری است . چنانچه هر فرد عمله بلا استثنا یومیه به استحقاق اغذیه کافیه که بتوان از ضایعات بدنیۀ او تلافی نمود هفته یکمرتبه حمام سالانه دودست البسه و غربا بیشتر از آن به اخذ بستر ، امداد بدوره نقاهت وغیره نایل آمده و نیز حسب اقتضای وقت مقتدر بنا ختن هر نوع مواد صناعیه شق مربوط بخود گردیده است . هکذا تجولات مهمه که در ترکیب و طبخ مواد اغذیه محبوسین وطهارت ونظافت عمومیه مطبخ از نقطه نظر صحبیه بعمل آمده است ومی توان گفت که بهترین اطعمه بنازل ترین قیمت در محبس تهیه میشود . و الحاصل محبس عمومی در هذمه انسنه بداخل گنجایش محیط ، ادوات کار موجوده آخرین مرحله انکشاف و تکامل خود را پیموده و اضافه بر آن چیزیکه نسبت بمقایسه پیشرفت های قابل قدر سنه گذشته در خور بیان دیده میشود تا یک اندازه افزونی مواد مصنوعه و توسعه و تعدیل قسمتی از شعب و مواد صناعیه وآغاز امور مقدّماتی محبس جدید واقع سینین کلی و تشکیلات اداری آنست که مجعلاً تحت اشاره آ ، ب ، ج به ترتیب ذیل ذکر میشود :

الف رویداد افزونی در استحصالات هذاسنه نسبت بمقایسه سنه گذشته بحساب فیصدی :



مشوره ولایت واخذ و صدور تصاویر و فیصله های مجلس به مراجع مربوطه بذل مساعی و تصمیمات  
مقام ولایت را به حکمات و دوایر مربوطه به غرض حسن جریان امور اعلام نموده است .  
تعداد تصاویر و فیصله های مجلس مشوره ولایت در سال جاری حسب آتی است :  
تصاویر و فیصله های فقرات جزائی و جنائی ( ۵۰۰ ) .  
» » امور متفرقه اداری از قبیل تفتیش های اداری و حسابی و عزل و نصب ما مو رین  
و غیره ( ۷۰۰ )

## تعمیراتی که در هذا السنه ۱۳۲۴ بذریعه مدیریت عمومی تعمیر ولایت کابل اجرا شده

الف - تعمیرات مرکزی که

بعضی شروع و بعضی تکمیل شده :

- ۱- محکمه عدلیه ، کار تهذاب کنی آن تکمیل و یک اندازه سنگ کاری هم شده .
- ۲- امور متفرقه فاکولته نمبر اول علی آباد .
- ۳- ملحقات شفاخانه علی آباد .
- ۴- \* مستوفیت .
- ۵- عمارت نندارتون چمن .
- ۶- کار باقیمانده تعمیر مکتب میخانیکي نمبر ۲ کارنجاری مذکور تکمیل گردیده .
- ۷- دواخانه شور بازار : که اهمیت کار تعمیر را دار است ، شروع شده .
- ۸- عمارت وزارت پسته : معماری و نجاری ، حلبی سازی ، رنگمالی آن شروع شده .
- ۹- سلامخانه یقمان که طلاب مدرسه علوم شرعیه در آن نشیمن دارند ، کارهای نجاری و معماری آن تکمیل گردیده .
- ۱۰- کار تعمیر جزام خانه بنخاک : معماری و نجاری و سفیده کاری و رنگمالی آن اکمال گردیده .
- ۱۱- مکتب خواجه مسافر علیه الرحمه : تعمیر مکتب مذکور به پوشش رسیده و کارنجاری آن از قسم قیچی جاری است .
- ۱۲- مکتب تنگی سیدان : سه طرف تعمیر مذکور بحد کتیبه رسیده و طرف جنوبی آن گمان زده شده .

د مسلخ اساسي عمارت او د مغلتي مغلتي منظره په کابل کې







اساتى شارا المصلين به خواجه ملا كشي



نك همز نكك عمو شى شاپو



مصلح شاپو تعمير يوده پرده

صرف تاقست چوك كه موضع كار موجوده ميباشد بفاصله زياده از سى متر راه تنگ و تاريك بوده براى تردد عملة و نقلية مواد استخراج شده ساختن يكراه اساسى لازمى است بواسطه اين راه هواهم تا اندازه روشنى با كمال سهولت بداخل معدن ميرسد ، موضع دستگاه موجوده كه حوضهاى ريگشونى و آسپاوكوره هادرانجا ساخته شده چون از خود معدن زياده از يك كيلو متر فاصله دارد نقلية مواد خام تا دستگاه مذكور بمقاد اقتصادى تمام نميشود ، براى پيشرفت و بهبود آينده كار بايد دستگاه مذكور در ميدان تحتانى معدن كه در حدود يك و نيم صدمتر از مدخل معدن فاصله دارد تحت ساختمان گرفته شود دراينصورت مواد خام كليتا به لين هوايى يا بوسيله ناوه درزير معدن به موضع معين به سهولت ذخيره و عمليات سنگشكنى توسط ماشينهاى (جاو كرشر) صورت بگيرد و بعد از آسپا نمودن عمليات شستن مواد ميبده شده ذريعه آله (شيكنگ تيبيل) يعنى ميزريك شونى انجام داده شود دراينصورت مواد كنسترات حاصله كه قابل ذوب كوره هاميباشد بمقاد اقتصادى تمام شده و سرب مستحصلة ب قيمت خيلى ارزان بدست مى آيد براى انجام كار مذكور تهيه دو پايه ماشين جاو كرشر و شيكنگ تيبيل مورد ضرورت د يده ميشود و براى تجديد هواى معدن تهيه يك پايه ماشين و نيتليشن (ماشين تصفيه هوا) نيز خالى از فايده نميباشد ، در اين موقع كه از فضل خداوند جنگ جهان ختم گرديده وزارت معدن در زمينه استخدام متخصصين داخل اقدامات ميباشد ، هر زمان كه باستخدام متخصصين موفقيت حاصل گردد براى توسيع كار آينده معدن مذكور تحقيقات مزيد بعمل آورده و بعد از اثبات مقادير و ذخاير اصلى معدن به تهيه و توريد ماشينهاى لازمه قرار نظريه متخصصين اقدامات كرده خواهد شد .

پيش بينى مواد محروقات جهت سوخت كوره ها : براى سوخت كوره هاى گداز سرب تهيه

مواد محروقات امر لازمى بوده و بدرجه اوزن قرار ميگيرد وقت مواد محروقات در غور بند و نواحى آن بدرجه زياد محسوس ميباشد براى رفع اين مشكلات امتحانات تجربى با ذغال سنگ جارى است تا اگر به نتيجه ناياب شويم سوخت كوره ها را از ذغال ايشيشته تأمين كرده خواهد شد با وجود آن براى پيش بينى آينده اين كار در اثر پيش نهاد وزارت معدن از مقام منبع صدارت عظمى ب رياست زراعت امر داده شده است كه تمام زمين هاى گرد و نواح معدن كه داراى يك ميدان وسيع و براى غرس نهال مسا عدديده ميشود خريدارى و ترتيب نهال شانى آن روي دست گرفته شود تا معدن مذكور از هر گندمر مواد محروقات مستغنى بوده چوب كار آمد معدن به پيمانه وسيع از خود موضع بسهولت و قيمت مناسب تسهيل شده بتواند اين هم قابل ذكر است كه براى ذوب سرب هميشه شعله چوب بيد ضرورت ميباشد از انرژى مصميم غرس نهال هاى بيد در نواحى معدن اتخاذ كرده شد زيرا در سال حاضر چوب مذكور از نقاط بعيدة و قيمت گزاف وارد ميگريد در همين روزها

- ۱۳- مکتب افشار : تعمیر مذکور پوشش شده و کار مسطح و غیره آن جاریست .  
۱۴- مکتب چهارقلعه : عمارت مذکور در سال گذشته تکمیل گردیده بود، دیوار احاطه آن در هذالسنه شروع و پیشروی مکتب و طرف غربی آن سنگت کاری و خشت کاری دیوار مذکور اکمال و سر مهره آن هم زده شده .

ب - ترمیمات :

- ۱- مکتب نجات مرمتکاری و رنگمالی گردیده .  
۲- « صنایع » و سفیده کاری »  
۳- « قابله گی نمبر اول معماری و نجاری »  
۴- شفاخانه نسوان دارالفنون .  
۵- موسسه با کتیریو اوژی .  
۶- فاکولته سیانس .  
۷- « ادبیات »  
۸- عمارت و زارف معارف .  
۹- شفاخانه سپورت وزارت معارف .  
۱۰- مکتب استقلال  
۱۱ « غازی »  
۱۲- مزار حضرت عاشقان و عارفان علیه الرحمه  
۱۳- « » « بابای خودی »  
۱۴- تا کوه های تجویلیخانه های علی آباد  
۱۵- عمارت وزارت اقتصاد  
۱۶- مکتب حبیبیه  
۱۷- « حکام »  
۱۸- « مساحت »  
۱۹- « پرستاری »  
۲۰- « زراعت »  
۲۱- « قابله گی نمبر ۲ »  
۲۲- « اصول تحریر و محاسبه »  
۲۳- « گذر سردار جاننخان »

# دی تیریزیل ای ای بی شرف د کابل کالنی ایری و تمار ایری ادب

۲۴- کیمیاخانه باغ عمومی

۲۵- کونی های کارته ۴ از نمبر يك الى نمبر ۱۰

۲۶- » وزارت صحیه

۲۷- » » مالیه و ملحقات آن

۲۸- قصر سلامخانه ارگ

۲۹- شفاخانه پغمان

۳۰- کونی های بالا باغ پغمان

ج - تعمیرات اطراف :

۱- تعمیر مکتب بامیان که در هذالسنه کار آن شروع شده

۲- » » محمود عراقی » » » »

۳- » » اشترگرام » » » »

۴- » » فره باغ کوهدامن » » » »

۵- » » حکومت جبل السراج » » » »

۶- » » بامیان » » » »

کارهای باقیمانده سال گذشته که در هذالسنه تکمیل گردیده :

۱- کار تعمیر مکتب سرای خواجه

۲- » » » استالف

۳- » » » مقرر

۴- » » » چرخ

۵- » » » میدان

۶- » » » کلنگار

۷- » » » محمد آغه

۸- » » » حکومت فره باغ غزنی

۹- » » » تنگیاب

۱۰- » » » زرغون شهر

۱۱- کار تعمیر حکومت مقرر

۱۲- » » » جغتو

۱۳- » » » اندر

- ۱۴- کار تعمیر حکومت شرن
- ۱۵- » » علاقه داری یحیی خیل
- ۱۶- » » یوسف خیل
- ۱۷- » » حکومت جاغوری
- ۱۸- » » جدید کلنگار
- ۱۹- » » مجلس حکومت کلان لهور
- ۲۰- » » کدام چاریکار
- ۲۱- » » غزنی
- ۲۲- » » مقرر
- ۲۳- » » میدان
- ۲۴- » » برکی برک لهور
- ۲۵- » » کلنگار
- ۲۶- » » دایزنگی
- ۲۷- » » بهسود
- ۲۸- » » شفاخانه غزنی
- ۲۹- » » کدام جغتو



## امور ولایت قندهار

### الف - ریاست بلدیہ :

- ۱- کار گلخانه بابا ولی علیه الرحمہ که چندی قبل طور عصری شروع گردیده بود ، عنقریب بپایه تکمیل خواهد رسید .
- ۲- تعمیر هفده باب دکان که در سمت غربی ارگ جدیداً قرار نقشه مرتبه بر است حاده خرقه شریف زیر کار گرفته شده بود ، بپایه تکمیل رسیده .
- ۳- تعمیر مارکت که در بیرون دروازه توپخانه در سال گذشته شروع گردیده بود ، اكمال گردیده .
- ۴- تعمیر دیو که از ابتدای سال شروع شده ، تا کنون در جریان است .
- ۵- کار راست کردن بازار بردرانی که بعرض ۹ متری وسیع گردیده بود ، مطابق نقشه بلدیہ کار آن تکمیل گردیده .

د کتاب کی کتابی

۷ : - ترمیم مسجد گذر بامیزائی ها طبق هدایت مهندس تکمیل گردید .

۸ : - در مندوی يك تعداد دكانها به اصول عصرى جديداً ساخته شده .

۹ : - در قسمت جنوب شرقی زیارت خرقه شریف جهت مؤسسهٔ دارا الحفاظ یک عمارت قرار نظریهٔ مهندس ساخته شده .

ب - مدیریت حمل و نقل :

در واردات مدیریت حمل و نقل نسبت به سال گذشته در سال جاری مبلغ ۷۴ / ۶۰۳۶۲ افغانی  
تزیید بعمل آمده .

ب قوماندانی امنیه :

۱ :- فقره هائی جزائی که به قوماندانی امنیه در سال جاری فیصله شده ۹۰۰ فقره

[illegible]

۳: - در واردات قوماندانی امنیتیه نسبت به سال گذشته در سال جاری ۵۷ ر ۹۴۶۳۵ - افغانی  
تزیید بعمل آمده .

۴ - در صنایع مجلس نسبت به گذشته ترقی زیادهای محسوس می‌گردد چنانچه در هذالسه يك تعداد زیادبوت های اعلى وبوتهای سائرى وسليپر، بوت نیمساق وموزه، كمربندهای سائرى كشميرهای نفى، پاى بيج، كراباس رهدار، دستمالهای رنگه، بنیان های پشمی، هررقم دستمالهای كردن، تابشیرهای هررقم يك تعداد زياد در مجلس قندهار ساخته وبرای استفاده گذاشته شده است.



امور ولایت ہرات

امور عمرانی:

نظر به اینکه عمده‌ترین مشکلات در شکل و حجم آنها بیشتر در بلند بردن ذوق حیاتی و اصلاح نظام و سلیقه عمومی مؤثر بوده و از طرف دیگر به پیمانۀ ضرورت و احتیاج تسهیلات تولید می‌کند لذا بناسی نیت حکومت متبوعه بغرض آبادی اینولایت اجراءات ذیل بعمل آمده است .

۱ - برای انتظام امور عمرانی و تسهیلات در واریسی امور مربوطه آن تأسیس شرکتی بنام شرکت عمران سرمایه (یک کرور) افغانی و پیش بینی گردیده و مقدمات کار و سرمایه ابتدائی آن که عبارت از دهم لك افغانی میشود تهیه گردیده است .

- ۲ - نظربه ضرورت روز افزون خشت پخته برای عمارات رسمی وغيره توسط شرکت عمران به تهیه داشهای دوره که توسط ذغال سنگ ازان کار گرفته می شود اقدام گردیده قرار معلوم این داشها در يك مرتبه به تعداد پانزده لك خشت پخته تهیه می کنند .
- ۳ - توسط شرکت عمران تعمیر ۲۰ عمارت مختصر و کافی برای رهایش عا یلوی ما مورین مسافریش بینی و نقشه آن تهیه گردیده است .
- ۴ - برای دارالحکومه کی هرات عمارت باشکوهی که گنجایش تمام دواير آنرا داشته باشد آغاز گردیده و کار تعمیر طبقه اسفل آن به تکمیل رسیده است .
- ۵ - يك عمارت جدید در نزهتگاه شیدائی بنام کافه بصورت عصری بناء ولوازم و اثاثیه آن تکمیل گردیده است .
- ۶ - در موضع باصفای خواجه ملا کوهی يك کافه عصری تعمیر و کار آن اتمام یافته است .
- ۷ - در رباط میر داؤد يك عمارت مختصر و فشنکی بالوازم و اثاثیه عصری جهت توقف مسافرین تعمیر و تکمیل گردیده .
- ۸ - در موضع خرم و خوشاب و هوای سلطان شیخ آینه يك عمارت عصری ساختمان گردیده است
- ۹ - به غرض استفاده و استحمام چشمه سفید کوه تعمیر يك حمام نمره در انجا آغاز و تکمیل گردیده است
- ۱۰ - بر علاوه حمام نمره چشمه او به چهار عمارت دیگر بااطاق های کافی در موضع مذکور تعمیر گردیده است .
- ۱۱ - مطابق منظوری مقامات مربوطه کار تعمیر عمارت سینمای هرات پیشرفت خوبی کرده است
- ۱۲ - قسمت شرقی عمارت صنایع مجلس تکمیل و بیکار قسمت جنوبی آن آغاز شده است .
- ۱۳ - برجاده راه شین دند بفاصله هردو کیلو متر يك عمارت فشنک و مختصر برای رهایش افراد معا برالی میر داؤد ساخته شده است .
- ۱۴ - در حصه بل مالان برای شعبات حمل و نقل و گمرک و ترافیک يك عمارت کافی تعمیر و برای توقف موترها يك ایستگاه احداث گردیده است
- ۱۵ - برای تعمیر فن بنائی نظربضرورت روزمره یکمده نفری در مؤ سسه عمران تحت تعلیم گرفته شده اند .
- ۱۶ - برای تربیه سنگ تراشان ماهر یکمده نفری تحت تعلیم و تربیه گرفته شده اند .
- ۱۷ - برای ترقی صنعت کاشی بزی و پیشرفت کارهای ترمیم آبادات تاریخی یکمده شاگردان زیادی تحت تعلیم گرفته شده اند .
- ۱۸ - کار تعمیر دروازه بزرگ و دیوار شرقی مسجد جامع تکمیل و کاشی کاریهای آن نیز اتمام یافته و در مقابل آن یکمده ۲۰ جریبی خریداری و به صورت يك پارک منظم ترتیب گردیده است .

- ۱۹ - کار ترمیم گنبد تاریخی گوهر شاد که برای موزه هرات در نظر گرفته شده به تسکیم رسیده است .
- ۲۰ - در حصه مصلی هرات خرابه های سابقه تسطیح و خیابان کشی گردیده و به تناسب موقع و آرامگاه بهزاد بنام پارک بهزاد احداث گردیده است .
- ۲۱ - کار تعمیر رواق آرامگاه امام المتکلمین فخرالدین رازی تکمیل گردیده است .
- ۲۲ - کار تعمیر مزار کمال الدین حسین واعظ هروی اتمام یافته است .
- ۲۳ - کار تعمیر مزار حضرت سلطان مودود چشتی (رح) که بصورت گنبد با شکو هی گرفته شده تمام و به کاشی کاری آن آغاز گردیده است .
- ۲۴ - کار تعمیر علاقه داری چشت خاتمه یافته است .
- ۲۵ - در موضع خوش هوای جشت یک باغ صیفیه خریداری و بصورت عصری مرتب گردیده و تعمیر هوتلی در آن آغاز یافته است .
- ۲۶ - در موضع کته چشمه شهرک که در تابستان سرد و گوار است تعمیر یک هتل آغاز گردیده و کار آن عنقریب بختم است .
- ۲۷ - برای تعمیر دواير حکومتی چچچران عمارت دو منزله در کاسی به کنار دریای هریرود ساختمان شده .
- ۲۸ - در حصه دولت یار به نزدیک دریای هریرود هتل کافی وزیائی تعمیر گردیده است .
- ۲۹ - کار تعمیر علاقه داری قورماچ به تکمیل رسیده است .
- ۳۰ - کار تعمیر دواير حکومتی مرغاب تکمیل و کار تعمیر یک هتل عصری به کنار دریای مرغاب نزدیک به تکمیل رسیده است .
- ۳۱ - کار تعمیر مسجد جامع قلعه نو به پو شش رسیده است .
- ۳۲ - در قلعه نو ساختمان یک پل بسراوه قلعه نو و مرغاب شروع گردیده است .
- ۳۳ - در رباط سنگی برای دواير حکومتی یک عمارت بزرگی تعمیر و کار آن به پو شش رسیده است . به قایل عمارت مذکور به اندازه پنجاه جریب زمین برای ساختمان یک پارک خریداری گردید است .
- ۳۴ - در شهر جدید هرات ۱۴۰ حصه برای ساختمان اهالی تعیین و کار آن مطابق نقشه جربان یافته است .
- ۳۵ - از پارک شهر جدید الی پشتون پل و میدان طیاره بفاصله ۱۲ کیلومتر اصلاح سړک بعمل آمده و بعضی ۳۵ متر وسعت داده شده در خط وسط و دو طرفه سړک مذکور نهال سرو و ناجو تفریس گردیده است .



يك هيئت كه مركب از نماینده وزارت معدن و ریاست زراعت و مدیر مالیه شمالی میباشد برای جریبی و خرید زمین های مذکور و ترتیب مسایل نهال شانی آن بالای معدن فرنگل اعزام گردیده اند .  
(۴) امور خرید طلا و مسایل زرشوئی منطقه قطغن و بدخشان : امور خرید طلا كه سابقاً توسط

يك نمایندگی ادا ره می شد و حاصلات آن رخ بقت گذاشته بود نمایندگی مذکور در برج سنبله ۱۳۲۴ لغو قرار داده شد اکنون مسایل خرید طلا قرار قبله پروتو کول مرتبه بد و حصه تقسیم يك قسمت آن كه بولایت قطغن تعلق دارد در تحت اثر ع ، حکمران تا اقلان اجرای وظایف میدارد كه در تشکیل آن یك نفر سر کاتب بایك نفر کاتب منظور گردیده قسمت دوم كه عبارت از منطقه راغ و داوونگ و نواحی مربوطه آن میباشد تعلق بحکومت اعلی بدخشان داشته و در راس آن یك نفر مامور انتهایی منظوری داده شده است مامورین موظف طلاء مستحصه دریای آمو و دریای کوچه و دره جات ملحقه آنرا كه بصورت ربگی و برگ بدست می آید ذریعه حكومتي های مربوط از نزد زرشویان خریداری و بخرانه های حكومات مذكوره تحویل میدارند .

(۵) اجرا آت متفرق به كشف و معاینه معادن : معادنی كه در جریان سال ۱۳۲۴ توسط ص دوكتور

سلطان احمد خان جبالو جست در منطقه قطغن و بدخشان معاینه گردیده قرار ذیل است :

۱ - معدن لاجورد موضع سرسنگ و چند معدن دیگر لاجورد موضع کران و منجان را در تحت معاینه قرار داده و از معدن لاجورد سرسنگ مقدار یكصد و نیم سیرسنگ لاجورد استخراج و به تفریق در جات بمرکز ارسال نموده است .

۲ - در اطراف معدن گرافیت موضع غارب تعلقه حكومت زیباك مطالعات فنی بعمل آورده كه طول لینز آنرا پنجاه متر و ضخامت آنرا زیاده از پنج متر و عرض آنرا بطور تخمین زیاده از ده متر در راپورت خویش توضیح و ذخیره عمومی معدن را زیاده از پنج هزار تن تخمین نموده است ، نوعیت گرافیت مذکور را از جنس اعلی دانسته كه برنگ سیاه براق و خیلی نرم پیدایش دارد و معدن آن از هر حیث مورد استفاده قرار داده شده میتواند .

۳ - معدن گوگرد سنگلج بدخشان را معاینه کرده این معدن نیز دارای ذخیره وافر و جنس گوگرد اعلی میباشد طول عمومی معدن در حدود (۲۵۰) متر و مقدار گوگرد را از روی وضعیت ظاهری معدن در حدود (۲۵۰۰۰۰) تن تخمین نموده است .

۴ - معاینه معدن خاک سیاه و خاک های ملون و خاک سفید در نواحی غارب بدخشان  
(۵) معاینه معدن خاک شاموت (گل آتشین) در قریب معدن خاک کاولین (گل چینی) اشكاشم

فایلرهای استخراجی نسبت به خاک بودن ذغال از اندازه  $2\frac{1}{4} \times 2\frac{1}{4}$  متر ۱ ضافه تر

حفر شده زیرا تختونیک و ساختمان ذغال طوری صورت گرفته که هرگاه تونل های عریض تر و بلندتر از ۲۵ متر حفر بشود احتمال تولید خطر و تلفات جانی متصور است طوری که گفته شد چون ضخامت ذغال کرکر در اکثر جاها از دو متر اضافه تر میباشد بلکه در بعضی حصه ها تا هشت متر ضخامت دارد لهذا صوفهای اکتشافی و استخراجی که ارتفاع آنها از دوینم متر اضافه تر است در حصه فوقانی طبقه ذغال حفر گردیده و هر قدر ذغالی که در حصه پایانی طبقه وزیر صوفها می ماند در جمله تلفات بحساب میرود ، خساره مذکور از این جهت است که فعلاً وسایل پرکاری موجود نیست ، در صورتیکه کامپریسر های لازم و آب وریگ و سنگ و فراوان طور اقتصادی بدسترس گذاشته شود که از یکطرف پرکاری و از جانب دیگر ذغال استخراج گردد در انصورت این نواقص رفع میشود ، ذغالی که در بین فاصله های فایلر های استخراجی طبقه فوقانی برای استحکام معدن گذاشته شده از ۳۰ تا ۴۰ فیصد ذغال استخراجی را تشکیل میدهد که در بین صوفها باقی مانده و در جمله ضایعات بحساب میرود ، در این خصوص هرگاه بطور اوسط ضخامت طبقه ذغال را چهار متر بحساب بگیریم تنها ۴۰ تا ۴۵ فیصد آنرا فعلاً استخراج میکنیم و باقی آن تلف میشود ، هر چند که این اندازه خساره قابل برداشت نیست لیکن بواسطه عدم وسایل پرکاری به تحمیل ضایعات مذکور مجبور هستیم چیزیکه کار معدن را مشکل تر ساخته اینست که در بالای معدن و اطراف نزدیک آن آب وجود ندارد حتی آب خورا که عمده معدن ذریعه موترها از فاصله ۹ مایل دور تر از حدود پل خمی نقل داده میشود ، برای جلوگیری این نقیصه وزارت معدن مشغول مطالعات و چاره سنجی میباشد .

مسئله تعمیر: در جریان سال ۱۳۲۴ برای رهاش مامورین و عمده معدن یک تعمیر خامه بصورت موقتی بالای معدن بنا یافته ساختمان تعمیر اساسی که نقشه و برآورد آن تکمیل و بامنتظوری پول بولایت قطغن محول شده بود تا حال رویدست نگرفته اند و در سال ۱۳۲۵ شروع خواهد شد .

راجمه موضعی نهال شانی: چوب کار آمد پایه بندی فعلی صوفهای معدن ذغال کرکر از موضع نهرین و اندراب و جنگل باغ بنگی و غیره نقاضولایت قطغن تهیه و بالای معدن نقل و بیکار میرود . در سال ۱۳۲۴ برای رفع احتیاج آینده معدن یک رقبه زمین در تحت نهر اجمیر نهال شانی و جنگل آن مختص به ضروریات پایه بندی آینده معدن قرارداد داده شده است درین زمینه لازم میشود که ریاست زراعت احتیاجات وزارت معدن را جدا احساس و به تعبیل اوامر مقامات رفیع در آبیاری مراقبت و تکثیر جنگل باغ مذکور بیش از پیش صرف مساعی بنماید تا جنگل مذکور بسر رسیده چوب کار آمد احتیاجات آینده معدن از آن تکمیل گردد .



## کنیشکا

سازگار احمد علی خان - کپزاد

در میان سکه های قدیمه که یکی دوای آن در حیرت آورنده شده است، سکه های بزرگ و گلفت می موجود است که عموماً با خطی در آن نوشته شده است. روزگار و مصائب زمانه مقاومت کرده است البته عدّه را زانک گرفته و عدّه بیشتری از یکطرف و یک پهلوی خورده و سلبیده شده و عدّه دیگر انطور اشم شده که چیزی روی آن معلوم نمیشود. معذالک شکلی و قیافه و وزن و اندازه این سکه ها ضوری است که کسی که چیزی نمی بیند به مسکو گمارد قدیمه دارند آنها را به نگاره اول چیزی یک خانواده قرار میدهند که عبارت از خاندان گوسانی است.



این سکه ها در افغانستان و هند خیلی زیاد بوده و هست خارج از نقاط تاریخی و خرابه های شهرهای باستانی و بدون اجرای حفريات عدّه زیاد آن در دست مردم است که در آن جمعه ضمیمی سهم مسکو آنات کنیشکا خیلی زیاد است.

پیشتر گفتیم که این مسکوکات مربوط به خاندان «کوشانی» است بناء علیه کنیشکا هم از همین خاندان است ۱۰ اگر پرسیده شود که کوشانی ها که بودند؟ فوراً یکی از این سکه ها را گرفته و مقابل سوال کزده میگذاریم. در یکطرف این مسکوکات روی همرفته اشخاصی معلوم میشود قیافه آریائی سیتی بدوی که مقتضیات و فضای آسیای مرکزی و البته اراضی سرد مناطق نیمه علف زار نیمه کوهستانی چین و سونکیانگ آنها را قیافه خشنی داده است این مردمان در مراتب اولی حیات خویش اول از همه در ماخذ چینی به اسم «یوتچی» یا «یوچی» یاد شده اند. «ستر» «کنو» یکی از علمای نور ویزی میگوید که چینی ها (یوچی ها) را در نیمه دوم قرن سوم ق. م یعنی دوهزار و دوصدسال پیش از امروز می شناختند. این یوچی ها هم بذات خود شاخه یک کلمه بزرگتری بودند که در زمره کلمه های بشری بنام اقوام «سیتی» یاد میشوند و بعضی شاخه های دیگر آن «مساجت» ها و اسکائی های و غیره میباشد که هر کدام در تاریخ عمومی آسیا و تاریخ خصوصی افغانستان کم و بیش دخالت و سهمی دارند.

یوچی ها بحیث شاخه سیتی اقوام هند و اروپائی بیشتر از همه بطرف شرق رفته و مدتی دروادی های «کوچه» و «قره چار» و «توئن هوانگ» و «کانسو» اقامت و باز در پوستان تماس قریب داشتند. ایشان با قوم زرد پوستی موسوم به هیوانگک نومخالفت های زیاد داشته و در طول و عرض آسیای مرکزی زد و خورد و جنگ های زیادی میان آنها واقع شد تا اینکه در مقابل دشمن قوی و مقتدر ضعیف شده و به تغییر محل بطرف خاک های غرب آسیا مجبور شدند. اول به حوزه رود «ایل» و «نارم» رسیدند و باز در اثر واقعات و حدوث اتفاقات دیگر بیشتر بطرف غرب تغییر محل داده به منطقه چین سر دریا و آمودریا فرود آمدند، جای اسکائی ها را اشغال کردند و آنها را بطرف غرب یعنی بطرف دریاچه خزر و بطرف جنوب یعنی بطرف رودخانه آمو و خاک های جنوبی آن راندند.

این یوچی ها در سال ۱۳۸ ق. م هنوز در فرغانه و مناطق ماوراءالنهر امرار حیات داشتند. در این وقت ها در جنوب سواحل آمو یعنی در خاک های باختر مردمان متمدن و تجار ت پیشه گی بنام «تاهیا» می زیست. یوچی ها با «تاهیا» راه مراودات دوستانه و تعلقات تجارتی و خویشاوندی را باز کرده و چون دولت یونانو باختری آریانا بیشتر متوجه کشور کشائی درهند بود و شیرازه آن در اثر ورود اسکائی ها خویشاوندان پیش قدم یوچی ها متزلزل شده بود یوچی ها به باختر ریخته و به این ترتیب در شمال هندو کش وارد شدند با این شرح مختصر اگر سوال کننده محترم به سکه های که عرض کردم عطف توجه کند و نگا دقیق تری به آنها اندازد از روی قیافه که روی مسکوکات بضرب رسیده خواهد دید که کوشانی تیپ بدنی مخصوص داشتند که عبا رت از سر بلند نوک تیز دماغ بزرگ

الاشه های عربی بود. این قوم که نزد چینی ها بنام یوجی معروف بودند، در بعضی ماخذ هندی بنام یکی از شاخه های دیگر کتله سیتی بنام (تخار) هم شهرت یافته اند ولی چون بعد از عبور آمودریا بزرگترین قبیله آنها به اسم «کوی شوانگ» قبایل فرعی و جزء را دور خود جمع کرده و به این اسم اخیر الذکر اولین ساهنت تاریخی آنها را در سرزمین باختر تشکیل کرده است ازین بعد در تاریخ افغانستان ایشان را بنام (کوشان) یاد کرده اند و ما هم یاد میکنیم.



کوشانی ها از نقطه نظر عرق، زبان، سیاست، آئین ادبیات، داستان، اداره، کشور گیری، تجارت نقش عمیق در تاریخ قدیم افغانستان مانده اند که شرح هر کدام آن مقاله، مبحث، فصل و کتابی بیکار دارد که درین مختصر نگنجد و جای آن نیست زیرا عنوان این مقاله تنها «کنیشکا» مقتدرترین پادشاه و امپراتور آنها است.



معمولا کوشانی های بزرگ را به دو خاندان سلطنتی تقسیم میکنند یکی خاندان «کد فیروز» که از حوالی ۴۰ مسیحی تا حوالی ۱۱۰ مسیحی تقریباً ۷۰ سال سلطنت آنها دوام کرده است و دیگر خاندان «کنیشکا» که بعد از وقفه تقریباً ده ساله از حوالی ۱۲۰ مسیحی تا نزدیکی های ۲۶۰ مسیحی سلطنت ایشان طول کشیده است.



کنیشکا مؤسس همین خاندان دوم کوشانی یک تن از پادشاهان خیلی معروف افغانستان قدیم است و شاید بزرگترین پادشاه دوره های پیش از اسلام مملکت باشد. مسکوکات، کتیبه ها داستان ها، ماخذ تحریری، از او حرف میزنند. بیشتر از همه قصه و داستان اصراف شخصیت او را فرا گرفته و این بزرگترین نشان بزرگی این پادشاه مقتدر است که اداره، نام و شهرتش را از چوکات سرحدات آریانا بیرون کرده و در هندو تبت و ترکستان چین و چین برای چندین قرن منتشر ساخته است. داستان های بودائی کنیشکای کوشانی را بیشتر به پادشاه معروف موریای «آشوکا» نزدیک و مقابل ساخته و چون آشوکا از او پیشتر می زیست و در اجراءات و کارروائی و مخصوصاً امور مذهبی و عمرانی هر دو بیکر رنگ و قابل مقایسه میباشد که در داستان های یکی را به دیگری منسوب کرده اند و این امر در فلک و در داستان بر عظمت و قدامت کنیشکا افزوده است. کنیشکا در کتیبه ها و مسکوکات به اسم کنیشکا، کانیشکا، کنشکا، کنشکی، شاهی کنیکه یاد شده و این اختلاف شاید بیشتر از صورت خواندن های مختلف اسم او نشئت گرفته باشد در بعضی سکه ها خو در ا به لقب (شا او نانو شا او کنشکی کوشانو) یاد کرده که ترجمه تحت اللفظی آن «شاه شاهان کنیشکای کوشانی» میشود. از استعمال کلمه (شا) و اسم ترکیبی (شا او نانو شا او)

معلوم میشود که زبان سیتی کوشانی ها با زبان کوری افغانستان نزدیکی زیاد داشت و شاخه‌ای از آلسته ایرانی بود .

روایات به کنیشکا لقب دیگری هم داده اند که عبارت از «شاه یاشهزاده گندهارا» است البته امروز هم در اوریا شهزادگان را بعضی القاب اعزازی میدهند که بنام شهزاده آنولایت یاد میشوند مثلاً در انگلستان شهزاده ولز « ودر ایتالیا لیا » شهزاده بیته مون « (ولز) و (بیته مون) هردو علاقه‌های دودمملکت فوق الذکر است. کنیشکا ازین جهت به لقب شاه یاشهزاده گندهارا یاد شده که « گندهارا » را نسبت به تمام اقطار امپراطوری خویش بیشتر دوست داشت و از نقطه نظر موقعیت جغرافیائی دل امپرا ضوری بود و علاوه بر همه پنا یتخت های تابستانی و زمستانی و خزان و بهار او در نقاط مختلف همین گندهارا یعنی دره کابل وقوع داشت .

\*\*\*

کنیشکا مردی بود که بکشور کشائی شوق زیاد داشت. شاهان کوشانی سلف او در راه نابود ساختن او ضاع ملوک الطوائفی اقدامات جدی نموده و به استثنای بعض حصص جنوبی آریا ناممل گدروزیا سائر حصص و ولایات را بدویر قوه مرکزی جمع نموده بودند پیش از کنیشکا پاره اقداماتی در حواشی هند و ترکستان چین هم بعمل آمده بود ولی به ناکامی منجر شد و علیه لشکر کشی های کنیشکا در بعض حصص مخصوصاً ترکستان چین جنبه انتقام گیری هم داشت بهر حال قرار نظریه «ونست سمیت» کنیشکا، کشمیر را در سال های اول سلطنت خود فتح کرد و دهکده «کمانیشور» بین رود خانه «بیته» «وسیر پنا گار» هنوز بنام او شهرت دارد. از روی روایات معلوم میشود «که پتالی پوترا» یا یتخت خاندان قدیم هندی (موریا) که عبارت از (پشته) حالیه باشد در عصر کنیشکا فتح شده بود از روی کتیبه‌ها و مجسمه های کنیشکا که از نقاط مختلف هند پیدا شده رایی مدققین براین است که فتوحات کنیشکا تا سواحل رود گندگا ادامه یافته بود و تقریباً نیمه شمالی هند جزو امپراطوری او ازین جهت کنیشکا در تاریخ قدیم هندسهم و شهرت دارد و بحث امپراطور کوشانی هندی هم تلقی شده است .

امپرا طور بزرگ کوشانی در خاک سنیکیا نگ یعنی ترکستان چینی هم قشون بری کرده است و چون درین وقت کنیشکا حصص شمالی هند را فتح نموده بود احتمال زیاد دارد که قشونهای خود را از راه دره های همالیه و پامیر بظرف خاک های کاشغور یا ر کند و ختن انجام داده باشد. آخر کنیشکا این نقاط را هم فتح کرد و دامنه امپراطوری خود را به حوزه رودخانه های بزرگ آسیائی اکسوس (آمودریا) اندوس (سند) گنگه و تا روم انبساط داد و نام خویش را در روبا با هند و تبت و چین و مغولستان داخل نمود .

آنچه که در فتوحات سنکیا نگ و حوزه تارم که درین وقت تحت سلطه شهزاد گان چینی بود روح انتقام جوینان پادشاه بزرگ کوشان را نشان میدهد گرفتن یرغل از خاندان شاهی این علاقه‌ها میباشد و این کاری است که کنیشکا در مورد سایر اراضی مفتوحه خود مثلاً خاک‌های هندی نکرده. کنیشکا با فتح ترکستان چینی و گرفتن یرغل‌های شاهی شکست سلف خود «ویما کد فیزس» را جبران نمود. در میان یرغل‌های کنیشکا از شهرها دگان چینی و حتی پسر امپراطور چین هم ذکر کرده ولی تا جایی که از کتاب تاریخ «شاهان‌هان» که وقایع را تا ۱۱۳ مسیحی قید نموده معلوم میشود پادشاه کاشغریکی از بستگان قریب خود را که «شن-پان» نام داشت بقسم یرغل به دربار امپراطور کوشانی فرستاده بود. علاوه بر او شهزاد گان دیگر چینی هم در میان یرغل‌ها بوده که از میان پسران یا بستگان امرای چینی علاقه‌های ختن و یار کندو غیره انتخاب شده بودند.

کنیشکا پادشاه با این یرغل‌ها بکمال لطف و مهر بانی رفتار میکرد در پایتخت‌های سلطنتی به آنها جاهای مناسب داده بود. برای اینکه از سرما و گرمای زیاد در امان باشند تابستان در نقاط زیبای کاپیسا و زمستان در گندهارای سفلی به آنها امرا قات داده بود. اقامتگاه یرغل‌ها در کاپیسا معبدی بود موسوم به «شالوکیا» که یکی از مراکز مذهبی و علمی پایتخت تابستانی کوشانی شمرده میشد و تانندازه‌ئی که از روی یادداشت‌های زائر چین هیوان-تسنگ معلوم میشود این معبد در دامنه‌های شمالی «کوه پهلوان» فراز مجرای رود خانه خروشان پنجشیر وقوع داشت و راهبین و یرغل‌ها از منظره زیبای رودخانه و اراضی سرسبز و اشجار غلو و کوه بچه‌ها و دره‌های مناسقی که امروز به ریزه کپستان معروف است حفظ می‌بردند.



کنیشکا پادشاه به کاپیسای قشنگ و سرسبز و حاصل خیز علاقه مندی زیاد داشت اگرچه در روایات به صفت «شهزاده گندهارا» یاد شده ولی چون گندهارا عبارت از دره کابل است و رودخانه پنجشیر یکی از معاونین آن میباشد دره گندهارا در قسمت علیای خود به دند کاپیسا منتهی میشود. همچنان که امروز دره‌های قشنگ سمت شمالی بهترین گردشگاه‌های ایام بهاری اهالی مرکز است ۲۰۰۰ سال قبل هم شهرت بسزا داشت.

در کنار مجرای مشترک رودخانه هائی که امروز بنام پنجشیر و شتل و خاواک و غوربند یاد میکنیم و شاید به اضافه یکی از رودخانه‌های سیلابی دیگر (پنجپیر) یعنی «پنج نهر» یا «پنج رودخانه» از آن همه به تنهایی نمایندگی کند اگرگ سلطنتی کوشانی با دیوارهای بلند و ضخیم خود استوار بود. آب‌های گوناگون رودخانه‌ها دریای حصار شهر مستی میکرد

و در آیام آب خیزی اوایل بهار امواج ارغند و خشمگین آن به شدت به صخره های دیوار حصار میخورد دیوار های خرابه های بگرام که امروز به طول ۲۷۶ و عرض (۱۱) متر چون تپه ها ئی نزدیک به سواحل رودخانه افتاده حکایت از بزرگی ارگ و بلندی دیوار های آن میکنند . کاپیسی مقر بهاری سلطنتی کوشان شاهان بزرگ از نقطه نظر استحکام و سوق الجیشی اهمیت بسزا داشت .

اگر چه از روزگار کنشکنا تا آیام ما ۱۹۰۰ سال سمری شده هنوز دبد به و شکوه امپرا طور مقتدر در پیرامون خرابه های این شهر کهن محسوس میشود افسانه ها روایات داستان ها و اشعار رزمی هر کدام به رنگی کنشکنا ی ادب پرور کنشکنا ی دیانت پژوه کنشکنا ی آبادی پسند ، کنشکنا ی فاتح و کنشکنا ی مقتدر و نیرومند را رسم کرده اند . در یکی از این داستان ها نقل میکنند که زمانی امپرا طور کنشکنا میخواست در پای کوه فیل سر (پیلوستارا) (یکی از رشته کوه های شمال غربی کاپیسا است که تا حال هنوز از نقطه نظر تحقیقات علمی معین نه شده) معبدی آباد کند . فراز کوه دریاچه ئی بود و در آب های عمیق و یخ بسته دریاچه شاه ماران آبی اقامت داشت .

وقتی که معماران شاهی شروع به طرح بنای معبد کردند شاه ماران آبی از در مخالفت پیش آمده در باد و باران و عناصر طبیعی حکم داد تا مانع شوند و نگذارند که معبد شاهنشاه آباد شود . معماران به امر پادشاه بزرگ ساخته می رفتند و عناصر به ایما ی شاه ماران آبی خراب می نمودند . قضیه را به پادشاه بزرگ اطلاع دادند . آواز شیپور از چهار برج ارگ سلطانی بلند شد . شهروما حول و دور و نزدیک آن را سپاه کوشانی فرا گرفت . شاهنشاه برفیل شاهی بر آمده روحا بیون با لباس های بلند زرد گون در اطراف موبک شاهی حرکت میکردند . غریب سواران و نیزه داران در کوه های کاپیسا انعکاس افکنده بود . شاه ماران آبی که از فراز کوه جلال سلطنتی را تماشا میکرد تغییر لباس داده لرزیده و ترسیده خود را کنار معبر سلطان رسانید و عفو خواست و گفت . خواهشمندم سلطان بزرگ پادشاه جهان از تقصیر ناتوانی چون من بگذرد چون ماران آبی جنس الجوجی هستند و زود عهد و پیمان خریش را فراموش میکنند خواهشمندم امر بفرمایند تا فراز کوه نقاره بزرگ نصب کنند و هر روز صبح آنرا بنوازند تا آوازه عظمت و نیروی سلطان بگوش برسد و تحریکات شیطانی ما آرام گیرد و معماران شاه به آرامی خاطر تعمیر معبد را به پایان برسانند هر روز صبح موقعی که آفتاب از فراز تیغه های کوه های شرقی حوزه شاداب کاپیسا روشن میگردد آواز نقاره سلطنتی از جوار کوه های سالنگ در دره های دور و نزدیک کاپیسا انعکاس می افکند و در حمایت شکوه سلطانی معبد بزرگ کنشکنا آباد گردید .



کیشکا در عمران و آبادی شوق و توجه زیاد داشت همان طور که داستان‌ها تعیین ۸۰ هزار آبادات خیریه و مذهبی را به شاهنشاه اموری آشوک نسبت می‌دهند عدد زیاد آبادی‌های مذهبی را به کیشکا شاهنشاه کوشانی هم نسبت می‌مایند. از جمله آبادات معروف و مجلی که یکی بصورت احتمال قریب و دیگری بصورت حتم به کیشکای بزرگ نسبت می‌شود تعمیر دواستوپه دریا میان ویشاور است. اینقدر میدانیم که پیش از تراش همکل‌های بزرگ ۳۵ متری و ۵۳ متری بار اول استوپه دره‌وای آزاد در پای جدار کپور به میان در مجاورت شرق نقطه‌ئی که حالا بت ۳۵ متری ایستاده است آباد شده بود. بنای این استوپه را زایرچین هیوان - تسنگ در یادداشت‌های خود به «پادشاه قدیمه‌ئی» نسبت می‌دهد که متاسفانه نام او را نمی‌گیرد، مدققین این پادشاه قدیمه را همان کیشکای بزرگ میدانند که شخصیت نامی و عهد باشکوه سلطنت او انقلابی در فلسفه و عمرانات بودایی افغانستان و هند تولید کرده بود، کسان دیگری هم هستند که حتی نقشه عمران اولین بت بزرگ بامیان یعنی بت ۳۵ متری را هم به همین پادشاه نسبت می‌دهند.

عمران استوپه بزرگ ویشاور بدست کیشکا موضوعی است که در آن شبه‌ئی نیست زیرا نام و تصویر این پادشاه بزرگ روی قطعی فلزی که مخصوص بهادن یادگارهای بودا بود در ۱۹۰۹ از ویشاور کشف گردیده است و یکی از آثار غریب صنعتی گریکو بود یک گندهارام باشد. روی سر پوش این جعبه بودایی نشسته که بدور صورتش هاله نور کشیده شده و بر گت‌های گل نیلوفراضراف سرپوش را فرا گرفته است به سمت راست و چپ بودای دوژنی در حال احترام دیده میشوند به دور حاشیه سرپوش حاشیه‌ئی دیده میشود که در آن قطار فازهای وحشی رسم گردیده است. در اضراف خود جعبه بودایی در حال تفکر برجسته نمایش یافته و ارباب انواع فرعی حمیل‌گر را روی بازوهای خود گرفته‌اند. اینجا پادشاه بزرگ کیشکا را ایستاده نمایش داده‌اند و یکلاه بلندی که در مسکوکات دیده میشود بر سر دارد. در خرابه زاری که این جعبه مهم تاریخی یادگار کیشکا کشف شده روزی امیر اضوری مقتدر کوشان معبد مجلل و باشکوهی بنا کرده بود که بقرار نظریه موسیو سیلون لوی هندشناس فرانسوی یکی از عجایب دنیای شرقی بود و یادگاری‌های بی‌نهایت گران بها در آن وجود داشت هندشناس فرانسوی مذکور با ترکیب یادادشت‌های زائرین مختلف چینی راجع به طول و عرض و ارتفاع اصلی استوپه معبد مذکور نظر یاتی دارد که خلص آن قرار آتی است: «این عمارت از (۲۰۰) متر بیشتر ارتفاع داشت روی زمین صفاً پنج مرتبه‌ئی بنا یافته بود که احاطه آن بین ۳۰۰ تا ۴۰۰ قدم بود و بصورت مجموع (۱۵۰) قدم ارتفاع داشت بالای این صفاً سنگی که کار تهداب را هم از آن می‌گرفتند استوپه را از جوب به بلندی (۴۰۰) قدم ساخته بودند که شامل ۱۳ ضبقه یا مرتبه بود بالای این استوپه ستونی از آهن به ارتفاع (۸۸) قدم برپا کرده بودند و در این مباه آهنی بزرگ ۱۳ یا ۱۵ یا ۲۵ چتر مسی مذهب نصب بود»

(به صفحه ۱۳۱ کتاب لند سی وی لیزا تریس تالیف سیلون لوی مراجعه شود) این جزئیات در مورد یکی از معابد بودائی نشان میدهد که کنیشکای بزرگ در امور عمرانی مذهبی چه توجه مخصوصی داشت در اثر این توجه شاهانه چه عمرات با شکوه در افطار امپراطوری کوشانی بمیان آمده بود. تعمیر عمارتی به این بزرگی از سنگ و چوب و فنر و وجود استادان بزرگ فن و مهندسين ماهرو هيكل تراش های قابلی را ایجاب میکند. خواندن جزئیات چنین عمارت بزرگ جرئت میدهد که انسان بنا و اساس هیکل بزرگ ۳۵ متری بامیان را به پادشاه نیرومند و صنعت دوست کوشانی نسبت دهد. ازین قبیل عمارات که نمونه آنرا در اصفهان پایتخت زمستانی کنیشکا (پشاور) شرح دادیم در افطار امپراطوری زیاد بوده. بلا شبه در ننگرهار و کاپیسا هم ابدات با شکوهی برپا کرده بود که اوازه عمران یکی آنرا در پای کوه های پربرف شمال غربی کاپیسا افسانه های باستانی حفظ کرده اند. پیشتر گفتیم که کنیشکا بر غل های چینی را در جوار پایتخت های خویش رهائشگاه های شاهانه داده بود همان معبد «شالوکیا» که محتملاً در دامنه های شمالی «کوه پهلوان» واقع بود معبد مجلل دیگری بود که به امر و اراده کنیشکا پادشاه ساخته شده بود. البته این راهم میگویند که معبد مذکور به پول و اغانه خود بر غل ها ساخته شده بود.



کنیشکا در امور مذهبی نظریات وسیع داشت. فرارینکه مسکوکات او نشان میدهد همه مذاهب و ادیان خاک امپراطوری خود را احترام میکرد از این جهت عده از مدققین در بودائی بودن شاهان کوشانی منجمه کنیشکا شبه دارند. موضوع سائر شاهان کوشانی را که از هدف اساسی این مقاله بیرون است عجالاً کنار گذاشته و راجع به خود کنیشکا پاره مطالب مربوط را ذکر مینمائیم با وجودیکه عده ای از مدققین در بودائی بودن کنیشکا شبه دارند عده دیگر جداً او را پیرو دینانت بودائی و حامی بزرگ آن میشمارند. حتی پروفیسر جی، یزی لوسکی در کتاب «افسانه های اشوکا» عالمی را بنام «سودار ساوا» Sudareava اسم می برد که کنیشکا پادشاه را در آئین بودائی داخل کرده است. کنیشکا اگر در مسکوکات خود سائر ارباب انواع باختری و هندی و یونانی را نقش کرده و اسم برده و در عده ای تصویر (بودا) را هم ضرب زده و نام برده. اگر موضوع در روشنی داستان ها مطالعه شود چنین مینماید که کنیشکا داخل دین بودا شده باشد بدیهی است که داستان هائیکه بودیزم راجع به کنیشکا ساخته عین همان داستان هائی است که در مورد «اشوکا» امپراطور رموریا نقل میشود. همان ضرور که میگفتند که «اشوکا» بعد از جنگ ها و قتل و خون زیاد داخل دینانت بودائی گردید عین آنرا در مورد کنیشکا هم نقل میکنند و میگویند که امپراطور قبل از اینکه داخل دین ساکیا مونی

بودا شود ادم بی دین، ظالم خون خوار و جنگ دوست بود و بعد از خون ریزی های وحشت انگیز از کرده خویش پشیمان شده و بدین ارام و صلح طلب بودائی داخل شد.

شبه نیست که کوشانی هادر خاک های آریانا به مذاهب مختلف قدیم مملکت و عقاید خارجی هندی و یونانی و غیره مواجهه شدند. همین کنیشکا سکه هایی دارد که از نقطه نظر عقیده و آئین ارباب انواع قدیم اوستائی باختری مثل (ناهیتا) و (میترا) ارباب انواع داستانی یونانی مثل (هلیوس) و (سلن) یعنی آفتاب و مهتاب و جمع دیگر روی آنها نمایش یافته و لی ضریکه ذکر شد سکه هایی هم دارد که در آن تصویر و نام بودا ثبت است. چون این قبیل مسکوکات را به سال های اخیر سلطنت کنیشکا نسبت میدهند احتمال دارد که بعد از چند سال حکمفرمائی پیرو آئین بودائی شده باشد یا اینکه دین رسمی او همان دین بودائی بوده و برای خوشنودی پیروان سایر مذاهب امپراطوری خود هر عقیده ای را احترام میکرد و بحیث امپراطور در مسکوکات خود از سایر ادیان هم نشانی ضرب کرده است.

از روی یاد داشت هایی که خاور شناس فرانسوی «سیلون لوی» در (ژورنال ازیاتیک) سال ۱۸۹۶ راجع به (هندوسیت) نشر کرده روابط کنیشکا با علما و دانشمندان بودائی بخوبی آشکار میشود و معلوم میشود که پادشاه با علما و دانشمندان محشور بوده ازین گذشته این را هم می دانیم که شاهنشاه کوشانی از خود مشاور مذهبی داشت موسوم به (بارسوا) که از علمای نام آور عهد او بود. داخل شدن کنیشکا در دیانت بودائی دوره جدیدی را بر روی دین مذکور باز کرد. اروپائی ها تاثیر شخصیت او را در دین بودا به تاثیر شخصیت «کلو ویس» در دین مسیح تشبیه میکنند. در حقیقت امر کنیشکا در نفس فلسفه آئین بودائی و در انتشار و عمومیت آن در خاک های آسیای بزرگ توجیه نمود و آئین محلی و محدود و تنگ را از چو کات هند در چو کات آسیا انتشار داد.

مجلس بزرگ مذهبی که به امر و اراده کنیشکا تحت ریاست (وازو میترا) عالم دانشمند عصر در یکی از دره های زیبای کشمیر تشکیل شد و (۵۰۰) نفر نماینده محافل مذهبی در آن شرکت جست چیزی است که در دفتر خاطرات تحول آئین مذکور فراموش نمی شود. آئین بودائی با داشتن طریقه منحصر به فرد «هنایانی» یعنی (راه کوچک نجات) آئینی بود از نقطه نظر فلسفه تنگ نظر و محدود و از نقطه نظر صنعت منحصر به نمایش مجالس مذهبی به کمک سمبول و علامه و از نقطه نظر هیکل تراشی محدود به پاره صحنه های خشک مذهبی و بس. کنیشکا طبق عظمت خاک و روحیات امپراطوری خود در آن انقلاب وارد کرد و این انقلاب را با علمائی که به آنها محشور بود در جاسه بزرگ کشمیر عملی کرد. طریقه جدید «مهایانی» یعنی (راه بزرگ نجات) بمیان آمد و در ن ادیان سابقه و قدیم افغانستان

## د مالی وزارت



ع. ج. محمد نور خان د مالی وزیر  
S. Ex. Mohammad Naoriz Khan  
Ministre des finances.

وزیر : ع. ج. محمد نور خان  
امری معین : ص. محمد سلم خان  
دوهم معین : ع. ابو طالب خان

### د کنترول عمومی مدیریت:

عمومی مدیر : ع. ع. عبد الفتاح خان  
د بودجی مدیر : ص. محمد سرور خان  
د کنترول : ع. حبيب الله خان  
د فرضی د خانگی مامور : ع. محمد عسی خان

### د اجرائی عمومی مدیریت:

عمومی مدیر : ع. محمد انور خان  
د مالیاتو او محصولاتو مدیر : ص. محمد میر خان  
د مامورینو مدیر : ع. عبد المجید خان  
د احصائی مدیر : ع. عبد الرحیم خان  
د اوراق مدیر : ع. عبد الرحیم خان

### د تفتیش عمومی مدیریت:

عمومی مدیر : ع. محمد حسن خان

### د تصفیو او تجارتی عمومی مدیریت:

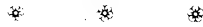
عمومی مدیر : ع. غلام حسن خان  
د تجارتی مدیر : ص. عبد انکر خان  
د بقاءو : ع. فضل حق خان

### د تقاعد عمومی مدیریت:

د عمومی مدیر کفیل : ص. میرزا محمد سرور خان  
د کنترول د مدیریت کفیل د مامورینو : ع. غلام سخی خان  
د اجرائی : ع. سعید محمد خان

مخصوصاً دین زردشتی تاثیر افکنده از نقطه نظر صنعت باب جدیدی باز شد. بده پرستان هندی جرئت نداشتند که (ساکیا مونی) را بشکل و قیافه انسانی در مجالس نمایش دهند و این کار در افغانستان با صنعت کاران باختری و گند هاری که شیوه هیکل تراشی یونانی چشم ایشان را خوب تر باز کرده بود عملی گردید با کشور کشائی های پادشاه مقتدر کوشان دروازه سنکیانگ و حوزه سردریا و تارم بر روی مبلغین باز شد قافله های دانشمندان بحرکت آمدند و از راه همالیه و پامیر علما به دیار خطا و ختن و چین بنای تبلیغ را گداشتند.

پس کشور کشائی های کنیشکا را باید مقدمه و آغاز دوره جدیدی دانست که از برکت آن آئین و صنعت و معارف و خرد و بینش هندی و افغانستانی به دیار چین انتقال یافت.



کنیشکا و عصر او از نقطه نظر جنبش های ادبی در تاریخ افغانستان قدیم سهم بارز دارد. بیشتر گفتیم که شاه از خرد مشاور مذهبی بنام «پارسوا» داشت. همچنین از عالم دیگر معاصراو «وازمیترا» اسم گرفتیم. این شخص اصلاً از اهل گندهارا بود و مقام علمی او درین عصر از ریاست او در محفل بزرگ کشمیر معلوم میشود. کنیشکا پادشاه مشاور ادبی هم داشت موسرم به «اسوه گوشا» که در نویسندگی و فنون ادب سرآمد علمای زمان بود. شهرت زیاد کار این نویسنده ماهر را بجائی رسانیده که شخصیتش را داستان های گوناگون فرا گرفته است. بقرار بعضی از داستان ها کنیشکا بعد از فتح (بتالی پوترا) پایتخت و دودمان موریای یعنی (پتنه) امروزی اورا «غنیمت شاهی» انتخاب نموده و بحث نویسنده و منشی و مشاور ادبی به دربار خود منصوب نمود. انقلاب فلسفی در آئین موضوع تحریر کتب و سایل جدید را در عصر کوشان قهرا بمیان آورد. کثرت علما تبلیغ، ترجمه و نقل داستان ها و کتب مذهبی برای نقاضی که در داخل خاک امپرا طوری و در خارج به آن ضرورت داشتند اینجاست می نمود تا مردم به نوشتن بیشتر توجه نمایند. «اسوه گوشا» نویسنده نامی عصر کنیشکا کتب متعددی در زبان علمی امپرا طوری یعنی سانسکریت نوشته. درین وقت براکریتهای متعدد و زبان سیتی خود کوشانی ها که شاخه های از السنه ایرانی است در امپرا طوری کوشانی رواج داشت. در این پراکریته ها آثار مذهبی را هم می نوشتند ولی در محفل بزرگ مذهبی کشمیر چنین فیصله شد که نتیجه مناظره و مشاجره علما در زبان سانسکریت تحریر شود و به دسترس معابد ممکت گذاشته آید ازین روسانسکریت زبان علمی و ادبی کشور کنیشکا شد چنانچه آثار و شواهد کتب مذهبی در متن سانسکریت و رسم الخط های مختلف از نقاط مختلف افغانستان چون هده و بامیان و وردک و بدخ کشف شده. «سیلون لوی» خاورشناس فرانسوی میگوید که «اسوه گوشا» بانگارش آثار برجسته ابراب مختلف نویسنده گی را کشود. درامه، شعر رزمی، قصه، حکایت، داستان می نوشت. باب مناظره ادبی را باز کرد، نویسنده مبتکر بود. به جرئت بیانات سابق بود او آثاری

را که دشوار و از فهم مردم دور بود بزبان شیوای ادبی درآورد (۱) کوشانی‌ها مخصوصاً کنیشکا برای ادبیات خدمت شایسته انجام داده است بی طرفی و عدم تعصب او در مسائل نژادی و مذهبی و ادبی سبب شد که نویسندگان وادبا مانند علما و روحانیون مذاهب مختلف از نعمت آزادی برخوردار باشند. در سایه نظریات مساعد اوسانسکریت بحیث زبان علمی و ادبی ترقی زیاد کرد بمضی مندقین آثار ادبی دوره کوشانی را آثار برجسته سانسکریت و پراکریت میدانند و روی هم رفته عصر کوشانی‌های بزرگ را که در آن دوره کنیشکا سهم بارز دارد از دوره‌های ترقی ادبیات می‌شمارند.

«اسوه گوشا» نویسنده معروف دربار کنیشکا در موسیقی هم مهارت زیاد داشت. طوری تار میزد که شنونده را بخود می‌ساخت این موسیقی نواز ماهر به این عقیده بود تا آلام درونی بشری را که آئین بودائی در صدد تسکین آن بود بانوای سحر انگیز موسیقی آرام کند. این تار زن معروف اشتباه نکرده بود آهنگ تار و آلیاف دل‌شوندگان را بحرکت می‌آورد و آن الام نهانی را ازین بهتر دوانی نبود. امپراطور کنیشکا از افسون تار زن و نویسنده دربار خویش آگاهی یافت و بوی گفت خوشم که چنین مهارتی در انگشتان تو نهفته است ولی میترسم ازینکه مبادا در اثر استماع نوای دلکش تار تو کشور من خالی شود زیرا آهنگ دل‌نواز تار تو مردم را از مشاغل زندگی کناره ساخته و به صحرا سر می‌دهد.



در آغاز مقاله از مسکوکات بزرگ و کف مسی حرف زدیم. بصورت خصوصی اگر نگاه بکنیم مسکوکات کنیشکا مضامین متعدد تاریخی و تهنیتی را برای مارو شن میکند. تنوع و کثرت مسکوکات دلیل بر ضول سلطنت و عظمت قلمرو امپراطوری اوست کنیشکا قسمت اعظم مسکوکات خود را در مفرغ و مس بضرب رسانیده و ضرب سکه‌های طلائی که بار اول در عهد کوشانی با سلطنت «ویما کدپز س» آغاز شده بود در زمان سلطنت کنیشکا به پیما نه زیادتر دوام کرد. از میراث مسکوکات کنیشکا پادشاهان سلف کوشانی و یکی این است که زبان یونانی در مسکوکات او از استعمال افتاده ولی رسم الخط آن با تغییراتی هنوز باقی مانده. فهمیدن این مطلب طبیعی اشکالی ندارد زیرا زبان یونانی کم کم در محیط فرا موش شده و پادشاه و مردم ضلعاً به استعمال زبان خود کشور شایق بودند ولی چیریکه خوب فهمیده نمیشود این است که رسم الخط و شتی که رسم الخط خود مملکت بود و تا این زمان در مقابل رسم الخط یونانی در یک طرف مسکوکات استعمال میشد چرا از استعمال افتاد؟ البته رسم الخط مذکور بکلی ناپدید نشده بلکه در کتیبه‌ها عمومیت داشت.

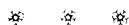
موضوع دیگری که مسکو کات کنیشکا پادشاه را بر پادشا هان سلف او تمیز میدهد کثرت و تنوع ارباب انواع است مشارالیه بدون امتیاز مذهب و دین تمام ارباب انواع اوستائی و هندی و یونانی را که در آریانا معروف بود در مسکو کات خود اسم برده و نقش کرده .

ارباب انواع اوستائی مسکو کات او عبارت است از : میرو ( میتره یا آفتاب ) ماو (مهه یا مهتاب) اترو (اتار یا آتش) ، اروا سبو اروا سیه یا صاحب اسپ های تندرو که اینجا عبارت از آفتاب میباشد. از ارباب انواع میتو لوژی یونانی هم عده ای در مسکو کات او نقش است مثل : هلیوس ( آفتاب ) سله نه (مهتاب) و غیره علاوه بر این ها صور یکه قبلا ذکر نمودیم بار اول (بودا سا کیا مونی) موسس آئین بودائی بشکل و قیافه کلاسیک خود به لباس راهبی در حال که کاسه گدائی در دستش میباشد در بعضی از مسکو کات او نمایش یافته و به رسم الخط یونانی « بودو سا کا فا بودو » یعنی ( بودا سا کیا مونی بودا) تحریر میباشد.

مسکو کات کنیشکا عموما مدور و کلفت است و انواع خرد و بزرگ دارد در ظرف راست سکه عموما خود پادشاه استاده دیده میشود .

و به لهجه سیتی شاخه از السنه ایرانی که به رسم الخط یونانی تحریر میا شد عموما خود را «شا اونا نو شا او کنیشکی کوشانو» خوانده است در این جمله کلمه «شاه» که در زبان دری افغانستان (فارسی) تا حال معمول است واضح دیده میشود و جمله «شا اونا نو شا او» (شاه شاهان) یا (شاهنشاه) معنی دارد به این ترتیب جمله کامل فوق الذکر را میتوان (کنیشکا شاهنشاه کوشانی) ترجمه نمود .

مسکو کات کنیشکا از افغانستان و قسمت های شمال غربی هند که جزء امپراطوری او بود به تعداد زیاد پیدا شده و میشود «مسن» انگلیس یک قرن قبل عده معتابیهی از مسکو کات کوشانی را از زردا هالی بگرام بدست آورده است در نتیجه هفت دوره مختلف حفريات مخصوصاً از حصه بازار شهر باستانی مذکور مسکو کات کنیشکا به تعداد زیاد کشف شده است .



کنیشکا پادشاه بزرگی که نقش سیاست او در امور داخلی چه مذهبی ، چه عمرانی ، و غیره شرح یافت در سیاست خارجی هم رول بزرگ بازی کرده است مشارالیه طوریکه دیدیم بافتوحات و کشور کشائی دامنه امپراطوری خود را در سمت هائی که مناسب میدانست و سعت داده اگر چه پیش از کنیشکا پاد شاهان دیگر آریانا به قوت حاتی در حوزة سردر یا وتارم و گنگا موفق شدند ولی کامیابی های کنیشکا و دوام نفوذ او به خاک های مفتوحه در تاریخ قدیم افغانستان چیزی بیسابقه است کوشش او برای تشکیل دولت و مملکت پهناور به اقتضای وقت موافق بود زیرا در خاک های چین امپراطوری «هان ها» و در غرب خاک های

اروپائی و آسیائی امپراطوری «رومن» انبساط داشت و این دو مقتدر ترین دولت های شرقی و غربی بودند و تقریباً تجارت دنیای وقت در دست آنها بود. به این ترتیب دولت کوچکی میان آنها به رومی زندگانی نمیتوانست تا اینکه بزرگ و مقتدر و نیرومند نباشد کنشکا با سعی و مجاهدت خویش دولت کوشانی افغانستان را بیش از پیش تقویت بخشید و آنرا وسعت داد و ازان امپراطوری ساخت که با امپراطوری شرق و غرب همپایه باشد. موقعیت جغرافیائی آریانا و امپراطوری کوشانی در میان خاک های امپراطوری های چین و رومن ها عامل نزیت دیگری شد حتی پارت های غربی که ضربه تهدید رومن ها واقع شده بودند دست بگر سیاست کوشانی ها شدند.

شبهه نمی نیست که روابط سیاسی میان کوشان شاهان و قیصر روم با «کد فیلس» ها یعنی اعضای خاندان اول کوشانی آغاز یافته بود ولی در عصر کنشکا منبسط گردید.

موضوع استقرار روابط سیاسی میان کوشان شاهان و قیصر روم چیزی است یقینی که موافقین و شعرای رومن بدان اشاره ها کرده اند. تنها بعلا شکیال نام های کوشان شاهان و تعیین صحیح سنه جلوس و سلطنت و وفات آنها عجلالتاً بصورت حتم در مورد روابط فلان کوشان شاه و فلان قیصر روم اظهار نظر کمی مشکل است. از روی نظریات موجوده که در اضراف عصر و سلطنت کنشکا قائم شده میتوان گفت که او با «تراجان» امپراطور روم معاصر بوده. تراجان بین سال های ۹۸ و ۱۱۷ مسیحی می زیست و کنشکا هم از همین اواخر قرن اول مسیحی تا اواسط قرن دوم زندگانی داشت چیز مهمی که اخیراً اطلاع یافته ام این است که موسیو گیریشین مدیر سابق هیئت باستان شناسی فرانسه در افغانستان اخیراً موفق به تعیین سنه وفات کنشکا در ۱۴۰ مسیحی گردیده است. مشارالیه این مطلب را در ضمیمه کفرانسی درپاریس تصریح کرده است که متأسفانه هنوز متن آن بکابل نرسیده است تا دیده شود که نظریات او بجه اساس استوار است. این موضوع هم معلوم است که تراجان قیصر روم بر علیه پارت های غربی قشو نکشی نموده و در این راه کامیابی هایی حاصل کرده بود بعضی از مدققین کنشکا را با «مارک اورن» انتوان «امپراطور دیگر روم که در ۱۲۱ مسیحی در روم متولد شده و از ۱۶۱ تا ۱۸۰ مسیحی سلطنت کرده است هم معاصر میدانند و میگویند نمایندگان سیاسی میان آنها مبادله شده بود (۱) شبهه نمی نیست که این امپراطور به اصطلاح یونانی ها و رومن ها بابررها در حصص شمالی و شرقی امپراطوری خود جنگ ها کرده است ولی سنه و عصر سلطنت کنشکا خوب تر به دوره زما مداری تراجان برای بری میکند لذا گفته میتوانیم که میان کنشکا امپراطور کوشان و تراجان قیصر روم نمایندگان سیاسی مبادله شده بود. پیشتر گفتیم که تراجان

(۱) صفحه ۱۵۹ احوال و اشعار رود کی مجلد اول - تالیف آقای سعید نفیسی.



بایارت هاترف واقع شده و با دولت یار تی جنگ کرده و موفقیت حاصل نموده است . یکی از سیاست رومن ها به نزدیک ساختن خود به کوشانی ها ی آریانا این بود تا ایشان را بر علیه یارت ها تحریک کنند یا قلا در موقع حدوث جنگ میان دولت روم و دولت یارت ایشان بی طرف بمانند و مداخله نکنند پس این مطلب هم تائید میکند که تراجان نزد امپراطور مقتدر کوشان کنیشکا نماینده فرستاده و از دربار کنیشکا نماینده ئی به روم به دربار تراجان رفته باشد .



کنیشکا بطرف شرق با دولت هان های چینی هم ارتباطی داشته دولت چین و امرای تابعان در علاقه های غربی ان مملکت بعد از شکست در مقابل کنیشکا فهمیدند که سیاست چین درین قسمت ها در معرض خطر است وجود یرغل های چینی در دربار کنیشکا چشم زعمای ان کشور را به نیروی کنیشکای کیر باز کرد . لذا دولت چین از سیاست جنگ و ستیز که تا قبل از زمان کنیشکا تعقیب می نمود گذشته و خواستگار استقرار روابط دوستانه گردید چینی های تجارت پیشه که از فروش ابریشم و پارچه های نفیس ابریشمی در سواحل شرقی بحر مدیترانه و دورتر در قلمب امپراطوری روم پول زیاد میگرفتند غیر از تقاضای دوستی با دولت کوشانی کار دیگری نمیتوانستند زیرا همسایه غربی چین دولت کوشانی آریانا قوی شده بود و راه تجارتی معروف « ابریشم » که تنها راه اتصال چین به سواحل شرقی مدیترانه بود از حصص شمالی امپراطوری کوشانی میگذاشت از دوطرف مجرای رود آمو مال التجاره چینی به بلخ واصل میشد همین قسم از راه دره ها و کوتل های همالیه هم اگر مال التجاره چینی میگذاشت و ارد قسمت های هندی امپراطوری کنیشکا میگردد پس در اثر احتیاج مبرم تجارتی چینی ها مجبور به تحکیم روابط دوستانه سیاسی با کنیشکا بودند و نمایندگانی با تحفه و هدایا میفرستادند . مسئله تجارت در استقرار روابط سیاسی کوشانی ها و رومن ها هم دخیل بود . معاصر به زمان کنیشکا ، « تراجان » و کمی بعد تر « مارک اورل ان توان » قیصره روم بر یارت های غربی هم غلبه یافته و در خاک های آسیائی داجسی بیشتری گرفته بودند . همان قسم که چینی ها از نقطه نظر تجارت به دوستی امپراطور کوشان احتیاج داشتند رومن ها هم عینا این احتیاج را حس میکردند رومن ها به ادویه و عطریات هندی ، ابریشم و پارچه های نفیس چینی و سرمه و سنگ های قیمتی و احجار کریمه آریانا محتاج بودند و پول گزاف طلائی درین راه خرج میکردند . این داد و ستد تجارتی هر دو امپراطوری شرقی (چین و غربی روم) و ادار به دوستی کوشانی ها مخصوصا کنیشکای بزرگ ساخته بود . کنیشکا از استقرار روابط سیاسی با دو امپراطور محتشم وقت علاوه بر بلند بردن حیثیت خود و ممالکت خود مفاد زیاد تجارتی و سیاسی میگرفت و در نتیجه ترا نریت اموال طلائی رومن به تعداد زیاد در دوطرفه هندو کش انتشار یافت و تجار مملکت خیلی ثروتمند شدند .

چیز هائیکه گفتیم تا سال ۱۹۳۷ که حفاریات بگرام وارد مرحله جدیدی شد چیز هائی بود که برای اثبات آن شواهد عملی در بین نبود. تعلقات کنیشکا با قیصره روم و خاقان های چین، استقرار روابط تجارتهای، رفت و آمد کاروان های بزرگ بین سواحلی شرقی مدی ترانه و وادی های ماورای شرقی پامیر و بسا مسایل دیگر محتاج به شواهدی بود خوش بختانه حفاریات ۱۹۳۷-۱۹۴۰-۱۹۴۱ درین زمینه مرتب روشنی افکننده رفت. آنچه درین چهار مرحله از بگرام کشف شده آثارگران بهای قصر سلطنتی کاپیسی است. ظروف شیشه ای آبی رنگ و سفید گیلای منقوش با صحنه های جنگجویان و پهلوانان رومن فوراً موضوع تعلقات کوشانو رومن را بخاطر جلوه میدهد.

مجالس پهلوانی و مقابله با حیوانات که نماینده ذوق روحی رومن ها بود و خاطرات آن در چهار دیوار عظیم «کلوزیم» روم و عصر سلطنت «نرون» نقش خاطر ها است دفتراً در جدار گیلای ها در میان خرابه های شهر باستانی بگرام بنظر میخورد. این ظروف آنهم در اطاق های قصر سلطنتی «کاپیسی» چیزی است که به تعلقات و ارتباط دو امپراتوری شهادت میدهد. این ظروف اگر از راه تجارت آمده باشد ضرور به توصیه شخص شاه خریداری شده اگر این طور نباشد تحفه هائی است که از طرف رومن ها به دربار کوشانی فرستاده شده بود. همین قسم وجود ظروف لاک چین که قسمت های چوبی آن از بین رفته و حلقه های فلزی مدور لب ظروف و بعضی پارچه های «لاک» آن باقی مانده نشانه ارتباط و تعلقات کوشانی ها با «هان های» چین است و ضروریکه دیدیم این تعلقات فی مابین طرفین در دوره سلطنت کوشان کنیشکا تقویت یافته بود.



پیشتر کنیشکا را بحث پهلوان یکی از داستان های کاپیسا رسم کردم. داستان مذکور عزم راسخ سلطان کوشانی و اراده شاهانه اش را در عمران آبادات بزرگ و مجلل وانمود کرد. اینک میخواهم از خلال داستان دیگر که کامیابی های فاتحانه کنیشکا را در هند ترسیم میکنند صورت این پادشاه بزرگ را بشما معرفی کنم. پیش از اینکه وارد موضوع داستان شوم در باب اصلیت و صورت رسیدن آن به عصر ما چند سطر مینگارم شبه ای نیست که اصل داستان یکی از قصه های هندی است که حتماً در اثر آواز و فتوحات کنیشکا بمیان آمده. مدت ها در محیط هند دهن به دهن نقل شده تا اینکه به گوش یکی از زائرین چینی موسوم به «هیوان تسو» Hsuan Tso رسیده و آنرا به دیار چین برده و در فصل ۱۵ کتاب (یو-یانگ-تسا - تسو) که قرار عقیده چین شناس فرانسوی موسیو «پلیو» در ۸۶۰ مسیحی تألیف شده، داخل گردیده است. «هویر Ed. Huber» قصه مطلوب را از کتاب مذکور استخراج کرده و موسیو «سیلون لوی» آنرا در شماره ماه ژانویه و مارس ۱۹۳۶ مجله آسیائی

(ژورنال ازبایتيک) گرفته است. ماهم ازین چاروح مطالب را اقتباس میکنیم عین همین داستان را ۱۷۰ سال بعد البرونی حکیم ومورخ ور یا ضیدان بزرگ در بار غزنه هم چين مسافرت ومطالعات علمی وادبی خویش درهند شنیده ودر کتاب تاریخ هند خود نقل کرده است وباجزئی تحریفی که زاده مرور زمانه است درمجله التواریخ هم آمده است خلاصه روح داستان مذکور به اساس متون چینی عاری از تحقیقات اضافی مدققین قراراتی است :

در زمانه های باستان در کندهار پادشاهی بود دلاور و دانا موسوم به (کیانی سرکیا) یعنی کیشکا، این پادشاه بر علیه همه کشورها لشکر کشید و کسی تاب مقابله او را نیاورد باری، چين لشکر کشی ها به خاک هند و تکه پارچه فوق العاده نفیس بحضور شاه آور دند. پادشاه - یک پارچه را برای خود نگه داشت و پارچه دیگر را به ملکه داد. ملکه از ان پیرهنی ساخت و نزد شاه آمد. پادشاه چون نیک دید درست بالای سینه ملکه نقش دستی به زعفران ملاحظه نمود. پادشاه ازین مشاهده متأثر شده و به ملکه خطاب کرد : این پیراهنی که پوشیده اید با این نقش دست چه معنی دارد. ملکه در جواب گفت : این همان پارچه است که پادشاه بمن داده است. کیشکا به غیظ آمده و به قهر خزانه دار شاهی را احضار نمود و از او درین مورد توضیحات خواست خزانه دار بجواب عرض رسانیده و گفت : «نقش دست همیشه در این پارچه بوده و غلام تقصیری ندارد» پادشاه به احضار تاجری که ان را فروخته بود امر داد. او را حاضر کردند و چنین به نقل آغاز کرد :

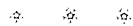
در هند جنوبی پادشاهی سلطنت دارد موسوم به (ساته واهنه) این پادشاه در زمانه های ماضی در اثر بی وزی و استیلا صاحب نفوذ خارقه نمائی شده بود. هر سال پارچه های نفیسی را که از درک مالیات رعایا جمع میشد پیش خود میخواست و بعد ازینکه هزارها و هزار آن را روی یکدیگر میگزاشتند دست خود را در رنگ زعفران تر میکرد و بالای سطح پارچه ها می گذاشت و نقش دست او تمام پارچه های مذکور را فرا میگرفت. سپس تجار پارچه های مذکور را به رجا می فروختند اگر مردی از ان لباس می ساخت نقش دست در پشت او واقع میشد و اگر زنی پیراهن می ساخت نقش دست روی سینه های او می آمد.

کیشکا پادشاه به در باریان خود امر داد تا از ان پارچه لباس بسازند و ببوشند. نقش دست ضروریکه تاجر گفته بود در پشت انها پدیدار شد.

کیشکا پادشاه از مشاهده این کیفیت عجیب به غیظ و غضب شده شمشیر خویش را تکیان داد و گفت : خواب و خوراکی بر من حرام است تا با شمشیر خویش دست پوی این پادشاه را قطع نکنم. سپس قاصدی به طرف هند جنوبی فرستاد تا تصمیم وی را به شاه آن ناحیه اعلام دارد. چون قاصد بدانجا رسید پادشاه (ساته واهنه) وزرا را جمع کرده و از روی دسیسه

گفتند «بلی درست است که پادشاه ما «ساته واهنه» نام دارد ولی او اصلاً وجود خارجی ندارد ما هیکل طلائی او را روی تخت نشانده ایم و قوهٔ اجراییه بدست ماوز را میبشد» چون قاصد پیغام را بدین منوال به کنیشکا پادشاه رسانید به سواره نظام وفیلان جنگی امرداد که بجنوب هند بکشور «ساته واهنه» یورش برند اما لی کشور مخاصم پادشاه خود را در مغارهٔ کوهی پنهان کردند و آدمی از طلا ریختند که بر علیه متهاجم برآمد.

کنیشکا پادشاه به تزویر دشمن بی برده از اعمال صالحه گزشتن خویش استعانت خواست بازوها و پاهای مرد طلائی را برید و در عین زمان بازوها و پاهای «ساته واهنه» پادشاه که در مغاره مخفی بود قطع گردید و از بدنش جدا شد.



این داستان که متن آنرا ادبیات چین حفظ کرده از بسیار واقعات مفصل تاریخی معتبرتر است و چون داستانی است باستانی و روح توده، همان تودهئی که شاهد واقعات بودند آنرا بمیان آورده عصارهٔ واقعات، انعکاس نظریات، یک دورهٔ مهم تاریخ افغانستان و هند در آن حل و مزج است به این جهت روح هندی، همان روحی که به حفظ خاضرات پارینه در لفافهٔ داستان و افسانه سخت مستعد است آنرا با مرور زمان ضولانی فراموش نکرده و بعد از ۱۷۰۰ سال که سیاح مورخ و دانشمند دیگر به تعقیب (هیوان - تسو) چینی بنام البیرونی وارد هند شد باز آنرا شنید و ضبط کرد. چون میان روزگار کنیشکا پادشاه کوشانی و «ساته واهنه» شاه دکن و هند جنربی که اصل واقعه در آن رخ داده و ایام بیرونی تقریباً (۹۰۰) سال فرق است طبیعی در مرور این دورهٔ ضولانی بعضی نام های شخص و محل در داستان مذکور فرق کرده است. اگر چه ابو ریحان بیرونی تنها در قسمت هند عوض «ساته واهنه» و «هند جنوبی» قنوج و راجای قنوج شنیده و در قسمت دیگر اسم «کنیشک» یعنی کنیشکا کمافی اصل باقی مانده است از روی تطویر حوادث تاریخی میشد نام محمود غزنوی را بشنود زیرا معاصر زمان او عوض کنیشکای کوشانی محمود زابلی غزنوی بقصد دیار هند لشکر کشی داشت. بهر حال چون مورخ و دانشمند بصیر در بار غزنه هزار سال قبل داستان باستانی فتوحات کنیشکا را با مختصر تغییری شنیده آنرا هم اینجا ذکر میکنیم تا فیهیده شود که نام و آوازهٔ جهان گیری کنیشکا بکدام پایه در اعماق روح هنریشه دوانیده بود البیرونی می نویسد: «را جای قنوج پارچهئی در نهایت زیبایی برای کنیشکا فرستاده بود، کنیشکا به خیاط خویش امر کرد که از آن لباسی برای او درست کند. خیاط به دوختن لباس مذکور جرئت نکرد زیرا برش پارچه هر ضوری میگرفت نقش پای میان شانه هامی آمد. کنیشکا تحفه را حقارت تعبیر کرد و بقصد گوش مالی

راجای قنوج لشکر کشید. وزیر را جای قنوج برای دنع خطر خویش را به تهدیه افکنده و در صدد حبله می برآمد. به راجا گفت من بینی و گوش خویش را بریده و بحیث طاعی از در بار تو میگریزم و به استقبال متهاجم میروم و او و عسا کرش را در بی راهی های بیابان ناپدید میسازم. چون کنیشکا و قشونش پدیدار شد وزیر خود را به ر کاب کنیشکا افکنده حال خویش را عرض کرد و به قصد رهنمائی قشون از راه کوتاه بطرف قنوج به حرکت آمد. اما عوض اینکه کنیشکا و قشونش را درست رهبری کند ایشان را به بیابان بیکران وارد ساخت و تصور نمود که باین خدعه حربی کار ایشان را خواهد ساخت ولی کنیشکا نیزه خویش را در ریگ فروبرد و فوراً از آن جا چشمه آب صافی پدیدار شد. وزیر را عفو کرد ولی به احوالی نمود که کار با دارش را جای قنوج ساخته شده است. حین مراجعت به قنوج وزیر مذکور مطلع شد که همان روز یک کنیشکا نیزه خود را در ریگ فروبرد دست و پای راجای قنوج از بدنش جدا گردیده بود.

\*\*\*

قراریکه ملاحظه میشود روح این دوداستان حماسی که بهلوان آن کنیشکای کبیر کوشانی است یک چیز میباشد و از قشو نکشی این پادشاه نیرومند بطرف هند حکایت میکنند. این دوداستان ضوریکه بالا اشاره شد هر دو در هند شنیده شده راوی اولی «هیران تسر» چینی و راوی دوم ابوریحان بیرونی حکیم و مورخ معروف در بار غزنه است. مرور زمان میان عصر راوی اولی و دومی در طی ۱۷۰ سال جزئی اختلافی در آن وارد کرده ولی روح اساسی داستان از بین نرفته است. هر دوداستان کنیشکا را پادشاه مقتدرو نیرومندی رسم کرده که با سواره نظام و نیزه داران خویش بعزم دیار هند برآمده و اخر به فتح دورترین نقاط آن کشور پهناور موفق گردیده است. ریشه عمیق داستان در خاطرات توده هندی نشان میدهد که فتوحات پادشاه کوشانی در عین روحیات مردم هند تاثیر افکنده و بحیث یکی از واقعات فوق العاده مهم در یاد گارها ثبت گردیده است.

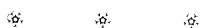
\*\*\*

کنیشکا پادشاه بزرگ کوشانی که برخا که های افغانستان و قسمت بزرگی از خاک هند حکم فرمائی داشت علاوه بر مسکو کات زیاد و گوناگون کتیبه ها و مجسمه های هم از خود باقی گذاشته که هر کدام به رنگی شاهد نام آوری و عظمت او است. از جمله کتیبه های کنیشکا یکی از مقام (سوی هار Sui-whar) «ملتان» نزدیک (وهاوالپور) از کنار رودخانه ستلج که از معاونین رود چناب میباشد کشف گردیده.

همین قسم کتیبه دیگر از مقام «سپت مهت» (Sahet mahet) (کراوستی قدیم) بدست آمده که به سال ۱۲ سنه دارد.

دراثر حفاریاتی که در حوالی (ماتورا) در قریه ئی موسرم به (مات Mat) بعمل آمده سه مجسمه کنیشکا پیدا شده که هر سه آن سر ندارد و به این ترتیب متا سفاهه راجع به شکل و قیافه این پادشاه بزرگ چیزی گفته نمی توانیم یکی از این مجسمه ها به اندازه قامت طبیعی انسان است و در دامن لباس اسم «کنیشکا» تحریر میباشد، تصویر این مجسمه بین دو صفحه ۲۷۶ و ۲۷۷ کتاب اولی هستری اف اند یا تألیف «ونسنت سمت» نشر شده و معلوم است مفید دلچسپ و صحیح راجع به طرز لباس و اسلحه امپراطور بموظم کوشانی بدست می دهد اگر چه لباس و اسلحه شاهنشاه کوشانی و جزئیات آن از روی سکه های روشن او هم بخوبی معلوم میشود اما این مجسمه که به بزرگی قامت و اندام طبیعی ساخته شده برای مطالعه موضوع به مراتب بهتر است . روی هم رفته از روی مسکوکات و از روی این مجسمه بخوبی معلوم میشود که کنیشکا (و حتی سائر کوشانی ها) از پارچه های کلفت نمدی و پشمی لباس می پوشید لباس کنیشکا پادشاه درین مجسمه عبارت از : پیراهن درازی که از دلیک یا پایان تر آمده روی پیراهن کمر بند عریض چرمی دارد . از کمر بند تا دامن پیراهن خطوط مار پیچی دیده میشود که شاید یک نوع خامک دوزی باشد بالای این پیراهن دارجینی پوشیده که تقریباً ده سانتی از پیراهن دراز تر است و در قسمت مقابل دو گوشه آن قات خرورده و از زیر آن پیراهن نمودار میباشد . در پاهای پادشاه موزه های کلفت چرمی یا نمدی است که تسمه ئی در بند پا آنرا محکم گرفته است و یک گوشه تسمه مذکور از میان کف و کمری پا گذشته است .

در دست راست او چیز شش رخ و زین است که یا غلاف کدام سلاح است و یا سلاحی است که از چوب یا فلز ساخته شده در دست چپش خنجر است و طویل که آنهم در غلاف میباشد و تسمه آنرا به کمر بند و چپش نگه داشته روی هم رفته نوعیت لباس بیشتر اختصاص به آسیای مرکزی دارد .



از روی مطالعات مختصر و موضوعات جدا گانه ئی که تا اینجا بعمل آمده تا اندازه کافی بخوبی معلوم میشود که «کوشان کنیشکا» بزرگترین پادشاه دودمان کوشانی و بلا شبهه یکی از بزرگترین شاهان و شاهنشاهان ادوار قدیم افغانستان است و شهرت او سر زمین قدیم آریانا و کشورهای مجاور هند و تبت و آسیای مرکزی و حتی نقاط دور دست امپراطوری روم را فرا گرفته بود . کتیبه های متعددی که از افغانستان و هند پیدا شده به او و به عصر زمامداری او اشاره میکنند و ادب و تاریخ سانسکریت و تبتی و چینی و رومن و حتی عربی و ترکی و فارسی از او نام برده اند .

شهرت کنیشکا در داستان های عامیانه در مدت ۱۸۰۰ سال دهن به دهن انتقال یافته

## د معارف وزارت



ع. س. نجيب الله خان د معارف د وزارت كښل  
S. Ex. Nadjib-ullah Khan  
interiminaire du  
Ministre de l'instruction publique

د وزارت كښل : ع. س. نجيب الله خان  
معيّن : ع. س. سيد عبد الله خان  
مشاور : ع. س. عبد الاحمد خان  
د ع. س. عزيز الرحمن خان  
د ع. س. هاشم شايق خان  
د مخصوص فلم مدير : ع. س. امير الدين خان

### د ښوونې او روزنې رياست :

رئيس : ع. س. دا ګر محمد انس خان  
د رياست د مطبوعاتو : ع. س. محمد سې خان  
د ع. س. عبدالغفور خان «برخښه»  
د ع. س. محمد اسماعيل خان «غرتوي»  
د ع. س. غلام جيلاني خان «جلالی»  
د ع. س. عبدالجبار خان  
د ع. س. محمد اعظم خان «ارزي»  
د عضو معاون : ع. س. پاينده محمد خان  
د ع. س. عبدالغفور خان  
د ع. س. محمد كريم خان  
د ع. س. محمد کبير خان

### د تفتيش رياست :

رئيس : ع. س. سيد محمد فاروق خان  
معاون : ع. س. سيد جيب خان  
مفتش : ع. س. عبد الاحمد خان  
د مير محمد اسماعيل خان  
د ع. س. عزيز محمد خان  
د ع. س. عبد الله خان

ونام او به تنها علامه فارقه تمام دوره چند قرنه سلطنت و حکومت عرق کوشانی شده است چنانچه به همین جهت اکثر شاهان و خاندان های شاهی دوره های مابعد موضوع عرق و تسلسل سلطنت خویش را به کنیشکای کوشانی نسبت میدهند . یکی از شواهد بر جسته درین موضوع تذکرات ابوریحان بیرونی است که به اساس آن شاهی های کابل اعم از ترکی شاهی گرفته تا برهمن شاهی همه خویش را اجداد کنیشکامیدانستند و این مسئله انقدر اغراق آمیز هم نیست زیرا میدانیم که از نقطه نظر عرق و خون کوشانی ها در دوضرفه هندو کش رول مؤثری بازی کرده اند و خون کوشانی به پیمانه زیاد در عروق باشند گمان افغانستان داخل شده است از نقطه نظر تسلسل تاریخی هم این مسئله به حقایق نزدیک است زیرا بعد از سلطنت دو نیم قرنه کوشانی های بزرگ که در حوالی ۲۲۰ مسیحی منتهی میشود سلاله های کیداری و یفتلی رتیل شاهان و برهمن شاهان کابلی یکی بعد دیگر و ارث تخت و تاج کوشان شاهان بودند و بسیار وقفه های کوچک و محلی تسلسل سلطنت کوشانیان را برهم زده است بناء علیه جادارد که بعضی شاهان و خاندان های سلطنتی مابعد، خویش و خاندان خویش را به بزرگترین و مقتدرترین پادشاه و امپراطور کوشانی کنیشکای کبیر نسبت دهند .

(خاتمه)





# نفوذ عرب در افغانستان

از سال ۲۲ تا ۲۰۵ هجری

نویسنده: م. غبار

## پیشرفت عرب در فارس

قشون دلیز اسلام در خلافت حضرت ابی بکر صدیق رض (۱۱-۵۱۳) برای نخستین بار حدود امپراتوری ساسانی را عبور، و مثنی بن حارثه و خالد ابن ولید قوماندانهای عرب در سرحد عراق سپاه فارس را دوبار مغلوب نمودند؛ جنگهای مکرر فارسیها در هربار منجر به پنهان شدن و بالاخره در سیده ماه بیشترین حصص عراق عرب را از دست دادند، ولی پیکارهای ایس، حیره، انبار و عین التمر قطعی نبود، لهذا حضرت عمر ابن الخطاب رض (۱۳-۵۲۳) سواقیات عرب را در جبهه شرق دنبال نمود، و ابو عبیده ثقفی سپهسالار اسلام قوای مدافع فارس را مغلوب، و سالار لشکر را اسیر، و متعاقباً در نواح کسکر نرسی جرنیل فارسی را منهدم گردانید، گرچه رستم فرخزاد سپهسالار اردوی ساسانی به اعزام قطعات نرسی را تقویه نمود ولی نتیجه همان مغلوبیت بود و بس. فقط بهمن جادو سردار لشکر فارس توانست در کناره فرات ابو عبیده را منهدم و چهار هزار کشته از دشمن بگیرد، اما این مظفریت دوام نکرد و سال دیگر (۱۴ هجری) مثنی قوماندان ایس بواسطه جریب بن عبداله تقویه، و مهران افسر ساسانی در رزمگاه نخيله سرش را بمقابل جریب باخته و اردوی او متفرق گردید. ازین بعد فرخزاد سپهسالار شخصاً با شصت هزار سپاهی و فیلهای جنگی بمداغه کشور فارس برخاست و سپهسالار عرب سعد وقاص با سی هزار عسکر خود او را در قادسیه در سال ۱۵ هجری از بین برداشت، باین ترتیب ستون اسلام تا پایشخت ساسانی پیش کشید و یزدگرد از حلوان به ری فرار کرد، سردار عرب بعد از اشغال مرکز در ششماه حصار

جلولارا بقوماندۀ هاشم برادر زاده خود و تکريت وموصل را يو اسطۀ عبدالله معتمر فتح نمود متعاقبا شيروان مسخر، و در سال ۱۷ هواز اشغال و هرمز و تستر به ابو هريره تسليم شد، سعد و قاص پس از فتح سوس شهر جديد کوفه را اعمار و قرار گاه اردو اتخاذ کرد، در سال ۲۱ يزد گرد شاه فارس اردوی بزرگی زیر قبادت فيروزان در نها و نداءزام کرد ولی این اردونيز در جنگ با نعمان بن مقرن جانشين سعد و قاص تباه و فيروزان کشته شد، جنگ نها وند شديد بود و سر دار عرب خود هم کشته گرديد، ازین پس دنيور و همدان تسليم، و يزد گرد از اصفهان با فغا نستان پناهانده شد، عربها بسرعت اصفهان را بسعی عبدالله بن عبان و در سال ۲۲ آذر بايجان را بهمت مغيره بکشدانند، و نعيم بن مقرن همدان را تنبيه و خطری، قومس و دامغان را تا مین نمود، والی مازندران و اهالی طبرستان هم تا دیۀ خراج پذیرفتند، و باینصورت در عرصۀ چند سالی کاخ بلند آوازه امپرا طوری ساسانی باظرافۀ هولناکی از پا درآمد.

ولی هنوز قشون اسلام کار ديگری پيش رو داشت و فتوحات او تکميل نشده بود زیرا يزد گرد ساسانی زنده و در ولايات شمالي افغانستان دست و پا میکرد، او ميخواست از قوای تورک وچين استمداد و بار ديگر امپرا طوری از دست رفته رازنده نمايد مردمان فارس نیز گوش باواز شهنشاه بوده و بشکست قطعی خویش اعتراف نداشتند ايست که از دوی عرب برای يکرويه کردن کار به تعقيب يزد گرد پرداختند و اين تعقيب ايشان را تا داخل افغانستان رهنمائی نمود چنانکه تعقيب دارا يوش هخامنشی سکندر يونانی را بداخل افغانستان کشيده بود.

افغانستان درين هنگام:

او ضاع اجتماعي افغانستان درينوقت آشفته و پريشان بود، زیرا امپرا طوری يفتلی افغانستان يک قرن پيشتر سقوط کرده و از نظر سياسی کشور پيارچه های مختلفی تقسيم شده بود، در ولايت وسيع تخارستان پای تورکان غربی يا توکیو های ماوراءالنهر، و متعاقبا دست امپرا طوری چين دراز، و در ولايات بلخ، مرو، هرات و نيشاپور چنگال استملاک ساسانی فرو رفته بود، و حکمدا ران محلی مملکت درين ولايات مجبور بودند زیرا اطاعت اجانب رفتار نمایند، از قبيل کتار شاه نيشاپور، ماهويه حکمران مرو، زادويه فرمانده سرخس، بهمنه شاه ابيورد، ابراز مهتر نسا، کيلان پادشاه مروا لرود، ترمذ شاه خداة گوزگانان، خسرو خوارزم، برازان حکمدار هرات و امثالهم، حکمداران محلی ساير حصص کشور نیز بطور ملوک الطوايف بسر می بردند از قبيل: برازنده شاه غرjestان، فيروز شاه زابلستان، شیربا میان، مکران شاه، قيفان شاه (ولات بلوچستان) شاه سند، شاه کشمير وغيره، قوی ترين ملوک محلی افغانستان همان رتيل ها يا کابلشاهان بود که در جنوبی هندوکش از کابلستان تا دريای سند و احيانا تا حوزه هيرمند فرمان ميدادند، ولی اين حکام متعدده را

تباین اداره و تخالف ادیان و مذاهب چون زردشتی بودائی، برهمنی، شیوائی، افتاب پرستی و هندوئی و غیره از هم جدا نگاه میداشت، تعددالسنه چرن دسته جات زبانهای باختری، در-دستانی، هندی و غیره باتسلط اجانب یکجا شده و این تفرقه و تشتت ذوقی و مادی ملت را تقویت میکرد، عدم مرکزیت اداری نیز علت فقدان قوه مدافعه اقتصادی کشور گردیده و روز بروز حالت اقتصادی و اخلاقی جامعه، با تهذیب و تمدن قدیم بطرف انحطاط سیر مینمود. تنها چیزیکه جامعه و شور را از سقوط و اضمحلال قطعی محافظه مینمود همان صلابت بنیه اجتماعی و جلالت قدر تاریخ ماضی و غنمه و روایات با افتخار گزشته بود و بس، زیرا هنوز قوم امیدوار به آینده بوده و یقین داشتند مشکلات حال را مثل قضا یا ای ماضی هخامنشی و یونانی دراستقبال حل خواهند نمود، و لهذا عجلالتا در مقابل قوای بزرگ تورک و ساسانی که ضرد و دفع آنها به تنهایی میسر نبود از سیاست مدار او احتیاط پیروی میکردند.

در چنین وقتی از دوی دلیر و فاتح عرب باشمشیر بران و تعالیم قرآن و عشق و ایمان با اسلام در سایه دین متین و محکم و مردان عاقل و فداکار درحالیکه در مدت ده دو ازده سال بیرق فتح و ظفر خویش را بر فراز مدائن پایتخت چندین قرن شهنشاهی ساسانی از یکطرف و بالای دمشق الشام مرکز آسیائی و هفت قرن امپراطوری روم شرقی از دیگرطرف افراخته بودند، مثل دریای خروشان ببری سرحد و ثغور آریانیای قدیم و یا خراسان اسلامی و افغانستان امروز سرازیر گردیدند.

تعقیب عرب یزد گرد ساسانی را در افغانستان

هجوم اول سال ۲۲ هجری

و اما افغانها که در هجوم عرب بمملکت فارس میدان نبرد را بیطرفانه و از دور تماشا میکردند، پس از انهمزام ساسانی و بنا به جستن یزد گرد در کشور خویش، چهره موافق به او نشان ندادند، لاجرم پادشاه فراری از مرو و باوزاء جیحون کشید و از تورکان فرغانه زمین استمداد و بجنگ عرب برگشت، از دیگرطرف بیست هزار سپاهی عرب زیر قیادت احنف بن قیس فائده مشهور اسلام در سال ۲۲ هجری بغرض تعقیب یزد گرد برای بار اول از راه طبرستان یا بقول جغرافیا نویسان عرب دروازه خراسان داخل افغانستان شدند، افغانیان مصلحت چنین میدیدند که راه عبور عسکر عرب را کشاده دارند تاریخ ساسانی بدست دشمن تازه رسیده و قوی از بنیاد در آورده شود، و لهذا سعی کردند بدون ضرورت دست بخون مهمان نو وارد نیالایند، اینست که قشون اسلام بدون مواجهه شدن بامدافعات جدی تا مرور رسیده و در جنگی که بین ایشان و قوای تورک و یزد گرد رخداد فاتح گردیدند تورکها سه هزار نفر تلفات داده و خان بمراجعت مجبور گردید، یزد گرد که دیگر از قوای تورک امیدی نداشت بولایت بلخ و از انجا به تخارستان (قطغن و بدخشان) شتافته در صدد جلب توجه چین و

استمداد از امپراطور آن کشور در مقابل عرب بر آمد، بعلاوه او چون از امداد اهالی و امراء محلی افغانستان مایوس بود گاهی به امراء سغدiane مراجعه و گاهی به تحریک رعایای فارسی خویش در داخله کشور فارس میپرداخت .

هجوم دوم سال ۲۳ هجری

عربها که از پیشرفت در خراسان شمالی تا مرو ممنون و از سیاست ملت افغانستان بی اطلاع بودند ، سال دیگر ( ۲۳ هجری ) بخت وسط و جنوب کشور نیز پیش شدند سهل بن عدی و عبدالله بن غسان در ولایت کرمان و عاصم بن عمر تمیمی در ولایت سیستان و حکم بن عمر ثعلبی در ولایت مکران ریخته ، و ساریه بن زینم باستقامت نسادر شمال ولایت طوس بحرکت افتاد ، افغانها در تمام طول این خط از جنوب مشرق بحیره خزر تا سواحل آبهای عمان در مقابل حملات اردوی عرب همان سیاست کجدار و مریز گذشته را رعایت و تا اندازه مقدور دست بجنگ دراز نمیگردند ، زیرا یزدگرد زنده و هنوز احتمال زنده شدن دوباره امپراطوری ساسانی موجود بود ، پس بیشتر با عرب از راه مفاهمه و مصالحه و ادای پول داخل شدند و اگر درین میانه جنگی واقع شد آنهم نسبتاً خفیف و زود گذر بود .

سال دیگر ( ۲۴ هجری ) امیر المومنین عمر ابن الخطاب رضیعنی یکی از بزرگترین فرماندهان جهان از دنیا چشم پوشید ، آنکه افسران خویش را از پیشرفت مزید در کشور افغانستان معطل و میفرمود : دوست داشتمی اگر بین ما و خراسان دریای از آتش فاصل بودی . باینصورت هفت سال دیگر سرحدات غربی خراسان آرام ماند ، زیرا اردوهای امیر المومنین عثمان ابن عفان مشغول پیشرفت در سواحل بربر و افریقا و ولایات قفقاز بوده ، فرصت سویقات در افغانستان نداشت ، در طی این مدت بود که وقتی مفصل در دست افغانها افتاد تا برای ازین بردن نفوذ ساسانی و پیشینی حملات آینده عرب سعی ورزند اینها گرچه منظور نخستین را عملی کردند ، اما از تشکیل یک دولت بزرگ خراسانی و یا اقلایک اتحادیه از تمام حکومت محلی افغانستان عاجز آمدند ، چونکه تخالف و تعدد ادیان ، مذاهب اداره و غیره قبلاً کار خود را کرده و موانع عظیمی در راه وحدت ملی ایجاد کرده بود ، و لهذا خراسانیان در دفاع کشور خویش در آینده بامشکلات زیادی مقابل شدند در هر حال یزدگرد در طی این مدت بایسرش فیروز در ولایات شمال افغانستان مشغول دست و پا و تجهیزات بود ، ولی نماینده او از دربار امپراطور چین ناکام مراجعت و عنذر امپراطور را از عدم امداد او بنام بعد مسافه تقدیم کرد ، لهذا یزدگرد از تخارستان به بلخ کشیده و فیروز را بجای خود گماشت حمله سوم سال ۳۱-۳۲ هجری :

افغانها در صد ازین بردن او و رفع تشویش آینده بودند که در سال ۳۱ هجری سویقات مجدد عرب زیر قیادت عبدالله بن عامر افسر مشهوری شروع شد ، واحنف بن قیس پیشدار عرب آنکه سابقه و تجربه در امور سرحدات غرب شمالی افغانستان داشت بزودی توانست طبعین را در سایه سیاست

کجدار و مرز خراسانیان از راه مفاهمه و صلح اشغال نمایند، مردم هنوز در مقابله جدی با عرب بواسطه زنده بودن یزدگرد تردد داشته و قسم بزرگت موافقت با عربی ها را پیشنهاد میکردند، از همه پیشتر ماهویه سوری حکمدار مرو ظرفدار مسالمت و مصالحت با قشون اسلام بوده و فوراً از مرو با عبدالله روابط دوستانه برقرار کرد، ابن عامر که مرد موقع شناسی بود ازین پیش آمد استفاده و علاقه های جوین، بحرآباد، اسفراین، خراف، باخر، جهان مرغینان، نسا، ابیورد، سبزوار و حتی شهر و مرکز مهم ابر شهر یعنی نیشاپور را یگان یگان در اثر سوقیات خود اشغال و نیشاپور را قرارگاه عمرمی واس الحركات عسکری اتخاذ نمود، این علاقه ها بعضاً بمصالحه گرائیدند و بعضاً دست بشمشیر دراز کردند، معینا چون دفاع بطور پراکنده به عمل آمد منتج ببلخه عرب گردید، ابن عامر با یفتوحان اکتفا نکرده مفرزه های متعددی بقومانده مجاشع بن مسعود و ربیع بن زیاد حارثی و عبدالله ابن حازم بولایات کرمان سیستان و هرات و همچنین بقطعه عسکر باستقامت سرخس حرکت داد، از همه پیشتر حکمدار هرات با تادیبه یک ملیون درهم نقد و قبول سالانه سه صد هزار درهم بمصالحه، نیشا مدلهنا اخف قوماندها عرب توانست از هرات راه پیشرفت خودش را بخط مرغاب و جوزجان باستقامت بلخ که مرکز یزدگرد قرار گرفته بود باز کند، و اما درجهبه سیستان قشون عرب در جنگ سه میلی زرنج غالب شده، و ایران بن رستم حکمدار محلی در بدل ادای هزار بنده و هزار جام زرین باریع قوماندها عرب بمصالحه برقرار کرد، ربیع بعد ازین تاخویش و بست پیشرفت ولی بامدافعات شدید اهالی دچار و بالاخره با عده از اسرا، بقرارگاه نیشاپور مراجعت کردستون دیگر عرب نیز در کرمان شهر سیرجان را اشغال کرده بود، باین ترتیب اینک نفوذ عسکری و سیاسی عرب در ولایات نیشاپور هرات کرمان و سیستان قایم شده و اخف سردار عربی بخط مرغاب حرکت داشت حکمدار بومی مرو والرود «بازان» بمقابله شتافته و بعد از جنگ میدان شهر بندی اختیار و در نتیجه مذاکره ماهک برادر زاده او با اخف مصالحه با عرب برقرار نمود، اخف به پیش کشید و در حدود مرو والرود با عده از عساکر مبی خراسان مقابل و در جنگ سختی فاتح گردیده بلافاصله بجانب گوزگانان حرکت نمود اینوقت بود که یزدگرد در مجال اقامت در بلخ نیافته جیحون را عبور و بولایت مرو شتافت اخف به بلخ رسید و پس از مصالحه با حکمدار بومی انجا جیحون را عبور و بقصد خوارزم حرکت نمود ولی شدت سرما او را بفسخ عزم وادار و لهندا بعد از مراجعه بلخ راه نیشاپور در پیش گرفت افغانها یزدگرد را کشتند و عرب حمله کردند:

افغانها میدیدند که نزدیک است کار از دست رفته و در عوض سانی سلطه عرب غرب و شمال کشور را فرا گیرد، لهندا بعجله دست به کار شده و باز از همه پیشتر ماهویه سوری حکمران مرو بهر نوعی بود یزدگرد را ازین برده و خطر زنده شدن امپراطوری ساسانی را رفع نمود و فیروز پسر یزدگرد

نیز مجبور شده بود تخارستان را ترك و برای همیشه در کشور چین ناپدید گردد. از بن بعد خراسانی ها که خویشان را از قید ساسانی ازاد و تورك و چین را عقب نشسته از کشور خود میدیدند، برای دفاع از عرب حاضر شدند، شهزاده گان تخاری و امراء، كوشانو، یفتلی که بحیث زمامداران محلی در قسمتی بزرگ از کشور دست داشتند بلافاصله بفعالت آغاز کردند، عربی ها یفتلی های افغانستان را هیطل و هیاطله خوانده و چون هنوز در عرق شناسی دستی نداشتند ایشا نرا گاهی تورك شناخته و گاهی هم بر استی عجم یعنی ( عناصر غیر عرب ) اعتراف کردند. بلاذری، ضبری ابن اثیر و غیره از مدافعین نیشا پور به عنوان هیاطله هرات، واز هیاطله طبرستان به تعریف تورك سخن میزنند، حتی اینها در جنگهای سیستان، قندهار و کابل هم از دستجات تورك در اردوی رتبیل شاهان کابلستان ذکر می کنند، پس مورخین دیگری از قبیل خوارزمی صاحب مفاتیح العلوم و نویسنده گمنام تاریخ سیستان و امثالها به تقلید از بلاذری و طبری مدافعین قندهار را (رخد و رخد عربی) تورك می شناسند، یکنفر دیگر از این قبیل مردم سید احمد نام مولف کتاب فتوحات اسلامیة در محارب سید بین عرب و اهالی قیقان (قلات بلوچستان) از مدافعین تورك یاد میکند، بهمین جهت است که گاهی مثلاً نیز که حکمدار بومی بادغیس تورك، و گاهی قارن هراتی بالشکورش تورك و گاهی هم رتبیل شاهان کابل با اردویش تماماً تورك معرفی گردیده اند در حالی که ما میدانیم نه اینها تورك بودند و نه پای جنس تورك مقارن هجوم عرب در این ولایات افغانستان رسیده بود، بلکه تورك آن قرن شش تا قرن هفت فقط در ولایت تخارستان آنروز نفوذ کرده بودند و بس.

در هر حال بعد از آنکه افغانها یزدگرد را در سال ۳۱ هجری کشتند در سال ۳۲ بعرب حمله کردند،

#### قارن هراتی:

از همه پیشتر مردی قارن نام از اهل هرات بجمع لشکری از داوطلبان ملی بادغیس و هرات پرداخته و بقرار گاه عرب در نیشا پور حمله کرد، هجوم قارن انقدر قوی بود که قیس بن هبثم و کیل ابن عامر فرمانده خراسان مفتوحه طاقت مقاومت ندیده باستقامت بصره حرکت کرده و اسراء زیادی بدست دشمن گذاشت، مورخین عرب تعداد عسکری قارن را چهل هزار نفر (شاید بامبالغه) قید کردند، قارن که عجالاً خودش را فاتح میدید دیگر از عرب هراسی نداشت، در حالی که هنوز افسر نامداری چون عبدالله ابن حازم در مقابل موجود بود، عبدالله تو انست در شبها خون ناگهانی بواسطه چهار هزار سرنیزه مشغول اردوی نیمه غافل قارن را سراسیمه نماید ولی قارن مردی نبود که خود از جارود لهذا شخصاً در میدان نبرد حاضر و انقدر شمشیر زد تا کشته شد و در نتیجه اردوی عرب از دشمن خطرناکی خلاصی یافت.

از دیگر ظرف مردم سیستان مثل هراتی ها برای دفع عرب حاضری دیده و نائب ربیع بن زیاد را قهراً اخراج و تمام قراردادهای سابق را زیر پا گذاشتند ، رجال عرب ملتفت اوضاع خراسانیان بوده و مجبور شدند برای تسخیر مجدد اراضی از دست رفته تشبثات جدی نمایند درینوقت آنها نیشاپور را در دست داشته و دیگر متصرفات خویش را از دست داده بودند ، عبدالله حازم عجلتا توانست سه چهار سال دیگر حکمرانی عرب را اقلاد در ولایت نیشاپور حفاظت کند ، ولی در سال ۳۶ ماهویه سوری حاکم محلی مرو آنکه یزدگرد را از بین برده بود بغرض استطلاع از چگونگی اوضاع عرب شخصا بدر خلافت سفر و از اختلافات داخلی و جنگی جمل مطلع و در عودت بلافاصله داخل عملیات دفاعی گردید ، مردم نیز سرحدات نیشاپور را در مقابل عرب مستحکم ساختند ، مرکز خلافت اسلام در سال ۳۷ جمعه بن هبیره را بصفت والی در نیشاپور اعزام کرد ، اما اهالی از قبول او استنکاف ورزیدند و جمعه مجبور بعودت شد ، متعاقبا خلید بن ابی سفيان با قوت کافی از دربار امیرالمومنین خلیفه چهارم رضی الله عنه در عرض جمعه سوق گردید ، ولی او نیز مجبور شد با نیشاپوریها و مرویها هردو مصالحه کند فقط باشرط اینکه دودختر از یک خاندان محتشم مرو بحضور خلیفه اهدا گردد ، از این بعد نفوذ عرب در حصص شمال مغرب افغانستان هم موضوع و مفعول می نداشت تا آنکه دولت اموی در شام مستقر و فتوحات اسلامی مجدداً آغاز گردید .

#### خلفاء اموی و افغانستان

##### در جبهه شمال

در سال ۴۲ خلیفه اولین اموی امیر معاویه ، قیس بن هبثم را در ولایت نیشاپور اعزام کرد قیس توانست پای عرب را درین ولایت محکم کند ، در سال ۴۷ حکم ابن عمر و غفاری حاکم جدید نیشاپور باستقامت ولایت هرات سو قیات و بواسطه المهل با ولایت غور داخل جنگی شد ولی کاری از پیش نبرده و مهلب فقط به نجات دادن خود از غور موفق گردید ، غفاری چون ازین جبهه نا امید شد به مرو چشم دوخته و چون ماهویه وجود نداشت مرو را اشغال و مرکز عرب قرار داد ، این اقدام غفاری از نظر سرق الجیشی بماوراءالنهر البته قیمتدار بود .

در سال ۵۱ ربیع بن زیاد حارثی با پنجاه هزار نفر خانه کوچ عرب وارد خراسان شما لی شده و مهجرهای متعددی تشکیل و باینوسیله ریشه های نفوذ عرب را بطور اساسی در صفحات شمالی افغانستان قایم نمود ، ربیع در قهستان با عساکر مدافع بادغیسی مقابل و در بلخ با حکمران بومی قرار داد قدیم الحنف را تجدید و خود بماوراءالنهر گذشت ربیع دو سال بعد از دنیا چشم پوشید و اخلاف او چون عبدالله زیاد ، سعید عثمان ، اسلم زراع ، عبدالرحمن -

زیاد تا سال ۶۱ کبار مهمی در خراسان شمالی انجام داده نوانسته و بیشتر بجنگهای ماوراءالنهر مشغول بودند. درین سال اخیری مسلم زیاد حاکم خراسان شمالی با انقلابات ملی د چار شد و گرچه نامبرده توانست مرکز این تحریکات را در یکی از شهرهای کوچک خوارزم در اثر سوقیات ناگهانی خویش از بین ببرد، ولی مرویان عزل او را از طرف خود اعلان کردند، مسلم مجبور شد به نیشاپور مراجعت کند و جانشین او عبدالله حازم مدتی با مرو و مروارود و یکسال با هرات مصروف جنگ ماند، اخیراً هم او در سال ۶۵ به تحریک مردم استقلال خراسان را اعلام نمود، عبدالله گرچه در سال ۷۲ در مقابل بکیر و شاح مغلوب و مقتول گردید ولی خود بکیر نیز پیروی از عبدالله کرده و استقلال امارت خودش را اعلان نمود، امیه سردار جدید عرب بعد از جنگهای سختی توانست در سال ۷۷ بکیر را از بین برده و دایرانه از مرو به بلخ سوقیات کند، اما در اینجا مغلوب و محصور شده و تنها توانست خودش را نجات داده در مرو برساند. در سال ۷۸ حجاج معروف مهلب را در خراسان شمالی و عبدالله ابی بکره را در سیستان اعزام کرد ولی نه او و نه جانشینان او چون یزید و مفضل تا سال ۸۵ کبار بزرگی انجام داده توانستند، تا اینکه مرد بزرگی چون قتیبه مامور اینکار شد، قتیبه در ماوراءالنهر تا فرغانه سوقیات کرد و افغانستان تا بلخ پیشرفت مگر بزودی دچار جنگهای سخت افغانی ها گردید.

نیزک با دغیسی و اتحادیه ملی : نیزک حکمران بومی بادغیس بر ضد عرب اتحادیه از حکام بومی صفحات شمال افغانستان چون جغویه شهزاده تخارستان، اسپهبد بلخ، باذان رئیس مرو و حکمداران محلی جوزجان، فاریاب، طالقان و غیره تشکیل و با کابلشاه داخل مفاهمه شده به ترتیب اوردو پرداخت، پس نماینده عرب از تخارستان اخراج و جنگهای سختی بین قتیبه و نیزک و حکمداران بومی در طالقان مرغاب، بغلان و سمنگان اندراب در گرفت، گرچه قتیبه توانست بجنگ و خدعه بالاخره نیزک را از بین بردارد، ولی بزودی نماینده او حبیب بن عبدالله باهلی از طرف مردم گوزگانان کشته، و حکمران شو مان به جنگ عرب حاضر گردید، قتیبه بعد از فتح این مناطق فاریاب را سوختاند و بارتیبل کابلستان قرار دادی امضاء نمود، ازین بعد پیشرفت قتیبه در ماوراءالنهر هم در داخله خراسان تا خوارزم دوام نمود. در سال ۹۶ قتیبه برخلاف خلافت عصیان و حیان بنطی خراسانی دشمنان خراسانی و عربی او را تائید و بالاخره در ضمن یک شورش و جنگ سختی قتیبه کشته شد و وکیع دشمن دیرینه عربی او جایش را گرفت، قرن اول هجری میرفت تمام شود ولی هنوز عرب در خراسان شمالی بدون از ولایات نیشاپور و مرو تسلط مستقیم و محکمی پیدا نکرده بود در حالیکه قسمتی بزرگ از روی زمین را در حیز اختیار خویش داشتند



یزید مهاب، جراح عبدالله، عبدالرحمن، سعید عبدالعزیز، سعید حرثی، اسلم سعید، ابن همه حکام خراسان شمالی تا سال ۱۰۵ بودند که بدون موفقیت اساسی فقط بامداراو مواسبا بامردم بسر بردند، اسد بن عبدالله خا کم جدید توانست تا سال ۱۰۹ مبلغین خاندان عباس را که برضد امپراطوری اموی در خراسان حمایه می شدند از بین به برد و در غرجستان و غور با اهالی رزم دهد گرچه نمرون خا کم بومی غرجستان مسلمان شد ولی اسد از اشغال غور عاجز ماند، اشرس جانشین اسد عوض خراسان بجنگهای ماوراءالنهر مشغول گردید، جنید خلف او در سال ۱۱۲ هژده هزار عسکر بولایت تخارستان اعزام کرد ولی معلوم نیست چه کاری در آنجا انجام داد، عاصم خا کم جدید بدر بار خلافت پیشنهاد کرد خراسان مستقیماً بعراق مربوط شود چو نکه اداره اش بشکل موجوده ناممکن است، خلیفه وقت در عوض جواب اسد سابق الذکر و خالد برادرش را اعزام نمود، اینها توانستند خداسا بنی طریقه خرمیه را که اذ دشمنان جدی امویها و در خراسان تمرکذ داشت از بین برده وهم در بلخ مجدداً سوفیات نمایند مگر اخلاف اینها چون جعفر، حنظله یوسف بن عمر، ونصر بن سیار هیچکدام نتوانستند قدمی در خراسان فراتر گزارند، اینوضع تا سال ۱۳۰ در افغانستان شمالی دوام نمود، در خا لیکه مردم خراسان از یکطرف در علوم اسلامی پیشرفته واز دیگر طرف در صدد اعاده استقلال کشور خویش بودند، سیامیون اینها چون در مدت یکقرن ازدفاع منفرد در مقابل شهنشاهی بنی امیه نا کام شدند، لهدا دست به تشویق وحمایه خاندان بنی هاشم زده وخواستند بنام دین، عدل وحق امپراطوری اموی را واژگون واستقلال افغانستان را اعلام نمایند.

درجهه غرب:

عربها ملتفت نیات و اعمال خراسا نیان بوده مجال فعالیت ایشا نرا سلب می کردند وهم بواسطه قرارگاهائی مختلف کشور افغانستان را در پارچه های مختلف تقسیم وزیر سوفیات قرار میدادند چنانچه بعد از وفات امیر المومنین خلیفه سیوم رض در سال ۳۵ عبدالرحمن بن سمره مکررا بجنگ ولایت سیستان پرداخته از زرنج به خواش، بست و زمینداور پیشرفت واز قندهار تاغزنی و کابل سوفیات نمود مهاب قوماندان دیگر اینشخص تا قند ایبل در بلوچستان رسید گرچه عبدالرحمان مردبزرگی برده و در اسفا رسه ساله خویش بعد از جنگهای صعبی بامردم افغانستان فتوحاتی هم نمود، ولی در آخر کار از اینکه زرنج را در سیستان قرارگاه عسکری اتخاذ کند عاجز شد و لهدا وکیلی از خود گماشته و به دربار خلافت مراجعت کرد، اخلاف این شخص چون عبدالرحمان بن جزالطائی، ربیع بن کاس عنبری در سیستان از احراز کدام موفقیت مهم نا کام ماندند، ربیع حارثی در سال ۴۳ نیز از حمله که در قندهار نمود نتیجه نگرفت، وعبدالله ابی بکر جانشین او اینقدر توانست که در رخدا عساکر تربیل کابلستان جنگیده وقرار دادی باوامضاء کند، عباد

## د کابل کالنی

مفتش	ص ، امیر محمد خان
»	» ، محمد آصف خان
»	» ، خواجه گلبدین خان

### د سپورت او حفظ الصحی ریاست :

رئیس	ع ، ص فاروق شاه خان
د سپورت مدیر	» ، محمد محسن خان
د شفا خانې سرطیب	» ، عبدالرحیم خان

### اداری شعبې :

د اجرائیې او امامو رینو عمومی مدیر	ع ، محمد مرید خان
د کنترول عمومی مدیر	» ، غلام سخی خان
دموژی او حفرياتو عمومی مدیر	» ، احمد علیخان « کهزاد »
داوراقو مدیر	ص ، عبدا لئی خان
مرکزی مربوطه دواړه :	
د پو هنتون ریاست :	

درئیس کفیل	ع ، ص دکتور عبدالعجید خان
------------	---------------------------

### د طبیبی دفا کواټی ریاست :

درئیس کفیل	ع ، ص غلام فاروق خان
معاون	ص ، داکتر عبدالرحمن خان

### د حقوقو او سیاسی علومو فاکولته :

درئیس کفیل	ع ، ص عبدالحکیم خان
معاون	ص ، محمد اکبر خان

### د سائنس د فاکولتی ریاست :

درئیس کفیل	ع ، ص محمدیو سف خان
معاون	ص ، محمدیو نس خان

بن زیاد عین این رفتار را تکرار نمود، و مردم سیستان در سال ۶۰ اور را خر ۱ ج و طومار نفوذ عرب را در سیستان فروچیدند اما عربها مردمی نبودند که باین سهولت نقشه خویش را تبدیل کنند، لهذا در سال ۶۲ یزید و بو عبیده بن زیاد مجددا وارد سیستان و حتی بکابل عسکر کشیدند ولی کابلی ها جنگ سختی نموده یزید را کشته و بو عبیده را اسیر گرفتند طلحه ها کم جدید سیستان توانست نیم میلیون درهم بهر تبیل کابلستان پرداخته اسراء عرب را خلاص کند، طلحه و عبدالله پسرش هر دو در سیستان با شورش مردم دچار گردیدند تا آنکه عبدالعزیز حاکم عبدالله بن زبیر رقیب خلیفه اموی وارد سیستان شده و بکابل عسکر کشید ولی او نیز از طرف اردوی کابل زیر فشار و خطر قرار گرفت فقط همت عمر بن شان العاری افسر دلیر اسلام بود که عبدالعزیز و بقیه السیف اردوی او را از جنگ کابلی ها نجات داد، بعد از چندی امیه بن عبدالله حاکم جدید عرب بعین این سر نوشت گرفتار و مجبور شد سه صد هزار درهم و عهدنامه بهر تبیل کابلستان تقدیم خودش را از میدان نبرد خلاص کند موسی بن طلحه تا سال ۷۵ دست و پای بسته در سیستان نشسته بود تا آنکه عبدالله در ۷۸ با اردوی اعزامی حجاج وارد سیستان و بلافاصله در مقابل رتبیل شاه بجنگ بست اقدام نمود ولی رتبیل او را مغلوب و محصور و پس از اخذ هفت صد هزار درهم با بقیه السیف اردویش را گردانید اینست که حجاج متغیر شده و ده هزار عسکر منتخب از صنادید و اشراف عرب در تحت قادت عبدالرحمن بن اشعث به سیستان سوق نمود و این همان عسکر است که از کثرت تجمل و لوازم لشکر صاوس خوانده شد و در هر حال این اردو در راه کابل بغلت سردی و صعوبت راها از حمله باز مانده و بالاخره بر ضد حجاج عصیان و به تحریک رتبیل کابلستان به استقامت فارس و عراق مارش نمود، عبدالرحمن بعد از جنگهای متعددی با حجاج اخیراً در سال ۸۳ مغلوب و بدر بار کابل پناهنده شد.

عمار حاکم دیگر عرب در سیستان کاری انجام نداده و مسمع در ۸۶ گرفتار جنگهای ابوخلده قائد شورشیان سیستان گردید، در سال ۸۸ عمرو برادر قتیبه معروف وارد سیستان شده و در بست عسکر بجنگ کابل شاه کشید ولی رتبیل او را به عطیه هشت صد هزار در هم راضی ساخت، بعد از کشته شدن قتیبه سائر حکام عرب در سیستان چون عبدر به، نعمان مدرک، سبک عبدالرحمن بن عبدالله و عمر بن هبیره هیچ کار تازه انجام ندادند، بلکه مردم در سال ۱۰۷ امیر شرط عرب (رئیس پلنس) بشر الحواری را کشتند و قضا را نیز از عرب منفصل و بیکی از علماء بومی معمر بن عبدالله محدث سیستانی دادند. در سال ۱۰۹ اصفح شیبانی حاکم و محمد بن جحش قوماندان نظامی عرب در سیستان در جنگ بارتبیل شاه مغلوب و مجبور به مراجعت گردیدند، و در سال ۱۱۱ ضدیت مردم با عرب فوت گرفت، در سال ۱۱۶ فتنه های خفته بیدار گشت، و در سال ۱۳۰ شورشیان سیستان سوار بن اشعر حاکم اموی را کشتند، و در سال ۱۳۱ هجری حاکم دیگر عرب را با استقامت شام اخراج کردند.

## در جبهه جنوب:

عربها بار اول در سال ۲۳ هجری بسر کرده گی سهل بن عدی و عبدالله بن غسان و حکم بن عمر ثعلبی بولایت کرمان و بلوچستان غربی یا مکران ریختند ، کرمانشاه در جنگ با عثمان ابن عاصی کشته شد و بعدها کرمانیان با عرب مصالحه و مجددا در سال ۳۱ با هجوم مجاشع بن مسعود که عزیمت سیستان داشت مقابل و بعد از زد و خورد های متعدد دی شهر سیرجان را از دست دادند ، متعاقبا ربیع بن زیاد اطراف شیرجان را تسخیر و با مردم قراردادی امضاء کرد ولی اهالی هم بزودی شورش کردند و ربیع انرا خاموش ساخته جبرفت را هم اشغال نمود ازین بعد چون کرمان همسایه بلا فصل متصرفات عرب در کشور فارس بود همیشه زیر فشار عرب قرار داشته و در مدافعات خود ناکام و اهالی اکثر بولایت سیستان و بلوچستان پناهنده شدند عرب هائیز در کرمان تمرکز اختیار کردند و امداد بلوچستان عربها بفرمان امرالمومنین خلیفه ثانی از مکران تجاوز نکردند ، مغیره ابن عاص تا دیل بندرگاه شرقی بلوچستان رسید ولی در جنگ باد یوایچ افسری که از سندر سیده بود کشته شد ، در سال ۳۹ حارث بن مره در بلوچستان شرقی تا قیقا نان پیشرفت اما اونیز با عسکرش در حدود قلات حالیه از دست مردم کشته شدند ، مهلب سر دارمشهور عربی در سال ۴۴ تا بنته واهوار و قیقان رسید ولی او هم در آخر جنگهای بی نتیجه مجبور بمراجعت گردید عبدالله ابن سواربار دیگر بسو قیقات پرداخته و عاقبت بدون اخذ نتیجه قطعی به مکران رجعت کرد ، بلوچها در مکران هم بشورش هاقیم کردند تا سنن بن سلمه ایشان را مغلوب ساخت پس ازین راشد بن عمر و تاقیقان عسکر کشید و فتحی نمود مگر در عودت از حملات مردم کوهمندر و بهرج جان بدر نبرد ، عربها دنبال حملات خود را راها نکردند و باز از جبهه قندهار و سیستان در علاقه کیچ بلوچستان هجوم نمودند اما نتیجه همان کشته شدن قوماندان عرب و شکست عسکرایشان بود و بس در سال ۶۱ مندر بن جارود در بلوچستان بتاخت و در بوقان و بقیان حرب و قصدار را فتح کرد اینست که بالاخره پای عرب در بلوچستان محکم گردید ، عربها سعی زیادی در تر ویج دین اسلام نموده و بلوچستان را در دو حصه غربی و شرقی تقسیم و اولی را مکران و دومی را توران خواندند ، در قرن دوم هجری قسمتی از بلوچستان دین اسلام اختیار کرده بودند ، و عربها بعد از پیشرفت در بلوچستان متوجه ولایت سند شدند .

## در جبهه شرق

اینوقت صفحات شرقی افغانستان زیر اداره حکام محلی زندگی می نمودند کشمیر - شاهان در ولایت کشمیر فرمان میبدادند ، و در جنوب کشمیر تاجر عرب ولایت وسیعی تحت فرمان امراء بومی سند قرار داشت ، سند در چهار علاقه : برهمناباد ، سیوستان - اسککنده و باتیه و چیچ پور . و ملتان تقسیم و مرکز اوشهر معمور « اورور » بود

نخستین بار در سال ۱۵ هجری عثمان ابن عاص عازم بحرین شده بجانب عمان شتافت  
مغیره برادر این شخص قوماندان بحرین گردید ، و کشتی های عرب در دریا انداخته شد ،  
عربها در بندر گاه دیبل بین بلوچستان و سند آ نروز پیاده شدند و در جنگی که بین آنها  
و مردم واقع شد مغیره در دست افسر سندی د یوانج کشته گر دید ، حجاج معروف  
سوقیات در سند را تکرار نمود ولی افسر او بدیل در جنگ دیبل بدست جیسه پسر حکمران  
سند کشته شد ، ایست که حجاج متغیر شده محمد بن قاسم ثقفی داماد پسر جوان و سخت  
دایر خودش را در جبهه سند اعزام نمود ، محمد قاسم از راه شیراز و بحر یه او از  
راه دریا باستقامت بندر دیبل حرکت کرد ، قاسم دوازده هزار عسکر و سه هزار بار کش  
داشته و از راه مکران وار مائیل ( جنوب غربی بلوچستان کنونی ) وارد دیبل گردید مردم  
دیبل نه روز بجنگ پرداخته و بالاخره بیرق چهار ز باه حریر سبز قله معبد در ار تفاع  
هشتاد زرع از انداخت منجنیق عروسک که پنجمصد نفر عمله و صله نر و ماده آ نرا میکشید  
تباه و مردم دل شکسته مغلوب شدند ، عرب بامر حجاج سه روز کشتار عام و هفت صد زن  
جوان و مرصع و خدمه معبد را اغتنام نمودند ، ازین بعد محمد قاسم نیرون و سیوستان و بودیه  
را یگان یگان از حکام محلی چون سمنی ، بجره ، او ، کوتک فتح نموده در کناره آب  
مهران اقامت اختیار کرد ، داهر حکمدار سند بجنگ پرداخته و اخیرا در ر مضان ۹۳  
در میدان جنگ کشته گردید و قلعه را ور بدست عرب افتاد محمد قاسم در شش ماه دیگر  
برهمنادر بعد از جنگهای خونینی اشغال ، و در دوماه ملتان را از گندارای مدافع  
شهر تحویل گرفت ، باین ترتیب محمد قاسم جوان در فهرست قهرمانان جوانان اسلام داخل  
و ولایت سند و ملتان جز ، امپراطوری عرب گردید .

اما حجاج در ۹۵ هجری بمرد و سال دیگر محمد قاسم از طرف خلیفه جدید سلیمان احضار  
و در عراق ضربت و شکنجه هلاک گردید ، یزید بن ابی کبشه جانشین محمد قاسم ه ر ده  
روز در سند نگه داشته فو ت و جایش را حبیب بن مهلب گرفت ، حبیب در کناره جیلم مجبور  
بجنگ شورشیان ملی گردید ، و بعد ها حکام سند این نوع جنگها در پیش داشتند ،  
عمرو بن مسلم حاکم دیگر سند بود که در سوا حل جیلم بجنگ اهالی گرفتار شد ،  
در خلافت یزید بن عبدالملک حاکم سند باز بجنگ اهالی سند و بلوچ گرفتار و عر بها  
در قند ایبل تلفات بسیاری دادند . جنید بن عبدالرحمن حاکم دیگر سند مدتها مجبور بود  
با اخلاف داهر حکمران بومی سند بجنگد ، بعد از تمیم بن یزید ، حکم بن عوانه حاکم  
سند شد ولی مردم ترمذ و ارتداد کرده بودند ، این اوضاع تا سال ۱۳۱ هجری در ولایت  
سند دوام داشت . بعد ها در همین قرن و عهد امپراطوری عباسی بود که هشام بن عمر و ثقفی

عامل خلیفه منصور عباسی حاکم سند گردیده و در نتیجه سوقیات این شخص نامدار ، اسلامیت و نفوذ عرب تاداخل ولایت کشمیر پیشرفت .

ابو مسلم خراسانی :

از ورود عرب در خاک افغانستان یکصد و هشت سال میگذشت درصی این مدت سه نسل از ملت عرب و افغان مشغول نبرد سیاسی و نظامی بودند امپراطوری اموی که قسمتی بزرگ از روی زمین را در آسیا ، آفریقا و اروپا اشغال کرده بود از تسخیر قطعی و عمومی افغانستان عاجز آمد افغانها هم بعلمت تشکیلات متعدد ملکی و تشتت قوای ملی در قیام حکومت ملی ناکام ماندند اینست که مردی قوی در افغانستان ظهور و قوای پراگنده قوم را جمع و بیک استقامت بحرکت انداخت این شخص ابو مسلم عبدالرحمن مشهور متولد در سال ۱۰۲ هجری از اهالی قریه سید دژمر بو ط به شهر انبار (سرپل کنونی) و رأس القنطرة عرب در شرق شهر یهو دبه یا مینه موجوده بود ابو مسلم بعد از تحصیل درسین شباب قدم در خط سیاست گذاشت و بزودی مرکز عده بزرگ از مردان خراسان زمین قرار گرفت او بعد از تشکیلات باقاعده بزودی در داخله کشور عصیت و نزاع قبایل مختلفه عربی چون ازدی و تمیمی و قیسی را که بشعب جدا گانه یمانی و مصری منسوب بودند اشتعال ، و در خارجه از عداوت خاندان بنی هاشم و بنی امیه استفاده سیاسی کرده بالاخره در رمضان سال ۱۲۹ لقب شهنشاه و شعار سیاه قبول و انقای خلافت خاندان اموی را اعلان نمود ازین بعد ابو مسلم به دفع عرب هائی که مخصوصاً هواخواهان اموی بودند مشغول و بسرعت حیرت بخشی تمام ولایات تحت نفوذ عرب را در افغانستان از وجود آنها خالی نمود . حکام ابو مسلم در تخارستان ، بلخ ، جوزجانان ، غرjestan ، هرات ، نیشاپور ، سیستان ، بلوچستان و سند فقط در مدت دو سال توانستند نفوذ و تشکیلات نظامی عرب را ازین برده و ادارات ملی برقرار نمایند ازین بعد اردوی خراسان باستقامت کشور فارس مارش و بعد از استیلای انجا عراق را اشغال و امپراطوری معظم اموی را و از گون نمودند و اوراء النهر نیز متعاقباً در اثر سوقیات ابو مسلم تامین گردید و باین ترتیب برای بار اول یکدولت بزرگ اسلامی افغانی تشکیل یافت که بواسطه تعیین خاندان عباسی بخلافت اسلام معنا بر تمام امپراطوری وسیع اسلامی فرمان میداد ولی متأسفانه این دولت بزرگ خیلی مستعجل بود ، زیرا در شعبان سال ۱۳۷ هجری ابو مسلم در حالیکه در مرکز خلافت با خلیفه دست نشاند خود منصور عباسی ملاقات میکرد به تیغ خدعه از پادر آمد و مجدداً دست حمایت و سلطه عرب در کشور خراسان دراز شد .

خلفاء عباسی و افغانستان :

در دوره خلفاء راشد و امراء اموی دین اسلام و علوم تفسیر ، حدیث و فقه با قبایل و عشایر عرب یکجا

د افغانستان داخل و در مدت یک قرن توانست در قسمتی از مملکت قبول گردد ابو مسلم که میدید مسلمانان افغانستان از عرب اموی بیشتر و بهتر طرفداران و گرویده گان قرآنند و سلطه آنها تمام از راه دین نی بلکه یک سیاست مستعمراتی است لذا نامبرده در طرد و از بین بردن نفوس عرب اموی اقدام و حتی افراط کرد. اینست که بعد از آنکه امیر اصروری اموی دیگر در افغانستان قدرت و قوت انسانی عرب مثل گذشته وجود نداشت، و تمام امور عسکری و ملکی در دست رجال کشور افتاد مثلاً در اواخر قرن اول هجری (۹۶) تنها در خراسان شمالی پنجاه و سه هزار عسکر مسلح عرب بقرار ذیل وجود داشت :

از بصره	۹۰۰۰	از بکر	۷۰۰۰
تمیمی	۱۰۰۰۰	قوم عبدالقیس	۴۰۰۰
قوم ازد	۱۰۰۰۰	از کوفه	۷۰۰۰

اگر تعداد نفوس و عسکر عرب در سایر ولایات افغانستان از قبیل سیستان، بلوچستان، و سمنند به ارقام فوق اضافه شود مقدار قوت انسانی عرب در حصص مفتوحه افغانستان معلوم میشود، ولی وقتیکه ابو مسلم از بین رفته و مجدداً نفوذ امیر اصروری عباسی در افغانستان قایم شد دیگر انقدرت عسکری عرب وجود نداشت و خلفاء مجبور بودند بر عکس عهد اموی با افغانستان از در مدارا و مساوات بیشتری پیش آیند، مخصوصاً در حالیکه افغانها در علوم اسلامی و تهذیب قدیم برتری داشته و اینک خود موسس خلافت عباسی بشمار میرفتند و رجال افغانی در داخله کشور و هم مملکت عرب رشته های امور در دست داشتند معیناً نفوذ عرب عباسی در حصص مفتوحه افغانستان هفتاد سال دیگر طول کشید، سفاح اولین خلیفه عباسی از سال جلوس تا زمان مرگ ۱۳۲-۱۳۶ در امور کشوری خراسان بی اختیار و در مرکز خلافت بیشترین امور دولت در کف اقتدار وزیر نخستین خراسان خالد بن برمک بود. منصور جانشین سفاح چون بقتل ابو مسلم از تکاب کرده بود تا وقت فوت خودش ۱۸۵ بطور متمادی دچار مخالفت و جنگهای افغان در شمال و غرب کشور گردید، حکام این شخص از قبیل ابی داود، خالد، عبدالجبار و خازم خزیمه هیچکدام در خراسان شمالی کاری انجام داده نتوانستند، حتی محمد و مهدی پسران خلیفه نیز که اسماً حکومت خراسان یافتند تأثیری درین مملکت نداشتند، و رجال خراسان زمین یکی پی دیگری آتش انقلاب و مخالفت بر ضد عباسی ها افروختند.

سنباد : اولین مرد افغان که بعد از ختم تراژدی ابو مسلم قد برافراخت فیر و ز ملقب به سنباد از اهالی قریه هر دانه در غرب هرات بود، این شخص در سال ۱۴۲ تقریباً ده هزار داو طلبان ملی جمع و به نیشا پور حمله و بعد از جنگ های متعددی قومس وری را بعلاوله نیشا پور اشغال و خزان ابو مسلم را متصرف و خودش لقب سپهبد اختیار کرد، سنباد بعد از قتل و اغتنام

نفوس و اموال عرب قصد عراق و حجاز کرد، خلافت عباسی از دوی کافی بقیادت جمهور بن مرار بخطر ری سوق و مهدی پسر خلیفه او را تقویه نمود، در جنگی که بین ری و همدان وقوع یافت سنباد مغلوب و بغرض تجهیزات ثانوی در طبرستان عقب نشست ولی سپهبد طبرستان مهمان خودش را بخیمانت کشته و عباسیهارا از مصیبت بزرگی نجات داد.

خلیفه عباسی میخواست نفسی براحت بکشد که دسته دیگری از خراسانیان در مرکز خلافت شوریده و خلیفه را محصور ساختند تا معن بن زائده بکومک اورسیده و این دسته را که راوندیه نام گرفته بودند متفرق ساخت، خلیفه معن زائده را در برابر این خدمت بجکومت سیستم اعزام کرد ولی افغانها مجال نداده او را در قصر حکومتی سیستم شکم دریدند. دوسال از حرکات سنباد نگذشته بود که مردم بست و قندهار نیز انقلاب کرده و بازهیر بن محمد از دی قوماندان اعزامی خلافت رزم سختی دادند.

استادسیس هراتی: در سال ۱۵۰ هجری استادسیس بادغیسی ظهور و با اتفاق رفیق خودش حریش سیستمانی لشکری جمع و استقلال خراسان را اعلان نمود، دولت عباسی سیاست دیرینه خویش فوراً کلمه زندفه را بگردن ایشان بسته و حتی مسلمانان افغانستان را نیز برضد آنها تحریک نمود از ان جمله اجشم مرغابی با این هموطن خویش رزم داده و سرخورد در میدان جنگ گذاشت، خلیفه عباسی ۲۴ هزار عسکر در مرو اعزام و بجنگ استادسیس پرداخت استادسیس بعد از دادن تلفات زیاد محصور و بالاخره اسیر و دربار عباسی از بین رفت، مرجله دختر همین آدم بود که زن ها رون و مادر مامون گردید.

محمد و آذرویه: مردم سیستم مقاومت و مخالفت خود را برضد عرب عباسی دوام داده و محمد بن شداد قائد آنها از بست بجنگ پسر خلیفه منصور که حاکم سیستم بود پیش شد، یزید پسر خلیفه در جنگ مغلوب و فراری گردید، و در سال ۱۵۱ مردم زرنج انقلاب کرده معن زائده سابق الذکر را کشتند.

حکیم مقنع هروی: در سال ۱۵۸ حکیم بن عطا معروف به مقنع که از اهالی کاریز بادغیس بود ظهور و لشکری جمع و بنام سفید جامه گان موسوم نموده خودش را جانشین ابو مسلم معرفی کرد، مقنع که همیشه نقابی از طلای ناب بر روی خود میکشید قلعه نظامی در نواحی «کش» آبادومرکز اختیار کرد، قصه ماهنخشب نیز منسوب بهمین آدم است. در هر حال خلیفه منصور درینوقت از دنیا بادل پریشان چشم پوشید و مهدی پسر و جانشین او در مقابل مقنع بسو قیات پرداخت، مقنع تا سال ۱۶۱ عسکر بسیار عرب و سر دارانی چون حسان بن تمیم و محمد بن نصر و غیره را در جنگها از بین برد، اخیراً معاذ بن سلم و عقبه ابو سعید بالشکر مکملی و ارد منطقه جنگ شده و حکیم مقنع مغلوب و محصور گردید اما او خود و فامیل خویش را بکشت.



یوسف هراتی : بعد از ختم قضیه مقنن مرد دیگری یوسف ابرم نام در هرات ظهور و به ترتیب لشکری پرداخت ، یوسف علاقه های پوششنگ ، مرغاب و میمنه را نیز اشغال کرد ، یزید بن مزید حاکم عربی خراسان شمالی مجبور بود جنگهای صعبی با یوسف نماید ، ولی یوسف در یسکی ازین جنگها در رزم دست و گریبان اسیر و به بغداد گسیل و در آنجا با سائر روساء اسیر و انقلابی افغانستان یکجا اعدام شد .

حضین بن رقاد سیتیانی : بعد از ظهور و فعالیت ابو مسلم و تائیدات شمال

و غرب و شرق مملکت قبایل بنی تمیم عرب که در سیستان جا گرفته بودند بر ضد ابو مسلم اغتشاش و عصیان نمودند ولی بزودی بو عاصم مرد بستی شورشیان را مغلوب و حکومت سیستان را در دست خود گرفت ، بعدها بو عاصم در جنگ با سلیمان کندی افسر اعزامی خلافت عباسی از بین رفت و کندی که مرد ناواری بود در سال ۱۳۸ تبیل کابلستان را در بست عقب زد ، ولی در سال ۱۴۱ حضین مردی از قصبه رون و جول ظهور و با کندی دست و پنجه نرم کرد ، و در سال ۱۴۶ مردم یزید بن خلیفه منصور را فرار کردند ، و در ۱۵۲ معن زائده را کشتند . آنکه توانسته بود در جنگ قندهار ماوند امداد تبیل کابلستان را گرفته و در بغداد بفرستد اینست که خلافت عباسی بتدریج ملغی شده و دانست که در افغانستان حکومت کردن فقط بسایه قوت ممکن نیست و لهذا رویه آرا متری اختیار و رجال خراسانی را بامور کشوری ایشان دعوت کردند اینست که در سال ۱۵۹ هجری از طرف خلیفه مهدی ابو عون عبدالملک بن یزید خراسانی بصفت نائب الحکومه خراسان شمالی مقرر شد ، و باز بعد از سال ۱۶۳ ابو العباس فضل بن سلیمان الطوسی با بن سمت نامزد گردیده خلیفه هادی که در سال ۱۶۹ بخلافت عباسی رسید بزودی از دنیا گذشت و تأثیری در اوضاع خراسان زمین نه نمود ، جز آنکه تمیم بن سعید حاکم او در سیستان توانست از بست به رخد کشیده و در جنگ بار تبیل کابلستان برادر او را اسیر و در عراق بفرستد .

هارون الرشید و افغانستان : در سال ۱۷۰ هجری هارون بخلافت رسید و او بزرگترین

خلفاء عباسی است که نهیب او نصف زمین را میسرزاند و دولت بازنطین باو خراج میپرداخت ، حاکم هارون در خراسان شمالی در سال ۱۷۱ یکنفر از مردان خراسان جعفر بن محمد طوسی و در سال ۱۷۳ عباس بن جعفر مذکور بود ، گرچه بعدها هارون خالد الغطریف را در سال ۱۷۴ و متعاقباً رشید و در سال ۱۷۶ حمزه بن مالک را باین مأموریت اعزام کرد ولی دیگر ممکن نبود ایالات افغانستان را بدون فرزندان اینخاک اداره کنند لهذا در سال ۱۷۷ فضل بن یحیی برمکی مرد معروف افغانی باین صفت وارد وطن آبائی خویش گردید . و او بود

که امور اداره را اصلاح و قلوب مردم را متسلی و عمرانات زیادی نموده و اور دوی از مردم کشور بنام عسکر عباسی تشکیل کرد که اسماء ایشان در دفتر مستدیم بغداد ثبت شد بعضی مور خین تعداد این اردو را که بغرض تقویّه آئینده خراسان آماده شده بود نصف میلیون میدانند، و این همان اردوئی است که آوازۀ او پایتخت خلافت را فرا گرفته و شعراء عرب چون مروان ابی حفصه قصابی در اوصاف اوسرودند. در سال ۱۷۹ منصور بن یزید حمیری و در سال ۱۸۰ علی بن عیسی بن ماهان به حکومت خراسان شمالی رسیدند ولی این آخری تعصب عربی زیاد داشت و با مردم وضع درشت اختیار کرد، البته افغانیان تن در ندادند و در سال ۱۸۲ یحیی پسر اورا در بلخ از تیغ کشیدند و سی میلیون دارائی خودش را اغنام نمودند، هارون از علی انتقام گرفت و نام حکومت به جعفر بر مکی برادر فضل سابق الذکر گذاشت هارون مامون پسر خویش را اسماً حاکم افغانستان مقتوحه مقرر و نائب او هرثمه بن اعرین در سال ۱۹۱ وارد خراسان شمالی و در سال ۱۹۳ عباس بن جعفر خراسانی باین مقام نائل گردید.

گرچه امپراطوری عباسی بیشتر یکدولت خراسانی و باز بین الاسلامی بوده دیگر عصیت و غرور عربی مثل دوره اموی وجود نداشت و مردان خراسان حتی امور صدقات خلافت و فرماندهی سپاه در دست داشتند مع هذا مردم افغانستان در داخلۀ کشور از سیادت عباسی بیزار بودند، در جلوس هارون مردم سیستان انقلاب کرده کثیر بن سالم حاکم عربی را کشتند و حکام آینده هارون مجبور شد ندبامردم از راه تواضع و فروتنی پیش آیند، تنها عثمان بن عامر حاکم هارون توانست تاقدها رسو قیات و برخلاف ترتیل کابلستان جنگ بی نتیجه نماید، عثمان قائد شورشیان ملی بشر بن فرقۀ سیستانی را نیز از بین برداشت ولی حوضین سیستانی که با سواران خویش دائمیان بست و سیستان حرکت و برضد حکام عرب فعالیت میکرد در جنگ عثمان را ناکام گردانید هارون بعجله یکی از مردان سیستانی داؤد بن بشر را بحکومت سیستان منصوب نمود و او بود که سیستان را تأمین و مردی چون حوضین را از بین برداشت آنکه باششصد نفر سوار خویش چندین هزار عسکر مدافع حاکم عربی خراسان شمالی را مغلوب نموده بود حوضین در سال ۱۷۷ کشته شد و فضل برمکی در سال ۱۷۸ داؤد را معزول کرد یزید بن جریر حاکم جدید سیستان در سال اخیر الذکر در رخد سو قیات و از آنجا دیرانه بزابل و کابل گذشت مگر در جنگ کابل شاه سودی نبرده مراجعت کرد، عیسی جانشین یزید در سال ۱۸۲ این اقدام را تا کابل تکرار کرد مگر او نیز در نیل بمقصد ناکام ماند.

امیر حمزه بن عبدالله: درینوقت مرد بزرگی در سیستان ظهور کرد و او حمزه بن عبدالله

بود از مردم قریه رون و جول، حمزه عدۀ از میلیون را بدور خود جمع و در سال ۱۸۲ با لای عیسی بن علی حاکم هارون حمله و کشتار دهشتناکی نمود، عیسی مجبور بفرار در خراسان

شمالی شد و حمزه لقب امیر اختیار کرد، حمزه در زرنج تمرکز و مردم را ازاداء باج به بغداد معاف نمود، از آن بعد حمزه تا هرات سو قیات و در بشنگک با عیسی فراری رزم سختی کرد و قتیکه حمزه به سیستان عقب کشید عیسی تا زرنجک پیش آمد و در انتقام بسی افراط کرد امیر حمزه مجدداً به تعقیب او تا پو شنگک کشید و در کشتن اعراب عباسی هیچ فرو گذاشت نکرد، پس ازین در نیشاپور به علی بن عیسی ماهان حاکم خراسان شمالی حمله و بعد از جنگ سختی در سال ۱۸۸ سیستان مراجعت کرد، حکام عباسی در سیستان مجبور شدند از اخذ خراج خود داری و فقط بخواندن نام خلیفه وقت در خطبه اکتفا نمایند و قتیکه دربار عباسی حکام جدیدی اعزام میکرد هم پذیرفته نمی شد چنانچه سیف بن عثمان و حکم بن سنان قبول نشدند، امیر حمزه نیز با چندین هزار عسکر سوار و سیار خویش در سر تا سر سیستان حرکت و اوضاع امور را نظارت مینمود. و قتیکه خلیفه هارون الرشید شخصاً بغرض تأمین کشور خراسان از بغداد حرکت و در گرگان رسید مکتوباً امیر حمزه را تهدید و جوابی شدید از او دریافت، متعاقباً حمزه باسی هزار سواره قران خوان ویر هیزگار بعزم رزم خلیفه حرکت کرد امیر حمزه داخل نیشاپور نشده بود که خبر گرفت امیر المومنین در شب سه شنبه سوم ربیع الآخر سال ۱۹۳ چشم از دنیا پوشید، لهذا حمزه که نمیخواست با اردوی عزادار عرب آویزد بر گشت و باستقامت بلوچستان و سند بغرض اشاعه دین اسلام حرکت و بعد از چندین سال مسافرت در سال ۱۹۹ هجری هنگام خلافت مامون بن سیستان مراجعت نمود، در غیاب حمزه و کیل او با پنجهزار سوار خویش مصروف احتساب و نظارت امور سیستان بود، اما حکام خلیفه مامون چون زهیر بن مسیب و فتح بن سهل در سالهای ۱۹۳- ۱۹۴ در سیستان ناکام گردیدند، گرچه موخرالدکر توانست محمد بن حنین قوسی حاکم قدیم سیستان را در رزم مغلوب نماید ولی بزودی بو عقیل و کیل امیر حمزه بتلافی مافات برخاسته حاکم و قشون مأمون را منهزم گردانید، حکام آینده مامون چون اشعث، لیث و احمد که تا سال ۱۹۹ (زمان مراجعت امیر حمزه به سیستان) یکی یکی دیگری وارد سیستان شدند نیز همه به جنگهای حرب بن عبیده خواشی سیستانی گرفتار ماندند، حاکم آخری مأمون در ورود امیر حمزه به او تسلیم شد و لهذا حمزه حرب بن عبیده خواشی را ازین برداشت، ازین بعد تا سال ۲۰۵ حکام عرب در سیستان برای نام و خواندن خطبه بعنوان خلیفه اسلام بوده دیگر نفوذ و اقتداری در امور ولایت نداشتند، تنها مردم در عوض مالیات و باج قدیم مصارف شخصی حکام مذکور را بقدر کفاف میدادند و بس.

آل برمک و سهل : گفته شد که افغانها یکقرن با امپراطوری بزرگ اموی مجادلات

سیاسی و نظامی خویش را دوام دادند تا بالاخره ابو مسلم خراسانی ان شهنشاهی عظیم را ازین در آورده و دوات عباسی را بمیان آورد. ازین بعد نفوذ افغانها در عرب قوت گرفت تا جائیکه

ثالث عساکر مرکز خلافت را سپاه خراسان تشکیل میکرد، ایجاد وزارت در دربار عباسی امور امپراطوری اسلام را در کف تدبیر و اختیار خاندان برمکی افغان گذاشت، جعفر اولین مرد اینخاندان بود که در اواخر قرن اول هجری در دربار سلیمان خلیفه اموی نفوذ کرد، ابو خالد برمک بن برمک مرد دیگری از اینخاندان است که در اوایل قرن دوم هجری حاکم بلخ گردید. خالد برمک ادم سوم این دودمان است که از طرف ابومسلم بخیث افسری جزء اردوی اعزامی خراسان در عراق سوق و بعد از انهدام امپراطوری اموی و تأسیس دولت عباسی بمقام وزارت سفاح اولین خلیفه عباسی رسید. یحیی پسر خالد است که از رجال بزرگ دربار خلیفه مهدی و خلیفه هادی عباسی و استاد و پدر خوانده هارون الرشید بود، فضل و جعفر پسران مشهور یحیی بودند که وزارت و امارت امپراطوری هارون را با عقل و هوش او یکجا در دست داشتند، در هر حال اینخاندان معروف و جلیل هفده سال تمام مقدرات شهنشاهی هارون عباسی را در کف اختیار خویش داشته، مروج و مشوق بزرگترین علم و فن و ناشر مهمترین تربیت و تهذیب افغانستان قدیم در بین عرب بودند یحیی فرمود برای بار اول کتاب مجسطی در هیئت و کتاب منکه در طب در زبان عرب ترجمه شد و او بود که ادویه و گیاههای سودمند از ماوراء سند در بغداد خواست، موسی، یوسف و محمد بن جهم اینهمه مردان خاندان برمکی بودند که شخصاً آثار دری را در عربی ترجمه نمودند که از آن جمله است کتاب سیر ملوک الفرس. یحیی یتیم خانه و مکتبها در کشور عرب تأسیس کرد و فرد فرد اینخاندان مسئول هر ملتجی را اجابت و بهر محتاجی اعانت نمودند تا جائیکه جود و سخاوت ایشان ضرب المثل و ورد زبان جمهور مردم و موضوع قصائد شعراء عرب گردید، او را تاریخ از عقل و هوش، علم و اخلاق این خاندان بسیار ذکر میکنند، در هر حال اینخاندان مشهوری که مسبب شهرت و افتخار هارون بود بالاخره در دست او در سال ۱۸۷ هجری بشکل فجیع و المناکی از بین رفت، ولی نفوذ و قدرت خاندان در بار بغداد با استیصال آل برمک متزلزل نگردید زیرا ریشههای آن بقدری قوی شده بود که دیگر صرصر حوادث بسهولت نمیتوانست آنها را از بیخ کشد.

و اما خاندان سهل خراسانی همیشه هارون بمرد از موقع استفاده و جای برمکی هارون دربار مأمون پسر هارون گرفتند، فضل پسر سهل که مردی عالم، عاقل و سیاست بود توانست بصفت وزیر مأمون در مرو و او را خلیفه اسلام اعلان و معناً زمام امپراطوری عباسی را در کف اختیار رجال افغانستان گذارد، فضل با مأمون که مادر خراسانی داشت در مرو نشسته و بواسطه اعزام طاهر پوشنگی در بغداد بساط امپراطوری عربی عباسی را برچید حسن برادر فضل نیز بخیث حاکم کشور عرب در بغداد متمرکز اختیار کرد، فضل باین اکتفاء نکرده اولاد عباس را از خلافت آینده اسلام محروم و ولیعهدی خلافت را به علویان انتقال داد و علی رضا موسی رحا که بمشهد مدفون اند بولایت عهد

دادبياتو دفاکو لتي رياست :

رئيس	ع ، ص عبدالحي خان «حبيبي»
معاون	ص ، محمد اکرم خان

د عربي دارا لعلوم رياست :

رئيس	ع ، ص عبدالرسول خان
------	---------------------

د ښوونځيو مدير یتونه :

د صنايعو عمومي مدير	ع ، نور الله خان
د حبيبي دلپسي مدير	ص ، محمد آصف خان «مائل»
د نجات « مدير	ص ، علي احمد خان
د استقلال « »	« عبدالشکور خان
د غازي « »	« محمد امين خان
د دار المعلمين مدير	« مير نجم الدين خان
د پرستاري د ښوونځي مدير	« فدای احمد خان
د شرعيه علومو « »	« شاه محمد خان
د تاجر پرواودمجا سبي د	
اصول د ښوونځي مدير	« محمد يوسف خان
د سپورت د ښوونځي د مدیریت وکیل	« عزتمند ، بای حسن
د کرهني « مدير	ص ، غلام نقشبند خان
د کتا بخاني د مدیریت	« محمد یونس خان

نامزد کرد ولی مأمون پسر هارون بود ولېدا بزودی در سال ۲۰۲ فضل ذوالریاستین را بخدعه ازین برده و مجدداً مرکز خلافت را از افغانستان در عراق منتقل ساخت .

ظاهر هراتی و استقلال افغانستان: گرچه مأمون فضل سرخسی را ازین برده بود ولی قوای افغانی هنوز موجود و مصروف پیشبرد نقشه دیرینه خویش بود، ظاهر پوشنگی پسر حسین سپه سالار اردوی خراسان و فاتح کشور فارس و عراق و کشنده امین خلیفه عباسی بغداد اینک بعد از تأمین شام در برابر مأمون حضور داشت و سعی میکرد بهر نوعی پای او در خراسان رسد و آنچه در دل نهفته داشت از قوه بفعل آرد ، مأمون هم نمیخواست قاتل برادر و تاج بخش خویش را هر روز تماشا کند ، اینست که موافقت کردند او بحدیث امیر خراسان عازم کشور خویش گردد .

ظاهر برسبیل استعجال روان ، و در سال ۲۰۵ هجری وارد افغانستان گردیده ، بلافاصله ولایات شمال و غرب کشور را تأمین ، و متعاقباً استقلال قلمرو خود را از تخارستان تا نیشاپور و سیستان اعلان نمود ، ظاهر باینصورت طرح دولت اسلامی افغانستان را برای بار اول ولو در قالب کوچکی ریخته و زمینه را برای بناء دولت های شهنشاهی صفاری ، سامانی ، غزنوی و غوری افغان آماده نمود ، از همین وقت است که نفوذ عرب بعد از تقریباً دو قرن عمر برای همیشه از مملکت افغانستان رخت بر بست ، در عوض دولتهای افغانی خود مدافع اسلام و ناشر دین و از زمره بزرگترین و متدین ترین دول اسلامی در تاریخ جهان جا گرفتند .





# د پښتو او سانسگریت گرامری

تر دېوالی

لیکونکی: شاهعلی صدیق الله خان (رشتین)

په کومه موضوع کېږي چه زه ستړي کال د صداقت د خا لکې نه غوښته د سالنامې تېلونه  
 ځه لیکم هغه یوه گرانه او نا آشنا موضوع ده ، ښکر هر کله چه دا موضوع را ته پورته مېده موضوع



شاهعلی رشتین

اسی او په عین حال کېږي یو نوی شی هم دی.  
 له دې کبله مې د خپلو گرامری معارفو  
 او د سانسگریت د مخنیو گرامرونو په مرسته  
 د دې موضوع د لیکلو حیرات وکړ او ومی غوښتل  
 چه په یو ا باندني صورت کېږي دا موضوع  
 ښاغلو لوستو لیکو ته وړاندې کړي . لکه چه  
 هر یو کار په ابتدا کېږي څه او یو څه  
 دغسې شیانې چه زه دا مقاربه په هم د وړه  
 بچه او جامعه زوی مگر سره دغسې هم کېدای شي  
 چه څه څه فایده ولري او په پته کېږي  
 د نورو پښتو لیکو د پاره یوه لارښوونه شي .

د ژبو مقایسه : د ژبو یو له بله مقایسه او  
 الهول کول یو مهم فن دی . له دې فن څخه  
 د قومونو او ملتونو تر منځ تاریخي اړیکې او

نزدېوالی . دارنگ د ژبو بېل بېل تقسیمات اوبېلوالی ثابتېږي او ددې مقایسو په اثر کېدای شی چه یوه ژبه په آریایي او بله په سامی ژبو کېږي وشمېرله شی .  
د ژبو مقایسه بیا دوه برخې لری ، یوه برخه ئې د لغاتو مقایسه ده او بله برخه ئې د گرامری فاعدو مقایسه کول او اندول کول دی . دا دواړه برخې د ژبو په ارتباط او نزدېوالی کېږي مؤثری گڼل کېږي .

هر کله چه په تېرو سالنامو کېږي د پښتو او سانسکریت په لغوی مقایسه باندی نجینی مقالی لیکلې شوی دی او دا مقصد تر یوې اندازې حاصل شوی دی نو لځکه زه د لسته غواړم چه په دوهمه حصه یعنی د پښتو او سانسکریت په گرامری نزدېوالی باندی وغږېږم .

### مقایسوی یاسمې گرامر

دغه مطلب چه مونږ ئې په دې مقاله کېږي بیانول غواړو ، د گرامروالو په اصطلاح مقایسوی او یا نسبی گرامر بلل کېږي .

کم وخت چه د سانسکریت (۱) ژبه د اروپایانو له خوا کشف شوه اود هند ژبی پېژندلو ته توجه ډېره شوه نو په دې وخت کېږي د یورپ پلټونکو د هندواروپایي ژبو ترمنځ د قرابت او ارتباط پلټنې او څېړنې شروع کړی . مثلاً « ساسیتی » (Sassetti) په ۱۵۸۱ع کېږي د ایټالوی ژبی سره د سانسکریت د لغاتو مقایسه وکړه . دارنگ « روبرتو د نو بیلی » (Robertodonobili) چه په (۱۶۵۸ ع) په هند کېږي مړ شوی دی ، په سانسکریت کېږي زیات معلومات حاصل کړی وو اود خپلې ژبې (ایټالوی) سره ئې د سانسکریت د لغاتو په مقایسه کېږي زیات کوشش کړی دی (۲) په دې وخت کېږي یوه نوی لارهم منځ ته راووته چه هغه د صرفی او نحوی تطبیقاتو اصول ، یا نسبی صرف او نحو بولی .

دا اصول د سیمتی ( semite ) ژبو علما وهم د ۱۷ع قرن له ابتدا څخه جاری کړی وو او د ژبو پېژندلو په فن کېږي به ئې ور لځنی کار اخیست ، خو پوره عاموالی ئې نه و پیدا کړی . لیکن د سانسکریت له کشف او څرگندیدو څخه وروسته دا اصول ښه عملی شول

(۱) سانسکریت دهند د آریه و یوه زړه مذهبی ژبه ده . د (ریگوید) مقدس کتاب تقریباً (۱۴۰۰) کاله قبل المیلاد په همدې ژبه لیکل شوی دی .

ژوزف مانسون په خپل کتاب « سانسکریت ژبی تاریخچه » کېږي لیکي « چه د سانسکریت ژبه د (اشوکا) له زمانې څخه (۲۳۶ ق، م) دمخه هم دهند یوه زبر دسته ادبی ، مذهبی ، اوعلمی ژبه وه » .

(۲) د سانسکریت تاریخچه



اوزیات عمومیت ئې وموند . « په کوردو کس » (P.cowr doux) په (۱۷۶۷ع) کال کېږي د «نسبی صرف نحو» اصول عملی کړی دی او له دغو اصولو څخه ئې د سانسکریت اولاتینی په ارتباط او نژدېوالی کې کار اخستی دی .

دارنگه «بوپ» (Boup) هم په (۱۸۱۶ع) کال کېږي د سانسکریت د «نسبی صرف نحو» یو کتاب ولیکه اودا اصول ئې ښه مثبت کړل . په دې ډول «راسک» (rask) هم چه یو ډانمارکی پوه دی په (۱۸۱۸ع) کېږي د نسبی صرف نحو د اصولو دپاره یوه طریقه او پروگرام وضع کړی ؤ (۱) دغسی نورو پوهانو هم په «ژب پوهنه» کېږي د نسبی یا په بل عبارت د مقایسوی گرامر څخه کار اخستی دی .

دا اصول په اول کېږي دارو پائې اوهندی ژبو په باره کېږي تطبیق شول مگر بیا وروسته بهر لځای کېږي عام شول او یو علمی رنگه ئې پیدا کړه ،

چه اوس په ټوله دنیا کېږي دا اصول تطبیقیږي اود ژبو پېژندنو دپاره ورڅخه کار اخستل کېږي دا اصول یعنی نسبی او مقایسوی گرامر اوس د ژبو د قرابت اوندې ټولنې دپاره یو مهم فن باله کېږي ، نو مقصد دادی چه دا اصول مثبت او علمی اصول دی چه د دنیا پوهانو په نورو ژبو کېږي تطبیق کړی دی . ددې اصولو له مخه مستشرقینو د سانسکریت اولاتینی ژبو یا په بل عبارت دهند او اروپائې ژبو په منځ کې قرابت اوندې ټولنې ثابت کړی دی او ددغه اساس له مخه وایی چه پخوا هندو اروپائې ژبو یوه متحده دوره لرله اودغه ټولې ژبې له یوې منبع څخه راوتلی دی .

له ښه مرغه چه د پښتو او سانسکریت ترمنځ نژدېوالی نورهم زیات دی ولی چه پښتو د آریا ئې ژبو په هندی ډله کېږي حسا بېږي ، نو ددې دواړو ژبو لغوی او گرامری نژدېوالی یقینا چه زیات او قوی دی او امید دی چه د قرابت اوندې ټولنې به دپوهو لیکوالو په توجه اوزیارورځ په ورځ څرگندېږي . دادی اوس مونږ په مطلب لاس پوری کوو او د پښتو او سانسکریت د گرامری نژدېوالی په خوا اوشا کېږي خپل ابتدایي معلومات ښاغلو لوستو ښکته وړاندې کوو .

## د الفبا توری

د الفبا اصلی توری په سانسکریت کېږي ټول (۳۳) وو ، مگر په پښتو کېږي حالا (۳۰) دی . ددی وجه داده چه د پېرو تورو آوازونه چه پخوا موجود وو ، اوس د آسا نتیا دپاره کم شوی دی لځکه چه دا د آوازونو اوتورو کمی اوزیاتی دیو طبعی قانون په ډول په ټولو ژبو کېږي جاری دی کله په یوه ژبه کېږي لځینی نوی آوازونه راپیدا کېږي او کله پکښې کمیږي ، کله څنګه او کله

(۱) د سانسکریت تاریخچه .

څنگه؟ په هر صورت اوس غواړو چې د پښتو او سنسکريت د تړون متايسه وکړو .  
 ۱- په عمومي لحاظ سره د پښتو داتوري (ا- ب- پ- ت- ټ- ج- چ- د- ډ- ر- س- ش- ک- گ- ل- م- ن- و- ه- ی) په سانسكریت کښی هم موجود وو ، مگر د سنسکريت کاف او گاف له خلق څخه ادا کېده ، او په پښتو کښی اوس له تالو څخه ادا کېږي ، او ښايي چې د پښتو موجوده (ز) د سنسکريت له (گه) سره نژدېوالی ولري . پاته شو د پښتو نور نه حرفونه لکه (خ- څ- ځ- ږ- ډ- ژ- ږ- غ- ښ) چې دا حرفونه په سنسکريت کښی نه وو ، که څه هم د (خ- څ- ږ- ډ- ښ) مشابه حرفونه په پکښی راغلي دي ليکن زه ښې پوره تطبيق نشم کولای .

۲- د عربي داسل حرفونه (ث- ح- ذ- ص- ض- ط- ظ- ع- ق- ف- ا) په سنسکريت کښی نشته اودا ټول غالبا عربي حرفونه دي چې په آريايي ژبو کښی ډېر نه ليدل کېږي ، نو په دې اعتبار دغه لس حرفونه په پښتو ژبه کښی هم نشته يعنې د پښتو په اصلي کلمو کښی نه راځي هو ! د عربي ژبې دد خپلو اومستعارو کلمو په وجه دغه آوازونه په پښتو کښی راداخل شوي دي مگر هغو ته مستعار آوازونه وایو لکه د (قبر ، صابون ، صبر ، ثواب ، ظلم ، مرض) په کلمو کښی دا وجه ده چې نالوستی کسان دغه توري نشي ويلای او په نورو نژدې تورو ښې بدلوی . مثلاً دغه وړاندې ټولی کلمی داسی وایی (کبر ، صابون ، صبر ، صواب ، زلم ، مرز) نومعلومه شوه چې پښتو اوسا سنسکريت دواړه په دې صفت او خصو صيت کښی سره شریکي دي اودغه عربي حروف په دواړو ژبو کښی نشته . ليکن برخلاف ددې (ذ)

په زده فارسي کښی ( ۲ ) موجود وو ، او اوس هم ځينی فارسي الفاظه (ذ) ليکل کېږي لکه گذاشتن اونور .

دارنگ (ف) هم په فارسي کښی شته او په (اوستا) کښی هم وه ، لکه فرمان اونور ، نو ښايي چې دسامی ژبې د گاونډي ټوب په وجه به پکښی دغه توري راغلې شوي وي ، مگر له ښه مرغه چې پښتو ژبې خپل آريايي خصوصيت ساتلی دی اودغو تورو له ښې په خپله غيږ کښی ځای نه دی ورکړی .

۳- (غ ، خ) د دواړو توري په سنسکريت کښی نه وو ، دارنگ په هندي او اردو ژبو کښی هم نشته . په سنسکريت کښی د (غ) په ځای (گه) اود (خ) په ځای (که) استعمالېده د ژبو پوهان وایی چې (غ : گه) به طبيعت کښی يوشان دی اودا وجه ده چې په يو بل باندی بدلېږي لکه «دا گه = داغ - گهو = غوا» دارنگ (خ ، که) هم به طبيعت کښی سره نژدې دی او په يو بل باندې اوږې لکه (کهر = خر) لاکن دانه ده معلومه چې په دې حروفو کښی

کم اصلی دی او کم فرعی !؟ خو غا لب گمان دا دی چه ( گپه، کپه ) به نسبت ( غ، خ ) ته اصلی وی - لکه چه دغه آوازو نه نسبتاً آسان اوضیعی آوازونو ته نږدې دی . داوچه ده چه کوچیان اکثرد ( غ ) په لځای ( گک ) اود ( خ ) په لځای ( کک ) وایی ، مثلاً غوا - گوا اوخر - کر بولی . دغه ابتدائي لهجه اوس هم د باجوړ په علافو کښی شته او غو ښې ته گوښه ، غاښ ته گائښ ، اوو نښت ته ونکت وایی . «د فرهنگ نظام» مؤلف لیکي چه په سنسکریت کښی ( غ ) نشته او په لځای ښې ( گپه ) استعماً لېده چه د غه ( گپه ) په « اوستا » کښی ( غ ) شوی دی .

نوله دې خبر وڅخه معلومېږي چه ( گک ، کک ) به نسبت ( غ، خ ) ته قدیمی او اصلی وی چه دغه توری بیا په اوستا ، فارسی او پښتو کښی په ( غ، خ ) اود بدلې دی . کیم آرین چه په قدیمی هجرت کښی د آمو له غاړو څخه هند ته تللی دی هغوی له لځانه سره د گپه - کپه ( غږونه وړی دی او تر اوسه ښې ساتلی دی او کم چه د ایران خواته تللی دی او بیا په باختر = بلخ اودهندو کش په لمنو کښی خپاره شوی دی لکه پښتانه ، نو په دوی کښی د د غو آوازونو پر لځای د ( غ، خ ) آوازونه راپیدا شوی دی . په دې لځای کښی خیال دادی چه پښتو ته به د ( غ، خ ) آوازونه د ایرانې ژبې د گاونډیتوب په وجه راغلي وی لکه چه پښتو عموماً د ایرانې او هندي ژبو تر منځ واقع ده ، مگر سره د دې هم په دې باره کښی کومه یقینې او ثابتې نظریه په لاس نشته

## امدادی توری

امدادی توری په سنسکریت کښی ( ۱۳ ) دی او په پښتو کښی تقریباً ( ۸ ) دی . مگر په پښتو کښی دا نقص راغلی دی ؛ چه دی سنسکریت د ټولو امدادی تورو د پاره اشکال او علامی موجودی وې او د پښتو په موجوده لیک کښی چه غالباً له عربي څخه اخستل شوی دی ؛ د ټولو امدادی آوازونو د پاره مستقل شکلونه او علامې نشته . په پښتو کښی امدادی آوازونه دادی : ( زور - زورکی اوژد - زور - پېش - اوژد - پېش - زېر - ښغ اوژد زير - مایل اوژد زير ) دا آوازونه جلا جلا اشکال نه اری ، صرف اوژد زور په الف لیکل کيږي لکه ( کال ) او زور او زورکی چه په آخر کښی راشي په ( ه ) لیکل کيږي لکه په ( به ) کښی د ( پ ) زور ، او په ( زه ) کښی د ( ز ) زور کی ، او پښتو په ( واو ) او زیرونه په ( ی ) لیکل شې ،

لکه په ( سور ، تور - ښادی ، شلومبی ) کښی . د پښتو د درست امدادی آوازونه په سنسکریت کښی هم موجودو ، او جلا جلا اشکال ښې درلودل . په سنسکریت کښی دوه قسمه ( ای ، او ) یعنی خفیف او شدید شته چه خفیف ( ای ) ته ښې اوس په پښتو کښی « زیر » او شدید ( ای ) ته ښې معروفة او مجهوله ( ی ) وایو ، او خفیف ( او ) ښې پېش ، او شدید ( او ) ښې معروف او مجهول ( واو ) بولو .

## د توروو توځی مخر جونه

د توروو په مخر جونو کښې هم پښتو او سنسکريت سره نژدې اويوشان دی د پښتو کم توري چه په سنسکريت کښې راغلي دي، نو مخر جونه ئې قريبا يودی مثلا: ۱- (ج، ش، ی) په سنسکريت کښې هم جو فی حروف دي او په پښتو کښې هم، يعنی د ژبې له منځ څخه چه د تالوسره و لگي ادا کيږي ۲- (ت، پ، د، ن، ر، ل) دا توري په سنسکريت کښې هم اساني توري دي او په پښتو کښې هم، يعنی د ژبې له سر څخه چه په تالو ولگيږي راوځي .

۳ (پ، ب، م، و) دا څلور واړه توري په سانسکريت او پښتو دواړو کښې شفوی يعنی دشونو توري بلل کيږي اود شونډوله منځ څخه ادا کيږي .

۴ - په پښتو کښې يوقسم (نون) دی چه په تنبیز و (خیشو م) کښې ادا کيږي او دغني نون باله شی لکه د (جنگ، تنگ، غورخنک) په کلمو کښې، دا قسم نون په سنسکريت کښې هم موجودو (۱)

## په ساکن باندی ابتدا

په سانسکريت کښې په ساکن توري باندی ابتدا عامه وه، دارنگ ۱ کثري هندو ا روپائی ژبي هم دا خا صيت لري مگر په سامي ژبو کښې په ساکن باندی ابتدا نه کيږي، دارنگ په فارسي کښې هم په ساکن باندی ابتدا نشته اودا آريائی خصوصيت پکښې نه ليدل کيږي .

ليکن په پښتو کښې دغه وصف اوس هم پاته دی او ډېری کلمې پکښې موجودی دی چه اول توري ئې ساکن وی او په ساکن باندی شروع کيږي لکه (ستوری، لمر، نغری - سبي اوداسی نور دا کلمې چه د بلي ژبي خاوند وایي نو په ساکن باندی ئې نشي ويلی او په اول کښې ئې خامخا الف راوړی لکه :

استوری - انمر - اوداسی نور .

نو دا مسئله هم د پښتو اوسنسکريت پخوانی اوقديمی ارتباط ثابتوی او معلوميږي چه پښتو ژبي داريا ئې ژبو دغه خاصيت تر اوسه پوري په ښه شان ساتلی دی .

## دجنس به لحاظ د اسم قسمونه

په سانسکريت کښې داسم دجنس او کیفیت په لحاظ په درې ډوله دی :

۱ - مذکر ، ۲ - مؤنث ۳ - مخنث ، چه نه مذکر وی او نه مؤنث .

(۱) فرهنگ نظام ۳ جلد .

په ځینو هندواروپایي ژبو کېنې هم دا خصوصیت شته - لکه انگریزی ، لاتینی ، پراکرت ( دهنډیوه پخوانۍ ژبه وه )

لیکن وروسته بیا په اکثر ژبو کېنې چې دسانسکریت څخه راوتلي دي دوه صورته پاته دي چې یو مذکر دی او بل مؤنث او دریم صورت یعنی ناجنس ئې له منځه وتلی دی . لکه په سنډهۍ ، پنجابی ، هندی اواردو کېنې ، چې په دې ټولو ژبو کېنې اوس د جنس دوه صورته یعنی مذکر اومؤنث پاته دي (۱)

په پښتو کېنې هم دا دوه صورته موجود دي اودریم صورت یعنی مخنث پکښې نشته - مطلب دادی چې په پښتو کېنې درست کلمات یا به مذکر وی او یا به مؤنث وی او کم بل قسم پکښې نشته . نو احتمال لری چې دمخه به په پښتو کېنې هم لکه د سنسکریت اسم د جنس په لحاظ درې صورته درلودل لیکن وروسته به دسهولت له امله کم شوی وی ؛ لکه څنگه چې په سنډهۍ ، پنجابی ، اواردو ژبو کېنې هم دغه تخفیف راغلی دی حال دادی چې ددغو ژبو ارتباط د سنسکریت سره له پښتونه زیات دی ولی چې دغه ژبې د سنسکریت نه راوتلي دي ، اوپښتو له سنسکریت څخه نه ده راوتلی بلکه دا دواړه له یوې بلې پخوانۍ ژبې څخه جوړی شوي دي چې په دې حساب دواړه د خوندو نسبت لری .

په فارسی کېنې خولایځي په افعالو کېنې د مذکرو مؤنث فرق هم ورک شوی دی اود مذکر اومؤنث دپاره یو شان استعمالیږي . نو لدې څخه معلومیږي چې دغسې تغیرات په درستو ژبو کېنې پېښیږي او دا دزمانې د بدلون او تېرېدو نتیجه ده حتی داسې مثالونه هم شته چې په یوه ژبه کېنې نسبت پخوا ته د تغیرات راغلی وی او د پرمختیا پکښې کم وزیات شوی وی .

### دمؤنث علامې

په دې برخه کېنې فعال مونږ سره ګانې معلومات نشته ولی چې د ادسنسکریت په ګرامر کېنې پوره مهارت غواړی - مګر د نمونې په ډول یو څومثالونه وروسته ښو :

۱ - ددې وروسته یو څومثالونه څخه معلومیږي چې «الف» په سنسکریت کېنې دتأنيث علامه (۲) ده لکه (اکا= یوه) چې مذکر ئې (اک= یو) دی . او (سا= دې) چې دمؤنث غایب ضمیر دی او مذکر ئې (سه) دی . دارنگه د (دوهیتا= لور- اسوسا= خور) په کلمو کېنې هم الف راغلی دی .

په پښتو کېنې هم (الف) د تأنيث مشهوره علامه ده لکه :

رڼا- ژړا- خندا- غوا- اوداسی نور .

(۱) قواعد اردو .

(۲) دکتر عبدالحق لیکي چې په سنسکریت کېنې (۱) د تأنيث علامه ده لکه ګنگا، جمنا او نور

۲- له دې وروسته یو څو مثالو څخه معلومېږي چې (ی) هم غالباً په سانسکریت کېنې دتأیث علامه ده مثلاً دا وروسته مثالونه وگورئ :

مذکر - مؤنث

۱- مشه = نر پسه - می-شی = مېږه

۲- شرگال = شغال - شرگالی = ښځه شغاله

۳- میوره = نرطاس - میوری = ښځه طاسه (۱)

که څه هم ددغې (ی) تلفظ ماته په ښه ډول نه معلومېږي لږکه چې له چا څخه می نه دی او رېډلی - خو دومره ویلای شم چې په پښتو کېنې یې دملینې (ی) څخه نوری درې قسمه (ی گانې) دتأیث علامې راغلي دي . لږکه په (بیاتي - چوکی - ورغومي) کېنې چې اوله معروفه، دوهمه ثقیله ، او دریمه مجهوله (ی) ده ، نو غالبه داده چې دسنسکریت د دغو کلمو (ی) به هم په دې دری قسمو کېنې داخله وي .

له دې بیان څخه معلومه شوه چې (الف ، ی) په پښتو او سانسکریت دواړو کېنې دتأیث علامې دي اود مؤنثونو مو په آخر کېنې راځي .

### د تعداد په لحاظ د اسم قسمونه

په سانسکریت کېنې اسم دتعداد په لحاظ پر درې ډوله دی :

۱- مفرد ۲۰ - تثنيه ۳۰ - جمع . په دې خصوصیت کېنې سانسکریت د عربي سره نژدې ده

لږکه چې عربي هم تثنيه لري .

حقیقت دادی چې په یوه ژبه کېنې د تثنيې وجود دهغې ژبې دزیات وسعت او پراخۍ

دلیل دی اوعربي او سانسکریت دواړه د دنیا مهمې ، علمی اوپراخې ژبې دي ،

مگر په نورو آریایي ژبو کېنې تثنيه له منځه وتلی ده اوصرف مفرد اوجمع پاته شوی دی

لږکه په اردو ، هندی ، فارسي اوپښتو کېنې . دسهولت په لحاظ که سړي وگوري نو دا کم والی

څه بدشی نه دی ولی چې تثنيه هم په حقیقت کېنې جمع ده اوعرب هم ورته لغوی جمع وایي .

نو له یوه نه پورته قواوته جمع ویل ، دلغت اوآسانتیا په اعتبار ښه معلومېږي .

په دې خصوصیت کېنې که څه هم سانسکریت او پښتو سره جلا دی مگر دا دومره

اهمیت نه لری ولی چې دا خاصیت په بله آریایي ژبه کېنې هم نه دی پاته .

### د جمعو مقایسه

په دې حصه کېنې هم پوره معلومات په لاس نشته اومونږ نشو کولای چې دسا نسکریت دجمعو ډېر

(۱) دفرهنگ نظام مقدمه - ۴ جلد . . . . .

مثالونه بیان کړو، خودنمو نې په ډول د سانسکریت د ايوو مثالونه وگوري:

مفرد - جمع

۱ - پشو = اهلی حیوان - پشون = حیوانات

۲ - وستو = شی - وستونی = شیان

۳ - چتر = تصویر - چترانی = تصویرونه (۱)

۴ - پېلم = میوه - پېلانی = میوې

له دې مثالو څخه معلومېږي چې په اولو دوو مثالو کېنې تقریباً (ونی) اویو درېم او څلورم مثال کېنې (انی) د جمع د پاره راغلې دی چې د ادواړه علامې دښتو په جمعو کېنې اوس هم موجودې دي لکه «خیزونه، چرگان» چې مفرد یې خیز او چرگ دی. اودغه د امدادی حروفو کمی اوزیاتی دومره مهم نه دی لکه چې دغه حروف اکثر په یو بل باندې سره اوږې او یا غور لږېږي.

نو ویلای شو چې دښتو اوسا نسکریت د جمعو ترمنځ هم څه نه څه نژدېوالی اوار تباط شته،

### د اسم حالتونه

په سانسکریت کېنې د اسم حالتونه اته دي، لکه (فاعلی مفعولی، آلی، توجه، اعراض، ظرفیت، ملکیت، ندا) یعنې په دې اته واړه حالتو کېنې یو اسم چې په جمله کېنې استعمال شي تغیرمومي اویو آخر کېنې یې یو حرف یا څو حروف نه ملحق کېږي (۲) مثلاً:

حالتونه سانسکریت - ښتو

۱ - فاعلی - گرامه = یو کلی

۲ - مفعولی - گرامم = کلي ته

۳ - آلی - گرامن = په کلي سره

۴ - توجه - گرامای = کلي لور ته

۵ - اعراض - گرامات = له کلي څخه

۶ - ملکیت - گرامسی = د کلي مال

۷ - ظرفیت - گرام = په کلي کېنې

۸ - ندا - گرام = ای کلي!

له دې حالتونو څخه په ښتو کېنې صرف څلور حالتونه موجود دي او هغه دادي: ۱ - فاعلی - ۲ - مفعولی - ۳ - ارتباطی - ۴ - ندائی. په ښتو کېنې یو اسم مثلاً (کلی) په مفعولی حالت کېنې په خپل اصلي صورت راځي لکه «تول کلی یې راووست» اویو فاعلی اوار تباطی حالتو کېنې یې ملینه (ی) په معروفه (ی)

(۱) د سانسکریت خودآموز . (۲) د سانسکریت خودآموز .

## د ملی اقتصاد وزارت



ع. ج. ا. ع. عبدالمجید خان د اقتصاد وزیر  
S.Ex. Abdul Madjid Khan ministre  
de l'économie nationale

وزیر : ع. ج. ا. ع. عبدالمجید خان  
امری- معین : ع. ص. محمد اکرم خان  
دوهم : ع. ص. غلام غوث خان  
د معین کفیل : ع. ص. عبدالحی خان عزیز  
د گمر کاتو عمومی مدیریت :

عمومی مدیر : ع. ص. عبد الرشید خان  
معاون د مدیریت حیث : ع. ص. حبیب الله خان  
د گریزی- مدیر : ع. ص. حبیب الله خان  
د صنایعو عمومی مدیریت :

عمومی مدیر : ع. ص. محمد نعیم خان  
د صنایعتی قوانینو مدیر : ع. ص. ...  
د لاسی صنایعو : ع. ص. ...  
د ماشینی مدیریت معاون : ع. ص. یابنده محمد خان  
د تفتیش مدیر : ع. ص. عبد الحمید خان

### د تجارتی عمومی مدیریت

عمومی مدیر : ع. ص. احمد الله خان « کریمی »  
د احصایې مدیر : ع. ص. محمد حسن خان  
د وارداتو او صادراتو مدیر : ع. ص. ...  
د بازار د نرخونو د کنترول او  
د مشاوریت مدیر : ع. ص. عبد الغفور خان  
د اقتصادی د تعلیمی د مدیریت مامور : ع. ص. یار محمد خان  
د خارجی تجارت مدیر : ع. ص. محمد صدیق خان  
د کړیدت مامور : ع. ص. محمد صادق خان  
د تدارتونو د څانګې مامور : ع. ص. ...



بدلیږی لکه «ټول کلې ډوډۍ وخوره - کلې ته ولاړ» او په ندایې حالت کېنې ټې په آخر کېنې (ه) زیاتېږی لکه «ای کلیه» نود سنسکریت (آلی ، توجه ، اعراض ، ملکیت ، ظرفیت) حالتونه په پښتو کېنې په یوه ارتباطی حالت بدل شوی دی یعنی دغو پنځو واړو حالتونه ارتباطی حالت ویل کېږی . دافرق نو دژبو ترمنځ اویا دپېړیو تراوښتو وروسته یو طبیعی شی دی اوپه درستو ژبو کېنې لیدل کېږی . په دې لځای کېنې دپښتو او سانسکریت ترمنځ نژدېوالی دادې چه په دواړو ژبو کېنې دکلمې په آخر کېنې حروف زیاتېږی مثلاً : « ای کلیه ! ای هلهکه ! ای هلهکانو ! » اوداسی نور حال دادی چه په فارسی کېنې په دې ټولو حالتو کېنې هېڅ تغیر نه راځی لکه «بهده - ازده - مالده - درده - ایده» اونور - بل دپښتو او سنسکریت نژدېوالی دادی : چه په سنسکریت کېنې هم ندایې حالت جلا اوقا علی حالت جلادی اوپه بېل بېل ډول راځی اوپه پښتو کېنې هم دغه دواړه حالتونه سره جلا دی لکه چه دوداندی مثالو څخه معلومه شو .

### ضمیرونه

دپښتو او سانسکریت په لځینو ضمیرونو کېنې هم نژدېوالی لیدل کېږی مثلاً دپښتو ( ما ) چه دسنسکریت په آلی حالت کېنې (میا) او مفعولی حالت کېنې (مام = ماته) راغلی دی دا رنگ دپښتو (تا ، ته) چه دسانسکریت په فاعلی حالت کېنې (توم) او مفعولی حالت کېنې (توا = توام) دی . نو معلومه شوه چه د (ما ، تا ، ته) ماده دسانسکریت په ضمیرونو کېنې هم شته (دعددونو مقایسه) اعداد په پښتو او سانسکریت کېنې سره ښه نژدې اوقریب دی اودادی وروسته ټې دمقایسې په ډول ښیو :

۱ - مطلق اوبسوط عددونه :

سانسکریت	-	پښتو
اکم	-	یو
دو	-	دوه
ترینی	-	درې
چتواری	-	څلور
پنچ	-	پنځه
شست	-	شپږ
سپت	-	اوه
اشتو	-	اته
نو	-	نهه
دش	-	لس

۲ - مرکب عددونه! په سانسکریت اوښتو دواړو کښې مرکب عددونه تقریباً په یو ډول راځي مثلاً له لسونه وروسته اول احاد او بیا ورپسې عشرات ویل کیږي. مثالونه ټي وروسته و گوري:

سانسکریت	-	ښتو
اکادش	-	یوولس
دواش	-	دوولس
تریودش	-	دیارلس
چتوردش	-	څوارلس
پنج‌دش	-	پنځلس
شودش	-	شپاړس
سپت‌دش	-	اوه‌لس
اشتادش	-	اتلس

۳ - رتبی عددونه: دا قسم عددونه هم په دواړو ژبو کښې تقریباً یوشان دي او په آخر کښې ئې (م) راوړل کیږي یعنی (م) هم په ښتو او هم په سانسکریت کښې د رتبی عددونو په آخر کښې راځي مثالونه ټي دادی:

سانسکریت	-	ښتو
پنجم	-	پنځم
ششم	-	شپږم
سپتم	-	اووم
اښتم	-	اتم
نووم	-	نهم
دشم	-	لسم
ترشتم	-	دېرشم
شتم	-	سلم (۱) او نور

### مصدرونه

د سانسکریت د مصدرونو په باب مونږ پوره معلومات نه لرو چه په څه ډول راځي او په څه ډول نه راځي - مگر یو څو مصدرونه ټي چه مونږ پیدا کړي دي هغه په آخر کښې «م» او یا «ن» لري لیکن غالباً د سانسکریت اکثر مصدرونه د عربي پشان بسیطی مادی دي

(۱) سخندان فارس

او کله مخصوصه علامه نه لری لکه (پرچ) چه د پوښتنی په معنی او (نت) چه د نڅېد او په معنی مصدر ونه دی . له دې څخه معلومېږی چه د پښتو (نڅېدل ، ناڅل) هم له دغی مادې یعنی (نت) څخه اخستل شوی دی ، چه اصلی ماده پکښې (نت=نڅ) ده او «یدل» یا «ل» په پښتو کښې مصدری علامه ده .

اوس وروسته د سانسکریت او پښتو لمخنی مصدرونه د مقایسې په ډول لیکو :

پښتو	-	سانسکریت
آوړتن	-	اوشتل
پرې ورتن	-	پرې وتل
کرښن	-	کښل
لیکېښم	-	لیکل
کېښم	-	کښل
منښم	-	منل (ا)
پرچ	-	پوښتل
پر شنه	-	پوښتنه

لکه چه ښکاره ده دا پورته مصدرونه هم په معنی او هم په لفظ کښې سره نژدې او قریب دی ، صرف دومره ده چه په پښتو کښې ئې یو منظم شکل پیدا کړی دی یعنی ټول په لام مختوم دی او په سانسکریت کښې دغسی منظم صورت نه لری .

### د حال فعلونه

د حال افعال په پښتو او سانسکریت کښې تقریباً نژدې او په یوډول دی دادی وروسته مونږ د سانسکریت ، پښتو او فارسی د حال فعلونه بیا نو و چه مقایسه او نژدېوالی ئې ښه معلوم شی :

پښتو	-	سانسکریت
ستا یی	-	ستوتی
ورېږی	-	ورشتی
راځی	-	آیاتی
پرېوزی	-	پتتی
وهی	-	همتی
ژوی	-	جوئی

(۱) د ۱۳۱۷ په سالنامه کښې د پښتو فقه اللغة .

سنسکریت	-	پښتو	-	فارسی
کروتی	-	کړی	-	کند
مریتی	-	مړی	-	میرد
خورتی	-	خوری	-	خورد
گچتی	-	لجی	-	میرود
چرتی	-	خری	-	میچرد
کرشتی	-	کری	-	میکار (۱)

ددې پورته مثالو څخه معلومېږي چې د پښتو د فعل حال اشتقاق او د سانسکریت د فعل حال اشتقاق ډېر سره نژدې دی. لکه چې د سانسکریت د غایب فعل حال په آخر کې غایب (تی) (۲) زیاتېږي مثلاً (جو) په سنسکریت کې د ژوند کولو په معنی مصدر دی چې په فعل حال کې ئې (تی) زیات شوی دی او (جوتی) راځي.

او د پښتو په غایب فعل حال کې ئې (ی) زیاتېږي لکه چې د وړاندې مثالو څخه څرگنده شوه برخلاف له فارسی څخه چې هلته دغه د غایب فعل حال صیغې په ډول جوړېږي یعنې په آخر کې ئې (د) او په اول کې ئې په استمراری صیغو کې ئې (می) راوړل کېږي.

نو معلومه شو چې د پښتو او سانسکریت د فعل حال په غایبو صیغو کې هم دما دې او حر و فو په لحاظ او هم دا اشتقاق او صرف په لحاظ ډېر نژدېوالی او ارتباط موجود دی.

او که سړی د حروفو بد لېد او د فیلا لوژی اساساً سونو او تغیراتو ته وگوري نو ویلا شو چې دغه مثالونه چې وویل شول، ټول یو شان دي او اصلاً پکې ډېر دومره بېلوالی او توپیر نشته. مثلاً (ستوتی) اوستائی (مریتی) اومری (چرتی) او خری. چې یخې یورنگ او په یو ډول دی، په دې شان نور هم ډېر مثالونه شته چې دا وړد والی له کبله مورانه وځل.

### ماضی

که څه هم په سنسکریت کې ماضی زیات مثالونه مونږ ته معلوم نه دي مگر له دې وروسته یو څو مثالو څخه معلومېږي چې غالباً په پښتو او سانسکریت کې د ماضی فعل دا اشتقاق ډول هم څه قدر سره نژدې او قریب دی مثلاً:

پښتو	—	سانسکریت
ولام	—	اگچم
وخود	—	اخورت
ولام	—	آگچت
وپوښت	—	پراچت

په دې مثالونو کېنې وروستی مثال تریوې اندازې واضح دی لکه څه (اېرچت) د (ېرچ) له مصدر څخه جوړ شوی دی څه په اول کېنې ئې (۱) او په آخر کېنې ئې (ت) زیاته شوی ده ، دغسې په پښتو کېنې د (پوښتل) له مصدر څخه د (وپوښت) اشتقاق هم د (و) په زیاتوالي په دغه طرز دی ، او ددغو دواړو صیغو یعنی (اېرچت) او (وپوښت) دجوړښت رنگ سره قریب او نژدې دی .

### د ا د ا ت و مقایسه

دا د ا ت و په مقایسه کېنې هم پښتو او سانسکریت یو له بله ډېر نژدې والی او ارتباط لری څه دادی وروسته ئې تخننې مثالونه ښودل کېږی .

### د نسبت او فاعلیت توری

۱ — وان : داتوری په سانسکریت او پښتو دواړو کېنې د نسبت او فاعلیت توری دی .

مثلاً په سنسکریت کېنې (گریوان) دجامې هغې حصی ته وایی څه کړو ه ساتی — یعنی دگروې ساتونکې جامی ته (گریوان) وایی . دا کلمه په پښتو کېنې هم موجوده او په دغه معنی ده ، صرف په پښتو کېنې «گریو» گروه او «گریوان» گریوان شوی دی .  
دا رنگ (دهنوان) په سنسکریت کېنې دولت مند ته وایی څه «دهن» (۲) د دولت په معنی ، او «وان» د نسبت او مالکیت کلمه ده ، دغسې (ویدوان) د عالم اوصاحب علم په معنی دی لکه څه (وید) علم او معرفت ته وایی . او په پښتو کېنې خو دغسې مثالونه ډېر دی لکه باغوان — جاله وان — بگی وان — پاده وان اونور .

۲ — ک : په سنسکریت کېنې د فاعلیت علامه ده ، لکه «آستک» = مقرر — واکچک = متکلم

څه د «وچ» له مصدر څخه څه دخبرو کولو په معنی دی جوړ شوی دی . دغه کاف په سنسکریت کېنې متحرک ؤ او په پښتو کېنې هم په دغه دول د فاعلیت د پاره په تخننو مثالونو کېنې موجود دی ، لکه (تېغکه — چوغکه) دا دواړه دمرغو نومونه دی څه د «تېغ او چوغ» له صوتونو څخه د (که) په لگو لو جوړ شوی دی لکه څه دغه مرغی دتېغ تېغ او چوغ چوغ آوازونه کازی نو په دې اعتبار د فاعلیت معنی پکښې پرته ده .  
۳ — (ی) په سنسکریت او پښتو دواړو کېنې د نسبت دپاره ده مثلاً (دهنی = مالدار)

یعنی هغه څو ک څه (دهن = مال) ته ئې نسبت شوی وی .  
دغسې چیني — پکښې او نور .

(۱ و ۲) د فرهنگ نظام مقدمه ۴ جلد .

او په پښتو کېنې خو دغسې مثالونه ډېر دی لکه : ډولۍ - ټوکۍ - چرسی او یا کابلی ،  
 قندهاری او اسی نور .  
 ۴ - ج : په سنسکریت کېنې د نسبت د پاره دی لکه « نیرج = نیلوفر » چه (نیر = اوبه) ته منسوب  
 دی او په پښتو کېنې (دیروجی) نسبتی کلمه ده چه (دیر = یوه علاقه ده) ته منسوبېږي .

### د ظرف توری

ستهان : دا کلمه په سنسکریت کېنې د (لځای) په معنی ده او د کلمو په آخر کېنې د ظرف  
 مکان د پاره استعمالېږي لکه هندوستان او یا داسی نور . خو په پښتو کېنې (تون) د لځای په  
 معنی راغلې دی او د ظرف مکان دجوړولو د پاره استعمالېږي ، لکه (بود تون = بوتخانه -  
 چرتون = دچرې ټیکې )  
 نو ویلای شو چه ( ستهان اوتون) سره نژدې او تقریباً دیوې کلمې حکم لري لځکه چه  
 د دواړو معنی او خصوصیت یوشی دی .  
 سربېره پر دغه په خپله د «ستهان» شکل هم په پښتو کېنې شته ، مگر دومره ده چه الف  
 ټي په واو بدل شوی دی (۱) لکه په (مړستون = ادیره) کېنې .

### د تصغیر توری

کک : دا حرف په سنسکریت او پښتو دواړو کېنې د تصغیر د پاره استعمالېږي مگر فرق دادی  
 چه په سنسکریت کېنې متحرک او په پښتو کېنې ساکن ویل کېږي . مثلاً په سنسکریت کېنې  
 «بالکه» وړ وکی او «گرهک» کوچنی خونی ته وایی ،  
 او په پښتو کېنې ټي مثالونه دادی : ځویک - زمړک - تورک او داسی نور .

### د نفی توری

نس ، نه ، نر : دا درې واړه توری په سنسکریت کېنې د نفی توری دی (۲) د ژبو  
 پوهان وایی چه د نون په طبیعت کېنې د نفی معنی پرته ده (۳) ، نو لځکه په اکثرو  
 ژبو کېنې (نه ، نا) او داسی نور د نفی حروف دی -  
 دا هم کېدای شی چه د سنسکریت (نس) په پښتو کېنې په (نه) بدل شوی وی لځکه چه  
 (۱) د پښتو په لځنولو چوکېنې عموماً الف په واو بدلېږي مثلاً دراشه پر لځای روښه وایی .  
 (۲) قواعد اردو - (۳) سخندان فارس .

(اوس) په یو بل باندې بدلېږي . دارنگ د پښتو (نا) هم له دغو تورو سره نږدې دی او مونږ ویلای شو چه د پښتو (نه ، نا) له فارسی او یا بلې ژبې څخه نه دی اخستل شوی . بلکه دادواړه اصلی آریایي مشترک توری دی او په اکثر وېو کېنې یوشان استعمالېږي .

## اضافي ترکیب

اضافي ترکیب په پښتو اوسانسکریت کېنې په یو ډول استعمالېږي یعنی لومړی مضاف الیه او بیا وروسته مضاف راجی . د سنسکریت د اضافي ترکیب یو څومثالونه وروسته ښوول کېږي:

۱- (برشا کال (۱) ) «برشا» په سنسکریت کېنې باران او «کال» وخت ته وایي چه معنی ئې په پښتو کېنې د «باران موسم» کېږي . نو په پښتو کېنې هم لومړی مضاف الیه او وروسته مضاف راجی ، دغه ترکیب په فارسی کېنې په (موسم باران) ترجمه کېږي .

۲- (آرام بن) (۲) چه په سنسکریت د «باغ عیش» په معنی دی .

«آرام» عیش ، او «بن» باغ ته وایي ، او په پښتو کېنې هم په دغه ډول استعمالېږي .

یعنی د آرام بن .

- ۳- (پوروشانام) «پور و شا» دسرو په معنی او «نام» دمال په معنی دی نو ترکیبې معنی ئې داده «دسرو مال» دغه کلمه په فارسی کېنې په «مال مردمان» ترجمه کېږي .
- ۴- (کو کوتانام) «کو کوتاه» په سنسکریت کېنې چرگانو ته وایي نو ددغه ترکیب معنی په پښتو کېنې (دچرگانو مال) او په فارسی کېنې (مال خرو سها) راجی .
- ۵- (سایم کال) «سایم» ماښام او «کال» وخت ته وایي نو ترکیبې معنی ئې «دماښام وخت» شوه چه په فارسی کېنې «وقت شام» ویل کېږي .
- ۶- (کریدانگن) (۳) دا کلمه د «لو بود میدان» په معنی ده ، «کرید» لوبو ته وایي او «انگن» غالباً دپښتو د (انگر = غولی = میدان) په معنی دی .
- په دې ترکیب کېنې هم مضاف الیه دمخه او مضاف وروسته راغلی دی .
- ۷- په دغه ډول ضمیرونه هم که چېرې مضاف الیه واقع شی نو دمخه راجی لکه (تسی کاریم - تو کاریم - مم کاریم) (۴) چه په پښتو کېنې (دده کار - ستا کار - ما کار) او په فارسی کېنې (کار او کار تو - کار من) ویل کېږي .

(۱) (۲) سخندان فارس

(۳) د فرهنگ نظام مقدمه ۴ جلد .

(۴) سخندان فارس .

## توصيفی ترکیب

دسانسکريت دتوصيفی ترکیب زیات مالونه لاس ته نه دی راغلي مگر څه په لیدل شوی دی هغه دپښتو دتوصيفی ترکیب سره موافق دی یعنی لومړی صفت او بیا وروسته موصوف راځي لکه په دې وروسته مثالو کښي :

۱ (مهاراجه) «مها» په سنسکريت کښي لوی او «راجه» بادشاه ته وایي نومعنی ئې داشوه «لوی بادشاه=ستر بادشاه»

۲ - (سو واستو) «سو» دښه او «واستو» دمسکن په معنی دی نو ترکیبی معنی ئې داده «ښه مسکن» چه په فارسي کښي په «مسکن خوب» ترجمه کیږي .

۳ - (اوب کار) دا کلمه په سنسکريت کښي د(ښه کار) په معنی ده چه دواړه په یوه ډول او یو صورت دی او په فارسي کښي په کار نیکت ترجمه کیږي .

۴ - (سمز کرته بهاشا) داد سنسکريت دژبې نوم دی ، چه معنی ئې په پښتو کښي (سمه کړی ژبه) اصلاح شوی ژبه او په فارسي کښي (زبان اصلاح شده) راځي . له دې مثالو څخه څر گنده شوه چه دپښتو اوسنسکريت توصيفی ترکیبونه سره یو شان دی .

## فعلي ترکیب

دا کمزور آریائی ژبو دا خصوصیت دی چه په فعلي ترکیب کښي اول فاعل بیا مفعول او بیا فعل راځي یعنی فعل له فاعل او مفعول څخه وروسته راځي ، مگر په عربي کښي چه یوه سامی ژبه ده خبره بالعکس ده ، یعنی اول فعل بیا فاعل او بیا مفعول وېل کیږي لکه «ضرب زید عمرأ» لکه چه ښکاره ده ، په دغه وړاندي آریائی خصوصیت کښي سانسکريت او پښتو یو شان دی مثلاً داوروسته مثالونه وگوري : چه فاعل یسکښي دمخه او فعل یسکښي وروسته راغلي دی :

پښتو	—	سانسکريت
ده ور کړ	—	سوددت
دوی ور کړ	—	تی ددن
تاوړ کړ	—	توم ادده تی
ماوړ کړ	—	آهن اددم (۱)

## دځیني نورو شیانو مقایسه

ځیني نور گرامري مسایل هم په سانسکريت او پښتو کښي سره نژدې او یو شان دی مگر هر کله چه مثالونه ئې په لاس نشته نومحض په مجمل ډول ئې ذکر کوو :

(۱) سخندان فارس



۱ - په سانسکریت کېنې اسم داشتقاق په لحاظ پر دود ووله دی: ۱ - فعلی ۲ - غیر فعلی . فعلی نوم هغه دی چه یو اخی د فعلی مشتقا تو ماخذوی چه هغه ته مصدر هم ویل کېږي ، او غیر فعلی نوم هغه دی چه له هغه څخه اسمی مشتقات جوړېږي او افعال ور څخه نه جوړېږي . مطلب دا چه په سانسکریت کېنې د فعلی مشتقا تو ماخذ ته فعلی نوم ، او د اسمی مشتقا تو ماخذ ته غیر فعلی نوم وایی . دا تقسیم عیناً په پښتو کېنې هم شته چه مصدر ته فعلی نوم او نورو نو موته غیر فعلی نوم وایو . غیر فعلی نوم چه نورې کلمې ور څخه جوړېږي لکه ( زړه ) چه زړور ، زړورتیا اوداسی نورې کلمې څخه جوړی شوی دی

۲ - جعلی مصدر په سانسکریت کېنې مو جوړ دی او د اسم له مشتقا تو څخه باله کېږي - د غسی په پښتو کېنې هم جعلی مصدر شته اوله اسم اوصفت څخه جوړېږي لکه یخلا کول - بونول - دامل چه «له یخلا بون داهې» څخه ماخوژ شوی دی

۳ - اسم فاعل په سانسکریت کېنې له مصدر څخه د لاحقې په زیاتو او جوړېږي چه په پښتو کېنې هم په دغه صورت راحی یعنی دمصدر په آخر کېنې د (ونکي ) لاحق راوړل کېږي لکه اه کتل څخه کتونکي اوداسی نور .

۴ - په سانسکریت کېنې مؤنث نوم له مذکر څخه د یو حرف په زیاتولو جوړېږي چه په پښتو کېنې هم په دغه ډول راحی لکه له چرگ څخه چرگه او داسی نور .

۵ - په سانسکریت کېنې فعل پر لسو دستو ویشل شوی دی چه هر مصدر به په دغو دستو کېنې شامل وی اود هغی دستې موافق به ترې فعل جوړېږي . دغسی په پښتو کېنې هم افعال او مصدرونه په څو گروپونو ویشل شوی دی چه هر مصدر به ییل ییل گروپ کېنې داخل دی اود افعالو اشتقاق ئې هم په ییل ییل ډول کېږي .

۶ - د ( فرهنگ نظام ) مؤلف لیکي «چه په سانسکریت کېنې له ټولو آریایی ژبو څخه زیات مقدم او مؤخر لواحق موجود دی» په پښتو کېنې هم لکه چه معلوم ده د لاحقې ډیری دی مگر «سابقی» نسبتاً کمی دی اوزیات الفاظ پکښې لکه د سانسکریت د لاحقو په زیاتولو جوړ شوی دی .

۷ - په سانسکریت کېنې د حروفو تبدیلی هم ډیر دی ، چه ځینې تبدیلوله سماعی او ځینې قیاسی دی . د تبدیلات او تغیرات په پښتو کېنې هم ډیر دی او ډېر حروف دی چه په یو بل باندې اوږی او بدلیږي .

۸ - داسما او کلماتو ترکیب هم په سانسکریت کېنې زیات اوږد دی ، د اوصفت په پښتو کېنې هم زیات لیدل کېږي لکه تر له = تره نور - کتمل = د کتمل - غړو ندی = د غاړې وند او نور .

داوو دېښتو اوسنسکريت د گرامري نزدېوالی په باب کښی ځینی ابتدائی معلومات. امید دی چه په دې باره کښی به نورې پلټنې هم جاری وی او کیدایشی چه یو وخت دد غودوار وژبو په پړوه کامله گرامري مقایسه باندی کا میایی حاصله شی.

---

په دې مقایسه کښی له دې وروسته کتابوڅخه اخستنه شوی ده:

- |  |                           |   |
|--|---------------------------|---|
| کتاب   | - مؤلف -                  | د طبع لځای  |
| ۱ - فرهنگ نظام                                 | - سید محمد علی -          | د حیدر آباد د کن طبع .                            |
| ۲ - د سنسکريت خود آموز                         | - « -                     | چه د څلورم جلد فر هنگ نظام په سر کښی چاپ شوی دی . |
| ۳ - قواعد اردو                                 | - ډاکټر عبدالحق -         | د هلمی چاپ  |
| ۴ - سخندان فارس                                | - دقاری عبدالله ترجمه -   | د کابل »  |
| ۵ - د سنسکريت تاريخچه (۱) -                    | د « ژوزف مانسون » تالیف - | د ښاغلی نعیمی ترجمه - فلمی دی                     |
| ۶ - ۱۳۱۷ هـ سالنامه کښی د ښا غلی یعقوب حسن خان |                           | مقاله .   |

---

(۱) دا کتاب د کتلو د باره ښاغلی کهزاد را کړی وو نو ځکه ورڅخه تشکر کوم .

دشركتو دمدير كفيل : ص ، ذبيح الله خان  
دستاندار نيراسيون دځانگي مامور : ص ، . . . . .

### اداري عمومي مديريت :

عمومي مدير : ع ، . . . . .  
دا جرايي او مامو رينو » : ص ، محمد هاشم خان  
دا وراقو » : » ، عبدالودود خان  
د قزما نې دځانگي » : » ، محمد عليخان  
د كنترول مدير » : » ، محمد عنايت الله خان

### د ققيش عمومي مديريت :

عمومي مدير : ع ، . . . . .

### داقتصادي مجلس عمومي مديريت :

عمومي مدير : ع ، . . . . .

### د تجارتي اطاقو عمومي مديريت :

عمومي مدير : ع ، ميرضياء الدين خان

### دا نطباعا تو عمومي مديريت :

عمومي مدير : ع ، محمد زمانخان

# بسم الله الرحمن الرحيم

## د کابل خوراسمه کالنۍ

لوی خدای لره شکرو نه دی، چه دده په فضل او مرحمت، او د زلمی ټولواک  
اعلی حضرت المتوکل علی الله محمد ظاهر شاه خلد الله ملکه و اطال الله عمره د عرفان  
پر وړونو جهاتو په اثر چه ددې هواد له مادی او معنوی ترقیاتو سره ئې لری،  
او د وطن د ټولو لویو رجالو د حسن اجرا آتو او د پښتانه ملت د ښوونیتو په اثر موږ  
د کابل د خوراسمۍ کالنۍ په نشرولو توفیق مومو.

او د پاک خدای په دلبار کښې په عاجز او انکسار خپل سر کښته کوو او شکرو نه  
باسو چه دې موسسې ته موقع ورکړ شو بده، چه خپل مو جو دیت په دې  
شپاړسو کالو کښې وساتي، او د مملکت د ادبی او عرفانی شتونو د پیاوړتیا  
څه خدمت وکړی.

او علاوه د کابل کالنۍ په نشرولو څه نور علمی، ادبی، تاریخی، اجتماعی مفید  
کتابونه تهیه کړي، چه ځینې ئې نشر شوي دي او ځینې په مطبعه کښې تر  
ترتیب او چاپ لاندې دي، او ځینې د نشر دپاره موجودې دي.

ددې موسسې کار کوونکي ددغو ټولو موفقیتونو په مناسبت خپله شکر په  
د پاک خدای په دلبار کښې ادا کوی، او د خدای نه لاریات توفیق غواړی چه دخپل  
زلمی پاچا تر سیوری لاندې خپلی وظیفې ترسره کړي، او نورې کامیابۍ ئې  
هم په نصیب شي.

(صحافت خانګه)



## د ابدالیانو مشاهیر

ترا احمد شاه بابا دمخه

لېکوال : حبیبی

ابدالی د پښتو د یوې مشهورې ټولنې نوم دی، چې د اعلی حضرت احمد شاه بابا تر جلوس وروسته په دراني مشهوره شوې ده. او په خپله یې د ارغنداو او ارغمان او برنک او هلمند په لټو او کلو او د پښتو و زرغونو ټوکو کې اوسې.



په دغو خلقو کې تر (۱۱۶۰ هـ) دمخه خورا ډیر مشهور سړی پېر شوی دی، چې د پښتو مشران نوم. او ټول د اعلی حضرت احمد شاه بابا اخلاقه گټلې گټې، او وروسته هم ډېر مشاهیر او نوموړي سړي ځمکې را وتلي دي. خو په دې مقاله کې غواړم، چې د احمد شاه بابا تر جلوس دمخه د دوی په هېواد کې د ابدالیانو نوم اوډل.

داسې د پښتو له خورا مشهورو خلقو څخه دی، چې نوم یې اوډل یا ابدال وو. زما په فکر د دې نامه رېښه پېره پخوا نه ده. او هغه تاریخي اېټل April یا هېټل Hapal ته رسېږي، چې د (۱۰۰ مسیحي) کال په شاوخوا کې دغې آریایي سین پوښتې قبیلې

په باختر او تخارستان کې لوی او مقتدر دوات جوړ کړی وو. او موږ څرګند دي، چې د دوی خلقو نوم ابدالوی، هم ضبط کړی دی (۱)

(۱) د ایرانيکا د اثاره المعارف

که څه هم پخوانو مؤرخانو دغه نوم ډول ډول کيلی دی، مگر د بریتانوي دائرة المعارف په عقیده کې اصلی اشکال هغه ایتل یا هیتل یا ابد لوی دی، چه اودل او ابدال ته ډېر نژدې دی . اودانوم تراوسه هم په پښتو کې مستعمل دی ، اوسېری ویلای سې ، چه یو پخوانی آریائی نوم دی ، چه په پخوانی افغانستان کې تر اسلام ډېر دمخه هم مستعمل اومروج وو . چه وروسته له دغه نامه څخه یفتل اودعربو هیطل او هیاطله هم جوړشوی دی ، اود یفتل په نامه تراوسه هم یو کلی په تخارستان کې د فیض آباد شمال ته سته ، په بدخشان او بامیان او غرستان کې چه کو می د باچپانو کورنۍ د اسلام په ابتدائی پېړیو کې موجودی وې، ټوله ددغی آریائی سپین پوستی قبلی څخه وه (۱)

ایتل یا هیتل = ایتل یا هیتل = ابدال یا اودل کېدای شی ، چه هروخت (ب) په (ب یاو) اوړی ، ت اودال له یوه مخرجه دی ، سره اوبیتل ئې په فقه اللغة کې مطرددی ، او حروف علت هم تل یا زیاتېږی یا کمېږی ، نو د ابدال او اودل د نامه ریښې ډېری قدیمی دی . دغه اودل چه زه ئې دلته احوال لیکم ، دترین زوی اودشر خبون لمسی او دسېږن کړوسی وو . په دغه کورنۍ کې خرښبون چه دشرخبون ورور وو، هم ډېر مشهورسړی دی ، چه پتی خزانی دده پښتو اشعار را نقل کړی ، اومونږ ته ئې سپارلی دی اودده دوفات تاریخ (۱۱۴۱ هـ) لیکي ، چه دقندهار په مرغه کې مړشوی دی (۲)

داودل لوی نیکه (سړبن) اودده کورنۍ د کسې به غره (کوه سلیمان) کې اوسېدل ، اود پښتنو مشرتوب په دوی اړه درلوده ، او وروسته ډېر مشاهیر پکښی پیدا شوه (۳)  
اماشرخبون داودل نیکه یو پوه او کاغ او متقی مشرو . دخپل مشرتوب مخکې ئې پراخه کړه ، او ډېری دشاوخوا طائفی ئې ایلی کړې ، او تر ده وروسته ئې ترین له اولادې څخه مشرشو ، ترین یقیناً داودل پلاردی ، لیکه چه ابدالیان متل کوی (که ترین یې خومي پلاریې) پخپله اودل له پلاره کوچنی پاته شو ، خو په نورو ورونو کې پلاردی پرخپل لځای کېښا وه او لیکه چه دښه خوی او ښندنی اوزده ورتوب خاندو ، نو ئې د کورنی مشرتوب په ښه توگه کاوه ، او د ډېری لوړې درجې څښتن و ، (۴)

(۱) د آریانا مجله ص ۱۴۲ ج ۳ د بارټولد د کتاب په حواله

(۲) پټه خزانه ، ص ۱۷-۲۱

(۳) مخزن افغانی قلمی ص ۱۴۹ او تاریخ سلطانی اوحیات افغانی

(۴) مستر را ورتی د قلمی تذکرة الملوك په حواله او سلطانی

داودل نوم مؤرخینو په مختلفو ډولو اوډل یا ابدل یا ابدال را وړی دی ، او په پښتو ادب کې هم دغه درې سره شکله موجود دی پخپله احمد شاه با با یونځای د جمع په صورت او د لی راوړی لکه چه وایی :

توله یودی که غلجی دی که اودلی ښه هغه چه ئې دزده ښییه صفاده (۱)

گل محمد ابدالی هلمندی چه د (۱۲۰۰ هـ) په شاوخوا کښې ژو ندی ؤ ، دا کلمه ابدال کښلې او داسی ئې راوړې ده .

په نسب کښی که ابدال یم چانه روی دی د ابدال (۲)

له دغو څخه ښکاره کېږی ، چه د رې سره ډولو نه ئې منقول او صحیح دی ، دمخزن افغانی په یوه قلمی نسخه کښې چه په (۱۱۱۳ هـ) په قندهار کښې کښلې شوې ده ، هم په قدیم ډول (اودل) ذکر شوی دی (۳) مگر په وروستیو کتابو کښې ابدال راغلی دی . داودل د ژوندانه وخت په ثابت ډول نه معلوم کېږی ، د تذکرة الملوك لیکوال وائی چه باید دی دسلطان محمود معاصر وی یعنی د (۴۲۰ هـ) په حدودو کښې ژو ندی وی ، دی پخپله وائی چه په تاریخ کښې دهغه چا نوم اخیست کېږی چه مشهور وی ، نو ښایي چه دسپړن او شر خون او ترین تر منځ ځینې نور پلرونه هم وی ، چه هغه مشهور شوی ندی (۴) نو ځکه ددغو نیکونو د ژوندانه وخت ټاکل هم مشکل کار دی . منشی عبدالکریم علوی په تاریخ احمد کی اوهم حیات افغانی او بیا هم لنگویرت دیمز مستشرق په اسلامی دائرة المعارف کی لیکي ، چه او دل دخواجه ابو احمد چشتی معاصر و ، نو که مونږ د تاریخ احمد او حیات افغانی ذکر شوی روایت ومنو چه اودل دخواجه ابو احمد چشتی معاصرو ، نوبه په لا ندی ډول دده د ژوندانه تاریخ هم معلوم کړای شو .

قدوة الدین خواجه ابو احمد چشتی دافغانستان دچشت د کورنۍ له مشهورو عرفانو څخه دی ، چه نسلاً حسنی او دسلطان فرسناقه زوی و ، دپلرو سلسله ئې تر حضرت امام حسن پوری رسوی ، دا کورنۍ دعباسیانو له لاسه دهرات دچشت غروته راغلې او دلته ئې لځانونه پټ کړی وه ، ابو احمد د (۲۶۰ هـ) کال د روزی په شپږمه په چشت کښې وزیږېدی ، او له کوچنی والی ئې له خواجه ابواسحاق شامی څخه تحصیل استفاضه وکړه ، دی دچشتی عرفانو په سلسله کی 'وی سپری دی' د (۹۵) کالو په عمر د (۳۵۵ هـ) کال

(۱) لوی احمد شاه با با ص ۲۹۱ (۲) دگل محمد قلمی دیوان

(۳) قلمی مخزن ص ۱۴۱ — ۱۴۹ (۴) دراوړتی په حواله تذکرة الملوك

د جمادى الثاني په لومړۍ ورځ وفات شو (۱) تر اوسه هم په چشت کښې د دغې غر فاني کورنۍ مزارات مشهور او معلوم دي، د سلطان فرستاقه او خواجه ابو احمد اودده د زامنو او نورې کورنۍ قبرونه نهسته او هلته د ابو احمد ابدال درياضت او عبادت لځاى هم د چشت په غرو کښې تر اوسه خلکو ته معلوم دى (۲)

لځکه چه خواجه ابو احمد د (۳۵۰ هـ) په شاوخوا کښې ژوندى و او د اودل ملاقات هم د مورخينو په قول دده سره ثابت دى ، نو بايد داودل د ژوندانه وخت هم دغه د (۴۴۰ هـ) حدود وټاکو ، او په دې ډول د تذکرة الملوك دليکوال خبره هم صحيحه ښکاري .

خلاصه داده : چه دملک اودل په مشر توب کښې د پښتو قبایل سره متفق و ، دوى کښت او کرهڼى ته توجه وکړه ، د کسې غره د شاوخوا مخکې ټپي و د انى کړې او هم هرې خواته خپاره شول . پخپله اودل په دلاورى مشهور او په جگړو کښې بريالى و ،

اوپه دغو وختو کښې پښتانه د بگرام (پېښور) او غزني او کابل په لټو کښې هم اوسېدل (۳) لځيرک : تر ملک اودل وروسته دده په کورنۍ کښې حکمراني پاته شو ، چه خو

عمر وروسته ملک (رجر يار لځير) ددغو پښتنو په مشر توب وټاکل شو ، او دده له زامنو څخه چه عيسى مشر و ديلار له خوا جانشين مقرر شو ، وايي چه د عيسى په زامنو کښې سليمان د پردساوپوهۍ خاوند اوپه (لځيرک) مشهور شو ، او عيسى دپوهنې لامله لځيرک په مشر توب غوره کړ ، لځيرک په ډېره مړانه او عقل او دلاورى حکمراني وکړه ، د قوم د اخلاقو په ښه کولو کښې زيار وکړ ، او خپل قوم ټپي د کسې غره څخه د قندهار په ودانو مخکې کښې سره خپاره کړل (۴)

د سليمان لځيرک له زامنو څخه هم درې تنه مشهور دي ، پوپل ، بارک ، الکوکو بارک : ملک لځيرک پخپل ژوندون کښې يوه لويه جرگه جوړه کړه او دده په

زامنو کښې د قوم په ټاکنه ملک بارک په مشر توب وټاکه ، تر (۱۵۰) کالو پورې مشر توب په بارک لږه درلوده ، او په ښه خوى او ښندنه او پوهنه مشهور و ، ټوله قبایل ده ته ايل وه (۵) پوپل : تر ملک بارک وروسته دده ورور ملک پوپل د ټولو قبيلو مشر شو ، لځکه چه دى

هم هوښيار او مشر توب په چارو ښه پوهېدى ، نو ټپي دهغې خوا پښتانه ټول خپل تابع کړل د کاکړو

(۱) نفعات الانس ، سير الاقطاب ص ۶۴ آئين الكبرى ج ۳ ص ۱۶۶

(۲) تاريخ احمد ص ۹۳

(۳) در ا ورقى په حواله تذکرة الملوك (۴) تذکرة الملوك

(۵) تاريخ سلطاني ص ۵۴



او دېلو خو قبا یل هم په شال اوزوب کښې ورته اېل شول پس له (۶۵) کاله مشر توبه د عمر په (۸۹) کال وفات شو (۱)

د یو یل هم درې زامن پاته شوه حبیب ، بادو ، ایوب .  
 چه ملک پوپل مې کېدی ، نو ئې خپلو زامنو ته وصیت وکړ چه دخپلو پلر وپرپله پل کښېږدی ،  
 ترمرگت وروسته ئې مشر زوی حبیب د پښتنو په ریاست وټاکل شو (۲)

حبیب : د ملک حبیب دوره د جنگو او نزاع دوره وه ، دده ټول عمر د قبا یلو په تابع کولو تیر شو ، مگر هیچا دده مشر توب نه مانه ، ترینو او برېڅو او غلزو او کاکړو لځا نته مشران غوره کړل ، او د ملک حبیب سره ئې جگړې وکړلې دی د عمر پر (۵۲) کال وفات شو او درې زامن ئې مشهور دی بامی ، اسمعیل ، حسن (۳)

بامی : بامی د ښوخیو خاوند او متواضع او مېړه سړی و ، تر حبیب وروسته دی مشر شو ،  
 بامی د سلطان بهلول لودی ، او د سلطان سکندر لودی معاصرو (۸۵۵-۸۹۰) اوله هغو شاهنشاهانو سره ئې دوستانه روابط درلودل ، او هر وخت به هغو سوغاتونه ورته رالېږل ،  
 که څه هم دده په مقابل کښې نورو د مشر توب مدعیانو هم دلودیانوله درباره سره روابط ونښلول ،  
 مگر لودی دربار د بامی مشر توب رسماً ومانه (۴) سلطان محمد مورخ دده عمر (۷۳) کاله گڼی .  
 د ملک بامی مشهور زامن دغه درې تنه دی : نصرت ، کانی ، بساما ، مگر له دغو څخه یوه مشر توب نه وو کړې ، کانی د عمر پر (۸۰) کال وفات شو .

بهلول ، معروف : د کانی له زامنو څخه دده مشر زوی بهلول بیا په ریاست انتخاب شو ،  
 دده په ریاست کښې (۱۲) کاله دده پلار کانی هم ژوندی و ، پخپله بهلول د (۱۰۵) کالو په عمر تر دنیا ولاړ ، او په لیاقت ئې ریاست وکړ او له زامنو څخه ئې معروف چه دېرش کلن و پخپل ژوندون کښې په مشر توب وټاکه ، معروف ښه اداره ونکړه ، او ملت لځنی خپور او فریشان و ، تر لس کاله حکمرانۍ وروسته وفات شو (۵)

یو زوی ئې مشهور دی چه عمر نو مېد ، خو د پلار ترمرگت وروسته زوکړی او مور ئې له ساگرو څخه وه ، لځکه چه عمر مېړه او دلاور سړی و ، دابدالیو مشر توب ئې بېرته لاس ته راوست ، او هر چاته ئې دمخکو وېش معلوم کړ ، اکثر قبا یل ئې مطیع کړه ،  
 او دهمسا په دولتو له خوا هم دی په مشر توب منل شوی و ، خلق ئې په حکمداری

(۱) تاریخ سلطانی ص ۵۵ (۲) تذکرة الملوك ، حیات افغانی ، سلطانی

(۳) تذکرة الملوك ، حیات سلطانی (۴) تذکرة الملوك .

(۵) سلطانی ص ۵۷ حیات ص ۱۲۲

کښې په راحت او هوساوه دده درې زامن مشهور دي: صالح، سډو، آ دم، او عمر ئې هم (۹۸) کاله و(۱)

صالح: - که څه هم سلطان محمد او محمد حيات لیسکي، چه ملک صالح د عمر مشر زوی حکمرانی نه وکړه، او خپل کشر ورته ئې پرېښووه، مگر د تذکرة الملوك په قول دده حکمداری هم ثابته ده، او وایی چه ټول ابدالی ده ته مطیع وه، ډېر پرهېزگار او فیاض سړی وه، غریبان به ئې روزل، او سترخوان ئې هیڅکله بې له مېلمه نه و، دی دشیر شاه او سلیم شاه سوری معاصر دی (۹۴۷ - ۹۶۰ هـ) او هغه ښه روابط چه دده پلرو له لودی پاچهانو سره درلودل، ده له سوریانو سره هم تازه کړل چه شیر شاه سوری دهلی ونيو، نو ملک صالح دملي وحدت او تبریک لپاره خپل وکیلان دهلی ته واستول پښتون شهنشاه ددغو نمایندگانو احترام وکړ، او وې وېل: چه ملک صالح یوازې زما مشرن دی، بلکه دده پلرونه او نیکونه له ډېره عمره زما دپلرو او نیکو مشران وه، او د ملک صالح کورنۍ په ټولو پښتنو کښې ساری نلری، په دې ټول دغه پښتانه شهنشاه د ملک صالح مشرتوب ومانه، او دده نمایندگان ئې په احترام د ډېرو سوغاتو سره را رخصت کړل (۲)

په دې ټول ښائي چه ملک صالح تر سډو دمخه مشرتوب کړی وی او وروسته د خپل ورور په حق کښې تر حکمداری تېر شوی وی.

سډو: دده تولد په دوشنبی ۱۷ د ذیحجې (۹۶۵ هـ) و، چه د شیخ اکوعلیزی زاهد په امر ئې نوم (اسدالله) پر کښېښود چه پښتانه ئې پخپله اصطلاح سډو بولی (۳) د عمر په ژوندانه کښې پښتو یوه لویه جرگه وکړه، او په دغه ټولنه کښې داسی فیصله وسوه، چه وروسته دی ددوی مشرتوب په سډو و اړه ولری، صالح چه مشرو، هم د قوم په دې فیصله خوښ شو، او مشرتوب سډو خان ته وسپاره شو، پلار او مشر ورور کمربند او ترره ده ته ورکړه، سډو د مشرتوب دوره په کامیابی تېره کړه، او خپل مخالفین ئې هرې خوا ته پرځای کښینول، په دغو وختو کښې دابدالی قبیلو مرکز ارزغان و او سډو خان هلته په مېړانه او عقل مشرتوب کاوه (۴)

دسډو خان په عصر کښې حاجی جلالخان بادوزی چه په حاجی زاهد خان مشهور و، او په قندهار کښې تر اوسه هم یو کلی دده په نامه یادېږی، دابدالیو دلخینو قبیلو مشرتوب درلود، مگر سډو خان چه یو پوه او پرخلوگران مشرو، ټول ملت ئې سره متفق او تر خپله حکمرانی لاندی کړه، او د حاجی زاهد خان سلطه ئې له منځه ورکه کړه (۵)

(۱) سلطانی، حیات. (۲) تذکرة الملوك

(۳) تذکرة الملوك، حیات ص ۱۲۴ (۴) سلطانی ص ۵۹ - حیات ص ۱۳۳

(۵) خورشید جهان ص ۱۶۹

د سډو خان د ژوندانه وخت دمؤر خینو په قول هغه عصر دی ، چه په فارس کښې شاه عباس صفوی پاچې کړله ، لځکه چه سډو خان یوقوی او غښتلی اود نفوذ څښتن مشرؤ ، نو داسی وایې چه له صفوی دربار همدی په مشرتوب منل شوی ؤ .

د سډو خان په مشرتوب کښې یوبل د پښتنو مشهور مشر (محمد) هم ملگری ؤ ، چه دا محمد د محمدزو د قبیلې پلاردی مگر د سډو خان اقتدار اودده د پښتنولی ښه خوږونه داسی وه ، چه ټول پښتانه دده په مشرتوب راضی وه ، اودی د پښتنو په یو والی او اتحاد کښې بریالی شوی ؤ (۱)

مونږ ته د ښکاره ده ، چه شاه عباس صفوی په (۱۰۳۱هـ) قندهار د جهانگیر مغولی څخه نېولی وو (۲) لځکه چه د سډو خان ر وابط له شاه عباس سره مؤر خینو لیکلی دی ، نو باید چه سډو خان د (۱۰۴۰هـ) تر حدود پوری ژوندی وی .

د سډو خان زامن : سډو خان پنځه مشهور زامن درلودل : خواجه خضر خان ، مودود (مغود) خان

زعفران خان ، کامران خان ، بها در خان سډو خان دخپل عمر پر (۷۵) کال د اولس یوه لویه جرگه راوغوښته ، او خپل زوی خواجه خضر ئی په مشرتوب وټاکه ، که څه هم مشر زوی مغود خان و مگر د سډو خان په ټاکنه اولس دخضر خان مشرتوب ومانه (۳) د سډو خان دغه پنځه زامن د شاه جهان معاصر دی ، په (۱۰۴۷هـ) چه د شاه جهان مامورین د قندهار د نیولو دپاره راغله ، ملک مغود او کامران خان له دوی سره کومکونه وکړل ، اود قندهار مرزبانان گڼل کېدل (۴) دغو مشرانو د دهلی له دربار ه سره ښه ر وابط درلودل ، لځکه چه په (۱۰۵۰هـ) ملک مغود او کامران خان د دهلی ته ولاړل اود شاه جهان له خوا خلعتونه ورکړل شوه (۵) دنورو وروڼو د مرگ احوال نه دی معلوم ، اما ملک مغود په (۱۰۵۳هـ) د کابل له حکمران میر یحیی سره چه د شاه جهان له خوا مقررؤ ، جگړه وکړه ، او په دغه جگړه کښې مړسو ، د شاه جهان دربار ته چه دغه اطلاع ورسېده میر یحیی ئې موقوف کړ (۶)

له دغو حوادثو څخه ښکارېږی چه دغو وروڼو پس له (۱۱۰۰هـ) ژوندون کاوه له دوی څخه کامران خان عالم او فاضل سړی ؤ ، چه کلید کامرانی ئې چه (۱۰۳۸هـ) د قندهار په ښار صفا کښې تالیف کړی . دی (۷)

د خواجه خضر ریاست او حکمدا ری او یا کاله وه ترده وروسته ئې دوه زامن خدا داد سلطان اوشیر خان مشران شول ، خدا داد په پښتنو کښې په سلطان (خوده کی) مشهورؤ ، او په ډېر لیاقت اوقوت ئې مشرتوب کاوه په دغو وختو کښې د پردو دولتو د تفرقي اچولو

(۱) تتمه البیان ص ۲۳ - سرجان ملکم - ملیسون (۲) تزک جهانگیر اقبالنامه ، منتخب اللباب

(۳) سلطانی ، حیات (۴) پادشاه نامه ج ۲ ص ۳۲ (۵) پادشاه نامه ج ۲ ص (۱۵۱)

(۶) پادشاه نامه ج ۲ ص ۳۴۸ (۷) پته خزانه ص ۳۰

سياست هم سلطان خدا داد ته ښکاره شو او دې پښتانه مشر په خپله پوهې ددې خبرې حس وکړ چه بايد پښتانه سره يولاس شي ، هغه و چه دی د غلجو قيا يلو له مشرانو سره په مقا همه او جر گه کښې داخل شو اوله غلجو پښتنو سره ئې دوستانه روابط ټينگ کړل په دغه وخت کښې د غلجو د قبائلو مشر سلطان ملخي و خوده کي دهغه مشر سره مقا همه وکړه ، او د ابداليو د ملخکو حد ئې د کلات پل سنگي او گرماو وټا که ، چه تر اوسه داوښ معتبر دی (۱) لځکه چه دغه مسئله هر وخت د جگړې وسيله وه نو سلطان خدا داد او سلطان ملخي په پوهې او خبر خواهي د پښتنو له منځه و يستله . سلطان خوده کي د زوب او بوري مخکي هم تر خپل تصرف لاندی کړې ، او په ښه ډول ئې درياست کارونه وکړل ، دی د اورنگ زيب معاصر و (۱۱۰۰هـ) حدود تر سلطان خوده کي وروسته دده ورور شير خان مشر شو ، اود (۱۱۰۵هـ) په شاوخوا کښې د قندهار له صفوی حکمران سره جگړې وکړې ، هغه قوم چه د قندهار حکمران پښين ته د مالياتو د ټولولو دپاره استولې وه ، د کوزک په بند کښې شير خان دخپلو اقوامو په مرسته محو کړه ، صفوی حکمران له شير خان د دغې جگړې محر کين وغوښتل ، مگر شير خان په لاس ور نکړه ، صفوی حکمران د قندهار د ښار د شاوخوا ټول ابدالي ددې واقعي په انتقام تالا کړل ، او شير خان هم په کلات او پښين کښې د ږدو پر مقابل د ملی استقلال اعلان وکړ . شير خان کلهک او غښتلی پښتون و صفوی دولت دده د ماتولو دپاره بله چاره نه درلوده ، دده دا کا مغدود خان يوزوی و چه شاه حسين نومېدی ، د ابداليو په مشر توب ئې د شير خان د مقابلې دپاره وټا که ، په دې ډول د ابداليو په منځ کښې نفاق ولوېد ، مگر ژر شاه حسين دخپل کار نتيجې ته ملتفت شو ، او جليل ( خليل ) نومی چه د صفوی بيگلر بيگي له خوا ئې د پښتنو د نفاق اچولو وظيفه درلوده مړ ئې کړ ، اوله قندهاره ښهر صفاته ولاده هلته ئې د شير خان سره روغه وکړه ، اود رياست امور ئې هغه ته وسپارل ، پخپله ملتان ته ولاده (۲)

شير خان : تر شاه حسين وروسته شير خان د ابداليو خپلواک مشر شو ، او داسی قوت ئې وموند چه د صفوی د ږار له خوا هم دده استقلال اورياست په رسمی ډول اوېژانده سو ، په دې شرط چه د قندهار د بيگلر بيگي سره به دخضرې پروخت مرسته کوی ، شير خان هم بدال خان باميزی او ميرزا لنگوزی د مبارک زوی چه د قندهار د ابداليو نور مشران وه ، د دغان ملگری او پخپل نيابت ئې مقرر کړل او په دې وسيله ئې ملی يو توب او اتحاد حاصل کړ . شير خان د (۶۵) کالوو ، چه يوه ورځ په ښکار کي له آسه ولوېد او سخت تپي شو ، نو ئې خپل زوی سرمست خان په رياست وټا که ، او پس له هغه وفات شو (۳)

(۱) سلطاني ، حيات (۲) سلطاني ص ۶۰ - ۶۴ حيات ۱۲۲ - ۱۲۴

(۳) سلطاني ص ۶۵ - حيات ص ۱۲۵

سرمست خان : سرمست خان د خیلویلر و په ډول د ریاست کارونه پر خپله غاړه واخیسته او تر دیر شړ کا لوی پورې ، د پښتو مشر گڼل کېدې ، دی د خپل ژوندانه تر ( ۵۰ ) کالو پورې ژوندی و ، درې زامن لځنی پاته شول ، چه مشهور ئې دولت خان و . (۱)

دولت خان : د سرمست خان دمړینې پروخت دولت خان کوچنی و ، نودسرمست خان اکاحیات سلطان

چه د سلطان خوده کی زوی و ، د ریاست کارونه ئې اجرا کول ؛ مگر له حیات سلطان مشهور په فیروز خان څخه داسی کارونه د صفویانو په طرفدارۍ کښې وشول چه اولس لځنی خپه شو ، او په عوض کښې دولت خان چه نوی مېړانی وهلی و پر لځای کښېناوه دولت خان ، د قندهار د صفوی حاکم سره جگړه وکړ هغه فرخ نوی د ډېر لښکر سره ورته راو لېږی ، مگر دولت خان دغه فرخ د لښکر و سره مړ کړ ، خو چه پخپله بیگلربیگی مقابله ته ورته راووتی ، مگر دولت خان دی هم مات کړ ، حیات سلطان چه د دولت خان مېړانه ولیدله ، د قوم ریاست او مشرتوب ئې د هغه پرینو ، هند ته ولاړ ، نو دولت خان مستقل رئیس شو ،

صفوی حکومت د دولت خان دغه کامیابی لیدله ، لځکه چه د قندهار بیگلربیگی ( زمان خان ) خونسوای کولای ، نو تر ( ۱۱۰۶ ه ) وروسته شاه حسین صفوی به امر مو قوف او په عوض کښې گر گین خان گرجی چه نوم ئې وختنک و د شاهنواز خان په لقب قندهار ته راو لېږی ، دې نوی حاکم بل څه نسوای کولای نوعزت خان اوانل خان ابدالی ئې د دولت خان په مقابل کښې پورته کړه ، خو چه ددوی په مرسته گر گین خان و کړای شو چه یوه شپه په شهر صفا کښې د دولت خان پر کلاچه لښکر ور توی کړی ، دې لښکر و پخپله دولت خان اود دده زوی نظر محمد خان اوفقی خان نو کړ ئې ونیول ، اود گر گین په امر دوی اعدام شول ، په دی ډول گر گین خان موفقی شو ، چه د ولت غونډی لوی مشر پښتون مړ ، او د صفوی کورنی یو قوی دشمن له منځه و با سی ( ۲ ) ( ۱۱۱۵ ه حدود ) رستم خان : د دولت خان درې زامن وه نظر محمد خان دپلاره سره یو لځای د گر گین خان له خوا و وژل شو ، بل مشر زوی ئې رستم خان و ، چه زمان خان ئې کشرو رور و ، لځکه چه گر گین خان د دولت په وژلو هم ابدالی قبایل ایل نکره ، او هر کله په دغو خپلوا کو ټبرو لځانونه د پردوله لاسه ژغورل ، نو گر گین مجبور شو ، چه د رستم خان زده وساتی .

رستم خان قابل اولایق سپری و ، مشرتوب ئې په خور اښه ډول کاوه ، د قوم نور مشران ئې

هم لځانله را جلب کړل ، سرور خان د بختیار خان بامیزی زوی ، او کټه خان ا کوزی ئې پخپله پیشکاری مقرر کړل ، اود دوی په سلا ئې د ابدا لېو مشرتوب کاوه .

(۱) سلطانی ص ۶۵ - حیات ص ۱۲۵ (۲) سلطانی ص ۶۷ حیات ص ۱۲۶ زند گانی

نادر ص ۹ - روضه الصغای نا ص ج ۸ - سرجان ملکم -

گر گين خان درستم خان كشر و ورزمان خان له ده څخه د يرغل په ډول و غوښت او كرمان ته يې واستاوه ، له دې جهته نورستم خان دخپل مشرتوب په دوره كښي په ښكاره د صفوى دولت برخلاف څه نسواى كولاى ، مگر د قندهار د جنوبى خوا بلوڅ قبائل يې د آزادۍ غوښتلو په نامه تحريريكه كړل هغو د صفوى دولت له حكمرانه سره جگړه وكړه او درستم خان په دغه ذريعه د صفوى دولت لښكر تباه كړ . گر گين خان درستم خان له دغه كساره څخه و بيرېدى ، دى يې بندي كړ ، خو چه وروسته يې مړم كى . درستم خان مشرتوب خپلور كاله و ، له ده څخه كم اولادندى پاته . پس له رستم خان قندهار كښي د ابداليا قبائل يې مشر پاته شول ، او د صفوى حكومت لښكرو دوى خورا سره و نښتېدل خو چه دوى ولاړه د قندهار د ښور او كك په ريگستان او بېكوا كښي ميشته شول ( ۱ )

دا ټول وقايع تر ( ۱۱۱۹ هـ ) پورې واقع شول وروسته له قندهاره د ابداليا مشران هرات ته ولاړل او هلته يې تر څو وخته پورې مشرتوب وكړ ، په قندهار كښي د ( ۱۱۱۹ هـ ) په پاى كښي حاجى ميرويس خان هوتيكه گر گين خان مړ كړ ، او تر ۱۱۵۰ هـ پورې د قندهار د هوتكو په لاس كښي و اوس به دله دا د ابداليا وروستنى و قانع چه په هرات كښي پېښ شوى دى ، لنه لنه وليكم .

## دهرات ابدالى

دمخه وويل شوه ، چه حيات سلطان د سلطان خوده كى زوى د دولخان په عصر كښي له قندهاره ولاړ او په ملتان كښي اوسېدى ، هغه وخت چه د گر گين خان مناسبات له ابداليا سره وران شول او دوى يې تالا كړل ، نو ابدالى قبائل تقريباً پنځوس زره كوره ښور او كك او د فراه بېكواته ولاړل ، عبدالله خان : په ( ۱۱۱۹ هـ ) چه مرحوم حاجى ميرويس خان هوتيكه د صفوى حكومت كمبله ټوله كړه او قندهار يې آزاد كړه ، نو شاه حسين صفوى ، كيخسرو خان له ( ۲۵ ) زره لښكر سره د حاجى ميرويس خان مقابلې ته راو لېږه ، لكه چه په عسكري قوت يې د پښتنو سره مقابله نسواى كولاى نو يې د نفاق دپاره له ملتان نه د حيات سلطان سد وزى زوى چه عبدالله خان نومېدى ، راو غوښت او عبدالله خان له اسدالله خان خپل زوى سره بيرته قندهار ته راغله كه څه هم دوى د صفوى دربار له خوا د حاجى ميرويس خان د مقابلې لپاره راغوښتل شوى وه ، مگر دوى لكه چه پښتانه او پر خپل وطن مين وه ، نو يې فرصت غوښت ، هغه و چه كيخسرو خان اولښكر يې د حاجى ميرويس خان له خوا په ۲۸ دروژي ۱۱۲۳ هـ معوشول نو عبدالله خان او اسدالله خان له فرصته استفاده وكړه ، دواړه هرات ته ولاړل ، او هلته يې دخپلوا كى كانون تود كړ ، لكه چه د هرات مليون هم خپلوا كى ته تياروه ، نو يې د عبدالله خان سدوزى ملگرى وكړه ، په دغه وخت په هرات كښي عباس قلي خان شاملو د صفوى دربار له خوا حكمران و ، هغه عبدالله خان او او اسدالله خان دواړه بنديان كړل



ع.ج. محمد کبير خان د فواید عامې وزیر  
S.Ex. Mohammad Kabir Khan  
Ministre des travaux publics.

## د فواید عامې وزارت

وزیر : ع.ج. محمد کبير خان  
معاون : ع.ج. نصر الله خان

### د تعمير او عمومې مدیریت :

عمومې مدیر : ع.ج. عبدالرحيم خان  
د تعمير او اجرايي مدير : ع.ج. مير غياث الله خان  
د ژوند کابل : ع.ج. محمد ظاهر خان

### د معابر و عمومې مدیریت :

عمومې مدیر : ع.ج. محمد اکرم خان  
د معابر : ع.ج. فضل حق خان  
د تنګ غارو د سړک مدير : ع.ج. حفیظ الله خان

### د ویالو او بندو عمومې مدیریت :

عمومې مدیر : ع.ج. سيد وحدث شاه خان  
د مصالح د تېمې عمومې مدیریت :

عمومې مدیر : ع.ج. امير محمد خان  
اداري  
د تفتيش عمومې مدیریت :

عمومې مدیر : ع.ج. سعد الدين خان  
د دوا شولو عمومې مدیریت :

عمومې مدیر : ع.ج. شاه محمود خان  
د کنترول عمومې مدیریت :

عمومې مدیر : ع.ج. غلام رسول خان  
اور فني او اداري مدیریت :

د ميخانيکي فني مدير : ع.ج. غلام محمد خان  
د انشا او مدير : ع.ج. شير احمد خان  
د پياوړتيا مدير : ع.ج. عبد الغفور خان

خوداته دهرات ملیون سره وښورېدل، او عباس قلی ئې له هراته وېوست، صفوی دربار چه دهرات دملیونو په نهضت خبر شو، دعباس قلی پر لځای ئې جعفر خان استاجلو دهرات دابل کولو دپاره مقرر کړ، مگر عبدالله خان چه داسی فرصت ئې و غوښت، او په هرات کېنې د آزادېخوا هانو قیادت کاوه، له بندی خانې راووت، ددوښاخ غره ته ولاړ، ابدالی قبائل ئې سره غونډه کړل، او اسفزار ئې ونيو، وروسته ئې پر هرات یرغل وکړ، دصفوی حکومت نوی حکمران جعفر خان مقابلې ته راووت، او یو فرسخ له هراته لیری جگړه و نښته، پښتنو جعفر خان ژوندی ونيو، اورا غله هرات ئې کلابند کړ، د عبدالله خان مړنی لښکر دهرات پر هغه برج چه پیله خانه نو مېدی، اود عراق او ملک د دروازو تر منځ واقع ؤ، وروخت، او ښار ئې فتح کړ، دروژي ۲۶ شپه (۱۱۲۹ هـ) تردې بری وروسته دهرات ملیون ټول سره غونډه شول، غوریان، کوسان، بالامرغاب با دغیس او په انور دهرات ملحقات ئې ټول ونيول، او هلته ئې ملی حکومت تاسیس کړ، او فراه ئې هم په دغه غریبی مرکز حکومت پوری ونيولوا.

دصفوی دربار چه قندهار له لاسه وتلی و، نه ئې غوښته چه هرات هم دغسی مفت ابله کړی، نو فتح علی خان تر کمان له اصفهانه دهرات دابدالیو مقابلې ته ددېر لښکر سره مقرر شو.

پښتانه دهرات دآزادی لپاره داسدالله خان په مشرتوب دصفوی لښکرو مقابلې ته ورغلل. او په گوسویه او غو زیان کېنې جگړه و نښته، دهرات ملیون بریالی شول، اود صفوی لښکر و قوماندان فتح علی ئې د لښکرو سره ټول ووژل، اودېرو غنا ټمو سره هرات ته راغلل، په دې ډول عبدالله خان او اسدالله خان هرات دېر ډوله حکومت ته آزاد کړ، او پخپله دوی حکمرانی کوله. (۱)

اسدالله خان، لکه چه لوړ مووویل اسدالله خان د خپل پلار عبدالله خان گړندی قومانده و،

دوی تر (۱۱۳۲ هـ) پوری په خپلواکۍ پر هرات حکمرانی وکړه، په دغه کال یوه خور ابده واقعه پېښه سوه، چه اعلیه حضرت شاه محمود هوتک دحاجی میرویس خان زوی غوښتل، چه دایران خواته خپله دتېرېدولار خلاصه کړی، ددې دپاره ئې دیوڅه لښکر سره پرفراه باندی یرغل وکړ، اسدالله خان چه دفراده لاسه تلل نه غوښته، د شاه محمود سر ئې دجگړې دپاره لښکر تر دلارامه بوتله چه دخالشر ودرغاره واقع دی، لکه چه د قندهار او هرات لښکر دواړه سره خپلوان او هم وطن وه، نو چانه غوښته چه جنګ وکړی، خو په لمړی تصادم کېنې پخپله اسدالله خان مړ شو، او شاه محمود چه نه غوښته له خپلو هم وطنانو سره جگړه وکړی، بیرته قندهار ته ولاړ، او دهرات لښکر هم داسدالله خان تر قتل وروسته هرات ته وگرزیدل. (۲)

(۱) قلمی نادر نامه ص ۲۴ - سلطانی ص ۹۸ حیات ص ۱۲۶ جها نکشای نادر ص ۷، تاریخ احمد - قلمی ص ۳

(۱) جها نکشای نادر ص ۸ سلطانی ص ۹۹ حیات ص ۱۲۷ قلمی نادر نامه ص ۲۵



د ابداه واقعہ چه دواړو خواؤ نه غوښته ، او اعليحضرت شاه محمود ئې ډير متاثر اومتا سف کړي په (۱۱۳۲هـ) پښه شوه .

زمان خان: د ابداليو لښکر چه په دلارام کښې اسداله خان غونډی مشر با يلسلی و، بيرته هرات له ولاړل ، او شاه محمود هوتک چه اصلا هم جنگ نه غوښت، قندهار ته وگرزېدی ، او عبداله خان دخپل زوی له مرگه نهايت غمجن شو، لځکه چه دی سپين زيری هم و، نو ابداليو وغوښتل چه دده پر لځای يوزلمی اود کارسپری په خپل مشرتوب وټاکي په دغه وخت کښې عبدا لغنی خان ا لښکرو زی چه د ابداليو مشرو، زمان خان چه درستم خان ورور او د دولت خان زوی و ، د ابداليو په مشرتوب و ټاکه، زمان خان پوه سپری اود لاور او فعال مشر وابدالی ئې سره متفق کړل، او جعفر خان اونور د صفوی دولت مامورین چه په هرات کښې دملیو نو په لاس بنديان وه، دباغ نو په خیابان کښې ټول مړه کړل، اود هرات ملی ابدالی دولت ئې ددوی له فسادو وژغوره .

دغه وخت د صفوی دربار له خوا صفی قلی خان ترکمان اوغلی د ډېر لښکره سره د هرات د نیولو لپاره له مشهد یرغل وکړ، زمان خان د هرات له ملی لښکر سره ددوی مقابلې ته و ووت، د کافر کلا پر میدان ددوی ترمنځ سخت جنگ وشو، که څه هم دپارس لښکر خورا ډېر وه، مگر د زمان خان ملی لښکر بریالی شو، او پخپله صفی قلی خان هم ووژل شو، زمان خان مظفر اود ډېرو غنایموسره هرات ته وگرزېدی، پس له دې زمان خان دوه کاله او (۵) میاشتی مشرتوب وکړ اوله د نیاڅخه ولاړ (۱) (۱۱۳۵هـ) دده د وژا من مشهور دی ذوالفقار خان ، احمد خان .

محمد خان: چه زمان خان مړ سو، نو د هرات ابداليو په (۱۱۳۵هـ) محمد خان د عبد الله خان زوی د قندهار له پورا و که راوغوښت او د هرات حکمرانی ئې وروسپارله، په دغه کال چه اعليحضرت شاه محمود هوتک پر پارس یرغل وکړ، نو محمد خان هم د هرات له ملیو نوسره پر مشهد هجوم یووی، او هغه ښار ئې څلور میاشتی محصور کړ .

محمد خان د خراسان په شاوخوا کښې خپله سلطه قوی کړه ، د سنگان کلا چه د غوریان غربي خواته وه هم ده ونیوله خپل مامورین ئې شاه وخوا مقرر کړل او بیرته هرات ته راغی . محمد خان تردغه وروسته په مشرتوب کښې موفق نشو، او ابدالیو دی له حکمداری څخه خلع کړ، او ذوالفقار خان د زمان خان مشر زوی چه دخپل پلار تر مرگ وروسته ښور اوک ته تللی ورا ئې ووست اود هرات د مشرتوب واگي ئې پلاس کښې ورکړې (۱۱۳۶هـ) مگر دوه کاله وروسته په (۱۱۳۸هـ) رحمن خان د عبد الله خان زوی اود محمد خان ورور هرات له راغی، او وئې غوښتل چه حکومت قبضه کړي، لځکه چه پښتنو نفاق اوجگړه نه غوښته نو ئې ذوالفقار خان باخزر او رحمان خان ئې فراته

ولېنېل، اوپه دې چم ئې فتنه لېمنځه ور که کړه، اودهرات دمر کړی حکومت د پار ه ئې  
الله یار خان د عبدالله خان بل زوی چه په ملتان کښې وروغوښت، دی هم په دغه کال (۱۱۳۸هـ)  
راغی، اودهرات دمشر توب واگی ئې په لاس کښې ونیولې (۱)  
الله یار خان او ذوالفقار خان: پس له هغه چه الله یار خان دهرات حکمداری و نیو له (۱۱۳۹هـ)

نادر افشار مشهد مسخر کړ، او اته زره لښکر ئې د سنگان پر کلا راواستول، وی چه دغه لځای  
هم دهرات د ابدالیو تر تصرف لاندی و.

له هراته ددې کلا دسا تلو دپاره اوه اته زره تنه دالله یار خان له خوارو ولېنېل شو،  
مگر پس له لښکر جنګه دغه لښکر بېرته هرات ته ولاړل.

نادر شاه په ایران کښې ورځ په ورځ قوی کېدی، اودهرات آزادی ته خطر پیدا کېدی.  
نو الله یار خان او ذوالفقار خان دهرات دملیو نو مشران سره متفق اودلښکر په تیارو لوبخت شول.  
(۱۱۴۱هـ) دشوال په څلرمه نادر افشار دهرات پر خوا حرکت وکړ، او تر بت جام ته  
راورسېدی، له دې خوا الله یار خان زر سپاره دمخه ولېنېل، او پخپله هم ولاد د کوسان په کلا کښې  
دمقابلې دپاره کښینوست.

نادر شاه ته د پښتنو دلاوری او شجاعت معلوم و، الله یار خان ته ئې خط و کیښ،  
روغه ئې لځینی وغوښته، مگر ابدالیو وویل چه مونږ دتوری په خو که لېو اب وایو، نه په  
قلم. نادر افشار، کافر کلا ته راغی، او دلته جنګ وښت، پښتنو دښی خوا حمله وکړه  
او د نادر افشار دلښکرو په منځ ورننوتل، دلته د نادر ښه زخمی شو، او نزدې وه، چه دده  
ژوند په دغه جنګ کښې پای ته ورسېږی، مگر د پښتنو پر یوه مشر گولی و ښته، او تر  
شا شول، وروسته بله ورځ الله یار خان بیا خپل لښکر سره تیار کړ او سخت جنګ واقع  
شو، پخپله نادر شاه دپیاډه لښکر قوما ندانی کړ، په دې جګړه کښې د پښتون تلښکر  
دبی انتظامی لامله ماته وکړه، اوهرات ته ولاړل، مگر الله یار خان هلته بیا لښکر سره  
قول او تیار کړل، او د پریان په رباط کښې چه له هراته دوه فرسخه لږی دی د نادر  
مقابلې ته ولاړ، په دې جګړه کښې بیا پښتنو پر نادر سخت فشار راوړ، او داسی  
جنګ ئې وکړ، چه دمخه نه و شوی. خو دلته یو داسې شدید باد را والوت، چه هو اډي  
دېره تیاره کړه، نو دواړو خواو لاس له جنګه وکیښ.

دریمه ورځ بیا الله یار خان په جګړه لاس پوری کړ، او تر ماښامه ئې جنګ وکړ،  
په دې وخت کښې ذوالفقار خان هم دخپلو لښکرو سر دښی خوا دنا در پر قواویر غل

و کړ ، نادر د پښتنو له مړانې او شجاعت څخه روغی ته مجبور شو ، او د شکیان په ر باط کښې دمذا کړې او روغی ور له پښتنو سرم بیرته کړ ، او د الله یار خان حکمرانی ئې رسماً ومنله ، د ذوالحجې څلرمه وه ، چه د نادر لښکر پس له دوو میاشتو جگړې بيله دې چه هرات ونیسی بیرته مشهده ولاړل ( ۱۱۴۱ هـ )

تر دې جگړې وروسته ذوالفقار خان بیرته فراه ته ولاړ ، او الله یار خان د هرات حکمداری کوله ، ځکه چه نادر افشار پس له دی په پارس کښې داعیه حضرت شاه اشرف هو تکه سرم په جگړو بخت و ، نو ابدالیو وغوښته ، چه ټول خراسان د هرات په حکومت پوری ونیلولی ، ځکه چه الله یار خان دغه مهم کار نسوای کړای نو ذوالفقار خان له فراه څخه راغی ، او د عبدالغنی خان الکوزی په مرسته ئې هرات له الله یار خان څخه تسلیم کړ ( ۳ د شوال ۱۱۴۲ هـ ) او الله یار خان له خپلو ملگرو و سره مرو چاق ته ولاړ . ذوالفقار خان ژر خپل لښکر سره چمتو کړل ، اوداتو زرو تنو سره ولاړ ، د مشهد ښار ئې کلابند کړ ، دا جنگ اوددشو ، په ۱۳ محرم ۱۱۴۳ هـ د مشهد مدافع ابراهیم خان سخت شکست وخوړ ، او نادر شاه مجبور شو ، چه دپارس نور جنگونه پرې بند دی ، او د مشهد خواته مخ راواړوی ، ذوالفقار خان چه دغه خبره وار ویدله ، ډېر ذخا بر او غنایم ئې په لاس کښې وه ، هرات ته ولاړ ، او نادر شاه دروژي په ( ۱۵ ) د ( ۱۱۴۳ هـ کال ) د هرات د تسخیر لپاره عزم وکړ ذوالفقار خان ځان مقابله ته چمتو کړ غنم او غلې ئې په ښار کی دننه کړې او د نادر لښکر راغله ښار ئې محاصره کړ ، او پخپله نادر شاه د شوال په ( ۴ ) دجوی نقره سرم د ښار غربی خواته واړول ، ذوالفقار خان له کلا څخه راووت او د نادر پر لښکرو ئې یرغل وکړ ، ځکه چه له قندهاره هم داعیه حضرت شاه حسین هو تکه له خوا یو څه لښکر د هرات د ملیونو د کومک لپاره د مشهور جنرال سیدال خان ناصر په قیادت راېښل شوی و ، نو دغه لښکر هم پر یار سیانو حمله وکړه ، او پخپله نادر شاه ئې په یوه برج کښې محاصره کړ ، هغه دخپله لښکر سره تخت سفرته ولاړ اودا جنگونه خو ور ځې جاری وه . بله ورځ د پښتنو د مشرانو جرگه د ذوالفقار خان له خوا را وغوښته شوه ، دی ټولو عهد اوتړون وکړ ، چه له پردو سرم به تر پایه جگړه کوو ، د دې تړون په اثر بیا جنگ سخت شو ، او د نادر لښکر ئې تر شا کړل .

نادر شاه له شاوخوا څخه نور لښکر هم را ټول کړل ، اود مرو چاق او بادغیس څخه ئې خپله قوه را غونډه کړه ، او د هرات په شاوخوا کښې جنگ کاوه ، خو چه د شوال تر ۲۳ وروسته د شمس آباد په کلمی کښې سخت جنگ و شو ، او په دې جگړه کښې تقریباً دروزرو ابدالیو ځانونه تر وطن قربان کړل .

وروسته نادر دهرات هرې خواته لس لس زره تنه مقرر کړل، چه ښار پوره محاصره شى، مگر ذوالفقار خان له جگړې څخه لاس نه واخيست، هم هغسې په جنگ او مدافعه بخت و، اودنادر پر لښکرو ئې له هرې خوا حملې کولې، او په مړانه ئې ښار ساته. دلته نادر شاه مخينې خلق دذوالفقار خان مخالف کړل، او ذوالفقار خان مجبور شو، دهرات ددفاع کار ئې الله يار خان ته پرېښود. او پخپله دخپل ورور احمد خان سره قندهار ته ولاړ، الله يار خان هم راغى، او په ۱۸ دصفر ۱۱۴۴ هـ ئې دهرات ددفاع کار پخپل لاس کښي واخيست، که څه هم پخپله نادر شاه دالله يار خان څخه دمدافعي سترگه نه درلوده مگر الله يار خان په ښه ډول په دفاع شروع وکړه، اوشاوخوا ئې هم خپل لښکر ولېږل، اودجگړو ميدان ئې لاتود کړ، لکه چه په ۲۱ دربيع الثاني ۱۱۴۴ هـ دښار غربي خوا ته داسې سخت جنگ وشو، چه نادر شاه دپښتنو مېړاني او شجاعت ته اريان پاته شو، لکه چه داوبې د کلا خلق هم دهرات دملينو او مدافعينو تابع وه، نوالله يار خان دسيمد خان اويار خان په قيادت دوه زره تنه له ښاره اوبې ته ولېږل، دنادر شاه له خوا اسمعيل خان استاجلو دهغې کلا مدافع و، دابداليو لښکر واسمعيل خان وواژه، اوله اوبې څخه ئې ډېر ذخائر دښاروالو لپاره راواستول.

لکه چه دالله يار خان کورنۍ او کلې او دپښتنو ډېر مشران په دغو جگړو کښي دنادر شاه په لاس بنديان ورغلي وه، نوالله يار خان درجب په اولو ورځو کښي دهرات شيخ الاسلام او سعادت خان افغان نادر ته ولېږل، او اسيران ئې سره مبادله کړل.

د رجب په ۱۴ ورځ ۱۱۴۴ بيا الله يار خان پر نادر چه په گازرگاه کښي ومله وکړه، اوسخت جنگ ئې ورسره وکړه مگر دلته دالله يار خان وکیل اويو مشهور ملگري حمزه سلطان پو پلزي دنادر شاه په لاس بندي کښي بوت، او دالله يار خان دمدافعي قوه هم پای ته ورسېده، هغه چه دروژي په لومړۍ ورځ ۱۱۴۴ هـ ئې دهرات ښار پرېښو، دخپلو اتباعو او ملگرو او خپلو خپلوانو سره دقندهار له لاري ملتان ته ولاړ. اودنادر شاه افشار هرات تر (۱۲) مياشتو محاصرې او دفاع وروسته ونيو (اوله درمضان ۱۱۴۴ هـ)

لکه چه نادر شاه دهرات دمحاصرې پر وخت ډېر لښکر د محمد سلطان مروی او ابراهيم خان خپل ورور په قيادت دفراه دنيولو لپاره هم ولېږلي وه، نو دغولښکرو لومړۍ مصطفی خان ابدالي چه دهرات له خوا مقرر و په خاش کښي وواژه، وروسته ئې په فراه کښي علیمردان خان د ذوالفقار خان ورور محصور کړ، دا محاصره هم تر هغه وخته وه، خو الله يار خان له هراته راورسېد، دلته نو ابداليو فراه هم دنادر لښکرو ته وسپارله، او پدې ډول دهرات اوفراه حکمداری چه ابداليو له ۱۱۲۳ هـ څخه کړه پای ته ورسېده، خو چه بيا نواله حضرت احمد شاه بابا پرته نوې کړه.

## د کلو تطبيق

د دغو مشاهرو په نومو کښې چه مؤرخينو را نقل کړې دي ، کښې داسې د تنقيد وړ نقاط سته ، چه بايد دلته وويل شي ، او مړې دوی د کلو او سنو تطبيق په صحيح ډول ندی کړی دوهم په اکثرو انسابو کښې چه لوړ اولېری شي غلطی هم واقع شوی دی . دلته زه د ابداليو ددغو رجالو چه دمخه ذکر شول دژوندانه کلو په ټار يخی اصولو سم برابر وم ، لکه چه د مؤرخينو په اجماع درې پښته په يوه پېړۍ (۱۰۰ کاله) کښې گڼل کېږي، نو بايد دغه کلو ته هم پر دغه مثبت اساس سم وی . په دغو کلو کښې هغه چه د تاريخو په روايت مثبت دی ، د (م) په حرف ښوول ندوی ، او هغه نور تخمينی دی .

لکه ما چه له پښتنو څخه پوښتنه کړې ده ، دوی تر خيرک پوری دغه رجال ښه شمیري ، او هيڅ اختلاف نه پکې لری . مگر تر خيرک لوړ مورد د شك او اشتباه دی . که څه هم محمد حيات او خورشيد او مخزن او نور دانسابو ليکونکي دا سلسلې يوراز راوړی ، مگر چه مونږ دملک اوډل ژوند ون په هغو سندو چه ذکر شول د (۵۴۰هـ) حدود وگڼو ، او دده زامن او اولاده تر بامی پوری (اوډل - رجب - عیسی - خيرک - پوپل - حبيب - بامی) وشمیرو ، بايد په هغه حساب چه په يوه پېړۍ کښې درې پښته راځي ، د بامی دژوندانه وخت د (۵۶۰هـ) حدود وگڼو ، حال داچه دمورخينو په قول دی د (۵۸۰هـ) په حدود کښې ژوندی و . نو لکه د تذکرة الملوك ليکونکي چه وائي ، بايد داوډل او خيرک ترمنځ ډېر خلق تېرشوی وی ، ښائي چه نورو شهرت نه وی موندلی ، او فقط رجب او عیسی مشهور شوی وی ، او مؤرخينو ته هم دغه مشاهري معلوم او نور پښتنو نه ئې هېرشوی وی (۱) لاندی د کلو تطبيق او د پښتنو توضیح وگوری ، هغه چه په (؟) نڅښه شوی دی ، ورك پښتونه دی .

اوډل	۵۴۰ هـ (م)
؟	۴۹۰
؟	۵۱۳
؟	۵۴۶
؟	۵۷۹
؟	۶۱۲
؟	۶۴۵

(۱) تذکرة الملوك در اورتي په حواله .

۶۸۰	رجر
۷۱۵	عیسی
۷۵۰	مخیرک
۷۸۳	پوپل
۸۱۶	حبیب
۸۵۰ (۰)	بامی
۸۹۰	کانی
۹۲۰	بهلول
۹۶۰	معروف
۱۰۰۰	عمر
۱۰۳۰ (م)	سدو
۱۰۵۰ (م)	دسدوزامن
۱۰۸۰	شیرخان
۱۱۰۰	سر مستخان
۱۱۱۵ (م)	دولت خان
۱۱۱۹ (م)	رستم خان

له دغه لود جدولہ بنککاری ، چه باید درجر اوادل ترمنځ (۵-۶) پښته وی ، چه اودل دژوندانه تاریخ د (۴۴۰هـ) حدود پوره شی .

په دې ډول هغه چه مؤرخینو رجر مستقیماً داودل زوی گڼلی دی ، ښائی چه صحیح نه وی . اودغه نور نوم ورکي اشخاص هم ښائی چه دنه شهرت لامله مورخینو نه وی ضبط کړی ، اوددوی نومونه دسجروله خاوندانو اونسب پلټونکو څخه هرشوی وی . لکه چه لځینې د مخنی مؤرخین هم دغی نکتې ته ملتفت شوی دی .

یادونه : لځینې درجالونو مونه چه په دغه مقاله کېښي ذکر شول ، تاریخی آریائی نومونه دی ، لکه سربن ، الکوژی ، بامی ، پوپل ، اونور چه تفصیل ئې ما دپتی خزانې په ملحقاتو اوتعلقاتو کی کښلی دی .

دابدالی نوم اوسنئ : دپښتنو لځینې قبایل داسلام له اولو وختو څخه مشهور اونومونه ئې په تاریخ کېښي

لیکل شوی دی لکه سوری ، لودی ، سروانی ، خلجی ، اونور ... مگرد ابدالی نوم پخوا مشهورنه وو ، لکه چه ترهجری لسمی پېړۍ دمخه ئې کم مورخ نوم ندی اخیستی . حتی با برچه ډېر عمر په افغانستان کېښي تېر کړ دابدالی نوم نه اخلی .

مگر دا نوم لکه د پښتو ډېرو قبيلو نور نومونه په دوی کښې وو او هم مستعمل و و پخپله احمد شاه بابا لکه چه وويل شوه په شعر کې راوړی دی . بلکه تر احمد شاه دمخه چه د سدو زو دکور نسی مشرانو په هرات او افراه کښې حکمرانې کوله ، یانې په ملتان کښې سکونت درلود ، تر (۱۱۰۰هـ) وروسته په ټولو تاریخو کښې دوی ابداليان بلل شوی دی مثلاً محمد مهدی استرآبادی د نادر شاه افشار سرمنشی په جها نکشای نادری کښې د هرات او افراه سدوزی ابدالی بولی ، حتی پخپله احمد شاه بابا د احمد خان ابدالی په نامه یادوی (۱)

د نادر نامې ناظم چه نوم یې ندی معلوم ، هم د هرات او افراه د ابدالی جنگونه مفصل بیانوی (۲) اوداسی ښکارېږی چه تر زرم هجری کال وروسته دانوم ډیر عام اومشهورؤ . مگر د احمد شاه بابا له جلوسه سره ابدالی په درانی تبدیل شو ، او په دې خبره کښې مؤرخین ډیر مختلف روایات لری ، اوقول وایی چه دانوم نوی دی .

رشتیا هم داده چه تر احمد شاه دمخه (درانی) نوم په تاریخ کښې ډیر لږ لیدل کیږی ، دشام جهان په عصر (۱۰۵۰هـ) چه د ابدالیو مشهور مشران ملک مودود او کامران خان په ډهلی کښې د شاه جهان حضور ته ورغله ، مورخین دوی نه په ابدالی نه درانی ذکر کوی ، بلکه فقط د قندهار مرزبانان یې بولی (۳) مگر په همدغه عصر کښې یوسری د درانی په نامه ضبط شوی دی ، چه نوم یې محمد رشید خان اود ملتان دیوانؤ ، محمد صالح لاهوری یې (درانی) لیکي (۴) مگر عبدالحمید لاهوری یې (دورانی) ضبط کوی چه د پنځوسو سپرو د منصب خاوند ، او د شاه جهان له مامو رینو څخه و ، (۵) که دغه درانی (دورانی) پښتون وی ، نو دا ثابتېږی ، چه دغه نوم تر احمد شاه بابا دمخه هم ؤ ، او پدې سره دهغو خلقو شک هیسته کیدای شی ، چه دوی وایی چه یو نوم دغسی دغه اول او بیا دغه دغسی ژر شهرت داشته - موردی .

ښه دانوم څنگه واوښت ؟

احمد شاه بابا په داخلی او خارجی مؤرخینو کښې په « ابدالی » مشهور دی ، مگر هغه وخت چه دی پاچاسو (۱۱۶۰هـ) په درانی هم مشهور شو ، اود ابدالیو مشهوره قبيله هم درانی وبلل شوه ، ورورو ابدالی نوم ورك ، او پر لځای یې بالکل درانی ودرید ، لکه چه اوس پخپله درانی خلق هم ابدالی کورټ نه پېژنی ، نه وایی ، نه په پوهیږی ، ددغه نوم اړولو په خصوص کښې لاندینی روایات را نقل شوی دی :

(۱) جها نکشای نادری ص ۴۶۱ : (۲) قلمی نادر نامه ص ۱۰۶-۱۰۷-۱۱۷ وغیره

(۳) یادشاه نامه ج ۲ ص ۳۲-۱۰۱-۳۴۸ (۴) عمل صالح ج ۲ ص ۳۰۴

(۵) یادشاه نامه ج ۱ ص ۳۲۷

(۱) تر ټولو دمخه منشی عبدالکریم چه د شاه شجاع معاصر دی ، داروایت لیکي چه صابر شاه دلاهورو ، او هر وخت به ټي احمد خان ته ویل چه ته پاچا کيږي ، چه نادر افشار مړ کړ شو ، نوا احمد خان دغه فقیر هم له لځانه سره قندهار ته راوستا ، او دغه فقیر د غنمو وزی دده په سر کښي کښیو او ورته وې ویل «تو یاد شه درانی» له دغی ورځي څخه احمد شاه خیل قوم درانی وباله چه دمخه په ابدالی مشهور و

او پخا ټي هم په «احمد شاه درانی» مشهور کی . (۱)  
دغه روایت لنگویرت دیمز په اسلامی انسایکلو پیډیا کښي هم لیکلی دی ، چه احمد شاه بابا پخا ( در دران ) وباله ، محمد حیات هم وایی چه احمد شاه پرخا ( در دران ) او پر خیل قوم ټي دران او درانی نوم کښیو (۲)

(۲) سلطان محمد قندهاری دغه روایت کت مټ لیکي ، مگر دونی زیاتی کوی ، چه د قندهار د مشرانو جرگه د « شیر سرخ » په دزار کښي را ټوله شوه ، او د پاچا پرانتخاب ټي خبر نه کوله ، په دغه منځ کښي صابر شاه د غنمو وزی د احمد شاه په سر کښي وتو مبه اویه یا چې انتخا ب اویه ( درانی ) سره وبلل شو ، (۳) فیض محمد سراج التواریخ لیکوال هم کت مټ دغه روایت نقل لیکي .  
(۳) امیر عبدالرحمن خان داسی لیکي : چه د احمد شاه بابا یوه مشهور معاصر ولی چه کښي خوب لیدلی و ، چه د هغه په سبب ټي د ( در دران ) لقب غوره کړ (۴)

دادرې اساسی اوداخلی روایات دی ، میلسون هم لیکي چه احمد شاه خوب ولید او خیل لقب ټي ( در دوران ) غوره کړ (۵) سر پرسی سایکس هم دغه روایت نقل کوی (۶) اسلامی انسایکلو پیډیا هم لیکي ، چه احمد شاه پرخا ( در دران ) نوم کښیو ، چه وروسته ټي قبيله هم په درانی مشهوره شوه ، که چه پخوا ابدالی نومېده .

په هر صورت که درانی نوم پخوا هم و خو مشهور نه و ، د احمد شاه بابا تر جلوس وروسته د ابدالی پرخای ودرېد ، او احمد شاه بابا پخیل مهر کښي هم داسی «ولیکل الحکم لله یافنا ح احمد شاه درانی» (۷) په رسمی کاغذ واولیکو کی هم دغه مستعمل و ، مثلاً په ( ۱۱۷۰ هـ ) اعلی حضرت احمد شاه بابا په حجاز کښي د افغانستان د حاجیانو دپاره - یوځای جوړ کړ ، چه «رباط سلیمانی» نومېدی ، هلمته ټي یوه کتیبه وکښله چه خوځایه ( درانی ) پکښي لیکلی دی (۸)

(۱) تاریخ احمد دمنشی عبدالکریم ، قلمی نسخه .

(۲) حیات افغانی ص ۱۲۹ (۳) تاریخ سلطانی ج ۱ ص ۱۲۳

(۴) تاج التواریخ ج ۲ ص ۱۵۲ (۵) تاریخ افغانستان د میلسون ص ۲۵۷

(۶) تاریخ ایران ص ۷۸ (۷) سلطانی ص ۱۲۴

(۸) کابل ج ۲ ص ۲۰۷



د احمد شاه بابا معاصرينو چه کم تاريخونه کښلې دي ، هلته هم دغه کلمه شته ، مثلاً حافظ رحمت خان ليکي « ابدل که دراينو قت بشرف لقب دراني ملقب شده » (۱) د نادر نامې ناظم په ( ۱۱۷۲ هـ ) کښي وايي :

به تخلص سرخپل درانيان      خد يوجهان دارو شن روان  
سرافراز احمدشۀ کامگار      که اکون بدو گرد د اين روزگار  
زدرا نيانش سپاهي که بود (۲)      بخو نخواست هي شه مهيا نمود

د نادر نامې ناظم د احمد شاه بابا معاصر او کتاب ئې دده په نامه نظم کړې دي په نورو لخوايو کښي د احمد شاه بابا پلار او نيکونه ذکر کوي ابدالي او ابداليان ئې بولي ، مگر دلته چه د احمد شاه بابا ذکر راځي په دراني ئې نواخلي نوله دي څخه ښکاره کيږي ، چه د احمد شاه بابا تر جلوس وروسته خور ازردغه تسميه عامه اوڅيره شوې ده - په پښتو ادب کښي هم تر احمد شاهي دورې وروسته دده او نوروسې وله نامه سره ( دراني ) وينو مثلاً قاسم علي اړېدي ( ۱۱۹۰ هـ ) ويي :

« احمد شاه دراني » نشته دي يارانو ( ۳ )      چه پر سر کاندې افسر حبشي زنگي  
مسعود گل ياسني ( ۱۲۰۰ هـ ) وايي :

جان محمد دوراني هسي حکايت کا (۴) حکايت د احمد شاه دوليت کا په دې دوهم بيت کي ( دوراني ) په و او ليکل شوي دي ، اودا که مت هغه ( دوراني ) دي ، چه عبدالحميد لا هوري په پادشاه نامه کښي هم دغسې کښلي دي . او له دغه څخه ښکار پري چه بايد دا نوم تر احمد شاه بابا دمخه هم وي ، اما رسمي شهرت ئې دده له جلوسه څخه دي .

نو د دوراني د نامه ليدنيز دادي : چه پخوا ټول هغه خلق چه سربن ته منسوب دي سربني بلل کېدل ليکه چه حميد مهندس سربني وايي .

د حميد د ساده شعر کمال گوره      چه شمله شود تمام سربني

وروسته چه د سدوزو مشرانو په هرات او غربي افغانستان کښي حکمراني درلوده ، دوي ابدالي او ابداليان بلل کېده ، د دوراني ياد راني نوم که څه هم تر احمد شاه بابا پخوا موجود دي ، خور سمداده له جلوس سره اعلان شو ( ۱۱۶۰ هـ )

پدي ټول ټول ابدالي خلق ( دراني ) وبلل شوه ، او نور سربني خلق چه په پېښور او نورو لخوايو کښي خپاره وه په ( بردراني ) نومې شول .

(۱) خلاصه الانساب قلمي ص ۲۳ (۲) قلمي نادر نامه ص ۲۹۳

(۳) د قاسم علي قلمي ديوان (۴) پښتانه شعراء ج اص ۳۸۳

د وزارت اداري مدیریتونه :

د مخصوص قلم مدیر	ص : نور محمد خان
د مامورینو د مدیریت کفیل	ص : محمد نور خان
د تصفیې مدیر	ص : محمد موسی خان

د صحتیه وزارت

وزیر	غ : ج - سلطان احمد خان
معین	ص : . . . . .
فنی مشاور	ص : . . . . .

د روغتیا د ساتنې تشکيلات :

عمومي مدیر	غ : جلال الدین خان طرزی
د اجرائیې او مامورینو مدیر	ص : محمد ابراهیم خان
د نشریاتو او احصائیې مدیر	ص : عبدالغفور خان
د کشتیو مدیر	ص : عبدالرشید خان
د تشکيلاتو د مدیریت کفیل	ص : دکتور محمد رسول خان (وېسا)
د اوراقو مامور	ص : صالح محمد خان
د درمل واکی د حسابیې مامور	ص : محمد اکبر خان
د تفتیش د خانګې فنی معاون	ص : میر ظفر الدین خان
د اداري او بین المللي خانګې	ص : میر آفا خان
د مخصوص قلم سرکاتب	ص : میر فیض محمد خان



غ، ج - سلطان احمد خان د صحتیه وزیر  
S. Ex. Sultan Ahmad Khan  
Ministre de l'Hygiène

د مرکزي مربوطه شعبات :

د عمومي مجلس د شفا خانې سرطیب	ص : دکتور محمد هما یون خان
د ښځو د غاښو جوړولو د کتورسه	ص : . . . . .
د مستورا تو د سنا تو ریم مدیره	ص : امیر بیګم
د روغتیا د ساتنې او با کترلوژی د انستیتو متخصص	ص : غوث محمد دکتور زهدی بیګم
د روغتیا د ساتنې او با کترلوژی د انستیتو د کتور	ص : محمد اسماعیل خان

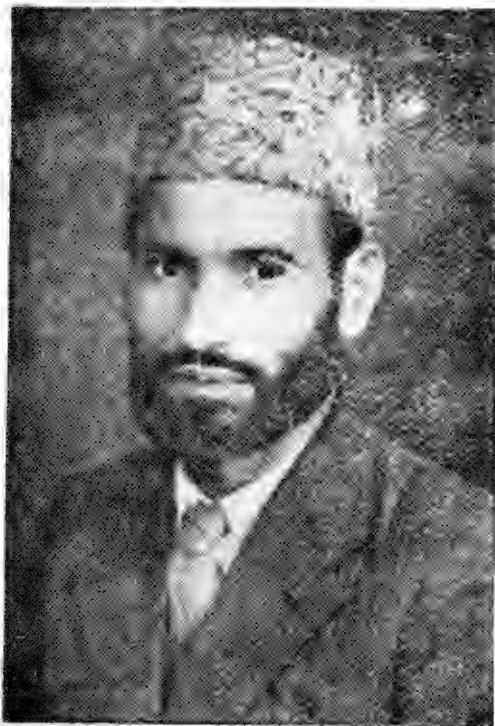
- دائرة المعارف بریتانیکا  
مجله آریانا ج ۳،  
پته خزانه د کابل ضبع  
مخزن افغانی قلمی  
حیات افغانی د لاهور ضبع  
تاریخ سلطانی د بمبئی ضبع  
تذکرۃ الملوك قلمی د راوړتی په حواله  
لوی احمد شاه بابا د کابل ضبع  
د گل محمد قلمی دیوان  
نفحات الانس د حاجی  
سیر الاقطاب  
آئین اکبری د لکهنو ضبع  
تاریخ احمد قلمی  
خورشید جهان د لاهور ضبع  
تنعة الیابان د سید جمال الدین  
تاریخ سرجان ملکم  
تاریخ افغانستان د میلسون  
ترک جهانگیری  
اقبالنامه د کلمکتی ضبع  
منتخب الباب  
پادشاه نامه  
زندگانی نادر د تهران ضبع  
روضۃ الصغای ناصری ج ۸  
جهانکشی نادری د هند ضبع  
عمل صالح د محمد صالح لاهوری ج ۲  
تاج التواریخ د امیر عبدالرحمن خان ج ۲  
تاریخ ایران د سرپرسی سایکس  
خلاصة الانساب قلمی  
مجله کابل ج ۲  
نادر نامه منظوم قلمی یا شاهنامه نادر  
دیوان قاسم علی افریدی قلمی  
پشتانه شعراء ج ۱



## د پښتو اوسني مشاعري

ليکونکي: گل پاچا الفت

کله چې خواته شاعران په يوه موضوع يا يوه بحر او نښت واندې کي شاعران و وائي دښه دښ ورځي په اصطلاح مشاعر وائي ، په مشاعره کي هر شاعر گړښي کوي چې شعري له نورو نه کم نه وي اوښه شعر ووائي . که څو که غواړي چې دڅو تنو شاعرانو دښي اقتدار



او شاعرانه خصوصيات لمانځه معلوم کړي ددې مقايسي او موازي په ډول ديوه شعر له بل سره ومني ددې کار دپاره دمشاعري اشعار دپروې او مناسب دي ، خصوصا چې دمشاعري دپاره موضوع تعين شوي وي لکه بهار يې ، يا نور شعري مضمتونه لکه چې دلته په يوه زمينه کي ټول شعر و نه وائي او کوشش کوي چې له نورو نه ادبي ميدان يو سي . په پښتو کي اوس او پخوا په افغانستان کي دښه او دباندي ډيري مشاعر شوي دي چې کوم وخت به يې که خدای کول د يوه کتاب په صورت ښاغلو اوسنو لکه وړاندي کړو چې هم به د پښتو شعر په باب کي نقد او بصره وي او هم به په کي دتو مودو اوسنو او پخوا او شاعرانو خصوصيات او مميزات وښيو . اوس في الله له ديوې مقالې په ډول خپل مضمتون شروع کړو او خومره

گل پاچا الفت

چې د مقالې حدود اجازه را کوي د پښتو په مشاعره څه لکه کومگر داموضوع د پښتو له زوښتي مشاعري حظه پسو او دماضي خواته لږو .

د کابل دمجلې روستنې مشاعره هغه ده چه دپسرلنۍ مشاعرې له عنوان لاندې په (۱۸۵) گڼه کښې نشر شوېده ، پدې مشاعره کښې هم موضوع معینه ده چه باید دپسرلی په نسبت وی هم پکښې دشعرنو عیت یا کل شویدی چه باید قصیده وی هم پکښې بحرو قافیه اوردیف تعین شویدی او علاوه پدې ټولو خبرو دپښتو دیوه پخوانی مقتدر شاعر ( ښکارند وی ) یوه قصیده له نظر لاندې ده چه باید اوسنی شاعران ئی پیروی وکړی دا قصیده د ( ۶۰۰ ه ) په حدودو کښې ویل شوېده چه اول پکښې دپسرلی ستاینه او تصویر دی او بیا و رپسی شاعر دسلطان معزالدين غوری مدح ته ځی . ددې قصیدی همدغه پسرلنۍ حصه د مشاعرې دپاره یا کسلی شوی وه او غرض پکښې دپسرلی ستاینه وه مگر ددې لاما ه چه قصیده باید تشبیب ولری او دبهار له ستاینې یوه بل مقصد ته انتقال وشي او بیتونه ئی هم دومره وی چه قصیده ورته وویل شی نو هر شاعر په ځان لازمه گڼله چه یوازی دپسرلی په توصیف اویو څو بیتو اکتفا ونکړي او قصیده ولیکي .

ددې لامله چه ټولی قصیدی راوړل دمقالی دډېر اوږد والی سبب کېږي نو دهری قصیدی ځینې بیتونه را اخلو چه دقصیدی نیمه برخه یا لږ څه زیات یا کم بیتونه به وی چه سړی ترې استنباط وکړی شی چه پدې قصیده کښې څومره ادبی قوت موجود دی ؟ او دیوه شاعر خصوصیات له بل ځنی کوم کوم شیان دی ؟

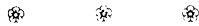
دښکارند وی ټوله قصیده ( ۴۵ ) بیته ده او دپسرلی حصه ئې چه د کابل دمجلې په ( ۱۵۷ ) گڼه کښې نشر ده ( ۲۰ ) بیته دی چه دلته ئې راانقلوو :

ښکارند وی :

( ۱ )

دپسرلی ښکارندوی ټوله قصیده	دپسرلی ښکارندوی ټوله قصیده
مخکې شنه لاشونه شنه لمنی شني شوی	مخکې شنه لاشونه شنه لمنی شني شوی
دنیسان د مشاطی لاس د مچېد و دی	دنیسان د مشاطی لاس د مچېد و دی
دغو لو جندي خاندی وریدی ته	دغو لو جندي خاندی وریدی ته
لکه ناوی چه سور ټیک په تندی و کا	لکه ناوی چه سور ټیک په تندی و کا
زرغونو مخکو کښې ځل کالکه ستوریه	زرغونو مخکو کښې ځل کالکه ستوریه
سپینی واورې و یلېده کاندی بهېږي	سپینی واورې و یلېده کاندی بهېږي
هر پلورنې او به بهاندی خاندی	هر پلورنې او به بهاندی خاندی
هر پلو دگلو و زم دی اونلی	هر پلو دگلو و زم دی اونلی
بیا ئی ولونل په غرونو کښې لاونه	بیا ئی ولونل په غرونو کښې لاونه
طیلسان زمری و اغو سته غرونه	طیلسان زمری و اغو سته غرونه
مرغلر و باندي و ښکلیل ښونه	مرغلر و باندي و ښکلیل ښونه
زرغونو ښو کښې ناخی زلمی جوته	زرغونو ښو کښې ناخی زلمی جوته
هسی وگا نل غټو او سره پسولوته	هسی وگا نل غټو او سره پسولوته
چه پر هسک باندی ځلمېږي سپین گلوته	چه پر هسک باندی ځلمېږي سپین گلوته
لکه او ښې د مین په گرېوانوته	لکه او ښې د مین په گرېوانوته
له خو ښه سر و هی له سنگېر و نه	له خو ښه سر و هی له سنگېر و نه
ته وارا غله له ختنه کاروانوته	ته وارا غله له ختنه کاروانوته

دمسیح په یو به مرو ژوند ون بیا موند  
له مرو خاوری ئی اغلی گلر او یوست  
دز لما ټاپی را غلی دی پر جنبه یو  
دپو پلو مخ سوړ کړی پسرلی دی  
دهنداروپه څیر غرونه سپین وړانگی دی  
په غورځنګ غورځنګ له خوالی ځگونه باسی  
نه به چونښی په ستا په دښتو مودسی  
د شنب د کپا له ختلی لمر دی



دښکار ند وی قصیده خو مو تر یوه حده ولیده چه دی په پسرلی کښې د قدرت مظاهرو  
څه راز متاثر کړی او څه تخیلات ورته پیدا شویدی . دده نظر په سپینو وړانګونو غرونو  
او مستوسیندونو واو دسپینو واورو بهېده ئی دمینو دگریوان اوسنې بللې ، شته لاسونه اوشنی  
لمنی ورته داسی ښکارېدی لکه چه غرونو ز مردی طبلسان اغوستی وی ، دغر و سره  
ګلونه ئی لالونه بلل .

دغو لو جنبه و ورته خندل او په زرغونو پڼو کښې ورته زلمو اوجو نو نخل ، اوسیندونه  
لکه مست هاتیان په نظر ورتله .

اوس وگورۍ چه زمونږ اوسنیو شاعرانو په پسرلی کښې څه لیدلی دی ؟ او د پسرلی  
له نندارو ورته څه خاطرات پیدا شویدی ، پدی کښې هیڅ شک نشته چه هر یوه به ګلان  
ستابلی وی او څه چه په پسرلی کښې دسړی نظر جلبوی او په تماشا، کوونکو اثر کوی هغه  
به دهر یوه په شعر کښې دیوه متجددالعال په ډول ومومو مگر دهر چا په شعر کښې به ځینی  
شیان وی چه هغه به په بل کښې نه وی اودشاعر خصوصیت به را ښی .

پدی مشاعره کښې زمونږ ښاغلی او مقتدر ادیب سید شمس الدینخان (مجروح) شل  
بیته لیکلی چه څه ئی دادی :

مجروح : —

( ۲ )

دارا شنه شوه دهاټول ریدی گملو نه  
بیا څه سره اوشنه څیزونه له ور اوینی  
غور و لی طبیعت رنگین کتاب دی  
چه دو نو بوټو عکس ډنډ کښې وینی

که نیولی غره لمن کښې سره لالو نه  
چه ویا له لکه ما شوم و هی ټوپو نه  
د بدیع او دجمال ښی درسو نه  
در نه هېر به خپل مثل شی افلاطونه!

به خزان پسی بهار دی بیا خزان دی  
 پسرلی در نه تیر پتری تما شا کړی  
 دهمغې غوټی په حال می زړه سوزی  
 که پا کی که صفائی که نیکوئی ده  
 په دنیا د پسر لی کښې حسد نشته  
 سر لوئی لره نه شته معیار کیدی شی  
 بلبلان په جگ آواز مینه اعلان کا  
 دهر گس له ستر گو خارشم په گلزار کښې  
 خوشی وائی فیلسوف نشته د ورو نه  
 ضایع کښې ستر گورپ کښې فرصتونه  
 چه له کبره ئې سر کښې نژدی مستې نچونه  
 نن پری د که دی صحرا گانی چمنونه  
 هلته او د په ټپو نه کوی کبر و نه  
 نه د تش لاس شی چنار ته پیغورونه  
 په عاشق باندی خو کک نه کما تهمتونه  
 هر څه وینی د چانه وائی حالو نه

✽ ✽ ✽

پدی شعر کښې علاوه پدی چه د پسرلی ستاینه ده او غافل وړیدی ، غوټی او نر گس  
 پکښې یاد شوی اود بابلو نوم پکښې راغلی دی مگر د مضمون او تخیل په لحاظ له نورو اشعارو  
 چه پدی مشاعره کښې ویل شویدی ډېر خصوصیات لری او د شاعر مخصوص معنوی شخصیت  
 پکښې ډېر تاثیر کړیدی پدی شعر کښې چه اصلاً د پسرلی په نسبت ویل شویدی له فلسفی سره  
 اشنا ئی ، داخلا قو ضر فدا ری ، دبېغمه ژوند آرزو ، دبې حسده او بی  
 کبره عالماتون اودیوی داسی دنیا خواهش لیدل کښې چه هلته پا کی ، صفائی - نیکوئی ، خای لری  
 اود تش لاس پیغورونه یا په مینو باندې تهمتونه نشته اونه خو که د عشق رازونه اود چا حالونه وائی!  
 پدی شعر کښې دومره سلاست اوروانی شته چه له مضمونه ئی عیش و عشرت تراوش کوی  
 مگر داعیش عشرت یا پسرلی سره اوښته لیدل شاعر له دی عالمه او فرصت له ضایع کېدو نشی  
 غافلولی اودیوی غوټی په حال ئې هم زړه سوزی چه ولی کبرجنې اومستې نچونه ورته نه گوری.  
 د پسرلی ننداره له افلاطونه خپل مثل هېروی مگر له شاعره خپله خیالی اودهنې دنیا چه دی ئی  
 آرزو لری نشی هېرولای . پهرشتیا چه د شاعر د پښتو په اشعارو کښې یوه غوره اوعالی نمونه  
 بلسلی شواوبی له دینه چه د قصیده توب په لحاظ د خه قدر لږ والی او نیمگړ تیا نسبت ورته کېدی  
 شی نور نود گوتی اینودودولخای - پکښې نشته .

پدی شعر پسی بل شعر د بناغلی بنوادی چه د پښتو په ښو شاعرانو کښې حساب دی او په شعر کښې  
 ډېره ښه فریجه لری دده ټوله قصیده (۳۱) بیتده چه خو بیتونه ئی دادی :-

بینوا :-

بیانې وڅکل له کوم خمه ډک جامونه  
له مستۍ نه ئې ساغر له لاسه پر بووت  
دز لما په میو مستی چټی گوره !  
هم بخلا کا هم نغا کا هم شېنا کا  
د کټر دیومخ غا ټولو سور بخل کا  
له سپر وڅاورو با می گلمو نه پاخی  
کټهار دزر کومړه زړو نه ژوندی کړه  
هلمند بیا په څپو را غی غامدی غامدی  
د پسر لی ناوی ود پزۍ ورا ئې پند  
نندا روته ئې و تلی لوی واده دی  
د هغو به څه پسر لی وی چه ولاد وی  
ژوند ئې وی دبل دپاره مړینې هم لا  
آه خپتنه چه دی ژوند هرشی ته ورکا  
چه کر یابی میری ستا له پیر زوینې  
مونږ له هسی ژونده وژ غوره ځاوند  
چه مو ژوند د پسرلی په څېر سمسوروی

د اد هسک پیغله چه ناخی له جنو نه  
په خوځاڅکو ئې کړه مست سپر ه ډاگونه  
چه خپاره ئې لور په لور کړه اربلونه  
چه ترڅنگ کړی دروړو سپین امبلونه  
چه پری وکاز لمی نجو نی اتونه  
چه پری تېرشی د جنګیو پلو و نه  
چه نغو نغو کټې ستا ئې شینګی غرو نه  
چه ور غامده غری شوه څپان نيزونه  
مخ کاته اخلی دغر وسور کی لالو نه  
خو چا مسته خدا راوړه چا غمو نه  
په کټر و غامدو دبل په در شلو نه  
جاروی دبل ترخوی تل خپل خوړو نه  
په زر غا دی دلما نخل سپر ه رغو نه  
شنی تالې شوی شنی لمنې شنی دښتو نه  
خپلوا کی مو تل نصیب کړه خوچه یو نه  
خونده اخلو له دی ښکلی نندار تو نه



د دی شعر آغا و شروع په مستۍ اوسر شاری شو بده چه د شاعر په نظر کټې  
هر څه مست ښکاره کټی اوسپره ډاگونه هم مست په نظر وړخی اولکه چه د هسک پیغله ورته  
له جنونه نځېدونکی ښکاری د پښتو چټی پیغلی هم ورته دز لما په میو مستی اوبه نغاو شېنا کټې  
معلو مېزۍ د کټر دیو په مخکټې چه دغا ټولو سور بخل اوار دی د زلمو او جو نو داتڼ  
ارزو ورته پیدا کټی اویو پښتنی دنیائی ترستر گوسترگو کټی اویو اخر کټې چه د پسرلی  
ننداره په ښه شان کوی او گوری چه د خپتن په لورا وپېر زوینه کریا بې میری شنی تالی  
او شنی لمنی شوی او هر څه ژوندی شوه نوله خدا په د پښتو ن دپاره د خپلو اکې ژوند غواړی  
او آرزو کوی چه دا ژوند هم لکه پسرلی سمسوروی چه له دی ښکلی نندار تو نه خوندواخلو  
سره له دی چه ښاغلی بینوا او ښاغلی مجروح دواړو په یوه موضوع یوه بحر اویو قافیه کټی شعر  
ویلی بیا هم د دواړو شعر بیخي پېل پیل رنگ لری او دهر یوه فکری او تخیلی رنگ یاه بل عبارت



د زړه غوښتنه او منظور النظر په شعر کښې معلومېږي او پوهېږي وچه د پسرلي نندارو په ده اوبه هغه څنگه اثر کړی اوڅه آرزو گانې یې د دواړو په زړو کښې ژوندی کړیدی :

دا شعر چه تمامېږي ورپسې د ښاغلي فاضل حبيبي شعر دی چه ټول بیتونه ٣٤ دی اودلته ئې ( ٢١ ) بیتونه را اخلو .

( ٣ )

حبيبي :-

بیا له بڼه پورته کېږي ښه ز غو نه  
 بڼه زرغون سو غر زرغون له پسرلي شو  
 دا دغرو نو په لمنو کښې لا له دی ؟  
 دا نڅا د پیغلو جو نو پر مرغه ده ؟  
 خوچه سترگی کار کوی زرغونه ښکاری  
 سپین غر ټوله په غټو لو سورز رغون سو  
 په بامی بلخ کښې بامی غور بڼی خاندی  
 نو بهار دی د پسرلي جنه لوی بڼی  
 پر تخار د پسرلي و زمې چلېږي  
 پر کابل او ننګرهار چه بهار پوکا  
 ار غند او باندي تڼار د شگوفو کا  
 څر تر ننگ چه بهیده کا ته واولی  
 هر یرو د پرغاړه نن د گل نڅا ده  
 د و ښتیا ز غو نه بیا پاڅی له بسته  
 د پسرلي مناظر هسی دار با دی  
 پسرلي د مېنې مینه د پر وینه  
 خو پسرلي په هر نوروز راځي هیوا دله  
 خو چه اور دلالة بل دغرو په کوروی  
 خوچه ستوری پر آسمان بریښي په شپو کښې  
 تل تر تل اوسی وطنه و دان اوسی  
 د قدرت لاس دی تل ستا په ښکلېد ووی

ته وارا غله د بللو بهیر و نه  
 ونوځان کې آراسته په پسو لونه  
 که پرا ته دی شهیدان سره کفتونه  
 که کبلی پر مرغزار وهی ټو پونه ؟  
 غر بید یا پټی غو نه یی او دامانو نه  
 هندوکش باندي نیسان کړی تڼارونه  
 په باختر کښې د سرو گلو دی سیلو نه  
 خلق ځی ام البلاد کښې کړی جشنونه  
 مړه گلان بیا پر خه مومی له ژوندو نه  
 ته واراغي مسیحا پوکړی د مو نه  
 په نڅا نڅا هلمند کړی غورځنگونه  
 د متی نیکه د مینې دیوا نونه  
 که راغلی پری دغور دی زلمی جو نه  
 له غزنی ار ویدل کېږي ښه ز غو نه  
 چه په خوندی نه مېږي سترگی زړونه  
 هووېږ ته مایل کاندی بلیلو نه  
 خو چه لوړوی پرنړی باندي داغرونه  
 خو چه بل وی د سپوږمۍ لمر مشالونه  
 خوچه شپې ور ځی راځي پر هیوا دونه  
 ټول او قیات دی پسرلي وه په گلو نه  
 تل ودان اوسه په سعی له پښتو نه

دا شعر دښاغلي حبيبى هغه احاطه چه دى ئې په تاريخ كښې لرى پوره څر گندوى او همدغه معلومات دى ددى مملكت تېر وپسر لېواو ددې وطن زړو نهفتو نو ته بيا ئې چه په دغه خيالى سېرو سياحت كښې دهېو اډه غرونو رغونو گرزى اودام البلاد اونوبهار جشنونه وربادېزى اوليكه چه اوس په ارغنداب باندې دښكوفو نثار يادهلېمند غور مخنگونه وينى ، ډېر كلونه دمخه دمتى نيكه دمېنى اشعار هم دتر ننگ له خولې اړوى او دهر يرو دپر غاړه دغور زلمى او جو نه ځان وربښكاروى اوله بست وغزنى نه هم څه آوازونه دده غوږ ته رسېږي چه مونږ ئې نه اورو . پدى شعر كښې چه څو مړه دښاغلي شاعر تاريخى خصوصيت بارز معلو مېږي هماغو مړه پكښې ددې وطن مينه اودهېواد دپاره ښې آرزو گانې هم شته . دى دپسرلى له ښو مناظرو څخه دا نتيجه اخلى چه پسرلى دمېنې مينه زياتوى او بېلبلان ښې ته مايلى . پدى وخت كښې نوده ته بې اختياره ښه ښه پيتونه خولى ته ورځي او وائى خو چه پسرلى هيواد ته راځي اوڅو چه پر نړۍ باندې لوړ غرونه ليدل كېږي خوچه دغرو په كور كښې دلاله ؤ - چرا غونه بل وى او د لمر و سپوږمۍ مشالونه رڼا وى دا وطن دى تل تر تاسه و دان وى او هر وخت دى پكښې پسرلى وى . دقدرت لاس دې ددې وطن په ښكېلى كولو مصروف وى مگر دپښتنو سعيه دې هم تل د وطن په ودانۍ كښې دخل لرى او ددې ودانو لو نسبت دى پښتون ته وى .

بيا هم بايد انصافاً و وايم چه د حبيبى په قصيده كښې يوازي د وطن مينه او قيمتى تاريخى خاطرات نشته ډېر شاعرانه نكات هم لرى اوډېر ښه شعور ته ويلي شو .

وروسته ترده دښاغلي فاضل صديق الله خان رشتين شعر دى چه ټوله قصيده ئې (٤٥) بيته ده اودلته ئې (٢٣) بيته را اخلو .

رشتين :-

(٤)

دا په جار چه رعد و وهل ډولونه  
پر غليم ژمى و كړه تور برېښونه  
ستورو وا چول اسمانكښې اتڼونه  
ور سره دى ښكېلى ښكلى سوغاتونه  
ور سره هم دسرو گلو لښكر ونه  
په شان شاكوى ديقلو مكېږونه  
په سندروځي بيديا ته ښكلى جو نه

دپسرلى په راتلو خوښ شوه اسمانونه  
د برېښنا توره را و وته له تېكې  
رعد ډول ورته وهى د برېښنا مخكښې  
د ښا يست له ملكه بيا قافلى را غلى-  
د جمال ياد شاه و تلى په دوره دى  
په خنداغوتۍ خوره شوه باغ ته ولاړه  
ژېړو گلو چې را وږى په را غونو

ابشار لځان را غور لځوی پسی له لودو  
زا نې بیا قطار قطار راغلی له کښته  
شنی کوترې دی را غلی نن قاصدې  
تو رانې سهر وختی درب ثنا کا  
د نشاط عمل را وړی تو تسکو دی  
کار نامه دا د قدرت ده نورڅه نه ده  
گل له حسن ې ور کړی عشق بلبل له  
د نړۍ ښکېل همه واده له ده دی  
هر یو شی امیدلری په دی موسم کښې  
د گیلانو هیله څه ده تازگی ده  
زما زده کښې لځای نیولی دی ارزودی  
هم ئی ژ به علم یو هه شی او چته  
دا ارزو کړم شپه او ورځ قادره خدایه  
دا جواب می په غوږونو کښې ورو واورېد  
د هر چا هیلې پوره به شی یو لځلی  
خو هله که څوک بیدار لکه بلبل وی

کوز چه گوری دسرو گلو قطارونه  
زده ئی غواړی د کابل میوی باغونه  
دی را وړی ئی شاعر له پیغامونه  
په هزار ژبو ئی کالندی صفتونه  
لږڅه پوه انسان تری اخلی عبرتونه  
دا چه ښکلی په گانو دی ایوادونه  
د بلبل نارو کښې اینی دی سوزونه  
له قدر ته دی په ژویو دالو رونه  
د ارزو غو ټی چه و سپری مخونه  
سیل د گلو د بلبلو ارما نونه  
چه نصیب د پښتنو شی عظمتونه  
هم اباد ئی شی د ښکلی ایوا دونه  
ستا د لپار ته می نیولی دی لاسونه  
چه خبر ئی کړم له دی نوی مضمونه  
په ورو ورو به ور ژبېزې ارما نونه  
په غفلت او خوب به ښکلی نیکرې گلو نه



دلته شاعر دېسری په تصویر کښې لمړی لځل جوی اوفلکې اوضاعو ته ملتفت کښې او په  
اسمان کښې خوشحالی وینی لځکه وائی چه رعد د خوشحالی دواونه وهی او بریښنا پر غلیم ژمی  
تور پر پښونه کوی ، د همدغه پښتنی تخیل په اثر کښې د اسمان ستوری ورته اتڼه اچوونکې  
ښکاری او د ښایست له ملکه قافلی وینی چه ښکلی ښکلی سوغاتونه راوړی .

وائی چه د جمال پادشاه په دوره وتلی دی او دسرو گلو لښکر ورسره دی . وروسته تردی  
چه دغو ټی مکیزونه او د زېږو گلو چپی ، د ابشار لځان غور لځول کوری بیا د هوا لور ته متوجه  
کښې او د زانو د قطارو ننداره کوی ، شنې کوترې ورته داسې ښکاری چه شاعر ته څه پیغامونه  
راوړی ، تورانی ورته درب ثنا خوانی معلومېزې او توتکی د نشاط عمل راوړونکې بولی .

هر کله چه دی د هیوادونو ښکلیتوب او د قدرت کارنامې گوری چه دنړۍ ښکېل له ده  
دی او په ژوو لورونه لری او جهان ورته دارزو او امید لځای ښکاری چه گلان د تازگی هیله  
او بلبل د گلو ارمانداری نو وائی زما په زده کښې هم دې ارزو لځای نیولی چه عظمتونه

د پښتنو په نصیب شي، ژبه، علم او پوهه ئې لوړشي او په همدغه ارزو دخدای دلبارتو لا سونه نیسی مگر په غوز کښې ورته ویل کېږي چه د هر چا هیلې پوره کېږي خو که څوک لیکه بلبل ویش او بیدار وی .

پدی مشاعره کښې ښاغلی نوری هم شامل دی چه څو بیتونه ئې دادی :

نوری :

پسر لی پر مخکې و او نل گلو نه	په گلونو ئې ښایسته کړه سمی غرونه
توروغرو کښې سره یگلو نه هسې ښکاری	لکه ښکاری تورار بل کښې سره خالونه
د یتیم په دود چه لڅ لپړ ولاړو	پیله پانېو د سپر و و نو ښا خو نه
زرغو نه نمری پسر لی وراړه راوړه	په شنو پانوسره ئې ورکړه سینگارونه
ټو او ونو ته ئې نوی ژوندون ورکړ	چه په ژمی ئې هیله نه وه له ژوندونه
یتیم رخه اوسله دوی سره هم کاندې	ز مونږ به څوک را پتوی سرتورسرونه

پدی شعر کښې چه خبره د غرو اورغوله گلو دونو پانوته رارسېږي شاعر خیال کوی چه پسرلی خودونو لوخ ښاخونه په شنو پانو پت کړه او شنه نمرې ئې ورواغوستل نو چه یتیمانو او خوارانوته به څوک کالی ورکړی او دوی به څرنگه پت شي ؟  
په آخره کښې بیا ویده باغوان راپاخوی چه خپل بڼونه اوبه کړه چه گلان مړاوی نشي او خاچونښی ورته ښېری ونکړی .

ددی مشاعرې په اخر کښې یوه قصیده ده چه ټول بیتونه ئې (۵۲) دی چه نیم ئې

دلته را نقلوو :

الفت :-

پسرلیه ! بیا دی را وړه سره گلو نه	بیا به جگه کړی د بلبلو فریادونه
سرې لمبې دی ارغوان باندی کړی بلی	د گل پانېو کښې دی نغښتی سره اورونه
شنې لوخړی پورته کېږي له چناره	په شنو څانگو مرغان لکه کړی شورونه
یا د غرو رغو امنو او ر اخستې	یا صحرا کړه د فرهاد وینو گلگونو
د لیلی له خاورو سره لاله شوه پورته	پکښې ښکاری دمجنون دزړه داغونه
د بابلو په نظر گلو ته گوره !	لیلی نه ده چا لیدلی بی مجنونو
سترگې پورته کړه له خوبه را بیدار شه	ویده نلری څه برخه له ژوندو نه
سوزو ساز د شوق و ذوق ته دی رابولی	چه سحر باغ کښې بلبل کړی اذانونه
عبادت کوی که فکر که مخمور دی ؟	چه غنچو زوړ نه نیولی دی سرونه

## د پست او ټیلیگراف او ټیلفون وزارت



وزیر : ع. ج. غلام یحیی خان  
 مین : س. محمد حسین خان

### د پست عمومی مدیریت :

عمومی مدیر : ع. غلام فاروق خان  
 اداری مدیر : س. رجب علیخان

### د ټیلفون عمومی مدیریت :

عمومی مدیر : ع. محمد سعید خان  
 اداری : س. محمد اکرم خان  
 د تخنیکي : ع. عید المجید خان  
 د سوجوړنو مدیر : احمد علی خان

### د ټیلیگراف عمومی مدیریت :

عمومی مدیر : ع. علی کسل خان  
 د ټیلیگراف او د تخنیکو اداری مدیر : س. محمد حسین خان  
 اداری مدیر : ع. عبدالاحد خان

ع. ج. غلام یحیی خان د پست او ټیلیگراف وزیر  
 S. Ex. Gholam Yahya Khan  
 Ministre des P. T. T.

### اداری مدیریتونه :

د اجرائیې او مامورینو مدیر : س. محمد ایوب خان  
 د اوراقو مدیر : ع. نیک محمد خان  
 د کنترول : ع. اعل محمد خان  
 د باندني محاسبي مدیر : ع. عید القیوم خان

په جوش راغله بیا دوریځو ډک خمونه  
خلق وائی چه ورېنې بارا نونه  
شپه او ورځ شورو غوغاړی موجونه  
ونو واچول په غاړه امپلو نه  
له مستیه شکو ی یو د بل هارونه  
په اتڼ کښې ښکېلوی ځانگی ښا خونه  
ونی راغلی په نغمو کوی رقصونه  
له بلبل که له گل وکړم تپو سونه ؟  
نغمه ښه ده که د گڼو د ید نونه ؟  
پښتنو ته راځی هسی او از و نه  
لونل غرونو کښې ښایسته ښکلی لالونه  
په بل را زو ، داسمان هلته د ورونه  
دمندیش غره کښې وبل راز تاثیرونه  
رایاد بڼی دپیتون شهاب لخلونه  
چه ئی وران کړه دمېنوبود تو نونه  
دلر سترگی برینو لی تر پرو نه

بیادلر زړه کښې پیدا زیات حرارت شه  
د فلیک له شنی مینا صهبا خشېنې  
د سیند ونو مستی ورځ په ورځ زیاتېنې  
د باغ کورته بیا ښادی خوشحالی راغله  
په رنگینو ښو جامو کښې گڼا کا ندې  
هېڅ پروائی په چا نشته ورته گوری  
د بهار د نسیم څه رنگه تاثیر دی  
دا موسم د ښکلیتوب که د مستی دی ؟  
د بهار ارمغان گل دی که بلبل دی ؟  
پس له خو قر نود غور د بلبلانو  
چه پخوا به پسرلی پدی هوا د کښې  
وریځې نورې وې مې نورې هر څه نورو  
سیمرغان اور ستمان به پکښې میشت و  
داسمان درنو ستور و لعل چه وینم  
په زړه نغمه کښې هغه مستی وینم  
د مرمر و درخامو خول مانېو

لمروبل، سپوږمۍ وه بله ستوری نورو

ته هم بل شان اېښد لې ای پښتو نه!

پدی قصیده کښې چه نیمه دلته رااخیستل شوېده ادبی نواقص اومحاسن دواړه شته او لیکه  
تېر شعرونه بې عیبه شعر نه دی.

دلته لمړی آغاز په بد پېنۍ شوی او پسرلی ته په بل راز کتل شویدی یعنی دبلبلو له نغمو نه په  
فریادونو تعبیر شوی او وائی چه دگل په پاڼو کښې سره اوړونه نغیتې دی دچنار شینوالی او تازگی  
شنی لوخړی بولی او په شنو ځانگو کښې دمرغانو شور دهمدی لامله گڼی . دغورغو سړې لمنې چه  
اکثروشا عرانوته خوشحالی ونسکی منظر په نظر ورځي، دی ئې دفرهاد دپڼو په نامه یادوی او  
دسروال له پوزگی کښې دمجنون دزړه داغو نه ویني او وائی چه دالاله دلیلی له خاورو راهسک  
شویدی سره له دی چه په اوا کښې دبلبلو نارې فریاد ونه بولی خو پسته وروسته پری داځانو نوم ږدی  
او خپل مخاطب ته وائی چه د شوق وذوق سوز و ساز ته دی را بولی لیکه بلبل په باغ کښې سهار مال  
اذانونه کړی ، دا خبره بده خبره نه ده یو بلبل چه په باغ کښې سهار اذان کوی ویلی شو چه خلق له غفلته  
راوینځوی اود شوق وذوق لوری ته ئی رابلی .

غنچو چه به باغ کښې سرو نه زوړندنيو لي اوشا عروائي چه دوی عبادت کوی که فکر او که مخمور  
دی هره یوه خبره ئې منلی شو او بد تصویر نه دی. دلهره زړه کښې د حرارت زیاتوالی، دو ریڅوډک  
خمو نه په جوش را تلل، دفک له شنی مینا صهبا خڅېدل، د سیندو نومستی زیاتېدل اودمو جونو شپه  
ورغ غو غایې تناسبه جملې نه دی.

د باغ کور ته چه ښادی او خوشحالی راوړلی او وائی چه ونود گلوامېلونه په غاړه کړل او په  
رنګینو جا مو کښې ناڅی یاله مسته یو دېل هارونه شکوی او ځانګی وښاخونه بی پروا یو بل ښکلوی  
یاد پسرلی دنسیم په اثر ونې په نغو راغلی اور قصونه کوی ښایسته ښه تعبیرات دی هلته چه وائی دا  
موسم د ښکلېتوت او که دمستی دی؟ داتپوس باید سړی له گل څخه وکړی که له بلبل څخه؟ بد  
سوال نه دی په پسرلی کښې دادواړه شپه سړی متاثر کړی چه کله د گلو په ننداره زړه با یلی  
او کله ئې د بلبلواو مرغانو ناری فکرها ته را جلبوی:

په اخره کښې چه غور او دغور بلبلان یادوی او وائی چه دهغوی داراز آوازونه غوړو ته راځی  
چه پدی غر ونو یغوا پسرلی لالونه اونل دمنډیش په غره کښې رستمان او سیمر غان او سپدل، د  
مرمر او رخامو خول مانېو دلمرو سترگی تر پرونه پوری برېښولی او لمر سپوږمۍ، ستوری او ورېځې،  
وزمې او د آسمان دورونه هر څه په بل رازو. د پښتنوز لږه عظمت او تاریخی جمال وجلال ته ښه شاعرانه  
اشارتونه دی چه دا شعر له ادنی او عادی اشعارو لږ څه لوړوی اود تېرو قصیدو په اخر مرتبه کښې  
نځای ورکوی.

ددې مشاعرې تاریخ د ثور میا شت ۱۳۲۳ - د مشا عرې اشخاص: مجروح، ښنوا، حبیبی،

رشتین، نوری، الفت.

له دې پورتنی تاریخچه وړاندې په ۱۳۲۲ د سنبلې په میاشت کښې د پښتو یوه بله مشاعره هم شوی  
چه د مشا عرې د پاره د ننگرهار سپین غره کلا شوی، پدی مشا عره کښې دې اشخا صو اشتراک  
کړې دی: مجروح، حبیبی، الفت، ښنوا، رشتین، جرار، محمد رسول خان پښتون، خادم.  
ددې مشا عرې درې شعره د درولمې یواشخاصو د کابل د مجلې په (۱۵۰) گڼه کښې د ۱۳۲۲ په سنبله  
کښې نشر شوی دی، د ښاغلی ښنوا او ښاغلی رشتین شعرو نه په ورپسې گڼه کښې د میزان په میاشت  
کښې اود ښاغلی جرار شعر د عقرب د میاشتی په گڼه کښې نشر دی اود ښاغلی محمد رسول خان  
پښتون داد فوس د میاشتی په گڼه کښې وگوری. د ښاغلی خادم شعر چه ددې مشاعرې (فعلا) روستی  
شعردی د کابل په (۱۶۷) گڼه یعنی ۱۳۲۳ د لویو په میاشت کښې نشر شوی دی اود دې مشاعرې  
سلسله ئې تر یونیم کاله پوری اوژده کړه.

دامشاعره هم پدی لحاظ چه موضوع پکښې تعین شویده زمونږ د ښاغلو او پیاوړو شاعرانو د نظر  
ډول او طرز تخیل په یوه مورد کښې په مختلفو صورتو راښی او یو هډای شوچه دغه سپین غره دهرچا

په نظر کېښي څنگه جلوه کړي او دغه شاعرانه منظره رڼه ده څه خاطرات او څه خیالات پیدا کړيدي ،  
چه دغه دی دهر یوه د مضمون خلاصه او دشعر یوه ټوټه دلته رااخلو:

### (۱) مجروح:

د اشناغلی چه په شعر و ادب کېښي منلی مقام لري، سپين غره ته پدی ډول گوري اوداسی تعبیرات  
ورځنی کوی:

سپين ځادر په څه توره شېجه غوړېدلې که چاد اسمان لاندې خیمه وهلې؟ د وسپنو د یوال دی چه  
په زرو چراوشوی؟ که کوم ښامار یا ازدهار دی چه له شتابه پریوتی یا نهنگ داسمان له شنه دریابه  
راو تللی دی.

د عظمت مجسمه ولاړه ده که د برید گټې هسک او ځمکه سره پیل کړيدي؟ د غرو سپين سرې  
مورده چه دانور ئی بچی دی که د قدرت له خوا پښتون ته د ثبات پیغام دی په افق کېښي ئی له پخوانه دا  
بندرنیو لی او اسمان پری ښه خبردی چه له ور یخو باج و خراج اخلي (چه سپینی واورى دی) له تالندى  
ئى وېره او په تندر ئی څه پروا نشته نه دشپو ورځو له تلورا تلو څه سودا لري.

په سر ئی سپینی واورى دی او په لمن کېښي ئی زېړی گیلونه، هلته ژمی او دلته اوږى دی ،  
موسمونه پکښي یوځای شوی او رودونه ئی لکه اولاد په آغوش کېښي نیولی، داسمان په کنارو کېښي  
ئى روڼ تندى ښکارى او په نازو نځرو ننگرهار ته گوري اسمان ئی هره شپه په سرستورى تثاروی ،  
اوقیانوس دور یخو په لاس ورته سوغاتونه رااستوی، بادامې (د باد طوفا نونه) ئی په سردیا سره قصونه  
کا ، هندو کش پدی سرلورى ملگری نازېږي اود سحر د باد په لاس ورته سلا مونه را لېږي .  
خدای خبر چه له څه مودى دلته ولاړدى اود تېرى زمانى څومره کیسې ور یادى دی، د تودو سړو هېڅ  
پروانلری اونه ئی د حوادثو په مقابل کېښي کله سر ټپت کړيدي. په سردرو کېښي ئی طو طیان او  
په ټونو کېښي بلبللی شته چه له شاهین نه ویرېږي اوزر کی ئی نه دی غلی، په لوړو پرنیو ئی د عقاب  
لحال دی، له هری سمخې اوهر کورمه دېر انگا نوغریو خېږي

د شعر یوه ټوټه: -

په افق کېښي ئی نیولی	له پخوانه دا بند ر دی
باج خراج له ور یخى اخلي	پاس آسمان پرې ښه خبر دی
په یوه پښه ولاړ دی	ښه همزولى د خېبر دی

نه له تالندى وېرېږي نه په تندر ئی پروا شته

نه له تلو را تلو دور ځو باد شپو ئی څه سودا شته



ا سمان هره شپه په سر ئی      کاد ستور و نتار و نه  
 اقبیا نوس په لاس د و ر بڅی      ور ته لینې سو غا تو نه  
 با دامی ئی سر د پاسه      همیشه کوی ر قصو نه  
 هندوکش پدی ملگری سر لوئی کاندی ناز پڼی  
 د سحر د باد په لاس تل خپل درو د سلام ور لېږی  
 سردرو کښې ئی طوطیان دی      په هر بڼ کښې ئی بلبلای  
 نه و پر پڼی له شا هینه      ز ر کی نه دی هلته غلې  
 شی په لود ه پر بڼه با ندې      د عقاب لځا لی لید لې  
 له هر سمخ له هره کورمه غرېو خپڼی د پڼ انگانو  
 نور صفت ئی تا سپی و کړی ای دغرو نو شا عرا نو

چېدی شعر کښې ښاغلی شاعر د سپین غره تصویر او تمثیل په ډېر ښه شان کوی اوله هغو معلو ماتو  
 چه دی ئی په طبیعیاتو کښې لری هم کار اخلی اولږه غونډې اشاره د تېری زمانې کیسو او تاریخ  
 ته هم کوی ؛ په عین حال کښې له سپین غره نه د ثبات واستقامت ، سړو او تودو تېرولو الها مات هم  
 اخلی او دینیتو غوږ ته ئی رسوی .

د ښاغلی حېبی د شعر خلاصه : -

داسپان په څڼو د سپوږمۍ رڼا له لیری ښکاری اود جگک غره په څو کو داسی معلومېږی لیکه  
 چه مرغلی لونی ، هلته سپینی څو کی بریښی اوڅو رڼا وې ملگری دی ، یوڅو سپینی واورې  
 لځلېږی اوبل د شفق لمبې بلی دی . سپینی سپوږمۍ له غرونو مخ را ښکاره کړ او ښکلی  
 غر لا ښا یسته شو .

داسپینی واورې دی چه ولېږی که نقری دی چه بهېږی .

دا کوم لځای او کوم غردی چه نندارو ئی محوه کړم ، دلته څوک اوسی اود چا کو ر دی ، څو  
 ژوندی یم زه به هم دلې یم اود سپین غره ننداری به کوم .

خلق وائی داسپین غردی زموږیم چه زما مامن دی او بښت په بښت مود نیکونو هدیره او وطن دی .  
 ای سپین غره ته راته خپله قصه ووايه ، ته ډېر زود او سپین ږیری په نظر راځی اود سر وینته  
 دی ټول سپین شویدی ته کله دې نړۍ ته راغلی ئی اوله کومه راغلی ئی . ای سپین ږیر په تاز  
 مونږ توریالی نیکونه لیدلی دی چه ستا په لځنگلو کښې لیکه شنه زمریان اوسېدل په درناوی کښې  
 تا ته ورته و . دهغوی داستان ستا په یاددی او کله تانه هم پښتانه هېر شویدی .

ای سپین ږیر په راته ووايه چه زمونږ نیکونه ولی لودو ؟ اوزه ولی لایت او ذلیل یم . د لود تیا  
 تېر داستان څه و ؟

علت او معلول خوستاله نظر لاندی و، ولی مونږ کښتی ته پرخواو ولی دوی پرلورېدو و؟ راسه ماسره خواله وکړه اوداسبب راته ښکاره کړه ، سپین غر : - ای پښتونه ! څه خبری درته کړمه ته ئی په غوږ کښې ټینگې ونیسه ! دد نیا حوادث واده پاسته جسمونه سولوی ، زه چه ټینگ ولادیم په زرو کلو نه تېر شوه اسمان په ماڅه نشی کولی . ته هم ټینگ اوسه اولور همت له لاسه مه ورکوه ، دد نیا حوادث تېروه او مه بېرېنږه ، که ما غونډی مستقیم شی په د نیا کښې به ماغونډی لور ئې .  
دشعر یوه یوه ټوټه :

را ته وایه سپینه غره !      تیر داستان دلور تیا څه و ؟  
که علت و که معلول و      ټول دی لاندی ترکا ته و  
ولی مونږ کښتی ته پرخواو      ولی دوی پر لور یده و ؟ -  
را سره زما سره خوا له کړه  
دا سبب را ته ښکاره کړه  
له ما زده کړه ای پښتونه !      درته وایم څو خبرې  
ښې په غوږ کښې ټینگې نیسه      دی بېشکه مرغلرې  
لور و غوږ مې دی لیدلی      تجربې مې ډېری سترې  
واوره ! دا چه ښې نښې دی  
گټې هم پکښې پر تی دی  
دد نیا حوادث واده      سولوی پاسته جسمونه  
زه چه ټینگ یم نو ولادیم      په زرو تېر شوه کلو نه  
څه چه کړی اسمان دی کړینه      زه یم کله ټینگ می هلو نه  
که بر یښنا که واوړې ، ټکی  
هېڅ تغیر را ته پېښ نښې

ددی شعر زیاته برخه دتاریخی عظمت خوا ته معطوفه ده په تېر شعر کښې چه شاعر سپین غر سپین سړی ښځه بللی ده پدی شعر کښې سپین زیری سړی گڼل شوی دی اوشاعر ورسره سوال وجواب او خبرې شروع کړیدی . دلته له غره سره ښې دمطلب خبری شو ید ، مینه ورسره ښکاره شویده مگر دندارو برخه ئی کمه ده .  
دالفت دشعر خلاصه : -

خلقو ویلی له کوه قافه هغه خوا یوه کلا ده چه هوایی بل رازده اوښاپېریان پکښې اوسی . پیره دار ئې یوسپین دیودی چه هر څوک ترې ویرېزی پردې نشی ورتلای اولار ئې ډېره سخته ده

هغه ديو دننگر هار سپين غر دى چه د خيبر له دروازې دې خوا په سخته لار كښې پروت دى  
اوبې پښتو نه بل خوك پدى گلزار كښې نشى گرزيدلى ددې غره ځنگلونه له شنوز مر يانو ډك دى  
اوپه هوا كښې ئې سپين بازان - څار كوى - لهر وطنه بڼايسته دى تور نښترئى توري زلفى  
اوتك سپين مخ ئې دلبابى دى . داسى سپين سپيڅلى ښكاري لكه سپين سبا . دلهر اوسپوژمى  
كوردى اوهر سحرئى له كڼدوه لمر راخپژى ځكه هومره روښانه دى .

دغره په سر دپلو شو تجلى لمپېزى . په همدغه رڼا كښې لمر او سپوژمى ځان گورى او د پښتو  
آئينه هم ده ، دارڼا داسى سپينه بريښى لكه درحمت دنور ورشو . پدى ځاى له اسمانه سپيڅلى  
نور وړېدلى او كه داد ملكو كوه طور دى ،

دلته دجنت د باغ وژمې پكښې هر وخت لگېزى اود رڼو ستورو ډيوې هره شپه بلې وى .  
زر كې خاندې اوهر سپېزى له صياده ئې هېڅ ويړه نشته . دپښتون د كام گټه ځا نگو ده چه  
پردى ورته لاره نلرى . هرى خواته جړوبى او ابشارونه بهېزى اود غسلو اوشرايو ډك رودونه  
پكښې دى . ښه سرسبز لمن لرى چه اسونه پكښې مېشت دى . بڼايسته منظرى لرى چه پښتانه  
ئى نندارى او دسپين غره تورې لښكرى ئې پيرې كړى . په پښتنو كښې دامتلى دى چه په لويو  
غرو دخداى خطر وى ځكه دسپين غره دپاسه شام وسخر تجلى وى اولمر لا څرك نه وى . وهلى  
چه هلته درڼا اثر موجود وى .

لكه كوه طور روڼ او روښانه دى خوڅوك نشته چه الهام ترى واخلى .

د شعر څه ټوټه :

تجلى د پلو شو ده	پاس د غره په سر لمپېزى
آئينه د پښتو ده	لمر سپوژمى پكښې ځان گورى
درحمت دنور وړشوده	لكه سپينه رڼا بر يښي

هسې ښكاري لكه داچه دملكو كوه طور وى

يا اسمان نه وريدلى پدى ځاى سپيڅلى نور وى

دجنت دباغ وژمى دى چه هروخت پكښې لگېزى

درڼو ستورو ډيوې دى پكښې هره شپه بلېزى

له صياده ويړه نشته زر كې خاندې هو سپېزى

د پښتون د كام ځا نگو ده كڼو گټو نه تياره

خداى دې نه كا چه پردى به كله مومى ورته لاره

دا منل دی پښتو کښې  
د سپین غره د پاسه لڅکه  
لمر لا څرک نه وی وهلی  
که طررغوندي رڼادی خو افسوس چه موسی نشته  
چه الهام ور ځنی و اخلی هغه پیر او پیشو انشته

دا شعر له وهمی عنعناتو چه په پښتو کښې شهرت لری شروع شوی او وروسته پکښې  
له تصوفی روح او عرفانی فکر څخه کار اخستل شوی دی دلته چه شاعر ته په سپین غره کښې  
تورنښتر ښکاره شوی او د غره په سر ئی سپینې واورې لیدلې نو دلیلی سپین مخ او توری  
زلفی ور په یاد شوی لڅکه ئې ورته سپین زیری یا سپین سری نه دی ویلی او دجمال په نظر  
ئې ورته کښلی دی . له چا سره چه تاریخی افکار وی او زړدو قصو یا د استانو پوښتنی کوی  
د هغو په نظر کښې باید چه سپین غر سپین زبری معلوم شی  
څوک دغرونو طبعی عمر ته ملتفت وی او هغه رودونه چه دې غره پخپل آغوش کښې  
لکه اولاد نیولی دی وگوری هغه حق لری چه سپین سری ښځه ئې و بولی مگر که څوک  
تورنښتر اوسپنې واورې یو لځای وگوری او سپین مخ او توری زلفی ور په یاد شی بگرم نه دی  
که دجمال له عینکو ورته گوری او تاریخی خواته نه ملتفت کښې .

د ښاغلی ښواد شعر لنډو مضمون :-

ای ساقی راشه د خوږ من زده گي پخوا شه ! یوه پیاله را کړه او یو هه را څخه اخله  
چه مست او دیوانه اوله جهان به بیگانه شم د مینې نورو ساز او د عشق جنون را کړه چه له  
درد منو سره یاری او له بی درد و جدائی و کړم . لکه یومست موج تېر شم چه طوفانونه مې  
په سر وی . ای ساقی زرشه لځدې مه کوه او د هغه ټاک وینی را کړه چه د سپین غره سپیڅلی  
شیدی ئې رودلی وی . چه زه هم سپین باز غوندي پرواز و کړم او دسپین غره نغمه اغاز کړم  
زما په نغمه کښې یوشر او مسیحا ئې اثر پیدا کړه چه مړه قومونه ژوندي کړم له ذلته ئې  
خلاص کړم اود غفلت له غروړه ئې را پاڅوم . پدی ئې پوه کړم چه او س ژوندون بل راز  
افسون غواړی او په تشه وینا څوک نه خلاصیږی ،

که څوک په پلار فخر کوی او پخپل ټبر نارینې هغه هلاکېږی ای ساقی ژرسه پیاله را کړه  
اووینامی مؤثره کړه چه ددې غره په لمن کښې زما په او از زلمی را ټول شی او د پښتو  
مرکی جوړی شی او یوله بله ملگری شی دا خراب کور بیا ودان کړی او لځان په دنیا کښې  
ښکاره کاندې .

د شعر يوه ټوټه :-

جگۍ جگۍ سا قسۍ را شه  
ستا له سره سيلنۍ شم  
را ته خاندۀ را ته داد کړه  
زما لورۍ ته ډير ډير شه  
په پيسا له مۍ کړه نه مخنه  
چه خراب مست د يو انه شم  
سوز و ساز د مينۍ را کړه  
چه درد من سره ياري کړم  
روح ازاد زده مې خوشحال شۍ  
لکه موج مست مې گذر وۍ  
کور د ظلمو ستم وړان کړم  
تر تا وگرزم را پورته  
هله را کړه د تانک وينه  
هغه تانک چه ئې رو د لۍ  
چه سپين باز غونډۍ پرواز کړم  
په نغمه کښې مې شر را

پدې شعر کښې له سپين غره سره ښه شاعرانه تماس را غلې دۍ مگر هغسې چه په  
تيرواشعار و کښې سپين غره اصلي مضمون دۍ دلته هغسې نه ايسې مگر دا شعر پخپل شعري  
حيث مستۍ او جذابيت لري او سپرۍ ويلۍ شۍ چه که د سپين غره منظر پکښې ډير نه ليدل  
کيږي نور شاعرانه نکات پکښې ډير ليدۍ شۍ او لږينۍ بيتونه ئې لکه:

لکه موج مست مې گذر وۍ      طوفا نو نه مې په سروۍ

ډير ادبي قيمت لري. پدې شعر کښې هم ښاغلي بينوا لکه د هغې بلۍ مشاعرې  
په شعر کښې يوه مستۍ او سرشارۍ ښکاره کوي چه تقريباً دده شاعرانه خصوصيت ئې  
لملۍ شو، مگر دا مستۍ له ملي او اجتماعي درد او رزو گانو سره مخلوطه ده،  
د ښاغلي رشتين د شعر لنډمضمون:

د خيال مرغه مې په سپين غره سرشار گرځي او ددې کوهسار تازه هوا مې په سر  
کښې ده، هر لورته د بېلو شور ما شور دۍ او په شنو نښتو و کښې طوطيان مست له چغاره

گرزی . له هر بڼه څخه ټي دمرغانو ريز ارویده شی او بلبل دمینی له څماره پیهو ش گرزی .  
دعطر و نسیم به ټي دچا دناز شمله خوشبویه کړی ، دی نسیم ته هر څوک امید و ار دی  
چه دچا زلفی به خوری کاندې جونې او ځلمی او ښکلی خویشماره دی او نیتړهم له لوړو ځایو  
دهمدوی ننداری کوی . سپین غر په متانت او وقار درب په احترام ولاړ دی . پدی هوا کښې  
چادختن نافي سپړلی دی چه شپانه په شنو وښو کښې له عطاره مست گرزی .

دشپانه مستی شپیلې ته بی اختیاره هر څه گویږی . ستا په طبیعی خر و ش کښې څه  
آرام او مدار نشته ځکه دابشار له سره دمستی خیال نه ځی . ستا د سینی میوی چه پخې شی  
نو ستا په ځنگلو کښې مستې او خونخواری نجونی گرزی . دا و ستا نغمی ستا له خواږه  
نومه خوزی شوی او دسوما بوټی ستا شاو خوا گرزی . هغه څه چه سکندر په بل ځای کښې  
پیدا نکړه ستا په سیمه کښې ټي غواړی . محمود او شهاب په مینه در ته کتلی دی او  
سترگی بی اختیاره ستا لورته اوړی ، احمد چه پدی لار تیرید . ستا نظر پری وه ځکه  
نامدار شو . هغه کسان چه په خوزونعمو کښې ټي د پیڅودی تاثیر و ارواح ټي ستا په هوا  
کښې دنگرهار په فضا باندي گرزی . زړونه موستا دتېږ و په شان قوی دی او لکه  
چه یومین له خپل دلداره نه بیلینږی مونږ هم ستا نه په هیڅ راز بیلیدونکی نه یو .

دشمر یوه حصه :

هوامې سر کښې نن تازه له دی کهساره گرزی	مارغه دخبال مې په سپین غره باندي سر شاره گرزی
په شنو نیتړو شنه طوطیان مست له چاره گرزی	و ینم هر لورته دبلبلو شورماشوردی پکښې
بلبل پیهوښ پکښې دمینی له څماره گرزی	ریز دمرغانو ټي ر اخیز ی له هر بڼه څخه
نسیم دعطر و پکښې نرم خوشگواره گرزی	دناز شمله به کړی خوشبویه په شه شانله دچا
زیبا نسیم ته ټي زر زړونه طمعداره گرزی	زلفی دچا به کړی خوری په پستو گوتو سره
جونه ځلمی ښکلی ښایسته پکښې پشماره گرزی	نیتړ په لوړه ننداره د مهر و یا نو کوی
ځکه له ویری ښکته پور ته نا قراره گرزی	هوسوې سترگی چه را ټی له خوبانو کړلی
کله په ژوند باندي له حکمه دبادار ه گرزی	په متانت وقار و لار دی احترام کښې درب
چه شنو وښو کښې دی شپونکي مست له عطاره گرزی	ستا په هوا کښې دختن نافي سپړ دلی دی چا
میدان درقص کښې ساه کش واده پشماره گرزی	مسته شپیلې چه په خوندر اشی له شپانه سره
خیال دمستی کله له سره دابشاره گرزی	طبعی خر و ش کښې دی ارام او څه مدار نشته دی
ستا په ځنگلو کښې هر ه نجل مسنه خونخواره گرزی	مېوی پخی ستا دسینی چه شی کوم وختی کله

پدې شعر کښې غردېر ستايل شويدي او څه څه په غره کښې وي لکه نښتر، هو سي،  
تارو، تمغري، شپونکي، زرکي، طوطيان، بلبلې، بازان، آبشارونه داټول ياد شويدي، او ځينې  
تاريخي نکات هم لري خصوصاً دسو ما بوتې اوداوستا نغمې مگر دسپين غره هغه نور اورنډا  
تجلی څه په درې لمړو شعر ونو کښې ورته زياته اعتنا شو بده دلته ئې خپله رنډا با يللي ده  
او تر دې دمخه په هغه بل شعر کښې هم څه خلښت نلري. که چېرې په او له مصرع کښې  
نه وای ويل شوی څه (مارغه دخيال مې په سپين غره باندی سر شاره گرزی) او په يو ټوله  
مصرع کښې سپين غر او دننگر هار نوم نه وای نو دی شعر هر غره ته اړخ لگا و .  
مگر پدې شعر کښې يو بل خصوصيت شته څه دغره ځينې نور کيفيتو نه پکښې ډېر ليد .  
شي څه حتی د شپو نکي مسته شپيلۍ هم تر ښه نه ده پاته ، نو ويلی شو څه دا شعر په  
غر نيو سند رو کښې ښه جامعيت لري او ډېر ښه شعر ئې بللی شو .

د ښا غلي جرار د شعر مطالب :-

دا سپين غر دی او که هماغه کو ه قاف دی . له ورايه تجلی کړی اولکه سپو زمی  
صاف په نظر راځي، دهنداری په دود شفاف دی او اسمان مخی ته نيولی د و مره جگ دی  
څه خولی ورته له سرم لوېزې اودا لمحکه په نظر کښې لکه يو خيال داسی معلو مېزې .  
سړی څه ورته گورې گمان کوی څه سپين غر خپل سر داسمان په سينه موبښي . يوه وېروونکي  
اژدها ده څه په خيبر ئې سراپښی دی . ډير دو ورځني ډار او وېره کېزې دالو ئې او  
دا عظمت خدای ور بخښلی دی . د قدرت مجسمه ده اوله پخوانه دلته ولاړه ده د دننگر هار  
تماشا په هسکه غاړه کړی . يو معمر تجربه کسار سپين زيری سال خورده دی څه ښې کيسی  
ور ته يادی دی . شنه زمريان پکښې پراته دی څه نوکی ئې له ا لعا سو هم تېری دی .  
سپين بازان ئې په سرگرزی څه دچاپه لاس کله نه دی ناست . دلاندی گډوگډه او توری  
تېری دی او پاس تو ر نښتر ولاړ دی . داټول سره جمع شوی او ښکلی منظره تر ښه  
جوړه شو بده .

د شعر يوه حصه :-

داسپين غر دی نه پوهېږم	که هماغه کو ه قاف دی
تجلی کوی له ورايه	د سپو زمی په شاته صاف دی
اسمان مخی ته نيسولی	آئينی غونډی شفاف دی
څه له سردورته لوېزې خولی هو مره جگ دی	
په نظر کښې ئې دا لمحکه په نمود لکه يو خيال دی	

## د مهاد نو وزارت



ع. س. غلام محمد خان د مهاد نو وزارت کفيل  
S. Ex. Gholam Mohammad Khan

Intérimaire du ministère des mines

دوزير کفيل	ع. س. غلام محمد خان
معين	.....
فني عمومي مدير	ع. س. محمد احسان خان
د مهاد نو ديپلوم انجنير	ع. س. سيد عبدالاحد خان
د مهاد نو متخصص	ع. س. دو کتور سلطان احمد خان
انجنير	ع. س. عبدالله خان
د کشف فني مدير	ع. س. غلام علي خان
د اجرا نښي	ع. س. عبدالاحد خان
د کنترول	ع. س. محمد حسن خان
ديپر لو او پلور لو مدير	ع. س. رمضان علي خان
د تفتيش مدير	ع. س. عبدالفتاح خان
د اوراقو مامور	ع. س. محمد يوسف خان

## د کرهني مستقل رياست

رئيس	ع. س. مير محمد يوسف خان
فني مشاور	ع. س. مير محمد يوسف خان
د کرهني د اصلاح او توسعي د مديريت کفيل	ع. س. داد محمد خان
د ذراعتي آفتود دفع مدير	ع. س. محمد کريم خان
د املاکو د عمومي مديريت کفيل	ع. س. محمد طاهر خان
د مخنگلا تو مدير	.....
د تفتيش	ع. س. نادر علي خان
د ذراعتي تبليغاتو مدير	ع. س. فقير محمد خان
د حيواناتو د تربيه خانى	ع. س. داد محمد خان
د اجرا نښي او مامورينو	ع. س. عتيق الله خان
د کنترول	ع. س. سيد فقير محمد خان
د اوراقو	ع. س. مير محمد هاشم خان



که نر دی وی که له ورايه  
ته به وائي گوندي مو بني  
وېرو و نکي اژد هاده  
سر ئي ا يښي په خيبر خپل

دېر دو تری وېره دارشی کان دوېری دهیت دی  
لوی خښتن و ر ته بخښلی دا لوڼي داعظمت دی

ددی شعر څه بیتونه په لنډ تغیر و تحریف په دری لمړو شعرونو کېنې مومو نونه پوهېږو چه  
توارد ورته ووايو که اقتباس ؟ توارد خو به لځمکه څوک ونه مني چه هغه شعر ونه پخوا نشر  
شویدی اودانور اشعار پس له هغو دری شعر وویل شويدي - نو اقتباس یا تضمین به ئي وېولو .  
لځینی نوی نیکات هم پدی شعر کېنې شته چه ادبی اوشاعرانه قیمت لری .  
دښاغلی محمد رسول خان دشعر مضمون : -

داسمان کناروته دسپینو زرو کلا ښکاری اوسور افق د همدی کلا دېوالوته اور بل  
کړېدی چه داسمان توری لښکری ئي گرد چاپېر لمبوته راځول دی خدازده چه پدی کلا کېنې  
څوک دی چه پدی حصار مستانه ښوری اوهیڅ پروائی نشته . دادسپینو زرو غردی چه په نورو  
اوچت ښکاری . هغه وگړی پکښې اوسی چه دڅښتن رحمت ورباندی دی ، په یو واله ژوند  
کړی اودعشق په رمز کېنې ئي وحدت مضمردی داځای دپاکانو دی دلته ریا نشته ، په هر  
کور کېنې پیغمېده او شورو غوغانه اړوبدله کېنې . سپین غرنه دی فلندر دی چه سر تورسر  
دلته ناست دی ، دعائی مستجاب ده ، آفتونه پری اثر نلکړی ، زمریان ئي تسخیر کړی او په  
لځنگلو کېنې ئي غرمېهاردی داسمان دزړه ټوټه ده چه په لځمکه را لوبدلی ده ، سپین نقاب ئي  
په سر کش کړیدی ، رودونه ، نه دی دشرم خولی دی چه ترې بهېږی ، په لڼه کېنې ئي گلان  
شنه دی چه بلبلان پری نالان دی دادپښتون دوقارنمونه ده چه په عمرو ئي خپل متانت ساتلی دی  
له شنه دریابه نهنگ پر مخکته پر بوتلی دی اوله لځانه سر ئي مرغلری راوړیدی ، یا ښاما ردی  
چه دآسمان خزانی دانسان لهیرغله ساتی . دزمر یانو غردی که دپښتوانگر ، زمو نږ دېلو  
بام دی چه لمړتري هره ورځ لوبږی ، اسمان پری خپله لوړواده کړی چه هره شپه پکښې په سپین  
مخایده شی اوبه لمنو کېنې ئي نورڅپو روی .  
دشعر یوه برخه : -

سپینوزرو کلا ښکاری  
سورافق دی اوربل کړی  
دآسمان توری لښکری  
د آسمان و کنار و ته  
د کلا و دیوالو ته  
گر دچاپیر ئي و لمبو ته

خدازده څوک دی په کلا کېنې چه دوېری سودانسته  
مستانه پر حصار ښوری ته واهېڅ ئي پر واه نشته

د داد سپينو زر و غر دى      چه نورو څخه اوچت دى  
 ښه وگرې پکښې اوسى      دڅښتن باندې رحمت دى  
 په يوواله سره ژوند کړى      رمز د عشق کښې نې و وحدت دى  
 دغه لڅاى دى د پا کا نو هله و د لڼه ر يا نشته  
 په هر کور کښې پغې ده چېر ته شو روغو غا نشته  
 سپين غره نه دى قلندر دى      دلته ناست په سرتور سردى  
 مستجا به ئې دعا دى      دڅاو ند بېاندې نظر دى  
 هيڅ آفت پرې اثر نلکړى      د فو لا د و ئې قهر دى  
 تسخير کړى ئې زمريان دى په ځنگله کښې غرمېهار دى  
 په مېړانه ئې وړى و زلى خداى ور کړى اقتدار دى

پدې شعر کښې لمړى لڅل چه ښائى ظاهري نظريه وي سپين غردشا عريه نظر کښې د سپينو زرو کلاياغر ښکاره شوى مگر وروسته چه د شاعر باطني شعور ورته کتلې دى نو بيا ئې يو قلندر بللى چه سرتور سرنا ست دى او د خداى نظرون باندې دى لڅکه پرې هيڅ آفت تاثير نه کوي او دعائى هم مستجاب ده ، زمريان ئې په تسخير کښې دى او خداى لوى اقتدار ورکړى . دهمدې قلندر په جوار کښې ښه وگرې اوسى چه ريا پکښې نشته او د عشق له رمزه خبر دى . پدې شعر کښې که سپين غره ته د پښتانه وقار او متانت ويل شوى يائى لکه مجر وح دشنه د رياب نهنگ يا ښامار ورته ويلې دى داوينا د شاعر اصلى او خصوصى نظرونه دى بلکه د قلندري په حيث ورته کتنه د ښاغلي محمدرسول خان فکري او روحي صبه لري او په همدغه شى د اشعر له نورو شعرونو بېلېږتى .

د ښاغلي خادم د شعر مضمون :-

قدرت په څه شان اونزاکت ستا تصوير ښکلى دى اوڅه جلا او ښکلا ئې درکړې ده ، ستا په ليدو د حيرت سترگې سپينې شوى او حسن ستا دمخ ښکلي توب ته محو شو ، ته په دنيا کښې د فطرت د شپکار يونونه ئې ، ستا د سيمې په فضا کښې د شعر خيال پرورش مومى ، ستا ليدونه له آسمانه ملايکې را کوژيږي ، او ښايېرى دى له ارمه نندار و ته رادر ومى . په هره خوا کښې ئې شنه چمنونه او جگ سرونه ، شرشرې او فواري ليدل کېږي ، رنگه په رنگ تل ټل گلونه او د نر هتونو موج پکښې دى ، د شودو او غسلو رودونه پکښې جارى دى ، د بلبو ، طوطيانو او کوټرو انگازى او دمر غانو ترانې ئې له هره لڅايه غوږ ته راځي . نه يو هېڅ م د شپو نځى له شپلۍ نه دا ښه نغمه تر غوږه کېږي او که روح د جنت ښکلو ښکلو ته پرواز کړى ، خيال دى که واقع ، ممکن دى که محال . هلته د بوهيکله ښايېرى اوسى چه بدنونه ئې دواوړودى او د لڅاي بل چاته نه پرېږدى ، په قدونو منو بردى او غټې سترگې ئې د هو سيودى ، داجهان ئې تر گلابو او کوکيو لار شه . غاړې ئې لکه دزا هوا وتورى زلفى ئې سنبل دى ، دا چه ښکاري غولۍ غولۍ ور ځي دى

او که څښی او کا کل . خدایه ! دا پری خانه ده که جنت دی اودائی خوری دی . شاعر ولی دومره جفا کوی چه نوري ښکلی ستائی . دادحسن جلوه گاه ده که دسپین غره تما شاده ؟ ای سپین غره ته دو طن پوزه ئی ، له خیره په خو لخله غیر تی او قدر من ئی ، ستالور قامت کله نه دی تسخیر شوی اودسکند رسیدی په سردی سپینی واورې دی او په لمنو کښي زېر گلو نه ، هری خواته دی په زرگونو نعمتونه ور کړیدی ، سره انار او سړې منې دی ددلبړونښی اونیا ئی دی ، جنغوزی ، غوزان ، بادام اونوری سل رازه مېوې لری ، هره تیږه دی سره زر ده .  
د شعر یوه برخه :-

په څه شان اونرا کت کښي قدرت ښکلی دی تصویر ستا  
د حیرت سترگی شوی سپینې چه ئی وکاته وتاته  
د فطرت د شهکار یو نمونه ئی په دنیا کښي  
له اسمانه ملا یکی را کو ز بڼی ستالید و ته  
په جلا او په ښکلا ئې نقش کړیدی تقدیر ستا  
حسن مجوه د سکوت شوستاد مخ ښکلی لیلی ته  
خیال د شعر پرورش کاستاد سیمي په فضا کښي  
ښاپیری- درله رادرومی له ارمه نندار و ته  
څه عجیبه تما شه ده ؟  
بی مثاله ننداره ده ؟

چمنو نه جگ سرونه فواری او شرشری دی  
رنگارنگ ږل ږل گلو نه موج موج نر هتونه  
د بلبلو د طوطیانو د کو تر وا نگازی دی  
له شپیلو د شپونکی نه دا نغمه را ئی غوز و ته  
گڼی گڼی لوړی لوړی بی په هر خوا کښي دېری دی  
دشو دواو د غملود ی جاری پکښي رودونه  
هلې دلې هوری دوری د مرغانو ترانې دی  
او که روح دی پرواز کړی د جنت ښکلو ښگلونه  
واقعې ده که خیال دی ؟  
دامکن دی که مجال دی ؟

دا شعر پدی مشاعره کښي په اوله درجه اشعارو کښي حسابېږی اوښه نازک خونند ور تمثیلی شعرونه ویلی شو که څه هم پدې زمینه کښي ترده دمخه ډېر شعرونه ویل شوی اودسپین غره هر څه ستایل شویدی مگر بیا هم نوی نکات او تعبیرات لری او پدې غره کښي ئې ډېر څه نوی پیدا کړیدی . ترده دمخه چاسپین غره ته نه دی ویلی چه د شعر خیال ستا په سیمه کښي پر ورش کوی یادېو هیکله ښاپیری- لری ، دغسی ډېر نوی تعبیرات پدی شعر کښي شته چه په تېرو اشعارو کښي نشته لکه غولۍ غولۍ ورېځو ته څښی او کا کل ویل یاد حیرت سترگی سپینېدل اوداسی نور ... نو څنگه چه تېر شعرونه هر یوه دخپل رنگ او لحنو خصوصیاتوله کبله ځان له نورو اشعارو بېلا وه دغسی دا شعر هم لحنی امتیازات لری ، او ویلی شو چه په شعر او شاعری- کښي دومره مجال شته چه که په یوه معینه موضوع ډېر شاعران څه ولینکی دهر یوه شعر له بل نه بېل رنگ او آهنگ لری که فرضاً سپین غرڅو تنه رسامان رسم کړی نو دغه زیات فرقو نه چه پدی اشعارو کښي شته دهغوی په رسمونو کښي به نه وی مگر هله چه هر رسام بېله بېله غونډۍ او بېل بېل ناوونه رسم کړی او مناظر ئی یوله بله جداوی .

# آريائي، پارسي، پښتو

مړتيا او ويري

پښتو

شعر څنگه چې د خوښۍ او مستۍ احساس نشي ښوولای، همداسې د انسان روحی تاثیرات او خواشینی خبر کښوی، یعنې لکه د مستۍ اشعار چې پر شویو وېشیم او موسیقي پیدا کوی، خو په اوتار شعرونه له سترگو او ښکې نوږی «نو» که وخته چې انسان خندا دی له همپه وخته دروا سره هم اشنا شوی دی؛ عبدالقادر خان څنگه دامطاب څنگه بڼه ادا کوی:



هر ستر ستر کی د ګل په اوښکونو کې  
په دې باغ کې ټپي ژړاو خندا نشته

په دغو شیانو څخه چې د بشر پورې اړتیا لري، لکه لارو او اسانو له اوله د غم په سترگو ورتنه کښي دی او په دې توګه ټپي غمکین شوی دی. سر ګم دی. مړینه که څه هم یوه فطری پېښه ده چې په هېڅ توګه هېڅ ژوی نښتې خلاصېدای نشي او هر انسان هم په دې پوهېږي مګر بیا ئې هم په شاعرانو ساندې ویلي دي چې زه دلته د دوی د ساندې سره پرتله کوم اودا په

حاجي شادلي - پښتو

وڅېرم چې څو زړه ګاله پخوا په دې خاوره کې شاعرانو مړي ته په پټه سترګه ګاله اوږا وروسته د پارسي او پښتو شاعرانو داغم (چې هر ګله د انسان په پټه سترګه ګاله) د شاعرانو دې ساندو ته په عربي اصطلاح «مړتيا» وايي او د پښتو په ژبه «ورته» وېي.

ویلې چې اوس په مختصر ډول د آريائي، پارسي او پښتو مړتيا او ويري په پرتله کړو. آريائي مړتيا: آريائي ښکې ګانو چې څو زړه ګاله پخوا دلته ژوند کړی، پوله لارښوونکي

شاعران درلوده چې د دوی په اصطلاح ئې «رېشي» ورته ويل. دې رېشي ګانو په ګڼه د خطیبانو او علماؤ وظيفه اجرا کوله او ګله په ئې د سافي او پر مې شاعر په توګه محسوس تود او «دوی به تل خپل اجتماعي قوانين او ملي دودونه او مذهبي جذبات پخپلو سرو دودو کې ضبطول او د ژوندون د هرې چارې دپاره ئې مخصوص سرو دودونه درلودل چې د دې سرو دودونو څخه

دهغه وخت دخوښۍ ، سرور ياغم او حزن افکار او احساس ښه څرگندهږي ، داسر ودونه د «ريگويدا» او «اوستا» په واسطه تر موزه را رسيدلی دی او په دې سرودو کې دمرگ مراسم هم بيان شوی دی ، چه دلته هم ( تر کمه لخواه چه ددې سرود و نو له مضا مينو څخه استنباطېږي ) دمرگ په مقابل کې د اريائي شاعرانو احساس ښکاره کوو ، البته په دې سرودونو کې به موز ته پوره اوښپړي مرثيې دپارسۍ اوښتو په شان پلاس را نشي مگر بيا هم دهغه وخت دشاعرانو روحاني افکار اود تيرو نيکه گانو متاينه به ښه ځينې معلومه شي : دريگويدا او اوستا دسرودونو څخه معلومېږي چه دهغه وخت آريائيانو دمرگ په نسبت مخصوص عقائد او لمانځنه مراسم درلودل او په دې موضوع کې ډير مناجاتونه او ادعبي لري ، مثلاً دريگويد په يوه سرود کې دروح دخوا داسي مناجات راغلی دی چه روح د بدن ترچلا کېدو وروسته وايي :

« اې سومه ! هلته چه خلا هېڅ نه ور کېږي

او هلته چه د خلا آسمان تل لځېږي

هلته چه د بڼې زواله ټاټوبي او ورشو ده

اې سومه ! ما دهميشه دپاره هلته بوزمه »

\*\*\*

« هلته چه « ويو سو ته » پاچا دی

هلته چه د آسمان دننه آخرنی ټاټوبي دی

هلته چه د بقا زلالي او به دی ...

اې سومه ! ما له هلته بقا را کړه !

\*\*\*

« هلته چه هرڅو کک دزړه په خوښه حرکت کوي

د آسمان دملک په دېرشمه مرحله کې ...

هلته چه ټول کورونه د خلا د کک دی

اې سومه ! ما ته په هم هغه لځای کې بقا را کړه !

\*\*\*

« هلته چه ټول غوښتنې او هيلې ترسره کېږي

دلهر په هغه لير و لير وډانگو کې ...

هلته چه د طلب لاره پای ته رسېږي

اې سومه ! هلته ما ته بقا را کړه !

\*\*\*

« هلته چه سرور ، خوښی ، نشاط او مستی ده

هلته چه د هرغوښتنو نځي خواست منل کېږي ..

اې سومه ! ما ته هم هلته بقا را کړه !

ددې مناجات څخه څرگند بڼې چې آريائيانو تر مرگ وروسته تريو بل ژوند هم عقیده درلوده ، دانه يوازي دهمدې سرود څخه څرگند بڼې بلکې په کثرو سرو دو نو کې د مفهوم راغلي دي چې انسان وروسته ترهغه چې ددنيايي ژوند گالي له تنه ليرې کېږي اومر شي نو هغه وخت ده ته يو بل ژوند منتظر دی ، په يوه سرود کې وايي

« هغه وخت چې دی (مړی) هغه منتظر ژوند ومومي —

نودارباب الانواع درصاموجبات به را غونډه کېږي ! »

دسر و دله يوه بله بنده څخه داسې معلومېږي چې د دعا په وخت کې يې کچه هم مړه ته ښه والي او خير غوښت ، مگر بيا يې هم دی تر مرگ وروسته مقدرا توتنه پرېښودلکه چې ورته وايي :

«ولاد شه ! هرڅه چه ستا په برخه وي هغه ومو مه -

که ستا په برخه دا وي چه پر اوبو ولاړ شي ، پرابوجه ،

او که ستا په قسمت دا وي چه په وښو کې اوسي ، نو

دوښو په منځ کې خپل دهستو گي ځای ومو مه ! »

دوی دا عقیده درلوده چې ښه انسان تر مرگ وروسته دمتقيا نو او سپېڅلو انسانو قاتو بې او مخکې ته ځي ، لځکه يې داسې دعا کوله :

«دی دمتقيا نو مخکې اوقاټو بې ته بو زه !»

ددوی په دعا وکښې تل دا مفهوم و ، چې دمرو د باز ماند گا نو ډير ښت به يې غوښت ،

مثلاً ويل به يې :

«هغه وخت چې دمرگ کالي وا غونډي ، دده اولاد

او باز مانده گان ډير کړه !»

علاوه پر دې آريائي شاعرانو پخپلو مراثيو کې اکثراً دمرو کارنا مې ، پهلوانۍ جنگونه او غشي وېشل ذکر کول . داسې به يې ويل :

«نور به نود الاس غشي ونه ولي !»

حتي دوی دمرو دا رواحا نو څخه دژوند په مشکلا تو يا دجنگ په ميدانو کې مرستي غوښتلې او يقين يې درلود چې دمرو په مرسته فتح او بری گټلای شي . مثلاً دخپلو مرو او تېرو پلر و مېړانه به يې داسې يا داوه :

«زمونږ پلر ونه په ډير محبت يوله بله سره راغونډه بڼې او غښتلو لي ر او يشي ، خپل ځا نو نه په مېلکه کې اچوی . . . .

دوی ډير طافت لري ، ددوی سره ملېدونکي نېزې دي او کلک تېره غشي . . . .

حقیقی پهلوانان حکومت کوی ، پر نژدې اولیری... ، ټولی لشکر ی مغلوبی کوی- (۱)  
به همدې ډول آریا ئې مرثیې په سرو دو نو کی په مختلف ډول پارچې پارچې ذکر شوی  
دی چه په عمو می طور د آریائیانو د مرگ مراسم ځینی ښکارېږي ، مگر کوم سرود  
چه په مستقل ډول دمډه دمه دی دود په شا وخوا کی راغلی دی ، هغه دیوې آریائی شا عری  
چه «یامی» نومېږي یوسرود دی، چه داشاعر «دیا ما» خورده «او یا ما» د مړ و پا چا یا  
رب النوع باله کېده.

په دې سرود کښی نوی ژوند یعنی پس له مرگه ژوند ته خطاب دي ، او دښځېدو دمر اسمو  
په وخت کښی به ویل کېده ، چا دلته ئې د آریائی دیوې مرثیې دنمونې په توگه راترجمه کوو:  
«د چا اوچا دپاره «سوما» صافېږي- څوک د قربانی تقدیمولو لځای ته نژدې ناست دی-  
زه دعا کوم چه دده (مړی) روح وهغه کسانو ته ولاړشی چه د هغو دپاره غسل جاری کېږي .»



«دعا کوم چه مذهبی تودوالی او جذبه دی هغه کسانو ته وروزی چه دې جذبه او تودوالی  
دوی آسمانو ته بیولی دی- هغه چه ته ئې بوزی چه په ژوندون کښی ئې مذهبی جوش څرگند  
کړی دی .»



«دعا کوم چه هغه کسانو ته ورشی چه دجنگ میدان ته دپهلوانانو په نامه تللی دی او په  
زده ورتوب ئې لځانونه قربانی کړی دی، یا هغو کسانو ته چه زرچنده پاداش ورکوی .»



«هو ؛ د پاک او مقدس آئین لمړیو پیروانو ته دی ورشی چه دا آئین ئې تقویه کاوه-  
ونیکه گانوته ، یا- هغه څوک چه مذهبی تاوده جذبه او جوش ئې درلود .»



«هغه کسانو ته دی ورسی چه په زړو ذریعو او طرزو کښی ئې پوره لاس درلود، هغو ښو  
خلکو ته چه دلمر ساتندویه وه- هغه ریشا گانوته چه مذهبی توده جذبه او جوش ئې درلود-  
دعا کوم چه هغو ته ورسی !» (۲)



تردې لځایه پوری د آریائی مرثیو څه نه څه نمونی راوړه شوی چه د هغو څخه څو شیان  
ښکاره شوه ! یو داچه آریائی مرثیې طبیعی رنگ لری او تشبیه او مجاز او کنایات نلری

(۱) د خاوری ایرانیا نو تمدن- د گایگر تالیف ۱۸۶ مخ (۲) پښتني مېرمنی ۱۸۲ مخ

او بل داچه آريائي شاعران پر مړې دومره نه ژاړې يعنې مرگ ته په ډېره بدم سترگه نه گوري بلكه تر مرگ وروسته يوه بل ژوند ته قائل دي چه تر دنيايي ژوند دوى په خو شحال دي . دريم داچه سره له دې چه په آريائي مراثيو كې يوه روحاني دنيا تصوير شوې ده بيا هم د مړو د كار نامو او غښتلوالى يادونه راغلى ده او خپله فتح لادهغو د قوت په اثر يو لى .

څلرم داچه آريائي مړتيا په يوه سړى او يوه مړى پورې مخصوص نه دي ، بلكه په عمومى صورت د مړو ستاينى پكښې راغلى دي .



پارسي مړتيا : شعري صنايع او پارسي مړتيا تر اسلام وروسته شروع كېږي او د آريائي

مړتيا سره دا فرق لري چه په پارسي مړتيا كې تشبېهات هم ډېرشوي دي او مړتيا په اشخاصو پورې هم تخصيص موندلى دي چه په عمومى توگه ئې پر لاندې ډولو وېشلاى شو :

۱ : مذهبي مړتيا .

۲ : د پاچاهانو مړتيا .

۳ : د خپلوانو او اقرباؤ مړتيا .

۴ : د ملگرو مړتيا يا عمومى مړتيا .

چه دادرې سره ډوله مړتيا لکه شبلى نعمانى چه وايي بايد د امزايا او ښېگڼې و لري : لمرى داچه د ممدوح ټولې ښېگڼې ، مجد او جلال ښکاره کړشى چه په يونکي دده له رحلته يو عبرت او تأثير پيداشي او بل داچه کرم غم او حزن چه دده له تلو دخلکواو بازماند گانو په زړو کي پيداشوى او يا خلک په ده پسى خواشينى او ويرجن دي دېته ښه شرح ور کړه شى ؛ دريم داچه که په مړتيا كې مړى ته خطاب وشي په دې خطاب كې بايد داسې احساسات او خاطرات څرگند كړه شى چه د هغو څخه داسې واټكلول شى چه مړتيا ويونكي د مړه له غمه داسې مېهو ت او بى خوده دي چه گويا دده مرگ ئې بېخي هېر كړى او دده سره داسې خبرې كوي لكه دده په ژوند كې چه ئې ور سره كولې (۱)

لځكه نو د پورتنيو اساسو له رويه مونږ د درې گو نو مړتيا په تفصيل او مثال راوړلو گوتى پورې کوو :

۱ : مذهبي مړتيا : په پارسي كې مذهبي مړتيا اكثراً د امام حسين رض د مصائبو ذكر

تشكيلوى چه د مستر برون په قول څلويښت قسمو ته رسېږي او د كابل د دوقائعو بيان دى چه په بل



عبارت ټپي «روضة خوانی» هم بولي، او وايي چه دا لځکه روضه خوانی بولي چه په دې موضوع کې ډېر پخوانی کتاب «روضه الشهداء» نومېده چه د حسين واعظ کاشفی تأليف و، چه پخوانی يوازی د همدې کتاب ويل روضه خوانی بلله او بيا وروسته دهغو ټولو کتابو وینه چه پردې طرز ويلي شوي وه روضه خوانی وبلل شوه چه د مجرمي په مياشت به دا ډول مجلسونه د بهايانو، اعيانو او نجباو، يا دولتي مامورينو له خوا تيارېدل او خو ټنه روضه خوانان به رابلل کېدل او ددې واقعي مرثيې به ټپي ويلې (۱) ځينو اروپايانو پردې ډول روضه خوانی تراژيدی تياتر نوم ايښی دی، مثلاً سرلویس پلي وايي چه که د تياتر د ليکونکي د هنر مندی مقیاس ته په کوم تأثیر سره قائل شوچه په ويونکي او اروپدونکي کې ټپي کوی نود مجرمي تر تعزیه دارۍ هېڅ تر اژيدی مؤثر نه ده. «ماتيوار نواله» هم خپل دتجربې اوانتقاد په کتاب کې ددې مذهبي تياتر شرح ليکلي ده «ماکولي» هم ددې نمايشوډېره ستاينه کړې ده «گيبون» چه يو بی اعتقاده متقدس پردي هم وايي: «ځيني دانما نشونه دخلکو په ډېر وسختو او کلکوزدو کې هم تأثیر کوی» (۲) ددې تعزیه دارۍ پخوانی رېښه دابو مخنف لوط بن يحيی په قولو کې چه ددو همی هجري پېړۍ په اول نيمی (۷۵۰ ميلادی) کې اوسېدی ليدله کېږی.

په هرصورت څنگه چه په پاړسي مذهبي مرثيو کې دا برخه قوی ده نودلته دنمو ټپي په توگه د «محتشم» کبایشي ديوي له جوش او تاثيره د کی مرثيې څخه چه په دې موضوع کې ټپي ويلي ده خو بيه را نقل کوو:

### د حضرت امام حسين په شهادت د محتشم مرثيه

باز این چه شورش است که در خلق عالمست	باز این چه نوحه و چه عزا و چه ماتمست
باز این چه رستخیز عظیم است کز مین	بی نفخ صور خاسته تا عرش اعظمست
گو یا طلوع میکند از مغرب آفتاب	کا شوب در تمامی ذرات عالمست
گر خواهمش قیامت دنیا بعید نیست	این رستخیز عام که نامش محرمست
در بارگاه قدس که جای ملال نیست	سرای قدسیان همه بزا نوی غمست
جن و ملک بر آدمیان نوحه میکنند	گویا عزای اشرف اولاد آدمست

خورشید آسمان وز مین نور مشرقین  
پرو رده کنار رسول خدا حسین

(۱) تاریخ ادبیات ایران - ۴ ج د برون اثر درشید یاسمی ترجمه ۱۳۹ مخ

(۲) تاریخ ادبیات ایران - د برون اثر ۴ ج ۱۴۰ مخ

کاش آنزمان سرادق گردون نگون شدى  
کاش آنزمان که پیکر اوشد بریر خاک  
کاش آنزمان که کشتی آل نبی شکست  
این انتقام اگر نفقا دی بر وز حشر  
وین خیمه بلند ستون بی ستون شدى  
جان جهانیان همه از تن بر و ن شدى  
عالم تمام غرقه در یای خون شدى  
با این عمل معا مله د هر چون شدى

آل نبی چو دست تظلم بر آورند  
ارکان عرش را بتر لول در آورند (۱)

برخوان غم چو عالیمان را صدا زدند  
نوبت با و لیا چو رسید آسمان طپید  
بس آتشی را خگر الماس ریزها  
وانگه سرادقی که فلک مجر مش نبود  
زان ضربتی که بر سر شیر خدازدند  
افروختند بر حسن مجتبی زدند  
کنند ندازدینه ویر کر بلا زدند  
بر خلق تشنه خلف مر تفضی زدند  
فریاد بر در حرم کبریا زدند  
اهل حرم دریده گریبان کشا ده موی

روح الامین نهاده برا نو سر حجاب  
تاریک شد ز دیدن او چشم آفتاب

دامرثیه همداشان به دبر سوز تر پایه رسیدی، محکمه چه دیره او زده ده نوداته فقط یوبند لابل  
را نقلو او د نورو د صفحو دمحدودیت به سبب صرف نظر کوو؛ دابندهغه وخت تصویر وی چه  
دزهره رض دلورستر گئی د ا م حسین رض پر جسد لگی نوورته وایی؛  
پس بازبان پر کله آن بضعته البتول  
رو در مدینه کرد که یا ایها لر سول

این کشته فتاده بها مون حسین تست  
این نخل تر کز آتش جا نسو ز تشنگی  
این ماهی فتاده بدریای خون که هست  
این غرقه محیط شهادت که روی دشت  
این خشک لب فتاده ممنوع از فرات  
این شاه کم سپاه که با خیل اشک وآه  
این قالب طیان که چنین مانده بر زمین  
این صید دست و پا زده در خون حسین تست  
دود از زمین رساننده بگردون حسین تست  
زخم از ستاره بر تشش افزون حسین تست  
از موج خون اوشده گلگون حسین تست  
کز خون او زمین شده جیسون حسین تست  
خرگاه ازین جهان زده برون حسین تست  
شاه شهید ناشده مد فون حسین تست

پس روی در بقیع برهرا خطاب کرد  
وحش زمین و مرغ هوارا کباب کرد (۲)

(۱) دابندری بیته کم دی. آتشکده آذر ۲۰۰۴ مخ

(۲) آتشکده آذر - ۲۰۰۵ مخ - . . . . .

## د مطبوعاتو مستقل رياست



رئيس : ج. صلاح الدين خان  
معاون (د لمرې معین په حيث) : ع. ص. سيد قاسم خان «رشتيا»  
مشاور : «محمد سرور خان» گویا

### د نشریاتو عمومي مدیریت :

عمومي مدير : «محمد قاسم خان» واحد  
د لمرې-ځانگې مدير : «ع. ص. سيد قاسم خان» واحد  
د دوهمې : «عبدالباقی خان» لطیفی  
د درېمې : د مدير کفيل : «محمد تېي خان» کهزاد  
د آژانس : «محمد محسن خان» فیروز  
د راډيو د نشراتو مدير : «غلام جيلاني خان» آریزوی

### د راډيو د تخنیکي عمومي مدیریت :

ج. صلاح الدين خان د مطبوعاتو مستقل رئيس  
S. Ex Salahoddin Khan chef  
du département de la presse

عمومي مدير : ع. عطاء الله خان  
د راډيو د ادارې مدير کفيل : ص. محمد علم خان

### د پښتو ټولنې عمومي مدیریت :

د عمومي مدير کفيل : ع. ص. عبدالحی خان «حبیبی» (د ادبیاتو د ټولنې رئيس)  
معاون : ص. عبدالرؤف خان «پښوا»  
د قواعدو مدير : «صديق الله خان» رشتیې  
د تالیف و ترجمې مدير او د پښتو ټولنې عمومي مبصر : «گل پاچا خان» الفت  
د صحافت د څانگې مدير : «یار محمد خان» نظامی  
د لغاتو د څانگې : «محمد گل خان» نوری  
د کورسو د مدير کفيل : «عبدالقنی خان»  
د دائرة المعارف د ترجمې د څانگې مدير : «قیام الدين خان» خادم

همداشان د شیخ سعدی هغه مرثیه چه د «المستعصم» پر مرگ ئې ویلې ده د مذهبی مرثیو یوه ښه نمونه کیدلای شی چه خو بېته ئې دادی :

### د مستعصم په مرگ د سعدی مرثیه

آسمانرا حق بود گر خون بیارد بر زمین  
ای محمد گر قیامت می بر آری سر ز خاک  
نا ز نشان حرم را موج خون بند ریغ  
دیده بردار ای که دیدی شوکت بیت الحرام  
خون فر زندان عم مصطفی شد ریخته  
بعد ازین آسایش از دنیا نباید چشم داشت  
دجله خونا بست ازین پس گر نهد سردر نشیب  
روی دریا درهم آمد زین حدیث دردناک  
نوحه لائق نیست بر خون شهیدان بهر آنکه  
باش تا فردا که با شد روز داد و رستخیز  
تکیه بردنیا شاید کرد و دل بروی نهاد

بر زوال ملک مستعصم امیر المؤمنین  
سر برآور وین قیامت در میان خلق بین  
ز آستان بگذشت و مارا خون چشم از آستین  
قیصران روم سر بر خاک و خا فنان چین  
هم بدان خاکی که سلطان نهادندی جبین  
فیر در انگشتی ماند چو بر خیزد نگین  
خاک نخلستان بطحا را کنند با خون عجبین  
میتوان دانست بر رویش ز موج افتاده چین  
کمترین دولت مر ایشانرا بود خلد برین  
وز لحد با زخمها آلوده بر خیزد د فین  
کاسمان گاهی بمهر است ای برادر که بکین

چرخ گردون و زمین گوئی دو سنگ آسپاست

در میان هر دو روز و شب دل مردم طنین (۱)

یانوری داسی مرثیې چه په اکثر داسی مرثیو کې د ممدوح روحاني مرتبه ښودل شوې ده او هم په عين حال کې د دنيا د بې ثباتۍ او بې وفاۍ څخه خبرې شوي دي .  
فا آنی هم وایی :

بار دچه ؟ خون ! که ؟ دیده ، چسان ؟ روز و شب ، چرا ؟

از غم ، کد ام غم ؟ غم سلطان کمر بلا ؟

۲ : د پيا چهانو مرثیې : په پارسي مرثيو کې څه هم د پيا چهانو روحاني مقام ته څه ښکاره اشاره نه ده شوي مگر د دوی د بده او جلال په شرح شوي دي او شاعرانوله خورا مؤثر او احساساتو څخه کار اخستی دی .  
داشان مرثيې په پارسي کې خورا ډېرې دي ، لکه چه پخوا په هر دربار کې شاعر موجود وه چه هم په ژوند کې د شاهانو مدح وکړي ، هم به بزم کې د پيا چهانو مجلس تودکړي او هم په مرگ بيا د دوی مرثيې ووايي ، مگر کومې مرثيې چه زما په عقیده ډېرې

(۱) کلیات سعدی .

مؤثري دى اول په اول د فردوسى د شهنامى هغه بيتونه دي چه دخپلو داستانو دهر پهلوان ترمرگ وروسته ئې وايي ، كڅه هم دا بيتونه دمرثيې په قصد بڼه وي ويلي شوى او لكه چه د فردوسى عادت دى دواقعې نكاري له رويه به وي ، خويياهم ويونكي ترهرى مرثيې ښه تر تاثير لاندې راولي ، د ويونكي ستر گوته دخپل پهلوان دمرگ غم بشپړ مجسم كوي اوسرى داسى خيال كوي چه واقعې په ستر گووښى ، مثلاً دمثال په توگه كوم وخت چه د«سهراب» دمرگ خبر دهغه مورتې رارسېږي ، فردوسى په څه كمال اوقوت او تاثير سره دسهراب دموردخوا داخبر تلمقى كوي چه وايي :

### دسهراب په مرگ د فردوسى مرثيه

خرو شيد و جو شيد و جامه در يد	به زارى بر آن كودك نو رسيد
بر آورد بانگ و غر يو و خروش	زمان تازمان زو هميرفت هوش
فرو برد ناخن د و ديده بكنسند	بر آورد بالا در آتش فگند
مرآن زلف چون تاب دا ده كنسند	بانگشت پيچيده از بن بكنسند
بسر بر فگند آتش و بر فر وخت	همه موى مشكين با تش بسوخت
همى گفت كاي جان ما در كنون	كجائى سر شته بخاك و بخون
د و چشم بړه بو د گفتم مسگر	ز سهراب و رستم بيا هم خير
چه دانستم اى پور كاييد خير	كه رستم بخنجر دريدت جگر
د ريغش نيا مد از آن روى تو	از آن برزو بالا و باز وى تو
بسر ورده بو دم تنش رابناز	بر خشنده روز و شبان دراز
كنون آن بخون اندرون غرقه گشت	كفن بر تن پاكي او خرقه گشت
كنون من كرا گيرم اندر كنار	كه خواهد بدن مرا غمگسار
پدر جستى اى گرد لشكر پناه	بجاي پدر گورت آمد براه
چرا نا مدم با تو اندر سفر	كه گشتى بگر دان گيتى سمر
مرا رستم از دور بشناختى	ترا بامناى پور بنواختى
پينداختى تيغ آن سرفراز	نكردى جگر گاهت اى پور باز
هميگفت و ميخست و مى كند موى	هميزد كف دست بر خوب روى
ز خون او هميكر د اعل آب را	به پيش آوريد اسپ سهراب را
سراسر او را بېر د رگفت	بمانده جها نى براودر شگفت
گهي بوسه زد بر سرش گه بروى	ز خون زير سمش همى راند جوى

بیا وړ د آن جامه شاهوار  
بیا وړ د خفتان ودرغ وکمان  
بسر بسره همیز د گران گرز را  
بیا وړ د زین و لگام و سپر  
گر فتنش چو فرزند اندر کنا ر  
همان نیزه و تیغ و گرز گران  
همی یاد کرد آن برو بر ز را  
لگام و سپر را همیز د بسر (۱)

په پورته بیتو کی علاوه پردې چه د ماتم او ویر روح او الفاظ سره یوځای شوی واقعہ د حقیقت په جامه کی بیان شوې ده ، یوه مور باید همداسی بلغا کی ووهی او همداسی د خپل مړه زوی د آس مخ او تندی اونور بدن مچ کړی او دده په کالو او وسله مینه ماته کړی .  
پدې موضوع کی چه کومه بله مرثیه دپارسی تذکره لیکو نکو په منځ کی ډېر شهرت لری ، او حقیقتاً هم دستا یلو ورده دفرخی هغه مرثیه ده چه دسلطان محمود په مرگ کې په غزنی کی ویلی کیده ، چه دلته ئی دمنونې په توگه خو بېته را انتخابوو .

### دسلطان محمود په مرگ دفرخی مرثیه

شهر غزنین نه هماغه ناست که من دیدم پار  
خانه ها بینم پر نوحه و پر بانگ و خروش  
کوی ها بینم پر شورش و سر تاسر کوی  
رسته ها بینم پر مردم و درهای دکان  
کا خپا بینم پر دا خسته از محشمان  
مبتران بینم بروی زنان همچو زنان  
حاجیان بینم خسته دل و پوشیده سیا  
بانوان بینم بیرون شده از خانه به کوی  
خواجگان بینم بر داشته از پیش دوات  
مضطربان بینم گریان وده انگشت گزان  
لشکری بینم سر گشته و سرا سیمه شده  
این همان لشکر یابند که من دیدم دی  
مگر امسال ملک با ز نیا مد ز غزا  
مگر امسال زهر خانه عزیزی گم شد  
نو نگوئی چه فتاده است بگو گر بتوان  
این چه شغل است و چه آشوب و چه بانگست و خروش

چه فتاداست که امسال دگرگون شده کار  
نوحه و بانگ و خروشی که کند روح فگار  
همه پر جوش و همه جو شش از خیل سوار  
همه بر بسته و بر در زده هر یکک مسمار  
همه یکک سررز بس برده به شارستان بار  
چشم ها کرده زخونا به برنگ گل نثار  
کله افگنده یکی از سرو دیگر دستار  
بردر میدان گریان و خروشان هموار  
دست ها بر سرو سرها زده اندر دیوار  
رودها بر سرو بر روی زده شیفته و ار  
چشمه ها بر نم و از حسرت و غم گشته نوار  
وین همان شهرو زمین است که من دیدم پار  
دشمنی روی نهاد است برین شهر و دیار  
تا شد از حسرت و غم روز همه چون شب تار  
من نه بیگانه ام این حال ز من باز مدار  
این چه کار است و چه بار است چه چندین گفتار

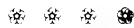
(۱) شهنشاه

کا شکی چشم بد اندر نر سیدی بامیر  
 رفت ومارا همه بیچاره و در مانده بماند  
 آه ودر داو در یغا که چو محمود ملک  
 آه ودر دا که بی او هر کس نتواند دید  
 آه و در دا که بیکت بار تهی بینم از و  
 آه ودر دا که کنون قمرمتیان شاد شوند  
 وای ودر دا که کنون قیصر رومی برهد  
 میر ما خفته بجا ک اندر و ما از بر خاک  
 فال بد چون زنم این حال جز این است مگر؟  
 میر می خورده مگردی و بخفته است امروز  
 دهل و کوس همانا که همی زان نزنند  
 تردی بخایه پوری دوا قعی تصویر و ، چه دیا چا دمر گت پر تم او غم فرخی په جند ابو  
 الفا ظو کنې څر گند کړ اوداد مرثيې يومهم شرط، و اوس نو فرخی غواړی . چه دمر شي هغه بل  
 شرط چه ومړه ته خطاب دی پر لځای کړی ، و گوری، په څه الفا ظو عار فانه تجاهل کوی  
 او سلطان محمود ته خطاب کوی :

ای امیر همه میران و شهنشاه جهان  
 خیز شاه که جهان پر شغب و شور شده است  
 خیز شاه که رسولان شهان آمده اند  
 خیز شاه که امیران به سلام آمده اند  
 خیز شاه که به فیروزی گل باز شده است  
 خیز شاه که بچو گانی گرد آمده اند  
 خیز شاه که چو هر سال بعرض آمده اند  
 خیز شاه که همه دوخته و ساخته گشت  
 خیز شاه که بدیدار تو فرزند عزیز  
 که تواند که برا نگیزدین خواب ترا  
 خفتن بسیار اینخسر و خوی تو نبود  
 خیز و از حجره برون آی که خفتی بسیار  
 شور بنشان و شب و روز به شادی بگزار  
 هدیه هادارند آورده فراوان و نثار  
 بار شانده که رسیده است همانا که بار  
 بر گل نوقد حی چند می لعل گسار  
 آنکه با ایشان چو گان زده چندین بار  
 از پس کاخ توو باغ تو پیلای دوهزار  
 خلعت لشکرو کر دند بیک جا انبار  
 به شتاب آمد بنمای مراو را دیدار  
 خفتی آن خفتن کر باننگ نگردی بیدار  
 هیچکس خفته ندیده است ترازین کردار

خوی تو تا ختن و شغل سفر بود مدام  
در سفر بودی تابو دی و در کار سفر  
سفری داری امسال در ازا ندر پیش  
یککه دمک باری در خانه بیا یست نشست  
رفتن، تو بخزان بودی هر سال شها  
گر برا در غم تو خورد شها نیست عجب  
مرغ و ماهی چوزان بر تو همی نوحه کنند  
روزو شب بر سر تابوت تواز حسرت تو  
شعرا را بتو باز ابرو خسته بود  
زنده بادا به ولیعهد تو نام تو مدام  
دل پشمان به ولیعهد تو خر سند کناد  
اندر آن گیتی این ددل تو شاد کناد

بنیا سودی هر چند که بودی بیمار  
تن چون کوه تواز رنج سفر گشته نزار  
که مر آنرا نه کرانست پدید و نه کنار  
تا بدیدندی روی تو عزیزان و تبار  
چه شتاب آمد کامسال برفتی به بهار  
دشمنت بیغم تو نیست به لیل و به بهار  
همه باماشده اندر غم و اندوه تو یار  
کاخ پیروزی چون ابرهمی گرید زار  
رفتی و باتو بیکبار برفت آن بازار  
ای شه نیکدل نیک خوی نیکو کار  
این برادر که ز داندردل از درد تو نار  
به بهشت و به ثواب و به فراوان کردار (۱)



داراز مرثیې په پارسی کې د بری دی ، خصوصا تر غز نوی دورې را هیسته ؛ لکه چه  
دهمدي دورې رادې خواته شاعرانو یا په بل عبارت مداحانو د شاهانو په دربارو کې ښه مقام  
موندلی دی ، اولکه دمخه چه مووویل په ژوند به ئې د شاهانو مداحی کوله او په مرگ به ئې  
دهغو مرثیې ویلې ، چه همدایوه نمونه ئې پورته راوړه شوله .

۳ : د خپلوانو مرثیې : زما په عقیده د خپلوانو په مرثیه ویلو کی شاعران حق لری ،  
اوله همدې جته داراز مرثیې طبیعی او غیر مصنوعی اوله تاثیر د کی بلالی شو ، لکه چه که  
خو که شاعر غو ندی حساس هم نه وی خو بیا هم دخپل زوی ، مور ، لور ، پلار ، ورور او نورو اقرباو  
په مرگ متحس او متاثر کېژی او که شاعروی خوا حساسات ئې اشتعال ته نژدې کېژی له دې  
کبله نو په دې موضوع کی د شاعر آواز سولخوو نکی او جذاب وی او هر څه چه وایی  
د زړه ئې وائی ، داسی نه چه د بل چاد خوشی دپاره ئې وایی بلکه دخپل تاثیر د ښکاره  
کولو په مقصد وپیژی که دده همت او شخصیت هر څو لوړوی په دې وخت کی را کښته کېژی د یوه  
وړو کی په څېر ژاړی ، فریاد کوی ، مثلاً د حضرت پیدل لوړو معنوی شخصیت هم د خپل کوچنی  
طفل په مرگ متأثر شوی او وایی :



## دلور په مرگ د بیدل مرثیه

همپات چه برق پر فشان ر فت      کاشوب قیا مټم بجان ر فت  
 گرتایې بودو وگر توان ر فت      طفلم زین کهنه خاکدان ر فت  
 بازی بازی با سمان ر فت  
 این عبرت تازه کم کسی دید      دید نه چست بلکه نشنید  
 برقی به خیال چشم مالید      مژگان لغزید و اشک غلطید  
 تاجست ز عالم نشان ر فت  
 آهوی غریبی از نظر جست      کز هر بن موی من شر ر جست  
 چون رنگ ز چهره بیخبر جست      این آهی بود کز جگر جست ؟  
 یا تیری بود کز کمان ر فت ؟  
 زین فتنه در انجمن جنون شد      هر نغمه بنوحه ر هنمون شد  
 مینا از گریه سرنگون شد      ساغر بد رید جیب خون شد  
 چینی نالید و موان کنان ر فت  
 عمری بهوس د چار بودم      می نازده در خمار بودم  
 زندانی انتظار بودم      زانجلوه که بقرار بودم  
 تا آمد در نظر همان ر فت  
 از فرصت دور ناتمالمش      نی گردشی آفرید جالمش  
 نی راه سحر گرفت شالمش      زین بیش چگویم از خرامش  
 حرف دل بود بر زبان ر فت  
 تاشوخی او ترانه داشت      برقی نفسم زبانه داشت  
 ویرانه خیال خانه داشت      سرگرمی دل بهانه داشت  
 آتش افسرد چون دخان ر فت  
 میدیدم گل نگاه گم شد      میگردم سیر راه گم شد  
 شب ماند فروغ ماه گم شد      در دیده که بود آه گم شد  
 در سینه چه داشتم که آن ر فت  
 فریاد کنم زبان لالم      پرواز کجاست سوخت بالم  
 بر عالم جزو سخت تیره حالم      در خاک فروم بنالم  
 جای دگر نمی توان ر فت

آه از شکری که گاه گفتار  
میر یخت از ان لب شکر بار  
اکنون همه تلخ شد بیکبار  
بلبل تو همین خروش بردار  
کر باغ بهار طوطیان رفت

داغم که بگشت گلشن ناز  
لعلش به چه خنده بوه گلزار  
امر و زریاس نوچه پرداز  
نبیل کف سوده دارد آواز  
کان عالم سیر زعفران رفت

هر که دو قدم خرام میکاشت  
از انگشتم عصا بکف داشت  
یارب علم چه وحشت افراشت  
دست از دستم چگو نه بر داشت  
بی من راه عدم چنان رفت

شوخیها داشت در بر من  
میرد قدمی بر ابر من  
ای الفت خاک بر سر من  
من ماندم و ناز پرور من  
تنها بجهان جاودان رفت

بر دند طراوت بقایم  
دادند غبار بر هوا ایم  
مکتوب سحر کجا کشایم  
جز آه سحر دگر چه وانمایم  
اندیشه شبنم از میان رفت

فریاد ساز دهر فریاد  
کر کلفت این غبار بنیاد  
هر کس مژه بست باز نکشاد  
دیوار اینجاد میکشافت  
در دشت سراغ خانمان رفت

زین باغ که جوش گل پیر داشت  
گر غنچه میدرد در سر داشت  
ور صبح غبار در نظر داشت  
دلدار تبسمی دگر داشت  
ای زخم بخند آن دهان رفت

نیرنگ تو چه آرزو بود  
نی بوی تا مل آشنا بود  
تا راه برم که از کجا بود  
این قاصد عالم و فابود  
زان پیش که آید از جهان رفت

زان لیلی نازنین شما تل  
بیدل بفسون یاس مکسل  
بشتاب که دور نیست محمل  
شاید نگذشته باشد از دل  
کر پیش نظر همین زمان رفت

و گوری پهبورته مرثیه کی حضرت بیدل دومره متأثر شوی دی چه دخیلی ادبی دنیا  
دتخیلاتو خخه هم بی خبره دی او خپل هغه نازک نازک تشبیهات اوبلند پروازی- تخمینی پاته

دی او دده دا شعر ډیر طبیعي ، ساده او وړونکی خیال کوی چه د ننی ور لخی له سوزه ډک اشعار دی او هیچیر ی دا خیال نه کوی چه گوندی دا د بیدل پخوانی شعر وی دا هم دبیدل د تاثیر نتیجه ده چه دده شعر طبیعی شوی دی - همدانشان د امیر خسرو د هلو ی مرثیه چه دوه غمه په یوه پلا ورپېښ شوی دی له سوزه ډکه ده . لیکه چه دمور او ورور دواړو داسی غم دی چه گالل ئې ډیر سخت دی ، نو گوری دی په څه الفاظو دادر د خړ کند وی :

### دمور او ورور په مرگ دامیر خسرو مرثیه

امسال دونور ز اخترم ر ف ت	هم مادر ، وهم برا درم ر ف ت
يکک هفته ز بخت خفته من	گم شد د و مۀ د و هفته من
بخت از دو شکنجه داد پیچم	چرخ از دو طیانچه کرد همچم
ماتم دو شد و غم د و افتاد	فریاد که ماتم دو افتاد
حیف است دوداغ چون منی را	يکک شعله بس است خر منی را
يکک سینه دوبار بر نگیرد	يکک سردو خمار بر نگیرد
چون مادر من بزیر خاکست	گر خاک بستر کنم چه با کست
ای مادر من ! کجائی آخر	روی از چه نمی نمائی آخر
خندان ز دل ز مین برون آی	بر گریه زار من بیخشی ؟
هر جا که زری پای تو غبار یست	مارا ز بهشت یاد گار یست
ذات تو که حفظ جان من بود	بشت من و پشتیبان من بود
روزی که لب تو در سخن بود	پند تو صلاح کار من بود

امروز منم بمهر پیو ند

خاموشی تودهد همی پند (۱)

همداشان دمیرمن عایشه افغان دسوزه ډک بیتونه چه د خپل لخوانمرگ زوی په مرثیه کی ئې ویلی دی د ذکر وړدی ، او څنگه چه دینځی احساسات تر نارینه سونځونکی دی نو شعر ئې هم تر نر له سوزه ډک دی ، تاسی وگورئ په څه تأثروایی :

### دزوی پمرگ دعایشه افغان مرثیه

تور ضائی که بی پسر باشم	زخم نا صور بر جگر باشم
از فراق یگانه « فیض طلب »	سینه مجروح دیده تر باشم

(۱) زما دفاضل ملگری ښاغلی صالح خان یادداشت

تا بسکي از جفای چرخ کبود  
 حی قیوم قادر را تا چند  
 همچو فرها دازید حسرت  
 بهر گلزار حسن آن محبوب  
 غرقه در بحر هجر و محنت و غم  
 قید در دام شور و شر با شم

«عایشه» تايکي بدین منوال

بی پسر زارو در بدر با شم

بل لهای وایی :

شهباز فرشته خوی مادر  
 رفتی ز برم به آه و افسوس  
 ای صاحب ننگ و نام و غیرت  
 ای سرو ریاض کامرانی  
 در خانه و در سفر بهر حال  
 بودی تو بجستجوی مادر

کر گشته مگر که گوش گردون

زین ماتم وهای وهوی مادر (۱)

۴ : دملگرو مرثیه او عمومی مرثیه : په پارسۍ کی په عمومی تو که مرثیې بیخي

دېری دی چه د دنیا بې وفا ئې ثبته کړې ده اود مرگ د ماتم سو گواری پکښې بیان شوی دی ، چه د ټولو دمنځه څخه زه د فردوسی دا درې بیته را انتخابوم چه وایی :

زمین ، ار کشاده کند راز خویش  
 کنارش پر از تا جداران بود  
 پر از مرد دانا ! بود دامنش  
 پر از ماهر خ جیب و پیراهنش

په دې شان دېر اشعار په هر ژبه کی سته ، چه د ټولو راوړل لمانځنه مقاله او رساله غواړی ؛ او هر چه دملگرو مرثیې هم په پارسۍ کی سته چه زه دلته دنونې په ډول « درود کی » د وې مرثیې چه یوه ئې د « شهید » شاعر او بله ئې د « مرادی » شاعر پمړگ ویلې ده راوړم :

د شهید په مرگ درود کی مرثیه

کاروان شهید رفت از پیش  
 از شمار دو چشم یکک تن کم  
 و آن ما رفته گیرومی اندیش  
 وز شمار خرد هزاران بیش

(۱) د پښتني ميرمنی څخه اخيستنه ۱۱۰ مخ

## د مرادي پمرگ درود کي مرثيه

مردم رادي نه هماغا نا که مر د      مرگ چنان خواجه نه کاريست خرد  
جان گرامی بيدر با زداد      کالبد تيره بما در سپر د  
گاه نبد او که بيا دی پرید      آب نبد او که بسر ما فسر د  
گنج زری بود درین خاکدان      کود و جهان را بجوی می شمرد (۱)  
بل لخی وایی :

اندر عجبم زجان ستان کز چو تو ئی      جان بستد واز جمال تو شرم نداشت  
همدا شان تاسی دقیق سی ، چه یو بل شاعر دخیل ملگری مرگ په څه نیکللو او خوړو  
الفاظو کي تصویر وی او دهغه پمرگ خپل غم او تأثر څنگه نیکاره کوی چه وایی :  
گوئی من واو ، دوشمع بودیم بهم  
یکشمع بمر د ! و دیگری می سوزد  
څنگه چه مقاله محدوده ده دیارسی دمرثیو دنورو نمونو را وړلو څخه صرف نظر کوو ، او س به نو  
د پښتویه برخه شروع و کوو .



### د پښتو مرثیې پښتوهم دیارسی پشان څلور برخې مرثیې لری :

۱ - مذهبی مرثیې ۲ - د پاچها نومرثیې ۳ - د اقر باؤ مرثیې ۴ - د ملگرو او عمو می مرثیې  
مگر دومره فرق دی چه په پښتو مرثیو کي پښتني روح هم لخی شوی دی مثلاً د خو شحال خان زوی  
« نظام » مړدی مگر دده سره د زوی والی دگر انښت غم او د زوی د مرگ ویردو مری نسته لکه  
دنورو ژبو د شاعرانو سره چه وی یعنی دنورو ژبو د شاعر سره دا غم دی چه زوی ئی مړ شوی دی او  
دهغه د فراق غم گالی مگر خو شحال خان پښتون شا عر دخیل زوی د جدائی غم دومره ورسره ندی  
لکه دا غم چه ولی د پښتانه په ننگ کي ندی مړ او وائی :

کشکی لخوان د پښتانه په ننگ کي مړ وای  
نه چه گور لره روان شو له تلته که

همدا شان چه اعلی حضرت شاه محمود هوتک په اصفهان کي وفات شوده خورچه په قندهار  
کي وه فقط د پښتنو د شاهنشاهی غم ورسره و ، او په هغه وېر نه کي چه دده په مرثیې کي ئی ویلی ده  
پښتني روح ښه خر گنددی . همداراز په مذهبی مرثیو کي پښتو اوقاف رسی فرق سره لری مثلاً په  
پښتو کي د فارسی پشان « روضه خوانی » نسته او فقط په مذهبی مرثیو کي ډېره برخه درسول کریم (ص)

(۱) احوال و اشعار رودکی - ا ثر سعید نفیسی ۶۰۲ - ۶۰۳ مخونه

دائرة المعارف عمومی مدیریت :

[illegible]

د قاريڅ عمومي مديريت :

عمومی مدیر	: ع ، احمد علیخان « کھڑاد »
(۱) عضو	: » ، محمد سرور خان « گویا » (در راست مشاور)
(۲) »	: » ، میر غلام محمد خان « غبار »
»	: ص ، علی احمد خان « نعیمی »
»	: » ، میر غلام حامد خان
»	: » ، محمد ابراہیم خان « خلیل »

د مطابع عمومی مدیریت :

ع ، . . . . . :	عمومی مدیر
ص ، علی احمد خان :	اداری معاون
» ، محمد نوری خان :	فنی »
» ، محمد شریف خان :	تغذیکی مدیر
» ، شیر احمد خان :	طباعتی »
» ، عبدالغفور خان :	دستخط دمدیریت کفیل
» ، غلام حیدر خان :	دکنترول مدیر
» ، عبدالوکیل خان :	داجرائی مامور

دوفات وېرنی دی او حتی ملی شاعرانو هم (چه تقریبا بی سواده باله کینزی) پدې مرثیو کې برخه اخستې ده تردې وروسته د علماؤ او ښو خلکو یادونې دي. څنگه چه دد یوانو د خاوندانو مذهبی مرثیې په دیوانو کې چاپ شوی دی او یا تقریبا هر چاته معلومیدی موزدهغوڅخه صرف نظر کوو او یوازی د مذهبی مرثیو دنوونې دپاره دملی شاعر «برخورد ار» یوه مرثیه راوړو:

## درسول کریم (ص) مرثیه

دملی شاعر «برخور دار» له خوا

یارا نو ژامی، پسی تلی رهبر دی نا ورب ته زموز دغه په سر تورسر دی نا

❖ ❖ ❖

یارانو ژامی، پسی ولاددوو کونسلطان بنده غافله مسه چه درپسې دی شیطان  
دنیا یو خوب و خیال ده پر پای بی و کی ارمان گته داته کینزی دمیدان سر دی نا

❖ ❖ ❖

یارانو ژامی، پسی پیدا ئی نور پر جهان بی له آدم و حوا برد نیا نهؤ انسان  
دجبر نیل دقو له یو ستور یو، پر آسمان تل بر قیا مه ولاد خیرا لبشر دی نا

❖ ❖ ❖

یارانو ژامی، پسی پر ا ور یده به انوار خواب و غفلت ئی نهو، په شپه به ناست و بیدار  
خوک چه ده وی مشکر هغه به تیرسی کفار قول کتابو نه وائی لخی ئی سقر دی نا

❖ ❖ ❖

یارانو ژامی، پسی ور کړی ئی نبوت خاوند پردهو، عاشق باندی ئی دېر شفقت  
دی پر سجده به پروتو، خواست ئی کاوه دامت دی په مخشر هلته شفاعت گردی نا

❖ ❖ ❖

یارانو ژامی، پسی زه برخوردار چه ژالم عمل می نه دی کړی فضل دخدا به غواړم  
خاونده ته می سې مل په گناه بار که ولالم وایم دغم بیتو نه دا می دفتر دی نا

دامر ئی چه دپښتو په عامو مجلسو کې په ملی لحن او وزن ویلی کینزی دېری له سوزه د کی او دېری مؤثر واقع کینزی، په دی طرز په پښتو کې خورا دېری مرثیې سته چه په مذهبی اود ینی مجلسو یا افلاسیپین د برو مجلسو کې به خوازه آواز ویلی کینزی او اړویدونکي ئی قول په پټه خواه اړوی او ځینی لا ژامی هم.

یامثلا پښتانه شاعران دخپل وروځانی اشخاصو پمرگ کې دېری مرثیې لری اود هغو ښیگنی اومذهبی لارښوونې ددوی ترمرگ وروسته یادوی، چه داراز مرثیې دپښتو په هر کلی کې سته او

زښته پيري دى، دلته دنومني دپاره يوه نمونه چه فيض الله منى شاعر دقندهار دمشهور اوخور الوى  
عالم «ملا كټه اخند» مړيه ويلې ده خوښنده را نقلوم چه دلوى او واړه په خولو كى جارى وه او په  
هر مجلس كى به ئې پرملى لحن ويله :

هيپات پيدا به نسي يوداسى گېل كټه جان پرشر يعت محكمه ز غيده تل كټه جان

❦ ❦ ❦

هيپات پيدا به نسي هر ار هزار عالمان پورته اخوند صا حب و، دقندهار كټه جان  
دواړه پر شرع محكم دمعرفت ببلان ولاړ دنا سوت دملكه بارسو عامل كټه جان

❦ ❦ ❦

هيپات پيدا به نسي ښه شريعت ئې درلود په خورلس علمه خبر هم ظريقت ئې درلود  
پرطا لبانو باندې ډير شفقت ئې درلود پر جنازه باندې ئې واړو ژدل كټه جان

❦ ❦ ❦

هيپات پيدا به نسي بلدا سى ستنه ددين دده په علم سره دقندهار ټولو، رنځگين  
اوس ئې به مرگك سره نن اسلام دى ټواه غمگين لوى واړه ټوله زاړى ولاړى، كامل كټه جان

❦ ❦ ❦

هيپات پيدا به نسي زه فيض الله يم دلگير ديار له جوړه خدايه په زړه خسته يم زهير  
نن فاتحي ته ورلحم خا صيم غلام دلوى پير د شاعرا نود عا دغه غزل كټه جان (۱)  
همدا شان دپاچها نو مړئى په پښتو ادب كى سته چه تر ټو او مشهوره او جدا به مړ ټبه  
داسعد سوري قصيده ده چه دامير محمد سوري په مړ ټبه كى ئې ويلې ده، دا ساندې د فرخى  
د مړ ټبې په شان په پښتو كى شهرت او لوړ مقام لري، اوهم لږكه چه اسعد سوري د غزنوى  
دورې معاصر دى نو په ښه صورت دفرخى دقصيدې سره پر تله كېداى شى . شيخ اسعد په  
(۴۰۰ هـ) كى ژوندون كاوه، كوم وخت چه سلطان محمود پر غور يرغل وكړ او امير محمد  
سوري ئې بندي غزنى ته بوت او هغه پر لارى وفات شو نو شيخ اسعد چه دده دد ربار مهم  
سړى اوښه شا عرو، نو دهغه پر مرگ ئې ساندې وويلې چه خورا له جوش او سوزه ډ كى  
دى، ده دا ساندى په يوه لويه قصيده كى لځاى كړې ده او دفرخى په شان ئې له خپلو همعصر و  
او نورو قصيده ويونكو شا عرا نو څخه ميدان وړى دى، مگر كوم فرق چه، دده او دفرخى په  
مړ ټبه كى ليدل كېږي هغه دا دى چه داسعد سوري په مړ ټبه كى پښتنى روح غا لب دى  
اودپښتو دروح سره سم دسوري پاچا دمرگك سندري بولى او پخپله مړ ټبه كى هغه شيان  
راوړى چه پښتانه ور سره اشنا دى مثلاً چه وايي :



گوره څا څی رڼی اوبی له دې غرونو      دا کړ ونګی ساندی لی په شور هار  
 نه هغه زر غا دغرونو، د بیدیا ده      نه د زر کیویه مسادې کتپار  
 نه غټول بیا زر غو نېزی په لاسونو      نه بامی بیا مسپده کا په کپسار  
 غرونه، کړ ونګی، ساندی، زرغا، بیدیا، زر کی، غټول، لابن او بامی گل د اټول  
 هغه څیزونه دی چه پښتانه ئې هر سهار او هر یگاوبینی، همدا شان دمړانی روح په دې  
 مړ ټپه کی لځای شوی دی، مثلاً دا چه امیر محمدسوری دغزنی پر لاری مړی، گوری، اسعد  
 سوری ئې په څه الفاظو تصویر وی او وایی:

ننگیا لیو له قید مړینه ده لڅکه:      سه ئې والو تله هسک ته پر دې لار  
 تر نړۍ ئې غوره خاوری، هدیره کا      دز مریو په پیر یو کله وی څوار  
 دا مړ ټپه وار دواړه دفلک په شکایت شروع شوې، چه دفلک رنگا رنگ نېرنگونه  
 او چاری ئې څرګندی کړی دی، چه ورو ورو لکه دپخوانیو پڅو شاعرانو لار چه  
 ده خپل مطلب ته را کوز شوی دی او په ډیر و شکایتو کی ئې یو شکایت همدا د امیر محمد  
 سوری دمرګ او بند شکایت څرګند کړی دی، چه دلته نو په خپل مطلب شروع کوی  
 او ددې سوری پاچا سوگواری او دهغه ماتم دغور پر خلکو او دممدوح هر راز صفتونه  
 په خورا خوږ و الفاظو کی را وړی، په آخر کی لکه څنګه چه دمرټپي قانون دی پخپله  
 امیر محمدسوری ته خطاب کوی او پای ئې پر دعا ختموی، اوس به مو ږ دده ټوله مړ ټپه  
 دلته را نقل کړو چه پخپله او ستونکی دشاعر د کلام قدر تحسینی ښکاره کړی او پخپله ئې  
 نوری خوا وی هم دفرخی دمرټپي سره چه دمخه ذکر شوه اوڅو کاله وروسته تر اسعد  
 سوری ئې ویلې ده سره پر تله او مقایسه کړی:

### د امیر محمد سوری په مرګ د اسعد سوری مړ ټپه

دفلک له چارو څه وکړم کوکار      زمو لوی هر گل چه ځاندي په بهار  
 هر غټول چه په بیدیا غوړیده وکا      ریږوی ئې پانې کاندی تا په تار  
 د بر مخونه دفلک څپېړه شته کا      ډېر سرونه کاتر څا ورو لاندی زار  
 دوا کمن له سره خول پیرې باسی مړسی      دې وزاو وینی توی کاندی خونخوار  
 چه له برمه ئی زمري ریږز ننگلو کی      له او کو به ئې داری تېر و جبار  
 هم ئې غشی سکڼی دال دژوبلدورو      رستم ان لځنی لځلا کاندی په دار  
 چه ئی ملاوی نه کښې نېزی په غښتلیو      دا دفلک پرو کا څه کاری گذار  
 په یوه گردښت ئې پرېباسی له برمه      نه ئې غشی، نه لندی وی نه ئې سپار

خه تېرى خه ظلم كاندي اى فلسكه !  
 په ویر ژلو، لورنكړي په زړه كړاډي  
 هېڅ روغى مې په زړه نسته ستاله خوړه  
 له تېر يودى اوښى څاخى نه اوريسخو  
 نه به لاس واخلي له خوړه نه په لورې  
 نه به زړه وسو خوې په هېچا باندې  
 نه به وصل كړې مين له بل مينه  
 ستاله لاسه دى پراته ژوبل زگړوى كا  
 كله غوڅې كاندي مراندې دزد گيو  
 كله تكيى واچوې پرنياز وليو  
 كله غورځوې واكمن له پلازونو  
 زموږ پر زړو نودى نن يو غشى وويشت  
 پر سوريو باندې ویر پريووت له پاسه  
 يو وار سواسير په لاس دمېرځمنو  
 په سما و ئې و دان آ هنگران و  
 د محمود دژو بسلو روپه لاس كښېووت  
 ننگيا ليو لر ه قيد مړينه د ه ځكه  
 تر نړۍ ئې غوره خاورې هليړه كا  
 په دې وېر د غورو گړى تورنمرى سول  
 گوره څاخى رنې اوښى له دې غرونو  
 نه هغه زرغا د غرونو ، د بېد ياده  
 نه غټول بيا زر غونډې په لايونو  
 نه له غرجه بياراځي كاروان دمېنكو  
 د پسر لى اور ه تو دې اوښى توينه  
 دا په خه چه « محمد » ولاړ له نړۍ  
 چه به نجليو په نڅا پكې خند له  
 هغه غوربه ويرانا تار دواكمن كښېنو ست  
 لاس دې مات سه اې فلسكه چه دى و كا

ستا له لاسه ندې هېڅ گل بېله خار  
 پر نښليو اوړوي د غم نانتار  
 بېلېږي په ژړا ژړمين له يار  
 چينې ژاړې په ورت ورت ستاله شنار  
 نه به ملا كړې، له بې وزلوله ترار  
 نه به پرېوزې له گردښته له دار  
 نه به درملې تپيونه د افگار  
 هر پلوته تپيى زړونه په ځار ځار  
 كله تېر باسې وگړى هو ښيار  
 كله څېرى كړې گريوان دمنځى چار  
 كله كښېنرې په خاورو كې بادار  
 و دى ژوبله په دې غشى هزار  
 محمد واكمن چه ولاړى په بل دار  
 انتقال ئې و كړ قبر له بل وار  
 په ټيكنه و، پردرست جهان اوڅار  
 چه غزنه ته ئې باتلى په تلوار  
 سه ئې والوته هسك ته پردې لار  
 د زمريو په بېړيو كله وى خواړ  
 په دې ویر، رنجا تياره سوله دشار  
 دا كړونگى ساندې لى په شورهار  
 نه د زر كيو په مسادى كټپار  
 نه بامى بيا مسبد ه كا په كهسار  
 نه را درومى غورته بيا جويې دشار  
 مرغلرې به نيسان نكړى تشار  
 په ویرنه ئې سوغور ټول سوگوار  
 چه په پېغلو كا اتې قطار قطار  
 هغه غور سو د جاندم غندى سوار  
 محمد غندى زمري د مړينى ښكار

شین زړه گي فلکه ! ولی لا ولاړ یې ؟  
 مخکې ! ولی په رېښه د لونه پر یوزې ؟  
 چه زمري غندی وا کمن غی له جها نه  
 سخ په تا ای محمد د غور لمروي !  
 ته پر ننگه وې ولاړه به ننگ کښې مړسوي  
 که سوری دی په تېگ ویر کاندی ویر من سول

په جنت کښې دی وه تون زموز وا کمنه

هم په تادی وی د بر لور د غفار

د خپلوانو او اقرباؤ مړتې هم په پښتو کښې ډېری دی مگر بیا هم هغه یو فرق د پارسی  
 او نورو مړتو سره ئې لری چه پښتني شهادت پکښې لځلېږي اودافرق باید هم ولری لکه چه  
 هره ژبه او هر قوم خپل لځانته لځانته خصوصیات اوملی میيزات لری چه هغه ارو مړو پر ادبیاتو  
 اغیزه کوی ، دهمدې اغیزې په اثر دی چه دخوشحال خان دزوی نور ماتم هېر دی ، فقط  
 داغم ورسره دی چه : « کاشکی د قوم پر ننگه مړوای » اودده زوی « نظام » د مړتې نور  
 بیتونه دا دی :

### دزوی په مرگ د خوشحال خان مړتیه

چه «نظام» دی لاملېل کړ خوائې ډکه  
 خلقه دی پدا کار کړه هکه پکه  
 چه دهیچا پرې پېر لځونه وه لځوانکه  
 نه چه گورلره روان شوله تلکه  
 په عالم کښې دخپل بلار غاړه کالکه

چه داغونه زړدي په زړه باندی فلکه !  
 خدایه ته خو ستمگر نه ئې دا څه کړې  
 په لحد کښې هغه مخ خورې په چنچو  
 « کشکی لځوان د پښتانه په ننگ کښې مړوای  
 » چه د قام په ننگ کښې ومړهغه زویه

رننگ داوښو سره و یوست زما سترگو  
 لاس و دست دی سره درست درهم برهم کړی  
 نظام لاس میاشتی بیمار زه په شل گروهه  
 هغه وخت به بیر ته نه راشی نظامه !  
 که حیاهو که و فاهو که صفاهو  
 اسماعیل غوندی به دی راته تسلیم و  
 که دیلار په رضازوی درومی جنت ته

نور به نه راشی زما له مر د مکه  
 دریغه دریغه لاس د نرسی فلکه !  
 د اشل گروهه راته لاډ پر شول تر لکه  
 چه به نه و تې دخپل بابا له و که  
 ښایسته ستا په وجودوه هره یکه  
 که په خلق می دنظام کښېښوه گز لکه  
 سکه نظام ورلره ورغی ، بې شکه

خداى مى نور گيلو نه جوړاړه په باغ كښې  
زه به ولى هسى ژاړم يا به نه خورم  
كه يو گل ورغنى پر بووت له خو نكه  
خوژوندى په دنيا پاييم خداى دى نكه  
كه په نه ژړامى مل شې زړه به څه كه؟  
د نظام دغشى يو برا بر نه دى  
ستا شپره زما دزړه له تختې حكه  
مگر زړه ئې د ها تى وى چه زغمى ئې  
كه خوشحال په زړه خوړلى ډېر ناو كه  
داشتهى چه د «خوشحال» په زړه شوه لښكه

همدا شان ئې دخپلو نورو زامنو او لمسيو مرثيې ويلې دي چه پورته يوه نمونه ترې غوره شوه ؛ او همدا دخپلوانو په مرثيه كښې دميرمن زينبى مرثيه هم د يادواو ورده چه دخپل زلمى ورور اعليحضرت شاه محمود په مرگ كې ويلې ده او ډېره دملې احساساتو څخه ډكه ده ، همدغه هم خور د ورور د مرگ تر نورو غمو په دې ماتم كښې ده چه دپښتو دشهنشاهى سقى ته زيان ورسيد او پر دى غليمان خوشحاله شوه نو لښكه وايي :

### د اعليحضرت شاه محمود په مرگ كې

دميرمن زينبى مرثيه

بڼغ سوچه وړ وړ تېر له دنيا سونا  
زړه مى په وړ كې مبتلا سونا  
قندهار واړه په ژړا سونا  
چه شاه محمود دله ما جلا سونا



دار ون جهان راته تور تم دى نا  
هو ټك غمجن په دى ماتم دى نا  
زړه د بيلتون په تېغ كړم دى نا  
د پاچهى تاج مو بر هم دى نا  
چه شاه محمود تېر له دنيا سونا



لخوان و ، مېړه دتورى جنگ ونا  
دشمن له ده په وينو ر ننگ ونا  
ولاړد كام په نام و ننگ ونا  
پر ميدان شيزو ، يا پلنگ ونا  
افسوس چه مرگ دده په خوا سونا -  
قندهار واړه په ژړا سونا



محموده ! نه يو ازى خور ژاړى  
خپلوان لاڅه ، پاچادى ورور ژاړى  
پر مرگ دى ټوله كلى كور ژاړى  
لښكر سپادى پلى سپور ژاړى  
پښتون دى ټول په واو يلا سونا  
قندهار واړه په ژړا سونا

اصفهان پا ته تاج نسکور عالمه  
د پښتون لمر سو ، تباره تورعالمه  
چه پا چا ولاړ پښتون گدا سونا  
چه شاه محمود سونن په گور عالمه  
راته دښمن به کا پېغور عالمه  
قند هار واړه په ژړا سونا



لښکر سو خپور پښتون ولاړدی اریان  
پا ته سو تخت و تاج د ټول اصفهان  
وايي پښتون اوس بې پا چا سونا  
په خاور وځای کا شاه محمود د ایشان  
ژړه ئې را سور سو کا خوشی دښمنان  
قند هار واړه په ژړا سونا



آسمانه بیا دی څه ستم کا خر گند  
دښمن دی بیا زمونږ په ویر کا خور سند  
پر کور مو ویر شور و غوغا سونا  
و شلاوه تاجه د پښتون و ، پيو ند  
چه شاه محمود دی کا په قبر کی بند  
قند هار واړه په ژړا سونا



هو تګو ! ژاړی ، محمود شاه څه سونا ؟  
له اصفهان تر فر ا ه څه سونا ؟  
د پښتنو پر تم فنا سونا  
پښتنو ! ستاسی لوی سپاڅه سونا ؟  
پا چا چه و ، حشمت پنا څه سونا ؟  
قندهار واړه په ژړا سونا



محموده ! ځوان وې ولی ولاړې له ما ؟  
اصفهان ولی پا ته سونا له تا ؟  
دښمن ولاړ بیا شا و خوا سونا  
له تخت و تاجه ته پر څه سوې جلا ؟  
سردی را پورته کړه ، څه څه کړی اعدا ؟  
قندهار واړه په ژړا سونا



اورم نارې د غم چه کپینه فریا د  
زړونه چه تل بهو ، بنادمن سوه نا بناد  
ما تم زده پیر و برنا سونا  
پښتون په مرگک دشاه محمود د سوبر باد  
دساندو زغ دی چه راوړینه ئې باد  
قند هار واړه په ژړا سونا



وروره ! مقر دی ستامو لا کی جنت  
روح دی وه بنادیه لویه ورځ د قیامت  
د خالق رحم تل پر تا سونا  
دردی کی تا ته پس له مرگه راحت  
مخ دی وه روڼ د خدای په مهر و رحمت  
قند هار واړه په ژړا سونا



و گوری ، یوه پښتنه میزمن څه احساسات لری اود ځوان وروړ مر گنه څنگه تلقی کوی ؟

همدا شان نورو ډېرو شاعرانو لکه پير محمد کاکړ ، کاظم خان شيدا ، عليخان  
خټکک اونورو د پښتو د ادب ډېرو پياوړو دخيلو افرېاو په مرگ مړتپي ويلي وي چه د ټولو  
را وړل کڅه هم يوه يوه نمونه وي ډېري صفحي نيسي نو لږ لږه مطلق اشاره ورته کو و  
او خو خو پسته ئې راوړو ، مثلاً :

علي خان دخپل زوی پمرگ وایي :

آه ، پسرلی می دخزان په ناتارتېر شو      مالا گل بوی کړی نهو ، بهار تېر شو  
اوس که لځان وهم که خاوري په سرلونم      په هيڅ رنگ به بيارته نه راځي وار تېر شو  
لا می غټ و رته په ځير کتلی نه و      لکه برق رخسنده په تلوار تېر شو  
لکه ډېر ږي پيکر هم پر ږو و      هم هغه رنگه تېر روپړی وار تېر شو  
پير محمد کا کړ دخيلو درو لونه په مرگ داسی ساندی وایي :

هجران انبار کړه پر ماغونه      ضعیف نحیف شوم په تن زبونه  
اورمی بیا بل شودزده په خونه      گهی ژدا کړم ، گهی آهونه  
اوسنی می خاشی له لڅگر خونه      رنځ می زیا تېږی له دې تاخونه



فلکک آسیا دی زړونه نورغاندی      نا سازی چاری په هرچا کاندی  
غمجن ژدا کړی بی غمه خاندی      قدم په وروژده نادانه وړاندی  
چه پایمالېږی ترزمکه لاندی      واره لڅلمی دی ، یا کښلیه جونه



«ماهره» لورمی لاهفت ساله وه      چه ئې نو ښلې دمرگ پیا له وه  
تل په سرو شونډولکه لاله وه      هم په خندا کی ويلي ژا له وه  
غم می له زړه ووږېږي حواله وه      تا پېنو ا کړم لڅینی گر د و نه



د «فاطمه جانی» چه بیا هجرت شو      ساعت د هجر پر ما قیامت شو  
یازده ساله وه ددې رحلت شو      تازه پر زړه می داغ دمحنت شو  
پروخت د کوچ ئې هم دا وصیت شو:      «بابا غم کم کړه د عا افز و نه»



آواز تر غوږشو لڅماچه ژاړه !      «صالحه» لور دی له دنیا ولاړه  
تعلیم موقوف کړه کتاب و نغاړه      باد د فنا کړه غنچه و بجاړه  
حال دوداع دی دیدن ئې غواړه      بیا به سر ښکړی دا ستا پخو نه



په همدې ډول دا مرثیه تر پایه رسوی او تماموی ئې ؛ یا نور داسی مرثیې . . .  
علاوه پردې په پښتو کی دملگرو او عمومی مرثیې هم سته ؛ عمومی مرثیې خو د دنیا  
دژوند غندنه ده او دنیا ته فانی ویل دی چه دا مفکوره خصو صاً د متصوفو شاعرانو  
پد اشعارو کی ښخی زیاته لیدل کېږی او نمونې ته لاجاجت نلری ، که ئې راوړوهم د پیر محمد  
کا کړ دا بیتونه د ټولو متصوفو شاعرانو د فکر نمایندگی کولای شی چه وایي :

فانی دنیا ده دا ئې احوال دی	خسته خاطر می پیکنی ملا ل دی
غافله ! وینې شه دادی څه حال دی	خواب دی بی غمه مدام محال دی
فراق د کښلیو دمر گڼ دلال دی	مرگ به دی وران کاودان کورونه

❖ ❖ ❖

در یغه پند هر زه نا پیدا وای	یا چه پیدا وای هلمته فنا وای
موسوم بی جسمه لیکه عنقا وای	آزاد له غمه د دی دنیا وای
یا له اشتا یو تل نا اشنا وای	یا نښان مه وای د تا بېلتو نه !

❖ ❖ ❖

بی نیاز عالم دی ، ور لځنی تللای	مخ و صجرا ته تنها نیولای
د ښو نیا ز منو ثنا و یلا ی	تر ستر گو وینی پسی ژر د لای

هیڅ پیر محمد ! هم مه لیدلای

د غمازانو دا تور مخو نه

دملگر یود مرثیې دنمونې دپاره د کاظم خان شیدا څلور بیتونه راوړو چه دیوه ملگری  
پمرگ ئې ویلی دی - دی وایی :

خود به پوهېږی که خرد مند وی	بده بلا ده غم د د و ستا نو
که « محمود خان » دی له دنیا تللی	غمونه قوت دی د غمخوارانو
چه بېلتا نه ئې له د پر ه تا و .	بل کړی اور دی په آشنا یا نو
تاریخ ئې دا کړه سوې خاطر ده !	بېلتون لږه ده په ښو یا را نو

همدا شان نور اشعار چه دملگرو په فراق کی ویلی شوی دی ښاغلی لوستو نکي ئې  
قیاسولای شی مگر دخوشحال خان دغه لاندی یو بیت چه دښکلیو او ښایستو پیر مرگ ئې  
له زړه څخه را وتلی دی هم د هېر ولونه دی چه وایی :

خدایه ! ته چه ښائسته له دنیا بیا ئې

مگر ستا هورې دحورو څه کمی دی ؟

(پای)



# لغوی خبر نی

پشتو پېښی

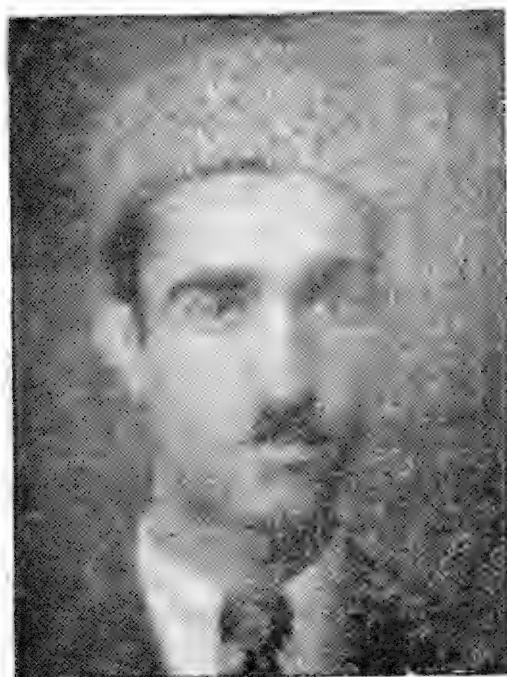
بقیة سالنامة گذشته

## لغات فراموش شده پېښتو

( ۲ )

پياغلی سيد مسعود خان

دو قرن ميشود که علمای زبان بکس بحث تحليلی لغات و اشتقاق آرا موروډ تو ښه قرار داده الفاظ و لغات را تحليل و صرف تعبير السعرا ډاهم ډکې مډايډه کړده ډن تشابه و قرابت يا اختلاف و تبعدي که در بين آنها مشاهده نمودند دريافتند که زبان ډاهم مډايډه تشابه به ډراد ډهي



مختلف آريائی سامی وغيره منقسم و بعد در بين خویش بدسته و خاندانهای مختلفه ديکري که به ډيت ډاي متفاوت ډاهم ديگر تشابه و قرابت ميرسد ډن تقسيم الفاظ ډن چون در يك نزاع اقوام و قبائل زبانی از هم منفرح گرديده بعضی از زبانها و لغات ډن از بعضی ديگر منفرح و منسحب شده و نسبت تشابه و قرابت در لغات ډن تشابه و قرابت قومی ډن متکلمين آن زبانها مډايډه چنانچه قرابت تشابه در لغات عربي ، عبرانی و سریانی از تشابه ميان آنها و يونانی بيشتر دريده ميشود .

ساده کاوش و تحقيق در خصوص ډن هنوز قطع نگردیده و گذشته از کنجکاوی در احراق زبانهای زنده دنباله تفکر و تجسس ، جاب زبانهای مرده و زبانها

پياغلی سيد مسعود خان

کوچک مانند وید ، او ستا وغيره ډن کشايډه شده

است ، علاوه تحقیقاتیکه که از طرف کنجکا و ان عصر جدید در ډن زمینه چاری است منظور بدست آوردن پيما نه های تمدن يك زبان و متکلمين آنست که کلمات و الفاظ ، يعنی لغات آرا موروډ مطالعه قرار داده از دانشن الفاظ و ممالك بودن کلمات جامع به موصوفات علمی

## دریاست اداری خانگی :

د اجرایی او د مامورینو مدیر	ص ، گل سعید خان
د کنترول مدیر	» ، محمد نعیم خان
د اوراقو	» ، عبدالرؤف خان
د کتابخانه د مدیریت کفیل	» ، غلام جان خان

## د تقیث مدیریت :

مدیر	ص ، محمد نعیم خان « شریفی »
عضو د ابتدائی مدیر پیچ	ص ، محمد رفیق خان
» د انتہائی مامور	» ، سید مصطفی خان
» د ابتدائی	» ، محمد حسن خان

## د عایداتو د مالی ریاست

د رئیس کفیل	ع ، ص محمد حسین خان (د پست د وزارت معین)
د تشخیصی عمومی مدیر	ع ، محمد عثمان خان
د لمری خانگی	ص ، محمد رسول خان
د دوهمی	» ، جلال الدین خان
د دریمی	» ، محمد مهدی خان
د خلور می	» ، فضل احمد خان
دولا یاتو د لمری خانگی مدیر	» ، عبد الاحد خان
د نظار عمومی مدیر	» ، . . . . .
د لمری خانگی مدیر	» ، عبد العلی خان
» د دوهمی	» ، محمد اسلام خان
» مامو رینو مدیر	» ، سید ضیاؤ الدین خان
» کنترول د کفیل	» ، محمد ابراہیم خان
» مخصوص د مدیریت	» ، فیض محمد خان
» اورا قو	» ، حفیظ الله خان

مذهبی، حربی، تجارتي، اقتصادي، بيولوژي، جغرافيايي، معماري، نقاشي، صنعت، حرفت وغيره به سويه دانش و معرفت آنها پي برده ميشود. بهمين طريق از روي معاني اسمای رجال، روحيات و خصوصيات ملي شان واضح و مبرهن گرديده و از تعداد نامهای البسه و اطعمه انواع زراعت و آلات مربوطه آن و حيوانات اهلي و خصوصيات متعلق بان معلومات شاياني دراطراف طرز معيشت و گذاره باستانی يك ملت بدست مي آيد. زبان پشتوي ما که از يك عصر باينطرف توجه علمای فرهنگ رابخود جلب نموده وبعد از نظريات مختلف در پيرامون نژاد آن درين اواخر آنرا از السنه هند و ايراني شمرده اند و چند فرهنگ و گرامر و چند مجموعه ادبي پشتو را نيز ترتيب و تدوين نموده اند يك زبان جديدي نيست، و نزد ما از نقطه نظر وضعيت گرامري و شواهد ادبي وریشه های اصلي و اساسي زبان، حجت و براهين ثقه برای اثبات قدامت آن در دست است که اين اوراق معدود گنجایش درج آنرا نداشته و درينجا باين جمله مختصر کفايت ميکنيم که از کلمات برجسته پشتو در ويد و اوستا و السنه اروپايي و نيز از روي يك شعر قدیم پشتو که مقارن عصر اول اسلام بوده و در پته خزانه - قيد است معلوم ميشود که لافل چند هزار سال از عمر اين زبان سپري شده باشد. پيداست که در ظرف اين قرون متمادی کلمات قدیم پشتو چند مرتبه از بين رفته و يا بزبان های ديگر ضميمه شده است. درينوقت که ما ميخواهيم پشتو را از افتادن به پرتگاه نېستی نگهداريم بايد لغات پراگنده آنرا از فراز قلل شامخ و گرامر پاشان آنرا از دره های پريچ، و اشعار آزاده و جدانگيز آنرا از امواج فضاي کوهستانات و ديگر آثار ادبي آنرا از سينه های زنده و کاغذ های پژمرده فراهم نمايم. در جمله اجزای لغات يکی بدست آوردن کلمات قدیم پشتو است که منابع حصول آن بفکر من چند چيز است، اول مرکبات مستعمل و موجود در پشتو که از تحليل و تجزيه آنها بعضی از اجزای بدست مي آيد که عجلتاً در زبان ديده نشده و بايد اين قسم اجزای حاصله شامل لغت گردد. مثلاً (نقرن) بمعنی نابينا است چون کلمه را تحليل کنيم ترکيب آن از نون حرف نفی و (غرڼ) بوده ازان ثابت ميشود که (غرڼ) بمعنی بيناست همچون بينا و نابينا در فارسي هکذا (شمشتی) بمعنی سنگ يشت مي بينيم که اين کلمه از دو جز (شم) و (شتی) مرکب بوده اما اکنون هيچ جزء آن بصورت مستقل در زبان موجود و مستعمل نيست. (خريانهی) در لغت بمعنی موش بران است که ترکيب آن از اجزای (خر) و (پانه) تشکيل يافته، معنی (خر) واضح است و (پانه) شايد بمعنی خيز زدن و جست زنده است (خصوصاً که مصدر پهل بمعنی جستن در زبان موجود ميباشد) اين دو کلمه بطور نمونه تذکر يافت جالانکه در پشتو از اين قبيل لغات فرا موش شده که احیای آن برای وسعت زبان خيلي ممدو حتمی است بعد ها وجود دارد.

دوم ، اعلام پشتو یعنی اسمای اشخاص ، امکانه وبقاع است ، زیرا این اسماء تا امروز بیک پیمانه خوبی وضع وکیف باستانی را حفظ نموده و از روی ریشه های اصلی آن معانی ولغات قیمت داری میتوان استنباط نمود . استخراج معانی اسمای اشخاص نسبتاً مشکلات زیادی در بر نداشته اما معانی اسمای امکانه وبقاع بنا بر کثرت وجوه مناسبت بین اسم و مسمی خیلی مغشوش و انسانیاتو جبهات زیادی مواجه میسازد ، ازین رو رو یهمرفته این امر در اول و هله مانند سایر اقدامات جدید در انظار خیلی مشکل بر میخورد اما تعقیب مرور ایام مشکلات فرازو پست آنرا متدرجاً هموار میسازد .

این اسمارا که ما تحلیل و ترجمه کرده مورد مطالعه شما گذاشته ایم بعضی روشن و بعضی کمی خیره و برخی بسیار مغشوش بنظر می آید ، هر گاه در نظر ثانی توانستم که من خود آنرا بیشتر توضیح نمایم خوب والا اگر توجه فضلی روشن فکر را درین زمینه کشانیده باشم که در قسمت های مکدر و خیره آن روشنائی اندازند هم موفقیتی است که بالواسطه برای من حاصل میشود .

ما که در طی تحلیل اسماء و نسبت معانی آن به ریشه ها و کلمات میگوئیم که اصل آن چنان است یا بدانش چنان ، یا فلان حرف بفلان حرف بدل میشود یا میان آنها تبادل است ، این احکام بنا بر اصولی است که راجع به تبدیل حروف در پشتو فراهم آمده و بنا بر امثله عیدیه نزدیک بحقیقت رسیده است که انشاء الله هنگام تکمیل آن رساله جدا گانه در آنخصوص نگاشته خواهد شد . هر گاه بعضی اشخاص توجهات ما را درست ندانسته تعبیرات جدا گانه یا معانی بهتر از معانی که ما برای اسماء و اعلام این مقاله پیدا کرده ایم آورده میتوانند ، ما آنرا منافی نظریات خود نه پنداشته بلکه کار خوبی است که مقصود و منظور اساسی ما را تأیید و جانب هدف اصلی ما میگرایند . اما اگر از طرف داران مرتجل خوان اعلام هستند چیز دیگری بوده قضیه شکل دیگری بخود میگیرد ، یعنی نظریه های متعدد تا امروز تأیید بر این مسئله است که اعلام و اسمای جامد مرتجل بوده بدون کدام فکر یا دلیل اسم قندهار را بر آن شهر قندهار و اسم اسپ را بر این حیوان اسپ علی الار تعجل گذاشته اند . این فکر از اینجا نشئت گرفته که طرفداران این نظریه با نگاه سطحی کدام معنی برای آن نیافته و کدام وجه تسمیه که دلالت بر تعبیر حقیقی و معنای اصلی مسمی آن نماید حاصل کرده نتوانسته اند . دسته که معارض و مخالف این نظریه است طرف اقلیت واقع شده و محض چند نفر معدود است که بر اثر تحقیق و تعمق زیاد در اطراف اعلام و اسمای جامده معانی معقولی برای آن پیدا و یا معانی اصلی و مهجوره آنرا کشف کرده اند .

حقیقت امر اینجا است که انسان با وصف این دعوی بزرگ تعقل هیچ اسمی را به مسمائی بی شعورانه و هیچ عنوانی را بر معنوی بی خردانه و بطور ارتجال و اتفاقی نام گذاری نکرده است. بنا برین معانی بعضی اعلام و اسماء جامده که بدیهی و مبرهن نبوده و یا باوجود تعمق به آن معلوم و واضح نمیگردد دلیل شده نمی تواند که آنها اصلاً معنی ندارند بلکه بطور عام همه آنها مانند صفات و افعال دارای معانی بوده که برور زمان معانی اصلیه آن مهجور و متروک گردیده محض بحیث علم و استفاده تعرفه اسمی باقی مانده است. مثلاً اسمای عربی زید، بکر، عمر و غیره که امروز بعنوان اسمای اشخاص در بین مردم متداول است تنها بصفه علمیت از آن استفاده شده معنی اصلی آن هیچگاه خاطر نشان نمیگردد؛ ازینرو کثرت استعمال آن بحیث اسم و بمنظور مشخص ساختن و معرف نمودن یک مسمی معنی اصلیه آنرا که درین موارد ابداع مقصود نبوده از اذهان ربوده است.

علت عمده دیگری که گره معنی این اعلام و اسماء را مغلق تر و سرگم تر نمود بر اثر تخفیف و ترخیمی است که در هنگام تکلم تو ده های مختلف بعمل می آید و یا با اصطلاح بنا بر شکسته خواندن و اختصار نمودن کلمات، الفاظ از قالب های اصلی بیرون افتیده اشکال جدیدی برای خود اتخاذ میکنند. لهجه های مختلفه نیز درین زمینه سهم بزرگی داشته تغییرات و تحریقاتی که بر اثر آن بوقوع میرسد در ابهام معانی تعقیدات زیادی بوجود می آورد. مثلاً هیچکس حاضر نخواهد شد که فی البدیهه (بیدکی) را بحیث عبیداله بپذیرد زیرا درین لهجه باندازه شکستگی و تحریف و تلخیص بعمل آمده که کاملاً از صورت اصلی قلب ماهیت کرده است - یعنی بر تیره اول (اله) آن اسقاط یافته عبید آن (عبیدک)، و بعدها (ایبدک) سپس (بیدک شده) و اخیراً (بیدکی) بوجود آمده است بهمین ترتیب اسم علی احمد هم در لهجه عامیانه اولاً به (علی) تنها اختصار یافته سپس بنا بر ثقاتی که ادای عین در حنجره غیر عرب وارد میکند عین آن به الف مبدل شده و (ی) آن به (و) امانه گردیده در نتیجه از اسم علی احمد، (الو) بمیان آمده و بهمین قانون ولی احمد هم (ولو) شده است.

لذا بر اثر علل فوق معانی اعلام و اسمای جامده مستحیل المفهوم گردیده منتج به نظریه شد که منکر معانی آن ها گردیدند آنرا مرتجل خوانند. اما تا جائیکه تحلیل و تجزیه کلمات پیتو ما را به معانی اصلیه آن رهبری میکند با کمال جرئت اظهار کرده میتو نیم که اعلام و اسمای پیتو مرتجل نبوده و بطور اتفاقی و بی شعورانه بمیدان نیامده است. تحلیل کلمات اعلام و اسمای پیتو با الفاظ بسیطه و حتی به حرف مجرده که سلسله شجری آن باصوات طبیعی اولیه و اصل میشود ما را به معانی حقیقی آن آشنا میسازد.

اکتشاف معانی این اعلام و اسمای که تغییرات صوری و تراکم زمان آن را در زوایای فراموشی و اخفا پرتاب کرده بود تنها حاصل حس کنجکاوی نبوده بلکه ذوق استفاده و حصول معلوماتی که بعدها رو شنائی بزرگی در زمینه ترکیب و وضع کلمات جدید می افکند مارادین کار رهنمون شده و تا جائیکه قانون تبادل حروف، تحلیل و تجزیه کلمات استقرا، قیاس (۱) و اجتهاد مارا رهبری میکند معانی اعلام را قرار آن تحریر مینمائیم. بر اثر این تحلیل و تجزیه صورت ترکیب اصلی و وضع اولیه کلمات مذکور برای ما بخوبی مشهود گردیده قوانین ساختمان الفاظ آن که از ذوق طبیعی و سرشار موضعین آن تراوش نموده مارا برای ساختن کلمات جدید مساعدت مینماید منظور دیگری که درین بخش محرک بوده و ذوق آرزومند را به آنجانب میکشاند استفاده از احیای معانی این اعلام و اسماست که در تزیید احصایه لغات پښتو ممد شده و هم بطرز نوینی از آنها استفاده میشود. نکات و اصطلاحات بسیاری است که نظیر و مرادف آنرا در زبان پښتو همیشه در جستجو بوده و دایم مترصدیم که در مقابل آنها لغات و کلمات مناسبی در پښتو دستیاب گردد، بنابراین قراریکه بعدها در تحت تراجم اسما مشاهده خواهید نمود از اکتشاف معانی بعضی اعلام تعبیرات بس مفیدی بدست می آید که موارد جدید خیلی ارزش دار و قیمت بهای را احراز خواهد نمود.

## ۹۱- آری نگار (م. ک. مع ک. ف. س. س)

اسم یکی از دودره معروف و بزرگ لغمان است. تلفظ این اسم بر زبان مردم پښتو زبان (آلنگار) و بر زبان مردم پشه زبان (آلنگار) میباشد و از باب دفا تر علی نگار مینویسند، ولی صورت صحیح اسم در تلفظ اول الذکر است شکل دفتری آن خود ساخت و جدید میباشد. (الی) مانند (هری) از اشکال (اری) است. ترکیب اسم از دو جز است. نخست (آری) که اسم شخص یا قوم معروف است دوم (نگار) که صورت ممدود (نگار) بمعنی معموره، آبادی، شهر، ملک و کشور است بنابراین معنی لغوی اسم چنین میشود: آری نگار - معموره آری ها، ملک آری، شهر آری

(۱) البته قراریکه قبلاً تذکار یافته اصول و قواعدی تا یک اندازه درین رشته موجود است اما در بخش های بیشتری از طریق قیاس و حدسیات معقوله استفاده میشود (چنانچه باینقرار اگر کسی نسبت به من معانی بهتری برای بعضی از اعلامی که نوشته ام ارائه نماید، نمی ندارد زیرا طرق اندیشه مختلف و پهنای حدس و قیاس بیکران است). اما مانند ریاضیات قوانین و فارمول های مثبت ندارد، و معقول هم نیست که شخصی در هر رشته از عینک قانون ریاضی نگاه نماید بلکه هر دسته از علوم مقیاسات جداگانه داشته که انسان باید هر شقی را از خلال مقیاس مخصوص آن تحت مطالعه قرار بدهد. علوم نظری معیار علیحد و علوم مثبت مقیاس جداگانه دارد.

## ۹۲- امی (ض ز س)

نام زنان است . و اساس بنای آن از (ام) و (ی) نسبت است . (ام) بمعنی نخست و مقدم میباشد چنانچه در امری که بدل و مری یا لهجه ایست در و مری و نیز ریشه (ام) در امه یا اومه دیده میشود و آن بدو معنی است یکی اسم نباتی است که در قدیم آنرا هو ما گفتندی و همیشه سرسبز می باشد و دیگر بمعنی خام که عبارت از حالت نخست در میوه جات و چیزهای پخته شدنی است . و نیز ریشه (ام) در کلمه (امانی) بمعنی کل و تمام وهم در کلمه (امبار) که اصلش (انبار) است و ماخوذ از ابنه بمعنی فراهم آورده شده است دیده میشود و این هم مشتق از ریشه (ان) بمعنی چیدن و جمع آوردن و کثرت و فرت است چنانچه در (انمل) مشاهده میگردد ، بنابراین لغوی اسم چنین میشود :

امی :- «۱» ماه تمام ، بدر «۲» سرسبز ، برومند «۳» نخست ، مقدم .



## ۹۳- اندی (ف س ف س)

از اعلام رجال و بنای آن از کلمه (اند) است ، که از جمله معانی آن فکر و اندیشه است بنابراین لغوی اسم چنین میشود :

اندی :- فکر ، متأمل ، اندیشمند .



## ۹۴- انگل (ف س ف س)

از نامهای رجال بوده بنای آن از (انگ) است . کلمه (انگ) در پشتو دارای چندین معنی است از آنجمله آواز چنانچه در انگازه و انگروزه (آوازه) دیده میشود ، و از همین اصل انگل در پشتوی موجوده بمعنی شور و غوغا و نزاع است . دیگر تصور و پندار چنانچه در انگیرل (پنداشتن) . دیگر بدن و جسم مطلق چنانچه در انگری (آنچه جسم را در بر گرفته ، پراهن) . انگ در سنسکریت هم بمعنی تن و جسم و جسم مطلق است چنانچه انگ پدیا بمعنی علم تشریح بدن و علم طب است و اگر ما بخواهیم که همین اسم را در پشتو استعمال کنیم به صورت انگ پدیا از معنر (پوهیدل) امکان دارد. در فارسی نیز کلمه اندام که لغت مشترک بین پشتو و فارسی است بمعنی جسم مطلق آمده است .

انگ بمعنی آتش هم می باشد چنانچه در انکار و انگاره و از آنجا که آتش نورا نیتی دارد در انگلیسی انگل Angel (۱) بمعنی فرشته و جمیل آمده است و چون آتش متضمن حدت و تیزی و بر

(۱) تلفظ آن انجل میشود .

افروختن است در انگلیسی **Anger** بمعنی خشم و غضب و بر افروختن و انگری **Angry** بمعنی غضبناک و بر افروخته میباشد انگل در پیتو شور و غوغا ست بالجمله معنی لغوی اسم چنین میشود

انگل: - شور و غوغا، خصومت، دعوی، تند مزاج، هنگامه جو .



## ۹۵- اورنگ (فس فس س)

از نامهای رجال و اساس بنای آن لفظ (اور) است و ریشه آن (او) که متضمن معنی بلندی است و شرح آن در تحت ابر داده شده است بنابراین اساس اورنگ بمعنی تخت شده است، و نیز ماده (اور) بمعنی تندی و آتشین مزاجی است چنانچه در (اوری) بمعنی خر دل دیده میشود و هم (اوره) یا (اورده) بمعنی دگر گونی و تقلب میاید این اسم نظیر و عدیل کورنگ است و بر دو شخص هم نظیر و مماثل بطور صفت اطلاق میشود بالجمله معنی لغوی اسم چنین میشود :

اورنگ: - (۱) جوان فشنگ و زرننگ (۲) شوخ و بیباک (۳) شیاد و طرار



## ۹۶- اېمل (ك مج فس)

از نامهای رجال بوده و اصل آن یمل است ، امل ، همل ، اېمل و هېمل از لهجه های آن است ، ماده اسم ( یم ) یا ( ام ) میباشد و ( یم ) یا ( یوم ) بمعنی گاو آهن و بیل است ، و چون اصل ( م ) ( واو ) میباشد ( یم ) در اصل ( یوه ) است بمعنی دهقانی و زمین شگافتن ( ام ) در اوستا بمعنی قوت و توان است چنانچه ( امونت ) بمعنی توانا و زور مند است . ( اېمر ) در زبان نورستانی بمعنی خداوند است که بزرگترین توانا است . از تعقیق در اضراف معانی فوق و اصول تبدل حروف چنان معلوم میشود که صورت قدیم کلمه ( یمر ) بمعنی دهقان است بالجمله معنی لغوی اسم چنین میشود اېمل : - توانا ، زور مند ، دهقان ، کشاورز



## ۹۷- بارك (فس فس)

از نامهای رجال و بنای آن از کلمه ( بار ) است باره در پیتو بمعنی سنگ بست و حصار است در انگلیسی هم بار **Bar** بمعنی شده میباشد بنابراین بمعنی لغوی اسم چنین میشود: بارك: حصن، حصار قشّه عسکری .



## ۹۸- بالمیر (فسسك مع س)

نام رجال و بنای آن ازدو کلمه است یکی (بال) و دیگری (میر) . بال صورت ممدود (بل) است که بمعنی بلند و مرادف (بر) است چنانچه در (بلی) بمعنی بام و میر بمعنی شخص نخست و رئیس است بنا بران معنی لغوی اسم چنین میشود.  
بالمیر: - شخص نخست، رئیس کل



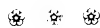
## ۹۹- بلو (فیض مع)

از نامهای رجال و اساس بنای آن (بل) است، بلو پشتو بمعنی بر جسته و ضخیم و پر باد میباشد و نیز بمعنی حریف و هوسرمیاید بنا بران معنی لغوی اسم چنین میشود:  
بلو: حریف رقیب و اگر ریشه آنرا از بلوی و بلی که بمعنی ثروت و ثروتمند است بدانیم باید بلو معنی متمول را افاده کند



## ۱۰۰- برزن-گی (فسفسفس)

از اعلام رجال و اساس بنای آن (برز) و آن بدل (ورز) است (ور) و (بر) متضمن قوت و غلبه و تفوق است و رزشت بمعنی عمل و کار است بعد از برزنگی غرزنگی بطور تاکید آن آمده و معاً بقسم صفت مستعمل میشود بالجمله معنی لغوی اسم چنین میشود برزنگی: تنومند بالیده، قوی، توانا



## ۱۰۱- برمک (فسفسفس)

از اسمای قدیم باختری است و از جمله اشخاص مسمی باین نام یکی جدیحی بن خالد بن برمک میباشد که خاندان معروف برامک به او منسوبند ترکیب اسم ازدو جزء است (بر) و (مک) برمانند پردر سنسکریت و پښتو و بعضی السنه دیگر آریانی بمعنی بلند و عالی است (مک) هم در پښتو و سنسکریت بمعنی بلند و عالی است مک در پښتو بمعنی قمر هم می آید و مجازاً بمعنی جاه و جلال است .  
بنا بران معنی لغوی اسم چنین میشود :

برمک :- خیلی بلند ، عالی شان ، با جلال ، با عظمت .

## ۱۰۲- بزړگي (فزس فس)

ازنامهای رجال و اساس بنای آن کلمه (بزړ) است و آن از ریشه (بز) ساخته شده که متضمن معنی شکستن و نظائر آن است چنانچه (بزل) بمعنی کوفتن و خورد کردن است و (بزی) بمعنی کویه پشم است، و نظربه این (بزړ) بمعنی کوچک است و بزړگي نیز افاده همان معنی را می نماید مانند کمکی بالجمله معنی لغوی اسم چنین میشود .  
بزړگي . صغیر ، نابالغ ، خورد سال

❦ ❦ ❦

## ۱۰۳- بزړنگي (ك فس فس)

از اعلام رجال است و اساس بنای آن لفظ (بزړ) است که ریشه کلمه بزړ و بزړل بمعنی کوبیدن و دریدن و امثال آن می باشد . بالجمله معنی لغوی اسم چنین می شود .  
بزړنگي : شیر بچه ، پلنگ چوچه ، درنده .  
تبصره : بزړنگي را بطور صفت برای اطفال و خورد سالها بطور حقیقی و تمجید استعمال می نمایند و برای اشخاص بی جرأت و بی همت از طریق استهزاء .

❦ ❦ ❦

## ۱۰۴- بهمري (ف فس فس)

ازنامهای رجال است و ماده اساسی بنای آن دو جزء است یکی (به) دوم (مر) . (به) بدل (وه) میتوان شد و آن بمعنی خوب و متعجب است چنانچه در (وهوا) . کلمه وه و بدل آن اهو در اوستا هم بمعنی خوب است ، و اول ترین و اولی ترین خوبها عقل و دانش است . مر بدل از من و معنی دارائی و مالکیت را افاده میکند . بالجمله معنی لغوی اسم چنین میشود :  
بهمري . حکیم ، دانا ، جمیل ، ستوده .

❦ ❦ ❦

## ۱۰۵- بهمن (ف فس فس)

ازنامهای قدیم رجال و استعمال آن متروک است . بنای آن از دو جزء است یکی (به) و دوم (من) و شرح هر دو جزء در ترجمه اسم بهمري گذشت با لجمه معنی لغوی آن چنین می توان شد .

بهمن . هشیار ، نکو کار ( با صلا ح حکمای قدیم ) عقل اول

## ۱۰۶- پټول (ف ض م ج س)

از اعلام رجال است . اساس کلمه (پټ) بوده و آن بمعنی عرض و پهنائی است نظربان معنی لغوی اسم چنین میشود : پټول :- (شخص) سینه کشاده ، وسیع الصدر ، خشنود ، خندان ، بشاش .



## ۱۰۷ پنگرام (ف س ل ف س س)

اسم قریه ایست نزدیک به مرکز چرخ لوگرودر حوالی کوه خروار بنای اسم ازدوجزه است ، یکی (پن) و دوم (گرام) جزء اول از ریشه های معروف زبان پشتو و متضمن معنی اجتماع و زیادت و بزرگی و علو و امثال آن است چنانچه در (پنډ) بمعنی جمع شده و گردآمده . جزء دوم یعنی (گرام) بمعنی - بنا ، آبادی ، قریه ، شهر و امثال آن است ، بنابراین معنی لغوی اسم چنین میشود : پنگرام :- شهر بزرگ ، شهر مرتفع ، بنای عالی .



## ۱۰۸- پیارو (س ف س ض مع)

از نام های مردان است . ساخت لفظ از پی (شیر) میباشد ، چنانچه به مرتبه اول پیار و به مرتبه ثانی پیارو گردیده است معنی لغوی آن اینست : پیارو :- لبنیات فروش



## ۱۱۰- تارو (ف س ض مع)

از اعلام رجال است . اساس آن از (تار) بنا یافته و این ریشه دارای معانی قدامت ، بزرگی ، قوت و امثال آنست چنانچه در تاران گذشت ، و نیز تارو اسم پرنده ایست به قدر کبک که رنگ سیاه گون براق داشته گوشت خیلی لذیذ دارد . پرواز آن کم اما بیای رفتار بسیار تند و سریع دارد . غالباً معلوم میشود که اسم اشخاص هم از همین تاروی پرنده اتخاذ شده باشد بنابراین معنی لغوی اسم چنین میشود . تار و - بادپای ، تندرو ، تیز رفتار

## ۱۱۱- ترک (فزس)

نام رجال وریشه بنای آن (تر) است که متضمن معنی شق شدن و دمیدن و ظهور کردن است چنانچه در ترکان (شق کمننده) بمعنی نجار و ترک و هل بمعنی نواز زمین سرزدن و تر کیدن و ترق سبا - صبح نخستین و ترکا که در هندی بمعنی صبح، فجر، سحر گاهان و علی الصباح است و ماخوذ از همین ترک پشتو بالجمله معنی لغوی اسم چنین میشود:

ترک: - نوظهور، نوبرجسته، نورسیده، فجر، صبح، نخستین



## ۱۱۲- تمن (ضفس)

از اسمای رجال و اساس بنای آن از (تم) است تم و تمنه در پشتو بمعنی مایه و اصل است بنا بران بمعنی نژاد هم میشود چنانچه در سنپتمان بمعنی نژاد سفید که از الفاظ پشتوی قدیم بوده و در اوستا استعمال شده دیده میشود ازینرو معنی لغوی اسم چنین است تمن: - نژاد اصل، نجیب، اصیل، خاندانی



## ۱۱۳- تمنی (ضفس)

نام زنان و مذکر آن تمن است. و از لفظ (تم) بمعنی مایه و اصل و نژاد ساخته شده است بیا بران معنی لغوی آن چنین میشود:

تمنی: - نجیبه - شریفه



## ۱۱۴- تور دلی (ض. چ ف ف س)

نام رجال است و نیز اسم پرندۀ کوچکی است که در بزرگی باندازه گنجشک بوده رنگ سیاه اطلسی دارد، و چون گل سیاه، خیلی قشنگ و زیبا است نظربه رنگ و سیمای پرندۀ مذکور تور دلی بدل تور گلی است چنانچه تور گلی هم از جمله اعلام بوده و از روی لغت همان معنی فوق را دارد پس معنی لغوی اسم مذکور چنین است:

تور دلی: - گلاب سیاه، گل سیاه اطلسی، سیاه براق.



## ۱۱۵- نغر (فس)

از اعلام رجال است بنای اسم از (نغ) بوده و (نغ) در اصل حکمایه از آوا ز زاغ است چنانچه زاغ بمعنی زاغ میباشد و از آنجا که زاغ به هوشیاری و حذر ضرب المثل است نغو و نغ بمعنی هوش و فر است مستعمل میشود بنا برین ترتیب معنی لغوی اسم چنین میشود نغر: - زیرک، دوراندیش، پر حذر، محتاط،

دمحا سياتو دعمومي تفتيش رياست :

رئيس	: ع ، ص غلام مجتبی خان
دتفتيش مدير	: ص ، نصر الله خان
»	: » ، عبدا لرحمن خان
»	: » ، غوث الدين خان

د كنترول او دفرما يساتو دتسهيل لوى مديریت :

عمومي مدير اودمر كړي صنائعودخانگي آمر	: ع ، محمد نعيم خان
فني مشا ور	: عزتمند مستر كبخن تال

دولا ياتو او اعلى حكومتو تشکيلات

د كابل ولايت

د كابل دولايت والى	: و ، ج محمد اسماعيل خان
مستوفى	: ع ، ص سيد حبيب خان
دامنيجي قوما ندان	: ح ، محمد نعيم خان
دمرافعى دمحككمى فاضلى	: ف ، عبدالجليل خان
دگمرک رئيس	: ع ، ص غلام حيدر خان
دمعا برو عمومي مدير	: ع ، احمد شاه خان
دتعميراتو عمومي مدير	: » ، عبدالقياس خان
دتجريراتو مدير	: ص ، عبدالباقي خان
داحصا ثبتي مدير	: » ، امين الله خان
دتفتيش داحصا ثبتي مدير	: » ، علي محمد خان
د كابل دفوائدعامي دكنترول دمديريت كفيل	: » ، محمد رفيق خان
دژاندارمي غنډو مشر	: ح ، عبدالكريم خان
دپو ليسو سرما مور	: ش ، امير محمد خان
دمحبس دصنائعو عمومي مدير	: ع ، عبدالغالى خان
دقوما نداني دجزا مدير	: ص ، سيد بها والدين خان

## ۱۱۶ - جمند (ف ف س س)

از اسمای رجال است وریشه بنای آن لفظ (جم) است و نسبت بان در ذیل اسم جمر ود شرحی داده شده و در ذیل اسم جوند هم شرحی در باره آن دیده میشود بالجمله ، جمند بدل جوند و مرادف جوان و جوانی است و معنی لغوی آن - چنین میشود :

جمند : - جوان ، توانا ، باروح ، بانشاط ، باطراوت ، در بهار جوانی



## ۱۱۷ - جوند (ف ف س س)

اسم موضع است درهرات و اساس بنای آن از لفظ (جو) است . کلمه (جهان) از همین جو بعد از بدل (و) آن به (ه) ساخته شده است ، کلمه (جو) بدل (زو) است و نیز از بدل های آن است گو ، ژو ، زو ، نحو ، واز آنها زوئندی ، گونیدی ، ژوندی ، زوندی جوندی برآمده است . از صورت (نحو) نحوان و نحوانی بوجود آمده ، یعنی از خود اصل دارد نه آنکه از لهجه های جوان و جوانی است ، از تبدیل (و) نحو به (ل) محل برآمده است و از آن محلی ، محلا محلانند و غیره حاصل شده است . محل نظر به تضمن این ماده معنی نورانیت را دارا بوده بمعنی آتش نیز شده است . چنانچه در (خلبانند) و همچنان (جل) که بدل (جو) است بمعنی آتش میباشد در سنسکریت (جوالا) بمعنی آتش ، شعله ، حدت ، تندی و آتش عشق میباشد از (جو) درهندی کلمه (جوین) اشتقاق شده است و معنی آن شباب خو بصورتی ، رونق و موج است . ریشه (جو) اولاً متضمن معنی حرکت و بعد از آن حیات و بعد طراوت ، جمال موج ، رونق ، قدر قیمت ، قوت و نظایر آن است و از مشتقات آن (جوهر) است که از روی وصول اشتقاق پیتو در اول (جور) بود یعنی از ضم (جو) با (وز) که افاده معنی دارائی را میکند ساخته شده است ، در ثانی (و) دوم بدل به (ه) شده جوهر گردیده است ، بالجمله نظریه فوق اسم جوند چنین ترجمه میشود :

جوند - جوان ، زیبا ، فشنگ ، باروح ، بانشاط ، بارونق ، تندرست ، توانا ، متین - جوانی ، طراوت ، زیبایی ، فشنگی ، توانائی ، تندرستی ، صحت ،



## ۱۱۸ خندی (ف س ف س)

اسم قریه ایست در منگل کی از علاقه سمت جنوبی است . این کلمه در اصل از اسمای عامه بوده بمعنی بنا ، قریه و شهر است مانند کند یا کندی ، و گند و گنگ چنانچه در بهشت - گنگ که از بناهای افراسیاب بود و در فرهنگ های فارسی هم وارد آمده دیده میشود . واصل همه کلمات مذکور (گنگ) است . خندی و کندی با هم مترادف اند . بنا بر شرح فوق معنی لغوی اسم چنین شد :

خندی : - ده ، قریه ، شهر :

### ۱۱۹- خیسور (فس س فس)

از اسماء رجال است و برای زنان خیسوره استعمال میشود . بنای اسم از (خیس) و (ور) لاحقه مفید دارائی است . خیس بمعنی خوشنمائی بوده و مرکب از (خ) بمعنی خوب که املا ی اصلی آن (ن) میباشد و (یس) که ریشه اصلی مصدر یسدل (نمائیدن) است ، بنا بران معنی لغوی اسم چنین میشود :

خیسور : - خوش روی ، خوش نما ، قشنگ ، زیبا .



### ۱۲۰- درونته (فض مع س ف)

اسم آخرین قسمت خاک لغمان است که دریای لغمان بعد از اتحاد بادر یای کابل در آنجا از میان تنگنای بین دو کوه گزشته بخاک علاقه جلال آباد داخل میشود ، بنای اسم از دوجزء است ، (در) و (ونته) و نته یا ونت از کلمات قدیم پشتو است و در سنسکریت واوستا هم موجود است و در آخر کلمات الحاق یافته افاده دارائی و مالکیت را میکند چنانچه معنی لفظی درونته دارای دریا دروازه دار میباشد . کلمه ونت در بعضی کلمات قدیم دیده میشود و اکنون در عوض آن (وند) یا (من) مستعمل است . و می باید که حضرات ادبدر آینده هنگام ساختن الفاظ مرکب عوض لاحقه (وند) و (مند) از (ونت) نیز در بعضی مواقع کار بگیرند . بالجمله معنی لغوی اسم چنین میشود :

درونته : - دربند ، تنگنا .



### ۱۲۱- سپندود (س فس ض مع س)

از نام های قدیم باختری زنان است از شاهنامه معلوم میشود که قیصر روم یکی از دختران خود به گشتاسپ پاد شاه باختری داده بود و گشتاسپ بروی سپندود نام گراشت . چنانچه فردوسی گوید

بدو داد قیصر سپندود را بصورت یکی شمع بی دود را

بنای اسم از دوجزء است یکی (سپین) بمعنی سفید و دیگر (دود) که بمعنی دودمان و نژاد و رسم

ورواج است بنا بران معنی لغوی اسم چنین میشود :

سپندود : - نژاد سفید ، عرق ایض یا خوب رواج و دارای رسم خوب .

## ۱۲۲- سامی (ف س زس)

نام زنان است . و برای مردان سامی میشود اساس بنای آن از (سا) می باشد و (سا) در پښتو بمعنی نفس و حیات است ، و نیز ساوو ، ساهو یا ساو بمعنی نجیب ، شریف اصیل ، اعیان زاده و خان زاده است و چونیکه ساوو صفت است می باید که اصل ماده که اسم است یا (سا) باشد یا (شتاو) بهر دو صورت (سا) یا (ساو) بمعنی نجابت ، شرافت ، اصالت ، اعیان زادگی و خان زادگی و امثال آن میشود . اکنون اگر اصل ماده اسم (سا) قرار داده شود لفظ (می) در سامی مانند (وو) در ساوو ادات نسبت است ، و اگر ماده (ساو) قرار داد شود اصل سامی ساوی- میشود باین ترتیب که حرف (د) آن به (م) بدل گشته است بهر دو صورت سامی مرادف ساهو یا ساوو میباشد و چون سامی مونث است مذکر آن سامی میشود ، و با سامی عربی که بمعنی عالی است قریب وهم معنی میگردد . بالجمله معنی لغوی اسم چنین میشود :

سامی : (خانم) نجیبه ، شریفه ، اصیل زاده ، اعیان زاده ، خان زاده .



## ۱۲۳- سرپر بکری (ف س س ک مج س ف س)

از نام های رجال است . معنی لفظی آن سر بریده میشود و مجازاً بمعنی مرد شجاع و بی ترس مینماید ، و نیز بمعنی سوگند خورده است . چنانچه سر پر بکول یا سر و رکول با اصطلاح معروف و متداول سمت جنوبی بمعنی قسم خوردن است ، خصوصاً در فصل مسائل حقوقی بکثرت واقع شده متخاصمین باهم میگویند یا سررا پریکړه ، یا به سردرته پر بکړم یا قسم بخور ، یا قسم میخورم . بنا بران معنی لغوی اسم چنین میشود :

سر پر بکری :- (۱) سر باز ، جسور ، متهور (۲) حلیف ، سوگندی .



## ۱۲۴- سروانی (ف س ف س ف س)

نام رجال است . اساس آن از لفظ سر وان بنا یافته مخفف سار وان بمعنی دارنده شتر بسیار است و اگر نه سار بمعنی دیدبانی ، مراقبت و پاسبانی باشد معنی اسم دیدبان ، پاسبان پیش قراول و کشاف (Scout) میشود . سار بمعنی شتر از همین سار بمعنی دیدبان و کشیکچی گرفته شده و کلمه پشتواست زیرا که وضع خلقت شتر یعنی قبلند و گردن بر جسته و دراز او که با آن اطراف و جوانب را از دور می بیند به کشیکچی می ماند . بالجمله معنی لغوی اسم چنین میشود :

سروانی : (۱) دارای شتر زیاد . پرورنده شتر (۲) پیش قراول



## ۱۲۵ - سروقی (ف ض مج ف س)

اسم موضع معروفی است در سمت جنوبی و جنگل خوب اشجار مخصوصاً چوب ارچه که در عبارت بکار برده میشود دارد، و از حیث ارتفاع بر اطراف خیلی بلند است. بنای آن از کلمه (سر) و (وت) میباشد. جزء اول معروف است و جزء دوم بمعنی بلند برآمده و مرتفع است بنا بر این معنی لغوی اسم چنین میشود: سروقی: موضع مرتفع، سطح مرتفع، محل حاکم بر حواشی و جوانب.



## ۱۲۶ - سر بن (ف ف ف س)

از اعلام رجال است و ترکیب آن از لفظ (سر) و (بن) است. سر بمعنی عمامه و دستار می توان شد چنانچه از سرپی- یاخرپی- (دسته از موی سر که هندوها یا بعضی مردم بطور نذر بر سر گذارند و نتراشند) مستفاد می شود و نیز سر متضمن معنی سردی است و عمامه سر را از حرارت آفتاب باز داشته سرد نگه میدارد و درین صورت ممکن است که (سر) از کلمه (سر) بمعنی آفتاب گرفته شده، بمعنی آفتاب گیر و آفتاب گردان باشد، سر بدل خر بمعنی چرایش نیز میتواند شد، کلمه (بن) مخفف بان یا بند است، بالجملة معنی لغوی اسم چنین میشود:

سر بن: دستار بند، صاحب عمامه، رئیس قوم - شبان، راعی.



## ۱۲۷ - سمر از (ف س ف س س)

از اسماء رجال است و ترکیب آن از دو جزء یکی (سم) و دوم (راز) صورت گرفته است. سم بمعنی راست، درست و باصلاح است. راز مرادف روز و بمعنی پرورش یا بمعنی طور و وضع است، بنا بر این معنی لغوی اسم چنین میشود:

سمر از، صداقت پرور، راست اندیش، نیکوروش، درست کار، باصلاح.



## ۱۲۸ - سوریا (ض مع س ف س)

قراریکه شنیده ام نام زنان است ولی از شکل و آهنگ لفظی آن معلوم میشود که نام مردان باشد، بهر صورت ترکیب لفظی آن از (سور) و (یا) میباشد جزء اخبارات نسبت است و معنی لفظی آن منسوب یا متعلق به سور میشود. سور در پشته بمعنی سرخ در رنگ و گرم و تافه است و نیز بمعنی آفتاب میتوان شد خصوصاً که سوریا دروید بمعنی رب النوع آفتاب است و غالباً که در پشته نیز به همین معنی بوده است چون قشنگی و جذابی های زیادی به آفتاب نسبت میشود معنی لغوی اسم چنین می آید: سوریا- سرخ رنگ، آفتاب و ش، مهر آسا، جذاب.

## ۱۲۹ - شاگی (ف، س، ف، س)

نام رجال است و اساس بنای آن (شا) است و آن در پشتو بمعنی خوب است و از آن جهت بر پادشاه اطلاق میشود، و نیز دارای معنی علو و رفعت است چنانچه شاگی تیره را گویند. لاحقه (گی) احتمال تصغیر و نسبت هر دو را دارد، بنا بران معنی لغوی اسم چنین میشود: شاگی: - ولیعهد پادشاه در منسوب و متعلق به شاه، شاهانه.



## ۱۳۰ - شمram (ف، ف، س، س)

اسم موضعی است در لغمان. بنای آن از دو جزء است یکی (شم) که بمعنی تیره رنگ به سبزی مائل و بدل آن (شن) است، و دوم (ram) که بمعنی محل و جای است. بطن غالب (شم) اسم شخصی بوده و موضع مذکور بنام او معروف شده است، معنی لفظی اسم جای تاریک و مجازاً چیز تیره بنظر می آید، و بنا بر همین معنی مجازی آن معنی لغوی اسم چنین میشود:

شمram: - شبگون، شب رنگ، شبیدیز.



## ۱۳۱ - شمشاد (ف، س، ف، س، س)

نام رجال است، و برای زنان (شمشاده) گفته میشود و نیز اسم کوه بلند است در سرحد مشرقی افغانستان بحد تورخم و نام درخت معروفی هم است که چوپ خوب و کار آمدی دارد. بنای اسم از دو کلمه (شم) و (شاد) است. شم بدل سم و آن بمعنی راست، بر ا بر و کامل است. در اوستا، اشا و اشم بمعنی راستی و درست است. شاد بمعنی شاده و خاده که بدل خاته بمعنی برآمده و طال است میباشد، بنا بران معنی لغوی اسم چنین میشود: شمشاد: - بلند بالا، سروقد، راست قد، کوه شامخیکه جدار آن بطور عمودی بلند رفته باشد.



## ۱۳۲ - شمل (ف، ف، س)

از اعلام ذکور است و شمل زی اسم چند قبیله پشتو نها است. اصل کلمه شامل است که معنی آن پیشتر گذشته به آن رجوع شود.

### ۱۳۳- شمن گل (ف ف ف ف س)

اسم موضعی است در قرب مرکز لغمان بنای اسم از دو جزء است یکی (شمن) که مانند شمند بمعنی سیاه و تیره است چنانچه در شمشکی (کاسنی) که گل تیره دارد و در شمندروز (فناویز) که معنی لفظی آن سیاه پرورده است ، دوم (گل) که بمعنی موضع و جای است بنا بران معنی لغوی اسم چنین میشود : شمنگل : - خوابگاه ، شبستان .



### ۱۳۴- شمی (ف ز س)

از اعلام اناث است و اساس آن (شم) است که با (سم) بمعنی راست و مستقیم اتحاد اصلی دارد ، و نیز (شم) بمعنی سیاه و سیاه فام می آید . بنا بران معنی لغوی اسم چنین میشود : شمی : - راست بالا ، مستقیم قامت ، مشک فام .



### ۱۳۵- شن-گرام (ک س س ف س س)

اسم موضعی است ترکیب آن از دو جزء است یکی (شن) دوم (گرام) بمعنی معروف (شن) سبز میباشد و معنی گرام چند بار گذشته است علیهذا معنی لغوی اسم چنین میشود : شن-گرام : - شهر سبز ، موضع آباد ، سرسبز . معموره خرم و حاصلخیز .



### ۱۳۶- غرغشت (ف س ف س س)

از اسماً مردان بوده و یکی از اجداد بزرگ افغانها میباشد . ترکیب آن از دو جزء است یکی (غر) که بمعنی کوه و مجازاً بمعنی عالی ، عظیم و متین و امثال آن میباشد و دوم (غشت) که متضمن معنی توانائی و متانت و نور دیدن است بالجمله معنی لغوی آن چنین می تواند شد : غرغشت : - بزرگ و توانا ، متین ، کوه نورد .



### ۱۳۷- کند (ف س س)

نام رجال و ریشه آن (کن) است و کن (Kin) همچنانکه در انگلیسی بمعنی نسبت ، قوم ، خویش ، اصل و نژاد میباشد ، کند در پښتو بمعنی قوم و ملت است و کندک بمعنی

جماعه و دسته از مردم و نیز کنند بمعنی ده . قریه و شهر است .  
 واز کلمه ( کندوک ) که بمعنی مجمع غله است نیز معلوم میشود که کنند بمعنی رئیس  
 است که قوم بدور او گرد آمده اند نظر به آنچه ذکر یافت بمعنی لغوی اسم چنین میشود :  
 کند : - سردار قوم ، بزرگ قوم



### ۱۳۸ - کورنگ (فسفسس)

نام رجال است اساس بنای آن لفظ ( کور ) و ریشه آن ( کو ) میباشد این ریشه مانند  
 ( کا ) متضمن معنی علو و رفعت است و بهمین مناسبت ( کو ) اسم کوهان اشتر گردیده است .  
 ( کور ) بدل از ( کو ) بمعنی قلعه و حصار هم از همین ریشه ساخته شده است .  
 این اسم عدیل وجود و اورنگ است چنانچه دوفرد بچه های همسال را بخطاب او رنگ  
 و کورنگ یاد میکنند از آن معلوم میشود که هردو مترادف و موید همدیگر اند ، با لجمه معنی  
 لغوی اسم چنین میشود :  
 کورنگ : - جوان قشنگ ، بلند قد ، زرنک



### ۱۳۹ - گلران (ضسفسس)

نام مردان است و برای زنان گلرانه میشود ، بنای آن از ( گل ) و ( ران ) است معنی  
 گل معروف است و ( ران ) از ( را ) ساخته شده و آن مرادف است با ( رو ) که از ( روین )  
 و ( روینان ) ساخته شده و با ( ری ) در زبان انگلیسی ( Ray ) که بمعنی شعاع و پرتو است  
 بنا بران معنی ( ران ) روشن و با پرتو است و مرادف ( رن ) یا ( رون ) میشود ، واز آنجا که  
 رنگ چیز رنگه را در نظر روشن میسازد ، از ( ران ) کلمه ( رنگ ) مشتق شده است .  
 بعضی افغانها کلمه رنگ را رانگ و رنگه را رانگه هم تلفظ می کنند . رانجه بمعنی سرمه  
 بدل کلمه رانگ است چرا که موجب روشنائی چشم است ، بالجمله معنی لغوی اسم چنین میشود :  
 گلران : - گلرنگ ، گلگون .



### ۱۴۰ - لاجیر (فسسكمعس)

اسم رجال است و بنای آن ازدوجزه میباشد ( لاج ) و ( میر ) این اسم ( راجمیر ) هم  
 گفته میشود ، معنی ( میر ) معلوم است ، و ( لاج ) بدل ( راج ) میشود در اطراف کلمه ( راج )  
 در ذیل اسم را جان صحبت شده ، نظر به آن بمعنی حکومت و حاکم و توانگری و بزرگی

است، و نیز در پښتو (راجاسری) بمعنی شخص با سخاوت و کریم میباشد لهذا معنی لغوی اسم چنین میتوان شد :  
لاجمیر : - صاحب سلطه ، با نفوذ ، رئیس بزرگ



### ۱۴۱ - لو گر (ف س فس)

اسم ناحیه از ولایت کابل است که بطرف جنوب واقع است بنای آن از د و کلمه (لو) و (گر) ترکیب یافته گر بمعنی ظرف مکان و لو بمعنی درو است ، معنی لفظی لو گر جای درو میشود ، و حقیقتاً که در لو گر کشت و زراعت بوفرت است چنانچه آنرا غله خانه و گدام کابل می گویند و نیز (لو) بمعنی میل مفرط یا عشق است چنانچه در لبوال و لیونی دیده میشود ، در انگلیسی هم لو (Love) بمعنی عشق است بنا بران از لو گر مفهوم سر ز مین عشق هم جلوه گر میشود ، طوریکه ساز و سرود امروز آن معروف و مؤید این نظریه است ، بالجمله معنی لغوی آن چنین میشود :

لو گر : - (۱) سرزمین غله خیز (۲) خانه عشق .



### ۱۴۲ - لونگ (ف س س)

از اسمای رجال است برای زنان لونگه گفته میشود ، ماده اصلیه اسم (او) است معنی آن میل : عطف اشتیاق میباشد چنانچه در لویدل (افتادن) لویدی (هوا خواه) لو زه (کرسنه گی) لپوه (میل مفرط) لبوال (شیفته) لودر انگلیسی (Love) هم بمعنی محبت دوستی حب ، عشق ، خاطر خواهی میباشد . بالجمله معنای لغوی اسم چنین میشود :

لونگ : - عاشق ، معشوق ، محبوب دوستدار ، دلربا ، نازنین ، صدیق ، باوفا .



### ۱۴۳ - مترو (ف ض ج)

از اعلام اناث است . اساس آن کلمه (مت) است که شرح آن می آید .



### ۱۴۴ - متی (ف س)

از اعلام رجال است و برای زنان متو متی میشود ماده اسم مت است بمعنی ، قدرت، توان ، جد و جهدمناات و امثال آن ، چنانچه در متار (کسک مطبوع و محکم) متره (قوة معنویه، جرأت قلبی، شجاعت ادبی) مت و متینه (سخت و محکم) دیده میشود . نظر باین معنی لغوی اسم چنین میشود :

متی : - (آدم) متین ، باهمت ، با جرئت ، جدی ، کوششی .

### ۱۴۵ - مرگی (کس فس)

از اعلام رجال است. اشتقاق آن از مرگه بعمل آمده، مرگه بمعنی آهوی کوهی یا گوسفند کوهی است، بعضی بمعنی گوزن گویند. در هندی هم مرگه بمعنی آهوا آمده، معنی لفظی آن مکان بلند است و نظربان گوسفند کوهی یا گوزن را مرگه نامیده اند، فی الجمله معنی لغوی اسم چنین میشود: مرگی: - صیاد آهو، کسیکه شغل او شکار آهو باشد، متخصص در فن شکار، میر شکار.



### ۱۴۶ - مزینه (ف ک مع)

اسم موضعی است در علاقه شنوار اساس بنای آن از (مز) است. که از ریشه های اولی لغات پشتو است و ریشه کلمه مز که (زمین) میباشد مزین بمعنی زمین و مزینه بمعنی زمینه است، بنا برین معنی لغوی آن چنین میشود: مزینه: - زمینه، موضوع، مبحث.



### ۱۴۷ - مستان (ف س فس س)

از اعلام ذکور است و برای اناث مستانه میشود. اشتقاق آن از کلمه مست است، و در اطراف آن تحت اسم زرمست بحث شده است بالجمله معنی لغوی آن چنین میشود: مستان: شوخ و سنگ، بیباک و بی پروا، سرخوش، ولافید.



### ۱۴۸ - ممانه (ف ف س ف)

از اعلام اناث است در لغت اسم درخت کوهی و اسم میوه آن درخت است که رنگ سرخ تیره و طعم شیرینی دارد، و در برگی باندازه آلبالوی کوچک است ریشه کلمه (مم) و اصل آن (مو) است و اصل آن (وو) که از جمله چهار کلمه اساسی که ارکان اربعه کلمات پشتوانه میباشد و معنی لفظ اخیر الذکر در لغت باد است و از روی ریشه، مبدأ حرکت و میل است. بدل مو (می) است که از ان مینه و مشتقات آن پیدا شده است. (مو) در سنسکرت (موه) شده که بمعنی خواهش محبت، عشق و جادو است، و (موهنی) بمعنی خوشرواست و ازین معنی (موه) در فارسی مامده است بالجمله اصل ممانه، مونه، بعد موانه و بعد ممانه شده و مونه چون موهن سنسکرت و مینه پشتو است نظر به فوق معنی لغوی اسم مذکور چنین میشود:

ممانه: - دلفریب، دلربا، سحر کار، گلرخسار، حسین، جمیل، زیبا.

### ۱۴۹- صمی (فزس)

از اعلام اناث است ، کلمه فوق در لغت اسم حشره است از قسم ملخ که رنگ سبز بسیار قشنگ دارد در کابل آن را گهواره جنبان می گویند. اطلاق آن به انسان مجازاً بوده مراد از آن سرسبزی و خرمی است چنانچه بطور دعا میگویند (معنی مرغه شی) یعنی مانند معنی سرسبز و خرم شوی پس معنی آن از روی لغت چنین میشود :

معنی :- تروتازه ، سبز و خرم ، تندرست و توانا .



### ۱۵۰- مندو (فسض مج)

از اعلام رجال و اساس بنای آن (مند) است . مند بمعنی میان و درون شی و بدل (منج) است چنانچه در مندانو (چرخ مسکه بر آوردن از ماست یا شیر) و مند که (خسته) مفهوم درون ، میان خوب ظاهر میشود . وجه تسمیه تخم تربک به (مندو) هم ازین جهت است که از بین آن تیل کشیده میشود بنا برین معنی لغوی اسم چنین میشود :

مند و : مغز ، مخ ، لب ، لباب ، آدم یر مغز ، دانشمند .



### ۱۵۱- مندار (زس فس س)

از اعلام رجال بوده اساس آن از (مند) است ، بمعنی تاخت و کوشش چنانچه گویند ستا به کار کنی مادی و کپی (در کار شما خیلی کوشیدم) بنا بران معنی لغوی اسم چنین میشود :

مندار : تیز دو ، کوششی ، ساعی .



### ۱۵۲- مندهالی (زس فس زس)

نام زنان است . اساس آن از منده است . این ماده متضمن معنی قطع و کوتاهی و کلفتی میباشد چنانچه مندهی میش کوتاه گوش مندی درخت سرشاخ بریده وزن کوتاه قد چاقی را گویند .

منده کی بمعنی شاخچه بلوط و منده شاخ ضخیم درخت است . بنا بر مذ کور معنی لغوی اسم چنین می شود :

مندهالی :- زن کوتاه گیسو ، کوتاه موی ، کاکلی .

## د کابل کالنه

د حقو فو مدير : « ، محمد شاه خان  
د فو مانداني د مخصوص قلم مدير : « ، محمد سرور خان  
د تعليم اود تربيتي دمدير كښل : ش ، حبيب الله خان

### د کابل د ولايت مربوطه لوی حاکمان :

د شمالی لوی حاکم د حاکم اعلا په رتبه : ع ، ع ، ص عبد الصمد خان  
د غزنی لوی حاکم : ع ، ع عبد الشکور خان  
د دایزنگی \* : « ، « سید عباس خان  
د لوگر \* : « ، « احمد علیخان  
د پروان د \* : « ، « محمد عمر خان

### د قندهار ولایت

نائب الحکومه : و ، ج محمد قاسم خان  
مستوفی : ع ، ص عبد الاحد خان  
دامنیه د قوماندان کښل : ح ، نیاز گل خان  
د گمرک رئیس : ع ، ص محمد عزیز خان  
د معارفو : « ، « برهان الدین خان  
د مازعاتو د فیصلی رئیس : « ، « غلام فاروق خان  
د تجارتی اطاق رئیس : « ، « حاجی عبدالله خان  
د تحریراتو مدیر : ص ، محمد سرور خان  
د مخابراتو \* : « ، « گل احمد خان  
د خارجه د چارو مدیر : « ، « محمد رفیق خان  
د احصائیې : « ، « ضیاء الدین خان  
د صحیفې : « ، « محمد آصف خان  
د کړهڼی \* : « ، « غلام محمد خان  
د حمل و نقل \* : « ، « عبدالله خان  
د عایداتو د مالیې \* : « ، « میر سکندر خان

### د قندهار مربوطه لوی حاکمان

د کبر شک لوی حاکم : ع ، ع ، خ سید غلام رسول خان  
د ارزگان \* : « ، « پاینده محمد خان  
د قلات \* : « ، « محمد رفیق خان



### ۱۵۳ - منگل (ف س س)

نام مردان است . اساس بنای آن منگ وریشه این (من) است . من یامان هم در پښتو هم درسنسکریت بمعنی عزت ، قدرت ، منزلت ، غرور ، تکبر ، نخوت ، ناز و نظائر آن است . چنانچه (مانزه) بمعنی تعظیم ، احترام و سلام است ؛ و (مانه) بمعنی شکوه و شکایت و ناز است . و (منمی) بمعنی خودبینی و تکبر و نخوت است . (منگ) در پښتو بمعنی آئین ، روش و رسم است . (منگار) بمعنی مار و خراش و (منگل) بمعنی پنجه و چنگال است . (منگل) درسنسکریت بمعنی خوشی ، سرور ستاره مریخ و روز سه شنبه است . بنابراین معنی لغوی اسم چنین میشود .  
منگل : - شادمان ، سرور - متکبر ، مغرور ، قوی پنجه ، فولاد بازو ، جنگجو ، خونریز باعزم ، باثبات ، باعهده ، باقول .



### ۱۵۴ مولی (ض مع ف س)

مولی یا ملی از اعلام رجال است بشکل دیگر که عبارت از منی یا مونی باشد در لغات پښتو بمعنی پارسا و متدین آمده است . من در سنسکریت بمعنی مرقاض و زاهد است و مونی بمعنی عالم و دانا است چنانچه (سکیامونی) لقب مؤسس مذهب بودائی است که لفظاً بمعنی عالم قوم سکیا میباشد ریشه کلمه من است که از ان در پښتو مصدر (منل) بمعنی اذعان کردن . اعتقاد کردن ، باور کردن پذیرفتن ساخته شده است . و نظر به آن مولی که از اعلام پښتو است مرادف و شکلی از اشکال مونی بمعنی عالم و پارسا و متدین میباشد و آن صفت است از منل و همین مولی در پښتو ماده مصدری شده و از ان مصدر مولیک (دانستن) ساخته شده است . و علیهذا ملایا مولا بمعنی عالم لفظ پښتو است که در سنسکریت چنانچه فوقاً تذکر یافت موجود بوده و در پښتو هم از پښتو رفته است بالجملة معنی لغوی اسم چنین میشود :

مولی : عالم دانا ، متدین ، زاهد ، پارسا .



### ۱۵۵ - نغرك (ف س ف س)

اسم موضعی است در سرخ رود جلال آباد در جوار راه عمومی بمسافه شش کروه از شهر جلال آباد بطرف کابل (لغز) مشتق از نغ یا ناغ بمعنی حصار و محصور یا حد و محدود است بنابراین بمعنی شهر میشود زیرا شهر در عرف عبارت از آبادی است که حصار داشته باشد . نغر مرادف نگر است که در سنسکریت هم بمعنی شهر است . لذا معنی لغوی آن چنین میشود .  
نغرك : - شهر کوچک .

### ۱۵۶- وده وو (ففس ض مع)

اسم موضعی است در قسمتهای اخیر دره الی نگار لغمان، ترکیب اسم از کلمه (وده) بالاحتیة (وو) میباشد، معنی (وده) نشو و نما، زیادت، حاصل خیزی و امثال آن است. بنا برین معنی لغوی اسم چنین شده. وده وو: حاصل خیز، پر حاصل.



### ۱۵۷- ورشی (ضس فس)

از اعلام رجال است، اشتقاق آن از کلمه ورشو است بمعنی مرتع و چرا گاه نظر به آن معنی لغوی اسم چنین میشود. ورشی :- دارای نعمت فراوان، غنی، منعم، سخی، بخشایشگر.



### ۱۵۸- وستان

از اعلام اثاث است و در دوره سابق باختری مورد استعمال بود چنانچه در داستان زیر اسم دختر ویشناسپ (گشتاسپ) گفته شده است دبستان به لهجه امروزی پشتو و ستانه گفته میشود، ماسر (مستانه) که شکلی است از اشکال (وستانه) و باهم مترادف اند، اشتقاق آن از کلمه (وست) است که مرادف وشت میباشد و آن متضمن معنی شوخی، چموشی مستی، لا قیدی و امثال آن است. و کذا در پشتو از ان وشتی بمعنی مزاح و خنده ساخته شده است، بنا بران معنی لغوی اسم چنین میشود:

وستان (وستانه): شوخ و شنگ، مست و بیباک، سرمست و سرخوش.



### ۱۵۹- هسمل (فس فس)

از اعلام رجال و بنای آن از دو جزء است یکی (هس) و دیگر (مل) معنی مل فرین و صاحب است، هس لهجه ایست درهغه بمعنی عزم و اراده بنا بران معنی لغوی اسم چنین میشود: هسمل :- با اراده باعزم.

## ۱۶۰ هسنی (فففس)

از اعلام رجال است ، بنای اسم از هسه که لهجه ایست درهڅه وهڅه را مادر ایشجا بمعنی تندروی و شتاب میگیریم بنابراین معنی لغوی اسم چنین میشود : هسنی : تند رو ، تیز رو چالاک .



## ۱۶۱ - (هو تک ض مع زس)

از اعلام رجال و قبیلۀ معروفی به آن منسوب است . هر گاه اساس ترکیب آنرا (هوته) قرار بدیم که آن بمعنی (هو که) بوده اسم مصدر است از (هو کول) بمعنی هان گفتنی ، معنی لغوی آن با سخن و با قول میشود و هر گاه ماده اصلی اسم (هو) باشد ، هو در پشتو کلمه ایست که در موقع احساس تعجب استعمال میشود ، و در اوستا بمعنی خوب و نیک است ، چون (ت) به آن ملحق شود هو ته بمعنی تعجب ، خوبی ، نیکی قول و عهد میشود ، قرار تذکر فوق (هو که) اصل یا بدل آن بوده از این هو تک ساخته شده است که معنی آن نکو اندیش ، نکو کار قائم به عهد ، ثابت القول ، بجا آورنده عهد صاحب علو نفس و بلند خیال میشود . هو تک به ضمه سبک هم تلفظ شده و هتک نوشته میشود در این صورت ماده کلمه هته است که اصل آن هڅه و بمعنی شتاب و میل و اقدام و همراهی می آید و نیز (هت) مانند (ات) بمعنی طعام است بنابراین اسم چنین میشود .  
هو تک - الوالعزم ، مقدم ، جری ، ثابت العهد همراه ، معاون ، نان ده . (انتها)



واسطه يې له کمي تصنع اجرا کېدای شي د اخلاق علاني مولف داخلي تربی په باره کيې هم دغه رایه څرگنده کړي دی وایی خلق داسی یوه منځکده چه به هغه سره افعال په اسانی له روحه صا درېځي او تامل او تفکر ته ئی څه حاجت نوي دروزنی دمطلب دزده کولو دپاره دا څو ټکي کافي دی اوس به گورو چه روزنه څه راز حاصلېږي او داسی یو الحی د کمکیانو دپاره دی که لویان هم پکيې پرځه لري ؟ دی ته څه انځکار نشته چه واده او غېان ټول دروزنی وړدی او د تربی قابلیت پکيې شته خو لویان په کومو خو یو نو چه له کمکیني پری اموخته شوی تربیایه پرهغه ټینگ و لادوی د هغوی زود فکر بدلول او زاده خو یو نه او عادات ئی ځنی لري کول ډیر زیار اور پر غواړی هغه شی چه د لویانو په روح کيې اوی تغیر او انقلاب پېیوی او د هغوی زدهونه پری متاثر کيږي دینی موعظی او سیاسی نظری دی لویان نوی منکوره نوی تربیه قبلوی خو هله چه پر دینی عقاید ویاړ مادی مصالحو بناشی .

هو روزنه یواځی پر کمکیانو پوری اړه نه لري لویان هم تری فایده اخلي خو کمکیان ډیر ژر تر ټیر لاندی راځي او دروز او دپاره ئی زیات مشکلات په مخ کيې نه وی .

اوس داویل غواړی چه د کمکیانو فطری میل پر که خواوی دخیر په طرف که د شر په لوری ؟ دسقراط دارایه ده چه کوچیان دخیر و خوا ته مایل دی او ددی د فطرت لوستی

د هر راز خیر او کمال دپاره چمتو دی دی سره دلور مقام او فلسفی شهرت یو نا متو مری اویا و دی روزونکی هم و . دسقراط تعلیمی طریقه پر یوه مخصوص او جذاب طرز بنا وه . ده خپل شاگردان دی ته مایلول چه په نظری مطالبو کيې پخپله دی ووهی اویه هغه باره کيې له استاد سره مناقشه او مناظره وکاندی . سقراط د درس په موقعه کيې دخپل لور مقامه څخه د شاگرد و سطحی ته را ټیټیده اوسم دغه استعداد او پوهی سره به ئی هغه سره خبری بحث مباحثه کوله هغه ته کمکی زود زلمی یو راز ایسیدل او گردنی د تعلیم او تربی وډبلل په مباحثاتو کيې به ئی له عادی او عام فېو مطالبو نه شروع کوله خبری به ئی ورو ورو پسی غټولی دارنگه گران مفاهیم به ئی په اسانه سره د هغو په مغزو کی ځایول . دسقراط په تعلیمی طریقه کی اساسی ټکی دغه وچه ده د شاگرد د سویی او د فېم په برابر خبری کولی .

د افلاطون دا عقیده ده چه شدود و یوه څه کی پروت دی او کمکیان سم دخپلو فطری امیالو

سره دشرو خوا ته هڅه لري . ده نفس یو مجرد جوهر باله چه د آرمونی دپاره ډیورته عقلی عالمه څخه و دی مادی نړۍ ته را کوز شوی نفس د تنبلی په حال کی بیا هم کولی شی چه خپله رابطه هغه لور عقلی عالم سره وساتي داهله کیدای شی چه د نیائی لذایذ له لملی پرېږدي له هر راز نفسی امیالو او خوا هشاتو مجردشی هر ډول سخته به ځان واخلي . د تجمل اودهو سانی سیامان له مخی ترک

کائندي . اوخپله ټوله توجه هغه عقلی عالم پوری ونښلوی - متنبي دعر بولوی فلسفې شاعر هم په دغه خواو اود انسان د تربیي دپاره ئی دغه طریقه خو ښواله ایی اعلیٰ معری دا ا ننگوا له چه کمکی مقطور بالشردی اوفساد دانسان غریزه ده .

ایسو عسین او ایسین په دغه گرو وو . دوی دا انگیر له چه دانسان په روح کی فطری شرائر ته دی . نوددی دپاره چه انسان له دی شرائر ته څخه وژغوری دستخو مجازاتواو کیلکو فواینو ضرورت دی پښتانه وائی : « چه دب نهوی هلته ادب نهوی » داقاسیانه اصول او قوانین په اروپا کی دروسو تر زمانی پوری مروج وورسودې ظالمانه نظریاتو اواصواو سره کناکه مجا دله وکوله خو ماتې ئی وکړ او میدان ئی پر ښود دو مره وشوله چه ددی سړی پاخه نظریات دیو هو خلقو په زړو کی لځای ونیو او دپېر خلق دده په خوا شول دروسود گنبد خلق اود پخوانیو نظریاتو پلی میدان سره ووتل گوئی ئی سره ماتې کړی ددی اخو دب د نتیجه وخه چه خلکو دروسو نظریات ومنل او هغه زړی پخوانی خبری دروزنی په باره کی مردودی شوی دروسو د نظریي جوهری ماده داده چه په روزنه کی د طبیعت تقلید کول په کناز دی دا صناعی جاری کمکیا نوته هېڅ گسته نه رسوی اوضرر ئی دېدی .

دی خپله په همدی طبیعی اصواو روان وا کشره بهد کمکیا نو د نظری نه پنا چیری ولاړو اوا لاری به ئی دهغو حرکات سککات د نظری لاندی ساتل اوسم د کوچنیانو د طبیعت سره به ئی هغوی روزل . دپاک قران سپیڅلی آیات پر دی دلالت کوی چه د انسان فطرت د دواړو خواوو یعنی د خیر اوشر دپاره مستعددی که څو ک ئی د خیر او کمال په لوری بیانی د خیر خواوند گرځی اوانسانی فضایل زده کوی او که شر ته ئی روزی دشر په لوری د رومي د نثنی پوهاو اصول هم پر دغه اساس ښادی . دپاک قران دا آیتونه په غور سره ولولی : الم تجعل له عینین ولسانا وشفین وهدینا له نجدین « و نفس وما سواها فآلهیما فجورها و تقواها » انا هدینا له السبیل اما شاکرا واما کفو را

کانت وائی چه کمکیان د زینیدوله زمانی نه بیا تر یوه محدود عمر پوری د ادبی ژوند خپښتانه دی معنی دا چه دهغو د فطرت اوسنی د خیر او دشر نه وزگار دی کوم خلک چه ددغی رائی په گرو دی هغوی له دی نه نسی منکریدای چه په وړو کی دد واړ وخواوو استعدادسته . د کمکیانو د فطری میل په باره کی اساسی نظریی دغه څلور دی چه پورته ئی بیان وشو دلته به کسار دی هغه شبهی اواعترافات چه دسر په گوته واردېږی په اجمالی توگئی بیان وشو :

دوی وائی : نه گوری، لښکه چه شره پاته سی اغزی پکې راټو کېږی دغه رنگه که د کمکیانو اوشی له روزنی نه وزگار پاته شو شر او فساد پکې لځای نیسی دوی دی خبری ته پام نه دی شوی چه که چا په لښکه کی څه ونه کړل او گټور تخم ئی پکې ونه شندل درا ټو کېدو قابلیت خو ئی لمنځه نه لځی دغه مال د زوزانو دانسی چه با د ئی پکې شیندی په لښکه کی را ټو کېږی نو که باد د زوزانو ددانو په لځای د لونگو دانی پکې وشیندل خامخا لونگ پکې را زرغو نهږی

وائی کمکیان ظالم جابر دی که دوی ته مرغی یابل کمکو ټی ژوی په لاس ور سی تر هغه ئی کښی کاږی خو لځنی ساه ووزی د کتاب پانی شو کوی اوشی ماتوی که بیاتی په گوټو ورغله هر شی پری غوڅوی روغ شی په کاله کی پرېږدی نه دا خبری ددی د لیل نه شی کیدای چه په رښتیا سره کمکیان د شر و خواته هغه لری کمکیان دا کارونه کوی خود دی کارونو باعث بل شی دی .

اول خورا ویل په کاردی چه کمکیان په دی نه پوهیږی چه مرغی یا بل کوم ژوی ، په مړود لو سره مری دوی تش په دی پوه دی چه که مرغه تری هسته شو . لځی الوزی نو خو ئی له لاسه کېږی هغو مړه زور پری اچوی خو په پای کی تری نه مړه شی . اوس به دا گورو چه کمکیان ولی شی ماتوی ولی کالی روغ نه پر یږدی ؟

زما خیال دی دومره خوبه هر چاته معلومه وی چه کمکیان تش ماتول وړانول نه کوی جوړول هم کا خبره داده چه واده دیوه خاص فطری غوښتی لامله چه غریزه تحلیل اوتر کپ ئی بولی له یو خوا شی ماتوی له بل پلوه دهغه شیانو په رغولو کی بوخت وی کمکیان شی ماتوی خو ماتول ئی په یوه خاص غرض مبنی دی دوی شی ماتوی یا ئی وړانوی چه و گوری څه راز اوله څه نه جوړ شوی ؟ په منځ کی ئی نور څه دی ؟ شی پوست دی که کلسک دی بیرته ئی لکه د پخوا په شان جوړوی شی که نه ؟ .

دوی دا کار د عقل په لارښونه نه نه کوی لښکه په دغه وختو کی دوی د پوهی خاوندان نه دی د اجریانات دیو الهامی دیوی په رڼا اجرا کېږی چه غرابز ئی پلو شی دی واده تر هغه وخته پوری چه د هغوی د سن تقاضاده په دی فطری او غریز وی چا ر و لگیا وی په واقعہ کی دغه د کمکی توپ کارونه اواز مېټونه که څه هم په عقل سره نه دی عقل نیمگړ تیاوی پوره کوی که کمکیان په کمکینی تجربی و نه کوی خامخا په لوی واله به ئی و کړی .

بله خبره چه د کمکیانو د شرارت لوی دلیل ئی بولی هغه داده چه وائی دوی شی پته وی یائی په زوره په جرا انگو لاله بل نه اخلی بیائی بیرته نه ور کوی . ددی خبری لوی باعث

د کمکیانو یو بل طبیعي میل دی چه هغه ته غریزه ملکیټ وایه شی دا چه مونږ تاسی په لوی واله دجايدا دونو، درویو، اوددزی قیمته شیانو درا غنډولو ایوا له یو پر دغه غریزه بناده. داده چه کمکیان دخپل اود بل په مال کی فرق نه کوی او هر شی چه په گوتو ورغی اخلی ئې هر کله چه دوی دا کار د نا پوهی په وجه کوی دوی ته گرم نه شی ویلای، دینی او مدنی قوا نینو هم دوی معاف کړی دی دا کار که هرڅو نا کاره کار دی د کمکیانو پکښی گټه ده اودوی ته پکی دژوند ډېری تجربه بی حاصیلېزې که ستا سوکم ماشوم دبل ووړکی نه څه شی په زوره واخیست یا ئې لځنی غلا کړ اول تاسی په فلاره ورته وایه هه مه اخله، بیرته ئې ورکړه که دوی ستا سو خبره ومنله خوښه کسه تاسی ته سمدستی غیرت درشی چه گوره اوس به خلک وائی چه ده خپل کمکیان په دې اموخته کړی دی چه دبل نه شی په زوره واخلي هغه بل ته ئې ورکاندی دغه غضب واستر دا دوی په مغزو کی نوی خبره نوی فکریدا کاندی اوله دغه وخته دوی په دی ویو هېږزی چه دغضب اود غلا نتیجه مجازات اوقانونی عدالتونه دی اود بندگانو دھوسائی دپاره یوه ستره قوه اوقاهره سلطه چه د عدالت نظام باله شی په کارده چه ددغه راز معاصباتو او تیر یو مخه ونیسی اوحق حقدارته وروسیاری لځنی داوائی چه واده کیرجن خود خواه دی اودا دشرارت خاصه ده. په دې خبره کی گرم

مور او پلار دی دوی نه دی. که میتدی پلرونه خوشی په خوشی په هره خبره خپل کمکیان ونه ستائی نو کر، مزدور، خپل خپلوان پری ونه ښکېلئ نودوی به ولی کیرجن خود خواه شی. مونږ تاسو ټول دغسی یو دماشو مانوسره زیاته مینه ساتو دهغوی هره خبره هر کار خونډ را کوی او دشا باس بارانو نه پری وروو دغه بی لځایه په هره خبره ستاینه د کمکیانو زړوته دا غور لوی چه بس نو که په دنیا کی دی دغه مونږ یو نور څوک نه شته. هوشیار مور او پلار او یوی روزونسکو ته په کاردی چه د کمکیانو سره یوه معتدله اندازه وساتی کمکیانو سره دی مینه کوی خود پری دی نه ستائی که کوچنی کوم ښه کار وکړ دومره دی ورته ووائی چه دغه ستا وظیفه وه خپله وظیفه دی پری لځای کړله کله کمکی پخپله دا غواړی چه دی دی وستایه شی هغه ته دی ووائی چه ته تردی لوی لوی کارونه کولای شی داهم دهغو په حق کی ستاینه ده اوهم ئې همت لوړده وی لځنی وائی کمکیان حریص دی حرص دشرارت مېنی ده دا وروسته خوداڅوک نه شی ویلای

چه گنی حرص د کمکیانو په خټه کی اغزلی شوی شی دی. د کمکیانو دحرص لویه منشاد کور خلق دی که دوی خپلو وروته شی هروختی په برابر اندازه اوپه وخت ورکاندې امساك اوبخل اسراف اوتبذیر دکور په خلکو کی نه وی د کمکیانو سترگی مړی وی حرص ډېر نه کا.



لځینی ناپوهه پلرونه کمکیان له لځانه سره بازار ته بیانی اوهر څه ئی چه زده غواهی په جوړو کی ئی وراچوی اوچه په دستر خوان ورسره ناست وی د کور خلک هر یو بیل بیل له خپلی برخي نه هغه ته خواځه ورکوی یوڅو واده پری تل ناروغه وی بل له وړکینی حریص او څیتو شی په هېڅ فایده کېږی نه مور او پلار او د کور خلقو ته بیانی چه د کمکیانو په حق کی د افراط نه لځان وژغوری او هغوی په اعتدال او کرامت خلق وروزی .

بله خبره چه د کوچنیانو د شرارت دلیل ئی بولی هغه داده چه واده درواغ ډېر وائی د کوچنیانو د درواغو بیل عوامل گوښی موجبات دی یو ددی موجباتو څخه د کور د خلکو تیری او جبر دی چه پروډوئیی کوی دغسی چه د کور خلق خپلو ماشومانو سره زیاته مینه کوی دغسی هم په وډو وډو خبرو دوی رڼی او وهی ئی لځینی کور بانه په خپلو کی مدام په جگړ و سره اخته وی هره گړی- ئی شور پورته وی خو چه په بل ئی روزنه رسی نو په ماشو مانه لاس پوری کی خپل فار پر هغوی سوډ کاندې ددغی کور واده لځکه تل په بلا اخته په غم کېږی وی چه خبره لځنی څوک پوښتی له ډاره رښتیا نه وائی .

کله ماشوم د فکر د کمزورتیا په وجه یا د نورو عصبی ناروغيو له امله په حق او باطل کی فرق نه شی راوستی . په لځنیو وختو کی خرافی کیسې د کمکیانو په مغزو کی دو مړه ژور تاثیر غور لځوی چه هغوی ته چشم دید حقایق ښکاری زمونږ د شر قیانو کیسې په تیره بیا د کابل زاده مزخرفات چه ترلاوسه په ښځو کی ئی اثر شته او ثابته حقایق ور ته ایسی د کمکیانو د مغزو حال بدلولی واده له خلیمې وهمی شی دارزی خرافی خبری چه ز مونږ کمکیان ئی په کمکینی اوری تر لوئنی پوری د هغوی په مغزو کی پاته وی ممکنه ده دغه خرافات د تعلیم او د تجاربو په وجه خپل تاثیر بایلی او مشاعر لځینی وزگار شی خو د ننه په لاشعور کی هم هغسی پاتی وی . کله ښوونکی د ناراستی یا ناپوهی په وجه وډو شاگردا نوته علمی مطالب او لغات ښه نه ورښی یا ئی په داسی پیرایو کی بیانوی چه دهغوی له پوهی ډېر اوچت وی خو چه بیا بل وخت ئی لځینی پوښتی د نا کامه د لځانه یا د ایری قرینی نه څه جو اب ور کوی که معلم وویل ما داسی نه دی درته ویلی رڼې په سترگو ورننولخی او وائی : تا داسی راښوولی وه .

له دی مثالو څخه لږ ډېر دا جوتنه شوه چه کمکیان مفطور بالشر نه دی د شرار وچ په کی نا پوهه میندی پلرونه ناوړه ښوونکی ور پو کی .

د کمکیانو ذهن د صافی ډډی په شان دی چه هر راز نخشه قبلوی که د کمکیانو فطری استعداد ات او قابلیتونه ښه وروزل شی ښه مړونه لځینی په عمل رالخی او که مهمل پاته شول مهمل

ځانک ورځېنې جوړېښتی چه د هیواد د قبر درد پری نه دوا کېږي ، د دنیا نور وخلقو له روزنی څخه ډېری گټې اخیستی او د ژوند ضروری اولابندی چاری ئې گټې . هغه لوی ملتونه چه د ترقی په لور روان دی او نړۍ ئې په صنعتی ، سیاسی او عسکری قوتونو مسخره کړې ده ټول دروزنی په برکت دی .

په روزنه کی یوه ضروری خبره د کمکینانو د فطری خوښی لحاظ ساتل دی لیکه چه په تجربه سره معلومه شوی ده واده له کمکینې یوه خاص کسب او خاص عمل ته مایل وی نو که کمکیان پر هغه خپل فطری میل او فطری استعداد و پاله شی زیسته ډېره گټه کمکی ته ورځنی رسی او کچری . دوی د فطری غوښتنی لحاظ ونه ساتل شو هغه چه مور او پلار ورته ټاکي اول خوښی ښه نه زده کړی چه بیا ئې زده کاندی د هغو خپل قابلیتونه چه ښائی هغوی دی د ښوونځی وحدته ورسوی ضایع لارشی په مترقی مملکتو کی ددی خبری زیات لحاظ شته دی ددی خبری زده کړه چه واده پر که خوا مایل دی څه ډېر گران کار نه دی په لنډه توجه دا خبره هر چا ته زده کینې چه واده د کوم کار شوق من دی اوڅه قسم کسب ته تیار دی هر کله چه واده مو خپلو لویو ته خوشی شول ورشی له ورايه ئې مراقب و اوسی و گوری دوی په څه کار بوخت دی کوم شی جوړوی دچا پینې کوی په دی دی هم سړی ټېر نه وزی ځکه چه واده دهر چا دهر کسگر پینې کوی کله ترکان شی کله پیش کله معلم په دی تقلیدی لویو کی هغه لویه چه مدام پری بوختوی او تل دهغه کار سامان راغندوی د کمکی فطری علاقه د هغه کار سره ښکاره کوی که هغه کار کوم فنی کار روی لیکه رسم نقاشی یا نور نفیسه چاری او د کور خلک دی له کمکینې په هغه کار مشغول کاندی غالبه داده چه کمکی به په هغه فن کی د ښوونځی ودرجی ته ورسی . دروزنی اساسی ټکی بل دادی چه کمکینان ښائی پخپله تجربی و کاندی له هماغه کمکینې د دنیا ته وده ساره سختی اسانی وویښی او هر راز مشکلا ته ور مخامخ شی دا ترخی تجربی د کمکی پوهه ، شخصیت کامنوی او دی پوخ تجربه کار انسان کاندی او که دېدی مرغی دغه ماشومان نا زولی لوی شی په هر کار کی ور سره لویان مرستی وی په لوی والی هم بی د بل دمرستی هېڅ کار کولای نه شی که که حادثه پری راغله لودن تری ورکوی نه پوهېږی په کومه وتېتی .

دلته یو بل سوال وار دېږی چه ښه نو یواځی هلیکان روزل غواړی که جونی هم وروزی شی ؟ بیا دنراود ښځی په استعداد اتو کی څه فرق شته که نه ؟ دا یوه ضروری خبره ده او ښائی میندی پلرونه ، روزونکی پری وپوهېږی په دی باره کی دسقراط او دافلاطون رایه

## د هرات ولایت

و ، ج عبدالله خان	:	نائب الحکومه
ع ، ص سيد کمال خان	:	مستوفی
ح ، عبدالقادر خان	:	دامينيې قوماندان
ف ، احمد عليخان	:	دمرافعي دمحمکمی قاضي
ع ، ص عبدالرحيم خان	:	دمعارف رئيس
» ، » حاجي محمد عظيم خان	:	دگمرک رئيس
ص ، محمد اشرف خان	:	دخارجہ چارو مدير
» ، سيد سلطانخان	:	دصحبې »
» ، عبدالقدير خان	:	دتحريراتو »
» ، محمد زمانخان	:	دکرهنيې »
» ، عبدالظاهر خان	:	داحصائيې »
» ، فيض محمد خان	:	» دتفتيش »
» ، غلام حضرت خان	:	دحمل و نقل »
» ، عبدالرحيم خان	:	دفوائد عامی دمدير کفيل
» ، حبيب الله خان	:	دعايداتو دمالیې مدير
» ، امير محمد خان	:	دمتخاراتو »
ع ، ص سيد محمد خان	:	داطاق تجارت رئيس
» ، » عبدالقادر خان	:	دتجارتی دمنازعاتو دفيصلی رئيس
ص ، مير غلام محمد خان	:	دنشرياتو مدير
» ، عبدالمنان خان	:	دکورسو »
» ، ملا گل خان	:	داستخباراتو مامور

## دمزار شريف ولایت

و ، ج گل احمد خان	:	نائب الحکومه
ع ، ص عبدالکريم خان	:	مستوفی
ح ، سيد کمال خان	:	دامينيې قوماندان
» ، باز محمد خان	:	دحدودودزاندانرمي دفوماندان کفيل
ف ، عبدالرحمن خان	:	دمرافعي دمحمکمی قاضي



زموڼيز گران اومعظم تولواک اعلیحضرت همايونی محمدظاهرشاه دافغانستان معارف یالونکی اووطن روزونکی پادشاه  
Sa Majesté Mohammed Zaher Chah roi d'Afghanistan





## د افغانستان پادشاه

د افغانستان معظم شهریار اوزلمی تولاوک اعلیحضرت محمد ظاهر شاه خلد الله ملكه و اصال الله عمره و دولته دی چه همایونی ذات ټی ستر کال دخپل شریف ژوند په (۳۱) مرحله کښي پښه زدی. همایونی ذات ۱۲۹۳ هجری کال دمیزان په ۲۲ په کابل کښي زیږیدلی دی.

وروسته چه دده سن د تعلیم مقتضی شو نو په مقدماتی او متوسطو مکتبو او بالاخر ټي خپل تحصیلات کابل په عالی مکتبو کښي پای ته ورسول کله چه دده فقید اوشهید پلار اعلیحضرت محمد نادر شاه کبیر د افغانستان په سفارت یاریس ته ولاړ همایونی ذات هم دهغه فقید شهر یار سره دمهمو تحصیلاتو دپاره فرانس ته شریف فرماشو. دفرانسوی ژبي او عالی علومو تحصیل ټي دهغه مملکت په مختلفو رشتو او عالی مکتبو او پوهو کورنو کښي پای ته ورساوه. او د وطن د داخلی مسائلو په شاوخوا کښي ټي خصوصی روزنه له خپل بزرگوار پلار څخه وشوه او ملی اخلاقی او د وطن په نسبت ټي دلایزه مطالبو ادراک او خصایس هم لهغه نومیالی پلار څخه زده کړه.

د افغانستان د لوی شورش پرېښی وروسته (چه دهغه نجات د همایونی ذات دشهید پلار په حق بالونکی لاس څرگنده شو) زلمی اعلیحضرت چه په هغه مملکت کښي وده تعلیمات پای ته رسیدلي و او د وطن خدمت دپاره مستعدود ۱۳۰۹ شمسی کال دمیزان په ۲۰ کابل ته شریف فرماشو. محض دهغه عشق په اثر چه د افغانستان د عسکری عالم سره ټي درلود اود بزرگوار پلار د فیمو او په تعقیب د کابل د نظامی عالی تعلیمگاه په عسکری څانگه کښي شامل شو. په ۱۳۱۰ شمسی کال ټي دوالاحضرت سردار احمد شاه خان د دربار وزیر دشهید اعلیحضرت داکازوی د معظمی لور سره ازدواج وفرمایه. او دهغه کال په آخر کښي غوموده دحرب دجلبه وزارت په وکالت او بیا د معارف د وزارت په وکالت مؤظف و.

په دې دواړو وزارتو کښي د همایونی ذات فطری استعداد او ذاتی قابلیت دوظیفی د اجرا کو او اوشې اداري لارو په ښه څرگنده شو.

په ۱۳۱۲ کال یعنی دشهید شهریار ترشهادت وروسته دعترب په ۱۶ دملت د لویو وکیلانو او ټولو عسکری او کشوری افرادو په غوښتنه او اتفاق د افغانستان پاچا شو. ستر کال ددې زلمی شهریار دجلوس (۱۳) کال دی.

### دهمایونی اعلیحضرت اولاد:

- ۱- شهزاده بیگم بقیس د ۲۸ دحمل ۱۳۱۱ ش
- ۲- والا حضرت شهزاده احمد شاه خان د ۲۱ د سنبلی ۱۳۱۳
- ۳- شهزاده بیگم مریم د ۱۰ د عترب ۱۳۱۵
- ۴- والا حضرت شهزاده محمد نادر خان د ۳ د جوزا ۱۳۲۰

دا ده چه دنراود ښځې په عقلی ملګت او استعداداتو کی څه زیات توپیر نشته ښځه هغوی دښځو او نارینه ودتعلیم او روزنی دپاره مخصوصه ضریقه نه ده ټاکلې ارسطو ددوی درایی مخالفه رایه درلو ده او ددواړو اجناسو په قابلیتو نو کی د لوی فرق قایل و دی وائی نارینه تر ښځو غښتلی؛ او د ګړا نو ګړار و نو لویو مشکلاتو دپاره پدا شری دی ښځې ناز کی ضعیفی دی ددوی ګړار ښیریدنک د ګړر چاری د وړو پلېل دی نو خامخا د ګړا نو ګړارو نو دپاره چه دنارینو تر غاړه دی لوی او پراخه عقل پر اخ تعلیم په ګړا دی .

د نښورو زونکی دارا یه ده چه تر اوسپنی تراوه کښی پوری په استعدادات او قابلیتو نو کی سره ورته دی له دغی زمانی نه په وړو سته دجو نو او دهلکناز عقلی استقامت بد لېږی خو چه مراقت ته سره نژدی شول چنی په وده کی تر هملک ګړندی کېږی او په هغی کی دښځو الی علایم ښکاره شی په دغه وختکی جونی دلو ست دپاره زیات چمتو نه دی او که چیری دوی دیر اخه تعلیم دپاره ایدی شی هر ګوره عصبی نارو غیو ته ورځر مه کېږی جوفی ترهغه پوری وده کوی چه بالغ شی خود بلوغ دزمانی نه وروسته نه جسمانه عقلاً وده نکوی هر څه هلکنا چندی سو که سو که لو لېږی او دلو نید ورسره ئی ما غره هم وده کوی عقل ئی زیاتېږی دماغزو دزیات والی په باره کی لځینی وائی چه په نارینه کی ترڅلو یشت کښی وده کاندی او وروسته یسی بیا بیرته کېږی او لځینی دا وائی چه که ما غره بکار ښه ولویده تر آخر د عمره وده اوزیادت کا .

څرنگه چه پوها نو معلومه کړی ده دنارینه ما غزه په متوسط ډول ۱۰٪ تر ښځو درانده اوزیات دی . هر که چه ددواړو اجناسو په استعدادا تو کی فرق دی نو ښائی چه دهر یوه دپاره بیل تعلیمی پرو ګرام وټاکل شی تران دښځو او ګړا نو ګړارو نو دپا ردچمتو شی او ښځی دی مو رینی د ګړر ګړا رهغه کانونه چه زیاتره دښځو مخصوصی چاری بللمی شی تر یه شی ددی مقالی او ستو نکي ښائی په مادی دا اعتراض وکانندی چه و ګوره داروپا ښځی دا کتیری کوی د مکتبو نو پر و فیسر انې دی په لځینی سیاسو کارونو کی بوختی وی اوس په دغه جنگ کی ئی وسله را خپسته ورسره اوزه په اوزه وجنگېدل الو تکی به ښځو پورته کولی دا خوده چه دجنگ په زما نو کی ښځی هم پیکار لویږی دا صرف دو قوت ضرورت په وجه دی زمو نښې پښتی هم دملی جګړه په زما نو کی توری کړی دی لیکن دهمیشه دپاره دوی دې کار ته تیار نه دی نو که دوی په دی ګړا رو نو اجنه شی ددوی خپلی چاری پا ته کېږی او داچه دوی دا کتیری پرو فیسری او دسیاست غځی چاری په لاس کی اخلی دانو ټو لی ښځی ئی نه کوی لځینی لځینی دشواذ په حیث ددی کارونو دپاره حاضر یږی ممکنه ده په وړو ستنیو زمانو کی داسی وسایل لاس ته راوستل شی چه نه ښځو نه پید و دنارینه کار واخیسته شی

(پای)

# نظریات فروید بصورت عمومی

عرض مرام : نظر بد عوتی که از طرف ریاست پنتو آوانه را جمع بنویسن یک مقاله

طبی و اجتماعی از من بعمل آمد - خواستم تا را جمع به مهمترین کشفیات علمی عصر حاضر در ساحت روحیات یک تمهید مختصری نوشته و تجارب خودم را نیز که در این ساحت به بحث یک طبیب روحی نموده ام تحریر و برای استفاده هموطنان عزیز و گرامی خود عرضه نمایم اما باید عرض کنم که این مقاله مختصر را میتوان صرف یک تمهیدی بر نظریات عمومی فروید شناخت - با احترام

دو کشور محدودی  
متخصص امراض روحی و عصبی

❦ ❦ ❦

بزرگترین کشفیات این عالم شهر عبارت از تحلیل روحی (Psycho Analysis) بود و دو کشور (Brill) انرایکی از بزرگترین کشفیات معاصر خوانده و فروید را با اثرانی های بزرگی



شاعلی د کشور محمودی

مانند دارون ، (Stinoza) نیوتن ( و هاینشتاین ) هم ردیف قرار میدهد - تحلیل روحی نه تنها امروز در طبابت استخدام شده و خدمات شایانی می نماید بلکه در تربیت اطفال در میکاتب ، برای تعلیم مادر ها ، روحیات ، اجتماعیات و انسان شناسی (Anthropoluey) هم استفاده های بزرگی می رسد برای اینکه مائیت تحلیل روحی و سبب تولید آنرا خوب بدانیم لازم است شرح مختصری در این باره عرض کنیم . فروید پس از فراغ دارا لقنون در کلینیک (شار کوت) عالم مشهور طبابت روحی مشغول کار شده و مطالعات و مشاهداتش در اینجا خیلی اثرات عمیقی بروی نمود فروید از شار کوت آموخت که با اصول (هیپنوتیزم) هم اعراض هستری رفع شده

و هم اعراض جدیدی میتوان تولید کرد - و هم فهمید که هستری در مردان نیز تولید شده میتواند ، بعد ها از (لی بولت) و (برن هایم) که به میکاتب (ناتسی) مربوط

بودند حقایق دیگری را آموخت که در رفع اعراض اختناق رحم تنها تلقین (Svgy estioiv) هم مانند تلقین در حال (هیپنوتیزم) مؤثر و مفید است، در اوایل فروئید در تداوی مر یضان تنها از تطبیقات برقی و (هیپنوتیزم) کنار گرفته ولی بعد ها مشاهده نمود که تطبیقات برقی در نوروها بکلی خیالی و بی مفاد بوده و صرف نتایج خوبی در بعضی وقائع از اصول (هیپنوتیزم) بدست می آورد - اما چندی بعد در اثر مشاهدات و تطبیقات مکرره، دید که نه تنها نمیتوان در بعضی وقائع (هیپنوتیزم) تولید نمود بلکه آنهائیکه با این اصول تداوی هم شده اند دائماً مصون نمانده بلکه مرض دوباره عودت میکند، در اثر این نا کلامی ها فروئید بزودی اصول (هیپنوتیزم) را ترک داده و اصولی را که بنام تحلیل روحی (Psychoanalysis) مشهور است بدنیا عرضه نمود - خودش در این باره چنین اظهار میکند « نباید قیمت (هیپنوتیزم) را در تاریخ اصول تحلیل روحی کمتر تخمین نمائیم، چه هم در نظریات و هم در تداوی این اصول جدید جانشین اصول هیپنوتیزم است » -

برای اینک که خوب تر صورت ارتقا و تولید این اصول را بدانیم باید حیات چند سال اولتر فروئید را مطالعه نمائیم - در حالیکه فروئید در بار ایتوار (بروک) کار مینمود وی با دکور (حجر زف بروور) طرح رفاقت افگند، با آنکه (بروور) نسبت به فروئید (۱۴) سال بزرگتر بود ولی بزودی با هم دوست شده و نظریات و عقاید خویش را با هم اظهار می نمودند این شخص چون دلچسپی فروئید را در امراض روحی و عصبی مشاهده نمود پس حکمایه یک واقعه بسیار دلچسپی را که خودش در سنوات (۱۸۸۰ - ۱۸۸۲) با اصول هیپنوتیزم تداوی نموده بود بوی گفت، و چون این واقعه در تولید اصول تحلیل روحی خیلی دارای اهمیت است ذکر آن در اینجا مناسب است -

مریض مربوطه عبارت از یک دختر جوانی بوده که دارای تعلیم و قابلیت عالی بوده و در هنگامی که به پرستاری پدر خویش مشغول بود مریض شده بود، واپدر خویش خیلی مربوطیت داشت دو کشور (بروور) بیان میکنند که در وقتیکه دختر مذکور را بعنوان مریض قبول نمودم، وی مبتلای یک فلج مختلف الشکل توأم با قلصیت ها بوده، (Quhbltion) داشته و تشوش روحی داشت - در اثر یک مشاهده اتفاقی (بروور) کشف کرد که اگر دختر جوان مذکور تاشری را که موجب تولید اعراض مذکوره گردیده است با الفاظ - اظهار نماید میتوان او را از چنگال اعراض مذکوره نجات داد - برای این کار (بروور) دختر مذکوره را بخواب مقناطیسی انداخته و او را وادار ساخت که عاملی را که در آنوقت او را با انحطاط دچار ساخته بود اظهار کند و باین اصول ساده آند دختر را از شر تمام اعراض مذکوره نجات داد - اهمیت این واقعه در این جاضر است که دختر مذکوره در حال بیداری قطعاً از منشاء اعراض مر ضیه خود بی خبر بوده ولی همینکه بخواب مقناطیسی دچار شد رابطه بین این اعراض مرضی و تجارب



٣ - ٣

ملا فري  
رأيا يباري وتلول الوشونه

روحي است که وظیفه آن دور داشتن او امری است از دماغ و شعور شخصی که غیر قابل تحمل بوده و یا با سوبه اجتماعی شخص مداخله نموده و یا به اخلاق شخصی او دست زده و یا به تقدیر و تخمین بلند شخصی او مداخله مینمایند گویا ماده فراموش شده يك امر درد ناك يك چیز ناخوش آیند و یا يك چیز مخوف و یا طرف نفرت شخصیت (Ego) بوده و لذا شخص نمیخواهد شعور از آن تفکر نماید - با اساس این نظریه وظیفه طبیب در حین تحلیل روحی عبارت از تظاهر این افکار و متشاء شان در ساحت شعوری است - در اوایل فرونید بمریضان امر می نمود که تمام تصورات شعوری را ترک گفته و خود را بیک حال بسیط و استرخاء روحی آورده و هر چه بخاطر دارند بگویند بدون اینکه با اهمیت و عدم اهمیت آن فکر نمایند باینصورت بالاخره فرونید قادر شد که اشتراکات مجرده (Free associations) را بدست آورده و بمبداء اعراض مرضیه پی برد - ولی همینکه فرونید این اصول را تنمیه نمود ، مشاهده کرد که این اصول طوریکه در اول امر قیاس می نمود آنقدر بسیط نبوده و کذا اشتراکات مجرده هم در حقیقت مجرد و آزاد (FREE) نیستند و بلکه آنها هم توسط مراکز تحت الشعوری اداره شده و لذا محتاج تجزیه و تحلیل و تعبیر نیستند - فلذا فرونید اصول جدیدی را که در تداوی اعراض هستریائی استخدام مینمود بنام تحلیل روحی (سایکوانالیزیس) موسوم کرد - ولی اصول اولیه که آنرا مسهل روحی (Mental catharsis) می نامیدند هم در اصول جدید به عنوان يك نوه اساسی حفظ گردید در طی استخدام این اصول و مطالعه اشتراکات مجرده فرونید راجع برول قوای روحیه بشر معلومات بزرگی بدست آورده و مسئله مهمی را که مریضان چگونه آنها را تجارب داخلی و خارجی را فراموش نموده و چگونه در اثنای خواب مقناطیسی همه را بخاطر می آورند حل کرده و دانست که با اصول اولیه و اشتراکات مجرده نمیتوان آنها را بساحت شعوری تجلی داد گویا طوری که قبلاً متذکر شدیم ماده فراموش شده يك امر درد ناك ، ناخوش آیند و یا کدام چیز مخوف و قابل نفرت شخصیت را بیاد داده و لذا شخص شعوراً آرزو ندارد که آنها را بخاطر بیاورد و گویا شخص شعوراً در مقابل تظاهر مواد مذکوره يك مقاومت (Resistance) بخرج میدهد پس طبیب هر گاه خواسته باشد این مواد فراموش شده را بساحت شعوری بتجلی آورد باید بر مقاومت (ریزستانس) مریض غلبه جوید که مواد مذکوره را دچار انحطاط (ری پرشن) ساخته و از تظاهر او در ساحت شعوریه مانع گشته اند - از روی بیانات سالفه ثابت شد که (نوروزها) در اثر مجادله دو قوه (رینامیزم) تشکّل میکنند که عبارت از اضطراب (Qmtulse) و مقاومت مریض (ریزستانس) میباشد ولی در اثنای این مجادله بین دو قوه شخصیت (Ego) از اضطراب منقوره دوری می جوید در اثر این دوری و خارج شدن شخصیت از ساحت مجادله ، در نتیجه اضطراب

منفوره از نیل بسا حه شعوری باز مانده و کذا راه افراغ حرکی آن نیز مسدود میشود ولی باز هم قدرت اضطراریه خود را حفظ میکند .

این عملیه تحت الشعور، حقیقتاً عبارت از یک میخانیکیت مدافعی بوده و میتوان ان را بسی فر از از یک چیز مخوف مقایسه نمود- ولی برای اینکه شخصیت از وصول این اضطرار منفوره بسا حه شعوری مانع آید فلذا باید در مقابل این اضطرار منحنه که برای تظا هر خود میکوشد مجادله نماید- لکن باتمام جهد و سعی مبدول شخصیت اکثر این اضطرار منفور و ناخوش آیند توسط یک راه تصادفی یک مخرج پیدا و باینصورت آرزوی انحطاط (ری پرشن) را ضعیف میگرداند- پس قدرت اضطراری منحنه باینصورت توسط این مسیر غیر مستقیم یک عضو و یا قسمت عضویت تمرکز نموده و این تمرکز اعراض مرضیه را تولید میکند - همینکه این اعراض مرضیه تاسیس نمودند مریض بر علیه آنها بمجادله شروع میکند ، همچنان که بر علیه اضطرار منحنه بدائی مجادله مینمود- برای اینکه این میخانیکیت را تصور کنیم باید واقعه هستریائی یک زن جوان را شرح دهیم : - این زن جوان برای چند ماه تو سط یک مرد جوان دلداری میشده و این جوان عشق شدید خود را بوی اظهار مینمود - روزی جوان یک حمله ناکام تناسلی بر زن نموده و بعد ازان غایب شده و او را در یک حال انحطاط عمیقی گذاشت - این زن جوان نمیتوانست بمادر خود اظهار درد کند زیرا مادرش از اوایل نمیخواست که باری با این جوان مراوده داشته باشد فروئید میگوید که من سه سال بعد زن مذکوره را بیکه حالیکه مبتلای اعراض عدیده هستریائی بود مشاهده نمودم این حملات شکل صرعی داشته و دو نیم سال دوام نموده بودند - با تحلیل روحی تعین شد که حملات مذکوره عیناً تمثال همان حمله تناسلی ناکام را تصویر می نمودند - تمام تغا صیل این حملات صرعی الشکل - هر حرکت و هر اداء - عیناً عبارت از یک انعکاس همان حمله تناسلی بود که مریض آنرا بصورت غیر شعوری دو باره تکرار می نمود - اعراض سا ئره نیز به معامله عشق او مربوط بودند .

اگر ما قدمات مختلفه این معامله عشقیه را بغاطر بگیریم تمام واقعه این مرض بزودی ظاهر میشود - زن جوان دارای صحت کامل بوده و از نقطه نظر حیاتی برای زن شدن آماده بوده و شعور اولیه تناسلی او برای تطمین جهد مینمود شعور او از عشق تنها بمفهوم جدید آن فکر میکند که در آن عناصر فزیکلی دخلی ندارند - کذا شعور او چون در طبقه متوسط شامل بوده و یک محیط دینی داشت ، تظاهر فعالیت تناسلی برای او ناممکن بود لیکن در ماوراء همه اینها اضطرارات تناسلی برای مادر شدن فعالیت شدیدی داشتند این زن صمیماً با جوان عشق داشته ولی طبعاً از این عشق ، عروسی را آرزو داشته و تمام آمال

او در این نقطه تمرکز می نمود - مواجهه آنی او با عناصر فزیکتی تنها سلی در ضمیر او یک اثر مخوفی گذاشت - از یک طرف این زن شعوراً بشدت حمله فیزیکی عاشق خود را بدیده و از طرف دیگر بلاشعور حقیقه باشتیاق آن بود - برای هفته های بعد این زن همه تخیلات عملیه مذکوره را در دماغ خود احیاء کرده و حتی گاه گاهی فکر میکرد که وی در مقابل جوان خود را تسلیم نموده است - ولی این مفکوره فوراً تردید شد و با حس نفرت و ملامت معاوضه می شد بالاخره زن مذکوره معامله عشقی را که چند ماه قبل از حمله مذکور جریان داشت از دست داده است چون زن مذکوره نمیتوانست بار این افکار را در نزد کسی از دوش بیفکند فلذا بشدت جهد نمود تا همه را فراموش نموده و ظاهر را کامیاب شد ولی چند هفته بعد زن مذکوره اعراض مرض نشان داده و حملات مذکوره را که بنام حملات صرغوی الشکل هستری موسوم شده بود نشان میداد - این اعراض تمثال ویا درام مجادله بود که در بین شخصیت اولیه و شخصیت اخلاقی (Ethical) او بحصول آمده و قرار افاده فروئید اعراض مذکوره در اثر مجادله شهوت (Id) با شخصیت (Cego) بوجود آمده است برای وضاحت باید عناصر جهاز روحی را کمی شرح دهیم : - نظر بفارمول فروئید ، طفل باخود بدنبال یک روحیت غیر متعصبی براگنده می آرد که آن را (Id) نامند که غایبه کلی آن تامین تمام احتیاجات ، رفع گرسنه گی حمایه شخصیت و عشق و حفظ نسل است - ولی همینکه طفل بزرگتر می شود آن قسمت (Id) که با محیط تماس پیدا میکند توسط حواس خود حقیقت مرئی دنیای خارجی را تعلیم گرفته و بشکلی تعدیل میشود که (فروئید) آن را شخصیت (Ego) نام داده است -

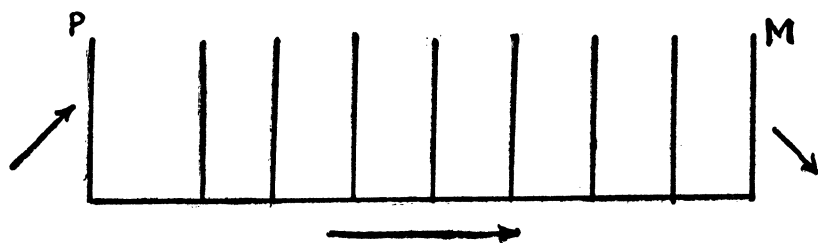
این (Ego) که مالک ادراک محیط بوده است جهد میکند که تمایلات بی قانون شهوت (Id) را در حالیکه عدم توافق نشان دهند در تحت اداره و جلو آورد - بعبارت دیگر هنگامیکه تمایلات (Id) با شرائط اجتماعی و مذهبی و محیطی شخصیت عدم توافق نشان داده و بشخصیت او صدمه اجتماعی وارد نمایند پس (Ego) در ساحت تظاهر و جهد میکند که این تمایلات را در تحت اداره و نظم آورد - فلذا طوریکه در اینجا مشاهده مینمائیم (نوروز) عبارت از مجادله (Id) و (Ego) است شخصیت چون از قوای تهذیب مذهب و اخلاق واقف است انکار میکند که به اضطرابات قوی تنها سلی که از (Id) بی قانون منشاء میگیرند یک راه افراغ حرکی بدهد - ولذا آنها را از نیل به غایه و هدفی که دارند مانع می آید - گویا شخصیت خود را در مقابل این اضطرابات با انحطاط (Repression) آنها حفاظت میکند - زن جوان متذکره هم ظاهراً تمام حکایه واقعه را فراموش کرده بود - بدون خلل ادامه می یافت آن زن هم با صحت کامل زیست میکرد - لیکن ماده منحلّه بر علیه

این قسمت و تقدیر مجادله نموده و اخیراً بعنوان يك شكل معاوضی از راهائیکه شخصیت بران کنترل ندارد مخرجی تحصیل و بعنوان اعراض مرض خود را بر شخصیت تحمیل مینمایند - در نتیجه این عملیه (Ego) خود را کم و یا بیش مغلوب یافته و قدرت خود را مورد تهدید و خطر دیده و لذا طوریکه بر علیه اضطرابات اولیه (Id) خود را دفاع می نمود بر علیه این اعراض مرضی هم بمجادله شروع میکند .

تمام این عملیه تصویر نوروها را تشکیل میکند که اینها عبارت از هستری - (Hysterie) و (اختنلق رحم حنجری) و نوروهای اضطرابی (کمپلشن نوروز) میباشد و اینها را نوروهای انتقالی (Trasference) هم نامند ولی نوروهای عشق بنفسه (نرسی سستیک) و انحطاطات مالغو لبائی و (پسی کوزها) و (شیزوفرنی) و حالات پارانوئید و پارانوئیای حقیقی در جمله مذکوره شامل نبوده و در اینجامیخائیکیت مرضی چیزی دیگری است . در پسی کوزها مرضی در اثر مجادله (Ego) با محیط خارجی تحصیل میکنند ولی نوروهای (نرسی سستیک) در اثر مجادله (Ego) با (سوپراگو) بحصول می آیند - زیرا طوریکه (شخصیت) عبارت از يك قسمت تعدیل شده (Id) است که با محیط خارجی تماس پیدا کرده است همچنان (سوپراگو) عبارت از آن قسمت تعدیل شده (شخصیت) است که در اثر تجارب مکتسبه از والدین مخصوصاً از پدر تشکیل یافته است - (سوپراگو) عبارت از بلند ترین ارتقاء روحی است که بشر به آن رسیده میتواند و مرکب از ترسب تمام قوانین منهی و اخلاقیه و تمام اصول اخلاقی است که توسط والدین و جانشین آنها بر او لاد تحمیل میشوند نظریه بیاناتیکه در اینجا راجع به میخائیکیت نوروها داده شد و لوموژ و غیر کافی هم باشند میتواند شخص رول مهم عامل غیر شعوری و یا تحت الشعوری را که فروید به آن قایل است درک کند - اصول تحلیل روحی را عادلانه روحیات اعماق خوانده اند زیرا این اصول بر رول تحت الشعو ر خیلی قایل اهمیت است - فروید الفاظ (Consciousness) و Un-conse و Fore-conse و یا Dre-conse را مانند سایر مؤلفین ، فیلسوفان و روحیون بی مورد و واسع استعمال نسکرده و بلکه هر کدام را در یک مورد معین و معلوم ذکر مینماید ، بعقیده (فروید) شعور (کانس شس) صرف عبارت از یک عضو تصور است - و شخصی در یک وقت معلومه ازان عملیه های دماغی با خبر و یا مشعر (کانس شس) میباشد که وی را در یک آن بخود مشغول دارند - برخلاف این تحت الشعور (آن کانس شس) بکلی مجهول بوده و نمیتوان بصورت ارادی آنرا بخاطر آورد - هیچکس نمیتواند بصورت ارادی چیزی را از تحت الشعور خود بخاطر بیاورد تا اینکه در تحت خواب مقناطیسی قرار نگیرد و یا با اصول تحلیل روحی آنرا برای او تعبیر ننمائیم - در بین شعور

و تحت الشعور (فور کانس شس) ویا (پری کانس شس) موجود است که از مواد حفظ شده آن شخص بی خبر بوده ولی بعضاً با جهد میتوان آنها را بخاطر آورد .

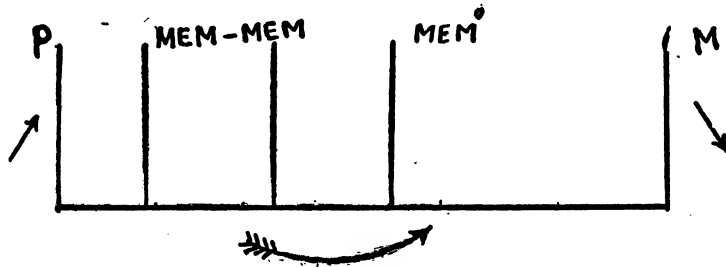
شالوده این ساختمان شعور ، (فور کانس شس) و تحت الشعور حقیقی با ساس این اقدام فروئید ریخته شده است که فروئید جهاز روحی را مرکب از یک سلسله قواء ویا (سیستم) های مختلفه می داند گویا قرار عقیده فروئید جهاز روحی عبارت از یک آله مرکبی است که اجزاء ویا سلسله های ترکیبی آنها ( Instanse ) ویا سلسله ویا جهاز (سیستم) میخواند - ما باید فرض کنیم که این (سیستم) با همدیگر یک اتجاه مکانی دارند - عیناً همانطوریکه سلسله های مختلفه عدسیه های یک (تیلسکوپ) باهم داشته اند - اما بطور قطع هیچ لزومی هم ندارد که برای سلسله روحی یک اتجاه مکانی هم فرض نمائیم برای غایه ما کافی است اگر یک توالی معین تاسیس شده و در اثر تنبه یک انتظام معلومه را اخذ کند طبعاً در حوادث مختلفه انتظام معلومه مذکوره مختلف خواهد بود - برای ایجاز بعد از این ما از اجزاء مختلفه این جهاز بنام (y-sys Tem) صحبت خواهیم نمود . اولین امریکه ما به آن بر میخوریم این است که جهازیکه از (وی - سیستم) مرکب است دارای یک جهت ( Direction ) میباشد - همه فعالیت های روحیه ما از منتهات ( Stimli ) داخلی ویا خارجی منشاء گرفته و بتعصیب های معلومه خاتمه می یابند - بعبارۀ دیگر منشاء فعالیت های روحیه منتهات و مخرج و ختام آن مسیر اعصاب است فلذا جهاز مذکور قرار این شرح دارای یک نهایت حرکتی ویک نهایت حسی میباشد - در نهایت حسی یک سلسله موجود است که تصورات را اخذ نموده و در نهایت حرکتی سلسله که ابواب حرکتی را می کشاید - عملیه روحیه عموماً از نهایت آخذ بطرف نهایت حرکتی جریان دارد - شیمای عمومی این جهاز روحی قرار شکل (۱) میباشد .



شکل (۱)

این نظریه خیلی از قدیم شهرت داشته - قرار این فرض ساختمان جهاز روحی عیناً مانند جهاز عکسوی میباشد - گویا فعل عکسه عیناً صورت وقوع یک فعالیت روحیه را هم نشان میدهد - ولی باید در اینجا در نهایت حسی یک تقسیم و تفریق را قبول نمائیم - حسیات و تصورات

که بر ما وارد میشوند در جهاز روحی ما يك اثر میگذارند که آنرا اثر حافظه (Memory-Trace) نامند - وظیفه که باین (مرکز) متعلق است آنرا حافظه می گوئیم - اگر ما به فرض خود ثابت بوده و عملیه های روحیه را دارای (سیستم) بدانیم پس اثر حافظه عبارت از تغییرات ثابت در عناصر این جهازات خواهد بود لیکن نظر باین فرض مشکلات بارزی تولید و نمیتوان قبول کرد که عیناً همان يك (سیستم) تغییرات ثابتة عنصری را پذیرفته و باز هم با تصورات و حسابات جدید هم حاضر جواب باشد - فلذا نظر بایجاب موقع ما برای دو وظیفه مختلفه مذکور دو نوع سلسله مختلفه را قبول مینمائیم - ما فرض میکنیم که يك سلسله اولیه و بدائی این جهاز منبه حسی را پذیرفته ولی چیزی از آن حفظ نمیکند - گویا این (سیستم) حافظه ندارد - ولی در ما و راء این يك (سیستم) دیگری موجود است که تنبّهات موقتی سلسله اولیه را با اثرات ثابته تبدیل مینماید - فلذا شیمای جهاز روحیه ما عبارت از ش (2) خواهد بود .



شکل (۲)

ما میدانیم که از حساباتی که بر (پرسپشن سیستم) ما اجرای اثر مینمایند ما بر علاوه مفاد و محتویات آن چنین دیگری هم دایماً حفظ میکنیم - کذا ثابت است که تصورات در حافظه با هم ارتباط دارند مخصوصاً اگر آنها اولاً خود بخود بحصول آمده باشند - ما این حادثه را اشتراک و یا ارتباط (اسوسی شدن) میخوانیم - اگر (T-System) بکلی از حافظه مجرد باشد طبعاً نمیتواند برای اشتراک اثراتی حفظ کند و هم عناصر (P) در وظائف خود دخل بزرگی می بینند اگر بقایای ارتباط ماضی در مقابل تصور جدیده عرض اندام نماید - فلذا باید قبول نمائیم که سلسله حافظه اساس و شالوده ارتباط و اشتراک است - فلذا احقیقت ارتباط این است که در توالی تنقیص مقاومت و تسطیح طرق از یک (عنصر حافظه) ، منبه خود را به دومی بیشتر از سومی ارتباط میدهد باتدقیقات بیشتری مالازم می بینیم که مانده تنها یک بلکه چندین (عنصر حافظه) را باید فرض نمائیم که در آن عین همان منبه که توسط عناصر حافظه انتقال می یابند دچار مختلف تثبیت هامیگردند - همان (P syst) که دارای ظرفیت قبول تغییر نبوده و دارای حافظه نیست برای

د تحریراتو مدیر	ص ، عبد السمیع خان
د معارفو »	» ، عبد الرسول خان
د فواید عامې مدیر	» ، نقیب الله خان
د صحیفې »	» ، صفر علیخان
د احصائیې »	» ، محمد اسلم خان
د کرهڼې »	» ، محمد علیخان
د مختبراتو »	» ، غلام دستگیر خان
د عایداتو د مالی مدیر	» ، عبدالقدیر خان
د معدن مدیر	» ، غلام داؤد خان
د حمل و نقل	» ، میر محمد سعید خان
د گمرک مدیر	» ، . . . . .
د تجارتی اطاق رئیس	ع ، ص تاج محمد خان
د منازعاتو د فیصلې	» ، ص عبدالاحد خان
د روضی شریفی د چارو رئیس	» ، ص نور محمد خان
د استخباراتو مامور	ص ، عبدالاحد خان
د موزیم »	» ، حاجی محمد سلیم خان
د تلگراف منتظم	» ، عبدالرحیم خان

### د مزار شریف د ولایت مربوطه لوی حاکمان :

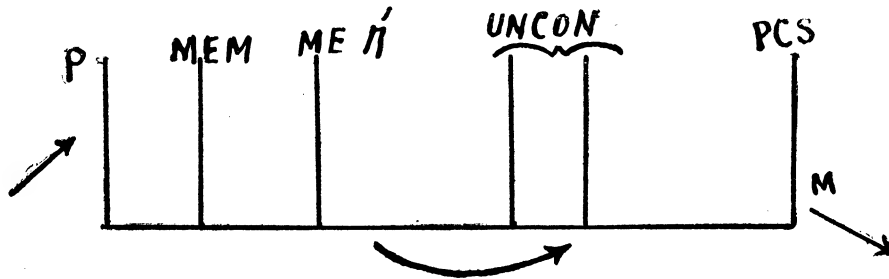
د شیرغان لوی حاکم	ع ، ع ، محمد صدیق خان
د بلخ » »	» ، » ، محمد محبوب خان
د ایبکو » »	» ، » ، سراج الدینخان

### د قطن ولایت

نائب الحکومه	و ، ج عبدالحمید خان
مستوفی	ع ، ص نور محمد خان
د امنیتي د قوماندانی کفیل	ش ، دین محمد خان
د مراغه د محکمې قاضی	ف ، پاینده محمد خان
د کرهڼې د تجر بودیځای عمومی مدیر	ع ، نور محمد خان



شعور ، مغلیت و تنوع صفات حسیه را تهیه میکند - از طرف دیگر حافظه‌های ما خودشان تحت الشعوری هستند- میتوان این حافظه‌ها را شعوری ساخت ولی شبه نیست که اینها فعالیت‌های خود را در حالت تحت الشعوری تظاهر مینمایند- بدیهی است که سنجیه ما بر اثرات حافظوی ما مستند بوده و طبعاً همان اثرات حیات بدائی طفولیت ما است که بیشتر ما را تحت اثر گرفته و بشکل شعوری شده میتواند- ولی چون دوباره حافظه‌های ما شعوری شوند اینها تقریباً هیچ صفت حسیه نشان نمیدهند و با اثر حسی شان در مقابل تصورات ما غیر قابل ذکر است - فلذا میتوان گفت که برای شعور ؛ حافظه و صفت هردو (وی- سیستم) نامشمول میباشد - ما بسکلی نمیتوانیم راجع به تشکیل خواب حرف بزنیم تا اینکه در اینجا بموجودیت دوسلسله روحیه قایل نگردیم که یکی از آنها فعالیت سلسله دیگر را در تحت تنقید قرار داده و طبعاً نتیجه آن عدم شمول و اخراج از ساحه شعوری باشد کدام باید بدانیم که سلسله منقده باشعور رابطه قریب تری نسبت بسلسله تنقید شده دارد - سلسله منقده در بین شعور و سلسله تنقید شده مانند یک پرده جادار دارد - بر علاوه ما میتوانیم این سلسله منقده را با قوه که فعالیت‌های شعوری و ارادی ما را تعین مینمایند مماثل بدانیم - نظریه بیان فوق و مطالعه دو شکل گذشته فهمیده میشود که مقام سلسله منقده در نهایت حرکیه شکل میباشد - فلذا ما این دو سلسله را نیز در شکل خود را خل نموده و در شکل (3) انها را نشان میدهم :



شکل (3)

سلسله اخیر را که در نهایت حرکیه واقع است ما آنرا (پری کانسشنس) میخوانیم و بدیهی است که محتویات این سلسله در تحت بعضی شرائط مثلاً دقت ، روشن ساختن زوایای خفی و غیره بسهولت در ساحه شعوری تجلی کرده میتواند و طبعاً همین سلسله کلید و کیت ارادی را هم بدست دارد - سلسله ما وراء آنرا ماتحت الشعور (آن کانسشنس) میخوانیم زیرا این سلسله در ساحه شعور بدون طریق (پری کانسشنس) راه تظاهر ندارد - و طبعاً منبه از این راهی که بتحت الشعور وارد میشود - دستخوش تغییراتی هم میگردد - حال باید بدانیم که خواب در تحت الشعور تشکیل یافته و طوریکه میدانیم غایه آن تطمین آرزو - (وش فلر فلمنت) بوده

ولی با تصورات خواب که به (پری کانس شس) مربوط اند هم علاقه دارد - و از راه همین ارتباط مانند تمام خیالات به («» واز آنجا بساحت شعوری تجلی میکند - تجارب بماندگاری کرده است که راه دخول و تجلی این افکار در روز بساحت شعوری مسدود بوده و در آنرا سانسور مقاومت (ری زسناس) تظاهر شعوری کرده نمیتوانند ولی در شب در بساحت شعور تجلی مینمایند - ولی چرا و چطور ؟ اگر ما فرض نماییم که مقاومت ترصد در ناحیه بین تحت الشعور و (پری کانس شس) ضعیف شده و در نتیجه افکار خواب در بساحت شعور می رسند پس باید خواب های ما از مواد افکار مامتشکل باشد - و نباید خاصه (خیال حسی) داشته باشند - گویا با این فرض نمیتوان خواب های (Hallucinatory) را تشریح داد - پس تنها با فرض (Retrogression) میتوان خوابهای برسامی را هم تعبیر نمود . گویا در شب خیالات رویائی در نهایت حرکی نرسیده و بلکه راه مخالف را طی و در نهایت حسی و تصویری میرسند - اگرما راهی را که عملیه روحی در حال بیداری طی میکند مترقی (D.rogressive) بنامیم پس باید خواب را درای یک رجعت قهقرائی بدانیم که آنرا - (رتروگرشن) می نامند - این وصف (Regressive) طبعاً بلا شبه یکی از خواص مهمترین روحیه رؤیا بوده ولی باید فراموش نشود که این وصف تنها خاصه خواب نیست - بیاد آوردن ارادی تصورات و تفکرات اعتیادی ماهمه این راه قهقرائی را طی مینمایند . لاکن در حال بیداری این رجعت قهقرائی از ماوراء نقوش حافظوی (می موری امی جز) نگذشته و نمیتواند نقوش تصورات بر سامی و تخیلی ما را بساحت شعور آورد - ولی در حال خواب معامله برعکس است - چرا ؟ زیرا عقیده دارند که در حال بیداری از نهایت تصویری و یا حسی جهاز روحی (P) یکک موجه متوالی از (وی - سیستم) بطرف نهایت حرکی در جریان بوده ولی این موجه در شب منقطع میشود - پس در اثر انقطاع این موجه از سیر جریان تنه بطرف مخالف مانعی وجود ندارد .

ولی بر علاوه خواب ثابت شده است که در حال بیداری هم عملیه - (ری گرشن) با وجود ادامه جریان متوالی موجه مذکوره حسی واقع شده میتواند - برسامات هستری و یا را نو یا و کذا رؤیای بیداری (Vision) اشخاص نورمال هم به (ری گرشن) مربوط بوده و گویا متعلق بخیالات و افکاری اند که بصورت نقوش تبدیل شکل نموده اند - ولی باید ذکر نمود که تنها آن افکار میتوانند تبدیل شکل نمایند که بیاد داشت های (منحط سپرس) شده ارتباط قریبی داشته و یا بیاد داشت های تحت الشعوری مربوط باشند - در اینجا فروید پس از تفصیل مذکوره واقعه یک طفل دوازده ساله را ذکر میکند که ظهور «روهای سبز و چشم های سرخ او را از خواب باز میداشت - این تخیلات برسامی زاده یاد داشت های تحت الشعوری بوده که طفل مذکوره چهار سال اولتر در اثر رفاقت یک بچه بد اخلاقی که بسا اوضاع خلاف اخلاق داشته

به جلق وغيره مبتلا بوده ورننگ سبزه وچشم های سرخ داشته و کذا این رؤیای مغوف او زاده يك گفته مادرش بوده که میگفت همچو اطفال عمر طبیعی بسر نبرد و نمیتواند چیزی بمکتب بیا موزند - ولی در اثر تداوی خیالات مغوف مذکور رفع شده و طفل بخوبی ادامه تحصیل نموده و فخرتش بسکلی رفع شد - فلذا اینک میگوئیم که اولاً رؤیا قرار اصول (ری گرشن) تولید شده و تمام آمنشاء تحت الشعوری داشته و غایب آن تطمین آرزوهای تحت الشعوری ویا تطمین آرزو است در اینجا در ادبیات هم ما برای اثبات این فرض شو اهد زیادی می یابیم مثلاً فروید میگوید که درلسان جرمنی مشهور است که «مرغابی جواری را بخواب می بیند» کذا در محاوره فارسی است که «گاو پیر کسنجاره را خواب می بیند» طبعاً محاورات مذکور نشان میدهند که قبلاً هم عقیده داشتند که خواب عبارت از تطمین آرزو است - زیرا بیچاره گاو پیر و مرغابی آنچه را که در بیداری نمیتوانند بدست آورند در خواب می بینند - این مبحث مطول بوده و در این مختصر بیشتر نمیتوان ازان ذکر نمود - وظیفه رؤیا ادامه خواب بوده و دایماً ما را از بیدار شدن حمایت می نمایند - کسانیکه پس از بیداری مطول در اثر مرض و یا حوادث بخواب رفته باشند تجربه خواهند داشت که رؤیا چگونه برای ادامه خواب خدمت میکند - فروید این اصل را مفصلاً شرح داده و خود هم تجربه دارم که وقتی بادوستان دوشب متوالی در ایام عید نخفته بوم ولی روز دوم که برای خواب آمدم ، هر قدر مرا شور داده و صدامیکردند من بخواب می دیدم که مرا صدا زده و شور داده اند ولی بیدار نمی شدم گویا این رؤیا برای ادامه خواب که من بان احتیاج داشتم خدمت کرده و مانع از بیداری می شد ولی چون منبهات خارجی و یا ضجرت های خواب شدید تر باشد آنگاه بر این وظیفه روحیه خواب غلبه بسته و در نتیجه شخص بیدار میشود -

خشا خواب افکار و تخیلات و اضطرابات و تشوشاتی است که در روزهای قریبه ما را بخود مشغول داشته و یا افکاری است که با تصورات و یادداشت های تحت الشعوری ما رابطه و علاقه قریبی دارند - نظر به بیانات سالقه بخوبی فهمیده میشود که تحت الشعوری عبارت از يك قسمت مهم جهاز روحی است که در تمام اعمال ما ، حرکات ما ، خطاهای تجریر و تکلم ما تشوش های ما و خلاصه در تمام سجه و اخلاق ما مداخله نموده و تمام اعمال و اخلاق و سجه ما زاده عوامل و احساساتی است که در آوان طفلی در تحت الشعور ما جا گرفته و بعدها در ساحه سجه ما تظاهر مینمایند - تحت الشعور قرار افاده فروید راست گفته و هیچگاه دروغ نمیگوید پس همینکه شخص شعور آدر موقع تکلم میخواهد دروغی بتر اشد تحت الشعور مداخله و در نتیجه شخص غلط کرده و یا راست را در حقیقت اظهار میکند - این نظریات فروید در تطبیقات عین حقیقت بوده و کسانیکه در این مورد تدقیق نموده اند همه بصحت این قول معتقد اند - من يك

دو یادداشت خودم را در این باره در اینجا متذکر می‌شوم. بخاطر دارم که روزی بخانه يك صاحب منصبی میرفتم - یکی از اقاربم از من التجا نمود که راجع بیک معامله وی در نزد آمر مذکور سفارش نمایم. چون بنده عادت این گونه سفارشات بی مورد را ندارم طبعاً روحاً آرزو نداشتم که همچو امری را اجراء کنم ولی نظر با احترام این دوستم میخواستم بگویم که الان همینکه رفتم مسئله شمارا میگویم - ولی درین وقت در اثر مداخله تحت الشعو ری گفتم که (همینکه بخانه او رسیدم باو چیزی نمیگویم کذا وقتی شدیداً مریض شده بودم و حملات سنگ کرده که از چند سال باینطرف داشتم مرا بجای انداخته بود - پس از گذشتن حمله روزی با دوست عزیز و محترم خود آقای دو کتور عبد المجید خان میرفتم که بایک حکیم ریش سفید یونانی که در گذر مامی زیسته مصادف شدیم حکیم مذکور - (.....) نظر بمعرفت سابقه از مریضی من استفسار نمود و برای عرض تأثیر خود میخواستند بمن بگویند «که شکر لله الحمد که صحت شدید» ولی در عوض گفتند که «شکر الحمد لله که مریض شدید» زیرا روحاً نظر باینکه طب جدید قایم مقام کسب دیرین شان شده و هم نظر بحال «بودهم پیشه باهم پیشه دشمن» روحاً آرزو نداشته که از صحتم اظهار ممنونیت کنند، پس تحت الشعور در ساحه ظهور و اظهار نمود که «شکر الحمد لله که مریض شدید» خلاصه با مداخله تحت الشعور اینگونه یاد فراموشی و خطاهای زبان و تحریر، لغزشهای دست و حرکات و غیره واقع شده و در حقیقت تحت الشعور مأمور سانسوری است که تمام اعمال و حرکات روحیه ما را اداره و کنترل میکند ولی برای تفهیم ما نظریه شیمای خود شعور و تحت الشعور (پری کانسشنس) را خوبتر تشریح میدهیم: - ما باید بدانیم که افکار، تخیلات و تشکیلات روحیه بصورت عمومی در عناصر عضوی دماغ نداشته و بلکه در بین شان موقع دارد هر چیز یک ماده تصور داخلی قرار میگیرد عینادارای همان صفتی است که عکس اشیاء در (تلیسکوپ) در اثر اتصال اشعه تولید میشود - فلذا ما هم مانند دوربین سلسله هائی را تصور کرده میتوانیم که هیچ دارای روحیت نبوده و هیچگاه در تصور روحیه ما حق دخول ندارند و گویا بمنابه عدسیه های دوربین میباشد - اگر ما باین مقایسه ادامه دهیم خواهیم گفت که مسئله (سانسو رشب) مادر بین آنها بمنابه انکسار اشعه در حین عبور از یک واسطه جدید میباشد - طوریکه (Lippes) میگوید ما باید تحت الشعور را بعنوان شالوده عمومی حیات روحی قبول نمایم و گویا تحت الشعور عبارت از یک دائره بزرگی است که دایره خورد شعور را احتوا میکند هر چیز شعوری يك حالت تحت الشعوری اولیه دارد - تحت الشعور يك وظیفه تام روحی داشته و يك حقیقت - صادقه روحیه است - در وصف داخله خودمانند حقیقت دنیای خارجی در نزد ما مجهول است و اینهم توسط یادداشت های شعوریه انقدر ناقص بمعرضه میشود که دنیای خارجی توسط اعضای حیه ما حقیقت مطلقه که ما از تعبیر خوابها و تحلیل روحی اشخاص مبتلای نوروزها بدست آورده ایم عبارت از

تحت الشعور است - در حقیقت دو نوع لا شعوریت (ان کانس شس) وجود دارد ولی یکی عبارت از تحت الشعور (سب کانس شس) است که قابلیت تظاهر در ساحه شعوریه را ندارد یعنی ما نمیتوانیم محتویات این سلسله روحیه را حسب اراده در ساحه شعور خود تجلی دهیم - ثانوی عبارت از (یری کانس شس) و یا (فور کانس شس) است که تنبّهات آن در تحت بعضی شرایط مخصوصه و یا یکسانسور ثانوی میتوانند در ساحه شعوریه تظاهر نمایند - قبلا ما رابطه این دو سلسله روحیه را باهم شرح داده و گفته بودیم که (Pcs) مانند یک پرده در بین شعور و تحت الشعور جادارد (ش می) فلذا (Pcs) نه تنها از ظهور بساحه شعوریه بلکه از تظاهر در ساحه حسی که هم مانع میشود - بعقیده فروئید شعور تنها عبارت از یک عضو حسی است که برای قبول واخذ صفات روحیه خدمت میکند و ظوریکه قبلا در شکل های شیمائی شرح داده ایم در یک سلسله روحی بمثابه آله آخذه وحسی (پرسپشن) بوده و لذا توسط صفات و منبّهات قابل تنبّه بوده و اثر تغییرات وارده را حفظ نکرده و لذا از حافظه مجرد است ماده منبّه بعضو آخذه (P.) از دوراه میرسد - اول از راه (پی-سیستم) که منبّهات آن در تحت شرایط مخصوصه تعدیل شده و قابلیت اخذ روحیه می یابند - ثانیا از راه داخلیه که این عملیه ها هم عبارت از صفات درد ناک و خوش بوده و پس از بعض تجیرات بساحه شعوریه میرسند - احساسات خوب و بد در حقیقت در جهاز روحیه مایک انرژی و جریان تنبّه تو لید نموده و این جریان تنبّه تمام حرکات روحیه ما را اداره مینمایند - حال آنکه تنبّهات تحت الشعوری در حیات عادی برای ما تماما مجهول بوده ولی سچایا و مخصوصا حرکات و سکنات ما را شکل و صورت بخشیده و خوابهای ماراه مستقیم تحت الشعور ما بوده و مطالعه و تحصیل خواب اسرار عمیق این جهاز بزرگ روحی را بما منکشف می سازد.



# کیسی اونکلونه شهرزاده بست

نگارش شاغلی «پژواک»

گاهی سرور مانند بهار يك کشور را خرم میسازد و شادی چنان غام میشود که در يك شهر يك دل اندوهگین نمیتوان یافت چنانکه روز گاری فرا میرسد که دلی شگفته در جهان نمیتواند وا گریا بند آن را گلی می بیند آنند که چیدنش از یاد باغبان رفته باشد .



در روز گار قدیم شهر بست شادی معمور بود . سرور را آ بادان بود . باغهای آراسته و کاخهای پیراسته داشت . کرانش چون کاشمرومبانش چون فرخار بود . امیری شاد روان در آن پادشاهی میکرد که کهنرومپتر بدو شاد بودند . مردم جز هوای دلا و را نمی جستند و او جل دل مردم کشوری نمی شناخت که شایسته پادشاهی باشد . کینه را از دلها برون و کشور را مهر افسون کرده بود . باغبانان بنام او گل می کاشتند و دهگانان بدو نیايش می کردند . شادی مردم و خرمی کشور ازو بود . کاخی براقرار شده و بهشتی بر آورده بود که جای آرام و کام بود . دشمنی نداشت که از دیدن

شاغلی «پژواک»

آن حسد برد . هیچ دلی آنرا برای دیگری نه میخواست . هرگز فقیری را بر آستان او ندیده بودند ، گنج مردم را تگرفته بود .

از دارندگان نمیخواست و بدرویشان فراوان بخشوده بود. بدانسانکه خدای پیروز گربدو فرهی داده بود اودر پیروزی بخت مردمان می کوشید زیردستان اوبیکوه و بیابان و دریاوشهر بهره خودرا دریافته بودند.

بدین داد و آئین بسربرد تا آنکه بهارزندگانی اودر گزشت و ابرپیری بر سرش سایه افکند. دوستان دانا براو گرد آمدند و بدو گفتند «اگر پادشاه را عمر بسر آید «بلاد گرمیسر» راسایه نمی نباشد که در آن آرام کنند اکنون که کارهای کشور یکس است دل مردم را آرزوی آنست که پادشاه زن بخواهد تا بفرزند او اطاعت کنند و در سایه او از ستم بیاسایند.» پادشاه زن خواست اما چندین سال دیگر مژده فرزند باو نرسید. همگان نو مید بودند. امیر وزیری داشت نیک اندیش و فرزانه که اندیشه اش یاور و یارمند پادشاه بود. آن وزیر نیز از فرزند محروم بود. روزگاری بدین حال سرآمد تا آنکه روزی مردی ژنده پوش با کلاهی نمدی از سوی بیابان پدیدار گردید و با عصای بلندی که در دست داشت درب کاخ شاهی راست بکوفت. کنیزکان شتافتند تا ببینند کیست و چه می خواهد. درویش با غروری درویشانه گفت «خواستن در کاخ شاهان بیشتر از دل درویشان است. شنیده ام که شاه مردیست دادگرا اما دلش باندوه اندرست آمدم تا آنچه وامی خواهد باز گوید و دریابد.» کنیزکان را حرف او شگفت آمد. رفتند و سخنان او را باز گفتند. ملکه شا دمانی کرد و آرزوی فروند را باو در میان گذاشت.

در بستان شاه درختی برومند بود. درویش عصای خود را بران افکند دوسیب سرخ پائین افتاد. یکی را به ملکه داد و دیگری را فرستاد تا بانوی وزیر بخورد. تامی خواستند بر او درهم و دینار تبار کنند بگامهای تند از ایشان دور شده بود هیچکس نتوانست او را بازدارد. پادشاه و وزیر ظهور درویش را نیک گرفتند. چون روز بیایان رسید به طرب و شادی پرداختند. افسانه درویش بر سر زبانها افتید. مردم دست بدعا برداشتند.

اندرانشب همدشاه و بانوی وزیر آبتن شدند و چون روزها و شبهای مقدر سررفت شهزادهئی به زیبایی پسر بامداد و وزیر زادهئی به جمال دختر آسمان دنیا آمد پادشاه جشن بیاراست. مردم به طرب پرداختند. چندان شادی کردند که گفتی دنیا جای سرورست. آنگاه روشندان را باز خواست تا بر پریچهرگان نوزاد نام گزارند. شهزاده را «پتی» و دختر وزیر را «رابیا» خواندند. روزها و شبها میگزشت تا آنکه این دو کودک بزرگ شدند و بسان خورشید و ماه می درخشیدند.

محبتی که از کودکیشان را دریافته بود به عشقی بدل شد که جوانی آنها را دریافت. چندان به مهر همدیگر سرگرم شدند که در شهر بست همه کس ازان آگاه شد.

جوانی چون خنک سرکش است گاهی قوی‌ترین دست‌ها نمیتواند لگام آن را نگه‌دارد. روزگار مغفیانہ بر پهلوی آن تازیانہ می‌زند و او را مستانہ وار می‌جهاند. «پتی» را خون جوانی چندان گرم بود کہ با هر کہ رو برو می‌شد زور می‌آزمود و هر کہ را نیرومند می‌پنداشت بر زمین می‌زد.

چون در کودکی مردم نازا و ارامی برداشتند در جوانی غرور و ایمان آزارشان گردید. دانیایی کہ امیدوار روزگار پادشاهی او بودند بهراس اندر شدند. وقتی از کاخ شاهی برون می‌آمد مردم بخانه‌های خود می‌رفتند. گروهی از جوانان بیباک را گرد آورده بود. در کوی و برزن چنان میتاخت کہ در شکار گاه مستی میکرد.

آن پادشاه داد گر را چه افتاده بود کہ فرزندش بر مردم ستم میکرد و او را باز نمیداشت؟ آیا او نیز مانند همه پادشاهان دیگر خاطر فرزندش را بر آرامش مردم گرامی میداشت؟ آیا عدالت روزگار او را در پایان عمر پادشاه آنهمه داد و آئین بدبخت میساخت چنانکہ نتواند آزار و ستم را از سر مردمان بر دارد؟

روزی پیرہ زنی در کلبه خویشت شکایت ستم‌دیده‌ئی را شنید و گفت «من در سایه پادشاهی این مرد داد گر پیر شده‌ام من بمرگ خود و زندگانی پادشاه کہ دراز تر باد سو گند میخورم کہ او از جور شهزاده آگاه نیست».

آنکو شکایت میکرد گفت: «چگونه آگاه نیست. هنوز شهزاده کودک بود کہ با همبازیهای خود کوزه‌های سفالین زنان دهکده را شکست. پادشاه خبر بردند. پادشاه بزنان ده کوزه‌های نقرئین داد و فرزند را برنگی پند گفت کہ او را مغرور ساخت. چرا او را سرزنش نکند؟» پیرہ زن پاسخ داد: «بکودکی بیشتر ازین نشاید گفت. پادشاه بداد خواهان داد کرده است و به فرزندش ستم ننموده است».

آنکو دلش درد کرده بود گفت «همینکہ آگاه نیست ستم است»

پیر زن کہ دلش از محبت پادشاه پر بود بر خاست و بسوی کاخ شاهی برآه افتاد. یاسبانی نبود کہ او را باز دارد. پادشاه را دریافت و از جور فرزندش بدو باز گفت. چون شاهزاده از شکار باز گشت و به حضرت پدر شتافت او را درهم یافت و چندان سرزنش شد کہ غرور او نتوانست آنهمه نکوهش را بر دارد، آنگاه به پدر گفت کہ از دیار او خواهد رفت. پادشاه جواب داد: «خدا همه ستمگران را از دیار من دور کند».

«پتی» یاران خود را گرد آورد و بایشان گفت کہ مسافر شوند: قلعه بست دو دروازه داشت از یکی «پتی» برون آمد و از دیگری فریاد‌های مادرش بلند بود.



«رایبای» زیبا را مردمان گرمسیر «بلبل زرد» می گفتند. این نام در نزدشان محبوب بود. چون فریاد های ملکه را شنید از هوش برفت. دردی که مادران را بفریاد می آورد محبوبگان را به مرگ می سپارد. رفت و در پای پادشاه افتید که «پتی» را باز گر داند. پادشاه بسکوت قاهری ازو رو گردانید، «رایبا» زار گریست و به پای وزیر افتاد. پدر برو بگریست و نزدیک شاه شد، پوزش طلبید تا اگر بر فرزند رحمت آرد پادشاه گفت: «من يك فرزند را از خود دور کرده ام تا مردمان من که فرزندان مانند آرام باشند اگر ترا بر فرزند خود دل می سوزد باو بگوی که جائی که خواهد بود. من آرزو ندا شتم وزیر پیر من ستمگری جوان و مغرور را در دیار من بخواهد و حق پیرو جوان کشور مرا فراموش کند.» وزیر شرمنده شد آنگاه پادشاه بر روی او دست کشید و او را بنواخت چنانکه شاد شد و رفت تا دخترش را بیاموزد که حق نزدیکتر از فرزند است.

«رایبا» دیوانه وار برخاست و پرستندگان خویش را گفت آماده سفر باشند. پادشاه و وزیر در بستان شاه در سایه آندرخت سیب نشسته بودند که خبر دادند شبا هنگام «پتی» از بست برون رفته و بامدادان «رایبا» در پی او شتافته است.

بدرخت سیب نگریستند. شاه گفت: «آن درویش مستمند سیب های خود را باز گرفت» وزیر گفت: «آری اما سخت شیرین بودند».

«پتی» چون از بست برون آمد بد هکده ئی رسید که دید باغی خرم در آنست. آنجا فرود آمد تا با همراهان بسنجد که کدام سو سفر کنند. «کرم» و «پردل» از پهلوانان بیباک او بودند اما در حرف نیز بر دیگران پیشی میکردند. گفتند شب را درین منزل بگزاریم و پگاه براه افیم. چون هر دو را آرزوی رفتن به هندوستان بود به شهزاده گفتند شاه سبزی را در زمین بخلائیم سحر گاه میل آن شاخه را بشگریم و بدانسو برویم. شهزاده پذیرفت. در دل شب «کرم» شاخه را بسوی هند مایل ساخت. بامدادان آهنگ هندوستان کردند.

نماز دیگر در منزل دیگری فرود آمدند. خیمه ها را افراشتند و اسب ها را رها کردند چهل خیمه در آن ریگزار بلند شد که در هر یکی پهلوانی خفته بود.

چون دو بهره از شب بگذشت مردی که پاسبانی میکرد جوانان را بیدار کرد، دیدند خیلی از سواران بسوی شان می شتابد. آماده پیکار شدند چون سواران فرا رسیدند «پتی» در یافت که «رایبا» با دو شیزگان پرستنده خویش خود را باورسانیده است.

فراوان آتش افروختند و بسیار شادی کردند.

یگانه هنوز با مداد رنگین بود که جانب هندوستان شدند.

روزد دیگر در شهر بست در چندین خانه مادران می گریستند و دختران خود را یاد می کردند این واقعه پدران را سخت ناگوار آمد. گرد آمدند و نزد پادشاه رفتند و دادخواستند که «پتی» و یارانش دوشیزگان «بست» را ربوده و آب مردم را ریخته اند.

پادشاه اندیشناك شد و فرامان داد وزیر را بیاورند. چون وزیر بیامد بایشان گفت: «ای مردم من یکی از شما هستم.» را بیای» زیبا که او را «بلبل زرد» می خواندید پیشتر از دختران شما رفته است اما من پادشاه نگفتم که فرزند دختر مرا ربوده است. دختر من دل داشت، دلیکه دیوانه محبت بود. این دیوانه را رهبر گرفت. من از رفتن او آگاه شدم ولی نتوانستم او را باز دارم. هر آنکو در پی دل میرود توان او را باز داشت. او یگانه فرزند من بود و شما فراوان فرزندان دارید. این دختران عاقبت با جوانانی می رفتند و از شما دور می شدند. بیشتر از این کاری نکرده اند که اینهمه ملامت را برایشان بیاورند. دیگران گزارید. دختر گنجی است که برای بخشودن بماداده شده اما مانند هر بخششی باید بجا باشد. نیکوترین جای آن همانست که خود می خواهد من آنچه میدانستم گفتم دیگر اختیاری در کف نیرومند پادشاه دادگراست چنانکه بفرمایند چنان کنیم.»

پادشاه وزیر را به آفرین و نواخت و آنگاه گفت: «ای مردم من در میان شما پیر شده ام، آبیایر ترین شما می تواند بمن بگوید که داد نکرده و راه ستم پوئیده باشم؟ آرزوی فرزندان نمی کردم برای آنکه مباد داد گرناباشد و آنگاه پیداد او را ستم من شمردی زیرا هر پدری را از فرزندش اگر نیکو باشد یازشت میتوان پرسید و اگر زشت بار آید باید پرسید. درختیکه که میوه آن پرورده نباشد از علت عاری نیست. برای من اگر چه این آرزو را برای جستن دل مردم پروردم همین شرمندگی بسنده است که نتوانستم پدر فرزندی باشم که مردم مرا به آن بستانند. او را مانند هرستمگر دیگری از دیار خود دور کردم و اندوهگین نیستم دختران شما در پی آرزوی خود شتافتند، این آرزو از آرزوی فرزندان من که بر دیگران میخواست ستم کند فرق دارد. اینجا سخن از دل است نه از کشور و دل نیز کشوریست که باید آن را نگهداشت. من از فرزند گزاشتم تا کشور را داشته باشم دختران شما از پدر گزشتند تا کشور دل را نگهدارند. بروید و پادشاه دیگری را باز پرسید. آن پادشاه عشق و جوانی است. من باشما گروه پیر نمیتوانم با این پادشاه که نیروی آن جوان نیست بجنگم. می ترسم باینکه داد شما را بدعم بدیگران ستم روا دارم. اگر پیش ازین از من بخواهید بر من جفا میکنید و چنانکه شاهان نباید بر مردم خود ستم کنند مردم نیز

## د مملکتی دواړو تشکیلات

د تحریراتو مدیر	:	ص . غلام محمد خان
د احصائیې	:	» ، عبدالهادیخان
د ناقلینو	:	» ، نصرالله خان
د فواید عامې	:	» ، کمال الدینخان
د معارف	:	» ، عبدالسلام خان
د مغایراتو	:	» ، سیداحمد شاهخان
د گمرک	:	» ، علی محمد خان
د جنگلاتو	:	» ، غلام بهاوالدینخان
د مساحتی د لمرۍ خانګی مدیر	:	» ، عبدالظاهر خان
» د دوهم	:	» ، . . .
د نهرین د عسکری فشلی د تعمیراتو	:	» ، سید علی اکبر خان
د حمل و نقل مدیر	:	» ، محمد محسن خان
د عایداتو او مالیاتو د مدیریت کفیل	:	» ، فتح محمد خان
د صحتی د مدیریت کفیل	:	» ، محمد سرور خان
<u>د قطغن مربوطه لوی حکومتات :</u>		

د تالقان لوی حاکم	:	ع ، ع سید آفا خان
د قندز	:	» ، عبدالمنان خان
د بلخمری	:	» ، عبدالشکور خان

## د مشرقی ولایت

د نائب الحکومه وکیل د اعلی حاکم پوښت	:	ع ، ع ، ص عبدالله خان
د مستوفی	:	ع ، ص ، خواجه محمد سعیدخان
د امنیې قوماندان	:	ح ، حاجی ضیاءالدینخان
د مرافعی د محکمې قاضی	:	ف ، محمد شریف خان
د ژاندارمې غنېمشر	:	ح ، عبدالقیوم خان
د تحریراتو مدیر	:	ص ، محمد طاهرخان
د معارف	:	» ، عبدالغفارخان
د فواید عامې	:	» ، غلام حیدر خان
د احصائیې	:	» ، محمد حفیظ خان

نشايد بر پادشاه خودستم روادا رند. من آنچه ميدانستم بگفتم ديگر آنچه بخواهيد چنان كنيد» مردم همه خاموش شدند و باز گشتند.

«پتي» و همراها نش تا ختند تا آنكه در كشور هند پا گرانند. كجا بيايند؟ هنوز نميدانستند. بدهكه نهي رسيدند. «پتي» به همراها نش گفت اسپهاي خود را در كشت مردم رها كنند. اطاعت كردند. ديري نگزشته بود كه ديدند مردمان ده اسپها را آوردند و بيشان سپرده گهفتند چون فصل رامي خورند آنها را ببنديد «پتي» بيا ران گفت: «مردمان اين دهكه بهام يكي هستند بنگا نگان نميتوانند باچنين يگانگي در بين ايشان زندگي كنند بر ويد تا بجا نهي برسيم كه مردم آن جاي باهم دشمن باشند.

فرداي آن روز بدهي ديگر رسيدند آن رانيز چنان يافتند. روز ديگر در روستاي «گواريان» فرود آمدند و اسپهاي شان را رها كردند. هر كسي اسپ را از كشت خود بكشت ديگري مي فرستاد. مردم آنديار سخت بيمهر بودند كسي را با كسي دوستي نبود: «پتي» با «كرم» و «پر دل» گفت «اينست سرزميني كه ميتوان دران پائيد»

درفريه گواريان قلعه محكمي بود. قرارداد ند كه در آن قلعه جاي گيرند. كجرايان نهي خواستند اما چون ديدند چهل مرد جنگي را نميتوانند بازدارند ناگزير شدند. چون شب روزه شد «پتي» بايشان گفت كه قلعه را ترك كنند. «گواريان» ناگزير برون آمدند و عذر آوردند كه چون برون روند قيله دشمن برشان بتازد و ايشان را همگان بكشد. «پتي» نشان آن قيله باز جست و نزديايشان شد. چو با «گواريان» از راه صلح نيامدند با ايشان جنگيد و چندين سر را از تن جدا كرد.

اين قبائل را پادشاهي بود. داد خواهان نزداو رفتند. پادشاه به «پتي» پيغام فرستاد. درين پيغام پرسيده بود كه «پتي» كيست، چه مي خواهد و قلعه مردمان ديار او را چرا كشوده است «پتي» ياران خويشتن را طلبيد و آن حرف را با ايشان درميان گذاشت. آنگاه پاسخ داد: فرزند پادشاه بست هستم. پدر بهمن خشونت كرد ديار او را ترك كردم. نسيم شاخه مرا بجانب هند مایل ساخت. بخت مرا با اين سامان آورد. آمدم تا همگان مردم شما باشم، درب خود را بروي ما بستند. دري كه بروي دوستان بسته شود بد دشمني كشوده خواهد شد. ميخواهم اينجا زندگي كنم. دختران بست و فرزندان هيرمندين منزل را گزيده اند. براي شهزاده اي كه پدر او را از ديار خويش براند دنيا تنگ است، اگر پادشاه بخواهد از قلعه برون مي شوم اما بميداني برون خواهم رفت كه دران پادشاه بجنگم من خواستم قبايل را آشتي بدهم اما جنگيدند با ايشان بگوئيد بجنگند و اگر جنگيدند مغلوب نشوند»

چون این پیام را بیادشاه بردند اندیشید باو نبشت: «بپاس آنکه مهمان نرنجد از آنچه گزشته است در گزشتیم و آن قلعه را گزاشتیم. تادیگری داد نخواستنه است شادزند گانی کنید ما را بجای پدر شمارید و تا خود باعث نشوید شمارانخورا هم براند. شهرزادگان را شاید که در جوانی نیز خونشان گرم نباشد مانه می خواهیم با مهمان بجنگیم اما مهمان را نیز شاید بامیزبان خشونت کند.»

«پتی» چون نامه پادشاه را دریافت یاران را بغواست و جواب نیکو فرستاد آنگاه به همراهان خویش گفت: «بهر آنست با پادشاه و مردم ایندیار به نیکوئی زند گانی کنیم. نامه او پیغام مردی دانا و دلبرست، چنان می نماید که هر چند بودن مادر دیار او برای وی بسیار گوارا نیست اما می تواند با آنچه نه می خواهد بسازد و این جز برای مردان دانا و دلبر میسر نیست»

«کرم» از میان برخاست. چهره او افروخته بود. سیمایش چون لاجورد می نمود. همه را طعنه زد و گفت: «نمیدانم چه آبی بر آتش شهرزاده بست ریخته اند که خون گرم جوانی را در بیکر اوسرد ساخته است. پادشاه ما را برنگی جواب داده است که ما را بترساند. اگر پیغام او را بپذیریم بار خود را بر ما میگذارد، او میخواهد دلیری ما را ببلز ماید. باید با او جنگید تا بداند که پندار او درست نیست و اگر مردمش به داد بخواهند او نمیتواند ما را براند و ایشان را دریابد.»

شهرزاده بست را این گفتار پسندیده نیامد دست بر قبضه شمشیر برد تا بفهماند نباید در حضرت او گستاخی کنند اما «پردل» برخاست و آنچه را کرم گفته بود تصدیق کرد دیگران نیز با او همونوا شدند. شهرزاده چون دید همگان را رای یکست از خشونت باز ماند و به نرمی لب کشوده گفت: «من دلیری و شهامت شمارا قدر میکنم. اما کسی در میان شما هست که دلیرتر و جنگجو تر از من باشد؟»

همگان خاموش بودند. شهرزاده باو از بلند تر گفت: «این بار اول است که همراهان من به من پاسخ نمیدهند و صدای مرا نه می شنوند. نمیدانم روز گار در حاق من سرمه فرو ریخته و یاد رگوش ایشان پنبه گزاردده است؟!»

همگان خاموش بودند، شهرزاده نعره زد: «ما از وطن خود را نده شد. ایم اما در هر سر زمین باید بر رسم خود زندگانی کنیم. آیا فراموش کرده اید که سه صد بار رسم دیرین شماست. . . . من سوال خود را بر سوم تکرار میکنم:»

همگان خاموش بودند. «پردل» بیایستاد و گفت: «من از جانب خود دو دیگر همراهان پوزش می طلبم.»

آنگاه بجرمت برخاستند و هر یک بحجره خویش رفتند.

مدتی بدینگونه سرآمد تا آنکه روزی «کرم» از باره به بیرون نگاه کرد و دید

کاروانی عظیم میگزرد . فرود آمد . براسپ خویش نشست و تاخت . چون بیکاروان رسید دید  
شترها آهسته گام می بردارند . ازان بارهای گران پرسید . قافله سالار بدو گفت :  
« خزینۀ پادشا هیست که برماو شما حکومت میکنند »

« کرم » گفت : « میخواهم این قافله به قلعه من برود » قافله سالار مردی پهلوان و نیرومند  
بود . با او در آویخت و خویشتن را مغلوب ساخت . کرم او را بکشت و قافله را به قلعه برد .  
در آن روز شهزادۀ بست و همراهان به شکار رفته بودند . « کرم » خزینۀ را در جانی  
نهان کرد و شترها را رها نمود .

چون به پادشاه خبر رسید سخت برآشت و فرمان داد تا جنگجویان او کمر بندند . شهزادۀ  
بست از شکار باز گشت . آنقدر خسته بود که اگر میگزاشتند با آفتاب یکجا بلند می شد .  
بامداد روز دیگر « رایبا » از باره فرونگریست و دید اطراف را خیمۀ سپاهیان پر کرده  
است . « پتی » را از خواب بیدار کرد . چون برخاست « پردل » را فرمان داد که نعره  
کند و از عزم ایشان پیرسد .

پهلوانی از برون پاسخ داد که جنگجویان شاه برای پیکار آمده اند . چون سبب را  
پرسیدند معلوم شد که غصب خزینۀ پادشاه را برانگیخته است ، شهزادۀ « کرم » را خواست  
« کرم » حقیقت را با او در میان گذاشت . شهزادۀ سخت اندو هگین شد . همراهان وی گفتند :  
« چون ماتشۀ پیکاریم چرا اندو هگین هستید ؟ » شهزادۀ گفت جنگ مرگ می آورد .  
مرگ نجات از - مسئولیت است اما نقض قول مرگست که مسئولیت دارد . آنچه مرا اندو هگین می سازد  
جنگ نیست ، کاش کرم طوریکه برای جنگ آماده است ما را پیش از جنگ مغلوب نمیساخت . »

آنگاه شهزادۀ بست نامه ای نشست و حقیقت امر را به پادشاه رسانید . پادشاه که بهانه می  
جست حاضر نشد خزینۀ را دریابد و باز گردد . پس مقرر داشتند تا بامداد دیگر به میدان برآیند .

در آن روز گار پهلوانان تن بن تن می جنگیدند . سی روز باهم جنگیدند و سی پهلوان از  
همراهان « پتی » را کشتند . شمار کشتگان پادشاه به سه صدمی رسید ؛ ده روز دیگر نبرد  
کردند نه پهلوان « بست » از دنیا رفت شصت مرد از جانب شاه بخون غلتیده بود .

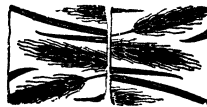
روزیازد هم شهزادۀ « بست » به میدان رفت ، و سی روز نبرد جست .

بیشمار پهلوانان را بکشت . چون ماه نوشد و کمر بست ، رایبا او گفت « مرو ! » شهزادۀ  
بست گفت « نمیدانم چگونه مرا باز میداری ؟ »

رایبا گفت : خوابی دیده ام سخت پریشان . دیدم که پیر مردی نورانی چادر م را

می گیرد و بر پشت اسب می گسترده . من زاری میکنم . نمیشنود . بمن میگوید من سیب خود را  
از پادشاه بست میخواهم . مباد گزند ی بتو برسد .  
شهرزاده او را بوسید و آهنگ میدان کرد .  
در آن روز دوشیزگان بست پهلوانان کشته را بر تخت های خواب گراشته و شالهای رنگین  
خود را بر آن ها گسترده بودند و بر باره قلعہ بر آمده میدان را تماشا میکردند .  
رایا فریاد کرد : ای اسب « پتی » ، اگر امروز او را فاتح باز آوری از زیور خوش  
نعلهای ترازین خواهم کرد و مروارید های خود را بگردن تو خواهم آویخت .  
پهلوانان دیدند که اسب پتی بسوی قلعہ می آید گمان کردند پتی میگریزد . فریاد دوشیزگان  
از باره به آسمان شد . دویندند تا درب قلعہ را بروی او بکشایند « رایا » فریاد زد : « درب را  
بروی پهلوانی که می گریزد نباید کشود .  
چون « پتی » بدرب قلعہ رسید از اسب بیفتاد . « رایا » در را کشود و دید « پتی » آمده  
است تا در میدان نیفتد و در آغوش او جان سپارد . تیر دشمن دلش راستگرفته بود شهرزاده بست  
جان داد و بهمراهان پیوست .  
در ویش سیب خود را از پادشاه « بست » باز گرفته بود .

« انتهی »



# رودهای افغانستان

ترجمه و نگارش «صدقی»

ساختمان طبیعی کشور افغانستان طوریست که قسمت مرکزی آنرا کوهستانهای بیشمار فرا گرفته . هرگاه به ساختمان طبیعی آن نظر اندازیم معلوم میشود که قسمت مرکزی و شمال شرقی خیلی رفیع و بعد از آن هر قدر بطرف شمال و غرب و جنوب می آئیم از ارتفاع اراضی کاسته شده میرود . کوههای شمال شرقی و مرکزی



عبارت از سلسله هائیت که از پامیر جدا شده و در تاسر هندوکش را فرا گرفته . این کوهها که قله آن از برف و یخ پوشیده است منبع رودخانه های زیادی میباشد که به سمت شمال غرب، جنوب و شرق جریان می کشند و چون افغانستان در میان بر اعظم افتاده و از بحر دورست جمیع این رودها یابستهای رود کابل و معاونهایش و بعضی رودهای جنوبی از داخل خاک و یا از ممالک همسایه خارج نمیشود . رودهای

افغانستان بخوبی بدر آبیاری میخورد و از اکثر آنها

جدول ها و نهر ها جدا کرده اند . رودهای افغانستان اگرچه در بهار و موسم بارانی مالا مال می باشد اما در بیشتر حصه سال عبور و مرور از اکثر آنها مشکل نیست . اکثر رودها برای حمل و نقل و خط آبی مساعد نیست اما برای استحصال قوت برق پس مفید می باشد .

تلا بشرح اجمالی رودخانه های مهم کشور می پردازیم :

رود کابل : این رود از کوههای پغمان از ارتفاع (۱۴۰۷۹) فـت از حوالی کوتل اوئی

به جهه جبل بغرب کابلست می بر آید در آغاز جریان بطرف شرق آمده قصبهات جاغری ، قلعه درویش ، جلریز ، ومامه کی را مشروب می نماید اما دفعهء سمت جنوب غربی را گرفته باین طریق فریب ۱۰۰ میل را می پیماید و ازین میدان گذشته از تنگی الندر عبور می نماید و بدینصورت اضراف نوم قوروع را دور می زند و از میان وادی شاداب چهارده می گذرد . درینجا رود پغمان به آن یکجا میشود و بعد از عبور از گندرگاه شهر کابل را بدو حصه منقسم می سازد . در بگرامی که چند میل در شرق شهر واقع است رود اوگر که وادی اوگر را مشروب میکشد



بدان می ریزد . رود لوگر که شاخه های آن از خروار و وردک در حوالی برکی برک لوگر با هم یکجا میشود از سمت جنوب برود کابل ملحق میشود . رود کابل سپس وا دی بزرگی را که بشرق کابل افتاده مشروب نموده و از تنگ غارو عبور می کند و چند میل پایا تر از آن شلاله می سازد که معروفست بشلاله ماهی پر . بعد از آن وارد میدان های سروبی میگردد که در آنجا معاون دیگر آن رود پنجشیر به آن می ریزد . رود پنجشیر از اجتماع رود های پنجشیر و غوربند بوجود می آید . پس از آنکه اراضی کوهستانی شمال جگدک را پیمود بمیدان جلال آباد وارد می گردد و در اینجا رود های الی شنگ و الی تنگ که از وادی لغمان می آید از طرف شمال بدان می پیوندند . سرخ رود از طرف جنوب با آن یکجا میشود . در نزدیک کامه رود کشر به آن می ریزد . رود کشر از شمال از کوه های واخان از حوالی کوتل بروغیل منبع گرفته و در چغه سرای رود پنج به آن وصل میگردد . سپس رود کابل سمت شرق را پیش گرفته بصورت نامنتظمی موازی سرک کابل - پشاور میرود . بعد از عبور از دکه که ۴۲ میل از جلال آباد دورست در منطقه کوهستانی مهمند از نزدیک مچنی در ایالت پشاور داخل می گردد . درین منطقه رود باجور و سوات به آن ملحق میشود درین وقت رودخانه بزرگی شده می باشد که در نزدیک اتک به رود اندوس می ریزد .

جریان رود کابل عموماً تیزست و برای حمل و نقل از اکثر قسمت های آن کار گرفته میشود . در آغاز جریان آب آن کم است و در هنگام تا بستان بعداً ختک می گردد چه از آن برای زرع و کشت استفا ده می شود نامهای قدیم آن کوبها Kubha کوفن (Kopphen) کوفس Kophus و کوا Koa است . طول آن رویهمرفته سیصد و شانزده میل است .

هلمند : رود هلمند بزرگترین رودخانه داخلی افغانستان و طول آن ۶۲۵ میل است و جریان عمومی آن بطرف جنوب غرب مملکت می باشد . هلمند را هیرمند هم می گویند و نام های قدیمی آن ایتی ماندر Etymander ایتی ماندروس Etymandoros و اری مانتن Erymanthus و هیتومات Haetumat است . منبع آن در شمال دره اونی از وادی مرتفعی در غرب سلسله پغمان است . در آغاز جریان قریب دوصدمیل بطرف غرب از بین هزاره جات می گذرد و سپس داخل منطقه حاصل خیزدرانی میشود . هنوز به گرشک نمی رسد که معاونین متعدد بدان می پیوندند مانند کجروود ، رود موسی قلعه ، رود غورک و غیره . در پائین گرشک نزدیک خرابه های بست قدیم رود خانه ارغنداب و ترنک که از مجموع رود های ارغنداب ، ترنک و ارغسان تشکیل شده بدان می ریزد . از اینجا رود هلمند خیلی بزرگ میشود همینکه از منطقه گرمسیر گذشت سمت غربی را اختیار و از حوالی چاربرجک بطرف شمال جریان می کند و بالاخره بدریاچه هلمند می ریزد . آبیاری منطقه سیستان ازین رود خانه میشود .

اطراف رودخانه باستانی منطقه ریگزار همه حاصلخیز و قابل زرع است . هلمند رود بزرگی است و حتی در تابستان دارای آب و همق زیادست . در مواقع طغیان جریان آن تند و مقدار آب آن خیلی زیاد میشود . بزرگترین معاون آن رود ارغنداب است که از مجموعه رود های ارغنداب ، ترنگ و ارغسان بوجود آمده .

رود ارغنداب از کوههای هزاره ازحوالی کوتل باری حق و جنوب منبع هلمند می برآید . این رودخانه بطرف جنوب غربی روان و بعد از قلات غلزائی داخل دشت هموار می گردد و حاصلخیزترین مناطق قندهار را سیراب می کند . در زمستان همچون جویباری می گردد اما در هنگام ذوب برف ها دارای آب فراوان و رفتاری تند میشود . عرض آن از یکصد و پنجاه متر زیاد نیست .

رود ترنگ که از کوهستان حوالی مقر سرچشمه می گیرد بسمت جنوب غرب جریان میکند . و از شاه جوی و قلات می گذرد . رود ارغسان که مرکب از چندین شاخه زاهد ، رود کند ، کدنی آب میباشد در جنوب وادی قندهار بدان می ریزد رودی از که اجتماع رود ترنگ و رود ارغسان بوجود می آید پائین تر برود ارغنداب می ریزد .

رود کشک نخود ورود میوند در حوالی کشک نخود برود ارغنداب می ریزد و رودخانه بزرگی می سازد که این رودخانه دریائین گرشک برود هلمند افتاده سبب بزرگی رود هلمند میگردد .

رود غزنی : این رودخانه کوچک مرکبست از دوشاخه که یکی از غزنی گذشته در حدود شلگر با شاخه که از گردیز می آید یکجا میشود و رود غزنی را تشکیل میدهد . این رودخانه سمت جنوب غربی را بیموده به آب ایستاده غزنی می ریزد . طول آن تقریباً ۲۰۰ کیلومتر است .  
رود پالتو : رود کوچکی است که از شرق زرغون شهر گذشته به آب ایستاده غزنی می افتد و طول آن تخمیناً (۱۰۰) کیلومتر است .

رود گومل : از حوالی اورگون برآمده بطرف جنوب روانست . در خط سرحد رود کندر بدان می ریزد و آنگاه سمت شرق را اختیار و برود سند می ریزد . طول آن قریب ۳۵۰ کیلومتر است .

رود لوره : این رود از جمیع رود های افغانستان جنوبی تر واقع و از حاشیه نهائی جنوب شرقی افغانستان و از وادی پشین می گذرد . این رود بدرد آبیاری نمی خورد زیرا سطح آب آن از اراضی متصله پائین ترست طول آن قریب دوصدمیل و در هامون لوره که در بین سرحد افغانی و بلوچستان واقع است می ریزد .

خاش رود : از نشیب های جنوبی کوه سیاه بر آمده بطرف جنوب جریان دارد . منبع آن قریب نود میل بجنوب شرقی هرات واقع است . در نزدیک دلا رام بولایت فراه داخل میشود و بعد از طی یکصد و پنجاه میل به مناطق گرمسیر داخل میشود . آب این رود خانه غالباً برای آبیاری صرف میشود . اسم آن از نام دهی در آن حوالی اشتقاق شده .

در تابستان عبور از آن سهل اما در مواقع طغیان گذر از آن مشکل است رفتار آب آن سریع است . آب آن گوارا و عرض آن در فراه (۱۰۸) متر و عمقش یک متر می باشد . خاش رود بهامون هلمند نارسیده در حوالی چخانسور بچندین شاخه منشعب میشود و عموماً بهامون هلمند می ریزد . طول آن قریب (۴۰۰) کیلو متر است .

فراه رود : از دامنه های سیاه کوه می براید طول آن بیشتر از (۵۰۰) کیلو متر است . این رود از اجتماع چندین رود خانه همچون رود غور و غیره که از دره های مختلف می آید تشکیل شده . فراه رود از شمال غرب فراه عبور و به هامون هلمند می ریزد .

هاروت رود : این رود از کوه های جنوب غربی هرات بر آمده بجنوب غرب جریان دارد . هاروت رود از سبزوار می گذرد وادی ادرسکن را مشروب و باین نام موسوم میشود همینکه معاون دیگر آن که از کوه انار دره سر ایزر میشود بدان آمیخت نام هاروت رود را میگیرد و بشمال غربی هامون هلمند می ریزد .

هاروت رودیست فیاض و از آن جویبارهای متعدد کشیده اند سبزوار و نواحی آن تا انار دره از جدول های آن آب می خورد این رود خانه بدخانه خود دلتائی می سازد که به ۱۵ شعبه منقسم است . اراضی واقع دلتای آن خیلی حاصلخیز و طول رودخانه ۴۳۱ کیلو متر است .

هریرود : طول این رودخانه (۵۳۰) میل است و از کوه های دای زنگی که در حدود (۱۰۰۵۰) فو بلند است و قسمت های اخیر کوه بابا را تشکیل میدهد سرچشمه می گیرد . منابع این رودخانه متعدد و معاونین آن زیاد است از آن جمله دورودخانه که موجودیت هریرود از آنها صورت میگیرد عبارت است از سر جنگل و تنگلاب اولی از گوشه شرق سفید کوه متصل چهل برج نام موضعی منبع گرفته جریان خود را تقریباً بصورت مستقیم دوام میدهد . دومی از دره چلاب می خیزد . این رودخانه تا فاصله یکصد میل بطرف غرب متوازی هم جریان داشته در حوالی قریه دولت یار که بارتفاع (۸۱۱۷) فو است باهم یکجا شده رودخانه هری را بوجود می آرند . از او به گذشته معاونینی که از شهرک و تولک می آید بدان می ریزد و در حوالی انجیل رود کرخ بدان می افتد .

عرض این رودخانه از ۳۳ تا ۴۳ متر است در هنگام ذوب برفها از جهت آب خیزی عبور و مرور از آن مشکل است اما در وقت کم آبی عمقش از یکنیم متر تجاوز نمی کند .

هریرود از چارمیلی جنوب شهر عبور و در زندجان که درسی میلی هرات واقع است متوجه شمال غرب میشود و از کهسان می گذرد و سرحد ایران را در موضعی موسوم به تومان آغا تماس می کند. رود هری از اینجا رخ بطرف شمال کرده و تا به کوتل ذوالفقار قریب (۶۰) میل حدفاصل مملکتین افغانستان و ایران می باشد، این رود در قسمت اخیر جریان خود موسوم به رود تجن میشود و بالاخره در ریگستانهای خوارزم جذب می گردد.

هریرود در سابق طویلتر و تشکیل باطلاقیها می داده که برود جیحون متصل بوده ولی کم کم چون شعباتی ازان برای آبیاری جدا کرده اند آب آن در قسمت سفلی کم شده است. آن باطلاقیها تا قرن دوازدهم وجود داشت.

هریرود بطول قریباً سیصد میل از شرق بغرب جریان دارد که اکثر آن از بین وادی حاصلخیز و شاداب هرات می گذرد. هریرود برای آبیاری و زراعت بس مفیدست و از آن نهرها و جدولها کشیده اند. در زمان قدیم ازان نه جوی برای کشت و زراعت کشیده بودند که بر طبق تحریر صاحب نزهة القلوب عبارت بود از: نوجوی آذر بایجان، لشکرگان، کراغ، غوسمان، کنک، سفغر، انجیر (انجیل)، یارشت. فیاضی این رود باعث شهرت سرزمین هرات کشت واز آنست که وادی هرات معروف بباغ و غله خانه آسیای میانه شده است. فیاضی رود هری منحصر بوادای هرات نیست بلکه در قسمت های شمالی اراضی تجن و سرخس را نیز آبیاری می کند.

معاونین آن در خاک ایران عبارت است از (۱) کشف رود که سرچشمه آن نزدیک سرچشمه اترک در کوههای هزار مسجدست که پس از مشروب نمودن رادگان و چناران از شمال مشهد عبور و در پیل خاتون بهریرود میریزد. (۲) رود جام که پس از مشروب کردن بلوک جام بهریرود می ریزد، (۳) رود باخزر که از شمال این ناحیه گذشته در تومان آغا که هریرود سرحد ایران میشود به آن متصل می گردد.

رود مرغاب: طول این رود ۳۸۵ میل است سرچشمه این رودخانه شاخه های کوههای

تیربند و فیروز کوه است که بخط غیر منتظمی بطرف غرب در بین وادی بزرگی که آن هردو سلسله کوه را از هم جدا می کند جریان دارد. بعد از آنکه آبهای معاونین زیاد به آن آمیخت سمت شمال غربی را اختیار می کند و از بالای مرغاب می گذرد. در حوالی مروچاق معاونین دیگر به آن علاوه میشود و در ماورای خط سرحد کوشان رود که از شاخه های فیروز کوه سرچشمه گرفته بدان می پیوندد: در آق تپه رود کشک که از حوالی کشک و رودی که از دامنه های کوه سیاه بوبک برآمده و از قره تپه می گذرد بدان می ریزد.

د مرو چاق رود مرغاب قریب ۱۵ میل نقطه سرحدی افغان و روسیه است . پنجه و آق تپه در ساحل چپ رودخانه بداخله خاک شوروی واقع است . از آق تپه رود مرغاب بطرف شمال در جریان بوده و مرو میرود و متعاقب آن در ریگستان قرا قوم جذب میشود ، این رود خانه از سرزمین های ریگستانی و حاصلخیز می گذرد . آب آن در بهار زیاد اما در موقع زراعت رو بقلت می گذارد جریان آن تیز و عمق آن یکسان نیست .

رود آب سفید : از کوه تیر بند بدو شاخه می برآید و در سریل معاون دیگری که از سنگ چارک می آید بدان می پیوندند و بعد به آب سفید موسوم میشود و از شبرغان می گذرد و بدشت جذب میشود . طول آن قریب (۲۰۰) کیلومتر است .

رود قیصار : رود کوچکی است که از حوالی میمنه گذشته و از دولت آباد عبور و بدشت جذب میشود . طول آن قریب (۲۰۰) کیلومتر است .

رود آمو : یکی از رودخانه های بزرگ افغانستان آموست که قریب چار صد میل خط

سرحد شمالی افغانستان امروزی را با خاک دولت اتحادیه جماهیر شوروی تشکیل میدهد .

منبع آن فلات مرتفع پامیر خوردست که در موسم سرما بزرگترین ذخیره برف و یخ میباشد رود آمو يك رود تاریخی و دارای اسمای متعدد قدیمی است نام یونانی آن اوکسس Oxus است که از وخشو Wakhshu برآمده در پهلوی و هرود Wehroth و در زبان چینی و رهو Wurhu یا کوی شو Kui-Shu گفته میشود . طول این رودخانه بیشتر از یک هزار میل است که بعد از طی این مسافه بدریاچه آرال می ریزد . این رود در آغاز جریان از دو رود خانه واکان و پامیر تشکیل میشود که اولی از دره واکان عبور می نماید و ثانوی از حوالی دریاچه وکتوریا یعنی پامیر بزرگ برآمده سرحد شمالی واکان را تشکیل میدهد . همینکه هر دو رود بهم آمیخت آب پنجه میشود و جریان آن بطرف جنوب غربی است . در منطقه اشکاشم سمت شمال را اختیار می کنند و با تعقیب خط نامنتظمی بطرف شمال رود های شاخ غند و آقسو و غیره از ماورای خط سرحد افغانی به آن می ریزد . همینکه به نقطه ۳۸ درجه و ۳۰ دقیقه عرض در شمال درواز رسید خط سیر آن باز بصورت نامنتظمی سمت جنوب غربی را تعقیب می نماید همینکه از ینگی قلعه عبور کرد بدوحصه منقسم میشود . درین حدود هارود قزل سو از شمال و ماورای خط سرحد به آن می ریزد و رود کوچکی از داخل خاک افغانی بدان می پیوندد . از جایکه خط عرض ۳۷ درجه را قطع می کند رود خانه قندز بدان می ریزد و در همین حوالی رود واکش و بعد تر رود کافر نهان در آن ملحق میشود . در جوار ترمز رود سرخان به آن ضمیمه میشود و از ترمز تا خم آب دیگر رودخانه مهمی بدان نمی افتد و رود آمو پهنای عظیم خود را میگیرد .

## د کابل کالنی

د املاکو د مدیریت کفیل	ص ، محمد اسلم خان
د صحیبي مدیر	: « ، عطا محمد خان
د عایداتو د مالیې مدیر	: « ، شیر احمد خان
د گمرک مدیر	: « ، محمود خان
د خارجه د مدیریت کفیل	: « ، عبدالقدوس خان
د استخباراتو مامور	: « ، محمد عالم خان
د ثمرخیلو د لرگېو رئیس	: ع ، ص ولی محمد خان

## د جنوبی ولایت

تنظیمیه رئیس او عسکری قوماندان	: ع ، ش محمد قاسم خان
مستوفی	: « ، ص قطب الدین خان
د امنیت د قوماندانی کفیل	: ش ، محمد زمان خان
د مرافعی د محکمې قاضی	: ف ، فضل الرحمن خان
د خارجه چارو مدیر	: ص ، محمد زمان خان
د گمرک مدیر	: « ، حبیب الله خان
د صحیبي »	: « ، د کتور غلام ذکریا خان
د معارف »	: « ، عبدالعزیز خان -
د فواید عامی مدیر	: « ، مدد خان
د مختاراتو »	: « ، عبدالواحد خان
د قبائلو »	: « ، محمد اسلم خان
د استخباراتو مامور	: « ، روشندل خان
د ناقلینو »	: « ، محمد اسلم خان
د حمل و نقل »	: « ، عزیز احمد خان

## د میمنې اعلی حکومت

د حاکم اعلی وکیل	: ع ، ع ، ص سعادت خان
سر رشته دار اعلی	: « ، ص عزیز احمد خان
د ژاندارمې قوماندان	: ح ، سردار محمد خان
د امنیت د قوماندان وکیل	: غ ، عبدالشکور خان

رود آمو در آغاز جریان بس سریع است در بازای گومبز و در يك مسافه كوچكى در وادى واخان جريان آب آنقدر شدت ندارد اما همينكه بطرف غرب برگشت سرعت زياد پيدا مى كند . از رنگ كه كمى در شرق اشكاشم است تا به خوروك در شغنان در سرعت رفتار آب آن مى افزايد .

اكثراً از معاونين اين رود از شاخه هاى سلسله هندوكش سرمى زند و در آغاز تا بستان كه برف ها ويخ ها آب ميشود وقت طغيان و مستى آب آنهاست كه در ين مواسم مقدار زياد آب در مسير كوچك رودخانه ها سرازير ميشود سنگ ها ويخ هاى زيادى را باخود مى آورد . آب بقدرى در رودخانه ها زياد ميگردد كه سرريزه مى كند و مواد سيلابى را بر زمين هاى اطراف هموار كرده و سبب حاصلخيزى آن سامان ميشود .

همينكه رود آمو از سرزمين هاى كوهستانى بر آمد و داخل وادى هموار شد سرعت رفتار آن معتدل ميشود . رود آمو بعضاً بستر خود را ترك ميدهد و جريان خود را تبديل مى نمايد چنانچه در قرن ۱۴ اين رودخانه به بحيره كسپين مى ريخت .

يك معاون بزرگ آمو رود كوچه است منبع كوچه هندوكوه است كه شاخه هاى مختلف آن از حدود منجان ، زيباك وغيره مى بر آيد و از جنوب فيض آباد گذشته به آمو مى ريزد .

معاون ديگر آمو رود قندز است . اين رود شاخه هاى متعدد دارد كه يكي ازان از حوالى باميان نبعان مى كند . شاخه هاى ديگر از كهمر د ، كوتل خاواك و نارين و غيره مى آيد و رويهمرفته ده دوازده رودخانه خورد و بزرگ آنرا تشكيل ميدهد اين همه شاخه ها بدوشاخه رود خان آباد و رود بغلان پيوسته و اين دوشاخه هم در ماوراي شهر قندز بيكديگر ملحق شده و رود قندز را كه از معاونين بزرگ رود آمو است تشكيل ميدهند .

# مهمترین مخترعات ۱۳۲۴

نویسنده: بناغلی میرعلی اصغر شجاع

بشر این مخلوق شریف و مکرمی که در صحنه آفرینش بر همه موجودات رتبه سیادت و سرداری دارد چون با جوهر عقل و دانش ممتاز و دماغ حساسش را ملکات فاضله و انوار لامعه بینش و علم منور ساخته بنا بر آن جهت تحسین زندگانی و استفاده از خصوصیات قطری خود در هر مرحله از مراحل حیات به مجاهده و کوشش قیام ورزیده و در صدد از بین بردن موانع و مشکلات زندگانی بر آمده است . سوانق طبیعی



از قبیل تبدلات فصول ، اختلافات محیط و تحولات جغرافیوی و تاریخی ، مؤثرات اجتماعی و سیاسی خصوصیات اخلاقی و تربیوی بشر در خلال اعصار ودهور متمادیه حیات سیر زندگانی او را تحت نفوذ قرار داده و مقتضیات زمان و مکان حیاتش را آب و رنگ نوی بخشیده است . کار گاه دماغ به اثر تجربه و تفکر در رشگفتی های کائنات و انطباق آن با کیف و چون زندگانی محصولاتی از خود برون ساخت که در حیات علمی اقتصادی و سیاسی نوع

انسان رولهای بس بزرگی داشته و موفقیتش را بناغلی میرعلی اصغر خان شجاع

در آمال و آرزو ها سهل الحصول گردانید رجال بصیر و منورین دوده بشر هر وقت حیات عزیز خود را وقف سعادت و رفاه برادران نوعی نموده و درین راه با آنکه بیگانه سلسله مخالفت ها و اغراض سوء مقابل شدند مع هذا چون نصب العین مقدس و مرام بزرگی داشتند از مجاهده و کوشش دست بردار نشده و بالاخره سکه بزرگی و شرافت علمی بنام ایشان ضرب و نامی از خود در صفحه دهر یادگار گذاشتند که تا امروز درین گنبد نیلگوین انعکاس صدای ایشان شنیده میشود و شاید اوراق تاریخ برای همیشه از ذکر ایشان بر خود بیالند . اگرچه مخترعات امروزی بیکبارگی بمیان نیامده و هزارها دماغ در خلال صدها سال « آن متوجه شده مع هذا در جمله مدققین افرادی قد علم کردند که راه را برای آینده گان



بیشتر روشن ساخته و در پرتو مشعل فروزان علمی خود ذرائع استفاده عملی را ارا نه نمودند که بدینوسیله اسامی ایشان را با حروف برجسته و درشت تری در صفحات کتاب دوستداران بشر و علمبرداران نبوغ علمی میتوان مطالعه کرد. انسان در عصور متعاقب به زندگی مائل بوده تا بشود مانند طيور در هوا پرواز آید ولی این خواب شیرین را برای نخستین مرتبه در ۱۷ دسمبر ۱۹۰۳ دو برادر بنام اورویل رایت و ویلبوردریعه ماشین عملی ساختند و امروز که انسانها باراکت‌های مخصوص می‌خواهند بلندتر از طبقه فضا صعود نموده و حتی کره ماه و سیارات را جولانگاه خویش قرار دهند در حقیقت افتخار اصلی آن بهمین دو برادر عائد است. بلی اگر چه در هر دوره مخصوصا در قرون اخیره یک ایجاد ممتاز و برجسته نسبت به سایر موجدات برانندگی دارد که آن عصر را بهمان نام مسمی ساخته اند مثلا عصر بخار، عصر برق، را دیو و غیره ولی در قرن اخیره بالاخص در دوره ۶ سال جنگ مختصرات بزرگ و شگفت انگیز بدرجه تکثیر نمود که هر کدام در تحول زندگی یک دیگر سبقت نمود و عظمت و شهکاری دماغ فکور و فوق العاده منور پسران قرن بیست را بوجه اتم نشان میدهد. اسامی مختلفه راکت ها، بم طیار، پنیسلین، ویوسلین، رادار، شعاع کوسمیک و صد هائظائر آن از عجائب و خوارق سائنس امروز بشمار میروند اما سال ۱۳۲۴ هجری و یا ۱۹۴۵ عیسوی را نسبت بجمع سنوات و دوره های حیات بشری بیشتر اهمیت و امتیاز میدهم زیرا درین سال بشروارد مرحله فوق العاده بزرگ و جدیدی شده و اینکه عصر نوی بنام عصر اتم آغاز گردید. انسان در این سال از یکطرف به واسطه استفاده از انرژی اتم بر روی آتش محاربات جهانسوز آب افکند و بیک بم اتمی شهر معروف جاپانی هیروشیما را با خاک برآ ساخت و در نتیجه آن خاتمه محاربه را اعلان کرد و از طرفی هم ابواب جدیدی بر روی مدققین و علمای امروزی گشود تا درین راه بمطالعه و تحقیق بپردازند.

بعد ازین انرژی اتم را که منبع قوای آفتاب میدانند در زندگی صنعتی و اقتصادی بکار خواهند برد. اگرچه در باره اتم خواص و قوه آن از مدت ها به اینطرف صحبت ها بمیان آمده و توجه متخصصین ساینس به آن معطوف شده ولی استفاده علمی آن برای اولین مرتبه در اواسط ۱۳۲۴ شروع شد و تنها بیک بم قوه خارقه آسای آن را عملابجهان نشان داد. این قوا بدرجه مهم و اسرار انگیز است که ولوله و شور عجیبی در سرتاسر گیتی افکند. ممالک متحارب را ذریعه این قوا تهدید و آینده امنیت را بواسطه آن از هر خطر حفاظه می نمایند تا هنوز اسرار بم اتمیک غیر مکشوف بوده و همین مسئله در دنیا مراق زیادی تولید کرد همین انرژی اتم موجب انعقاد کنفرانس های مهم در واشنگتن و ماسکو گردید همین قوه باعث حرکت اتلی صدراعظم انگلستان به واشنگتن و سفر وزیرای خارجه امریکا و لندن

به مسکو شد. درین مورد و مخفی نگه داشتن راز آن بین مما لک متحده و بکار انداختن انرژی موضوع در امور ملکی معاهده ها کردند. و پیمان های بزرگی بستند. خلاصه بشردر ۱۳۲۴ به چنان کشف بزرگی موفقی شد که تمام مکاتشفات مهم دیگر تحت الشعاع این ایجاد قرار گرفت اینک مختصری در اطراف مهمترین مخترعات امسال با خوانندگان محترم خود داخل صحبت میشویم.

### بم اتومیک

ساعت ۵ و نیم صبح ۱۶ جولائی ۱۹۴۵ در میدان هوائی موگورد و که در ۱۲۰ میلی جنوب شرق البوک (مکسیکوی جدید) واقع است حادثه بزرگ و تجربه جدید علمی که بعد ها تا ثیر آن دنیا را تکان داد بوقوع پیوست درین وادی آرام و ظلمانی برای نخستین بار انفلاق بم اتومیک را عملاً تجربه نمودند به این طریق: گلوله را بر ذره برج فولادی جاداده و در بین همین گلوله شور انگیز تر بن اسرار درامای علمی را گنجینه و دواثر آن دنیا را بر حلقه ساینس جدیدی وارد کردند.

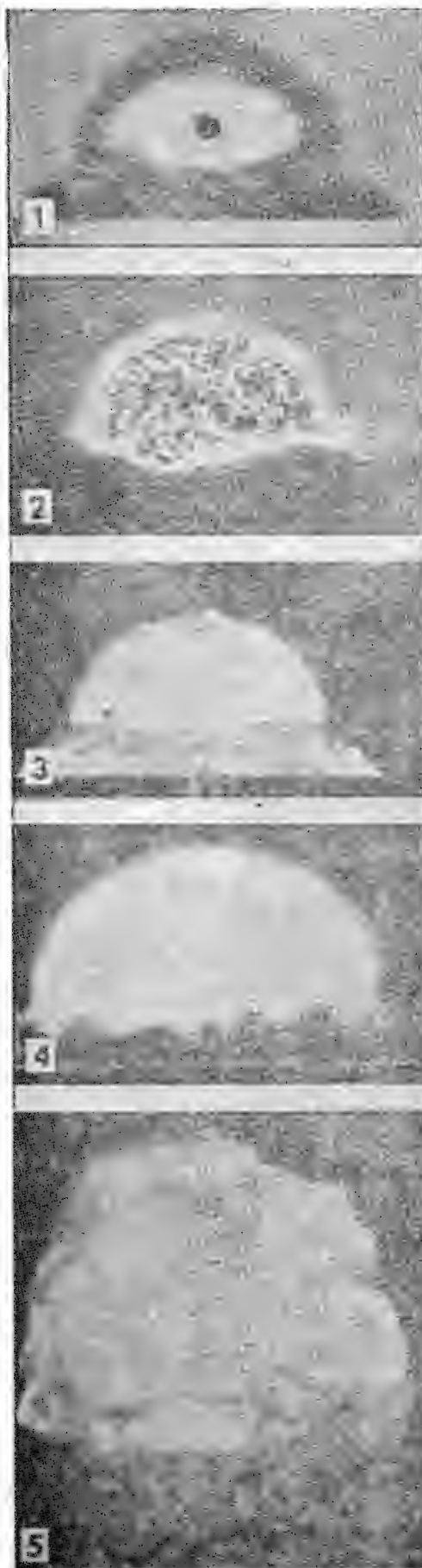
سیم های فولادی زیادی در اطراف این برج فولادی لین دوانی شد که به سوچ بورده عمومی در نزدیک آن برج بهم اتصال پیدا کرده بود. اطاق چوبی هزارها ذره دور تر از این برج بر فراز یک پشته آباد و در بین آن سوچ ها و آلات سیمی زیادی را نصب کردند. در وقت موعود اشخاص چند با البسه مخصوص منتظر این تجربه خارق العاده بودند. چون لحظه مطلوب فرا رسید و عملی شدن امتحان آغاز یافت ملاحظه کردند در اثر انفجار بمب اولایک روشنی ماورای روشنی طبیعی تولید گشت و بعد از آن در هوا فشار خیلی شدید و خورد کننده بروی کار آمد و بعد یک غرش هولناک و دامنه داری استماع گردید. نور مذکور چنان قوت داشت که گویی آفتاب در وقت ظهر در وسط السماء تابش دارد بعد یک ابر غلیظ و ملون به رنگ های مختلف تا ارتفاع ۴۰۰۰ فوت بلند شد. یک آدم ۶ میل دور تر از موقع حدوث این تجربه چون بطرف منبع نور نگاه کرد از روشنی زیاد چشم هایش موقتاً کور شد ولی ضرر آن برای همیشه باقی ماند اشخاصی که از آن محل فاصله های زیادی دور بودند از حدوث این روشنی در این موقع بتحیر افتید و و کوره را برای سه ثانیه مانند زوز روشن ملاحظه کردند. فشار هوا بدرجه زیاد برد که دو نفر ۶ میل دور از موقع تجربه در عقب اطاق چوبی بر زمین خوردند. برج فولادی کاملاً محو و از شدت حرارت به بخار تبدیل شد و در موضع آن یک گودال و دهانه آتش فشان مانند بعرض نیم و طول ربع میل تشکیل یافت ریگ بیابان از شدت حرارت آب شد که گویی سطح زمین را کاملاً یک طبقه کلفت شیشه پوشانده بود. این تجربه مهم در آن وقت آفتابی نشد و جز اشخاص معدودی که به احتیاط و ازمایش مذکور مصروف بودند دیگران اصلاً از جریان واقعه خبر نداشتند تا آنکه بالاخره نتایج مذکور باریکتر در اثر بمباردمان هیروشیما ذریعه این بم بجهان نشان داده شد

وهمه فهمېدند که چه سلاح مهلك و فزا ګښتند و رامنځته کېدو در امریکه لاس ته کړېده اند .  
 این هم طوری که در مکسیکو کې جدید در وقت اولین مرحله تجربه از شدت حرارت برج فولادی  
 آن را به بخار تبدیل ساخت در هر و شیبای جابجایی هزاران نفر را طوری سوزانید که بکلی از شناخت  
 بر آید . این هم نسبت به ۲۰۰۰۰ تن باروت جدید ( ۵۰۰۰۰ پاو ) قوی تر بوده  
 و با قوه بمباردهای ۲۰۰۰ ضربه مافوق قله ضربه برابری میکند . این هم ۲۰۰ پاو وزن داشت  
 و وفتیکه منفجر گشت قوه آن یک دهم یک فیصد مجموع انرژی بود که در مواد انفجاری شامل بود  
 میگویند این هم حالا در مرحله ابتدائی بوده هنوز قوه آن بصورت درست تثبیت نیافته است . لذا  
 هم های انرژی اتوم که در آینده آماده میشود بر ارباب مهلکتر و قوی تر خواهد بود . شاید  
 بعد از این ذریعه را دیوورا ګت ها این

هم را بدور ترین مواضع پفر ستند  
 و حتی تمام ملل ګیتی را در  
 ظرف چند ساعت محو سازند .  
 در فوئوی پهاوت هم هر فر عسکری  
 چایان را در هر و شیبای ملا حظة  
 میکنند که بدریجه هم اتو میک  
 کاملاً از بین برده شده و منهدم  
 گردیدند . در ۱۹۴۵ اکت  
 ذریعه ضربه نوع ب ۲۹ که  
 از نوع ضربه مافوق قله ضربه  
 است یک هم اتومیک به هر و شما  
 افکنده شد . این هم دارای  
 قوه ۲۰۰۰۰ تن باروت بوده و  
 ۶۰ فیصد شهر را تماماً با خاک  
 برابر ساخته است . در ظرف  
 دودقیقه بعد از انفلاق تمام ساحه  
 مذکور را یک طایفه در و به ارتفاع  
 ۴۰۰۰ فو ( ۱۲۰۰۰ متر )  
 احاطه کرده . چهار روز بعد بمب  
 دیگری در بندر ګناه جاپانی  
 ناګا ساکی افکنده شد که در



عکس انفجار بم اتومیک در مکزیکو



اثر آن سی فیصد مواضع صنعتی آنجا کاملاً از بین رفت که در جملة آن فابریکه های فولادسازی خلی معروف جاپان بنام متسویچی هم شامل بود و هم چنان فابریکه های اصلحه سازی متسویچی - یورا کاسمی و دیگر صنایع سنگین جاپان را بکلی قلع و قمع نمود.

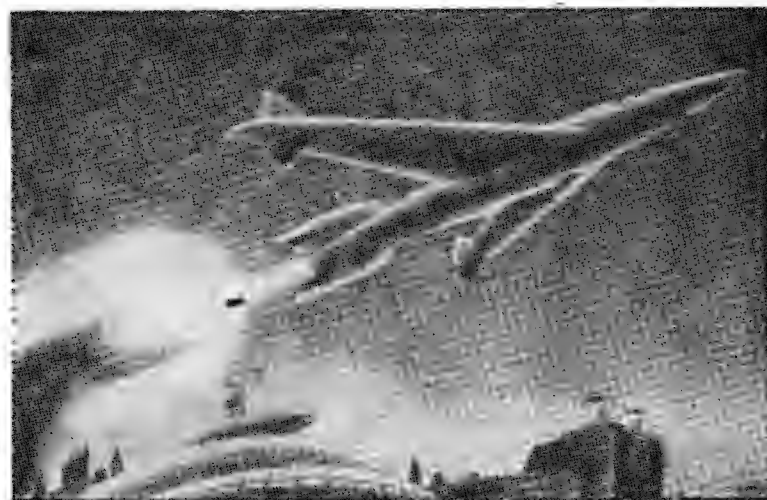
زمانیکه جزایات و اسرار بم اتموم (این ایجاد فوق العاده امسال که استماع آثار تخریبی آن دهشت انسان را می افزاید) بیشتر بر مردم فاش گرد آن وقت انسان ها طبعاً در صد دجسجو خواهند بر آمد تا بخود معلوم نمایند که بعد ازین کدام قوه قویتر و مهلکتری بمیان خواهد آمد طوریکه فلا شیدن خبر گزار های کشنده و استعمال آن در محاربات افراد صلحجو و ملکی را فوق العاده متاثر ساخته و نسبت به محاربات آینده ایشان را خیلی بدبین ساخته بود این اختراع جدید با کشف بم اتومیک هم ایشان را بیشتر از آن وقت متاثر و نسبت به آینده تکران خاطر نموده است سلما هیچ چیز مهم و موثر و صورت ناگهانی و آتی بمیان نمی آید و هنوز هم موضوعات بزرگی سردست است که برای صلح دنیا آن را خیلی مقید تلقی می نمایند . داود ایوانس برای مجله (اکتشاف) توت فرستاده و در آن متذکر شده است که آیا ما برای خاتمه دادن محاربات به یک محاربه دیگر مصروف

خواهیم شد و بجهت بروی کار آوردن صلح مطلق صلح این زمان را خاتمه خواهیم داد ؟ آیا ما کوشش خواهیم نمود تا بر این تمایل طبیعی خود جهت نجات کامل از حرب و غوائل آن غلبه حاصل خواهیم کرد و عملاً به این موضوع مصروف خواهیم شد ؟ او میگوید در این مورد تاریخ بمادرس قاطع و موثری داده و نشان میدهد که دماغ هر فرد ما متوجه باین حقیقت خواهد شد که یاری ممکن است از کدام حصه خطر بروز نماید و این خطر باید ذریعه یک قوای قاطعی از بین برداشته شود . او متیقن است که سرویس ها و شعایات مو ظفه تحقیقات بمطالعات علمی خود را

دوام داده و د اتمایه استخراج و روی کار آور دن تخنیک و موجدات جدیده خواهند پرداخت و پیمانۀ کار خود را نسبت بزمان محاربه بهر اتب خواهند افزود . این حقیقت را هم باید بخاطر داشت که مصونیت ما بواسطه موجودیت مهلك ترین سلاح جدید بخاطر نخو اهدا فتید بلکه چیزی که بیشتر این مصونیت را تهدید می نماید ترنید آرزو و خوا هش جهت استعمال آنهاست متخصصین ساینس و مردم بشدت میکوشند تا بند را بع مکفی ماشین سیاسی صالح آینده را تامین نمایند و این ماشین را میخوانند که در وقت و زمان و مو ضع صحیح مورد استعمال قرار دهند . ماهیسه انتظار نتایج اقدامات سیاسی را داریم و این امید که بمب های مافوق قوای اتو میک و دیگر ذرائع مخوف تهدید یدیه غیر مستعمل با قسی میمانند وقتی ناکام خواهد شد که اقدامات سیاسی در این مورد ناکام بماند .

### راکت های مسافر بردار فردا

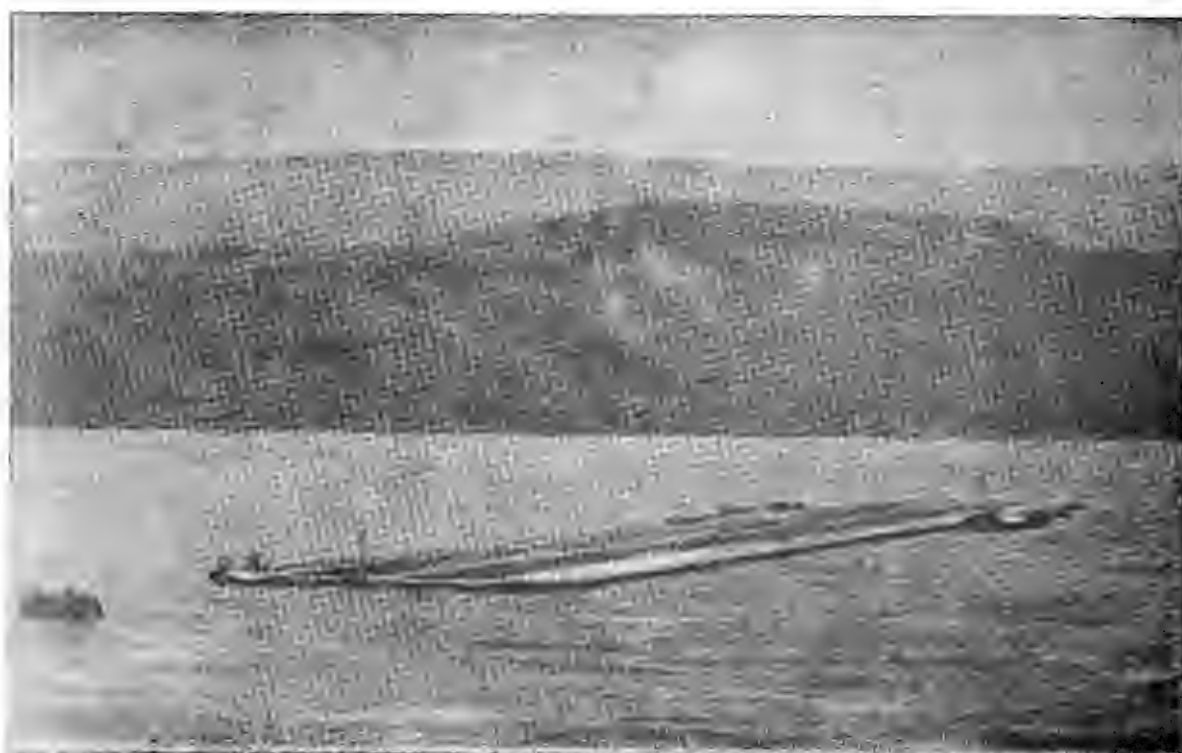
در قوتوی زیر راکت ها ئیرا که در هوا بازی فردا یکبار میرود ملا حظۀ میکنید . این راکت با خود مسافرین را هم مانند طیاره حمل نموده و پرواز آن عمو ماً در طبقه ستر اتو سفر ( طبقه بلند تر از طبقه هوا ) بعمل خواهد آمد .



### یک سلاح مهم و جدید حمله بر اروپا یا جزیره متحرک

اخیرا د راست اسلحه مخفی برطانیه که در وقت حمله متحدین بر قاره اروپا استعمال شده اند نام یک سلاح مهم به اسم جزیره متحرک یا (ایلی) آشکار گردید . در قوتوی زیر آله

مذکور واکه درلا ملامش واقع سکا تلیند گرفته شده ملاحظه میکنید، طول جزیره متحرک ۵۲۰ و عرض آن ۶۰ فتمیباشد. این آله از دهل های مسدس شکل شناور که بهم دیگر متصل اند تشکیل یافته و پرووی آن میدان مساعدی را برای فرود آمدن طیاره تهیه نموده اند.



### لباس ضد انجماد

هوا بازان امریکا از چندی به اینطرف دارای چنان لباس مخصوص طیران میباشند که آنها را در ارتفاعات فضا و سردی زیاد مانع عملیات نشده بلکه آنها حرکات خود را آزادانه صورت داده میتوانند اخیراً قوماندانی تخنیک سرویس فضائی در رایت فیلد واقع دیتون اوهو چنین اعلان نمود که جدیدار برای عملیه فضائی از نیلون چنان لباسی تهیه کرده اند که در سرمایها و آب های فوق العاده منجمد و بارد قطب حیات هوا بازان را بخوبی صیانت می نماید. در آبهای قطبی بسرعت زیادی انسان را یخ زده و منجمد میسازد ولی هوا بازان در این لباس جدید برای يك ساعت در بین آب های قطبی متوقف بوده و هیچ تاثیری بوجودشان وارد نشود. روی این لباس را از يك ماده میبوسانند که تا بحال حقیقت آن از جمله اسرار حریست و این ماده لباس مذکور را در آب و هوا قابلیت مقاومت میدهد. لباس مذکور هر حصه بدن به استثنای چهره را حفاظت می نماید.

## رابراز ریگ

اخیراً در اثر تجارب کیمیاوی از سیلیکون ها احتمالات استفاده جدید خیلی زیاد شده است طوریکه از املاح سلولوز عصر جدید پلاستک هارا بروی کار آورده اند و از قیر مواد مختلفه استخراج و در صنعت آن رابکار بردند هم چنان از سیلیکون هافوائد زیادی گرفته اند . ماده سیلیکون در ریگ زیاد است . چون سیلیکون با اکسیجن و مواد عضوی از قبیل ذغال و تیل مخلوط گردد قابلیت صنعتی آن زیاد میشود . در این اواخر در امریکا اسرار سیلیکون ها کشف و کمپنی جنرال الیکتریک امریکا اعلان نمود که از سیلیکون را بر درست کرده اند . در سیلیکون را را که حصه مهم رابر مصنوعی است امتزاج می نمایند . این رابر در حرارت زیاد مقاوت داشته و در مقابل حرارت از ۶۰ درجه تحت صفر تا ۵۷۵ درجه فوق صفر بخوبی مقاوم می تواند . این رابر چون قابلیت تمدد زیاد را دارا نیست بنابراین در ساختمان تیر ها از آن بخوبی کار گرفته نمیتوانند بلکه در ادوات مختلفه حربی که جهت فیر نمودن حرارت زیاد را دارا میشوند بهتر از هر چیز کار میدهند .

## قطب نمائی که دروغ نمیگوید

در سطح بحار و اراضی قطب نما که همه ما با آن آشنا هستیم بصورت حقیقی جانب شمال را ارائه نمیدارد و از ۱۸۳۱ به بعد که ذریعه جیمز روس تهیه گردید دیگر تبدیل مهمی در آن واقع نشد . قطب شمال واقعی متنابسی در شمال و قطب جنوب مقناطیسی در بر اعظم انتر کنک موقعیت دارد و قطب نما ها نمیتوانند که بصورت قطع موقعیت قطب را نشان دهند بلکه قدری متما یل میباشند . این وضعیت در هر وقت و هر جا مخصوصا در قطباره مشکلات زیادی وارد میکند و بر علاوه فلزات و ادوات مختلفه در قطباره هم بوضعیت قطب نما تاثیر وارد میکنند . اینک برای رفع این نقیصه قطب نمای جدیدی بنام جیرو کمپاس ایجاد نموده اند که ذریعه آن عقربك قطب نما با آزادی تمام بدون کمترین مانع بهر طرف حرکت و دور خورده میتواند . این آله را چه در قطباره و چه در جهاز نصب نموده و سمت مطلوب را بصحت و دقت کامل ذریعه آن معلوم می نمایند . این قطب نما مخصوصا از ایجا دات کشوری برطانیه محسوب شده و از هنگام اختراع آن تحول بزرگی در طیارات دور پرواز وارد شده و مخصوصا در جنگ موجوده در آن همه حملات شبانه و روزانه طیارات که از فواصل خیلی بعیدی پرواز می نمودند از آن استفاده قابل قدری نموده اند و عملاً بحریه هم از این آله مستغنی نبوده و بسکیمک آن راه خود را از روی نقشه که در پیش دارند بصحت کامل طی میکنند . اگر این قطب نما وجود نمیداشت بمبار یهای شبانه و هنگام ابر بالای جرمنی صورت گرفته نمیتوانست . از این قطب نما در هنگام صلح بسا فائده ها خواهند گرفت .



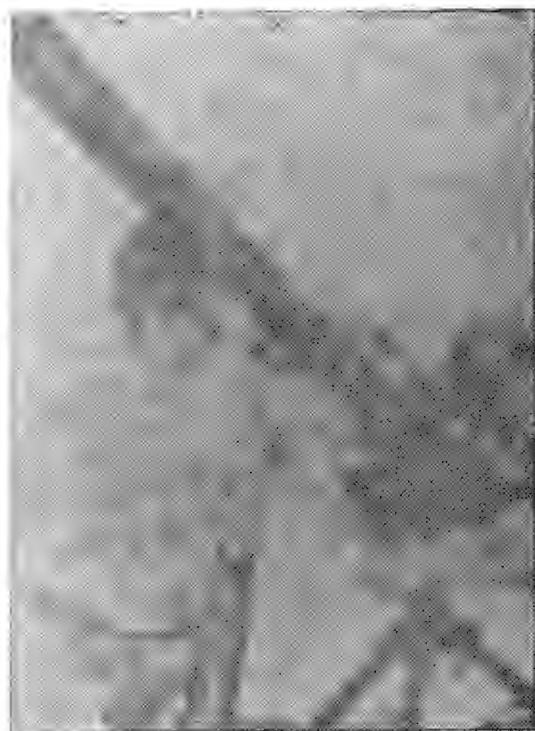
## مکر سکوپ برقی یا الکترون مکر سکوپ



فوتوی پهلوتازه ترین مکر و سکوپ برقی را نشان میدهد که از مهمترین موجدات امسال بوده و خدمات زیادی از آن توقع دارند. این مکرو سکوپ پنجاه مرتبه از مکروسکوپهای گذشته که ذریعه چشم دیده میشو اند قوی تر بوده و در این جا با سه نفری که مسئول ایجاد آن میباشد بملا حظه میرسد.

ازین سه نفر کسیکه مصروف کشتن و ل نمودن آن است والد یمر کی زور یکن نام دارد که اینکونو سکوپ با چشمک کمره تپاو یزیون را اختراع نموده است.

## توپ نوع جدید



توپ نوع جدید ۷۵ میلیمتری امریکایی بدون دنباله میباشد و بنام ام نوع - ۲۰ - یاد میشود قوه انداخت و اصابت آن بیش از ۴ میل بوده و ۱۱۰ پاو وزن دارد و بمقابل توپ ۳۴۰۰ پاوندی ۷۵ میلیمتری که ذریعه عراده نقل داده میشود به خوبی کار میدهد.



## دمملکتی دوائرو تشکیلات

د مرافعی د محکمې قاضی	: ف ، عبدالرحمن خان
د مالیگې د معدن عمومی مدیر	: ع ، سید محمد سرور خان
د معارف مدیر	: ص ، عبدالقیوم خان
د فوائده عامې »	: » ، محمد حسین خان
د شفاخانی سرطیب	: » ، دکتور حافظ احمد علیخان
د عایداتو د مالیې مدیر	: » ، حبیب الله خان
د گمرک »	: » ، میرا کبر خان
د تحریراتو مامور	: » ، فضل محمد خان
د احصائیې »	: » ، محمد انور خان
د استخباراتو »	: » ، . . . . .
د کرهنی »	: » ، آقارحیم خان
د مخابراتو »	: » ، عبدالقیرم خان
د منازعاتو د فیصلی رئیس	: ع ، ص سید کمال خان

### دفراء اعلیٰ حکومت

حاکم اعلیٰ	: ع ، ع ، ص عبدالعلیخان
سررشته دار	: » ، ص محمد عثمان خان
د مرافعی د محکمې قاضی	: ف ، امین الله خان
دامنېې د قوماندان کفیل	: ش ، غلام به والد ینخان
د معارف مدیر	: ص ، عبدالصمد خان
د عایداتو د مالیې مدیر	: » ، عبدالخالق خان
د صحیې مدیر	: » ، محمد اسماعیل خان
د فوائده عامې د مدیر کفیل	: » ، عبدالله خان
د مطبوعاتو مامور	: » ، عبدالقادر خان
د تحریراتو »	: » ، محمد امان خان
د مخابراتو »	: » ، محمد اسحاق خان
د گمرک »	: » ، . . . . .
د احصائیې »	: » ، عبدالعزیز خان
» د تفتیش »	: » ، محمد شریف خان
د خزانې »	: » ، محمد عزیز خان

## پیشگوئی موسم

د راتر تتبعات جدیدہ علمی وساینس بالاخره به این مطلب موفقیت حاصل کردند تا وضعیت آئینده موسم را از روی مشاهده آفتاب پیشگوئی نمایند . در کسوف اخیره و مطالعات جدیدہ ذریعہ ادوات مخصوصه اطلاعات قیمت داری به دست آور دند که تا حدی نسبت بموسم آئینده نظریہ خود را ارائه توانستند . این کسوف بصورت اتفاقی تاثیرات عجیبه بر روی زمین وارد نموده و طبق اطلاعاتی که تحصیل شده در وقت کسوف شب پره ها از آشیانه های خود بیرون شده ، سنگ ها عو عو کرده و اطفال بناله در آمدند و باری پسر ها چنان فریاد کشیدند که در یکی از هیئت های اعزامیه علمی متخصصین نجو می مجبور شدند تا ادوات مخصوصه را ترک گفته و به اوضاع آنها که با ایشان همراه بودند ملتفت گردند . مشکلات مشاهده به آفتاب بدرجه زیاد است که حتی اگر با محاسبات فوق العاده دقیق هم صورت بگیرد معیناتنا ئج مطلوبه به خالی از اشتباه دانسته نمیشود . یکی از تخصصین امر یکائی به اسم دکتور چار لیس ابوت که سیکرتر موسسه سمسونین میا شد را جمع به این مطالعات علمی نسبت به آفتاب خیلی خوش بین بوده و میگوید روزی خواهد رسید تا ما بتوانیم در اثر ملاحظه خورشید ایام عروسی ، رخصتی ها مصروفیت ها و امثال آن را معلوم نموده و از اوضاع موسم اطلاع درست داشته باشیم . گویا مطالعات فنی از آفتاب به اوضح خواهد ساخت که آیا باران خواهد بارید یا نه ؟ آیا سردی و یخ به نباتات ضرر خواهد رساند ؟ داکتر ابوت در اطراف تشعشع آفتاب و اندازه آن با اختلافات روزمره این تشعشع اطلاع کافی دارد . این تشعشع همه روزه به اندازه بسیار کمی از هم اختلاف حاصل میکند . تتبعات اویقینا خیلی مفید ثابت خواهد شد اومیگوید هر قدر که ما راجع به آفتاب معلومات بیشتر حاصل کنیم بهمان اندازه از وضعیت موسم بر روی زمین باخبر خواهیم شد

## استعمال جدید از شیشه های قدیم

یکی از حیرت انگیز ترین موجدات زمان جنگ برطانیه استعمال جدید از تار های شیشه است . اگر خوب دقت نمائیم معلوم میشود که اولین مرتبه دره ۲ سال قبل يك نل شیشه را ذریعہ حرارت آب نموده و بمقابل شعله های گس آن را قرارداده و حصه آب شده آن را به طول بازوی خود کش میکردند پس آن هالوله های شیشه را حرارت داده و حصه آب شده آن را براده های بی تاثیر . بایسکل ملحق مینمودند و بعد يك آدم بالای بایسکل سوار شده و پایدان ها را محکم چرخ میداد تا يك نوع تاثیر کلفت از آن تهیه میشد . این بود نخستین مرحله تهیه تار های

شیشه امروز تارهای شیشه از يك مقدار زياد شیشه های شکسته و پفانده درست ميشود چترهای مخصوص که بالای کشتی های نجات افراشته شده و را کین آن را از سوخت ذریعه شعله های تیل که بالای ایشان می افتند حفظ نماید از همین ماده ساخته شده و هر کدام آنها از ۱۰۲ تار های شیشه تکون حاصل کرده اند . هر يك از این تارهای مرکبه از شیشه آب شده بطریق مخصوص تهیه گردیده که بصورت رشته های بسیار باریك مشاهده شده و بقطر ۰۰۰۲ ، يك انچ کلفتی دارد و طول آنها اگر متد گردند يك میل خواهد شد . این چتر قائق نجات فایر پروف بوده و بمقابل آتش مقاومت و مانند دیگر پارچه ها بافته ميشود و شکل آن مثل پرده های کلفت دیگر است . اگرچه تا بحال از این پارچه های شیشه در امور حربی استفاده ميگرفتند ولی بعد از این در زمان صالح استفاده های بیشتر و مهمتری از آنها خواهند نمود . در امور تعمیر و غیر تعمیر این ماده مورد استعمال زیادی دارد . شاید بعد از این بعوض اکثر فلزات و ادوات فلزی از این ماده کار بگیرند .

### عدسیه های متصله و تماس با چشم

یکی از مهمترین اتجديدیه و خیلی تازه عصری عبارت است از عدسیه هایی که عینا بر روی چشم در حالت اتصال و تماس بآن استعمال ميشود ، عوض آنکه عدسیه ها را بالای يك چو کات نصب نمایند بطوری



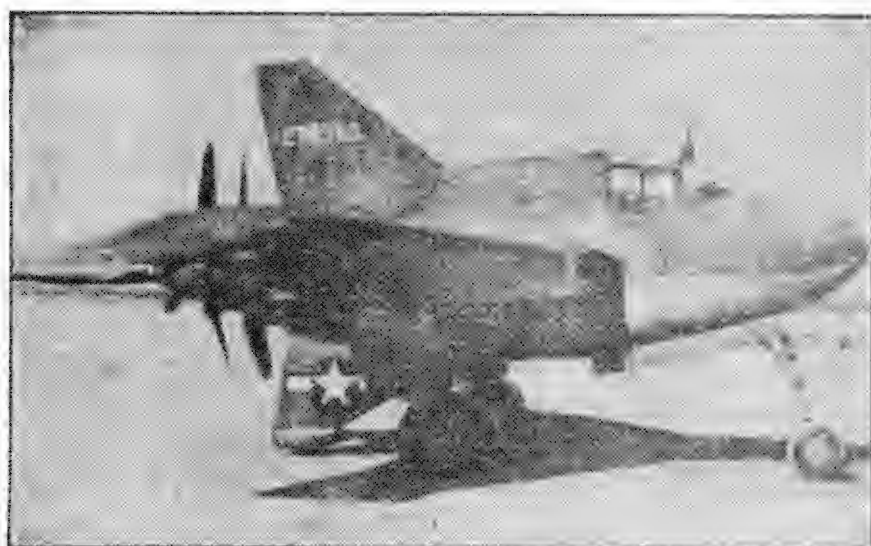
درست نموده اند که حامل ميشو انند آن را عینا بر روی تخم و مردمك چشم گذارد و خودش آن را بر يك محکم و مخفی

سازد این عدسیه از بیرون غیر قابل مشاهده بوده و با چشم تماس کامل ندارد . این عدسیه ها گذاشته از آنکه خوشر و مفیدتر است و وضعیت قرینه چشم را از حیث شکل هم خوب نشان میدهد در حالیکه گذاردن عینك آن نقص را بر طرف نمیشود . شاید برای استعمال آن به یلاستر و جراحی خفیف هم محتاج شد . فوتوی فوق عدسیه های مستعمله را در چشم نشان میدهد که در یکی از شفا خانه ها با چشم حامل آن بکار برده شد .

## کاروان طیار عمومی

یکی از عجیب ترین مخترعات جدید فضائی طیاره است که بنام کاروان طیار موسوم است هنگامیکه این طیاره بر فراز یکی از شهرهای انگلند به ارتفاع ۵۰۰۰ فوت اوج گرفت منظره خیلی عجیب و تماشا ئی تشکیل داد . نام اصلی این طیاره مایلس ایرووان است که بشکل طیاره باربرد ارعسکری ساخته شده ولی این طیاره را در وقت صلح بمقاصد مختلفه زمان صلح بخوبی میتوانند استعمال نمایند . طول هر واز طیاره مذکور (۴۵۰۰) میل بوده و دو انجن آن میتواند فی ساعت از ۱۱۰ الی ۱۱۵ میل مسافت را قطع کند . دربال این طیاره نیمکت هاو دیگر لوازم خراب برای دوفر وجود دارد . در حصه بالائی اطاق نشستن این طیاره يك تانک آب ، چهار جا مه دان سه قفسه و يك انگن مخصوص شست و شو موجود است . ممکن است ساحه استعمال این طیاره را برای مقاصد مهمه دیگر بالاخص امور تجارت و اقتصاد توسعه زیاد بخشند .

## طیاره تعقیب کننده بی دم



ظوریکه در این فوتو ملاحظه می نمائید در امر یکجا جدیدا چنان طیاره تعقیب کننده ایجاد نموده اند که بی دم میباشد . يك انجن که موجب دور خوردن امتداد پروانه ها میگردد در عقب طیاره جا داده شده و انجن مذکور

در داخل طیاره کاملا از نظر ینهان میباشد این طیاره نخستین طیاره میباشد که ذریعه تیله کردن پروانه را بدور می آورد .  
بحصه بالائی و پایانی بدن طیاره پروانه ها بشکل عمودی تعبیه گردیده و ذریعه آن مقاومت طیاره را بخوبی حفظ کرده اند .

## محکم ترین چوب دنیا

پروانه های چهارات نوع لیبرتی (آزادی) و ویکتوری (فتح) را اخیراً از يك نوع چوب خیلی محکمی درست میکنند که بنام لگنم ویتا یعنی (چوب زندگی) یاد میشود. این چوب بمقابل آب شور مقاومت فوق العاده داشته و از خود روغن دارد باری چون بموضع خود نصب گردید صرف محتاج محکم نمودن درست بوده و دیگر به هیچ چیز ضرورت ندارد. چون این چوب فوق العاده سخت است در ساختمان فریچر و منزل از آن کار نمیکهرند این چوب در غرب الهند و امریکای مرکزی بکثرت موجود است. يك فٲ مکعب این چوب ۷۳ پاو وزن دارد این چون از آب هم حجم خود هم سنگین تر است. چوب نوع بالی سادر هر مکعب فٲ صرف ۶ پاو وزن دارد فرق بین این دو نوع چوب از محاسبه فوق بخوبی معلوم میشود روغنی بودن چوب مذکور آن را از تمام انواع چوب های روغنی دنیا امتیاز می بخشد و فٲی که تازه چوب از درخت قطع میگردد يك نوع ماده روغنی چسبنده و بودار از آن مائند جریان خون خارج میشود گویا سی فیصد اصل چوب را روغن آن تشکیل میدهد و فٲی کاشفین غرب الهند و امریکای مرکزی برای اولین مرتبه این چوب را کشف کردند گمان نمودند که اسرار زندگی مدت زیات را کشف نمودند و آن را بنام لگنم ویتا موسوم کردند. روغن این درخت برای سرفه و ریوماتیسم خیلی مفید است. حالا علما يك کشف مهم دیگری ازین ماده نموده اند به اینقسم که يك قطره تیل مذکور را بایک پاو چوبی، خوک همزوج می نمایند و از عود دوباره مرض خوره ذریعه آن جلو گیری میکنند. تیل مذکور را برای چوب نمودن اغلب اسباب و اقمار فلزی بکار میبرند و هم چنان در بسا ادوات نسبت به برنج و دیگر فلزات دوام آن را زیاده تره سنجیده اند يك انچ مربع آن قابلیت ۲۰۰۰ پاو فشار را دارد. رانجه آن هم خیلی خوب است.

## پایپ لاین تیل

### در زیر بحر

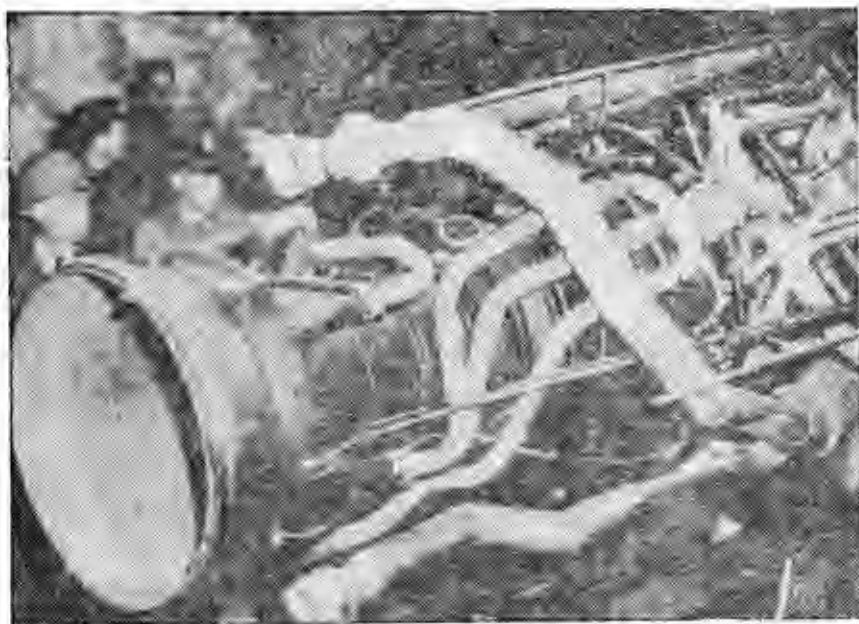
این فو تو یکی از اولین تصاویر پلوتویانل تیل زیر بحر را نشان میدهد که ذریعه اداره (بریش پتر ولیم وار فیر دیپارمنت) کشف شده است. این تیل تحت البحری که در قنال





امتداد یافته از شاهکاری های علمی اخیر به شمار میرود ذریعۀ این تل معروف و بی سابقه برای  
عساکر متحدین در اروپا تیل فرستاده میشد ازین آله بزرگ که بنام درم موسوم است تل  
فولادی ۶۷ میلی از روی قنال کشیده شده است .

## راکت بومب نمبر ۲ انتقامی



اعضای کمیته کانگرس  
اتانزونی که راجع  
به جرائم قوای نازی  
در اروپا مصروف  
گردش و تحقیقات  
بودند اخیراً در فابریکه  
زیر زمین نوردهوسن  
یک سلاح نامکمل  
قوای نازی (طوری  
که در این فوتو  
ملاحظه می نمایند  
رسیدند) این سلاح

بنام راکت بومب نمبر ۲ انتقامی یاد میشود .

## شریان بند هوا دار و متحرک



در تحت اداره  
داکتر هارولد آرکون  
برای شفاخانه های  
عسکری و بحری امریکا  
شریان بند های هوا  
دار جدید (طوری که  
در فوتوی پناه ملاحظه  
مینمائید) ایجاد کرده  
اند . این شریان بند  
یکلی خطر فساد را که  
در اثر عملیات بروز

میکند رفع نموده است چه علت بزرگ جریان خون شریان بند های سابقه بوده و این شریان بند دارای يك تيوپ را بری است که چند انچ عرض دارد و بذریعہ يك کمر بند را بری دراز محکم میشود متخصصین میگویند که تولید فشار صحیح با شریان بند های عادی و معمول خیلی مشکل است ولی اگر شریان بند جدید مورد استعمال قرار داده شود يك شخص مبتدی هم میتواند آن را بخوبی استعمال نماید . يك علامت و درجه مخصوص که اندازه فشار را نشان میدهد به انجام را بر مذکور متصل اسب و هوا ذریعہ يك دسته مخصوص بالای نل موصوف فشار وارد میکنند . -

در فوتوی فوق يك پرستار و دا کتر را ملاحظه میکنید که قبل از عملیات پا شریان بند جدید را مورد استعمال قرار میدهد . این شریان بند خطر سابقه عملیات را که در نتیجه فساد رو میداد رفع کرده است . موضع تعیین اندازه فشار بحصه سرمریض جادارد و اندازه فشار را در تمام مدت عملیات بخوبی نشان میدهد .

### استعمال جدید فلز تانتالم

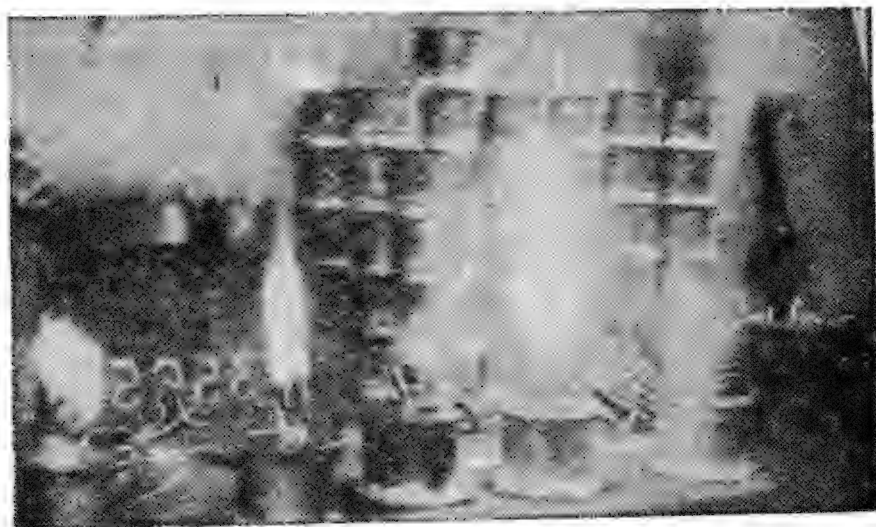
در اثنای سالهای محاربه استرالیا بحیث يك منبع مهم و مخصوص چندین معادن کم یاب و قیمتی برای متحدین قرار یافته بود . یکی از این محصولات فوق العاده مهم معدنی استراليا عبارت است از تانتالم این فلز برای ساختن رادیو ، مقاصد حربی ، حفظ جراحات خیلی مفید دانسته میشود . تانتالم که عصاره فلزی تانتالک خام است درشفاخانه زیاد بکار رفته و مخصوصا در اوپریشن ها از آن استفاده های شایانی نموده اند . برای حفاظه حیات عسا کر مجروح عمله بحری و فضائی خدمت بزرگی از آن گرفته اند .

### ویتامین سی

تقریبا ۱۲ سال پیشتر دا کتر جی اچ بورن که در استرالیا مصروف مطالعه و تحقیق بود يك طریقه جدیدی را جهت معاینه مکروسکوبی ویتامین سی در انساج حیوان متذکر گردید متود و طریقه او به این حقیقت متکی است که در بعض حالات ویتامین سی بسهولت و سرعت (سکور نائیریت) را از هم خورد می نماید و میخواهد ازین عمل نقره را تهیه کند نقره در این صورت بشکل سیاه بنظر آمده و در تحت مکروسکوب بخوبی مشاهده شده میتواند طوری که جریده منتلی ساینس نیوز می نویسد این تخنیک اولاً ذریعہ خود بورن و رفیق او جیرو و سائر رفقای ایشان در پاریس صورت گرفت درین اواخر بارنت و بورن در اکسفورد انساج نمو کنندہ يك نطفه چوپه مرغ را تحت دقت گرفته و این ویتامین را در آن تحقیقات نمودند و بالاخره به این حقیقت

که قبلا هم معروف بود بیشتر متیقن شدند که ویتامین سی برای نموی انسان بسیار مفید است در نموی استخوان و علاج زخم گوشت هم تأثیر بزرگ دارد پارت و بورن در استخوان هم موجودیت این ماده را ملاحظه کردند.

## اجاق های پترولی جدید برای عساکر



از صند و قهای  
خمپاره های ۲۵ پاوی  
شتوپ ها و اجاق های  
جدید (طوریکه در  
قوتومینگرید) درست  
میکنند. صندوق های  
مذ آور را سه حصه  
میکنند حصه بالائی  
آن را به یکطرف  
می اندازند. حصه

مرکزی آن برای باد کردن و حصه زیرین آن برای پترول و یا اسپریت بکار میرود تل های  
تاب دار مسی هم برای تبخیر در آن تعبیه کرده اند. در ظرف ۷ دقیقه ذریعه این شتوپ آب  
۱۳۰ به جوش می آورند.

## ساینس چگونه هتار را شکست داد

باری اگر تاریخچه خدمات علما و ساینس دان های انگلستان را در خلال جنگ موجوده  
تحت دقت قرار دهیم معلوم میشود که متخصصین برطانیه در این راه مساعی فوق العاده بخرج  
داده و برای اضمحلال و از بین بردن قوای دشمن رولهای بس بزرگی بازی کرده اند. متخصصین  
طبی آن مملکت در این راه کمتر از متخصصین حربی سهم ندارند بلکه میگویند در فتوحات  
آفریقائی متحدین رول فوق العاده مهم و برجسته سهم عمده طبی بوده. در برطانیه چندین هزار  
مردم در پناه گاه ها و ستیشن های زیر زمین حیات بسر برده در این زمان تنها اقدامات و  
پیش آمد های ابتکارات طبی بود که در عین این حالت و در زمان عملیات فوق العاده فضائی  
در ۱۹۴۰ و ۱۹۴۱ کدام مرض مری و عمومی که طبعاً موالود همیشه اوضاع است اصلاح نداد.  
در حمله مخترعات جدید طبی پس از همه طرف توجه و ملاحظه کرده قرار گرفت. بر علاوه



کشف این ماده مهم دو موسسه بزرگ با کتروولوجی لندن به اسم فیلدس و میلیو ن در شفلد که در اطراف سلفو نامید ها تحقیقات می نمایند به ایجاد بعضی از دوا های خیلی مهم دیگر موفق شد . و گذشته از آن در اطراف ویتامین ها و هورمون ها چیزهای نوویس قیمتداری بر روی کار آوردند . بر علاوه ویتامین ا ، بی ، سی ، دی که همه روزه و رد زبان مردم قرار دارد يك تعداد ویتامین های دیگر هم موجود است که تمام اوقات صرف متخصصین در باره آنها صحبت نموده و مو جدات جدیدی تهیه کرده اند .

### تحقیقات نباتی

اغلب اشخاصیکه در وقت صلح جهت تماشا و سیاحت وارد لندن میشدند ناگزیر بودند تا باغ های معروف به ( کبوگاردنس ) را تماشا کنند . امروز در این باغ های نباتی شا هی متخصصین نباتات تحت نظارت سر جیوفری ایوانس بچنان مکتشفات علمی جدید و بروی کار آوردن مواد عوضی در بدل مواد طبیعی موفق گشته اند که موجب تحیر میگردد . متخصصین برطانوی درباره انواع مختلفه دندیلون ( انواع نباتات که شیره را بر از آن بدست می آید ) و اینکه کدام قسم آن در کدام حصه زمین پیدا میشود مطالعات عمیقی نموده و از يك نوع آن که از یوکراین و پولیند بدست آورده و در يك ایسکر زمین آن را تربیه کردند از ۶۵ الی ۱۰۰ پاورا بر تحضیل کردند انساج يك نوع بته خار دار گز دارا ی سیلو لوز خالص بوده و بهترین نوع کاغذ از آن آماده نمودند و برگ های خشك آن را برای ساختن کروفیل که در ساختن اغلب ادویه بکار میرود استعمال میکنند . در اطراف کچا لو و تربیه انواع بهتر آن پیشرفت های قابل ذکری نموده اند پاروهای متنوعه کیمیاوی ، ادویه مهمه ضد حشره جدید آماده نموده و اقسام مختلفه دواهای طبی تربیه کرده اند . برای خشك نمودن اطعمه و مواد رنگارنگ غذائی متودها و اصول جدید وضع نموده اند . جهت تحضیل پروتین از نباتات شکردار تشبثات نوین نموده و این ماده عام المنفعه عمومی رادر هر جات تکشر بخشیده اند . اگر مبتکرات طبی را بیکسو بگذاریم معلوم میشود که در زمینه های مختلفه فنی دیگر تاجه اندازه موفقیت نصیب ایشان شده است که هر کدام در شکست دشمن تا ثیر بزرگ وارد نموده من جمله ایجادات نوین را در زمینه رادیو باید متذکر شده چنانچه بیور بروک درین مورد چنین شرح دارد : «رادیو بود که دشمن رادر تاریکی شکست دارد ، رادیو بود که دشمن رادرین ابرها جستجو میکرد ، رادیو بود که جنگ جویان را بمواضع لازم برای ازین بردن دشمن میفرستاد » هنوز جزئیات مخترعات جدید را دیوئی از جمله اسرا راست . به اتفاق رادیو تیلیوزیون که آنها هم از مخترعات برطانوی بود و اولین مرتبه در این مملکت

نشان داده شده پیشرفت های بزرگی نموده است . در انشای جنگ اصول انتقال تصاویر رنگه مراحل تکامل خود را موفقانه طی کرده است . گذشته از آنها در جہازات طیارات وغیره چنان چیزهای نو و ادوات جدید وضع کرده اند که انقلابات بزرگی در صنعت وارد کرده وعصر جدیدی را در زمان صلح بروی کار خواهند آورد . از امواج هوا نه تنها در رادیو بلکه در امور تسخین هم استفاده ها خواهند نمود .

## جدیدترین اختراع در تیلوئیزون



طوری که متخصصین میگویند تیلوئیزون برای اولین مرتبه در برطانیه ایجاد و آنجا نشان داده شد در این فوتو سر جان لوجی بیرد ملاحظه میشود که با آله ، جدید الاختراع خود بنام تیلیسکروم بنظر می آید این آله عبارت از تیوب شفا قیست که تیلوئیزون را به صورت رنگه درین یک شیشه مقعر جهان نشان میدهد .

## استفاده از مخترعات حربی در زمان صلح

جنگ در صنعت پلاستک برطانیه تکامل سریعه وارد نمود . امروز در اثر روز نه های پلاستیکی و پوش های مخصوص دیگر پیلوت های طیارات برطانیه دیگر از صدمه باد بد اخل طیار مصون میباشد . پرسپیکس که یک نوع پلاستک مخصوص طیاره است در طیاره سازی برطانیه مورد استعمال زیاد دارد زیرا قابلیت مقاومت آن خیلی زیاده است . یکی از انواع پلاستک های کاملاً شفاف در صنعت عینک سازی بکار رفته و تمام عینک را از آن درست میکنند عدسیه ها و چوکات همه عینک ها تماماً پلاستیکی بوده و شکنند هم نمیشد . پرو فیسر لو متخصص معروف برطانوی میگوید : ساختمان پلاستک ها از حیث وضعیت مولکول ها و ترکیب آنها پسکدیگر از تمام مواد دیگر اختلاف دارد . معادن ذغال برطانیه در ساختمان پلاستک های مختلفه به آن مملکت خیلی مفید ثابت شده است . از این ماده در امور حربی استفاده های زیادی نموده و در چندین مورد

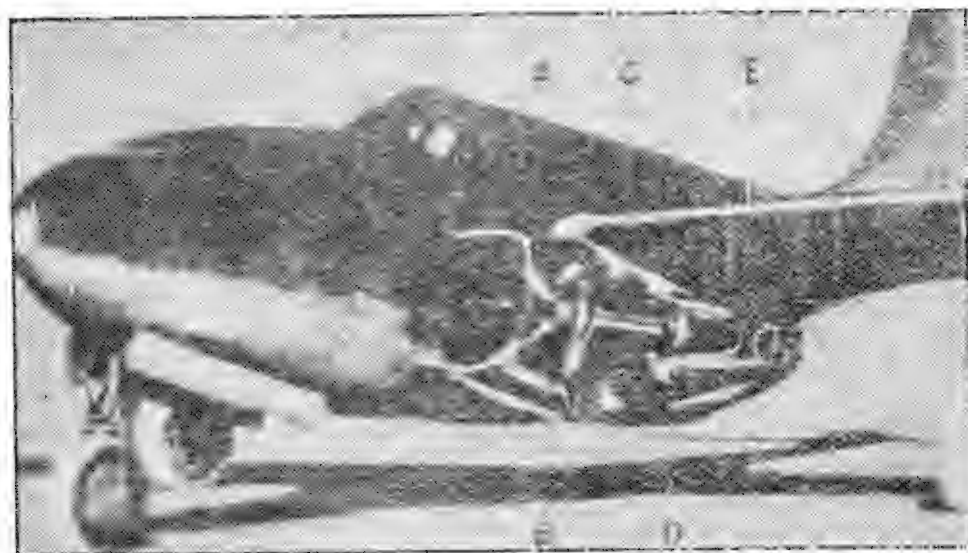
بعوض را بر و فلز آن را برده اند. اخیراً يك طبقه پنبه را با خمیره پلاستك در انشای ساختمان آن معزوج نموده و در اثر فشار زیاد از آن چنان ماده درست کرده اند که در ماشین ها بعوض فلز آن را بیکار برده اند. خوبی این ماده در ماشین بی صدا بودن آنست. برای چرکات روزنه هام از آن بخوبی کفر میکنند.

میکوبند عصر پلاستك فرا رسیده و در امور مختلفه زمان صلح این ماده موارد استعمال زیاد دارد. انجن های رولس راس بر صانوی چنان قابلیت و اهمیت دارد که در جنگ از آن استفاده نموده و امروز انجن های مذکور را نه تنها در بر طایفه پلنکه در امریکاهم درست میکنند. در نوع طیاره جیت از ۱۹۴۲ به بعد ابتکارات زیادی روی کار آورده اند که در اثر آن در فن هوا بازی گویا عصر جدیدی تولید کرده اند. از جمله مخترعات مهم زمان جنگ که در وقت صلح خیلی کار آمد داشته میشوند یکی پل معروف به پنبی برج و دیگری راه مشهور سمرقند است. پل بیللی که از روی آن اتوبلترین ترافیک عسکری عبور میتواند در ظرف ۲۴ ساعت آماده میشود. ساختمان این نوع پل در زمان صلح هم شدید مورد احتیاج است. راه جدید معروف به سمرقند به این طریق درست میشود که ۶۰ فر میتواند این جاده را در حالیکه اتوبلترین ترافیک از روی آن بگذرد به اندازه يك میل در ظرف ۸ ساعت آماده سازند. ساختمان این سرک جدید در آینده مشکلات ترانسپورت را در ممالک که بموانع آن گرفتارند بخوبی رفع میکند.

### کشف انسولین جدید

در امریکاه ماده جدیدی را کشف کرده اند که بعوض انسولین نمودن انسولین در مرض دیابت مورد استفاده قرار داده میشود.

### طیاره جنگی نوع جیت پرو پیل



طیاره جنگی  
نوع جدید امریکایی  
بنام جیت پرو پیل  
اینک در طبقه  
مافوق هوای  
زمین با سرعت  
و سهولت تمام  
طیران می نماید  
جریان هوا در  
طبقه و موضع  
(۸) به فشار  
آمده و در اثر

## د بدخشان اعلی حکومت

حاکم اعلی	ع ، ع ، ص جمعه خان
دمرافهې د محکمې قاضی	ف ، محمد غوث خان
د کنترول مدیر	ص ، فیض محمد خان
د ژاندارمې قوماندان	ح ، دین محمد خان غنوم شر
د تحریراتو مامور	ص ، عطا محمد خان
د احصائیې د تفتیش مامور	» ، عبدالعزیز خان
د فوائد عامی مامور	» ، سید عطا محمد خان
د سرو زرو د خریداری مامور	» ، شیر محمد خان
د کرهڼې د خانګې سرکاتب	» ، عبدالحمید خان
دمعار قومامور	» ، داد محمد خان
دمخبراتو »	» ، شیر محمد خان

آن بالای محل (B) فشار تولید میشود .

هوا تحت فشار آمده به اطاق (C) وارد میگردد در آنجا مواد محترقه احتراق نموده و حرارت بلند میشود موتور (D) که بذریعہ فشار هوا بدور می آید به آله فشار دهنده هوا در پیش قوت میدهد . جریان هوا بحصہ (E) صورت گرفته و شدت زیاد در آن وارد میشود و همین اعمال موجب تولید قوا شده و باعث راندن طیارہ بطرف پیش میگردد . در فوتوی فوق مواضع مخصوصه آن را اجمالاً ملاحظہ میکنید .

### مصونیت در وقت خطر

در اضلاع متحده در شعبات و فابریکه هائیکہ مواد منفجرہ درست میکنند عامل و کارگرها اینک بکلی از خطر مصون میباشند و مصروفیت آنها بدون تشویش واضطراب ادامه دارد و طوریکہ میگیرند آنها نسبت به اشخاصیکہ در ستیشن های پترول جهت مملو نمودن تانک ها موظف میباشند محفوظتر اند و حیات طبقہ دومی بیشتر بخطر معروض است فابریکه های مواد منفجرہ از محفوظترین فابریکه ها بشمار رفته و طبق اطلاع وزارت کار امریکه و مجمع مصونیت ملی (نیشنل سمیتی کونسل) حادثات مخلفہ در فابریکه ها باروت و غیرہ خیلی ها بوده و در مقابل ساعات کار یک میلیون نفر صرف ۴۶ حوادث جراحت رو میدهد .

ساختن مواد منفجرہ خیلی پرخطر است ولی حالا بمصونیت اجرا میشود زیرا در مقابل حدوث انفجارها و وقایع مهم که اغلباً موجب انهدام کامل فابریکه میگردد فوق العاده احتیاط و مراقبت بعمل آورده اند . در اغلب فابریکه های معروف حروف برجسته (A.B.C) که خلاصہ جملہ (همیشه با احتیاط باشید) است در هر جا منقوش است برای عملہ فابریکه ها البسه مخصوص محفوظ و ادوات و سامان های متعددی ایجاد نموده اند و چون اغلب عملہ و کارگران زن اند بنا بر آن جهت نگہ داری آن ها وسائل گوناگونی که در عین حال مفشن هم میباشد ایجاد کرده اند مخصوصاً بمقابل حریق ابتکارات قابل توفیق بر وی کار آورده جامہ ها ، زیرجامہ ها ، دستمال ها البسه سر ، کمر ، پا و غیرہ را بادقت و شکل مخصوص تهیه دیده اند هوای فابریکه های موصوف را بدقت تمام صاف نموده و روائح ناخوش آن را بر طرف کرده و جهت عملی ساختن این مطلب نل های معینی در تمام حصص گذارده اند که در ظرف ۲۴ ساعت کامل یک شبانه روز دائماً بکار افتیده و کوچکترین دود یا بخار را درین فابریکه نمیگذارد . در منزل دوم بعضی از فابریکه ها مخصوصاً فابریکه های توپ سازی را دفورد در ورحینہ ادوات برقی جدیدی تعبیه کرده اند که در ظرف چند لحظہ بواسطہ برق تمام کثافات و الوات را پاک میکنند و دیگر کارگرا محتاج نمیسازد تا خودش برخاسته و به این کار اقدام ورزد تمام اطاق دروازه ها ، دیوارها سقف ها و حتی ادوات و اسباب فایر پروف یا ضد آتش میباشند

مخصوصاً البسه فایرپروف پیش از همه مهم دانسته میشود. ذخیره خانه های مواد منفجره را حالا بکلی از هم جدا نموده و مخفی صابعد از حریق ۱۹۴۰ که در کنویل روداد در این زمینه تجربه خوبی بدست آورده اند خلاصه امروز در اثر ابتکارات علمی و ساینسی حیات عمده در فابریکه های مواد منفجره بخوبی صیانت شده و از خطر محفوظ میباشند

## قلاب فضائی جدید

در این فوتویکی از افسران قوای امریکائی را در پهلوی يك آله جدیدالا اختراع به اسم سسکای هوک (قلاب فضائی) مشاهده میکنند. در بین این آله ادوات و لوازم امدادیه راجع به عمده فضائی گذارده و از طیاره بر زمین می افتند. این آله راضوری که ملا حظہ میکنند شکل و وضعیت مخصوصی داشته و بقدر ۵۶ پا و مواد را در بین خود جا میدهد. این آله نسبت به باران شوت بصورت بهتری بموضع معین فرود آورده میشود.



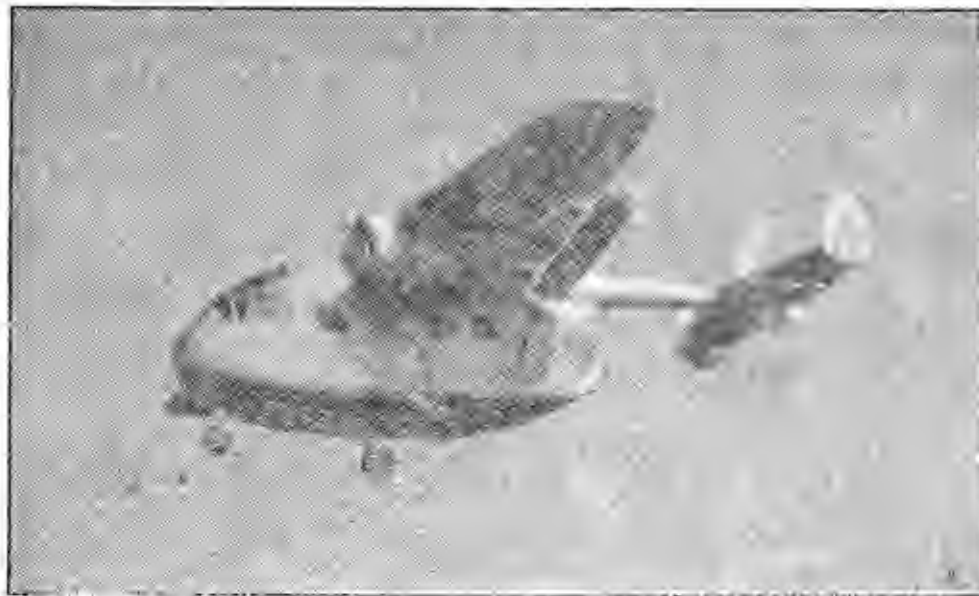
## زرگترین جرثقیل دنیا

در فوتوی بهلولزرگترین جرثقیل را بنام (امموت) مشاهده می نمائید این جرثقیل قابلیت بلند کردن ۲۰۰ تن وزن را دارد جرثقیل مذکور را در بندر گناه اوت وسترین واقع حکومت متحده بر طاقه نصب نموده اند در فوتو جرثقیل را در حالی ملا حظہ میکنید که يك تانک واپه وون ۱۴۷ تن بلند میکنند.



## طیاره تجارتی جدید برطانیه

نام طیاره جدید برطانیه که برای تجارت بکار انداخته شده مایلس ایروان است. این طیاره برای او این مرتبه بعد از جنگ عمومی دوم بکار انداخته شده و در نخستین پرواز خود از انگلیند به طرف سویز و لیبیا پنجه از قلم فو شن به پرواز آمد و محمول خود را از برطانیه به سویز رسانید.



## بیرون کردن پن از معده

دروغ سه طبی امریکا بنام (سیرن مدیسکل اوسو تیشن) نمایش عجیبی را جمع به بیرون کردن پن از معده طفل داده شد. در مؤسسه مذکور واقع سنت اوینس (پیتی جیدان لیتل) به عملیات و نمایش مذکور قیام ورزید آله عملیات عبارت از یک تپو بیست که معده داخل میشود حصه متورم این تل معده را هم منبسط نموده و برای عملیات آزاد میگردد اند و مقنا طیس مخصوصی که در تیوب مذکور وجود دارد پن را بخود جذب نموده و به آسانی بیرون میکند در فوتوپن مذکور را که از معده خارج ساخته شده ملا حفظه میکنند.



## کنین از قیر

از ۱۶۳۸ بعد که کوئتس موضع سنچون خانم حکمران پیرو ذریعه يك مشر ویی که از پوست درخت مخصوص تهیه شده بوده شفا یافت این ماده تنها واسطه تداوی قرار گرفته و همین درخت منبع طبیعی کنین دانسته میشد. خاصیت طبی و معالجوی آن از مدت هایش در بین هندی های امریکای جنوبی معروف بود. در وسط قرن ۱۹ درخت های همیشه بهار که در ای رانجه تیزی بودند درجا و ذریعه هالیندی هامورد استفاده تجار تی قرار داده شدند و در ۱۹۴۲ چون جاپا نی هاشرق الهند را ازها لیند بدست آوردند کار غرس اشجار مذکور به پیمان و سیمی سردست گرفته شد مع هذا در وقت صلح پیداوار این ماده به اندازه نبود که ضرورت دنیا را تلافی کند و تقریباً يك عصر است که علمای خوا هند بذرائع کیمای در پیداوار کنین تزیاد حاصل نمایند ولی موفقیت حاصل نکردند تا اینکه در این اواخر دو نفر متخصص ۲۷ ساله کیمیا در بوستون داکتر روبرت پریس و دورد و داکتر ویلیم فون ایگرس دویرنگ موفقیت بزرگی در این مطلوب حاصل کردند ۱۰ این کیمیا دان های جوان بعد از تحقیقات ۱۴ ماه به این مطلوب کامیاب گردیدند، آنها در اول و هله راجع به انواع و تعداد اتم ها در مولکول کنین طبیعی تحقیقات بعمل آوردند و داکتر دورد و ریبیان میکنند، ما و تمام کیمیا دان ها میدانیم که تعداد اتم ها و مولکول هادر کنین اصلی حسب ذیل است: مولکول کنین از ۲۰ اتم کاربن، ۲۴ اتم هایدروجن، ۲ - اتم اکسیجن و ۲ اتم نایتروجن مرکب است ولی نمیتوانست که این معمای بزرگ را بدرستی حل و از ترکیب مواد موصوف بمعیار فوق ماده مذکور را درست کنند. آنها از یکی از متفرعات و مشتقات قیریك ماده را که بنام بنزلید یه اید موسوم بوده و خیلی ارزان است مواد کیمای و اساسی فوق را تحصیل کردند و اتم ها را به درستی بکار انداخته و مولکول ها بصورت صحیح تشکیل یافتند. در این راه چندین مرتبه تجربه و کوشش کرده بمشکلات و خطاها مواجه شدند تا آنکه بالاخره موفقیت حاصل و کنین صحیح بدست آوردند. در فوتوی زیر و رات (چپ) و دویرنگ را بطرف راست ملاحظه میکنید و در فوتوی راست مولکول کنین که (۱۵۰۰۰۰۰۰۰) مرتبه از اصل آن بزرگتر نشان داده شده ملاحظه می نمائید در این فوتو اتم های کاربن که بحرف (C) نشان داده شده به تعداد ۲۰ اتم هایدروجن بحرف (H) نشان داده شده



۲۴ و اټوم‌های اکسیجن که به حرف مخفف O نشان داده شده ۲ و از نیتروجن به حرف (N) هم ۲ اټوم است. اټوم‌های سیاه غیر علامت دار کربن و اټوم‌های نسبتاً روشن بی علامت هایدروجن و نشان میدهند.



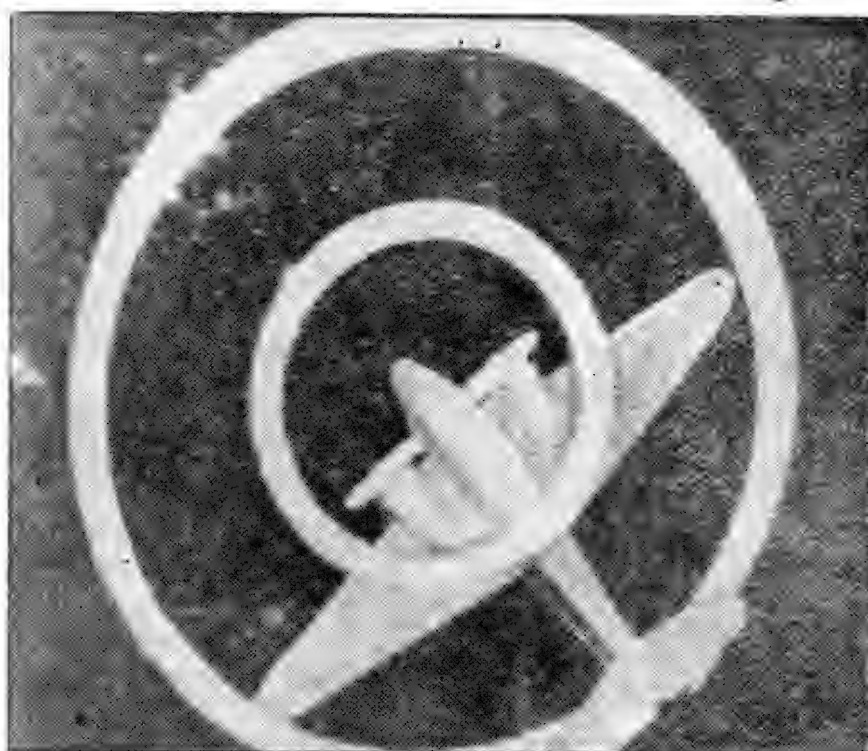
### غذای بهضم رسیده جهت اهالی اروپا

جدیداً در ایالات متحده آمریکا یک نوع پروتین مخصوصی به اسم امیجن (Amigen) آماده کرده اند که برای صدها هزار افراد اروپائی ارسال شده و مخصوصاً اشخاصی از این ماده استفاده می نمایند که هاضمه ایشان دچار اختلال گردیده و وضعیت طبیعی خود را از دست داده باشد برای تهیه امیجن از یانکر یاس (لوزا لعمده) گراز و البومین شیر استفاده می نمایند. از امتزاج انزیم‌های یانکر یاس با البومین شیر در انثای دویوز امینو اسید ها تشکیل می یابد و اسید های آمینو کور به سبوات قابلیت حل شدن را در خون ندارد.



## ابتکار جدید در فرمودن از طیاره

در فوتوی زیر مدل نمونه یک طیاره را ملاحظه میکنید که توپچی آن بند و به یک آله



مخصوص رؤیت میتواند  
بطیاره دشمن در هر جا  
که باشد حمل و فر  
نماید ۱۰ کر طیاره  
دشمن بمقابل توپچی  
این طیاره عینا در  
برابر آفتاب هم قرار  
گیرد و بند و به آله  
جدید اختراع رؤیت  
بصحت کامل طیاره  
دشمن را هدف قرار  
میدهد و روشنی آفتاب  
چشمهایش را خیره  
نماید زود حالا نسکه

اگر طیاره دشمن بمقابل آفتاب قرار میگرفت بواسطه شعاع خیره کننده آن بند و به نشان  
گرفته نمیتوانستند

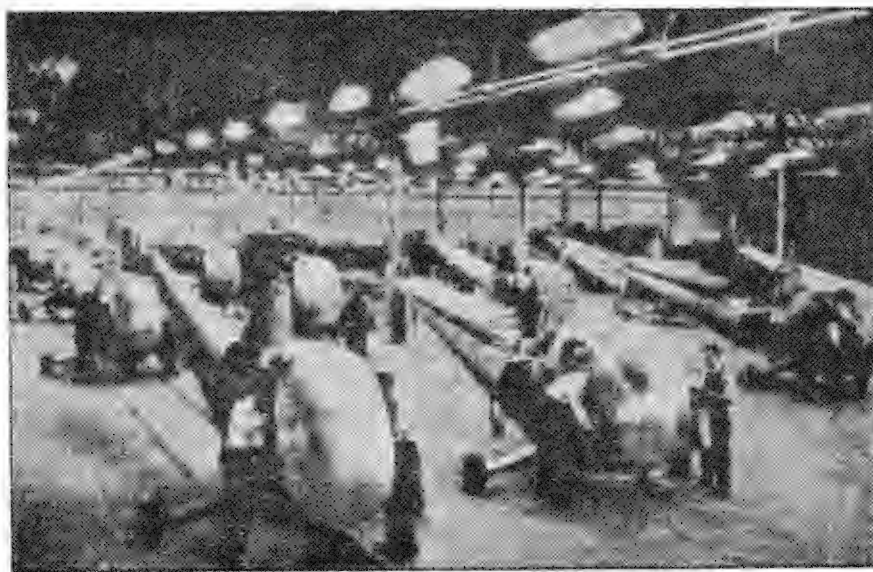
## اعطای جایزه نوبل بیک متخصص فرانسوی

پروفسر جولیت مدیر تحقیقات علمی در مؤسسه تحقیقات ساینسی ملی مرکزی به اتفاق خانم  
خود این کوری به کشف عوارض رادیو اکتیوی مصنوعی موفق گشته و این ایجاد امکان بر روی  
کار آمدن رادیو اکتیو را از مواد غیر رادیو اکتیو بیشتر گردانیده است و شاید به اثر کشف جدید  
او مواد عوضی رادیوم را هم تهیه بتوانند در مقابل این ایجاد مهم به این زن و شوهر جایزه نوبل  
اعطاشد. بر علاوه آنها در اضراف نیوترون، بوسیترون و تجزیه مصنوعی یورانیم ابتکارات  
زیادی دارند. پروفسر متد کوری به اتفاق رفقا در وقت اشغال فرانسه ذریعه آلمان بر خلاف آلمان ها  
داخل اقدامات شده و مخفیانه برای عساکر فرانسه مواد ناریه درست میکردند.

## شاخص جدید برای طیاره بمب افکن

دا کتر ولفرید فراخس کو کسون که یکی از متخصصین جوانست برای بمباریهایی سنگین طیارات قوای شاهي بر طایفه شاخص جدیدی ایجاد کرده و حملات آنها را ذریعه آن خیلی موثر و صحیح ساخته است. کو کسون میگوید قبلاً شاخص دیگری بنام (چشم سحری) وجود داشت ولی بمب افکن ها ذریعه این آله بمب خو در ابهدف بدرستی افکندند نمیتوانستند و چون خودش از متخصصین کیمیاست و دوره های زیادی را در لابراتوار کیمیاوی طی نموده و مخصوصاً در یونیورسیتی (درهام) مصروف خدمت بوده است آله فوق را بنام شاخص بم افکن اختراع کرد این آله عبارت از صندوقچه ایست که قبل از رسیدن بر زمین به هوا مشتعل میشود و چون بر زمین رسید محتویات آن در اطراف موضع اصابت بخوبی منتشر شده و اطراف آن محل را بخوبی روشن کرده و در نتیجه هدف را بدرستی نشان میدهد.

## ماشین های جدید طیاره هلی کوپتر



در قوای پهلوی و ماشین های جدید طیاره هلی کوپتر را در یکی از قایمیه های مشیگان ملاحظه نمودیم و از این ماشین به تعداد زیادی در آمریکا ساخته شده و برای عمده اجات جهازات ضد محفظین تحت البحری و عملیات گوناگونی خدمات زیادی از آن گرفته اند.

## نموی استخوان های شکسته

در شفاخانه میدلسکس لندن که یکی از موسسه های صحی خیلی مهم آن شهر است در شعبه مخصوص فزیولوژی متخصصین مصروف تحقیقات اند تا در اثر آن نواقص و کمبودیهایی

وجود نقص دیده را طبیعتاً معالجه نمایند تا کمتر بلوم که از اطبای درجه اول و معروف است مخصوصاً امور این شعبه را نظارت میکند در شروع جنگ موجوده تا کمتر بلوم کپتان دسته های طبی فشن شاهي مقرر گردیده و از این وقت به بعد تجربه های مهمتر و قیمت دار تری بدست آورد. در اندای جنگ عوارض شکستگی های استخوان نه تنها در بین عساکری که در جبهه جنگ اند بکثرت اتفاق می افتند بلکه افراد ملکی هم به آن بیشتر مبتلا میگرددند مخصوصاً در وقت بمباری چون چره های بم زیاد تر استخوان ها را متاثر می سازد لذا عوارض موصوف بیش از دیگر عوارض رو میدهد. شکستگی های عظام دیر یا زود معالجه میشود ولی چون در این مدت بشفاخانه ها افراد زیادی آورده میشوند بنا بر آن شکستگی های مذکور بهر قدر سرعت ممکنه که صورت میگردد باید علاج شود. برای موفقیت به این مطلب تا کمتر بلوم به تحقیقات علمی شروع نموده و ۱۴ خرگوش را در لابراتوار خود تحت تدقیق گرفت و یک استخوان را از یک عضو تمام خرگوش ها شکستند از آن جمله ۶ عدد خرگوش را بحال خود گذاشت تا طبیعت خود بخود به معالجه آن ها قیام نماید اما در هشت خرگوش متباقی بهمین حصه که استخوان شکسته شد، بود ماده مخصصی را که از مواد کیمیاوی تشکیل یافته استعمال نمود پس تمام ۱۴ خرگوش را هفته یک مرتبه تحت شعاع کس قرار دادند. چون از حصه مذکور ذریعه ماشین اکسریز عکس بر داشتند معلوم شد که در شش اولی برآمدگی استخوان در ظرف ۳۵ روز همان حالتی را دارا شده بود که در ۸ متباقی آن حالت مذکور در مدت ۲۱ روز نتیجه داده بود گو یا به این ژیلی یا ماده جدید التریکب تا کمتر بلوم معالجه را دو خمس حالت طبیعی تخفیف داد تا علت این موفقیت تا کمتر بلوم چیست؟ استخوان از انساجی مرکب است که ذریعه املاح فاسفورس و کلسیوم مستخرج از خون تصلب حاصل میکند. تا کمتر بلوم اراده نموده تا این کلسیوم و فاسفورس ها را در وقت شکستن استخوان مستقیماً از مواد کیمیاوی تحصیل نماید. ویتامین سی برآی تشکیل انساج استخوان یک چیز حتمی و لابدیست آنهاییکه در وجود خود ویتامین سی کمتر دارند انساج استخوان ایشان بسیار دیر تکون می یابد و حال آنکه برعکس کسانی که از این ویتامین زیاده تر دارند و آن را بیشتر بدست می آورند زود تر علاج میشوند ژیلی جدید تا کمتر بلوم عبارت از فاسفیت است که از فاسفورس و کلسیم مرکب میا شد و این دو ماده، یک طریق مخصوص ترکیب یافته اند که بنام کلسیم گلکسیر و فاسفیت موسوم است تا کمتر بلوم فاسفیت ها را از استخوان ها و گرده های پشکه تحصیل نموده این ماده را در وجود آنها انجکسیون نمود هنوز هم دامنه تحقیقات او دوام دارد.

## لو کوموتیف های زمان بعد از جنگ

متخصصین برطانوی نقشه لو کوموتیف های زمان بعد از جنگ را طوری که در فوتوی زیر ملاحظه می نمایند طرح نموده اند و چون این لو کوموتیف موسسه لو ندیل ها ندسی است که خدمات



و کار رواییهای آن در زمان بعد از جنگ نسبت به تمام شرکت های برطانیه مهم تلقی میشود و سادگی و خوبی این لو کوموتیف هایک نمونه مهمی از این ادعا دانسته میشود .  
این لو کوموتیف بچندین رنگ ملون شده که خوبی و نفاست آن را دوبالا نموده است .

## پلیت فارم هادر مافوق طبقه فضا

۱. خیر اعلامی جرمی و متحدین خبرهای بسیار دلکش و در عین حال تصویری داده و گفته اند که در آینده امکان خواهد داشت تا پلیت فارم های بزرگی در طبقه مافوق فضا به ارتفاع ۵۰۰۰ میل بالای زمین درست نمایند .

آنها تصور میکنند که در این بلندی قوم جاذبه زمین تا ثیری وارد نمیتواند و در این پلیت فارم ها آئینه های مخصوصی نصب میکنند تا ذریعه آن شعاع آفتاب را بهر حصه زمین که بخواهند منعکس سازند و بتوانند به این طریق شهرها و قوای تولید کننده قوت را از بین ببرند و ممکن است که از آئینه های مذکور برای مقاصد صلح و جنگ استفاده نمایند .  
متخصصین جرمی میگویند برای این مقصد از راکت ها که با سرعت ۱۸۰۰ میل از عمده یگر در فضا فاصله داشته باشند کار میگیرد . اگر این پلیت فارم های مافوق طبقه فضا تاسیس شوند و ساختمان آن ها ذریعه راکت صورت بگیرد آن وقت ممکن است در طبقات بلند و سوارات دیگر سفر خود را دوام داد و این طریق که در مریخ نداشتا کرده و بعد ظرف زهره سفر خود را آغاز نمایند .

## زندگی در مریخ وزهره

داکتر هنری نورس روسل که در یونیورسیتی پرستن بحیث منجم کار نموده و از جمله مشتریان درجه اول است میگوید در سیستم نظام شمسی ما صرف سه سیاره قابل سکونت دانسته میشود و آنها عبارت اند از زهره، مریخ و زمین او علاوه میکند که در مریخ حیات موجود بوده و حالا هم وجود دارد و از اوضاع معلوم میشود که زهره هم برای زندگی مساعد است ولی این حال یقیناً در عطارد محسوس نیست. ساعت ۱۲ حرارت آن جا ۶۰۰ درجه فارنهایت است در دیگر سیارات میزان حرارت از ۱۸۰ الی ۳۰۰ تحت صفر فرق میکنند. او میگوید در سیستم های بعیده نظام شمسی هزاران ستاره دیگر موجود اند که قابلیت حیات را دارا هستند.

## اطلاع از موسم - سلاح تسکینگی جدید

اطلاعات پیش از وقت نسبت به موسم آینده یکی از ذرایع مهمه تدافعی بشمار میرود. قوای فضائی شاهی برطانیه و قوه فضائی امریکا از این سلاح تعبوی مهم که عبارت از تحصیل اطلاع از موسم آینده است بمقابل دشمن استفاده های شایانی نموده اند. در نقاط بعیده زمین در مقامات دور دست قطب شمال و در حصص مناطق حاره سرویس های مخصوص تعیین موسم که علت تولید موسم حصص موصوفه دانسته میشوند متمرکز ساخته شده اند. از این ستیشن های مرکزی نقشه های مهمی ساخته شده و از آنجا بتمام حصص لازمه اخبار لازمه راجع به موسم ابلاغ میگردد بصورت عمومی در هر جائیکه مرکزی قوای فضائی وجود دارد اشخاص سرویس های موسم هم مصروف خدمت اند در اطراف خفایای طبقه های بالائی هوا اطلاعات مهمی حاصل نموده و برای این عمل رادیوی مخصوصی به اسم رادیو سوند ایجاد نموده اند. این آله که چندین اونس وزن دارد بیک بالون های دروجن بسته میشود. این بالون بهر اندازه که بالا میرود آله مذکور هم در تحت فشار رطوبت و غیره عوامل علامت مخصوص رادیویی از خود انتشار میدهد آله های مخصوص آخذة این علامات را بصورت اتوماتیکی اخذ می نماید و بعد مشاهدات موصوف به افسران و مواضع مختلفه تیلگراف شده و وضعیت حقیقی موسم را ذریعہ آن معلوم می نمایند. این اطلاع برای هوا بازان، موظفین امور آبیاری و انجنیرها، متخصصین زراعت و غیره خیلی مفید است وضعیت فضا را ذریعہ این آله از ارتفاع ۸ الی ۱۰ میل بخوبی معلوم میکنند در بعضی از حالات آله مذکور بقاصلة ۱۸ میل هم در طبقات بلند هوا صعود کرده است.





## دملی دواثرو تشکیلات

### دملی شورا عالی ریاست

#### الف - رئیس هیئت:

رئیس	ع . ج . عبدالاحد خان
امری - معین	ص . جلال الدین خان
دوهم	سید ابوالغیر خان
منشی	ع . عبد اللطیف خان
دمنشی معاون	ص . محمد انور خان
دمجلس سرکاتب	ع . محمد داؤد خان
دکنترول مامور	ع . محمد حسین خان
داجرائی سرکاتب	ع . محمد عمر خان
داورا قوما مامور	ع . فیض محمد خان

#### ب - دیندخمی دورې و کیلان :

د کابل د مرکز وکیل	ع . محمد زمان خان
د شش کړو هی	ع . عبد السبحان خان
د یقمان	ع . محمد ایوب خان
داوگر	ع . محمد عمر خان
د ور دک	ع . محمد اسماعیل خان
دمبدان	ع . عبد الرؤف خان
د سروبی	ع . غلام صدیق خان
د چاریکار	ع . محمد اعظم خان
د جبل السراج	ع . ذوالفقار خان
د کوه دامن	ع . عبد الغنی خان
د تنکاب	ع . حبیب الله خان
د نجراب	ع . بهادر خان
د سیقان و کهمرد	ع . محمد یوسف خان
د پنجشیر	ع . میرزا عبدالحمید خان

ع . ج . عبدالاحد خان د شور ادریاست رئیس  
S.Ex. Abdul Ahad Khan Président  
du Parlement.

## سلاح جدید بر خلاف ملخ

در شرق وسطی و افریقای شرقی بر خلاف ملخ های آن سامان يك سلاح جدید بروی کار آورده اند که خیلی مفید و موثر میباشد هنوز مرکبات کیمیاوی این دوا درلست اسرار داخل بوده و بنام (۶۶۶) یاد میشود و بعوض سودیم ارسینت دواى معرفى که تا بحال برضد ملخ استعمال میشد بکار میرود . از اطلاعات وارده که نسبت به این ماده جدید الاستعمال بدست رسیده معلوم میشود که این مرکب خیلی موثر بوده و نسبت بهمه بیشتر مفید ثابت شده است این مرکب جدید الاختراع در برطانیه ساخته شده و از فوائد مهمه دیگر ۶۶۶ آنست که بوجود حیوانات دیگر مضر ثابت نمیشود .

## نصف يك قرن برای مجادله با مضر

موسسه انید یولوجی و میکروبیولوجی اخیراً جلسه سالانه بیست و پنجمین سالگروه خود را به پایان رسانید در این موسسه ابتکارات مهمی بعمل آمده و من جمله واکسیناسیون تحت جلد بمقابل دایسنتری و اصول جدید مجادله باداء انخنازیر، ایجاد سیرم ضد تیفوس و امثال آنست . این موسسه از هنگام تاسیس خود تا بحال بمقابل امراض مصری ۷۰۰ اقدام مهم نموده است این موسسه در ابتدا ذریعه چهار نفر تاسیس گردیده ولی امروز حیثیت مرکز علمی بزرگ داشته و به تعداد ۱۵۰۰ نفر داکتر، متخصص، پروفیسر باواکسین ها، سیرم ها و امثال آن برای رفع و ازاله امراض مصروف تتبع و ابتکار اند و مخصوصاً مطالعات آن ها درباره تب تیفوئید، تب پارا تیفوئید، دایسنتری، تیتانوس و غیره خیلی مفید و جدید است . یکی از پروفیسران این مؤسسه کرونتوسکا یا نام دارد که برضد تیفوس و اکسینی ایجاد نموده و به آن واسطه به انعام بلنڈ ستالین مفتخر گردید . يك تعداد موجدین دیگر در این موسسه مصروف خدمت اند که خدمات و مخترعات علمی ایشان دردنیای طبابت اهمیت فوق العاده دارد .

## طریقه جدید . معالجه اعصاب مفلوچه

اخیراً برای معالجه اشخاصیکه وضعت عصبی شان در اثر ابتلا بعارضه فلج معروف به (افتتایل پارالایسیس) خراب شده يك نوع تفنگچه مخصوص ایجاد کرده اند که بیای مریض آن را بکار میبرند این عمل جدید بنام نیورو تریسی یا انقطاع عصب یاد میشود و در تحت عملیات بیپوشی





و با مالش عضله عصب از کار افتیده را دوباره تحریک و تهییج می نماید . انجام کنند این آله در آن موضع عضله که داخل می شود ( اساج عصبی را که هنوز سالم است ) تحت تأثیر میگیرد و یک نوع شاخه جدید عصبی مانند درخت که شاخ بری می شود تشکیل میدهد . بعد ریح عصب خشک شده قوای از دست رفته خود را دوباره بدست می آورد . این عمل را در ۸۰۰ مرتباً استعمال نموده و فوائد فواید فواید بخشی از آن حاصل کرده اند که دیگر ضرورت به عملیات قطع عصب باقی نمانده است .

### رهنمائی منجمین به طیاره

برای امپراتری برطانیه در هر ۵ سال نقشه های مقناطیسی تهیه میشود . کاری نقشه های مذکور بهر یک چهار و طیاره داده شده و به عمله آنها راجع به نوعیت قطب نما و انتخاب آن که با خط سیر ایشان مطابقت دارد معلوم می شود . اولین نقشه مقناطیسی دنیا در ۱۷۰۱ ذریعه آدموند هالی تهیه گردیده است امروز در نزدیکی یک قریه کوچک انگلند در تحت اداره سرهارولد سینسرجون متخصص در اطراف اختلافات دائمی قطب نما مصروف مطالعه هستند و میخواهند که بتدریج مختلفه این همه تبدلات را از بین ببرند . تبدلات مذکور بصورت عمومی در اثر قوه مقناطیسی زمین عارض میشود . برای رفع وجوه گیری این اثر مقناطیسی زمین ریکارد فوتوگرافی مسلسل از تبدلات مذکور ذریعه ادوات حساسی برداشته اند . مطالعات مذکور از ۱۸۴۰ به بعد در رصد خانه شاهی برطانیه آغاز یافت . در وهله اول تبدلات مذکور را در خلال ۲۴ ساعت بچشم مشاهده میکردند و بعد پس از ۱۸۴۸ که فوتوگرافی بمیان آمد از تبدلات موصوف عکس می گرفتند . قورا این حقیقت را هم کشف کردند که حدود نقطه هادر آفتاب در قوه مقناطیسی زمین و تبدل آن تأثیر بزرگی وارد میکند برای اینکه این عوارض را بدرستی تحقیق نمایند از آفتاب هر روز عکس برداری می نمودند و تاریخ این ریکاردها

حسب اقتضای زمان به ۱۸۷۳ میرسد . چون هوای انگلستان اغلبا پرازمه بوده و آفتاب در آنجا روشن نیست لذا اغلب این تحقیقات در دماغه امید ورصد خانه کودیکها نال دردم راس که برای فوتوگرافی آفتاب موقعیت خوبی دارند بعمل آمد و نتیجه آن به رصد خانه شاهی اخبار میشد . رصد خانه مذکور به قوماندانی قوای فضائی و امیرالبحری برطانیه تماس قریب داشته و از نتیجه فوتوگرافی های آفتاب ایشان را اطلاع میداد . در اثنای مخابرات رادیوئی اخذ امواج بعضا ضعیف میشود وطوری که از تحقیقات اخیر علمیه معلوم نموده اند این ضعف در نتیجه یک فوران آفتابی یا اشتعال آنست و در این موقع یک حصه کوچک آفتاب ( که از زمین بزرگتر میباشد ) بیشتر از حصص دیگر آن مشتعل میشود . این اشتعال آفتاب اغلبا بعد از یک روز در اثر طوفان مقناطیسی بعمل می آید و از این طوفان مقناطیسی قطب نما خیلی متأثر شده و در وضعیت مخابرات تیلیگرافی و تلیفون هم تحولات رو داده و مخابرات رادیوئی هم بشدت تحت تأثیر آن قرار میگيرد .

انتباهات راجع به طوفان : مثلا تصور نمائید که یک طیاره بمب افکن بعد از عملیات به آشیانه خود بر میگردد در اثنای راه بمشکلات دچار شده و مجبور است که ذریعه رهنمائی رادیو از مرکز خود بزمین عود نماید اگر طوفان مقناطیسی در اخذ امواج رادیو تحول وارد کرده باشد فرد آمدن محفوظانه طیاره بزمین مشکل میگردد . بنا بر آن در اثر اعلامیه و اخبار رصد خانه از طوفان مقناطیسی و شروع آن قوماندانی قوای فضائی وقت و زمان بمبارد مان را در آوان محفوظتری که از این خطر مصون باشند تعیین میکنند . تمام این اطلاعات متعلق به تبدلات مقناطیسی زمین در رصد خانه شاهی گرینویچ بعمل می آید . بعضا قوه برقی راه های ریل در نزدیکی رصد خانه مذکور به اعمال آن مداخله میورزد و تمام آله ها و ادوات متخصصین در این وقت بطرف جنوب انگلیند متمائل میباشند اگر چه برعلاوه در اواسط بحار حصص معینی هم وجود دارد که قوه مقناطیسی زمین بصورت صحیح در بین آن معلوم نمیشود برای رفع این نقیصه اداره امیرالبحری برطانیه یک جهاز مخصوصی ساخته که حصه مهم آن از چوب بود و در انجن آن بهر اندازه که ممکن است فولاد کمتر بکار برده اند . این جهاز برای اولین مرتبه در ۱۹۳۹ ذریعه خانم سپنسر جان به آب انداخته شد ولی چون جنگ بمیان آمد این جهاز نتوانست به اعمال خود در بحار موفقیت حاصل کند و منتظر خاتمه جنگ بود . این جهاز بنام جهاز تحقیق یاد میشود و قبیل از آن ذریعه موسسه کار نیچی و اشنکتن یک جهاز غیر مقناطیس بنام اس اس کار نیچی برای چندین سال مصروف تحقیقات بود ولی متاء سفانه در موضع سا موا بواسطه انفلاق پترول از بین رفت . خلاصه از جهاز جدید بنام جهاز تحقیق در

اطراف تبدلات مقناطیس قوه برقی و نقشه برداری از بخار استفاده های زیادی خواهند نمود چه موضوعات حل ناشدنی بزرگی درین مورد موجود بوده و حل آنها به مدت های زیاد و تحقیقات علمی و فنی کامل احتیاج دارد.

### اولین طیاره نوع هلیکوپتر



در این فوتو اولین طیاره جت پروپیلر را ملاحظه میکنید که از مهمترین انواع طیاره هلیکوپتر بوده محکمی و سرعت آن از همه بیشتر است در حصدم این طیاره موتور فرعی که در دم دیگر هلیکوپترها نصب میشدهم جاداده شده

### رادیو گراف های کوچک

اخیرا در اثر مساعی اعیان و متخصصین رادیو آلهای جاد کرده اند که در یقه آن بر روی یک فیلم ۳۵ میلیتری فی ساعت ۱۰۰ الی ۱۲۰ رادیو گراف های کوچک را فلم بگیرند از ده شین های مذهب صی رادیو گراف های کوچک امروز در برطانیه بیشتر محل احتیاج قرار داده شده



ومخواهند آن را در تمام ادارات وفابریکه ها بکار بندازند . مطالعات دقیقه علم چنین واضح میسازد که در هر هزار نفر ۱۴ نفر بعارض شش مبتلا هستند که باید تحت مراقبت جدی احتیاج قرار گیرند . از هر هزار نفر سه نفر آن باید در ستا توریم داخل و ۱۱ نفر دیگر ممکن است در اثر معالجه و مشاهدات اصولی شفا یابند این موفقیت بزرگ ذریعه امداد واستعانت آله بعمل آمده که در این فوتو آن را ملاحظه میکنید . ذریعه این آله حقایق مهمه دیگری را هم کشف نموده اند .

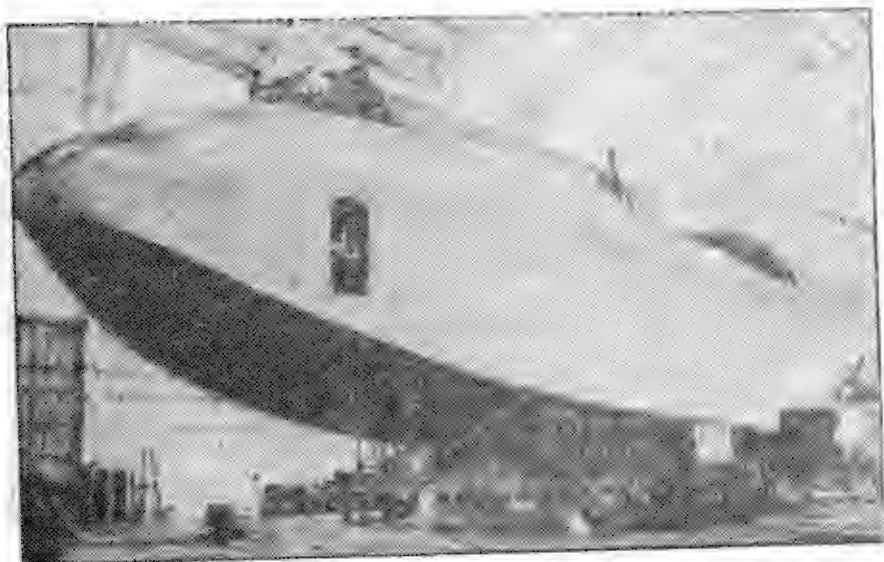
### آله جدید برای سهولت عملیات فرود آمدن طیاره.

آله برمی که بنام دماغ برقی یاد میشود جدیداً برای پیلوت های طیاره تهیه کرده اند و ذریعه این آله میتوانند که طیاره خورابه ارتفاع یکفوت بر روی جاده فرود آورند قبل از همه متخصصین امریکائی این آله را ایجاد نموده وبعد آن را تکامل بخشیده اند . این آله مستقیماً طیاره را بر زمین فرود آورده و آن را بر پایه معینه دور داده و کنترل طیاره را بخوبی قبل از توقف شدن بر زمین حفاظت میکند . این آله که در بین يك صندوق به اندازه صندوق تلفون جاداه شده صورت جریکت عمومی و مایلر طیاره را درست کرده و در مقابل با هر وضعیت آن را آماده می نمایند .

### بزرگترین طیاره بحری دنیا

اخیراً در کالیفرنیا بزرگترین طیاره بحری دنیا را که به اسم هوکس هرکولس یاد میشود تعمیر کرده اند و نظری که صاحبین آن یاد میکنند این طیاره مخصوص مسافرت در بر اعظم ها بوده و اگر در وقت جنگ آن را جهت حمل بمب و شفاخانه ها اتخاذ نمایند البته علاوه د کتورها و پیرستارها گنجایش (۳۵۰) مریض را خواهد داشت

بدنه آن ۲۰۰ فوت طول  
۳۰ فوت ارتفاع و ۲۵  
عرض دارد . اتجن های  
آن دارای ۳۰۰۰ قوه  
است پوده و با خود چهل تن  
پترول را حمل می نماید  
وزن آن بصورت عمومی  
۲۰۰ تن میباشد در فوتوی  
پهلو طیاره بحری مذکور  
را مشاهده می نمائید .



## موارد استعمال کاربن زنده

کاربن يك عنصر مهمیست که در خدمت انسانی بمظاهر مختلفه مورد استعمال قرار داده میشود از الماس که شهزاده جواهرات و علامت ثروت زیاد است گرفته الی ذغال لیکن همه روزه از آن استفاده می نمائیم تماما از کاربن تشکیل یافته اند - اغلب اشخاص از این حقیقت واقف اند که ذغال بوی ناخوش داشته و گزهای مضر و نفرت آور از آن متصاعد میشود و بواسطه همین خاصیت است که چون برای اولین مرتبه کاربن را استعمال میکنند در این وقت ذغال بیشتر از دیگر مراحل و دوره های خود که ذریعه عوامل مختلفه تحول میکنند گازها و بوی زیاد تر از خود بیرون میسازد و در اثر همین خصوصیت در مرتبه اول قبل از استعمال کاربن را کاربن زنده یا می کنند . در انگلستان برای رفع این نقیصه عدم اصابت به وارض گاز های ذغال زنده هر کس دارای ماسک ضد گاز میباشد و بر علاوه کاربن زنده خاصیت جذب گازها را هم بخود دارد . کاربن زنده دارای سوراخ های زیاد میباشد و هر قدر که سوراخ های آن زیاد تر می باشد بهمان اندازه فائده آن بیشتر است . ذغال زنده را به اصول مختلفه درست میکنند و این نوع ذغال هم حسب نوعیت خود موارد استعمال معدنی دارد . مثلاً يك نوع آن جهت جذب بوها و گاز ها مفید است . نوع دیگر آن رنگ ها را بخود جذب میکنند . قبل از جنگ استفاده مهمی که از کاربن زنده می نمودند آن بود که شکر نموداری رنگ را ذریعه آن سفید میکردند . از وقت شروع جنگ اخیر به بعد فائده مهمی که از ذغال زنده می نمودند آن بود که ذایقه های ناخوش را از ذخائر آب ذریعه آن رفع می نمودند ولی امروز احتیاج به این ماده در موارد صنعت خیلی زیاد شده و اگر چه هنوز متخصصین در خصوص استعمال مختلفه آن در مرحله تجربه هستند مگر باز هم ابتکارات زیادی کرده و چیز های عجیب و نوری ذریعه آن اجراء نموده اند که من جمله آنها یکی این است : در داس ها و نایبانی های نان پزی که خمیر دائما مورد استعمال قرار می یابد يك نوع تخمر ضرورت میگیرد و نان با اغلبا چنین ادعا می کنند که علت این خمار آلودگی او بخار های الکلی است که در وقت پختن نان متصاعد میشود . در وقت طبخ نان بخار الکلی در ضمن عمل تبخیر از تنور بیرون شده و آن ها را مخمور میگرداند . اگر در دو دویا بخار تنور فلتر کاربن زنده را بگذارند آن زمان ماده الکلی از هوای تنور مجزی شده و به خانه ها و سوراخ های کاربن زنده جذب میشود و بطوریکه اسفنج آب را بخود جذب میکنند کاربن هم الکل را بخود جذب می نماید و قتی که کاربن از الکل خوب مشبوع گردید آن زمان فلتر پس میشود . ولی شما مانند اسفنج آن را فشار داده نمیتوانید بلکه الکل در آن کاملاً جذب میگردد . کاربن زنده را

در برطانیه برای نگه داری ویتامین هادر هنگام آب جوسازی بیکار میبرند قبل از چون به اصول کیمیای ازخمیره مذکور آب جودرست میگردند و یک مقد از زیاد ویتامین آن را امل میشود ولی حالا در اثر استفاده از کاربن زنده این نقص را بر طرف نموده اند خلاصه در موارد صنعتی جهت ازاله بوی ناخوش و رنگ خراب و ذائقه کریهه این ماده را بیکار برده و بعد از این هم دامنه مطالعات را افزوده میروند.

### لباس جدید برای عمل طیاره



ژ. ک. کار. نورنوی انجنیر برای پیوست های طیاره جنگی و بم افکن لباس جدیدی (صوری که در فوتوی بهایومی نگارید) درست نموده است.

این لباس با بدن خیلی مساعد بوده و در دوران خون نقصانی وارد نکرده و مخصوصا در اثنای جریان عملیات بم افکن و غیره دوران خون را در بدن مخصوصا در دماغ بحال عادی صورت میدهد.

### جلو گیری از انجماد بر روی خطوط آهن

مستزهای چانتر انجنیر ترانسپورت لندن برای جلوگیری و منع انجماد یخ بر روی خطوط آهن ماده جدیدی ایجاد نموده که خیلی موثر بوده و مخصوصا در زمستان موارد استعمال زیادی داشته و خطوط آهن را بخوبی حفظ کرده و جریان متاقلات ریل راهرگز معطل نمیسازد. این آهن را درین ظرف های مخصوص بقا صله نیم نیم میل از هم دور میگذارند و به مجرد یکه ریل گدشت ذریعه رول های مخصوص آن را بر روی خطوط آهن منتشر میسازند و به این واسطه از حدوث انجماد جلوگیری می نمایند.

## آله مخصوص تعیین صدا

علماء و متخصصین میگویند صداها بوجود انسان تاثیر عجیب وارد کرده و بعضا باعث ترس، مرض و مرگ میگردد و حتی اگر خطری هم موجود نباشد صدا ممکن است به انسان رعب تولید کند مثلاً بارها بتجربه رسیده که صدای ناگهانی تفنگ انسان را بدرجه متاء ثرمی سازد که گویا در يك اطاق تاریك دستش به بدن ماری خورده است جرمن هادر ابتدای جنگك تأثیر مهم صداها را فراموش نکرده و چون بر فراز دشمن میرسیدند به تولید صداهاى مدھش به تعقیب انقلاق بهم ها و خمپا ره ها میبرد داخلند . بمقابل ملکی ها بمب های اشپلاق کنندند را بکار میبردند و این نوع بمب اغلبا برای ضعیف ساختن معنویات دشمن بکار میرفت . بعضا صداهاى دا منه دار بلند نسبتاً به صدا های غرش مانند بیشتر مضر ثابت میشود . متخصصین برای تعیین اندازه صدا آله بنام فون اختراع کرده اند و از روی استعمال آن میگویند مثلاً سرگوشی کردن دارای قوه ۲۰ فون و یا صحبت معمولی ۶۰ فون ، صدای طیاره ۱۱۰ فون و امثال آنست . بیشتر از حدود شنوائی انسان آواز هائىست که از ۱۳۰ فون بلند تر قوت داشته باشند پس اگر آواز يك طیاره از آن اندازه زیاده تر باشد تا شیر بدی را در بدن وارد میکنند بر علاوه بلندى شدت يك صدا را به اصول مخصوص معلوم میکنند و آن را به نام دیسبیل نام می نهند مثلاً شدت خورخوریك پشك دارای ۲۶ دیسبیل است . علمای امریکائی میگویند اگر نوعی از خرگوش ها را بمقابل يك زنگیکه بصدا باشد نگه دارید مریض میشوند و اگر صدای مذکور در عقب در وازه اطاق آنها صورت گرفته و از عقب در وازه صدا به آنها برسد در آن صورت مریض شده و بعد از ۱۴ روز میمیرند . صدا های فوق العاده ارتعاش بیش از اندازه و غیر مسموع به پرده گوش انسان تولید نموده و خیلی مضر ثابت میشوند و بدرجه اثر میکنند که انسان حواس و موازنه خود را بکلی باختند و نمیتوانند که بالای اسپ یا گادی سوار شود .

## ماشین گاز برای جهاز ها و طیارات ولو کو موتیف ها

دا کتر اچ را کسی کما کس ماشین جد یدی به اسم (گاس تر باین) ایجاد نموده که ذریعه آن قوه طیارات جنگی نوع جیت را خیلی زیاد کرد و میگویند مخصوصاً در شکست دادن بم طیار از آن بخوبی کار گرفته اند . از این انجن یا ماشین برای جهازات بحری لو کو موتیف ها و دیگر ستیشن های تولید قوا استفاده شایانی می نمایند و فائده مهم آنها تا اقتصاد در صرف تیل است . اگر طیارات تجاری با آن مجهز گردند آنگاه می توانند که فی ساعت ۴۰۰ میل قطع مسافه نمایند . این آله سرعت حرکت طیارات بی دما را خیلی زیاد میسازد .



## انسان در عوض بوتل



اخیراً در لا بر اتوار های چین به عوض  
بوتل های شیشه از بوتل های پلاستیکی استفاده  
مینمایند و دوا و ها نیز آنکه صاحب امریکا  
برای افراد ملکی چین به قسم امداد تقسیم  
میکنند آنها در بین بوتل های پلاستیکی می افکنند  
در فو تو ی بهاو یکی از مخصصین چین را  
ملاحظه میکنید که در عوض بوتل شیشه از پلاستیکی  
استفاده می نماید .

## دانه های ریگ در محار به

فیل از ۱۹۳۹ علمای بر طانیه یک مصروفیت عجیب و مهمی اشتغال پیدا کردند به این قسم  
که با مراقب تمام دانه های مختلف ریگ را از حصص مختلفه بدست آورده و در آن  
بتجربات و مطالعات پر دا ختنند سابق مهم این زحمت آن بود که از نوع بهتر آن بهترین شیشه  
های رویت برای طیارات بم افکن ، کمره ها و غیره که در جنگ امروزی خیلی مورد ضرورت  
است بدست آرند زیرا تا آن وقت بهترین نوع شیشه مذکور از جبهه واقع جرمینی آورده میشد .  
این ریگ خالص بوده و دای مر کبات آهن هیچ نبود و اگر در ۱۰۰۰۰ عدد آن صرف  
۱۶ عدد ریگ آهن دار بلا حظه میرسید در آن وقت از ریگ مذکور استفاده مطاوب  
بدست نمی آید . اخیراً علمای بر طانیه پس از موشکافی های زیاد در آثار مری تفه  
( های لیندس ) نوع مطلوب ریگ را بدست آوردند و فوار مصروف تمدید راه به آن سمت  
شده و ادوات و اسباب خود را به آنجا انتقال دادند ادوات مختلفه جرمینی بواسطه داشتن شیشه



نوع جی‌تا امتیاز و تمامیت مخصوص داشت ولی در برطانیه هم این تقیصه بوجه التوقع شده و رفع احتیاج خود توانستند صدها تن شیفته مطلوب را از آن حصه بدست آورند و ساحه زیر این شیفت ابتکارات عجیبی نموده و بهترین عدسیه‌های جدیدی که موجب تحریفها گردید اخراج گردید.

## ماده جدید برای رفع آفت جلدی و تورم

قبلا در فایبریکه‌های بزرگ مخصوصا مصانع ضایعه سازی برندهای بدست‌ها و نوارهای غده بواسطه تماس به ادوات و سامان مختلفه و مواد فلزی و غیره راکت‌نوع تورم بوجود می‌آید و مخصوصا عمده جدید ورود بیشتر به آن مبتلا می‌شدند اخیرا در کشور سوئد و سوئیس افسر تحقیقی فایبریکه‌های بلیک برن در شمال انگلند مصر و ف تحقیقات شده و نتیجه ماده را به اسم (سنگت) برای کار آورد چون عمده از کار فراغت یافتند دست‌های خود را معروف به آب آن نمود و بعد مدت مقدار منظم را بهر دودست و باز وهای خود می‌مالند و آن را خوب می‌شکنند و بعد با آب سرد باز آن را پاک می‌کنند بواسطه این عمل تمام کثافت و چربی و غیره را از بین می‌برد و جلد که حالا صاف می‌شود تا زمانی که این ماده بخوبی استعمال شود تورم جلدی بوقوع نخواهد پیوست.

## دماغ میخانیک



ضوری که در فوتوی دوم زیر ملاحظه می‌کنند صند و قچه برقی که سه نفر دور آن را گرفته اند برای نشان گرفتن و غیر نمودن توپ های بزرگ ۹۰ میلیمتری ضد طیاره کمک زیادی نموده و فوائد بزرگی از آن برداشته اند. آله مذکور در امریکا ایجاد شده و در انگلند بمقابل بم‌های طیار و تهدید آن این آله را بصورت قاطعی بیکار برده اند. آله مذکور در بعه جریان برقی نشان توپ را بدرستی ممکن ساخته و در یک زمان توانست که به تعداد ۳ فیصد بم طیار المانی را بی اثر سازد و بر علاوه جهت فرود آوردن طیارات دیگر که در بعه پلوت طیاران داده می‌شدند هم موثرانه اقدامات ورزید.

د بامیان	وکیل	ع ، سید محمد طاهر شاه خان
د سرخ ویاړ سا	»	» ، سید غلام حیدر خان
د غور بند	»	» ، میرزا محمد صدیق خان
دمقر	»	» ، حاجی عبدالقیوم خان
دغزنی	»	» ، محمد صفر خان
دده شین کتواز	»	» ، محمد ابراهیم خان
دکوچی	»	» ، محمد یونس خان
د دایزنگو	»	» ، سید غلام رضاء خان
دبیسو د	»	» ، میر محمد علیخان
دیکاولنگک	»	» ، میرزا نوروز علی خان
دقندهار دمرکز	»	» ، محمد عزیز خان
ددند	»	» ، فقیر محمد خان
دکدنی	»	» ، محمد کلیم خان
دترین	»	» ، صالح محمد خان
دارغستان	»	» ، یار محمد خان
ددهله	»	» ، محمد یعقوب خان
ددراوډ	»	» ، دوست محمد خان
دگرشک پشترود	»	» ، دین محمد خان
دموسی قلعه زمین داور	»	» ، محمد موسی خان
دگرمسیر	»	» ، یار محمد خان
دگراپ	»	» ، لعل محمد خان
دارزگان	»	» ، غلام رضاء خان
دترنک وچلندک	»	» ، سیف الله خان
داجرستان	»	» ، گل داد خان
دقلات	»	» ، عبدالرشید خان
دپشترود د کوچی	»	» ، محمد لعل خان
دقلات د کوچی	»	» ، عبدالسلام خان
دهرات دمرکز	»	» ، حاجی محمد عمر خان
دغورات	»	» ، دین محمد خان

## ریکارډ های صدا در سیم فولادی

برای حفظ صداها و ریکارډ دآن اینک اختراع فوق العاده مهم وجدیدی نموده اند به این طریق که یک نطق را که در مدت ۶۶ دقیقه ایراد شده باشد میتوانند در سیم باریک فولادی به اندازه یک مو و به طول ۱۱۵۰۰ فتریکارډ بگیرند. سیم مذکور را بروی کوتی چرخ میدهند که دارای قطر ۴ انچ باشد امروز یک کمپنی معروف به تهیه این نوع ریکارډ گیری معروف است آله ریکارډ گیرنده در بین یک بکسی که ۹ پاووزن دارد جاداده شده است در بین آن یک میکروفون کوچک تعبیه شده که پیلوتها چخوبی مشاهدات خود را ذریعہ ریکارډ آن معلوم کنند گویا دریک اداره مخصوص یک شخص معینی مصروف انجام این کار است. برخلاف سلندر مومی که قابلیت شکستن را دارد این سیم ظاهراً بزودی خراب نمیشود و قتیکه دیسگر ریکارډ نطقها مطلوب نباشد آن زمان سیم مذکور باز شده و تاءثیر نطقها هم زائل میگردد چه سیم مذکور تاثیر مقناطیسی داشته و این نقص را نمیتوانند از آن زائل سازند. این فن بدرجه ترقی کرده که مذاکره عمده طیاره در هنگام حمله بالای خاک جرمنی ذریعہ آن در بین طیاره ریکارډ میشد و حسب اعلامیه ماجوراچال نویسیام تمام مذاکرات عمده قلعه طیار و هم چنان صداهاى جنگ در اثنای پرواز ۶۶ دقیقه ذریعہ آله ریکارډ گیرنده خود طیاره پس به انگلستان آورده شده و شنیده شد.

## روغن گل آفتاب پرست

امروز در برطانیه روغن گل آفتاب پرست را برای اولین مرتبه مورد استعمال قرار داده و به نسبت قلت روغن زیتون آن را تناول میکنند. این روغن حالا اهمیت تجارتی پیدا کرده است از تجربه های اخیر و جدید علمی معلوم کرده اند که بوخا صیت آن مثل روغن زیتون است مخصوصاً در رو سیه پیش از همه ممالک در طبخ طعام از آن استفاده می نمایند و از تیل مذکور برای ساختن صابون، شمع و حتی در روسیه جهت روشن کردن چراغ فائده میگیرند از وقت جنگ های هسپانیه که اصدار روغن زیتون به ممالک دیگر تقلیل یافت دیگر کشورها هم درزرع آن جهت استفاده داخلی مملکت مصروف شدند.

## تدوین د کشنری مخصوص رنگ

اخیراً مجمع مخصوص برطانیه که به امور رنگها مصروفیت دارند و بنام (بریتش کلر کونسل) یاد میشود به امداد متخصصین امور تجارتی و غیره چنان د کشنری تهیه کرده اند که بنام د کشنری رنگ معروف است. این د کشنری خواص و صورت ترکیب الوان را نشان داده و نقاشان رسامان و اشخاصیکه به امور ترئینات اشتغال دارند از آن استفاده های شایانی خواهند نمود متخصصین انواع و سایه های الوان را به ۲۲۰ عدد تعیین کرده اند. درین د کشنری تعداد نام و تصاویر هر کدام چخوبی مذکور است.

## مرتفعترین بند دنیا

بولدر دام از بلندترین بند دنیا است که بر روی دریای کلورا دو درست شده و آبگیرها آب



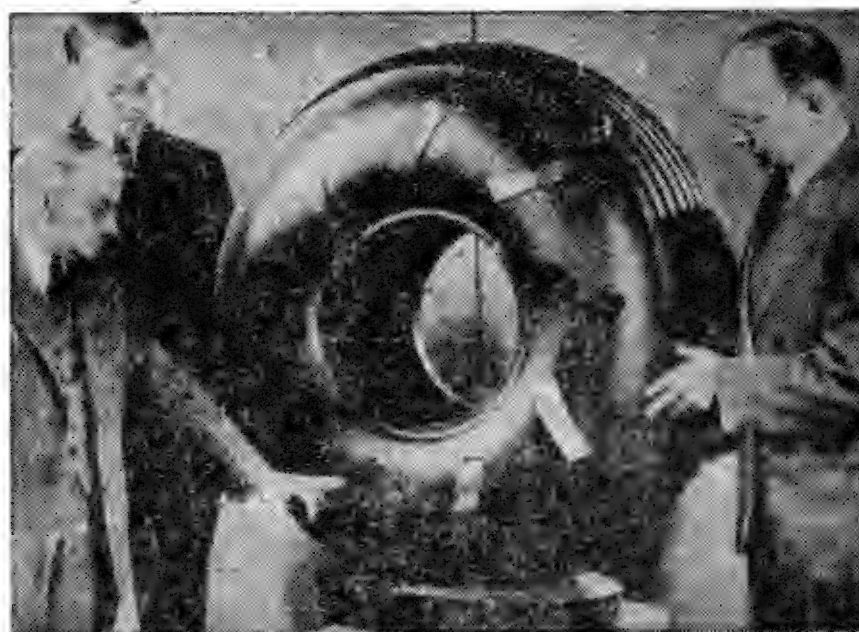
از آن فرو می‌برد. از قوه برقی این آب‌فا بریکه  
بر رگی درست کرده اند و بر یکه های طیاره  
سازی، جهاز سازی و مضامع معادن و غیره دریا آن  
بجریان می‌افند برای حفظ آن از صوفان و سیل  
دریا آبیاری و غیره اقدامات علمی پس می‌نمودند  
و در مقابل هر بیش آمدیه اقدامات و حفظ مالدوم  
بدرستی پرداخته اند در فوتوی فوق منظره بند و در  
دام را ملاحظه می‌تایند.

## جائزه نوبل در مقابل کشف طبیی

سرالکزاندر فلمنگ باری گفته بود که از اختراع فوق العاده خود پینسلین یک پول هم بدست  
نیآورده است امسال جائزه نوبل را بجهت اختراع طبیی خود بدست خواهد آورد قیمت این  
جائزه ۶۵۰۰ پوند است بر علاوه برای رفیق صمیمی او اج دبلو فلوری که با ا یکسا ندر کما  
و همراهی نموده است انعام داده خواهد شد. تا تاریخ اول امسال به اندازه ۵۰۰ میلیون واحد  
اکسفورد پینسلین در برطانیه توزیع شده و بتعداد زیادی از واحد های مذکور در شفاخانه های  
مختلفه انگلستان بغرض تحقیقات تقسیم گردیده است.

## تایرهای جدید طیاره

سکالر جدیدی که در تایرهای طیاره نموده اند عبارت از این است که تایر مذکور در همه بره ها و گیرهای مخصوص فابل آنها که در پهلوی آن میا شد تعبیه میگردد برهای موصوف وقتی بگردش می آید که چرخ مخصوص بر زمین نشسته طیاره پست میشود و این عمل کش شدن تایر معمولی طیاره را در وقت عا س بر زمین از بین میردیموت هائیکه تایرهای جدید را بکار برده اند از خوبی و دوام آن تعریف زیاد کرده اند.



## بم جدید آتش افروز

در وزارت هوا یازی برضا تبه بم جدید آتش افروزی ایجاد نموده اند این بم دارای ۳۰ پاو وزن بوده و در بین آن محمول میتن و پترول تحت فشار زیاد ساخته شده است. فرود آمدن آن بر زمین ذریعه يك پا راشوت كشورول میشود. و فتيكه م افلاقی می نماید يك شعله بطول ۵۰ و عرض دو فف از آن بیرون میشود. طول خود بمب ۲۱ انچ و قطر آن ۵ انچ است. مدت اشتعال شعله آن که به اصول مخصوصی تشکیل می آید در این دو دقیقه خواهد بود.

## لباس پرواز در ارتفاعات بلند



در فوتوی پهلوی یکی از عملیات را  
در لباس پرواز مخصوص ارتفاعات بلند  
مشاهده میکنید که در مبرای بلند به اطاق  
مخصوصی که فشار خیلی کم است ماسک اکسیژن  
را امتحان میکند مبر این حرا در این اطاق  
۶۷ درجه تحت صفر فارنهایت بود و مبر این  
فشار هوا به آن درجه است که در ۶۰۰۰۰ فوت  
از ارتفاع میباشند علاوه آن امتحان صبی  
دیگر هم یلوت مذکور را در این اطاق  
می نمایند.

## مخترعات تیکه درائهای جنگ در استرالیان صورت گرفته است

در مارس ۱۹۵۲ در استرالیان اداره بنام مدیریت مخترعات دریایی استرالیان  
تا سیس کر دیدار آن وقت به بعد در این مورد مکتوبات زیادی که تعداد آن به هزاران  
عدد رسیده است نموده اند که بعضی از آنها عملی شده و بعضی دیگر تا بحال صورت عمل  
اختیار نگرفته است. تعدادی از اختراعات مذکور در راست اسر از حرب محسوب میشود.  
من جمله آنها آله بروی کار آورده اند که علامات اخباریه وقت را در مستعمرات بر طایفه  
و مناطقی مختلفه استرالیان در يك وقت نشان میدهد از مواد مختلفه استرالیان جهت علامات اخباریه  
ایستگاه رانی را بروی کار آورده اند که ذریعه آن دو در تیکه متصلا عدد میشود يك آئینه  
اخباریه ایجا د نموده اند که جهت نجات دادن عملیه بحریه خیلی مفید ثابت شده است از  
این آئینه ها در طیاره و جهاز کار گرفته و ذریعه آن از شعاع آفتاب بهر طرفی که بخواهند  
بصورت اتوماتیکی استفاده نموده و در اجات اشخاص میگویند. بون های مخصوص در ست  
گردمانند که قابلیت لغزش را نداشته و در سواحل و مواضع لجن زار از آن استفاده میکنند  
بقشه های واتر پرف و ف آمده ساخته اند که در مقابل آب و باران بخوبی کار داده و



## د کابل کالنی

مخصوصا در نقاط با رانی نپو گیتی از آن فوائد زیادی حاصل کرده اند . برای کشتی های نجات که در آب افکنده میشود چراغی تعبیه کرده اند که چون قاتی در آب افکنده شود بصورت اتوماتیک کار میکنند . یک چراغ بهتر و مخصوص تثبیت علامت ایجاد نموده اند . در مواد غذایی و نگهداری آن به اقدامات خیلی جدید و مهم فنی پرداخته ادوات نوی پروی کار آورده اند که مواد غذایی را درین آبها بصورت کاملاً محفوظ میگذارند .

### استفاده از پودر الو مینیم

الو مینیم در مواقع مختلفه ، ادوات متعدده خانگی ، ادوات واسباب حربی ، ماشین های متعدده طیاره اتوموبیل ، درشکهای راهریل ، جهازهای بخاری مورد استعمال داشته و بعضاً بدرجه آنرا نازک گردانیده اند که به اندازه ( ۰ . ۰۰۰۱ ) اینچ ضخامت دارد . امروز ساخته استفاده آن بیشتر توسعه حاصل کرده و مخصوصاً پودر الو مینیم موارد استعمال جدیدی دارد . پودر الو مینیم را با لای فلزات ، چوب ، خشت های سمی و سنگی بکار میبرند . برای ساختمان مواد آهنی هم از این پودر بکار میگیرند . برای فرش خانه ها ، سقف خانه ها و امثال آن در میکرات جدید خود پودر الو مینیم را مورد استفاده قرار داده اند در صنعت صنایع سازی برای رنگ دادن و تصفیه آن پودر الو مینیم جدید بکار رفته است . در قنون مختلفه تزئینات و امثال آن هم پودر الو مینیم بکار میرود . در ساختمان کلاه های مخصوص ، کت های بارانی ، بالون ها و غیره پودر الو مینیم خیلی بکار آمده است . در تهیه تاپر های زابری آنرا استعمال می نمایند .

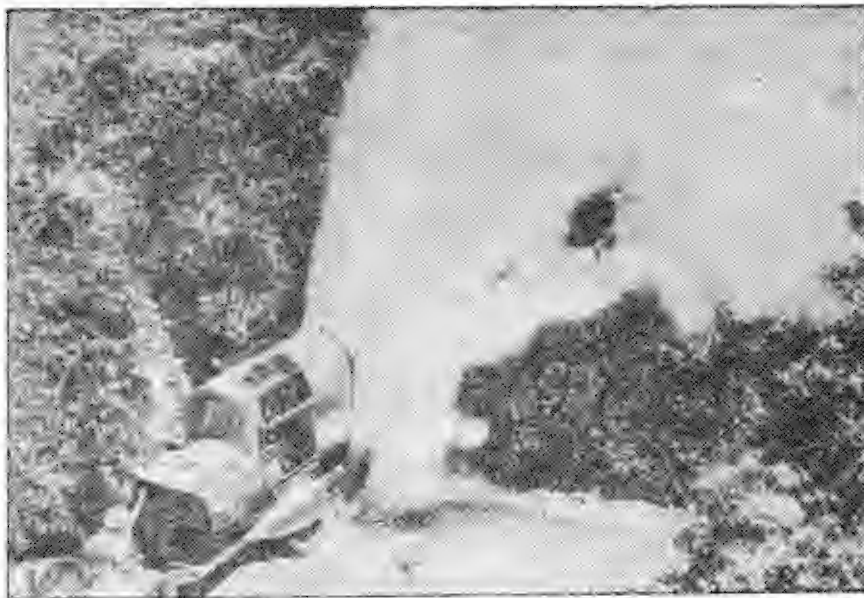
### توپ نوع جدید برطانیه



اخیراً اسرار توپ نوع جدید برطانیه را هم بریتش ما کسوکش کردید این توپ بمقابل طیارات است و از استعمال شده و از آن استفاده خوبی گرفته اند توپ مذکور در انشای یک تماشیه در انگلیس صورت گرفت بمعرض تماشیه قرار داده شد در فوتوی فوق توپچی را به حصه برج توپ در انشای تماشیه تماشا میکنند .

## آله جدید پاش دهنده دوا

در ایالت جنوبی ولایات متحده امریکا يك آله جدید پاش دهنده دوا برای تات مزارع و اشجار تهیه کرده‌اند و خصوصاً برای کشتن حشرات در باغ‌ها و آبکار می‌راند.



و ادویه ضد حشرات را به واسطه آن پاش می‌دهند. این آله را يك تراكتور که دارای موتور فوست کش میکند و به فیه فوق العاده دوا را پاش می‌دهد. بعد از این ماشین ملد کور را به بیمانه زیادی درست کرده و بواسطه آن باغ‌ها و مزارع خود را از اذیت مواد مضره محافظه می‌نمایند.

## عملیات جراحی قلب در انسانی که قلب مصروف عمل خود است

پروفسور اوگنیف سر جراح معروف روسیه و رئیس کمیته‌ای صحتی ماسکوا اخیراً در دهلی راجع به اکتشافات طبی جدید در روسیه بیانات مفصلی داده و گفتار خود را در سه تصاویر مختلفه به انجمن طبی اظهار داشت. بیانه پروفسور اوگنیف تمام شنوندگان را تحت تاثیر قرار داد و همه را متحیر ساخته و واضح ساخت که در روسیه بواسطه تحقیقات و اکتشافات جدید طبی این حقیقت را به اثبات رسانده‌اند که رگ های خون در وجود انسان بدرجه نازک و باریک شده و تمام حصص بدن را پوشانده‌اند که میتوانند کامل روی زمین را بپوشانند و تنها رگ های کوچک و فوق العاده باریک دماغ انسانی آنقدر زیاده است که اگر هموار کرده شوند ساخه را بفاصله ۷۰۰ میل یعنی از لیسن گراد الی ماسکو کاملاً درر خواهد گرفت. این مسئله هم بحقیقت پیوسته است که در يك مایتر مکعب به تعداد ۲۵۰۰ رگ باریک موجود است بعد از آنکه راجع به دوران خون و رگ های مخصوص آن در حصص مختلفه بدن تشریحات داد در اصراف معده داخل صحبت شده و گفت در معده ۶ جال مخصوص و مختلف رگها موجود میباشد و قرچه معده اغلباً در اثر تهیج اعصاب و رگها تولید میشود، نفایضی که در رگهای دماغ وارد میشود باعث قرچه معده هم میگردد. عملیات در قلب ممکن است که بدون مداخله در کار قلب اجرا شود.



## قابل شرب ساختن آب بحر

قبل از جنگ موجوده راه قابل شرب ساختن آب بحر وجود نداشت و به این واسطه حیات عمده بحریه و فضائیة که در بحر میانند و آب مشروبشان خلاص میشد به خطر تهدید میشد. اداره امیرالبحری برطانیه برای رفع این نقیصه و حفظ حیات هزارها نفر داخل اقدامات شده و در صدد ایجاد آلّه برآمد تا ذریعۀ آن آب بحر را قابل شرب ساخته بتواند. مشکل بزرگ عبارت بود از منفك ساختن املاح آب بحر ذریعۀ مواد کیمیای. اخیرا در اثر مطالعه و تحقیقات تمام توانستند به این مطلوب مهم موفقیت حاصل کنند و آلّه جدید بکس مانند که از پلاستك شفاف ساخته شده تهیه کرده اند در بین آن مواد کیمیای موجود میباشد. در وقت افکندن آب بحر در آن و اختلاط آن با مواد کیمیای و عبور آن از حصص معینه صاف شده و قابلیت شرب را پیدا میکند.

## عدسیه های پلاستیکی

در برطانیه صنعت پلاستك و استعمال آن در شقوق مختلفه پیشرفت های شایانی نموده و خصوصا در ادوات رؤیت ساحه استفاده آن را توسعه داده اند. اگرچه عدسیه های شیشه دارای اهمیت و رجحان مخصوصست ولی مضار زیادی هم دارد و چون خطر شکستن در عدسیه های پلاستك کمتر است بنابراین فوائد آن زیاده تراست دیگر از فوائد مهمه عدسیه های پلاستك همانا سبکی وزن آنهاست چنانچه نوع جدید آن از حیث وزن پنج بر ۸ عدسه های شیشه وزن دارد و چنان شفاف است که نسبت به عدسیه های شیشه خیلی روشن میباشد.

## روشنی اندازها

اگر تاریخچه روشنی اندازها را مورد مطالعه قرار دهیم معلوم میشود که از هنگام محاربات قدیمه یونان الی استعمال تانك های جدید نوع کروکود ایل، چرچل که در محاربه امروز استعمال شده بشر در محاربات از روشنی اندازها استفاده های زیادی گرفته اند. در وهله اول جهت اجرای این مامول به مشکلات زیاد مبتلا بودند و مانعی را که بتوانند از آن کار مطلوب را بگیرند درك نداشتند تا آنکه بطرول از زمین استخراج شد و مخصوصا در نصف اخیر قرن گذشته استعمال آن راز یاد نمودند.

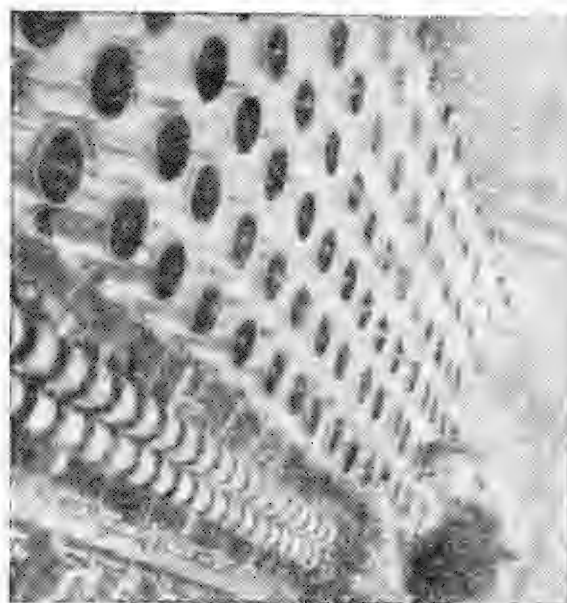
پروفسور (ام.و.) می نویسد که جرمن ها نخستین مرتبه در مجاریه عمومی کدشته در جنگ و زدن در ۱۹۱۴ آله های شعله افکن را یکبار انداختند ولی چون پیشرفت کامل نشده بود برای استعمال کننده خطر زیادی فراهم ساخته و او مجبور بود تا احتیاط کامل بخرج داده و البته معین را بیهوش کنند. در ۱۹۴۰ در برطانیه کمسیون مخصوص برای تحقیقات در مورد آله های شعله افکن معین شد و در نتیجه اشکارها و کامیابی های شایانی نموده و آله های مکمل ایجاد نمودند. جزئیات و خواص ادوات مذکور تا بحال از جمله اسرار حربی محسوب است که جدید ترین نوع آن عبارت از شعله انداز بنام گرو کودایل است که در تانک به اسم چرچل استعمال میشود ظرفیت این تانک شعله افکن قدر کافی بوده و تا ۱۵۰ متر فاصله و شنی می اندازد. در جنگ عمومی گذشته شعله افکن ها به حشرات، اشجار و نباتات صدمه میرساندند ولی در این مجاریه این وضعیت از بین برده شده و شعله های مذکور بموجودات موصوف آتقدر مضر است. در فوتوی پهلویک روشنی افکن را در حال عمل ملاحظه میکنید که یک سیاهی بزرگ از شعاع آن استفاده مینماید.



### عصر شیشه

آن وقت خیلی نزدیک شده تا خانم ها به البسه مجلس گردند که اصل آن بوتل های شبر باشد این مسئله يك ادعای تصویری و وهمی نیست زیرا در این اواخر توانسته اند از شیشه تارهای بافته درست کنند امروز در يك فابریکه برطانوی واقع سکا تلند تارهای زیادی از شیشه درست میکنند برای این عمل بوتل های شکسته را چندین مرتبه به ذرایع معینه آب می نمایند و بعد آن ها را بشکل نارد می آورند و بعضا ناریکی آن بدرجه ایست که ۵ یاش ۵ عدد آن برابر يك موی سر ضخامت حاصل میکند برای ادوات و اسباب برقی از تارهای شیشه استفاده های زیادی می نمایند از شیشه يك ماده یشم مانند هم درست مینمایند که از آن حرارت برودی خارج نمیشود و عاتق آن میباشد ازین ماده در وقت گرمی و سردی فوائد مهمی تحصیل میکنند و اگر آن را در سقف ها و دیوار عمارت

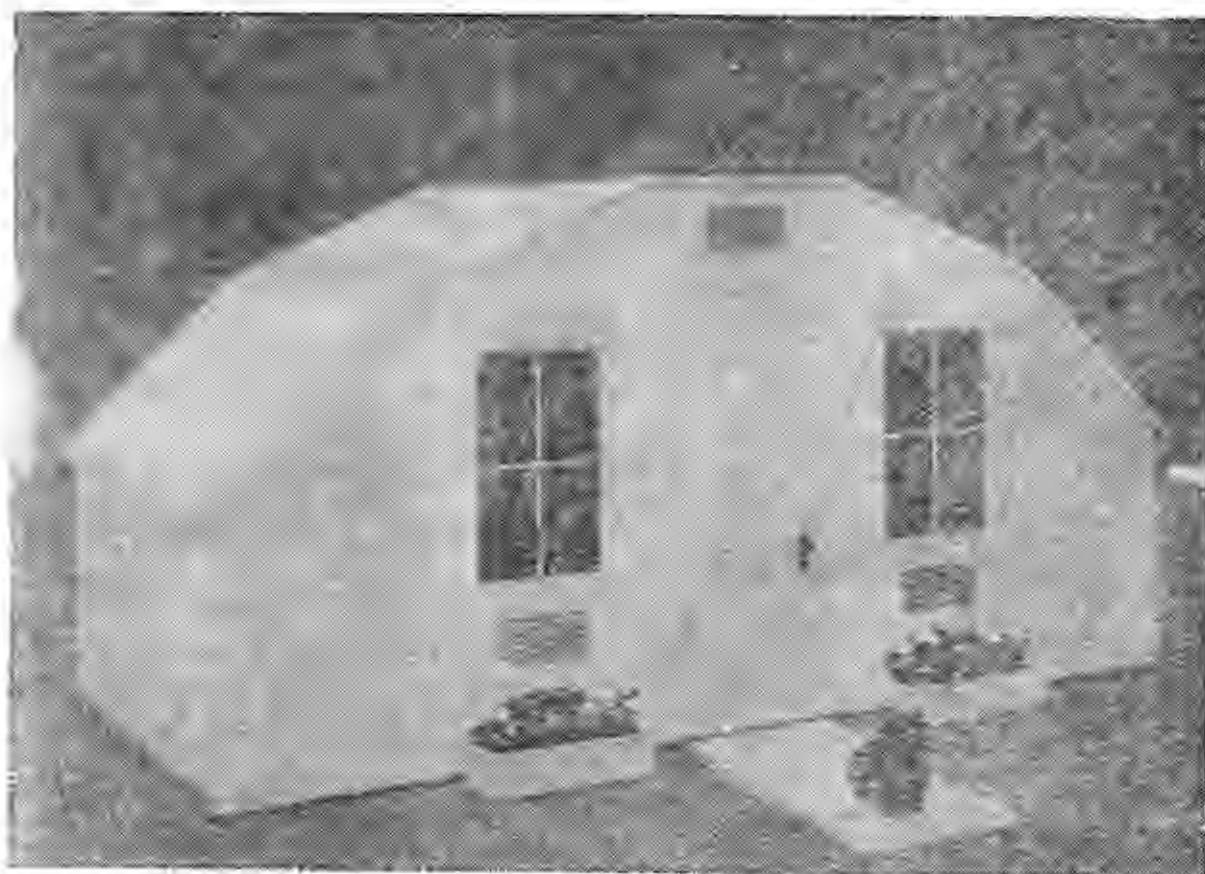
بیکار برآمد در ایستان آن را سرد و در زمستان گرم نگاه میکنند در مطبخها و آله‌های تبرید این ماده مورد استعمال زیادی دارد و در مقابل جذب صدا هم تاثیر عجیبی از آن حس کرده‌اند. در تارها و تانک‌های موبیل جهت تصفیه هوا و آب هم ازین شیشه پشم مانند استفاده نموده و بهیچ آله نطفه هوا و یا اسفنج هم از آن کار گرفته اند امروز از خشت‌های شیشه استفاده‌های تجارتي زیادی نموده‌اند در فوتوی زیر تارهای شیشه را می‌نگرید که در یکی دریمه یک جا قوویا کار رد پشم شیشه را قطع میکنند و در دیگری کلافه‌های تار شیشه به باریکی خمس یکم و بمشاهده میرسد



## خانه‌های کاغذی

اداره محصولات جنگی امریکا اخیراً در تهیه یک خانه که کاملاً از کاغذ ساخته شده باشد موفقیت حاصل کرد علت مهم این اقدام آن بود تا برای آن هائیکه در جنگ بواسطه بمب و غیره خانه‌های خود را از دست داده‌اند در موقع اضطرار ازین ماده درست کرده و اضطراب‌شان موقتاً رفع شود. این کاغذ و اثر پرورف بوده و بمقابل آب مقاومت دارد و ماده آن از ارزانترین نوع قطعه انتخاب شده است در این خانه ۴۹ پاوسرش و بعضی از پرزه‌های مخصوص فلزی جهت محکم نمودن حصص مختلفه، پلاستیک‌های شفاف در روزنه‌ها و مقدار کمی چوب جهت چوکات آنها بکار رفته است این خانه را دو نفر کار گرما هریک اصول ساده و مساعدی در ظرف ۵۹ دقیقه درست میتوانند. طول خانه مذکور ۱۶ فوت و عرض آن ۸ و بلندی آن هم ۸ فوت است و بمصارف آن ۱۳ یونید سنجیده شده است این خانه در وقت گرما و سرمای زیاد که حرارت تحت صفر باشد و باران بخوبی مورد استفاده قرار داده میشود و در مقابل بادهای شدید مقاومت می‌تواند باد

هائیکه جنگل‌ها را از ریشه می‌کند به این خانه هیچ صدمه نمی‌رساند وزن آن بصورت مجموعی ۱۰۳۹ پاونست و وزن کاغذ آن صرف ۹۸۰ پاونمیشد.



طیاره بی‌دم برطانوی

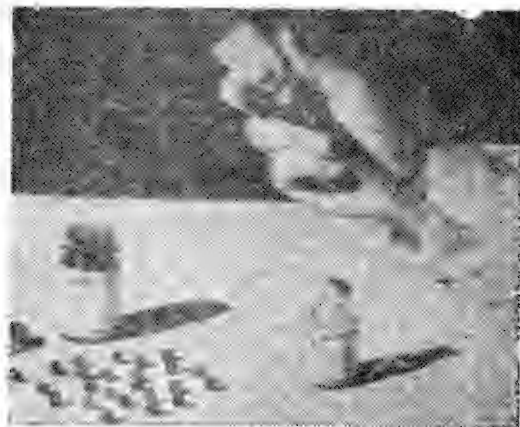


دوربین فوقه  
ضارعه نوع جدید  
بر ضایقه را که دم  
ندارد ملاحظه  
می‌کند ضایقه  
مقدور بنام  
(مانکس) موسوم  
بوده و سرعت آن  
فی ساعت ۱۵۰  
میل است پروانه  
هادر عقب ضایقه  
نصب می‌باشد

دشين دند	وکیل	ع ، عبدالحبيب خان
دغوريان	»	» ، عبدالظاهر خان
دکنک و گلران	»	» ، عبدالواسع خان
داوبه	»	» ، شاه گل خان
دتولک	»	» ، محمدامين خان
دقلعه نو	»	» ، سلطان محمد خان
دشهرک	»	» ، عبدالحکيم خان
دچچران	»	» ، حاجی عبدالقدوس خان
دبا لامرغاب	»	» ، عبدالقادر خان
دمزار شريف دمرکز	»	» ، حاجی عبدالرزاق خان
دنهرشاهی و کشنده	»	» ، سيد حسين خان
دسنگ چارک	»	» ، وصال الدين خان
دتا شقر خان	»	» ، سيد مراد خان
دآيک	»	» ، سيد محمد صادق خان
دسريل	»	» ، عبدالجبار خان
دآچی	»	» ، عبدالبصير خان
ددولت آباد	»	» ، قاری غلام رسول خان
ددره صوف	»	» ، سيد سکندر شاه خان
دشبرغان	»	» ، محمد سعيد خان
دبلخ	»	» ، محمد رسول خان
دخن آباد دمرکز	»	» ، محمد محسن خان
دقندوز	»	» ، عبدالحی خان
دنهرين	»	» ، سيد محمد خان
داندراب و خوست وفرنک	»	» ، مير محمد حسن خان
دتالقان	»	» ، عبدالعلي خان
دحضرت امام صاحب	»	» ، داراب خان
دچال و اشکدش	»	» ، مير عبدلنوهاب خان
دغزری	»	» ، سيد عمر خان
دبدخشان دمرکز	»	» ، لطف الله خان
درستاق	»	» ، مولوی نجم الدين خان
دينه کی قلعه	»	» ، محمد نبی خان

## قرص های پنسلین

از ۱۹۴۰ به بعد که پنسلین برای اولین مرتبه معرفی شد علماء کوشش نمودند تا این ماده مهم را طوری درست کنند که از راه دهن مانند دیگر قرص های ادویه هم آن را استعمال بتوانند قبل میگفتند که این ماده اگر از راه دهن استعمال میشود در اثر استعمال بعضی اسیدهای معین معده خاصیت و تاثیر خود را از دست میدهد ولی



اخیراً مجله علمی ساینس امریکا از روی کار آمدن یک نوع جدید پنسلین اطلاع داد که تمام اعتراضات وارده را نسبت به استعمال آن از راه دهن از بین برد مخترع این ماده دکتر ریچارد ال لیبی است که در لابراتور

ایدرال مصرف خدمت است. طریقه جدید او این است که پنسلین را به همراه تیل کتان قابل هضم مخلوط کرده و آن را در بین کپسول ژلاتین میگذارند. این پوش ژلاتین در معده حل میشود و پنسلین ذریعه همان پوش تیلی خود که از تخم کتان است هم چنان محفوظانه در اثر امعاء میگردد و در امعاء با خون داخل شده و نتیجه تاءثیر طبی خود را نشان میدهد.

## ژلاتین برای خون

پروژه های تحقیقاتی مؤسسه داکتر وانیو از پوش نسبت به پیشرفت ها و تکامل ساینس اغلباً از جمله اسرار حرب دانسته میشود. در این اواخر از روی اغلب عواید است صحتی این مؤسسه پرده برداشته شد من جمله اعلامیه اخیر مؤسسه تسکین لوجی کالیفورنیاست که نشان داد یک ماده جدید بعوض پلاسمای خون تهیه کرده اند. این ماده از ژلاتین درست شده و مکتشف مذکور آن را (اوکسی پولیز لاتین) مسمی ساخته است. این ماده خیلی ساده و ارزان بوده و هیچ ماده پروتین ندارد چه این ماده در اثر فشار خون و گروپ مخصوص خون های معین تکون می یابد. تا هنوز این ماده را برای استفاده افراد ملکی بکار نینداخته اند و هم چنان از آنیکه قوه های مسلح دارای پلاسمای خون انداز ژلاتین بکار نمیگیرند و چون پلاسما خلاص شد البته از (اوکسی پولی ژلاتین) استفاده خواهند نمود. (انتباه)



# اعمال اقتصادی مملکت

در ظرف سال ۱۳۲۴

شغلی محمد قدير خان اوره گي

اداره محترم مقامات كابل هر سال مضبوطي را جمع به اعمال اقتصادي مملكت بر اي درج به سالنامه خون لازم دارند. اينك اعمال هم بر حسب همان ضرورت از بين ناچيز نقاضات خود به مضبوطي درين باب بر اي ايشان بنويسم:



فرازيك، از وزارت اقتصاد، بانك ملي و مذاق انسان بانك و برخي شواهد ديگر معلومات گي قام اقدامات و اعمال اقتصادي ما در سده ۱۳۲۴ منحصر به طرح بعضي اساس هاي مفيد جهت رفاه حال امروز و آينده افراد مملكت و آغاز دوباره نهضت هاي اقتصادي بعد از دوره فترت جنگ جهان گر ميباشد.

متأسفانه با تمام اقدامات و جدت ها ليكه دولت و ساير عناصر آن در بر اينداختن اثرات منجوس جنگ از بنده اقتصاديات ملي نموده و ميشود هنوز موفق تشديم اقتصاديات بحران آلود زمان حرب را به اقتصاديات ايام صلح و امن ميدان گر تا قيمت پرا ضربه ها ليكه از جنگ به ديگر اقتصاديات عالم وارد شده هنوز ايام تياقه و تجارت در تاحل نورمال را اختيار نكرده است.

از بين جهت مهم بر حسب بودن جزاي از دنياي بزرگ بشريت، شاعلي م قدير خان اوره گي و دارائي زوايح نرديك تجاري پادشاي محنت كشيده خواهي نخواهي از اوضاع آن ها متأثر بوده و اوجا ليكه از ديگر هاي خون آلود آن ها تشمت ميبكند. ناله و فرياد خود را يگوش ما مبرساند و ما را با تمام موجوديت ما از آلام و مصعب دنياي بي خير ننگه نميدارد.

جريان تجارت در شايه به دوران خون در آورده و عروق جسم قتي روحي است كه اگر اختلال افتوري در يك نقطه آن واقع شود حتماً اثير خود را در نقاط ديگر نمودار ميسازد و بار و قتي آن ضعيف و قوتور از بين ميرون نقاط متأثره هم به تعقيب آن خود بخود بحال ميبايند و زلزله گي ضيعي را از سر ميگيرند.

اينك اقتصاديات مهم چون تابع با اقتصاديات بين المللي است لذا بهر اندازه كه موضوعات تجارت در دنيا نظام ميگيرد اقتصاديات مهم شكل و زوال تري بخود خواهد گرفت و اثرات جنگ را با امره ترك خواهد داد. امسال مجوريم از روي و نا اقبكه در دست داريم مقاله خود را همچنان آميخته با اثرات باقيه جنگ بنويسيم بر اي سال هاي آينده خدا مهربان است.

م. قدير تره گي  
اجرا آن و اعمال اقتصادي را در بين سال (۱۳۲۴) ميتوان به چند دسته تقسيم كرد از قبيل: طرح نقشه ها، براي رفاه حال و آينده مردم اقدامات، براي رفاه عام و اصلاح وضعيت حال به توئم، معاملات بانكي، مسائل تجاري و موضوعات صنعتي.

اينك هر كدامي از ان ها تريفيل نگاشته ميشود.

# طرح نقشه برای رفاه حال

و آینده مردم

## ۱- تزیید معاشات مامورین و مستخدمین :

البته معلوم است که در اثر عوامل متعدد دی که درین جا جای گفتن همه آنها نیست نرخ ها روز بروز ترقی کرده و حیات و زندگی مشکل تر میشود و این اشکال زیاده تر از هر طبقه متوجه تنخواه خوران یا به عبارۀ دیگر مامورین و مستخدمین میباشد زیرا هر قدر قیمت ها بلند میرود صنوف دیگر هم خود را با قیمت ها موافق گردانیده نمی گذارند جریان اوضاع مخالف مفاد ایشان باشد مثلاً بهر اندازه که قیمت اشیای ضروریه و درجه اول مثل آرد و سایر مواد مهمه خورا که ویاسان و غیره مواد منسوج بلندتر رود مولدین و فروشندگان مواد دیگر مثلاً تولید کنندگان میوه و کچالو و سبزیجات و غیره هم کوشش میکنند مستحصلات خود را بهمان اندازه از روی قیمت بلند ببرند هم چنان صنوف کار و اهل کسبه سعی میکنند در مقابل کار ، پیشه و عمل خود اجوره و حق الزحمه بیشتری دریافت کنند مثل خیاط ، دلاک ، بوت دوز ، و تمام آنها که منسوب یکی از صنوف و اهل کسبه میباشد منطبق این ها در بلند بردن قیمت های اشیای و اعمال متعلقه ایشان این است که میگویند ما برای این که بتوانیم حوائج و درجه اول خود را از قبیل نان و اباس بدست آریم مجبوریم قیمت های مستحصلات و اعمال خود را به تناسب قیمت مواد خوراکی و پوشاک هم بلند ببریم اینک بنا بر همین اساس هر قدر قیمت مواد ضروریه و درجه اول بلند برود مستحصلین مواد دیگر و اهل کسبه قیمت مستحصلات و اعمال مسلکی خود شان را بهمان اندازه بلند میبرند و با اوضاع تطابق نموده خود را از خساره و ضرر حفظ میکنند درین جا طبقه که متضرر میشود تنها و تنها طبقه مامورین و مستخدمین دولتی است و بس ؛ علت آن این است که معاشات مامورین و مستخدمین دولتی مربوط به بودجه دولت بوده و در تخمینات بودجه دولت آنرا تا تجدید نظر امکان ندارد لهذا گراف معاشات مامورین و مستخدمین دولتی از تعقیب سیر گراف قیمت بکلی عاجز است لهذا از ترفع قیمت تنها مامورین و مستخدمین دولت متضرر میشوند دیگران اینک ذات مبارک شاهانه که همیشه به نظر لطف و عطوفت بسوی رعایای شاهانه شان نگریده و پیوسته آرزو دارند اولاد افغان از هیچگونه اوضاع بطور سوء متأثر نگردند اراده فرمودند تا در حدود امکانات مالی و استمداد بودجه دولت حساسی مرتب و نتیجه را بحضور



مبارک پادشاهی عرضه دارند تا اگر امکاناتی موجود باشد بر معاشات مامورین و مستخدمین دولت مبلغی افزوده و باین وسیله در راه تحسین وضعیت مالی مامورین و اصلاح سوبه زندگانی آنها نوازشی به عمل آرند.

وزارت مالیه بعد از سنجش دقیق و موازنه عوائد و مصارف دولت بو سیله صدارت عظمی بعرض حضور شاهانه رساند که این آرزوی بزرگ شاهانه زمینه عمل داردومی توان بر معاشات مامورین و مستخدمین دولت افزود ذات شاهانه که امید وار چنین یسک جواب مثبت بودند فرمانی بعنوان والا حضرت اشرف صدر اعظم صادر و امر فرمودند سر از اول حمل ۱۳۲۵ بر معاشات مامورین و مستخدمین دولت یسک مبلغ معتنا بهائی که زاید از ۵۰ فیصد میباشد افزود گردد. این واقعه در تاریخ مالی و اقتصادی امسال برجسته گی خاصی داشته و میتوان تاثیر آن را در حیات اقتصادی و سوبه زندگانی مامورین و بالتلیجه در رفاه عامه بزرگ و قابل اهمیت پنداشت باین صورت که اگر مامورین مسعود و آرام بود احتمال دارد به بسیار خوبی و صداقت و دل سوزی و بدون چشم پوشی و رشوه به وظائف خود ادامه بدهند زیرا از نقطه نظر جر میات در رشوه و خیانت سهم احتیاج مادی هم بارز میباشد.

این الطاف شاهانه در طبقات مامورین تاثیر گوارائی بخشیده و تمام مامورین بو سیله عرضه به پیشگاه شاهانه مراتب شکران خود را تقدیم و ازین خادم نوازی ذات مبارک پادشاهی عرض مذت ناری نمودند. وزارت مالیه مشغول تدوین و ترتیب بودجه ۱۳۲۵ است تا با اساس افزودی معاشات که بهر رتبه یسک مقدار معینی ایزاد بعمل آمده معاشات رتب ده گانه مامورین دائمی و مامورین موقت و مستخدمین را در بودجه باعتبار موازنه مالی تخمین و تعین و به تمام دو اثر مملکت ابلاغ و برای سال ۱۳۲۵ مورد عمل قرار بدهد.

روی هم رفته این امر تزئید معاشات کار بزرگی است و مؤثرات نیکی خواهد داشت.

## ۲. شرکت تعاونی مامورین:

در زمره موسسات اعتباریه اقتصادی یک دسته موسساتی موجود است که آن هارا کوپراتیف ها میگویند؛ این کوپراتیف ها سه نوع اند:

- ۱ : کوپراتیف های اعتباریه.
- ۲ : کوپراتیف های استحصالیه.
- ۳ : کوپراتیف های استهلاکیه.

مرام و مقصد این کوپراتیف ها حمایه یسک یک طبقه از طبقات جامعه است از طبقه مقابل ایشان مثلاً کوپراتیف های اعتباریه موسسات صنعتی و تجاری را در مقابل ربح بلند بانک ها حمایه

و کوپراتیف های استحصالیه عمله و کار گرا در مقابل متصدی و ارباب کار (پاترون) حفظ و کوپراتیف های استهلاکیه مستهلكين را در برابر گران فروشان، محتكرين و تجار بی انصاف حمايه مينمايد.

شرکت تعاونی مامورین که اخیراً بذریعۀ فرمان صدارت عظمی بتاریخ ۱۳ جدی به سرمایۀ (۱۶ ملیون) افغانی از پول دولت در د افغانستان بانكك تاسيس شده است ايشكك شكل و ماهيت كوپراتيف های استهلاکیه را دارد.

البته میدانیم که این مؤسسه مولود یکک ذهنیت بسیار عالی و نیت خدمت گذاری به مملکت بوده از مرمۀ مؤسسات و شعبی است که محض به سائقۀ خیرخواهی بوجود آورده شده است زیرا سرمایۀ این شرکت تماماً به خریداری مایحتاج مامورین بکار برده شده و آن راه مامورین به همان قیمتیکه خریداری کرده شده خواهند فروخت زیرا وظیفۀ شرکت های کوپراتیف در دنیا هم همین است که در آن مشترکین خود می خرند و خود می فروشند و باین وسیله وساطت طبقۀ تجار ازین می رود. البته از ناحیۀ اینکه شرکت مایحتاج را از منبع آن خریده و تقریباً بهمان قیمت بمامورین میفروشد خدمت بزرگی به وضعیت مالی مامورین خواهد نمود زیرا اگر بوسیله گران فروش و بی انصافی پول و دارائی مامورین بی انصافانه از دست شان گرفته نشده و مانند ممالک دیگر از طرف مؤسسات حمایه وی مانند چنین کوپراتیف ها حمایه شوند و مایحتاج خود را به قیمت مناسب بدست آورده بتوانند ابداً پریشان نشده و با عائدات و معاشی که دارند بخوبی گذاره خواهند کرد. مقرر است که این کوپراتیف اشیاء و لوازم حیات مامورین را از داخل و خارج در اوقات مناسب و موافق با صرفه و اقتصاد خریداری کرده و بمامورین در مقابل پول و قیمت تقریباً بهمان قیمتیکه خریداری میکنند بفروشد اگر تکنیک خریداری لازم است معمول شده و در اداره این مؤسسه مثلیکه علم اقتصاد سفارش میکند ملاحظات اقتصادی مرعی باشد میتوان ضمانت کرد که ازین مؤسسه همان طوریکه شایسته است و حکومت متبوعه از تاسیس مذکور آن آرزو را دارد استفاده نهائی به عمل خواهد آمد.

این مؤسسه نه تنها برای مامورین مفید است بلکه طبقات دیگر هم به طور غیر مستقیم از آن مستفید میگردند مثلاً تصور کنید بازارهای مملکت مراجع تمام افراد مملکت است و وقتی مالی در بازار وارد میشود بهر مقدار بکه باشد مورد تقاضای تمام افراد مملکت قرار میگیرد در صورتیکه مامورین برای ابتیاع مایحتاج بازار دیگری داشته باشند طبعاً بازارهای عمومی تنها برای افراد عامه و گذاشته شده از عده تقاضا کنندگان بکاسته می شود و طبیعی است در صورتیکه از عده تقاضا کنندگان کاسته شد چون عرضه بهمان مقدار است لذا قیمت فرود میاید و عامه استفاده میکند خوبست برای اثبات ادعای خود مثلی بزنیم :

تصور کنید مغازه های فروش بوت در کابل ده مغازه است و نسبت مأمورین در عده اهالی ۰/۰۳۰ است اگر این ۰/۰۳۰ بوت های کار آمد خود را از شرکت تعاونی بدست آرند و احتیاج برای رجوع به بازار نداشته باشند بازار محض برای همان ۰/۰۷۰ نفر مانده و مطابق قانون عرضه و تقاضا از قیمت مخممه بوت ۳۰٪ کاسته می شود و این قیمت در جیب مردم باقی مانده از دهن مغازه داران زده می شود.

اینک این ملاحظات نشان میدهد که تاسیس شرکت تعاونی مأمورین از اعمال برجسته و مفید است که در ظرف سال ۳۲۴ بر عدد مؤسسات تجاری ما افزوده و یکی از حوادث اقتصادی سال را تشکیل میدهد.

### ۳- هیئت کنترل نرخ ها:

بتاریخ (۱۷) دلو در مجلس عالی وزرا فیصله شد تا یک هیئت کنترل نرخ ها از وزارت های اقتصاد، داخله، ولایت کابل و ریاست بلدییه و بانک های مرکزی و ملی تشکیل و برای کنترل نرخ ها تجاوز از لازمه بنماید.

این هیئت اخیراً تشکیل شد و در وزارت داخله چند جلسه هم کرده و تدابیر مقدماتی برای کنترل نرخ ها اتخاذ نموده است.

البته تا زمانیکه کوفت ضربه های جنگ باقی است و تا وقتی که هستند اشخاصیکه از دست رنج دیگران بدون حق و بطور بی انصافانه در اثر گران فروشی و احتکار استفاده سو نمایند کنترل بر نرخ ها واجب و لازم میباشد.

شاید تاثیر این هیئت در تثبیت قیم و بر حال نگه داشتن نرخ ها و جلوگیری از احتراصات ارباب احتکار و گران فروشان بسیار بزرگ باشد زیرا اشخاصیکه این کار را به عهده گرفته اند و نیتی که در ایجاد این هیئت عامل بوده است بما اطمینان میدهد چیل دوسائس ارباب احتکار و گران فروشان کمتر مؤثر ثابت خواهد گردید.

حکومت با تاسیس این مؤسسه میل دارد عامه و مردمیکه پیوسته کار میکنند و به مزد آن امر ارحیات مینمایند حمایت شوند و ایشان بوسیله اعمال گران فروشان و گرانی معیشت به مضیقۀ مبتلا نباشند این هیئت برای اینکه بتواند در اعمال آینده خود مسندی داشته باشد از حالا به کار های اساسی تری دست زده و میخواهد از راهیکه به عقل و عدالت موافق باشد بر نرخ ها کنترل کند و نگذارد مفاد عامه در خطر باشد.

گرچه این مقاله شکل را پرور را دارد و لازم نیست نظریات شخصی و پیش نهادی در آن گجانه شود اما بطور یادداشت میتوان گفت که وقتی درین امر موافقت بیشتری بدست میاید که در مورد اموال و امتعه داخلی از اصول کدام که آن را ناظم قیم میگویند مثل کدام های رزاق موجوده

و در مورد امتعه خارجی از اصول تدقیق بیچک و علم و خبر تجار کار گرفته شود زیرا اگر گداهای ارزاق و لوازم دیگر از قبیل ذغال و غیره موجود باشد هر وقتی که دیده شود نرخ در بازار بلند رفته فوراً برای پائین آوردن آن میتوان آن اشبارا در بازار کشید و هم چنان در صورت تیکه بیچک ها و تذکره های علم و خبر تجار در منشأ آن هم (بر طبق اصول گمرکی) تدقیق و درین جا نیز در نظر گرفته شده قیمت فروش اموال از روی قیمت تمام شد آن و بیک اندازه مناسب بنام فائده تاجر تعیین شود تا اندازه زیادی جلوتقلب و گران فروشی گرفته شده و هیئت کنترل نرخ ها در کار خود موفق و کامیاب خواهد بود.

رو به مر فته این هیئت اگر طوریکه شایسته است کار کرده و کسب موفقیت نماید مصد ر خدمات خوبی در تحسین سوئے زندگی مردم گردیده برای رفاه و آرامی عامه کارهای مهمی انجام خواهد داد و مأمولی را که از او متصور است بر خواهد آورد.

## اقدامات برای رفاه و آرامی مردم

در حال حاضر

### ۱- وضعیت نرخ ها :

سالی که گذشت از نقطه نظر نرخ های یکی از سالهای بحرانی جنگ بوده مان طوریکه نرخ ها درین سال مخصوصاً نرخ اشیا و مواد خورا که در تمام دنیا بلند رفته در مملکت ما هم بلند بوده است چنانچه در زمستان یکبار نرخ آرد حتی به فی سیر (۲۰) افغانی هم رسید ولی در اثر تدابیر جدی و فوری و توجه مخصوص حکومت متبوعه بزودی پائین آمد و در اثر بیرون کشیدن مقدار زیاد آرد از ذخیرهای ارزاق در مندوی و نان وائی ها نرخ آرد پس به ۱۲ - افغانی پائین شد.

برای مهمترین مواد غذائی از قبیل آرد، روغن، بوره دولت تدبیر خوبی سنجیده بود مثلاً :

۱- برای مامورین تا درجه مدیرانتهائی یک یک بیک مقدار معین آرد در اوقات معین داده میشود.

۲- در آوا نیکه مندوی را گران قیمت آرد تهدید مینمود از طرف ارزاق آرد زیادی

برای بر انداختن نرخ به مندوی کشیده میشد.

۳- برای اینکه مسافرین و مرد ما نیکه جهت حوائج ضروری خود به بازار کابل

می آمدند از درک اغذیه پیریشان نشوند به نان وائی های یک مقدار معین آرد داده شده

و بایشان قدغن کرده میشد تا نان آن را فی ۶۵ پول بفروشند.

۴- روغن به تمام ما مورین به قیم مشخصی داده شده و به عامه بذریعه مار کیت ها فروخته میشود.

۵- بوره برطبق کویون در منازل شخصی با اندازه که به فی نفر قبلاً سنجیده شده بود اعطا میگردد و علاوه تا در تمام سال گذشته بوره در بازار هم بهر مقداریکه خواسته میشد میسر میگردد .

۶- منسوجات و طنای بذریعۀ شرکت ار زاق وقتاً فوقتاً به قیمت مناسبی به معرض فروش گذاشته میشد .

خلاصه در تمام سال در هر شق سعی بعمل می آمد تا مردم پریشان نشوند .  
۷- گوشت از ابتدای زمستان تا آخر آن هر روزه بوسیله موتور های لاری بقدر کافی از مسلخ که گوسفند ها را در تمام سال ذبح کرده و در تبرید خانه های آن بصورت ذخیره نگه داشته بودند به مارکت های گوشت آورده شده و در آن جا بحساب کیلو به حاجت مندان میفروختند و میتوان گفت که از ناحیۀ پیدایش گوشت در زمستان گذشته مؤسسه مسلخ خدمت خوبی به مردم شهر نموده است .

۸- ذغال : یکی از موادی که ما بدان احتیاج زیادی داشته و سالیانه به هزار ها خروار صرف میکنیم محروقات است .

از روزیکه خدا افغانستان را خلق و در زمرة ممالك متمدن داخل کرده است پیوسته محروقات خود را از چوب حاصل و باین وسیله جنگلات ، باغات و حتی باغ های میوه مخصوصاً توت وزرد آلو و چهار مغز را قطع و بکار تسخین و طبخ برده ایم .

البته این حال اسف آور بود و باید به عجله علاج آن نموده میشد همان بود که وزارت معادن بامر و ارادۀ والا حضرت افغم صدراعظم عزم کرد تا محروقات زمستان ۱۳۲۴ را از ذغال های معادن قریبۀ کابل تهیه و بدست رس افراد و دوائر بگذارد پس که وزارت معادن این تعهد را نموده و بدست کمی یک مقدار زیاد ذغال سنگ از معدن آش پشته استخراج و بصورت سنگ و بریکت بدست رس دوائر و افراد گذاشت و علاوه آن متخصمین وزارت معادن بذریعۀ مقالات و امتحان های عملی طرز استفاده از ذغال سنگ را به مردم یاد دادند و در تمام زمستان تمام دوائر و مقامات رسمی و اکثری از مردم و افراد محروقات خود را از ذغال سنگ تهیه کردند .

ذغال سنگ نسبت به چوب هم از حیث کالوری و هم از جنبۀ قیمت اقتصادی تر بوده در تمام زمستان حوائج مردم را بصورت خوب و مکمل انجام نمود .

ذغال سنگ از چندین جهت بهتر از چوب است :

۱- اگر محروقات ما بصورت چوب ادامه یابد جنگلات و باغات باقی مانده و ناقصی هم که اکنون داریم به تدریج از دست رفته اراضی عریان و بایری برای ما باقی خواهد ماند که در آن وقت از فوائد سردرختی آن ها مثل میوه محروم خواهیم شد .

۲- وجود و بکار افتادن معادن ذغال صنعت مخصوصاً صنایع ماشین را در مملکت ترقی میدهد زیرا از ذغال اخذ قوه و انرژی به سهولت و در هر جا امکان دارد .

۳- ذغال و استفاده از آن ما را از قطع کردن درختان باز میدارد و چون درختان قطع نشد رفته رفته مملکت سرسبز می شود و وجود جنگلات در تپه ها و شواحق سبب جلوگیری از سیل هائی گردد .

۴- بکار افتادن ذغال در نسجین و طبخ بطور غیر مستقیم بر وضعیت صحی مملکت تاثیر مثبت می بخشد باین صورت که احتیاج به قطع کردن درختان برای محروقات باقی نمانده وجود درختان در مملکت سبب تصفیه هوا و هوای مصفا و سرد موجب صحت و تندرستی است .

اینک این ها و صدها فوائد دیگری که از ذغال گرفته می شود اینجا می نماید تعمیم ذغال را در محروقات یکی از فضایی مهمه اقتصادی ۱۳۲۴ افغانستان تلقی بنمائیم .

قراریکه وزارت معادن در نظر دارد ممکن است زمینه استفاده از ذغال سنگ روز بروز در مملکت ما وسعت یافته و درجه استفاده ما از آن ماده مفید و کار آمد زیاد گردد .

مملکت ما با دارائی ذغال سیاه و سفید (قوه برق) امتیاز خاصی دارد و شاید ترقیات صنعتی و اقتصادی مملکت ما بیشتر به همین دو قوه منوط و مربوط باشد .

۹- برای ارزانی اجناس وارداتی و وزارت اقتصاد ملی اخیراً به یک سلسله اصلاحات مفیدی در زمینه اصلاح اقتصادیات مملکت دست زده که از آن جمله تصویب های جدیدیست که برای ارزانی اجناس وارداتی به عمل آورده است .

مطابق این تصویب مبلغ پنجاه ملیون افغانی سرمایه تعین گردیده که بیست ملیون آن را بانک ملی ده ملیون آن را شرکت قره قل ده ملیون را شرکت اتحادیه شمالی ، پنج ملیون را شرکت اتحادیه هرات پنج ملیون را شرکت اتحادیه اند خوی نادیه خواهند کرد این پول برای مدت یک سال بدون مفاد در اختیار اطاق تجارت خواهد بود تا آن را بلافاصله توسط اشخاص صحیح برای خریداری و توريد يك اندازه کافی تنگه نخي و سندی از امریکای شمالی امریکای جنوبی ، هند و سویس به صرف رسانند و نیز مقرر شد که تمام رخت باب نخي و سندی موجوده شرکت ها و تجار مهمه از قسم مل امریکائی و هندی که قبلاً خریداری و یا فرمایش داده شده و یا در عرض راه و یا در گمرک یا تجارت خانه ها و گددام های شان میباشد در اختیار اطاق تجارت گذاشته شود و تجار تنها قیمت تمام شد را با منافع مقرر و کنترولی اخذ دارند هم چنان محصول فابریکه های نساجی داخلی نیز تماماً به اختیار اطاق تجارت گذاشته می شود .

وزارت اقتصادات ملی برای توزیع این اشیا هم ترتیباتی اتخاذ و سیستم کارت را تجویز و طرز عمل آن را در مجالس اقتصادی تعین و برای اخذ منظوری به مجلس وزراء عرضه نمود . البته این اقدام وزارت اقتصاد ملی تاثیر بزرگی تولید و موجب رفاه و آسوده حالی عوام شده موجب امتنان را فراهم کرد .

## معاملات بانگی

قراریکه از بانك ملی اطلاع گرفتیم در نتیجه خاتمه جنگ در سال ۱۳۲۴ جنبشی در کلیه ارکان اقتصادی مملکت وارد گردیده که انعکاس آن بصورت بارزی در امور بانگی و تجارتي و صنعتی بانك ملی محسوس و هر يك از شعب مذکور به سیر صعودی آغاز نمودند که اینك بطور مختصر هر كدامی از ان ها در ذیل مطالعه كرده می شود :

۱- وضعیت حسابات جاری و امانت : درسته ۱۲۲۴ تعداد حسابات جاری ۲۵٪ و

حسابات امانت ۱۷٪ و حسابات صندوق پس انداز ۳۰ فی صد نسبت به سال ۱۳۲۳ ترقی نموده و تناسب داد و گرفت پولی حسابات مذکور و معاملات تبادل از فیصدی مذکور هم پیش تر بوده است .

در مورد ترقی تعداد حسابات اولاً پایان جنگ که موافق را از جلو معاملات و تجارت خارجی نسبتاً رفع نموده است اهمیت خاصی داشته و بعد از آن آشنائی مشتریان به معاملات بانك عامل مهم دانسته می شود بطوریکه امروزه اکثر معاملات انتقالی و تبادلوی را بر معاملات نقدی ترجیح داده و داد و ستد پولی را توسط چك و حواله بانك اجرا میدارند .

ب : وضعیت کزیدت در بانك ملی :

۱- در مورد صادرات : بانك ملی که منظور بزرگ آن خدمت در ترقی صادرات و اصلاح واردات مملکت است پیوسته در صدد آن بوده تا برای نیل به مقصود از مجاهدت نه گاسته باشد چنانچه امسال که تجارت پوست احتیاج خود را نسبت باخذ قرضه در مقابل پوست بیشتر نشان دادند بانك ملی معیاراً عطای قرضه خود را در مقابل پوست اصلی از فی جلد ۲۸- افغانی به ۳۶- افغانی ترقی داده و بدینصورت يك مبلغ معتناهی در معرض استفاده تجارت پوست قرار گرفت .

۲- در مورد واردات : در قسمت واردات بدیهی است که با ختم جنگ توريد اموال

برای تجارت وارداتی از ماورای بحار مخصوصاً از ممالك متحده امریکا بیشتر از سابق امکان پذیر گردیده است .

خدمتیکه امسال بانك ملی درین زمینه نموده است توسعه او را اعتباریه (لیتر آف کزیدت) است که برای انجام خواهشات مراجعین اعتبارات لازمه را مفتوح و جهت اجرای ترانزیت اموال امریکائی از هند مبلغ کافی را در معرض استفاده تجارت قرار داد .

۲. کتابی نامی

[illegible]



۳:- در زمینه معاملات قرضه و لیتر آف کریدت : قراریکه از بانک ملی اطلاع داده اند معاملات قرضه بطور عموم نسبت بسال گذشته و سعت اختیار نموده چنانچه روی هم رفته در ۱۳۲۴ عده در خواست های قرضه عموماً در خواست های لیتر آف کریدت خصوصاً نسبت به گذشته بیشتر شده است .

۴:- معاملات خزانه داری و بانکی دولتی ولایات : در اواخر سال ۱۳۲۴ معاون دافغانستان بانک مسافرتی به ولایات شمالی و مغربی مملکت نموده نمایندگی های دافغانستان بانک را در بعضی از ولایات تشکیل و در برخی از ولایات و سعت داد مقصد از تشکیل این نمایندگی ها احراز وظیفه و پیشه بانک مذکور است که در اساس نامه آن دافغانستان بانک بانکر دولت و خزانه دار دولت شناخته شده است .  
حقیقتاً دافغانستان بانک مثل بانک های بزرگ مرکزی معالک دیگر بانکی است که باید خزانه دار و بانکر دولت تلقی گردد ازین جهت بانک مذکور که درین روز ها موقع را برای اعمال خود مساعد ترمی بیند کوشش مینماید بالمره وظائف اصلی خود را از هر جنبه بدست گرفته مانند یک بانک مرکزی آن را ایفا و ازین راه در ترقی اقتصادیات ملی و معاملات افراد و دولت سهولت و اصلاحاتی بهم رساند .

## معاملات تجاری

اگر چه جنگ عمومی اخیر در سنه ۱۹۲۴ ختم شده و بشریت از بلای مهیب آن نجات یافت اما قیود و موانعیکه در آوان جنگ در زمینه تجارت بین المللی وضع گردیده بود هنوز به کلی و به پیمانه مکفی رفع نشده و باین علت تجارت مملکت ما هم نتوانست که در سنه ۱۳۲۴ باوضاع عادی قبل از حرب عود نماید معیناً بانک ملی با وصف عوائق مذکور باز هم به برخی اقدامات تجاری پرداخته است که اینک بطور مختصر ذکر میگردد :

۱:- تجارت پوست قره قل : در سنه ۱۳۲۴ یک مقدار زیاد پوست قره قل افغانی از افغانستان به امریکا صادر گردید و چون بازار مملکت مذکور برای فروش پوست قره قل افغانی مساعد بوده لذا قسمت زیاد آن بفروش رسید در عین حال درین سال چون جنگ ختم گردید لذا در بازار لندن نیز تقاضای پوست محسوس گردید پس بانک ملی این تقاضا را هم بی جواب نمانده و درین باره نیز اقداماتی نمود .

ب - پشم : اگر چه در سنه ۱۳۲۴ بازار بین المللی پشم مساعد و تقاضا زیاد بود اما به علت مشکلات نقلیه اصداد پشم از ولایت های دیگر غیر از ولایت قندهار ممکن نشود احتمال دارد در آینده قریب بنا بر تقاضاهای که درین زمینه در امریکا و اروپا مشهود است زمینه صادرات پشم به پیمانۀ کافی تهیه و آماده شود .

ج - پنبه : در ۱۳۲۴ شرکت شمالی مقدار زیاد پنبه را خریداری و یک مقدار آن را به هند صادر نمود و بازار هند هم برای فروش آن مساعدت خوبی نشان داد و نیز یک مقدار دیگر در داخل فروخته شد و هم یک اندازه زیادی از آن در فابریکه های نساجی داخل مملکت بکار نسج منسوجات برده شد .

از اطلاعاتیکه به بانک ملی رسیده معلوم می شود که در انگلستان و ممالک دیگر نیز تقاضای برای پنبه موجود و جنس پنبۀ افغانی مطلوب میباشد و البته به مجردیکه وسائل نقلیه مساعدت کرد تجارت پنبه ترقی زیادی راجائز خواهد گردید .

د - تریاک : اگر چه زراعت تریاک در افغانستان رسماً منع قرار داده شده اما از ذخائر گذشته در سنه ۱۳۲۴ یک مقدار زیاد تریاک از بدخشان به امریکا و فرانسه صادر کرده شد . در قسمت واردات در سنه ۱۳۲۴ بانک ملی نسبت به سابق بیشتر داخل اقدمات شده و یک مقدار زیاد پارچه باب نخعی و پشمی از امریکای جنوبی و انگلستان خریداری کرده است . و نیز شرکت قندسازی یک مقدار مکفی پترول و شکر از هند وارد نموده برای استفاده داخلی بکاربرد . شرکت انحصار موتر هم موفق شد که آرد های خود را جهت توريد موتر های لاری و نیز رفتار به امریکا صادر نماید .

شرکت های وارداتی مهم از قبیل شرکت مرست و شرکت صابرو شرکت های خورد و ریزه دیگر مانند شرکت اقبال و امثالهم در ظرف سال به توريد بعضی اشیاء از قبیل رخت باب نخعی و پشمی و چینی باب مثل گیلان و اسباب برق از خارج مخصوصاً از امریکا وارد و در بازارهای کابل به قیمت های نازلتری فروختند . احتمال دارد بعد ازین دامنه تجارت بین المللی هم در زمینه واردات و هم از جنبه صادرات وسعت پذیرفته و از هر مملکت مالی وارد و مال افغانستان در تمام دنیا در زیر لوای آزادی تجارت بین المللی برود و ازین راه در راه هم کاری ملل خدمتی بنماید .

آزادی تجارت برای تمام ملل بدون استثنی مفید است و این فائده مولود همان نظام ازلی است که مکتب لبرایتست اقتصادی سفارش مینمود .

## موضوع صنعت

سال ۱۳۲۴ اگرچه سال ختم جنگ بین المللی تلقی می شود اما هنوز عواثقیکه در اثر جنگ در راه تجارت بین المللی وارد گردیده بود رفع نشده و فابریکه های بزرگ مملکت از قبیل فابریکه نساجی پل خمری ، فابریکه نساجی جبل السراج ، فابریکه پشمینه بافی قند هار فابریکه پشمینه بافی کابل نتوانستند ریزه های کمبود ماشین های خود را تهیه و تکمیل نمایند معینا روز بروز نواقص امور خود را رفع و تولیدات خود را از هر حیث بهتر و کما ملتر کر دهند مثلاً در فابریکه نساجی پل خمری که قبلاً هر نفر در مدت ۸ ساعت بیش از ۶ متر پارچه تولید نمی توانستند امروز در اثر تریه کارگران در ظرف مدت مزبور فی نفر از ۳۰ الی ۴۰ متر پارچه تولید میکنند . هم چنان فابریکه پشمینه بافی قندهار یمانه تولیدات خود را با اندازه بلند برده که علاوه بر ماینختاج خود با اندازه ۷ هزار سیرتار با فابریکه پشمینه بافی اقتصاد کابل قرار داد نموده و علاوه بر آن تار های پشمی (یون) خود را در بازارهای داخلی بانفاست کاملی عرضه و در راه ترقی صنعت بافت در فامیل ها خدمت بزرگی نموده است .

برای سوخت فابریکه قند بغلان قبلاً در صد تن ۸ تن ذغال به مصرف میرسید در امسال به پنج تن تنزیل یافته که تفاوت قیمت آن پنجمصد هزار افغانی میباشد علاوه بر آن احداث و تسطیح سرك جدیدی از معدن ذغال کر کر الی فابریکه قند بغلان تحت اجرا گرفته شده است که در تقلیل کرایه ذغال و بالتیجه تنزیل قیمت تمام شد تولیدات فابریکه قند خد مت شایانی خواهد نمود . این است مختصری از اجراآت اقتصادی مملکت در ظرف سال و شاید ثمر این اقدامات در سال های آینده بیشتر محسوس گردد .

به ۱۳۲۴ کال گنتی دتری پمپنی

ہیکو کی بھاغاوی رجسٹرا

[illegible]

هر کله چا پدې کال کښې د زړې جگړې  
جده مونږ په تېرو کالونو کښې د هغې د تېرو پېچي  
تېرول او پېچي د مصلحي پياوړۍ اړه رسېدې ده  
او په جزئي توگه کښې کړنې وړاندي هم پېچي اړه  
ښکاري اوښته دانه چه د ځيرې وروستۍ شلره  
تهجه د روعې او ټولې خبرې پکښې پيدا شوې  
دی په انځور کې د پېچ وروستۍ او پېچ وروستۍ  
مسلو ته منوجه شو چه د سولې او د روعې لارې  
پورې اړه ولري . ۱۳۲۳ کال په کالني شپې  
مو محلا لیکنې دغه لار په پيدا شته کښې  
هاروېا جگړه دالمان د قوتۍ په پلا شرط سيم  
پاي ته ور سيدانه او د ځلور کړنو او پوځو او  
قواو د آلمان او د هغه د ملگرو د چارو واگي په

لاسو کڻي وٺڻ ۽ وڙسته پياددري ڪوٺو دوتو

وا ګو لانو ډېر لږ پېژندل کېږي چې ګڼه کړۍ او وروستی اخطار ئې د جاپان په نامه صادر کړ چې که جاپان د غواړي چې د نړۍ ته خلاص شي باید بي شرطې دې لټلې کولې. دا اعلامي (داسې په ۱۲/۱۲/۱۳۳۴) خپره شوه. دې ته وروسته له هغه لږمه چې جاپان دفاعت وړتوب ورنکړ او داسې حال کې چې ويل کېده چې دروستې به منځګړي توب د جاپان او د متحدينو په منځ کې خبرې اترې کېږي، شوروي، اتحاد د خپلو وندو سره هم چې د يو تړن په کيفيت او يا له کيفيت سره کېږي د خپلو ملګرو سره کړي وي جاپان سره ئې د جګړې اعلان وکړ او شوروي فوځونه د منچوريې ته کډې کړل (سرحدونو) ته تېر شول، دې ته وروسته تر دې داسې رڼکې جمهوريت او اتلي ډېر ژاني صدر اعظم اعلام وکړ چې له الوتکو ئې ليري وړدياره (داسې په ۱۵/۱۲/۱۳۳۴)

د آتوميک بم د جاپان په اورشيميا ښار باندې وغورځول ، ددغو دوو پېښو په اثر د جاپان حکومت دسویس د حکومت پدربخه اتازونی ته دخپل بې شرط تسلیمې پېشنهاد وکړ مگر پدې شرط چه دامپرا طور مقام ته څه تاوان اوصدمه ونه رسېږي ، مگر داخواهش متحدینو ونه مانه فقط دومره وویل شول چه د پوتسدام داعلامېې سره سم دبلا شرط تسلیم په صورت کېږي د جاپان دخاورې اصلی محایونه به ترې بیل نشي اونه به د جاپان ټول هیواد ونیول شي مگر دامپرا طور اونورو خبرو په خواشا کېږي چه څنگه متحدین لازم وینی اوور ته ښه پکړا ره شي هماغسې به وکړي .

د جاپان حکومت (داسد په ۲۳-۱۳۲۴هـ) د متحدینو په شرطونو خپله موافقه څرگنده کړه او نمایندگان ئې دآئینده اجرا آتو دطرز په خواشا کېږي دخبرو اتزو دپاره مانلایه خوا ته وخوړیدل اود متحدینو له پلوه جنرال مکار تر د جاپان په اعلی قو ماندانی وټاکل شو او جاپانی نمایندگانو ته ئې په فلیان کېږي لارښوونه کړي اومطلوبه معلومات ئې لځني واخیستل او (د سنبلې په ۱۰-۱۳۲۴) هغه خپله هم د میسوری نامې پېړۍ پدربخه د جاپان په غاړه کېږي پلي شو اود جاپان دقواو دبلا شرط تسلیم تړون چه د جاپان دخارجو وزیر اود ارکان حرب د نمایندگانه پلوه لاس لیک شوی و ده هم امضاء کړې ، پدې وخت کېږي د انگلستان ، اتحاد شوروی ، چین ، فرانسې ، اود نورو مالکونو نمایندگانو چه جاپان سره په جگړه اخته وه حاضر و ، ددغه تړون له مخې نه (داسد په ۲۳-۱۳۲۴هـ) د شرق اقصي د جگړې د ختمیدلو اعلامیه هم خپره شوه ، جاپانی قواو په هر لځای کېږي خپل محایونه د متحدینو قوماندانانو ته تسلیم کړل ، داسې فیصله ئې وکړه چه د جاپان نیول اود جاپاني قواونو نه دوسلو اخستل فقط د امریکائی عسکرو وظیفه ده ، مگر ددغې وظیفې په مقابل داسې په جنوب شرقی خوزه کېږي چه مراد تری هالیندی شرق الهندی د هالیندی قواو تر رسیدلو پورې د انگلستان عسکرونه او منچو ربادې د چین دقواو تر رسیدلو پورې د شوروی اتحاد لښکرونه او کوریا دې په گډه امریکائی اوروسی لښکرونه پریښودله شي .

په چین کېږي خپله چینیان او په نورو مالکو کېږي خپله ذیحق مالک اقدام وکړي ، په سیام کېږي امریکائی او انگلستان په گډه او په هند چین فرانسوی کېږي دفرانسوی عسکرو تر رسیدلو پورې دې چینیان او انگلستان دوسلو داخستلو اود امنیت دپېښگو او وظیفې اجرا کاندې ، پدې ډول تقریباً پدريو میاشتو کېږي دنوموړو مملکتو قواو د جاپانی عسکرونه دوسلو داخستلو اود امنیت دپېښگو لو کارونه پای ته ورسول ، فقط په هند چین ، شرق الهند ، منچوریا او کوریا کېږي د داخلي اوضاع له حیثه دوسلو داخستلو اود امنیت دپېښگو لو کار تریوې مودې پورې ولځېده د ذکر شوو مالکونه په کوم یوه داخلي بې اتفاقی په اثر او په کوم کېږي آزادی غوښتلو د نهضت په اثر او په لځنیو لځایو کېږي د یوونکو مالکو دا اختلاف په اغېزه د امنیت دپېښگو لو اود جاپانی لښکرونه دوسلو داخستلو کار ، کران اوسخت شوی اودې اضطرابونو دکال تراخړه پورې دوام وکړ او په نتیجه کېږي خبره په جگړه اواخ وډب بدله شوه چه دهرې بوي په خپل لځای کېږي ذکر وشي ، پدې ډول د نړۍ د دویمه جگړه د شپږو کالونه وروسته خلاصه شوې اومتخا صمو مملکتو و سلبې دلا سه وغورځولې .

نودغه دی دالمان اودجاپان دتسلیمید لو نه وروسته پېښی چه د یوې سلسلې سیا سی پېښو اوبین المللی مجلسونو څخه عبارت دی په لنډ اختصار لاندی لیکو .

دسانفرا نسکو کنفرانس : که څه دا کنفرانس دآلمان دتسلیم نه څو ورځې مخکېني جوړه

شوی ومگر دبری دورځونه وروسته ور څو پورې ئی دم دوام درلوده ، پدغه کنفرانس کېني دمتحده ملتونو مشور چه دبین المللی همکارۍ نوی اساس سنا مه ده د (۵۲) مملکتو له خوا ترتیب اوتصویب شو او دمتحده قومونو دمو سسی اساس په پنځو شکلونو چه دامنیې مجلس ، داجتماعی اوا اقتصادی مجلس ، دقومیت مجلس ، دبین المللی عدلی محکمې اووداوا الا نشاء څخه عبارت دی کښېښود شو .

دبوتسدام کنفرانس : پدې مجلس کېني چه دالمان دما تي نه وروسته جوړه شویو سربېره

پدې چه جاپان اوددغه مربه طه ممالکړ دنیولو اود کنترول خبرې اترې اوفیصلې وشوې ، لکه چه په مقدمه کېني موهم ورته اشاره وکړه ددرې گونو دولتو وا کو الا نو خپلو مینځو کېني جاپان ته دالتماتوم دور کولو په خصوص کېني هم پتیلې وه ، هماغه وه چه ددې اخطار په اغېزه په لټه موده کېني چه میاشت لاهم پوره نه وه چه جاپان بي شرطه لځان تسلیم کړ .

په لندن کېني ددبانیني چارو وزیرانو کنفرانس : دیو تسدام دکنفرانس دتو صیې

په تاس دپنځگړنو دولتو نو ددباننې چارو وزیران د (سنبلې په ۱۹) تاریخ لندن کېني سره راغونډ شوی او دمجوری دولتو دپخوانو ملنګر واو دوسنانو سره دسولې دقرار داد او تړون پخوا وشا کېني وغږېدل او په هسی حال کېني چه په هیڅ یوه فقره ئی موافقه را نغله مجلس وران شو .

په مسکو کېني د درې گونو دولتو دخارجه وزیرانو کنفرانس : دلندن دکنفرانس د

تلا کښامی نه وروسته ، دلو یو دولتو په مینځ کېني سیاسي فضا ورځ ترورځه خړ بدله په تېره بیا دایران دآذر بائی جان دآزادی غوښتلو مسئلې اوهغو اختلافونو چه په منچوریا کېني داتازونی اورو سې په مینځ کېني پېش شوی و ، سیاسي اوضاع نوره هم ورانه او خړه پړه کړه ، گمان کېده چه نوره به دلو یو دولتو په مینځ کېني دهمکاری روح چه دبین المللی همکارۍ اساس بلل کېږی پېدانشی ، مگر دامریکی حکومت بوبل نوی اقدام وکړ یعنی په مسکو کېني ددرې گونولویو دولتو دخارجه وزیرانو دیوه کنفرانس جوړېدلو پشهاد وکړ او دمجلس دمو ضوع گانو حد ئی هم ولکه او زیاتره ئی دشر ق اقصی مسئلې په نظر کېني و نیولې اوهمدارنگه روسي هم پرې امان وکړه اوددسمبر دمیاشتی په پنځلسمه په مسکو کېني کنفرانس جوړشو که څه فرانسي اوچین اعتراضونه وکړل چه دوی ورته ولی بلل شوی نه دی ، مگر درې گونو دولتو نودامجلس دندن دکنفرانس سلسله گڼلې اودیوتسدام دکنفرانس په اساس چه دپنځه گونو دولتو دخارجه وزیرانو کنفرانس ئی په هر دریو میاشتو کېني تجویز کاوه وباله بلکه

دگران هوا دد استقلال د جشن داوه ویشتم کال له منا ظرو څخه



اعلیٰ حضرت معظم هما یو ای  
د استقلال د کونو نیکو شهید  
اعلیٰ حضرت د عزیز اور ته د تعظیم  
رسم په لاسی کوی



والا حضرت غازی  
سپه سالار صدر اعظم ، او  
والا حضرت د حرب وزیر  
د شاهان ته عسکری صفوف او  
په مخ کښي

د شاهانه د اردم  
پوه قطعه عسکر درسم  
کېدست په حال کښي



د گران هوادد استیلال د جشن داوډ ویشتم کال اهنه ظروخه

الحضرت محمد ايوبي  
د شرفانه عساکره اسلام اشکري



ذات شاهانه  
دندار تون دافساح  
به ورځ

يوه دسته هوايي دافع توپونه  
چې د شاهي لور د مخه تيرينځي





دگران هواد استقلال جشن اوه و یستم کال له مناظرو څخه

والا حضرت غازی

سپه سالار صدراعظم

درسم گذشت په ورځ



والا حضرت ډ حېر وزیر سردار

محمد داؤد خان درسم گذشت په ورځ

د گران هواد داستلال ته حتن داوه ویشتم کال له مناظرو څخه

یوه دسته دحریې  
شاگردان درسم گذشت  
په حال کېږي



یوه دسته دپیلو عسا کرو  
څخه درسم گذشت په ورځ

یوه دسته توپچیان  
درسم گذشت په ورځ



هغه ئې د پالشا د کنفرانس پورې چه ددرې گونو دولتو دخارجو وزيرانو دکنفرانس پيش  
پېښې ئې کوله مربوطه وگانه، په دې مجلس کېښې دشرق اقصی په مشورتي مجلس کېښې دروسي  
دگېون پهخوا وشا کېښې او داچه جنرال مکارتر دې په جاپان کېښې دمتحدينو اعلى قوماندان  
وبلل شى مگر دنورو اشغال کونکو دولتو قوې دې هم د جاپان دنيو لو دپاره وابتر ل شى  
اوپه قو کېښې ددغو نمايندگانو په گېون دکنترول مجلس تشکيل شى، دچين په خصوص  
کېښې دچين په داخلي کارو کېښې دلاس نه وهلو سياست، دچين دمختلفو حزبو نو په منځ کېښې  
دموافقتي ذرائع دپاره دهمکارۍ اوپه کوريا کېښې دامريکي اوروسي دگېډ ادارې لاندې  
ترينځو کالو پورې ديوه موقتي حکومت دتشکيلولو فيصله ئې وکړه، سره ددې چه دايران  
صدراعظم دې مجلس ته دحاضريدلو دپاره مسکوتو هم ورغى مگر روسانو په دې مجلس کېښې  
دايران دبحث اچولو خبرونه منله اوداسې ئې فيصله وکړه چه دايران مسئله اوهمداسې دشوروي  
اتحاد متقا بله شکوه چه په يونان اوشرق الهند کېښې دانگليس عسکر موجود دى، دمېتخه  
اقوامو په افتتاحيه مجلس کېښې دې پرې بحث وشى

دمتخه قومونو ددموسيې افتتاح : دمتخه قومونو موسسه دسانفرانسسکو دمشرور په اساس

په (۲۰ دجدي) په لندن کېښې افتتاح شوه دمتخه دولتو نمايندگانو پکېښې گېون وکړ، دروسي  
له پلوه دموالوتوف په لځاى وشنسکې دهغه معين نمايندگي کوله، دافتتاحيه مراسمو اودلمړۍ دورې  
درئيس اوددايمې منشي دانتخابولو اودامنيت دکمسيون داجتماعي اواقصادي مجلس، دين المللى  
عدالت دديوان دقيموميت مجلس او ددارالانشا دتشکيل نه وروسته دنوى دستگاه دازموينې  
په توگه يو څو فقرې لکه دايران دحکومت دعوه چه روسان دايران په داخلي چارو کېښې  
گوټى وهى چه دادعوه دامريکي اوانگليستان دحکومتونوله پلوه هم تائيد شوې وه اوبالمقابل دروسي  
اوهالندي نمايندگانو شکايت چه په يونان اوشرق الهند کېښې دانگليسي عسکرو وجود  
بين المللى سولې ته تاوان رسوى مجلس ته وړاندې شوې، ددېروسختو خبرواترواوبخونونه وروسته په  
يومي فقره کېښې دواړو خواو ته يعنى روسي او ايران ته توصيه وشوه چه په مستقيم صورت دى  
خپلو منځو کېښې خبرې اتري وکړي، په دويمه فقره کېښې مجلس فيصله وکړه چه په يونان  
اوشرق الهند کېښې دانگليسي عسکرو وجود بين المللى سولې ته دخطر اوتاوان سبب نه گزى  
اوپر زړه دنوموړ ولځايو څخه انگليسي عسکر وايستل شى

دامنيت دمجلس لومړۍ جلسه په نيويارک کېښې : دامنيت مجلس داومړى وار دپاره په

نيويارک کېښې جرگه وکړه او دايران خبره ئې تربحث لاندې ونېوله، دايران  
نماينده په ايران کېښې دشورى عسکرو دپاته کېدلو او دايران په داخلي چارو کېښې دهغوى

دلاس وهلو په نسبت شکایت وکړه ، دشو روی نمایندې دایران د نمایندې شکایت رد کړی اووئی ویل چه ایران شوروی فوځو نو خوشی کړی دی ، مجلس دایران دنمایندې خبرې منلی اویلوئی وکړه په دې ترڅ کښې دطهران نه داخبره خپره شوه چه دایران اورووسی په منځ کښې یوتړون لاس لیک شوی دی چه دهغه په موجب به دشوروی اتحاد فوځونه دمی دمیاشتي ترشپږمه پورې دایران خاوره بېخي خوشي کړی سر بېره په دې یوبل تړون ددواړو مملکتو په منځ کښې لاس لیک شوی دی چه دایران دشمالی تېلو امتیاز تر پنځوس کالو پورې دایرانی اورووسی یوه گټه شرکت ته پرېښودل شوی مگر دننه د امتیاز دمنطقي دامنیت تامین دعسکرو کردی .

داخبره چه دامینې مجلس ته ورسېده دشوروی نمایندې تقاضا وکړه چه دایران دعوه دې دامینې مجلس د فېرست نه ووېستل شوی مگر امریکائی او انګلیسی نمایندگان داخبره ونه منله ، نودهمدې له امله دشوروی اتحاد نماینده دجرگې نه وووت اووئی ویل : تر هغه پورې چه دایران مسئله په مجلس کښې ویزه به په جرگه کښې گټون ونه کړم ، دایران مسئله دمی دمیاشتي ترشپږمه پورې چه دایران نه دشوروی فوځونو دوتلو نیټه وه معطله شوه ، په همدغه نیټه هم دایران نمایندې دایران نه دشوروی فوځونو دوتلو قطعی اطمینان مجلس ته ور نه کړای شو اومسئله بیا هماغسې معطله پاته شوه ، تر هغه چه دایران حکومت دمی په نېمه دټول ایران نه دشوروی فوځونو دوتلو خبر مجلس ته ور کړ مگر بیا هم دانګلیسی او امریکائی نمایندگان دامینې مجلس د فېرست نه دایران د مسئلې په ویستلو رضا ورنکړه اووئی ویل چه دایران وضعیت مغشوش دی ترڅو پورې چه پوره ډاډ حاصل نشی پدې باب کښې کومه قطعی فیصله هم نشی کېدلای . کومه فقره چه دامینې مجلس ته وړاندی شوه هغه دفرانکو درژیم په باره کښې دیولیند دحکومت یادداشت وچه دیولیند نمایندې دفرانکو درژیم دعامي سولې دپاره خطرناک گڼلې اوروسیې اوفرانسیې هم پلوی کوله : مجلس پوره دغور او دقت نه وروسته دمتخصیصینو یوه بیئت وټاکه چه ددې خبرې څېړنه اویلنه وکړاندی ، له بلې ډدې نه داسپانیې دجلاوطن جمهوري حکومت صدراعظم چه په یاریس کښې تشکیل شوی دی نیویارک ته تللی اوخیل سندو نه ئی مجلس ته وښودل داخبره هم لاتر اوسه پوری فیصله شوی نه ده ، دمجلس زیاتره غړی ددې خبرې پلوی کوی چه داسپانیې په داخلی چارو کښې گوتې وهل دمتحدینو دمنشور په خلاف یو کار دی .

بله برخه چه مجلس ته وړاندی شوې دهغه داده چه دالبانیې حکومت دعضویت درخواست کړی دی مگر مجلس داسی درخواستونه اوغوښتنی داگت تر میاشتي پورې ونه نیول ، ممکنه ده همداسې تخننې خبرې اوپېښی لکه دسیام او دفرانسوی هند چیني سر حدی شخړه دسیام له پلو ه اودفلسطین مسئله اوداسی نورې ماتې گوډې به مجلس ته وړاندې شی مگر داچه دخبرې به مجلس ومنی که په ؟ لاتر اوسه پورې معلومه نه ده .

په پاريس کېږي دڅلور گونو دولتو د خارجه وزيرانو کنفرانس : دڅلور گونو لويو

دولتو د خارجه وزيرانو کنفرانس د پالټا او پوتسدام د کنفرانسو د فيصلې په اساس دا پریل په پنځه ويستمه په پارس کېږي جوړ شوی او دمخو د پخوانو ملگرو دولتو سره دسو لې د تړون په مسودې چه د نائبانو له خوا ئې پخوا ترتيب شوی وه غور اودقت وکړي، مگر دهغو اختلافونو په اثر چه د لويو دولتو په منځ په تېره داتحاد شوروي اوانگليس اوامریکا په منځ کېږي د پالټا لې سره د تړون په باب کېږي اوهمداسې دالمان دا داری په خصوص کېږي يعنې دفرانسې دعوه دآلمان په نسبت اوڅه ديوگوسلاويا اوايتاليا اواستريا په سرحدی مسئلو کېږي اوڅه دمخو د پخوانو ملگرو دولتو سره دسولي د تړون په مسئله کېږي پېښ شوی و په هيڅ يوه خبره کېږي مجلس کومې فيصلې ته ونه رسيد او په نتيجه کېږي دسولي د کنفرانس د جوړېدلو نېټه چه دجگړې نه وروسته د دنيا وضعيت طبيعي حال ته وگرزوي اوهمداسې دفاتح او مفتوح مملکتونو روابط او دټولو مملکتو سرحدونه تثبيت کاندې ونه ټاکل شوه مگر دومره قدرته ئې فيصله وکړای شوه چه دڅلور گونو دولتو خارجه وزيران دجون په پنځلسمه دې سره جرگه وکړي اودخپلو نائبانو دخپرو اترو اومطالعاتو په اساس چه دوام لري دمخوړی دولتو ددوستانو سره دسولي د تړون په خصوص کېږي بيا کونين اوهڅه وشي گوندي چه د قطعی فيصلې کومه لياره ورته بيا مومي، کهچيري په دی کېږي کامياب شول نودقطعی سولي د کنفرانس دجوړېدلو نېټه به هم وټاکله شي که خارجه وزيرانو کنفرانس ئې هم کومې نتيجه ته ونه رسیده نه په دې صورت کېږي څنگه چه دامریکې خارجه وزير ويلی دی امسکان لري چه يا به هر مملکت لځانله تړون وکړي اويا داچه قضيه به دامینې مجلس ته وړاندې شي .

داووسياسي ستر مجلوسونه چه په ۱۳۲۴ کال کېږي شوی دی اوهر گوره زیاتره ئې ېې نتيجه پاته شوی دی ده ۱۳۲۵ کال په نوی کېږي د لويو دولتو سياسي روابط ډېر خړېږي شول، دقتي دسالگرې دورځو استقبال هم ډېر سوږ اوپه خوابدی وشو، په عين زمان کېږي چه دقطعی وېره ټولې نړۍ ته په تېره داروپا ژوبل شوو حکومتو اوهندوستان ته سترگکونه وهي اودې ټولو حکومتونو دامریکې (اتازوني، کاناډا اودامریکې نورو حاصل خېزو مملکتو) اوداسترالیا، دسیام اودشرق الهند لمنه نیولی ده او دې هم اوضاع ښه پسې خرابه کړه، مگر تراوسه پورې دبين المللی همکاري پلویان ناامینده شوی نه دی، نه یواځې دمتمده قومونو دنوی موسسې په مجربیت عقیده لري بلکه دمختلفو حکومتو اولويو دولتو دواکمنو په ښه نیت هم باور لري اووا ئې چه دنيا ته پرته له ډېنه بله لاره نشته اوس وی که خو موده وروسته ټول دولتونه اوملتونه په همدې سمې لاري ته راوگرزوي اوددنیا ټول ملتونه به دآزا دی مساوات اوعدالت په سبوري کېږي یو ډبل سره همکاري اومرستی ته چمتو شي .

د فني، اقتصادي او اداري مجلسونو په قسمت که څه په دې کال کښي څه کنفرانسونه (ليکه دمتمده قومو اقتصادي او اجتماعي جلسه د زراعتي اود خورا کي موادو کنفرانس، د لېري شوق د کنترول کمېته، د آتوميک د انرژي د بين المللي کنترول کمېته اود جگړي دمجرمينو بين المللي کميسيون) چه اوس په نور مېرگ کښي د نازيانو واکداران محاکمه کوي اود جاپان دمجرمينو محاکمه لاپاته ده) وشول مگر دې کنفرانسونو اومجلسونو څخه کومه حقيقي نتيجه لاتراوسه نه ده اخيست شوې.

اوس بودليو دولتو د عمومي اوضاع او غوښتنو خواته مخ آړو اولومړي دخپل گران مملکت څخه پيل کوو:

له هغه لخوايې چه د افغانستان وگړي د بين المللي سولې او همکاري سره ډېره مينه او علاقه لري نودجگړې په خلاصېدو هم خورا ډېر خوښ او خوشحال شول، چوته ده چه دنړۍ د دغې ډوبېي جگړې په ټولو سختو او طوفاني دورو کښي دخپلي بې طرفۍ اوسولې غوښتنو سياست تر آخره پورې ښه ساتلي دي اودجگړې نه وروسته هم په بين المللي چارو کښي د ملگري او ټولومو مالکيو په تېره گوڼه يانو سره د دوستي سياست ئي تعقيب کړي دي، د مملکت داخلي اوضاع د آرامۍ سره همغږي ده، د کال په لمړي شپو ورځو کښي چه يوه پېښه د کشونو په دره کښي شوې ده هغه د عسکري اقداماتو اود مشرفي دنورو وگړيو په مرسته فيصله شوه، همدارنگه بله پېښه چه د کال په آخر کښي د هزاره جات په شهرستان کښي پېښه شوې وه، هغه هم پرته له عسکري سوفياتو دهغه لخوايې د خلکو د پېښه پاتړي په اثر فيصله شوه يعنې دهغه لخوايې خلکو مقسدين او شريښوونکي حکومت ته وسپارل او دامجرمين د شاهانه ذات له حضوره د هزارې قوم د ښو احساساتو په اثر ونيول شول.

دا کال د اقتصادي اوضاع له پلوه ناست نورو کسونو ته دجگړې داړېکو په اثر افغانستان ته ډېر گران او سخت شوی دی مگر بيا هم څه د حکومت دموثرو اقداماتو په اثر چه دا احتکارد مخه نيولو د پاره ئي کړي او څه د ملکي او عسکري مامورينو او افرادو اومستخدمينو د معاشونو د زياتولو له ليارې او څه د تعاوني اود خيريه موسسو افتتاح په تېره د تعاوني د ښو د تشکيل په اثر او همدارنگه درختونو او خورا کي موادو د کوپونونو د ویشلو په واسطه تريوي اندازي پورې خلک د مضيقۍ نه خلاص شول، همدارول د حکومت د اقداماتو د سلسلې نه چه د خارجي مالکيو نه درختونو د وادولو اودوچکالي په اثر دامريکي نه دغلي دراودلو د پاره کړي چوته کيږي چه آينده به لايښي ښه شي.

مهمه او غټه خبره چه بايد په دې کالني کښي ولېکله شي د کابيني بدلېدل دي، دې کال په لمړيو شپو ورځو کښي والا حضرت سردار محمد هاشم خان صدراعظم دخپلي ناروغۍ او استقامتيا په اثر د شاهانه ذات وحضوريته دخپلي کابينې استعفا وړاندې کړه اودملوکانه ذات له حضوره والا حضرت غازي سپه سالار سردار شاه محمود خان د حربي وزير دنوي کابينې په تشکيل مامور شو او

# کمیته اطلاع رسانی



S. Iqbal Ahmad Khan  
 President of the Board

رئیس کمیته اطلاع رسانی  
 س. ایقبال احمد خان  
 رئیس کمیته اطلاع رسانی

نام	نام
۱. سید احمد علی	۱. سید احمد علی
۲. سید احمد علی	۲. سید احمد علی
۳. سید احمد علی	۳. سید احمد علی
۴. سید احمد علی	۴. سید احمد علی
۵. سید احمد علی	۵. سید احمد علی
۶. سید احمد علی	۶. سید احمد علی
۷. سید احمد علی	۷. سید احمد علی
۸. سید احمد علی	۸. سید احمد علی
۹. سید احمد علی	۹. سید احمد علی
۱۰. سید احمد علی	۱۰. سید احمد علی
۱۱. سید احمد علی	۱۱. سید احمد علی
۱۲. سید احمد علی	۱۲. سید احمد علی
۱۳. سید احمد علی	۱۳. سید احمد علی
۱۴. سید احمد علی	۱۴. سید احمد علی
۱۵. سید احمد علی	۱۵. سید احمد علی
۱۶. سید احمد علی	۱۶. سید احمد علی
۱۷. سید احمد علی	۱۷. سید احمد علی
۱۸. سید احمد علی	۱۸. سید احمد علی
۱۹. سید احمد علی	۱۹. سید احمد علی
۲۰. سید احمد علی	۲۰. سید احمد علی

# الشیخ الاسلام

## صدارت عظمی

غازی سیہ سالار صدراعظم	: ج ، ع ، ج ، ا ، ا ، ننان والاحضرت سردار شاہ محمود خان
معاون	: . . . . .
مشاور	: . . . . .
دولت وزیر	: ج ، ع ، ج سردار شیر احمد خان
» » »	: ج ، ع ، ج ، ا ، ا ، محمد گل خان
» » »	: ج ، ع ، ج مرزا محمد خان

## دصدارت عظمی مربوطہ خانگی

### الف۔ دتحریراتو اونورو دوائرو :

دتحریراتو لمپی مدیر	: ج ، ع ، . . . . .
» دوہم »	: » محمد قاسم خان .
» دریم »	: » ، شاہ عبداللہ خان
» داورافو »	: » ، . . . . .





ج . م . ح . ا . آ . ن . ت . ا . ن . اف . خ . م . والا حضرت سردار محمد هاشم خان پخوانی صدر اعظم

S.A.R. 'A.A' Sardar Mohammad Hachem Khan

Ancien premier ministre

وروسته تردې چې غازي سپه سالار نوی کابینه جوړه کړه. نودشاهانه ذات له حضوره هم ومنله شوه او په کارنۍ پیل وکړ، امری- ترهرڅه د اقتصادي اوارتراقی اوضاع د ښه کولو او همدارنگه د مملکت د امنیت، معارف، اقتصاد اوقضائی چارو د وړاندې وړلو دپاره ئی دیوه پنځه کلنۍ پلان د جوړولو اقدامات وکړل امینددی چې ښې نتیجې به ترې واخیستی شي، همدارنگه د ولایتو نائب الحکومه گان او اعلیٰ حاکمان هم مرکز ته غوښتل شوی اودپورتنو چارو اصلاحتو په خواشوا کېنې ورسره خبری اترې وشوې لکه چه معلومه شوې ده گټورې لارې ورته موندلی شوی دی.

دغه دی د داخلی پېښو دلته اجمال دیانولونه وروسته، دنړۍ د لویو اووړو مملکتونو اوضاع گانۍ ترهغې اندازی پورې چې د کالنۍ مخونه راته اجازه و کاندې بیا نوو:

اتازونی: د اتازونی مملکت که څه په دې کال کېنې سیاست اواقضاده پلوه د جگړې دوخت

د ترتیباتو په اثر قوی ومگر بیا هم د بادوامې سولې د جوړولو اودلویو دولتو په منځ دملگرۍ په لار کېنې د سان فرانسکو د منشور دنوی نظام د کارولو په لاره کېنې او همدارنگه د کار گرو داعتصابونو په اثر ځینو جنجالونو سره مخامخ شوی اودې مملکت نگرانې ئی زیاته کړې ده اولاتراوسه پورې د ایریشانی او جنجالونه پیڅی رفع شوی نه دی، د اتازونی روابط دانگلستان سره خورا ښه دی، سر بیرد په سیاسی خبرو کېنې دا دواړه مملکتونه سره یودی، دانگلوسا کسون ددغه اتحاد په اثر دشوروی اتحاد اونورو محافلوته سودا پېښه کړې ده، انگلستان ته ئی یولی مبلغ پورهم ورکړی دی چه دایور په حقیقت کېنې دانگلستان دسیاسی، اقتصادي اوعسکری تقویت د پاره ډېر ستر او مهم بلل کېږی، مگر کوم قرض چه روسی غوښتی دی تر اوسه پورې لاور کړ شوی نه دی، فرانسې اوچین ته ئی دیو یو موټی پور اعتبار ورکړی دی اوروسیې ته د پور ورکول ئی دهغه مملکت دسیاست صافېد لوت ته پرېښی دی. دافغانستان اوامریکا اوروبط په دې کال کېنې خورا دوستانه وو خصوصاً په اقتصادي اوتهنیدي ساحو کېنې ددوی مناسبات ډېر ټینګ شوی دی.

مگر سره ددې ټولو امریکا فیصله کړې ده چه قوی شی اود قوت په ذریعه په نړۍ کېنې نوی نظام قایم کړی.

انگلستان: دانگلستان سیاسی اواقضادی وضعیت په دې کمترولی کال کېنې برعکس ددې چه په جگړه کېنې ئی بری گټلی دی ښه نه دی دیوی ددې نه دلویو دولتو کشمکشونو په تېره دروسانو اوانگلستانو سیاسی شخړه اوله بلې خوا په دانگلېسی مستعمرود آزادی غوښتلونې د اود هغو مملکتونو لکه مصر اوعراق چه انگلېسی فوځونه دتړونو په واسطه پکېنې پراته دی او همدارنگه د هغو دولتونو چه انگلېسی فوځونه دجگړې نه وروسته پکېنې ډېر شوی دی ددغو

اودنگلو په سبب اوبالاخره په دننه انگلستان کښې دموادو ، نقلیه وسایلو اود کورونو دلته والی اوپه مستعمراتو کښې دقحط وېرې له امله انگلستان دپونا مساعد وخت سره مخامخ شوی دی، سره ددې هم د کار گرو حکومت کوشن کوی چه دهرڅه نه مخکښې دسولې په استقرار چ دانگلېسی امپراطوری- گټه پکښې وی اوفقظ همدا امپراطوری له نور دواتو سره فیصله شوی ده موفق شی اووروسته د مستعمراتو نوخیزو ممالکو دچوپواو اوقات دپاره دنوی اصول واقتضا آتو په اساس قدم واخلي اوپه عین زمان دانگلستان تولیداتو او تجارت ته هم په پوره اندازه ترقی ورکړی، نو دهمدې له امله له یوې خواته په بین المللی مجلسونو کښې دخپل پرانسب اود گټې دساتلو دپاره هڅه کوی اوا له بلې ډدې نه ئی دامپراطوری- ارکان او غړی خپل خواته راغونډ کړی اود ماورای اردن، هند، برما او ملایانه دخپلو مراتبو له مخې نه دآزادی- په برخه کښې دځینو حقونو ته غاړه ایښي ده ، اوبالاخره غواړی چه دامریکا ته د فرض اخستلو دصنایعو دقوی کولو او تجارت ته دوسعت ورکولو په واسطه په ټوله نړۍ کښې داقتصادیاتو یو ممتاز موقعیت پیدا کاندی، مگر دانگلستان حکومت زیاد سیاست دادی چه دامریکا متحده دولتو ته نژدې وی اود اساس هیڅکله دلاسه نه ورکوی د انگلیس اوروپ په منځ کښې مهم اختلاف په منځنی شرق اود مدیترانی په حوزه کښې دی دامریکا اوروپ په منځ اصلی اختلاف په لیری شرق کښې دی اوحال داچه د اوروپ سره دامریکا او انگلیس گډ اختلاف په شرقی اروپا کښې دی . دافغانستان اود انگلستان اوروبط په دې کال کښې په هره جنبه کښې لکه پخوا دوستانه وو اوسریره په هغه په اقتصادی زمینو کښې دبرطانیی حکومت دافغانستان سره ښه مرسته وکړه

شوروی اتحاد : دامملکت چه دسیاست اواقتصاد له پلوه دجگړې نه په بریالیتوب سره قوی وتلی دی لمړی ترهڅه دخپلو سرحدونو د ټینگو اوپه فکر کښې لوېدی دی ، ددی مقصد دپاره کوشن کوی چه په هغو ټولو مملکتونو کښې چه داتحاد شوروی سرحدونه ورسره شریک دی داتحاد شوروی ملگری اوپلوی حکومتونه پکښې په کار ولاړوی ، همدغه سبب دی چه له یوې خواته دده او انگلیس په منځ کښې اوله بلې ډدې دامریکا اودده په منځ کښې اختلافونه او سیاسی شخړې نښتی دی، انگلیس اوامریکا په دې برخه کښې دشوروی اتحاد نگرانی مبالغه امیزه گڼی اوعقیده لری چه باید شوروی اتحاد بین المللی تشکیلونو ته غاړه کېږدی او دخپل امنیت دساتنی دپاره دیواړځنی اقداماتو نه لاس واخلي ، مگر شوروی اتحاد دتېرو ترخو تجربو اوازمايښتو له مخې دبین المللی تشکیلونو په مجربیت لافانغ شوی نه دی، خپله آبنده دفاع او دځان ساتنه دهرڅه نه مهم اودرومی کښی ، یوه بله موضوع چه ددرې لویو مملکتو په منځ کښې ئی بی اعتمادی پیدا کړې ده انگلیس اوامریکا له پلوه دشوروی اتحاد څخه داتومیک بم دراز

پټو نه ده ، دوی تر هغه پورې چې شوروی د مشترک امنیت سیاست او بین المللی تشکیلاتو نه یعنې د سانفرانسسکو مشورونو نه منی او عملاً خپل صمیمی او پوره ارتباط د بین المللی تشکیلاتو په نسبت ونه ښیي د اتومیک ډیم راز به د شوروی اتحاد نه پټ ساتی ، دې لځای کښې هم شوروی اتحاد وائی چې مونږ کمالاً او بشپړه د بین المللی تشکیلاتو او متحدو دولتو د منشور سره پابند او ملگری یو ، کوم چې انګلیس او امریکا وائی دادهغوی د شخصي سیاست رعایت دی چې د بین المللی منشور په نامه ئې ښکاره کوی او که داسې نه وی نو شوروی اتحاد د هر چا نه زیات په بین المللی اساسونو او تړونونو پابند او ټینګ ولاړدی ، مګر دانشي کولای چې د غربي لوی دولتونه شخصي او انفرادی خواهشونه ومني او بالمقابل انګلیس او امریکا برعکس ددې خبرو عقیده لری چې د روسیې سیاست بیخي شخصي او خپلو گټو ته متوجه دی د بین المللی اساسونو هېڅ رنگ پکښې نشته او وائی چې روسیه غواړی چې د موافق رژیم په نامه په هغو ممالکو کښې د کمونیزم اصول جاری کړی او په دې ډول خپل نفوذ خپلو کونولیانو مملکتونو څخه لیری مملکتونو کښې چې د نورو لویو دولتو تر نفوذ لاندې دی هم خپور کړی ، مګر تراوسه پورې سره ددې چې د درې گونو دولتو سیاستمدارانو ډېر لځلی سره کتلی او خبرې اترې کړې دی بیا هم دا اختلافونه رفع شوی نه دی او درې گونو دولتو په منځ کښې د صمیمی ملګرتوب او همکارۍ اساس نه دی ایښود شوی .

شوروی اتحاد دننه خپل مملکت کښې د جګړې کنه وکړ وچو د ولو ته مخه اړولی او پښخه کلنی پلان ئې جوړ کړی دی غواړی چې د ښه ژوندانه د تامین په ترڅ کښې د شوروی اتحاد خاوری د ترقۍ د پاره د صنایعو ، مواصلاتو او تولیداتو له پلوه نوی او ګړندی قدمونه وړاندې کېږدی او هم په مملکت کښې د ازادۍ اساسونه زیاتوی لکه چې د سمدلاسه داو کرائن اوسپنې روسیې جمهوریتونه په بین المللی مجلسونو کښې لځان لځانته نمایندګي کوی .  
د افغانستان او شوروی اتحاد روابط پدې کال کښې هم لکه پخوا دوستانه و ، پدې اواخرو کښې په سرحدی مسائلو کښې چې د څو کلورا ایسی د دواړو مملکتو په منځ کښې لاندې وموافت وشو ، اتحاد شوروی د افغانستان حق دامو په سیند کښې ومانه .

چین : د مملکت پخوا لږمه چې جګړه خلاصه شې په داخلي نزاع چې د کمونستانو او مرکزي

حکومت دا اختلاف څخه عبارت دی اخته شوی دی چې د امریکا په وساطت او د مسکو په تأیید دواړه یوې موافقې ته رسیدلی و مګر د جګړې دخلا صېدلو سره سم دهغو لځایونو د نیولو ، په اثر چې د جاپانیانو له پلوه سیارل کېدل او یا په منچور یا کښې د شوروی فوځونو له خوا خوشی کېدل او هر یوه غوښته چې زیاته زمکه ونیسی بېرته تازه شوی لاتراسه پورې سره ددې چې امریکا هم په منځګرتوب کښې ډېرې هڅې کوی خوددوی اختلافات رفع شوی نه دی ، مګر سره ددې هم د چین مرکزي حکومت د لویو متحدینو بالخاصه د امریکې د ترمیمو په اثر دخپل اداري په طرز کښې تغیرونه کړی او اوښودی دی چې ټولو حزبونو په نمایندګي به یو ملی حکومت پکښې تشکیل شی چین د هغو زموګو په بېرته را نیولو چې د جاپان په مقابل کښې د څو کالو جګړې په موده کښې دلاسه ورکړی و دغه دی بېرته دیو خور الوی او مقتدر مملکت په شان به پښورینځی که همداسی د چین

داخلي اختلافات هيسته شي اولكه څنگه چې پدې يو كال روابطې روسيې سره اصلاح او انگلستان سره ټينگ او قوي شوي دي د دنيا نورو لويو دولتونو سره هم خپل روابط ټينگ كړي نوڅه شك نشه چه آينده دپاره به دنيا په سياسي او اقتصادي اتو كني مهم رولونه ولوبوي، سره ددې دچين او په تېره دمنچوريا او كوريا په باره كني (چه كوريا مستقل پېژندلې شوې او تر لسو كالو پورې به د امريكا اورويس د گډوډي لاندې وي) دېر دې لاندې دروس امريكا په منځ كني سياسي كشمكشونه جاري دي او دواړه دخپل نفوذ په خړولو مخصوصا د اقتصادي اتو له پلوه په اقداماتو بوخت دي دهغه تړون په اساس چه په داوړو سته دروس اوچين په منځ كني لاس ليك شوي دي، دمنچوريا داوسپنې په لاره او بندرونو كني لځني امتيازات روسيې ته ور كوي او بالمقابل په منچوريا كني دچين حقونو ته هم غاړه ږدي او حال دا چه خارجي مغولستان دچين لځني بېلوي، تر كستان چيني او تبت چين ته پرېږدي او ضمنا روسيه به دچين په داخلي چارو كني گوتې نه وي داتړون او امريكا او انگليسي ټينگارونه دچين د سياسي قوت سبب شوي دي، انتظار ويستل كېږي هر څنگه چه وي داصلاحاتو نه وروسته چين به خپل حقيقي وحدت ته ورسېږي، د امر يكي دقرض په مرسته او دهغه ولجويه اثر چه دجاپانيانو نه ئي نيولي دي، دخپلي حقيقي اور تيايلان به جوړ كاندې، دچين اود برطانيې په منځ كني دهانگ كانگ متنازع فیه مسئله پاته ده دچين حكومت په دې خوا كني كوم جدي او سخت اقدام نه دي كړي، بلكه په راتو نكو ور لځو كني به ئي په مفاهمه حل كړي، پدې كال كني دچين لمړي وزير مختار افغا نستان ته راغلي دي دافغانستان لمړي وزير مختار هم چين ته ور غلي دي :

ايران : داملكت پدې كال كني د داخلي او خارجي سياست داوېو مشكلاتو سره مخامخ

شوي و چه تراوسه پورې لادامشكلات بيخي هيسته شوي نه دي ، څنگه چه داروباچگړه خلاصه شوه دايران حكومت هم دهغه داډبه اساس چه دطهران به كنفرانس كني دمتحدينو له پلوه ور كړ شوي و وغوښتل چه دايران نه دمتحدينو لښكرې بايد ووزي او داغوښتنه په هغه وخت كني وشوه چه په برلين كني دپوتسدام كنفرانس جاري و پدې وخت كني متحدينو دا خبره داسي تعبير كړه چه دجگړې دخلاصېدونه غرض داو چه دغرب اوشرق جگړې پخې پاى ته ور سېږي، هماغه وچه دايران حكومت دجاپان دجگړې تر خلاصېدلو پورې وكتل مگر پدې وخت كني بيا متحدينو خپلي لښكرې دايران نه و نه وبستلې او ئي ويل چه په تړون كني داسې ليكل شوي دي چه دجگړې خلاصېدو نه شپږ مياشتې وروسته به دمتحدينو فوځونه ايران خوشي كړي، پدې وخت كني دايران په آذربائي جان كني هله گوله پېښه شوه، دايران مركزى حكومت غوښتل چه هغه خواته فوځونه ولېږي مگر دشوروي اتحادامورينو پرې نښود نو دايران حكومت دامنيت مجلس ته چه نوي په لندن كني تشكيل شوي و عرض وكړ، هر كله چه پدې وخت كني دانگليس او امريكا فوځونه

خطو رشتہ کی شہر  
جوان چنڈہ از شہر را بہ آمد

دلیو دولتو خارجه وزیران دانندن پد کنفرا نس کیتی



چندینقرانسه صدر اعظم اود خارجه  
چارو وزیر



برنژد امریکای خارجه  
چارو وزیر



مزار توفد انا اعداد شوروی خارجه  
چارو وزیر



ارنست یون غانکلیستان  
چارو خارجه وزیر



تريگولی دېوانو سکرترى  
جنرال



کالېتن د شوروى جمهورى د اتحاد  
پخوانى رئيس چه د سترگال مرستو



شوروى جمهورى د اتحاد نوې رئيس  
جمهور نېکولای شورسکى



امير عبدالله د شرق اردن د مستقل دولت  
وي پادشاه



دوهم امپراتور د ايټاليا اخروى پاچا چه د جمهوريت د اعلان  
په اثر خلع شو ( دخپلى بشخى سره )

دشېخو مياشتو دودې دپوره کېدلو په اساس دایران نه وتلی و نو یواځې د شوروی اتحاد د فوځونو دپاڼه کېدلو اوداير ان په داخلي چارو کښې د شوروی مامورينو دلاس وهلو مسئله مجلس ته وړاندې کړه، انگلیس او امریکا دایران پلوی وکړه دروسیې نماینده اطلاع ورکړه چه دایران اوروسیې په منځ کښې د نژدی نه خبرې اترې جاري دی نو مجلس هم فیصله وکړه چه دا خبرې دې په مستقیمو مذاکرو حل شي، هماغه و چه قوام السلطنه دایران نوی صدراعظم مسکو ته ولاړ او دا هغوخت و چه په مسکو کښې ددرې گونولو یو دولتو خارج و وزیرانو کنفرانس جوړ شوی و، مگر داموضوع دمسکو کنفرانس ته وړاندې نشوه، قوام السلطنه بې لدې نه چه مقصده ورسېږي بیرته طهران ته ورغی دایران حکومت بیا دافضیه دامنیت مجلس ته وړاندې کړه، مگر څه چه پرې خبرې اترې شروع کړې دروسیې نمایندې دایران او شوروی اتحاد په منځ په طهران دیوه تړون ادلاس اېک کېدلو اطلاع ورکړه، مجلس وخت پدیده دطهران نه خبر ورغی چه رښتیا دقوام السلطنه اود دروسیې د لوی سفیر په منځ کښې یو تړون شوی دی چه د شوروی فوځونه به دمی په شپږمه ایران خوشی کړی سر بېره پردی دایران دشمالی تیلو داستخراج دپاره یو تړون شوی دی چه تر پنځوس کالو پورې به دایران او شوروی اتحاد د گډ شرکت تر ادارې لاندې وی، ددې، تړون په اساس که څه یوې خواته دایران اوروسیې روابط اصلاح کړ، دمی تر نهمه پورې شوروی فوځونو ایران یېځې خوشې کړ او روسانو داذربائی جان مسئله یوه داخلي خبره و گڼله مگر سره ددې هم دایران روابط دانگلیس او امریکاسره وران شول اودایران درسمی اطمینان په خلاف لاتراوسه پورې دایران مسئله د امنیې مجلس د فهرست څخه نده ویستل شوی، له بلې دې نه دهغو خبر و اتر و په طهران او تبریز کښې د ایران د مرکز حکومت او اذربائی جان د نمایندگانو په منځ وشوی اذربائی جانیانو ته د اذربائی جان په داخلي چارو کښې د ځینو امتیازد نو دور کولو په اثر اذربائی جانیان د جمهوري مستقل حکومت د تشکیل څخه تېر شول او موافقه ئې وکړه چه اذربائی جان به بیا هماغسې دایران یو جزوی، پدې توگه د اذربائی جان مسئله عملاً فیصله شوه مگر تراوسه پورې د امنیت مجلس او انگلیس او امریکا پدې موافقتونو باور ندی کړی او وائی چه پدې کښې هم دروسیې لاس شریک دی؛ د ایران په داخل کښې د اذربائی جان د مسئلې د خلاصېدلو نه وروسته عمومی انتخابات شروع کېږي دایران آئینده به ددې راتلونکو انتخاباتو نتیجه پورې زیاته اړه ولری، دا ذوقی له پلوه دایران وضعیت نسبت پخوانو کلونه ته ښه دی.

هندوستان : دا کال هندوستان دپاره یو ښه کال گڼل شوی ندی، ځکه هندوستانیان دیوې خواته د اذوقی د لېږوالی اوله بلې دې نه د سیاسي مشکلاتو سره مخامخ شوی دی که څه ددغه مشکلاتو دهیسته کولو دپاره مختلف اقدامونه شویدی مگر لاتراوسه پورې هېڅ یو کومی مثبتی نتیجې ته ندی رسیدلی؛ د تېر کال په پای کښې د انگلستان د کابینې وفد چه د هندوزیر، او



ستفیر د کړيس د تجارت وزير او الکنزاندر د هند د مسئلې د حل کولو د پاره راغلل او دادرې واده د هندوستان د دوستانو او د هغه مملکت په خواو شا کښې د معلوماتو د خاوندانو په نامه يادېږي، د هغو مجلسونو په اثر چه په دهلي او سمله د هند د مختلفو حزبونو مشرانو په منځ کښې وشوړه اعلاميه خپره شوه چه د هغه په اساس بايد په هند کښې د مسلمانانو او د هندوانو د ولاياتو يو اتحادي حکومت تشکيل شي او ددې مقصد د پاره امرې بايد د دوه گونو سياسي حزبونو يو موقتي حکومت جوړ شي. د آينده اساسي تشکيلونو د پاره د ولاياتو او د مرکزي مقننې مجلسونو څخه کار اخستل شي، د اتجويز د مسلم ليگ له پلوه پدې شرط و منل شو چه په موقتي حکومت او مقننه مجلسونو کښې د مسلم ليگ او د گانگرس نمايندگان برابروي، مگر کانگرس د شرط ندي منلې بلکه ويلي ئي دي چه نمايندگان دي د دواړو حزبونو د منسوبينو د شمار له مخې نه وټاکل شي او هم ئي د رياستونو په برخه کښې نظريه ښودلې او اعتراضونه کړي دي.

په پای ټيټې داسې فيصله وشو چه اوس يو موقتي حکومت دوايسر د خوا مقرر شي او په عين زمان ټيټې د موسسانو مجلس د مهمو احزابو په اشتراک جوړ شي او د هند آينده تشکيلات جوړ کړي پس له هغه څخه حکومت د هغه اساسي تشکيل په اساس هنديانو ته وسپارل شي.

پدې کال کښې د هند د ملي اردو داعضاو د محاکمې په اثر (چه دارود د جگړې) په وخت کښې د چندرابوس له پلوه د جاپانيانو تر اثر لاندې تشکيل شوی و د هند په مختلفو نقطو کښې اعتصابونه او هلې ځلې جوړې شوی او سربېره پدې په بمبئي کښې بحري کار کړونکو چه ددوی او د اروپايانو معاشات يوشان ندي بغاوت وکړ مگر د حکومت د جدیت په اثر زړرفع شوه، خو سره ددې هم د هند وضعیت تر اوسه پورې ښه نه معلومېږي، دوه گونو حزبونو اعلان وکړ چه که فعلی تجويز، پکارونه لوېږي نو د آزادۍ د حصول د پاره به په سختو او کليکو عملياتو گوتی ورته شي، د افغانستان حکومت د هغې خواخوږۍ او علاقې په اثر چه دهند ملت سره لری سره ددې چه خپله هم دوچ کابلي سره مخامخ شويدي محض دهند د اقتصادي کونکونو او مرستو په مقابل کښې د خپلو احساساتو د څرگندولو د پاره ئي زرخواره غنم دهند حکومت ته دا عاني په توگه ورکړه اولکه چه معلومه شوېده د هند مطبوعاتو او نورو مقاماتو خپله خوشې ښکاره کړېده.

تر کيڼه: که څه هم د ترکيې حکومت پدې کال کښې تحينو سياسي مشکلاتو سره مخامخ

شوی ومگر بيا هم خپل وضعیت ئي تر آخره پورې خوندي کړی او خپل روابط ئي ټولو مالیکو سره ښه ساتلي دي، له بلې پلې نه ئي برعکس د پخوا عربي مالیکو ته ځان نژدی کړېدی لکه چه د عراق او لبنان واکداران په رسمي توگه انقري ته تللي او هلته ئي ښه هر کلي شوی دی، د روسيې مطالباتو د ترکيې نه که څه تر اوسه پورې کوم رسمیت ندي موندلی مگر بيا هم دومره معلومېږي چه روسيه سربېره د مونترود تړون (چه داردنل پورې اړه لری) د تجديد نظر نه

د فارس علاقې او اردهان چه د تېرې عمومي جگړې په اثر تر کبې د ارمنستان نه نيولی دی هم خپل حق گڼی ، تر کبې هم د داردانش د تړون تجديد نظر د بين المللی خبرواترو په واسطه منلی مگرداردهان او فارس داسترداد په نسبت په ټينگه مخالفت کوی ، د ترکيې او روسيې ۲۰ کلن تړون چه ددوی د دوستي او عدم تجاوز څخه هبارت دی وروسته تر هغه چه (پای ته ورسیده) بيا نوې شوی نه دی او پدې واسطه ددواړو مملکتونو روابط نامعلوم پاته دی مگر بالمقابل د ترکيې رابطه امریکا او انگلستان سره ډېره ښه ده ، لنډه ئی دا چه کوم موقعيت چه تر کبې د جگړې په موده گټلی و اوس ئې دلایسه ورکړی دی او تر هغه پورې چه تر کبې د روسيې سره هم خپله رابطه جوړه نکړی خپل اصلي موقعيت به هم بېرته بیا نه مومي .

فرانسه : دې مملکت چه تراوسه پورې لادجگړې د تاوانونو د لاسه ملاسه کړې نده پدې

کال کېښي سر بېره په سیاسي مشکلاتو چه دنورو لویو دولتو سره دلخان سمولو په لاره کېښي ورته مخي ته ورغلی په ټولو وختونو کېښي دخپل داخلي وضعیت په جوړولو هم بوخت و او دخپل اساسي قانون د تعديل او دنه تعديل په نسبت درای اخستلو په ذریعه داسی نتیجه ته ور سیده چه دفرانسی دملت لویه برخه دداسی تشکیلونو طرفدار دی چه هغه دفرانسی پخوانی تشکیلونه ورته دی اوداسی جمهوریت غواړی چه پارلمان ئې دوه کوټې ولری او د د رنګه حکومت جوړول غواړی چه د دولت رئیس ئی (رئیس جمهور) او د حکومت رئیس ئی (رئیس الوزرا) ، پکښې پېلوی او فقط درئیس جمهور په اختیاراتو کېښي بوشی و زیات شی چه د حربی اختلافاتو په وخت کېښي د سیاست موازنه وساتلی شی ، اوس چه دا کار خلاص شوی دی ددریو گوندونو څخه چه یونی دمترقی جمهوریت غوښتونکی گوند دی اوبل ئې دسوسیالستیانو گوند دی اودریم ئې د کمونستیانو گوند دی یو مختلط حکومت تشکیل شوی دی ، وروسته تر هغه چه جنرال دو گول دفرانسی دنجات قائد دکاره لاس واخیست دموقتي حکومت دریاست کار خوموده دملی مجلس رئیس ( گوان ) ته پاته و ، دپدو دتشکیلونو دفیصلې نه وروسته دمترقی جمهوریت غوښتونکی گوند رئیس مختلط کابینه تشکیل کړه او جمهوري ریاست انتخاب شو ، فرانسه دالمان څخه خپلو مطالباتو په برخه کېښي په تېره د ( رور ) او ( سار ) په الحاق اودرائن لند د بين المللی جوړولو په واسطه دانگلستان او امریکا دسخت مخالفت سره مخامخ شوی دی اودامخالفت لاتر اوسه پورې پاته دی ، دفرانسی اقتصادي وضعیت هم وران دی او تراوسه پورې دلایسه ئې نه دی شوی چه په اساسي اصلاحاتو گوټي پورې کړی .

دار ویا نور مملکتونه : دا ممالک په دوو برخو ویشو چه یوه برخه ئې هغه ممالک

دی چه دمحور تر لاس لاندی و اوهم په دوو برخو ویشو چه یوه برخه ئې دارو با شرقی مملکتونه دی چه روسيې سره نژدې رابطې لری اود کبې لاس د حکومتونو تر ادارې لاندی دی لکه رومانیه ، بلغاریه

هنګري او يوګوسلاويا؛ ددغو حکومتونو داخلي تشکيلونه امريکا او انگلستان په ښه سترګه نه ګوري او وائي چې ددې ممالکو انتخابات په ازادي سر نه دی شوی، دويم برخه د المان نور منګري او هغه ملکونه دی چې المانيانو نيولی وليکه فنلینډ، ناروی، بلژیک، هالینډ، لوكسمبرګ، چکوسلواکیا، استريا، ايټاليا، يونان او البانيا، دا مملکتونه ددوو وروستی مملکتونو په پرتله خپل پخوانی قانونی ژوند ته رسېدلی او خپل موقعیتونه ښه داسې ساتلي دي چې ددواړو خواوو سره ښې رابطې لري ددې جملې نه په بلژیک کېنيې د شاه لثويولډ په ورتګ د بلژیک ملک موافقه نه ده کړې لکه چې د شاه دا المان منګري بولي، په ايټاليا کېنيې شاهي رژیم د انتخاباتو په اثريخي دمنځه تللي او د جمهوريت رژيم په کار او بډلي دی چې تراوسه پورې لارښندي ټاکل شوی، دوه وروستی مملکتونه زیاتره دېر طانيې تر اثر لاندې دي او د همدغې خبرې په اثر لا روسیه شکایت لري. په البانيه کېنيې هم د جمهوريت رژيم اعلان شوی دی مګر په يونان کېنيې لایه رای اخستلوييل نه دی شوی او دا تن لوی استغ د نیات کارونه پای ته رسوي دارو پائي مملکتونو یوه بله برخه دارو یا پطرف دولتونه دي، لکه: سویس، اسپانیه، پرتګال اوسویېټن، اسپانيې نه پرته چې متحدین ورته په غرو پوښ کېنيې دی نور ټول خپل عادي ژوند په ارامۍ سره تېروي؛ په اسپانیه کېنيې سره ددې چې متحدین ورته ښه حسیات نلري او د اسپانيې د جلاي وطن جمهوري حکومت اودون هوان د اسپانيې د متوفی باچا الفانزو لخوا هم اقدامات کوي مګر بیا هم د فرانکو رژیم ټينګه دی، فقط خپله فرانکو دخپل رژیم دنرمولو دپاره بخښي اصلاحات کړي دي مګر د متحدینو قناعت پری نه حاصلېږي، ددې مملکت آئینده لاملومه نه ده.

عربي مملکتونه: پدې کال کېنيې عربي مملکتونه د پخوانه زیات سره را ټوډي شوي

او د آزادۍ د حاصلولو او دخپلو اجتماعي او اقتصادي چارو دوداندې وړلو دپاره یو دبله سره ښې دهمکاری اوملګري لاسونه ورکړي دي لکه چې د فلسطین سورئې او لبنان د مصر او د عراق په مسائلو کېنيې ټول په یوه خوله دی او خپل حقیقي اتحادې ښه څرګند کړي دي؛ د سورئې اولبنان مسئله پدې کال کېنيې داوه چې پدې نوو آزادشو و ملکوکېنيې دانګلیس اوفرانسی فوځونه ډېره کېدل مګر ددواړو مملکتو د اړتیا او داعرابو د جامعې دیوالی او د امنیت د مجلس اقدام په اثر فرانسی او انګلیس خپل فوځونه د جګړې نه وروسته او بیا ورسته تر دې چې په سوریه کېنيې هله ګوله جوړه شوه برطانوی عسکرو فرانسوي فوځونه مجبور کړل چې سوریه اولبنان خوشی کړي او بالاخره د کال په اخره کېنيې دانګلیس او فرانسی فوځونه دواړه د سورئې او لبنان نه ووتل؛ همدا رنگه دواړو ملکونو استقلال د افغانستان د خوا و پېژندل شو د فلسطین مسئله داوه چې د (۱۵) زره یهودو د مهاجرت



د کښې خوا ته: (۱) ټرومن ډامن ټکيا-زېښ-جمهور (۲) اټلي ټو انگلستان صدر اعظم  
(۳) ميکزيکسک: ډکالادا صدر اعظم ډاټلي دهغه سفر په وخت کښې چه امریکا ته کړی و  
ډا نړی کسان ډا ټرومن ډامن ټکيا-زېښ-جمهور بلل کيږي.



جایانی افسران و امریکائی جہاز در آملو بہ وقت کشتی دہشلم ہزارہ



د مصر او پاکستان د معاهدې په مورد کتبي مذاکره



د پاکستان د کابینې هیئت په نوي دهلې کتبي



دانشکریز اودھسہ دھنداکر اٹو نمایندگان : پھمنیج کیتی جمدنی باجا دھسہ صدر اعظم اولارد سسکت  
دانشکریز اودھسہ دھنداکر اٹو نمایندگان : پھمنیج کیتی جمدنی باجا دھسہ صدر اعظم اولارد سسکت

د نېټې د پوره کېدلو په اثر چه د جگړې په شروع کېنې فیصله شوی وه د فلسطین عربو د یهود مهاجرت فلسطین ته ونه مانه انگلیس او امریکا یو تر بله سره مشوره وکړه مگر پداسی حال کېنې چه اوازونی داروینا پنا گزینو سل زرو یهودو فلسطین ته دتلو پېش نهاد کړی او عربو ترې مخالفت کاوه ، دانگلیس او امریکا گډ هیئت ددې خبرې د پلټنې دپاره ولېږل شو دې هیئت د پلټونو نه وروسته یوه پروژو وړاندې کړه چه فلسطین دې په دریو برخو وویشلی شی چه دشتی برخه دې د عربو وی او ساحلی برخه دې یهودو ته پاته وی او د قدس علاقه دې تر پښتو کالو پوری د برطانیې وی او سمدلاسه دې سل زره نورو یهودو ته اجازه وشي چه فلسطین ته ننوزی د اپلان د عربو او یهودو دواړو له خوار د شو . اوس پداسی حال کېنې چه عربان په خورا پراخه سینه د عربو د جامعې اقدام ته گوری یهودو په شدت گوتې پورې کړی دی ، د عربو د جامعې فیصله کړې ده چه که فلسطین یو عربی مملکت ونه پېژندل شی نو دوی به جامعه ملل ته عرض وکړی د بیت المقدس پخوانی لوی مفتی چه د جگړې په وخت دمحمور په پلوو اود جگړې نه وروسته په فرانسه کښې تر نظارت لاندې نیولی شوی و په اسرار امیز توگه مصر ته راغلی دی اود مصر حکومت د کابینې د اعتراض په خلاف هغه ته پناه ورکړې ده .

د شرقی اردن مملکت هم چه د پخوانی عمرمی جگړې راهسې دانگلستان تر قیمو میت لاندی و ، په دې کال کېنې دانگلستان دخوا استقلالې وپېژندل شوا و امیر عبدالله دغه مملکت دخود مختار پادشاه په حیث اعلان شواو ددغه نوی عربی مملکت استقلال زمونږ د حکومت له خوا هم په رسمیت وپېژندل شو .

د عراق اود مصر شخړې دادی چه دانگلستانو فوځونه دې دمصر او عراق نه وولخی اود دوی پخوانی تړونونه چه برطانیې سره ئې کړی دی بېرته نوی شی او دافغیه ددې لامله پیداشوی چه دې دواړو مملکتونو د جگړې په وخت کېنې انگلستان سره مرستی کړی دی ؛ د برطانیې حکومت هم دې دواړو مملکتونو ته وعدې ورکړې او خبرې اتری ئې جاري دی ، لکه چه دمصر دخوشی کو او مسئله فیصله شوی هم ده او نور دنوی تړون مسئله تربحث لاندې ده مگر کومه خبره چه ډېره ستره اومهجه ده ، هغه په عربی ممالکو کېنې ددرې گونو دولتو د نفوذ خبره ده او دا درې واړه په پېلو پېلو لیاړو کو شېن کوی چه په عربی ممالکو کېنې نفوذ پیدا کړی امریکا غواړی چه د سعودی عربستان د تیلو منابع لاس ته راوی انگلستان اوروسیه هم غواړی چه په عربی ممالکو کېنې سیاسي ، اقتصادي او تهذیبی نفوذ او اعتبار پیدا کړی او سر بېره پدې ددغې منطقی سوق الجیشی لځایونو ته ئې هم سترگی نیولی دی .



د امریکا مملکتونه : دا امریکا مملکتونو چه دیخوا نه دیو والی لاسونه سره ورکړي. دی او فقط یوازی ارجنتاین ، برازیل او لویینورو وړو مملکتونو دمخو سره همدی در لودله مگر پدې کال کښې هغه رژیمونه او فیکرونه بیخي دمنځه تللی او د امریکائی مملکتونو په منځ دیو والی مزی ښه پسی ټینګ شوی اود ارجنتاین حکومت هم خپل سیاست بدل کړی اودنورو امریکائی مملکتونو لږ کښې ئی لځای نیولی دی اودغه دی چه د فحطی درفع کولو دپاره داروپا اوداسیا مصیبت زده مملکتونو سره مرسته او خوا خوژی کوی داتومیک بم د راز ښکارو او مسئله چه کانادا روسیې ته نسبت کوله دکانادا او روسیې په منځ کښې اختلافونه پیدا شوی دی مگر دواړو خوازد وخامت مخه ونیوله ، خو په همدې توگه پدې کال کښې د امریکا نه ددېکتاتو رانو دوروستنی پلویانو خولی بندی شوی اوټولو مملکتونو داتازونی په پیرو ددیو کراسی او بین المللی نظام خواته مخه کړی وه .

د مقالې په پای کښې باید داهم وویل شئ : څنگه چه سیام دجاپان دلاسه بېرته آزاد شو اومتحدینو هم دسیام آزادی بېرته ومنله او په دې کال کښې دسیام پاچا دسیام واگی بېرته په لاس ونیو او په داسې حال کښې چه په اداری اوسیاسی اصلاحاتو بوخت و، یوناځایی په شاهي مانی کښې مړ موندل شوی دی ، اعلان وشو چه ورور ئی دهغه په لځای پاچا شوی او دهغه تر بلوغه پوری دسلطنت دنیاوت دپاره یوهیث مقرر شوی دی .

دا و د کالنی پېښو اجمال چه لنډه شانتی بیان شود زیاترو پېښو نه چه د عومی او بین المللی مطالعا تو په ترڅ او یا دلویو مملکتونو دپېښو په ترڅ کښې ذکر شوی دی دیلو عنوانو لاندی ددریم لعل لیکلو څخه صرف نظر شوی دی لنډه ئی داچه که څه هم ددې مقالې دلیکلو په وخت کښې د دنیا سیاسی وضعیت ښه ښکاره شوی ندی مگر بیا هم دلخینو اقداماتو له رویه هیله کیدل شې چه همدا کال د دنیا دسیاسی ، اقتصادی اواجتماعی مشکلاتو روستی کال دی اوا مبدی چه تر نړی کاله پورې به د دنیا وضعیت له هر حیث نه ښه شوی او د دنیا د روغی او ټولو ملتونو د ښه ژوندانه دسویې دټینګولو دپاره د بین المللی همکاری ټینګ اساسونه کپېښودلی انشاله تعالی



## د حضور دوائر

### د دربار وزارت

وزیر : ع . ج والا حضرت سردار

احمد شاه خان

معاون : ع . ج محمد حیدر خان

معاون

د شریفاتو

عمومی مدیر : ع . ج عبدالرشید خان

د شریفاتو معاون : ع . ج محمد اکرم خان

ع . ج . ع . ج عبداللہ خان

د نظمیانو مدیر : ع . ج عبدالرحیم خان

ع . ج . ع . ج محمد زما خان

د کنشول مدیر : ع . ج میر امام الدین خان

د دوا خانې مدیر : ع . ج میر عبدالغنی خان

د تحریراتو

اوداوراقو مدیر : ع . ج محمد عظیم خان

د نقلیې مدیر : ع . ج میر اکبر خان

د کار خانې ناظر : ع . ج حاجی نظر محمد خان

د مخصوص قلم مامور : ع . ج میر علی احمد خان

S. A. Ahmad Shah Khan ministre de la Cour

### د شاهانه حضور مصاحبین

ع . ج سردار محمد حکیم خان

ع . ج . ع . ج محمد اکبر خان

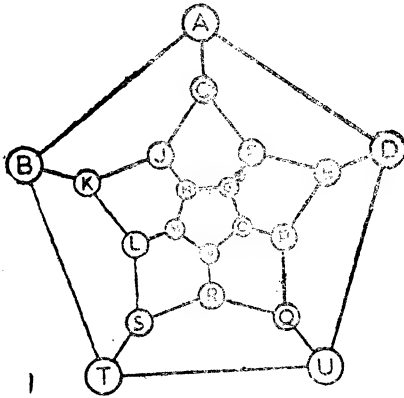
ع . ج . ع . ج سلطان احمد خان

ع . ج . ع . ج عبدالرزاق خان

ع . ج . ع . ج حاجی نواب خان

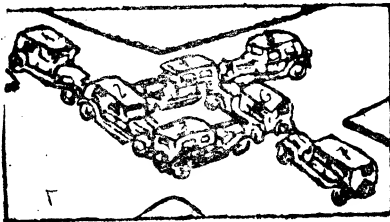
## تراموای

بلان مقابل محل تلاقی خطوط تراموای يك شهر



بزرگی را نشان میدهد . بیست استاسیون  
است . آیا دران يك خط سیری را پیدا کرده  
میتوانید که بوسیله آن از تمام استاسیون ها گذشته  
بتوانید ، اما فقط یکبار . استاسیونی که از آن  
حرکت می نمایند به انتخاب خود شماست ، اما  
عودت باید بهمین استاسیون منتهی شود .

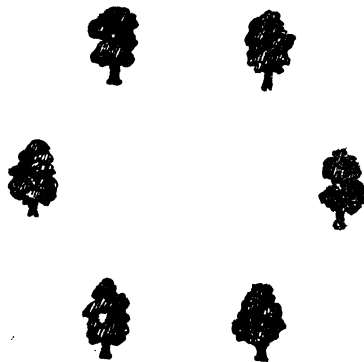
## يك معضله كوچك



هفت عراده موتر در مقابل بنظر شما میخورد  
که یکی سدراه دیگر شده و نمیتوانند خط ستر  
خود را تعقیب نمایند ، کدام يك ازین موترها باید  
جای خود را عوض نماید تا سایر موترهایی اینک  
بجای و راست بگردند بسرعت ممکنه به استقامتی  
که گرفته اند حرکت بتوانند

## درخت شادن

يك پروفیسور ریاضی که مالیخولیای خط های  
مستقیم و اشکال هندسی را داشت خواست درخت های  
يك چمنی را غرس نماید . اولاً شش عدد این درخت ها را بشکل  
شش ضلعی طوریکه شکل طرف راست نشان میدهد غرس کرد .  
سپس سه درخت دیگر با آنها اضافه کرد . اما به نحویکه  
مجموع آنها شش خط مستقیم را که هر کدام شان حاوی  
سه درخت بود تشکیل میداد .  
حالا بگوئید این سه درخت را در کجا غرس کرده است ؟



## عایله

يك عايله متشكل از هفت طفل است: آن، آلبر، آمبرواز، آرتور و آرنولد. سن وسطی بچه ها هفت سال و سن متوسط تمام اطفال شش سال است. يك ثانيه بی اینکه قلم یا کاغذی بدست بگیرید جواب دهید که سن (آن) چند است؟

سیاحت

يك سفر سیاح در اثنای مسافرت خویش از ممالك آتی میگذرد:  
فرانسه، المان، پولند، رومانی، ترکیه، یونان و ایتالیا این از بین یول هائیکه در ذیل ذکر می شوند آنهائی را که مورد استفاده قرار داده است کدام ها هستند:  
فرانك، مارک، کورون، لیره، دراشم، ینگو، لی، پیاستر، زلوتی.

## علامات انگشت

سرفتنی واقع شده و پولیس از ملاحظه نشان های انگشت سارق دریافت کرد که نامبرده چیه دست بوده است. از روی برگه که بدست پولیس افتاده بود بزودی هویت مجرم را دریافت کرده و در ظرف بیست و چهار ساعت او را در حالیکه در يك فابریکه شیشه سازی کار میکرد گرفتار کرد. دست چپ او بسته بود. در اثنای استنطاق جوابهای آتی را داد:

- آیا این پیشه همیشگی تست؟

- خیر، اولین است

- پیشه تو کدام است؟

- عمله هستم.

- دست چطور مجروح شد؟

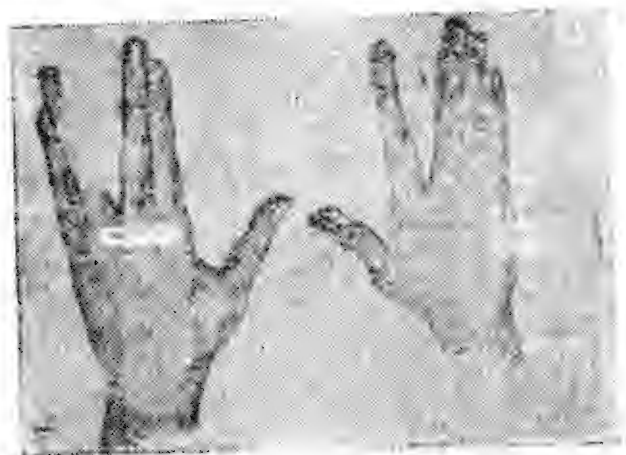
- در اثنائیکه پاکی ریش تراشی خود را بر روی يك پارچه چرم تیز میکردم.

حالا بگوئید که این مجرم از روی صراحت و صحت بتمام سوالات جواب داده است یا خیر؟  
و اگر راست نگفته باشد دروغهای او کدام ها ست؟

## آیا بدست های خود را کم هستید؟

شاید خیال میکنید که دست های شما همیشه زیر حکم شما میباشد؛ بسیار خوب؛ برای معلوم کردن حقیقت این تخیل خود این مشق کوچک را اجرا نمائید:

دست‌های خود را بهمان حالت معاندان یا بین بیابانید. سپس به سرعت آنها را بلند کنید.



اما به ترتیبی که انگشت‌های دست چپ  
وز است به صورتی که شکل مقابل نشان  
میدهد باشند. البته در بادی نظر این  
کار سهل و ساده معلوم می‌شود. اما  
وقتی که به اجرای آن کوشش میکنید  
ملاحظه خواهد کرد که انگشت‌های این  
بشا جز به سومین یا چار زمین بار اشته  
اطاعت نخواهند کرد.

## ۱. ترا هوای :

Aleponmlsrquibkjlhgfea

راه‌های حل‌های دیگری هم موجود است

۲ - يك مجفله كوچك :

موتور نمره (۱۵)

۳ - درخت شادین :

باید به ترتیب مقابل غرس شود :

۴ - ۵ - ۶ :

دو-اله

۵ - سراجت :

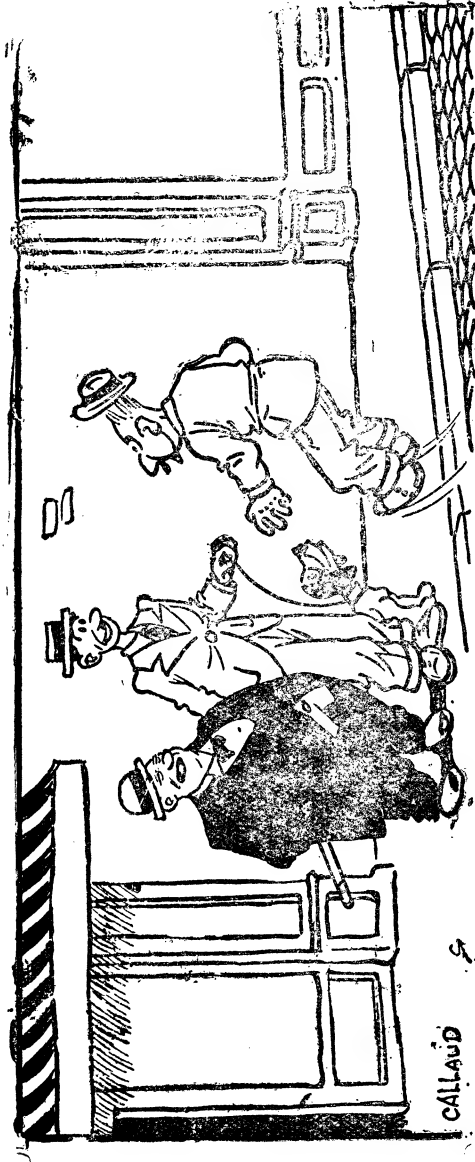
همه سکه‌ها به استثنای لورون ویشکو

۶ - علامات انگشت :

جواب اول و اخیر غلط است. (اگر يك بر که بدست بویس شمرده شود همین حالت

جراحت دست اوست که بیشتر هم دچار توفیق شده است - چه يك چه دست در اثنای تیز

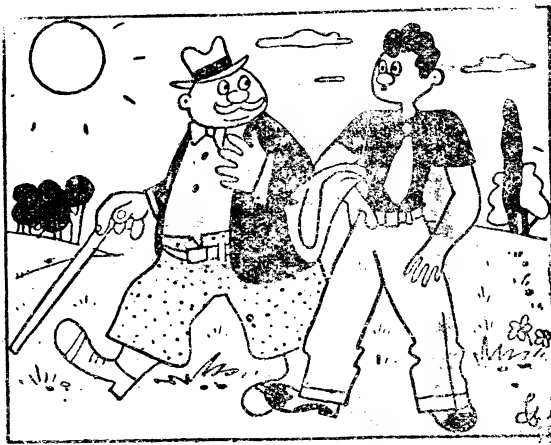
گردن و گوی ریش تراشی جری دست راست چپ امکان مجروح شدن را ندارد )



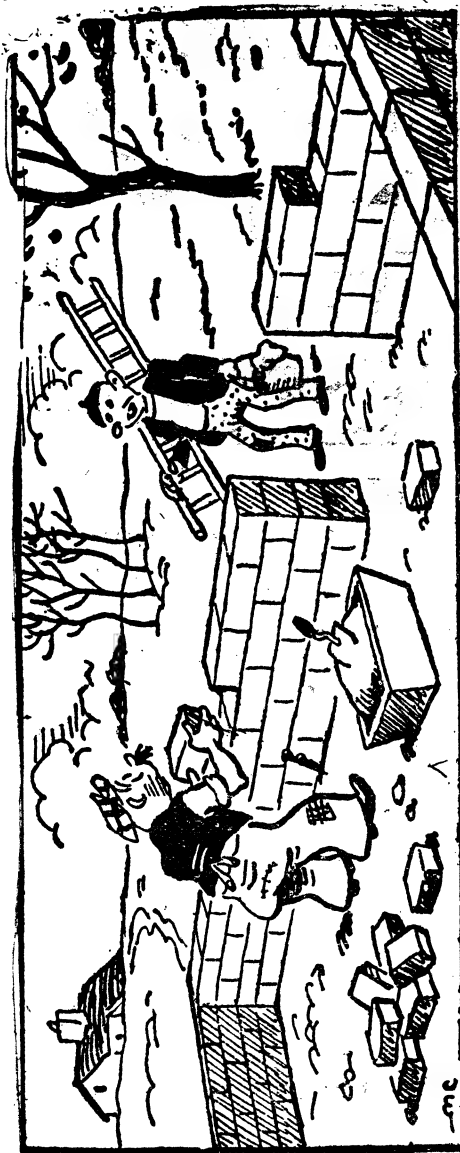
- بلی، ما برادر های شیری هستیم .
- هیچ انسان باور کرده نمیتواند
- تعجبی ندارد . تمام شیر را اونی شیده است .



مهمان به شاگرد هتل - او بچه! بگو، فعلاً چه گرفته می‌توانم؟  
شاگرد هتل - یک ریزش اعلی آقای محترم، چرا که مستقیماً باجر یان هوا مقابله هستید.



برای فردا به صد فرانک ضرورت دارم... میدانیکه این راز را فقط بخودت گفتم :  
خاطر جمع باش، مثلیکه به من هیچ چیزی نگفته باشی...

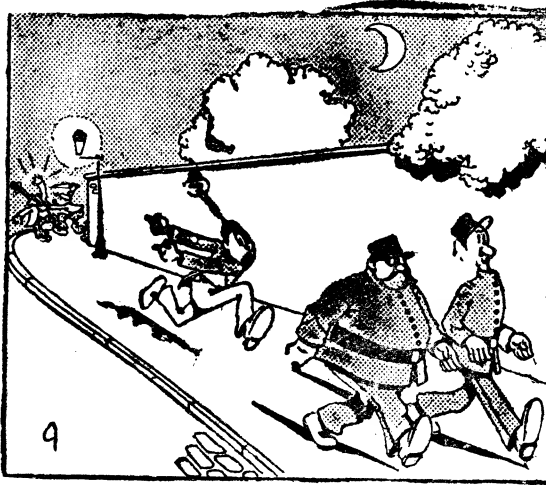


- اووه ! خیال میکنم که نیک کمی پیش از وقت رسیده باشم ؟

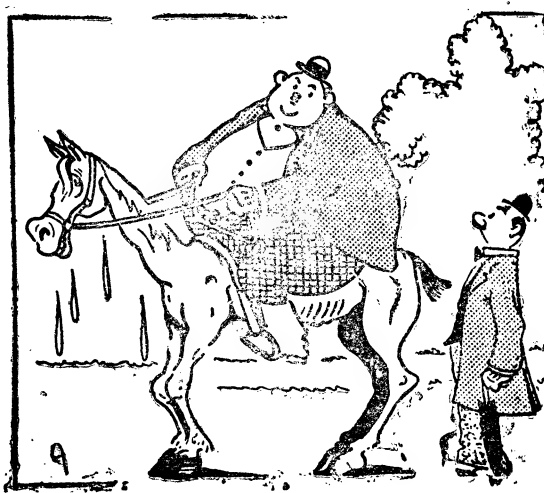
- برایشه کار آمدی ؟

- برای پاک کردن شیشه‌ها





حوالدارها ، آنجا ، آنجا ، يك آدم راميكشند !  
 - خوب ... بسيار خوب ... صبا  
 باز در اخبار ميخوانيم .



### ورزش اسوار کاری

مردیكه به اسب سوار است : - اسب سواری ! بهترين ورزشی برای لاغر شدن است  
 فقط يك ماه پيشتر اگر اين اسب را ميديد صدق گفتار من بشما پوره معلوم می شد . واقعا چقدر فر به بود .

# فهرست مندرجات سالنامه

۲۵ - ۱۳۲۴

## الف - مضامین :

صفحه	مضمون
۱	د کابل ۱۴ کالنی
۲	د افغانستان پادشاه
۳	تشکيلات مملکتی - (صدارت عظمی)
۵	تشکيلات وزارت حریه
۸	» » خارجه
۱۲	» » داخله
۱۳	» » عدلیه
۱۴	» » مالیه
۱۵	» » معارف
۱۸	» » اقتصاد
۲۰	» » فوائد عامه
۲۱	» » صحیه
۲۲	» » پست و تلگراف
۲۳	» » معادن
»	» ریاست مستقل زراعت
۲۴	» ریاست مستقل مطبوعات
۲۶	» ریاست مالیات بر عائدات
۲۷	» ریاست عمومی محاسبات

## ولایات و حکومتات اعلی :

۲۷	تشکيلات ولایت کابل
۲۸	» » قندهار
۲۹	» » هرات
»	» مزار شریف
۳۰	» » قطغن

صفحه	مضمون
۳۱	تشکیمات ولایت مشرقی
۳۲	» » جنوبی
»	» حکومت اعلای میمنه
۳۳	» » اعلای فراه
۳۴	» » اعلای بدخشان
۳۵	» دوائر ملی (شورای ملی)
۳۹	» مجلس اعیان
۴۰	» دوائر حضور (وزارت دربار)
۴۱	» دارالتحریر شاهی
»	» رؤسای بلدی
۴۲	مدیرهای مطبوعات مرکزی ولایات
۴۳	تشکیمات دافغانستان بانک
	<b>اجراآت دوائر مملکتی :</b>
۴۵	امور وزارت حربیه
۴۸	» » خارجه
۵۷	» » داخله
۶۲	» » معارف
۹۰	» » فوائد عامه
۹۷	» » صحیه
۱۱۳	» » پست و تلگراف
۱۲۵	» » معادن
۱۴۰	» ریاست مستقل زراعت
۹	
۱۴۰	» ریاست مستقل مطبوعات
۲۱	
۱۴۰	» مالیات بر عایدات
۲۸	
۱۴۰	» ریاست تقنیش عمومی محاسبات
۳۰	

مضمون	صفحہ
امور ولایت کابل	$\frac{۱۴۰}{۳۱}$
» ولایت قندهار	$\frac{۱۴۰}{۳۸}$
» ولایت هرات	$\frac{۱۴۰}{۳۹}$
» ولایت مزار شریف	$\frac{۱۴۰}{۴۵}$
» ولایت خان آباد	$\frac{۱۴۰}{۴۷}$
» ولایت مشرقی	$\frac{۱۴۰}{۴۹}$
» ولایت جنوبی	»
» حکومت اعلیٰ میمنہ	$\frac{۱۴۰}{۵۲}$
» حکومت اعلیٰ فراه	$\frac{۱۴۰}{۵۳}$
» حکومت اعلیٰ بدخشان	$\frac{۱۴۰}{۵۴}$
تصویبات سال ۱۳۲۴ شورای ملی	$\frac{۱۴۰}{۵۵}$
تصویبات سال ۱۳۲۴ مجلس اعیان	»
اعطای نشان	$\frac{۱۴۰}{۵۶}$
امور د افغانستان بآ نك	$\frac{۱۴۰}{۵۷}$
امور بآ نك ملی	$\frac{۱۴۰}{۶۵}$

## مقالات :

صفحه

۱۴۱	کنشکبا
۱۶۱	نقوذ عرب در افغانستان
۱۸۱	دپیتو اوسانسكریت گرامری نزدیوالی
۲۰۰	دابدا لیانو مشاهیر
۲۲۱	دپیتو اوسنی مشاعری
۲۴۳	اریائی، پارسی، پیتو مرثی اوویرنی
۲۶۹	لغات فراموش شده پیتو
۲۹۳	روزنه
۳۱۵	شهرزاده بست
۳۲۴	رود های افغانستان
۳۳۱	مهمترین معترعات ۱۳۲۴
۳۸۱	اعمال اقتصادی مملکت در ظرف سال ۱۳۲۴
۳۹۳	په ۱۳۲۴ کال کنهې دنړۍ پینې مشغولیات تفریحی

## ب : تصاویر :

صفحه

مقابل ۲	تصویر
۴ »	اعلیحضرت معظم همایونی
» »	ج، ع، ج والاحضرت سپه سالار غازی صدر اعظم
۵ »	وزرای دولت (۳) قطعه
۶ »	مقرری در صدارت عظمی (۲) قطعه
۸ »	ع، ج والاحضرت وزیر حربیه
۱۰ »	ع، ج والاحضرت سردار شاه ولیخان
۱۸ »	ع، ج » » محمدنعیم خان
» »	هیئت اجتماعی کابینه
۱۹ »	هیئت مطبوعاتی بحضور صدراعظم صاحب
۴۶ »	مقرری ها در وزارت اقتصاد ملی (۴) قطعه
	» » » حریبه (۱۹) قطعه

صفحه

تصویر

والاحضرت وزیر حربیه وسائر صاحبمنصبان بروز

توزیع شهادتنامه تعلیمگاه توپچی

مقابل ۴۷

مقرنیها در وزارت خارجه (۴) قطعه

» ۵۶

» » » داخله (۷) قطعه

» »

» در دوائر متفرقه (۷) »

» ۵۷

» » وزارت صحیه (۲) »

» ۱۰۸

عمارت اساسی مسلح

مقابل ۱۴۰  
۳۵

دیوی عمومی دهمزنگ

» ۱۴۰  
۳۶

دارالمعلمین اساسی

» »

یک حصه از تعمیر جدید مسلح

» »

هونل هرات

» ۱۴۰  
۳۹

حکومتی اند خوی

» ۱۴۰  
۴۰

آبادیهادر مزار شریف ومربوطات آن (۵) قطعه

» ۱۴۰  
۴۵

تعمیر پسته خانه در ده افغانان

»

منظره رخه پنجشیر (رسم رنگه)

» ۱۴۰  
۵۷

» پل شاه دوشمشیره علیه الرحمه (رسم رنگه)

» ۲۶۱

اختراعات جدیده که در متن طبع شده (۳۹) قطعه از صفحه ۳۳۴ الی ۳۸۰

وزراء و کفیل وزراء ورؤسای مستقل (۱۵) قطعه

سفرای خارجه (۱۵) »

مقاله نگاران سالنامه (۱۲) »

در مضمون یوهنتون که در متن طبع شده (۴) »

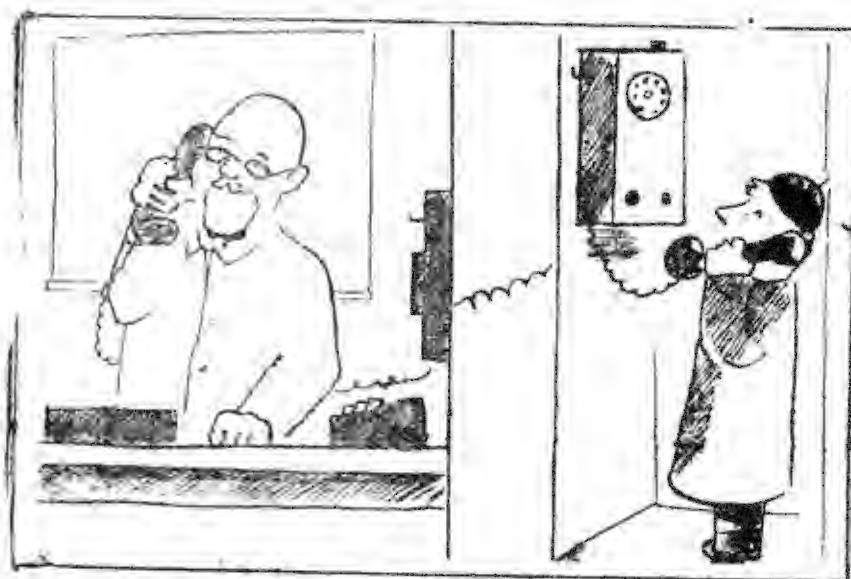
از مناظر جشن استقلال (۱۱) »

کنفرانس و رجال خارجی (۲۰) »



د جنوبی دولايت له طبيعي مناظر څخه ، د سري خاوري دره چه د خنډراتويه كوستان كښي واقع ده  
د شاغلي « پرېش » رسم





### در تېلفون

طفل - هلو ! آقای پروفیسور هستید ؟ طفلك من امروز بمكيب آمدم نمیتواند  
چرا که مریض است پروفیسور - به تېلفون که حرف میراند ؟  
طفل - باباه جانم است



شاعر - سلام یتو، ای خزان ! قشنگ ترین فصل ها !  
باغبان باغ عمومی - خدای میکنم شخصیکه برگ های خشکیده را  
جمع میکند خودت باشی !





## شاعی دارالتجربہ

محضور سرمنشی	عاج سراج محمد عمر خان
سرمنشی مشاور	عاج سراج الدین خان
دامری شاکر مہر	حافظ انور محمد خان
دبوسی	عبد القیوم خان
داور اقر	علامہ قادر خان
دعوی کمان	
دبستود کووس معلہ	( ) مولوی صالح مصدق

## دشاہانہ حضور حربی سرپاوری

سرپاوری	عاج عبد القیوم خان امزی فرہمتر
حربی پاوری	عاج محمد حسین خان انکمتر
	شاکر مہر خان گنبدین خان کتد کتد
	در محمد خان

عاج سراج محمد عمر خان دشاہانہ حضور سرمنشی  
S Ex. Mohd Omar Khan Secrétaire  
Général de S.M.

## دبلدیور ٹیسان

دابلدیوری (سر کفر)	عاج سراج محمد عمر خان
دقندھار	عاج محمد اسحاق خان
دجرات	عاج عبد اللطیف خان
دمواو شریف	عاج عبدالکریم خان
دقطن	عاج عبدالستار خان
دمشرفی	عاج علی شاہ خان
دجٹوی	عاج یار محمد خان
دمیٹھی	عاج عبدالرحمن خان
دقرا	عاج شمس احمد خان

## د داخلی روزنامه ، محلو او جرابند و مدیران

### الف مرکیز :

د اصلاح روزنامه : مدیر ښاغلی محمد فایز خان (نره کی)  
د انیس « » : او دامتیاز خاوند ښاغلی محمد عثمان خان (صدقی)  
د آریانا مباحثی مجله : « او مؤسس ښاغلی احمد علیجان (کهزاد)  
د کابل « » : « ښاغلی گل پاچا خان (الف) د پښتو ژبې د صحافت له څانګه شریبزی  
د اقتصاد « » : « ښاغلی غلام دستګیر (اوریان) د ملی اقتصاد د وزارت د انطاعانو  
له عمومی مدیریت څخه شریبزی

د اردو مجله « » : له ریاست او کتابخو څخه شریبزی  
د دروغتیا « » : د حفظ الصحی د عمومی مدیریت د نشریاتو له څانګې شریبزی  
د پښتون رغ « » : د راډیو د نشریاتو له څانګې شریبزی  
د افغانستان درې مباحثی مجله : (د نشریاتو د دریمې څانګې شریبزی)

### ب - ولایات :

د طلوع افغان د قندهار روزنامه : مدیر ښاغلی محمد یوسف خان (ایازی)  
د اتفاق اسلام د هرات « » : « محمد هاشم خان (پردیس)  
د دیدار د مزار شریف هفته واره جریده : « عبدالصمد خان (جاهد)  
د اتحاد قطغن « » : « سعید مسعود خان (پوهنیار)  
د مشرفی اتحاد « » : « کفیل ښاغلی عزیز الرحمن خان (سینې)  
د وړانګه د جنوبی « » : « مدیر ښاغلی محمد ارسلان خان (سینې)  
د ستوری د مینې « » : « میر غلام احمد خان (صالحی)  
د بدخشان « » : « میر امین الدین خان (انصاری)

## افغانستان بانک

### ۱- عالي شورا هيئت :

«ع. ج. محمد نور محمد خان د دولت وزير»	نمونه
«ع. علي محمد خان د خارجي چارو وزير»	د رئيس
«ع. غلام مجبى خان د سياست او دواړو گروپون»	د
«ع. محمد اکبر خان د فواید عامي وزير»	د
«ع. س. نجيب الله خان د معارف د وزارت د لوي»	د
«ع. غلام حيدر خان د بانک د ملي دريافت د لوي»	د
«ع. غلام غوث خان د ملي اقتصاد د وزارت د دوهم معين»	د

### ۲- د نظار هيئت :

«ع. س. عبدالوهاب خان د مالي د وزارت د دوهم معين»	عضو
«ع. عبدالحي خان (عزيز) د ملي اقتصاد د وزارت د دوهم معين»	د
«ع. غلام مجبى خان د دواړو د لوي د رئيس»	د
«ع. محمد انور خان د وزارت د مالي د اسرايې د موسسې مدير»	د
«ع. عبدالغفور خان»	د
«ع. محمد عثمان خان د دواړو د مالي د سياست د شخصيې د مدير»	د
«ع. محمد عثمان خان د سياست د نظامي»	د

### ۳- د خپري پښتواني ، اود د بانک د لوي د لوي د رئيس د لوي د رئيس :

«ع. ج. محمد نوروز خان د عالي وزير»	عضو
«ع. س. غلام مجبى خان د معارف د وزارت د رئيس»	د
«ع. سردار محمد عمر خان د امن د سياست د لوي»	د
«ع. عبدالکريم خان (حقاني) د ملي د سياست د رئيس»	د
«ع. نظر محمد خان د دواړو د لوي د رئيس»	د
«ع. مير محمد علي خان د ملي شورا وکيل»	د
«ع. حاجي عبدالصير خان»	د

۴:- دبانك عامل هيئت :

رئيس : ع، ج، ا، ع عبد المجيد خان دافقصاد ملی وزیر  
 درئيس كفيل : « ، ص سردار محمد عمر خان  
 معاون : « ، « محمد علي خان  
 داجر انبي عمومي مدير : « ، حبيب الله خان

دبانك: دمر كړی دوائر و مشران

دخانو خزانو خاندار	: ع، ص نظر محمدخان
دداخلی خزانی دمدير کفيل	: ص، مانک چند
دخارجہ دار تباطو مدير	:
دتجرياتو اودمخصوص قلم مدير	: « ، سيد اسحق خان
داجرانيي اودمامورينو مدير	: « ، محمد حيدر خان « نيسان»
داعتباراتو مدير	: « ، عبدالله خان
دتفتيش مدير	: « ، صلاح الدينخان (طرزی)
دکنترول »	: « ، سد احمد عليشاه خان
دمحاسبی »	: « ، صالح محمدخان
ددشفر مامور	: « ، جمعه خان
داسعارو دنظارت مامور	: « ، محمد صديق خان
داوراقو دمامور کنيل	: « ، علي احمدخان

د افغانستان بانک داخله نمایندگان :

دقندهار نماینده	: ص ، خواجه ذکرا اللہ خان
دھرات »	: » ، سعد الدین خان
دمزار »	: » ، محمد آصف خان (عمد قی)
دآفچه »	: » ، نیک محمد خان
داندخوی »	: » ، محمد حسین خان

## امور وزارت حربيه

امور - سکری از توجه مخصوص ذات همايوني وزحمت کشي های شاروژ والا حضرت سپه سالار غازي وزير حربيه سال بسال رويه بهبود گذاشته وعلاوه از اينكه اردوي شاهانه در تامين امنيت رول روز افزوني ميگيرد، انتظامات آن از هر حيث رويترفي ميباشد. اينك شمعۀ از اجرا آت سال ۱۳۲۴ وزارت حربيه ومربوطات آنرا باطلاع مرسانيم .

### ۱- امور تشکيلاتي

- ۱- تشکيل کورس ضابطان طويچي به داخل کورس عالي .
- ۲- تشکيل کورس دواسازی .
- ۳- تشکيل کورس موقتي اسلحه ثقيله .
- ۴- تشکيل کورس موقتي مخابره .
- ۵- تشکيل واصلاح بعضی جزوتامها نظر به مقتضي عصر واسلحه جديد .
- ۶- توسعه شعبۀ اخذ عسکر رياست اردو به مدیریت عمومي واخذ عسکر واختصاص .

### ۲- امور تعليم وتربيه .

- ۱- فراغت يك عده ضابطان مکتب حربيه .
  - ۲- فراغت دوره سوم کورس ضابطان صحيه وخورد ضابطان مکتب صحيه وييطاريه .
  - ۳- فراغت دوره چهارم مکتب مخانيکي حربيه .
  - ۴- فراغت دوره سوم کورس مامور حساب وآغاز دوره چارم .
  - ۵- اکمال تحصيل دوره چارم کورس موزيك .
  - ۶- شمول وفراغت يك عده ضابطان مرکز واضراف در کورس اسلحه ثقيله بياده ومخابره .
  - ۷- ورود يك عده ضابطان فارغ التحصيل از اکادمي حربيه آقره به وطن .
  - ۸- اعزام يك تعداد ضابطان وخورد ضابطان برای تحصيل وستار در صنوف مختلفه عسکري در اردوي هند .
  - ۹- استحصال نتيجه مثبت از کورسهای اکابر قطعات وتقديم يك عده بزرگ جوانان باسواد برای مملکت که در ضمن فرا گرفتن تعليمات عسکري خواننده ونويسنده نيز شده اند .
  - ۱۰- موفقيت کورسهای سمستر ششم پشتوي وزارت حربيه وتعين يك کومسيون مرکب از پشتوي وزارت حربيه و نمايندگان رياست مطبوعات ووزارت معارف برای امتحان وبازديد کورسهای پشتو واکابر قطعات اطراف اعزام گردیده که عنقریب نائج آن نشر خواهد شد .
  - ۳- امور نشرات عسکري .
- در ضمن اثرات عسکري با وجود بحران وقت مواد طباعتي يك تعداد تعليمات مه ها

# د حرب په لوبو وزارت کسې مهمې مقرري-



ع. ا. ش. محمد علي خان قريشي د ۲۵ لوبو  
په وزارت کې کړل شوي دي



ع. ا. ش. اسدالله خان د حرب  
د ۲۵ لوبو په وزارت کې کړل شوي دي



ع. ا. ش. اسدالله خان د ۲۵ لوبو  
په وزارت کې کړل شوي دي



ع. ا. ش. اسدالله خان د ۲۵ لوبو  
په وزارت کې کړل شوي دي

## د حېرې پد لور وزارت كښې مهمې مقرري



۱۰ - جنرال محمد خان دوهم فرقه مشر او دنده دار  
د فرقي قوماندان چه امرې فرقه مشر شويدي



۱۱ - جنرال عبدالواحد دوهم فرقه مشر او دنده دار  
د روان حېرې پد لور چه امرې فرقه مشر شويدي



۱۲ - جنرال غلام دستگیر خان امرې غنډ مشر او د حېرې پد  
فابريکې عمر مي مدير چه دوهم فرقه مشر شويدي



۱۳ - جنرال عبدالاحد خان امرې غنډ مشر او د حېرې پد  
رئيس چه دوهم فرقه مشر شويدي

# بحرہ بہ لود وزارت کتبی مہی مقررہ



ح ۵ خورشید لغمان دوم خانہ مشر  
چہ امری خانہ مشر شویلی



ح ۶ غلام خان دوم خانہ مشر چہ دھیر  
بہر قہ کتبی امری خانہ مشر شویلی



ح ۷ محمد آصف خان خانہ مشر چہ د لوانہ  
د ریاست معاون مقرر شویلی



د حربي په اود وزارت اشپي مهمي مقرري-



ح ، امير احمد خان کښه کمشر چه ددغه دودر  
په فارقه کښي دوهم غلام مشر شوي دي



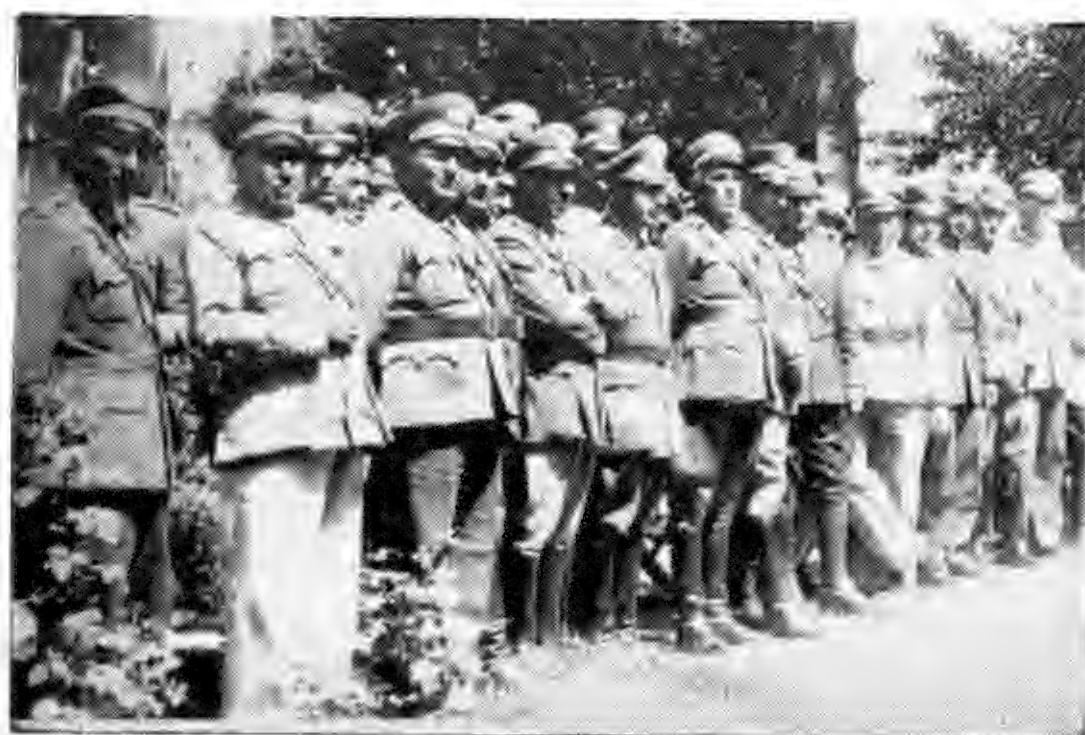
ح ، عبدالرحمن خان دوهم غلام مشر  
چه امري غلام مشر شوي دي



ح ، عبدالاحد خان کښه کمشر چه ددغه دودر  
قول اردو کښي دوهم غلام مشر شوي دي



ح ، محمد افضل خان کښه کمشر اود کورسو  
دمديريت معاون چه دوهم غلام مشر شوي دي



الاحقرات تحریر وزیر اوقاف الدو اور ارشد صاحب مضافان داتوچی  
دتمینکناہ دشر بشلامو د اوتیغ یوورخ

واثرات مختلفه عسکری و مخصوصا یک عده کتب برای تدریسات کورس عالی حربی طبع

و نشر شده است .

۴- امور معاملات ذاتیه .

۱- تغییر و تبدیل و مقرریها در قطعات، دوائر و موسسات اردو .

۲- ترتیب لیستهای مستحقین ترفیع و اجرای ترفیع آنها .

۳- سوق یک عده صاحب منصبان و منسوبین اردو را به تقاعد و معرفی آنها بمدیریت تقاعد .

۵- امور صحیه .

۱- توریید یک مقدار مکفی ادویه و سامان جراحی .

۲- وا کسناسیونهای اجباری و موسمی در قطعات و موسسات اردو .

۳- توریید یک مقدار بزرگ آنتی لاس بودرو آنتی ملاریا کریم و توزیع آن به قطعات

باهدایتنامه های صحی راجع به طرز استعمال آنها .

۴- تعیین واعزام یک هیئت صحیه بغرض آموختن مجادله ملاریا به هند .

۵- اصلاحات لازمه در امور اخذ استانتستیکهای صحیه در اردو .

۶- ترتیب تعلیماتنامه قابلیت بدنیه اردو که عنقریب مراتب اصولی راضی و نشر میشود .

۷- تجدید در امور حسابی ادویه شفاخانه عسکری

۸- تعدیل اوزان مختلفه ادویه به اوزان سیستم متریک .

۹- تهیه و خریداری وسائط شفاخانه برای وزارت حربیه و قوای مرکز

۶- امور لوازم

۱- تهیه و تدارک البسه و تجهیزات اردو بقراریکه در نظر بود .

۲- تعیین کومیسئون غورو تدقیق در مدیریت تقاعد .

۳- تنظیم و تشکیل دفتر کوپراتیف عسکری که مقدمات آن از سنه ۱۳۲۳ گرفته شد بود .

و توریید یک مقدار اشیای احتیاجیه ضابطان ازخارج و تنظیم مغازه کوپراتیف در کلوپ عسکری .

۷- امور اسلحه و جبه خانه

۱- تدارک و خریداری یک عده اسلحه . جبه خانه و مالزمه حربیه ازخارج .

۲- تدقیق و معاینه فنی اسلحه ازطرف کومیسئون تدقیق و معاینه .

۳- فرمایش یک تعداد طبیاره های تعلیمی برای مکتب هوا بازی .

## فرقه مشران ثانی که فرقه مشراول شده اند .

- ۱ - ع ، ش پیر محمد خان فرقه مشر اول
- ۲ - ع ، ش عبدالقیوم خان فرقه مشر اول رئیس حربی
- ۳ - ع ، ش عبدالله خان فرقه مشراول رئیس دیوان حرب دائمی
- ۴ - ع ، ش محمد علم خان فرقه مشر اول قوماندان فرقه (قند هار)

## غند مشران اول که فرقه مشر ثانی شده اند .

- ۱ - ع ، ش عبدالحمید خان فرقه مشر ثانی رئیس محاکمات
- ۲ - ع ، ش غلام دستگیر خان فرقه مشر ثانی مدیر عمومی فابریکه حربی
- ۳ - ع ، ش محمد گل خان فرقه مشر قوماندان فرقه (هرات)
- ۴ - ع ، ش ، غلام جیلانی خان فرقه مشر ثانی قوندان فرقه (فراه)
- ۵ - ع ، ش نصر الله خان فرقه مشر ثانی

## غند مشران ثانی که غند مشراول شده اند .

- ۱ - ح ، غلام محمد خان غند مشر اول در فرقه هرات
  - ۲ - ح ، عبدالرحمن خان غند مشر اول در فرقه هرات
  - ۳ - ح ، شاه محمد خان غند مشر اول در فرقه مشرقی
  - ۴ - ح ، محمد حسین خان غند مشر اول
  - ۵ - ح ، خوشدل خان غند مشر اول در بستان مرکز وزارت
- کند کمشران و معادل آن که به غند مشری ثانی و معادل غند مشری ثانی ترفیع کرده اند .

- ۱ - ح ، شیر احمد خان غند مشر ثانی در فرقه قندهار
- ۲ - ح ، محمد افضل خان غند مشر ثانی معاون مدیریت کورسها
- ۳ - ح ، عبدالعزیز خان غند مشر ثانی فرقه قطغن
- ۴ - ح ، عبدالاحد خان غند مشر ثانی قول اردوی جنوبی
- ۵ - ح ، عبدالله خان غند مشر ثانی فرقه مشرقی
- ۶ - ص فقیر محمد خان سر بیطار نقایه وزارت مامور (۴) معادل غند مشر ثانی
- ۷ - ص ظهراالدین خان عضو هیئت خریداری وزارت حربیه مامور (۴) معادل غند مشر ثانی

## امور وزارت خارجه

وزارت امور خارجه بناسی از نظریات ذات شاهانه و کابینه وزراء درین سال بیشتر سیاست دوستانه خود را باتمام ممالك بالخاصه همسایگان اساس اجرا آت خویش قرار داده و در راه حفظ وتشهد مزید مناسبات خود صرف مساعی کرده است .

اجراآت مهمه که در مزور سال ۱۳۲۴ از طرف شعبات وزارت خارجه بعمل آمده قرار آتست:

### ب ' شعبه دوم مدیریت عمومی سیاسی :

در آغاز سال جاری باتوافق نظرو تصمیم دولت پادشاهی افغانستان وحکومت اتحاد جما هیر اشتراکیه شوروی برای معاینه بندهای چوبک و چپله کمر شوروی و تیم تیه افغانی کمیسیون مختلط به تفصیل ذیل فرستاده شده بود .

الف - بتاریخ ۲۳ حمل هیئت اهرامی سرحد مرکب از اشخاص ذیل است :

- ۱ - ع ج محمد کبیر خان وزیر فوائد عامه رئیس هیئت
  - ۲ - ص فضل احمد خان مدیر شعبه دوم سیاسی وزارت امور خارجه عضو اول هیئت
  - ۳ - « علی احمد خان مهندس وزارت فوائد عامه عضو دوم هیئت
  - ۴ - « سید محمود خان کاتب وزارت امور خارجه عضو سوم هیئت
  - ۵ - « محمد هاشم خان ترجمان لسان روسی عضو چهارم هیئت
  - ۶ - « مسترالیکز ندر انجنیر وزارت فوائد عامه وابسته به هیئت افغانی
- هیئت شوروی

- ۱ - آقای سوید یرنکو کمیسار نقلیه بحری - رئیس هیئت شوروی
- ۲ - « کوزنتسوف کفیل کمیسار ملی نقلیه بحری عضو هیئت
- ۳ - « ایگوروف انجنیر آبیاری عضو هیئت
- ۴ - « ورونکوف غند مشر اول عضو هیئت
- ۵ - « ما کاروف غند مشر ثانی عضو هیئت

ب - بتاریخ ۲ سرطان مجدداً هشتی به سر حد برای معاینه بندهای مذکور مرکب از اشخاص ذیل فرستاده شد .

هیئت افغانی :

- ۱ - ع، ج محمد کبیر خان وزیر فواید عامه رئیس هیئت
- ۲ - ص محمد قسیم خان مدیر شعبه ۴ سیاسی وزارت خارجه معاون هیئت
- ۳ - مستر النکر زاندر انجنیر وزارت فواید عامه عضو هیئت
- ۴ - « کیس انجنیر »
- ۵ - ص سید محمود خان سکرتر وزارت امور خارجه عضو هیئت
- ۶ - « فتح محمد خان معاون انجنیر وزارت فواید عامه عضو هیئت
- ۷ - « جان خان معاون » « عضو هیئت
- ۸ - « میر غلام حامد خان ترجمان لسان روسی »

هیئت شوروی اشخاص فوق الذکر میباشد :

بقرار تشریحات بالا کمیسیون مختلط از طرف دولتهای افغانستان و شوروی برای معاینه و بازدید بندهای دوطرف ساحل دریای پنج بتاریخهای مذکور به سرحد اعزام شده بودند چنانچه هیئت طرفین بر محل رفته بندهای دوطرف دریا را معاینه نموده و صورت مشاهدت فنی خود را به حکومت های خود راپور داده اند

ج - شعبه ۴ مدیریت عمومی سیاسی :

### موافقه تبادلۀ خریطۀ پوستۀ - سیاسی بین افغانستان و امریکا

۱ - : وزارت امور خارجه دولت پادشاهی افغانستان و وزارت مختاری دولت متحد امریکا موافقه تبادلۀ پوستۀ سیاسی دوجانبه مجانی را بتاریخ ۱۸ ثور ۱۳۲۴ مطابق ۸ می ۱۹۴۵ بتوسط تبادلۀ مکاتیب رسمی عقد نمودند و از تاریخ فوق الذکر مواد موافقه متذکره عملی و جریان پذیر گردیده است باسناد موافقه مذکور بین کابل و واشنگتن بسته سیاسی به صورت مجانی ارسال می گردد

۲ - : موافقه مستقیم راجع به مخابرات رادیو تلگرافی افغانستان و منطقه اول دول متحدۀ امریکا بین کمپانی مکی رادیو نیویارک و استانسۀ رادیو تلگرافی کابل بتاریخ ۱۷ اسد ۱۳۲۴ مطابق ۹ اگست ۱۹۴۵ بواسطۀ تبادلۀ مکاتیب رسمی وزار خارجه و وزارت مختاری امریکا در کابل انعقاد پذیرفت و از آن تاریخ به بعد مخابرات مذکور با محصولات معینه آن جریان دارد



ج.ع.ج. ۱۹۱۸ء نپان والاحضرت غازی سردار شاہ محمود خان سپہ سالار صدر اعظم  
S.A.R. "A. A." Maréchal Shah Mahmoud Khan Ghazi Nouveau  
premier ministre

## دولت و وزیران



میرزا اسد خان  
دولت وزیر



میرزا اسد خان  
دولت وزیر



میرزا اسد خان  
دولت وزیر



## په صدارت عظمی کښې مقرري



ع. ا. خان عبدالله خان صدارت عظمی  
د تجریر او ددیني خانګې مدیر



ع. ا. محمد داود خان صدارت عظمی  
د تجریر او ددوهې خانګې مدیر

ب- د عرايضو عمومي مديريت :

عمومي مدير : ع ، مبر عبدالله خان

د- داجرائي مديريت :

مدير : . . . . .

ج- دضبط احوالاتو رياست :

دضبط احوالاتو رئيس اود مجلس وزرا منشي : ع ، ص محمد شاه خان

» » ليري مدير : ص ، . . . . .

» » «دوهم» : ، محمد رفیق خان

» » دسجاولو سوانح : ، محمد عثمان خان

د - ریاست تشریفات :

الف : - ورود سفرا و نمایندگان سیاسی دول خارجه در دوره سال ۱۳۲۴ بکابل :

- ۱ - جلالتماب آقای حوا داستون سفیر کبیر دولت جمهوریه ترکیه بتاريخ ۱۰ حمل ۱۳۲۴ بکابل وارد و بتاريخ دوشنبه ۲۰ حمل ساعت ۱۱ قبل از ظهر باتشریفات معموله در قصر دلکشا بحضور اشرف ملوکانه شرفیاب و اعتماد نامه خود شان را تقدیم کردند .
- ۲ - جلالتماب آقای عبدالکریم صفوت وزیر مختار دولت پادشاهی مصر بتاريخ ۱۹ ثور ۱۳۲۴ بکابل وارد و بتاريخ یکشنبه ۳۰ ثور ساعت ۱۱ قبل از ظهر باتشریفات معموله در قصر دلکشا بحضور اشرف ملوکانه شرفیاب و اعتماد نامه خود شان را تقدیم کردند .
- ۳ - جلالتماب موسیو «سر» وزیر مختار دولت جمهوریه فرانسه بتاريخ ۲۰ ثور وارد کابل گردیده و بتاريخ ۳۱ ثور ساعت ۱۱ نیم قبل از ظهر در قصر دلکشا بحضور اشرف ملوکانه باتشریفات معموله شرفیاب و اعتماد نامه خود را تقدیم کردند .

۴ - جلالتماب آقای تسوشا نکبو اولین وزیر مختار و نماینده فوق العاده دولت جمهوری چین بتاريخ ۲۰ سنبله ۱۳۲۴ با اعضای وزارت مختاری شان بکابل وارد و بتاريخ ۳۱ سنبله ساعت ۱۱ و نیم قبل از ظهر باتشریفات معموله در قصر دلکشا بحضور اشرف ملوکانه شرفیاب و اعتماد نامه خود را تقدیم کردند .

- ۵ - جلالتماب آقای ایلی ای پالمر وزیر مختار دول متحده امریکا بتاريخ ۳ عقرب ۱۳۲۴ بکابل وارد و بتاريخ سه شنبه ۱۲ قوس ساعت ۱۱ و نیم قبل از ظهر باتشریفات معموله در قصر دلکشا بحضور اشرف ملوکانه شرفیاب و اعتماد نامه خود را تقدیم کردند .
- ۶ - جلالتماب آقای ارماندها نریو وزیر مختار دولت جمهوریه فرانسه بعوض جلالتماب آقای (سر) بتاريخ ۴ شنبه ۱۳ قوس بکابل وارد و بتاريخ دوشنبه ۲۵ قوس ساعت ۱۱ و نیم قبل از ظهر باتشریفات معموله در قصر دلکشا بحضور اشرف ملوکانه شرفیاب و اعتماد نامه خود را تقدیم کردند .

۷ : جلالتماب آقای حسن علی کمال هدایت سفیر کبیر دولت شاهنشاهی ایران بتاريخ ۲۶ ر ۱۱ ر ۲۴ وارد کابل گردیده و بتاريخ شنبه ۲۶ حوت ساعت ۱۱ نیم قبل از ظهر در قصر دلکشا بحضور اشرف ملوکانه باتشریفات معموله شرفیاب و اعتماد نامه خود را تقدیم کردند .

ب : صدور اگریمان دولت شاهی مصر جلالتماب آقای محمد صادق ابو خضری را بحیث وزیر مختار خویش بدر بار کابل معرفی و اگریمان مشارالیه صادر گردیده است .

## مختصر سوانح بعضی از نمایندگان گان سیاسی که در دوره سال ۱۳۲۴



جلالتاب آقای احمد جواد اسفندی

وارد کابل گردیده اند.

### ۱- سوانح جلالتماب آقای احمد جواد استون

سفیر کبیر دولت جمهوری تری کینت

احمد جواد استون پنجاه ساله می باشد بیست و نه سال پیشتر به مدینت خارجه انتساب گرفته بعد از ایقاع و ظایف مختلفه در مری و ترکیه و عراق بعیت سر کاتب کار نموده و لاخره بعد از ایقاع وظیفه مدیریت عموم مری و عراق در سال ۱۹۳۴ بوزارت مختاری وین تعیین و بعد از آن بوزارت مختاری لاهه نقل کرده است و در سال ۱۹۳۹ بصفت درجه اول ترقیع و در همان سال سفارت بغداد را احراز نموده است.

### ۲- سوانح جلالتماب آقای کمال هدایت (نصر الملک) سفیر کبیر شاهنشاهی ایران



جلالتاب آقای کمال هدایت سفیر کبیر ایران

جلالتاب آقای کمال هدایت سفیر کبیر ایران متولد در سال ۱۲۹۸ هجری قمری و پس از فراغت از تحصیلات وزارت وزارت خارجه شده بعد از جندی ادامه کار در مری و در سال ۱۹۲۰ میلادی به بابت سفارت شاهنشاهی ایران در پاریس مین و در مراجهت ازان جادر لائی مدتی در وزارت بخارجه مشغول کار شده اند و در اول مشروطیت ایران در دوره اول و دوم مجلس شورای ملی به نمایندگی از طهران منتخب و بعد در کابینه اول مرحوم علاء السلطنه معاونت ریاست وزراء پیش متواتر در کابینه های مرحوم علاء السلطنه مرحوم مشیرالدوله مرحوم مستوفی الممائن مرحوم صمصام السلطنه مرحوم سپهبدار اعظم بوزارت های عدیده دادگستری - دارائی

ست و تلکراف فواید عامه منصوب و دفعاتی نیز والی فارس اصفهانی و ساکن طهران بوده اند و نسبت به امور پنهانی خارجه دفعه جهت تهیه مقدمات شناسائی دولت عراق به آن کشور مسافرت و یک دفعه نیز به سمت وزیر مختار شاهنشاهی در ژاپون تعین و مدت سه سال در آنجا بوده اند . بعد از طرف مجلس شورای ملی به ریاست دیوان محاسبات مداخله و پس از گذشت از کابینه جناب آقای مرتضی قلی بیگ وزیر بازرگانی و پیشه وهر و در کابینه اول جناب آقای بر اعم حکیمی وزیر مشاور و در کابینه چهارم آقای صدر و در کابینه گسترده و در کابینه اخیر آقای حکیمی ایضا وزیر مشاور و ابداً سمت سفیر شاهنشاهی در عراق نداشته اند .

۲- سوانح جلال‌التماب آقای اسوشانگیو وزیر مختار دولت جمهوری چین :



- ۱۹۱۸ - فارغ التحصیل موسسه تجاری روسیه -
- ۱۹۱۲ - مقرر شد به چين
- ۱۹۲۱ - به تبعه تجارتي مديريت خارجه
- ۱۹۲۵ - مشاور فوکل در (بلاکوت چنگ روسيه)
- ۱۹۳۰ - عضو دولت مدرسه خط آهنگ
- شرقی چين
- ۱۹۳۱ - سكرتير عمومي بلديه (تسینگ)
- ۱۹۳۵ - جنرال فوکل در (تونی پرسك روسيه)
- ۱۹۳۸ - سكرتير در وزارت خارجه
- ۱۹۴۰ - مدير اداره اسباب غرب وزارت خارجه
- ۱۹۴۲ - وزير مختار در تونگ کينه
- عمر ۴۹ سال -

حالاته - آقای اسوشانگیو وزیر مختار چين

### ۳- سوانح جلالتماب آقای ابلی - ای پالمر وزیر مختار دولت متحده امریکا:



جلالتماب آقای پالمر به ۲۹ نوامبر ۱۸۸۷ در پیر و  
ویمینس (روندالند) متولد شده است در آنجا تحصیلات  
پایه و ثانویه و پرووینس و یونیورسیتی تحصیل نمود  
و دیپلوم بی‌ای را در ۱۹۰۸ حاصل نموده تحصیلات  
خود را در فاکولته حقوق در سوربان در ۱۹۰۸-۹  
ادامه داده و دیپلوم ماستر آف لئو و ماسی از  
یونیورسیتی جارج واشینگتن در ۱۹۱۰ حاصل کرد  
در ۲۳ سپتامبر ۱۹۱۰ معاون قوسل مقرر گردید  
آینده در اعضای وزارت خارجه شامل گردید  
سائره امور پستهای سیاسی و قوسلی معارف  
از او قبلی است

در ۱۹۱۱ - ۱۱ تا ۱۲ دولت متحده امریکا  
بسمه تکیه برای مکسیکو

۱۹۱۳ - معاون و کشیل جنرال قوسل در پاریس - جلالتماب آقای ابلی - ای پالمر - مختار امریکا

۱۹۱۶ - رتبه قوسل برقیع و ندره دلید عین گردید

۱۹۲۱ - قوسل در بخارست

در ۱۹۲۴ - رتبه جنرال قوسل درجه (۱) شروع شد

۱۹۲۹ - جنرال قوسل درجه (۳) در وینکو و کاتاندا

۱۹۳۳ - جنرال قوسل درجه (۲) در یوروشیم (دشنامقدس)

۱۹۳۵ - جنرال قوسل و مستشار سماریت در استوا گنادا

۱۹۳۷ - جنرال قوسل درجه (اول) در پرووینس

۱۹۴۰ - جنرال قوسل در سیدی آسترال

در ۲۹ شهریور ۱۹۴۵ از طرف رورولت رئیس جمهور آفوت امریکا بخت وزیر معارف  
یکاییل عین گردید

۱- سوانح جلالتماب آقای ارماندها نریو وزیر مختار دولت جمهوریت فرانسه -



جلالتماب آقای ارماندها نریو وزیر مختار  
فرانسه د ز تاریخ دوازدھم اگست ۱۸۸۹ ز ولد  
گردیده در ابتدا در کمساری اعلی فرانسه  
در سیری ماموریت داشته بعدا بسمت قواسل در  
وستچوک - ماسکو - ریودوزایرو - استامبول  
القرم - آسویز - بحث وزیر مختار در سن  
دومیتسک و اخیرا بسمت مدیر دفتر داری ها در  
وزارت خارجه فرانسه کار میگرد .

جلالتماب آقای ارماندها نریو وزیر مختار فرانسه

## است اعضای رسمی سفارت های دربار کابل :-

### اول سفارت کبرای شوروی :

- ۱ - سفیر کبیر جلالتماب آقای ایوان با کولین
- ۲ - مستشار آقای فیودور دولیا
- ۳ - آتشه نظامی آقای ملنیکوف
- ۴ - سکر تراول آقای اینویاروف
- ۵ - سکر تردوم آقای مورادوف
- ۶ - آتشه آقای زازولین
- ۷ - آتشه آقای میکایل کور کین
- ۸ - آتشه آقای کوچکاروف
- ۹ - آتشه آقای پاول کوزنتروف

### دوم سفارت کبرای ترکیه :

- ۱ - سفیر کبیر جلالتماب آقای احمد جواد اوستون
- ۲ - مستشار آقای توفیق تورگر
- ۳ - سکر تردوم آقای عضان آکچه
- ۴ - سکر ترسوم آقای اسمعیل حقی آفچوین

### سوم سفارت کبرای ایران :

- ۱ - سفیر کبیر جلالتماب آقای حسن علی کمال هدایت
- ۲ - مستشار آقای عبدالصمد علی آبادی
- ۳ - سکر تراول : آقای مرتضی شریفی
- ۴ - دفتر دار آقای فیض الهی

### چهارم وزارت مختار عراق :

- ۱ - وزیر مختار جلالتماب آقای ژنرال خالدان هاوی
- ۲ - سکر تر آقای خالد حمدی

### پنجم وزارت مختاری برطانیه :

- ۱ - وزیر مختار جلالتماب آقای جی اف سکوایر
- ۲ - مستشار آقای جی سی ایل کرایتن
- ۳ - مستشار آقای ای اس بی شاه



## دخارجہ وزارت، مهمی مقرری۔



ع ۱۰ ج محمد اکرم خان  
قائم الزمان وزارت بد روہا کشی



ع ۱۱ ج حبیب اللہ خان  
افتالی وزیر مختار بد جہان کشی



ع ۱۲ ج اسیم عبدالرفیق خان  
جنرل قونسل بد مشہد کشی



ع ۱۳ ج نادم غلام احمد خان  
جنرل قونسل بد دہلی کشی

## د داخله وزارت مهمی مقرری



وېج عبدالقادر زکریا دولت پښتو داس الحکومتی  
نقل به نائب الحکومه توبندی



وېج محمد اسماعیل خان د کابل دولت  
نقل به والی توبندی



وېج محمد قاری وفاقین د داخله وزارت  
معین او ادارتی رئیس



وېج عبدالحکیم خان د قطغن دولت  
نائب الحکومه

دداخله وزارت مهمی مقرری



ح . حاکم خان دداخله وزارت  
شخصه ۴۵۰



ح . سواجه محمد امیر خان شوم غلامش  
اودا منبری قومدا ان چه لمبری - غلامش سوری



ح . ش طوره دارخان شومه فرقہ مش  
اودا منبری رئیس چه لمبری فرقہ مش سوری

پیدائشی وقت و محل و تعلیمی پس منظر



۱. شعیب علی خان، شہزادہ شہزادہ  
دہلی



۲. اکرم خان، شہزادہ شہزادہ  
دہلی



۳. حبیب خان، شہزادہ شہزادہ  
دہلی

- ۴ - سکرتر درم آقای بی تی دنکن
  - ۵ - آتشه نظامی آقای کلونل ای ایس لنکاستر
  - ۶ - آتشه اقتصادی آقای مرزامتاز حسن قزلباش
  - ۷ - داکتر آقای میجر آر ، دی ، میکری
  - ۸ - اورنیتل سکرتر آقای خان محمداسلم خان
- ششم وزارت مختاری مصر :
- ۱ - وزیر مختار جلالتماب آقای عبدالکریم صفوت بی
  - ۲ - سکرتر : . . . .
- هفتم وزارت مختاری آمریکا :
- ۱ - وزیر مختار جلالتماب آقای ایلی ، ای ، پالمر
  - ۲ - سکرتر دوم آقای البرت ژورژ متیوز
  - ۳ - وایس فونسل آقای دی ، ای ، گلسن
  - ۴ - آتشه نظامی آقای ماجور ارست فرانکلن فاکس
- هشتم وزارت مختاری ایتالیا :
- ۱ - وزیر مختار : . . . .
  - ۲ - شارژ دافر آقای ماریو هیکرو
  - ۳ - پیش نماز آقای پادر ایشیدو کاسپانی
  - ۴ - آتشه آقای کانیاچی
- نهم وزارت مختاری فرانسه :
- ۱ - وزیر مختار جلالتماب آقای ارماندهانریو
  - ۲ - سکرتر دوم آقای ژورژ اولریک
  - ۳ - وایس فونسل آقای دوفایار
- دهم وزارت مختاری چین :
- ۱ - وزیر مختار جلالتماب آقای تسوشانکیو
  - ۲ - سکرتر اول آقای کشنگک نین تسو
  - ۳ - سکرتر دوم آقای یوهلن
  - ۴ - آتشه موون فرا
  - ۵ - دفتر دار چنگک بنگک آن

## امور وزارت داخله

امورات وزارت داخله درین سال طبق اصولنامه های مملکتی و تعلیمات نامه های اداری که برای حسن جریان امور ترتیب و به انجمن مامورین وزارت که پس از غور و مذاقه تصویب و بمنظوری مقامات صالحه رسیده تدویر و جریان داشته باتذکار از تعدیلات تیکه در تشکیلات ملکیه نظر به ایجابات اداری و رسیدگی در امور بوجه احسن عملی گردیده امنیت داخلی و ضبط و ربط امور که وظیفه اصلی این وزارت است در اثر توجه حکام و سائر مامورین و علاقه مندی و همکاری طبقات ملت تأمین شده و یکی دو واقعه که یکی در کثرت دیگری در هزار جرات رخ داده نیز به همکاری حکومت و ملت برودی حل و فصل یافته است و ریاست اداری مدیریت مامورین و مدیریت عمومی کنترول و مدیریت اوراق اصولنامه های مدیریت های مامورین و حاضری و رخصتی مامورین و اصولنامه استخدام و ترفیع و تقاعد مامورین ملکیه و اصولنامه اوراق تطبیق و در شعبه حساب مقررات و اساسی که در دوائر کنترولی مملکت عملی است در ساحه اجرا و در انفعال معاملات گذشته و سال جاری توجه بیکار برده شده است .

ریاست امنیه در تشکیلات استخدام ضابطان امنیه بر اساس تعلیم و تحصیل مملکتی و ترفیع صاحب منصبان نظریه طی سالهای خدمت و استحصال لیاقت که بعمل آمده برای خدمت ضابطان و آمران امنیه در مناطق مختلفه میعاد تعیین و تبدیل و تغییر آنها بوقت و زمان معین مقرر گردیده است در اداره امنیه که امور حقوقی و جزائی (۲۱۲) مجبوسین در معرض اجراء آمده است مدیریت های پاسپورت و سرحدی طبق اصولنامه های پاسپورت و بزه اقامت اتباع خارجه و تعلیماتنامه های شعبات مذکور اجرای وظائف نموده اند مدیریت صحیه و وگرام و تعلیماتنامه های فنی و اداری خود را در حفظ الصحه و صاحب منصبان و افراد امنیه مملکت عملی و اجراء نموده شفاخانه های که تحت اثر این اداره داند است عملیات خود را بوجه احسن انجام داده است مدیریت صنعتی در تعمیم صنایع در محابس و لایات حکومت اعلی و کلان توجه خاصی بیکار برده برای حسن جریان امور صنعتی تعلیماتنامه وضع و تطبیق و اجرای آن را طرف توجه قرار داده است مدیریت لوازم در تهیه سامان و تجهیزات قوای امنیه مملکت از حاصلات صنعتی محابس و مصنوعات داخلی صرف مساعی بیکار برده و تا حد ممکن در توریذ سامان کوشیده رفع احتیاج نموده است ریاست احصائیه که مدیریت احصائیه و مدیریت اخذ عسکر به آن ارتباط دارد در ترتیب احصائیه و توزیع تذکره تابعیت در احضار مجلوین عسکری طبق اصولنامه مکلفیت و تعلیماتنامه های جزائی متخلفین و امور دفتر داری احصائیه و تعلیماتنامه تعین موقع خدمت مجلوین عسکری اجراات کرده است ریاست تفتیش که مدیریت های اداری و تفتیش احصائیه و لایات و حکومت اعلی جزو آن است طبق لایحه تفتیش امور اداری و تعلیماتنامه تفتیش امور احصائیه و وظائف خوب پر داخه در انجام و انصرام تفتیش های که بعمل آمده توجه خاصی بیکار رفته مدیریت عمومی ناقلین و مهاجرین در انتقال و اسکان مهاجرین و ناقلین در نقاط مختلف مملکت و مصروف ساختن آنها به امور زراعت

طبق پروژوهای مخصوص این شعبه اقدامات و ضروریات و لوازم زراعتی و محل نشیمن مهاجرین و ناقلین را  
 نادرجه ممکن تأمین کرده است باتذکار این اجمال به تفصیلات آتی می پردازد .  
 تعدیل در تشکیلات ملکیه :

۱- حکومت درجه ۳ مهمندره و سرحداری د که بحکومت درجه اول و سرحداری د که در  
 حین حال سرحد دارهم گفته می شود تعدیل و بعد ازین به حکومتی درجه اول و سرحداری  
 د که موسوم شد .

۲- منطقه بتی کوت یک علاقه داری تشکیل و بحکومتی کلان شنوار مربوط است .

۳- در ریاست امنیه مرکز وزارت یک مدیریت بنام مدیریت شخصییه و محاکمات که امورات سچل  
 و سوانج و اوراق محاکماتی و تبدیل و تغیر صاحب منصبان امنیه توسط آن اجرا میشود جدیداً  
 تشکیل شد .

۴- حکومتی پنجشیر از حکومتی کلان پروان منفک و نسبت به قرب مسافه بحکومت کلان شمالی مربوط شد .  
 ۵- علاقه دارهای طوطی خیل و احمدزائی جنوبی یک حکومتی درجه سوم بنام حکومت سید کرم که  
 مرکز آن قلعه گلمنگل تعیین شده تعدیل شد .

۶- علاقه داری استرغچ مربوط بحکومت کلان شمالی از تشکیل لغو اداره منطقه مذکور از طرف  
 مرکز حکومتی کلان شمالی بعمل میاید .

۷- فیهات کروخیل، تاروخیل، بالاولی خیل، عبدالله خیل، چناری، زندانی از حکومتی سرربی  
 منفک و من حیث قرب مسافه بحکومتی بگرامی مربوط شدند .

۸- ریاست تنظیمه از ولایت قطغن و بدخشان ازوماً ملغی و بدخشان ولایت قطغن هر یک علیحده بحیث  
 حکومت اعلی و نائب الحکومه گئی مرکز مخابره و مربوطیت داشته و بر حسب لزوم و صوابدید  
 مقامات رفیع در ولایات مشرقی ریاست تنظیمه قایم شد .

۹- بقوماندهانی امنیه بحکومتی اعلی بدخشان یک سرکاتب کنتروز و یک کاتب صناعتی تشکیل  
 و ترئید شد .

۱۰- یک نفر توپلیمشر به تولی پولیس ولایت قندهار جدیداً تکلیف و منظور و یک تعداد افراد ژاندارمه  
 مرکز قوماندانی ولایت قندهار و یک دلاگی پولیس بحکومت کلان گرشک و قلات ترئید شد .

۱۱- بقوماندهانی های امنیه ولایات یک نفر مامور ابتدائی و بحکومت اعلی یک نفر سرکاتب لوازم  
 جدیداً تشکیل شد .

۱۲- یک تولی پولیس ترا فیک به تطبیق قوماندانی امنیه ولایت کابل و قوماندانی امنیه ولایت هرات  
 منظور حاصل شد .

۱۳- يك اندازه قوه مكفی در تشكيل قواي ضابطه قومانداني هاي شمالي و دايژنگي ايزاد و در تشكيل قوه ضابطه يروان و غرني و لهو گرد اصلاحات بعمل آمده است .

۱۴- يك باب شفاخانه بسيار بر علاوه شفاخانه مقيم ولايت مشرقى با هيئت صحى و لوازمات آن تاسيس و همچنان بقومانداني ژاندارمه حدودى ميمنه و غند ژاندارمه بدخشان يك شفاخانه توريد گرديد .

۱۵ - براى اداره امور سرحد به سنگ گيج و بروغيل يك يك نفر سرحد دار بدرجه تو ليمش و كتاب ها منظورى داده شده است .

۱۶ - براى اداره و انتقال چوب جنگل هاي دره پيچ و اسمار مشرقى بمرکز و سپس در فرمايش هاي دوائر يك نمايندگى فروش چوب در كنر هاويك رياست در سمرخيل و يك ماموريت انتهايى در مرکز كابل تحت اداره وزير امور داخله تاسيس و يك اندازه چوب به كابل در ينسال نقل و طرف استفاده قرار داده شد .

۱۷ - نسبت بحسن اداره و ضبط و ربط النظام اموال اشخاص متوفى لاوارث درين سال ترتيبى اتخاذ كرده است .

۱۸ - براى اصلاح احوال مجبوسين و تدارك وسائل معيشت و حيات مابعد انقضاى موعده حبس به تمثيل مجلس عمومى كابل در سائر محابس ولايات و حكومت اعلى و كلان صنايع بافت و ساخت و نجارى و خياطى و چرمگرى تاسيس و منظور شده و مجبوسين تحت نگرانى معلمين مشغول كار گردیده اند مواد خام و ماشين هاي لازمه در محابس متذكره تهيه شده است . از اين دستگاها ملبوسات و تجهيزات قواى امنيه مملكت تا اندازه تهيه وفرمايشات افراد اشخاص اكامل و علاوه تا به اندازه كافى پارچه نخی و سرجى و بوت و چو كى و ميز تهيه و در دسترس عامه گذاشته شده است .

۱۹ - براى انتقال اقوام كه در اوطان خود شان دارائى نداشته ، بديگر نقاط مملكت و مصروف ساختن آنها به پيشه زراعت يك مديريت انتهايى در نهر سراج ولايت قندهار تشكيل و منظور شد .

۲۰ - براى تفتيش و اصلاح امورات احصائيه وى حكومت اعلاى بدخشان يك ماموريت انتهايى تفتيش احصائيه در بدخشان تشكيل شد مقرر بها و ترفيعات مامورين كه در هذاسته بعمل آمده است :

- ۱ - ع ، ش طره بازخان فرقه مشر تانى رئيس امنيه وزارت داخله ترفيعاً بر تبه فرقه مشرى اول .
- ۲ - ع ، ع سيد عباس خان حاكم كلان اسمار و كنرها تبديلاً بحكومتى كلان در اندخوى .
- ۳ - ح محمد جان خان مدير امنيه مركز وزارت تبديلاً بمديريت شخصيه و س شاه محمد خان مدير و عضو رياست تفتيش بمديريت امنيه .



## دحرب وزارت

وزیر : ع ، ش ، ا ، ع ، والا حضرت سردار محمد داؤد خان  
معاون : ع ، ش ، محمد انور خان نائب سالار

### ریاستونه اودوائر

#### ۱ : - دار دو عمومی مفتشیت :

دار دو عمومی مفتش .....  
دمفتش معاون :  
دار کا نو رئیس :  
معاون :  
پیدا ده متخصیصیت :  
داست حکام » :  
د نقلی » :  
دلوا زمو » :  
هوائی » :  
صحیه » :  
ذاتیہ آمریت :

#### ۲ : - دحرب د عمومی ارکانو ریاست :

رئیس : ع ، ش ، سردار اعلی اسد الله خان امری فرقه مشر  
معاون :

#### الف - دحرب کا تو عمومی مدیریت

دلہری خانگی »  
ددو همی »  
ددریمی »

#### ب - دتعلیم او تربیتی عمومی مدیریت

دمسلکی خانگی مدیریت  
دهوائی »

## د کابل کالنی

- ۴ - ع ، ج ، س ۱۰ غلام فاروق خان رئیس تنظیمیه ولایت قطغن و بدخشان بحیث رئیس تنظیمیه در ولایت مشرفی تبدیلا .
- ۵ - و ج ، عبدالحکیم خان کفیل ریاست مستقل زراعت بحیث نائب الحکومه ولایت قطغن .
- ۶ - و ج ، محمد اسمعیل خان وکیل والی کابل تر فیعاً بحیث والی ولایت کابل .
- ۷ - و ج ، عبدالله خان وکیل نائب الحکومه هرات تر فیعاً بحیث نائب الحکومه هرات .
- ۸ - ج ، خواجه محمد نعیم خان غنمد مشر ثاني قوماندان امنیه ولایت کابل تر فیعاً بر تبه غنمد مشری اول .
- ۹ - س ، عبدالرحیم خان حاکم کلتکار بمدریت مامورین وزارت داخلیه .
- ۱۰ - س ، میر حسام الدین خان مدیر کنترول ریاست اذراق تبدیلا به عضویت ریاست تقایش وزارت داخله .
- ۱۱ - س ، عبدالغفور خان سابق قوماندان امنیه میمنه به عضویت ریاست تقایش وزارت داخلیه .
- ۱۲ - ع ، محمد عثمان خان حاکم کلان اسما و کشور ، تبدیلا بر تبه ، مشر حکومت کلان .
- ۱۳ - س ، عبدالسمع خان به کمیساری حضرت امیر صاحب .
- ۱۴ - س ، سلطان علی خان به معاونی یشگی قلعه .
- ۱۵ - س ، سید محمد ابراهیم خان کند کشر ژاندارمه ولایت کابل تبدیلا به ژاندارمه قوماندانی امنیه ولایت مشرفی .
- ۱۶ - غ ، خورشید احمد خان تولیمشر تر فیعاً بر تبه کند کشری به قوماندانی امنیه حکومت اعلی بدخشان .
- ۱۷ - س ، امیر محمد خان قوماندان امنیه حکو متکلان شمالی تبدیلا به کفالت سرما موریت پولیس امنیه ولایت کابل .
- ۱۸ - س ، غلام دستگیر خان کفیل سرما موریت پولیس امنیه کابل تبدیلا به کفالت مدیریت سرحدی وزارت داخلیه .
- ۱۹ - غ ، سعد عباس خان تولیمشر وکیل کندک پولیس کابل تبدیلا به کفالت قوماندانی امنیه حکو متکلان شمالی .
- ۲۰ - غ ، محمد نعیم خان تولیمشر پولیس امنیه مر کز تبدیلا به کفالت سرما موریت پولیس ولایت هرات .
- ۲۱ - غ ، محمد اکبر خان تولیمشر پولیس قوماندانی امنیه ولایت قطغن تبدیلا به کفالت سرما موریت پولیس امنیه ولایت جنوبی .
- ۲۲ - س ، سید محبوب خان مدیر مساحتی ولایت قطغن تبدیلا بمدریت نهر سراج قندهار .

- ۲۳ - ص ، محمد حفیظ خان مدیر احصائیه ولایت قطنن تبدیلاً بمدیریت احصائیه ولایت مشرقی .  
 وص عبد الہا دی خان مدیر تفتیش احصائیه ولایت مزار شریف بمدیریت احصائیه ولایت قطنن .
- ۲۴ - پنجہ و پنج نفر فارغ التحصیلان صنف چہارم دورہ دوم مکتب حکام کہ پس از اکمال تعلیمات دورہ ابتدائیه خودہا در مکتب حکام شامل و در انجا تحصیلات خود ہارا مطابق پروگرام تکمیل و در مضامین فقہ شریف حساب احصائیه ، حقوق ادا رہ ، حقوق بین المللی اصولات مملکتی بر علاوہ دیگر مضامین کامیابانہ امتحان دادہ اند بعلاقہ داریہای ولایت کابل و حکومتی اعلیٰ فراہ و بدخشان مقرر و علاقہ داریہای ولایت کابل کہ از فارغ التحصیلان دورہ اول مکتب حکام اند بعد از اکمال میعاد معینہ بعلاقہ داری دیگر ولایات و حکومت اعلیٰ موظف شدند .
- ۲۵ - ہشت نفر بلو کشران اول بر تہہ تولیمشری و ہفتاد نفر بلو کشران ثانی بر تہہ بلو کشری اول و ۵۵ نفر وکیل ضابط بر تہہ بلو کشری ثانی در شق امنیہ مملکت بہ ترویج نائل شدہ اند .
- ۲۶ - از مکتب ژاندارمری و پولیس ۹ نفر ضابط و ۱۴۹ نفر خورد ضابط فارغ التحصیل و بہ جاہای معینہ شان اعزام و مامور وظیفہ شدند .
- مناطقیکہ در ہذا سنہ تحت تفتیش قرار دادہ شدہ است .  
 ۱ - علاقہ داری شکر درہ مربوط ولایت کابل .
- ۲ - قوماندانی امنیہ جنوبی .  
 ۳ - مدیریت کنترول ریاست ارزاق .
- ۱ ہیئت ہائیکہ جہت غور و تدقیق بعضی فقرات بہر کزو ولایت تعین و اعزام شدہ اند ۶ فقرہ .  
 ۲ - فقراتی کہ در سنوات گذشتہ تفتیش و در ہذا سنہ ۲۴ در شق ادا ری فیصلہ و تصویب انجمن وزارت حاصل شدہ ۳ فقرہ .
- ۳ - فقراتی کہ در سنوات گذشتہ در شق احصائیه تفتیش و در ہذا سنہ فیصلہ گردیدہ ۵۰ فقرہ .  
 ۴ - فقراتی کہ از اثر تصویب ولایات در شق احصائیه بعمل آمدہ و در ریاست تفتیش اجرا آت گردیدہ ۱۸ فقرہ تعلیماتنامہ و اصولنامہ ہائیکہ در سال گذشتہ تحت غور بودہ و در ہذا سنہ مراتب اصولی راطی کردہ و تعمیم شدہ است .
- تعلیماتنامہ جلب اشخاص بدوائر وزارت خانہا و ریاست ہای مستقل .  
 » سوق مغرورین و تہدید شدہ گان .  
 » تعین و کیل اثبات جرم .  
 » اخذ ضامن و ضمانت ہا در برابر مطالبات حقوقی و موارد جزائی .  
 » اخذ راپور ہای واقعات از ولایات .  
 » تقسیمات مجنوبین عسکری .

## اجراآت وزارت معارف در سال ۱۳۲۴

گرچه خوشبختانه درین سال جنگ جهان سوز خاتمه یافت و در سرتا سر گیتی علائم اسایش و رفاهیت نمودار گردید . باز هم بنا بر مشکلات متعدد دی که درین چند سال دوره جنگ دنیا دچار آن گردیده بود ، درقبال اجراآت لازمه و فعالیت طبیعی وزارت معارف که جزو آمال برجسته و مهمه حکومت است از جبهات متعدد دی موانع باقی مانده است که وزارت معارف را نگذاشت طوریکه حکومت معارف خراج مابرای پیشرفت امور عرفانی و تربیه اولاد این خاک در نظر دارد با فداکاریهای سریع حرکت بنماید ولی با این هم باید متذکر گردید که با وجود همه موانع و مشکلات حکومت در راه ترقی و توسعه معارف و پیشرفت موسسات عرفانی اصلاح وضعیت مادی و معنوی مکاتب اعم از ابتدائی و ثانوی و مسلیکی و موسسات عالی هیچ یک فداکاری را دریغ نکرده در حدود بودجه کافی و معقولی به اجرای امور متعلقه پرداخته است و نتایج صحیح ازین اقدامات بظهور پیوست که آینده معارف را قابل هر گونه امید واری نشان میدهد .

### مسئله معلم و تقویۀ دارالمعلمین ها

از آنجا که یکی از عناصر اساسی و بلکه عنصر مهم پیشرفت علم و اصلاح معارف و جود معلمین لائق و باتربیه میباشد و در دنیا هر مملکتی که خواسته است بشاهراه ترقی و تمدن با گامهای سریع حرکت نماید و در مقدمه پلان اجراآت خود تربیه معلمین را قرارداد داده است وزارت معارف نیز به مسئله تربیه معلم و اصلاح امور متعلقه دارالمعلمین ها درین سال بیش از پیش عطف توجه نموده با انتخاب معلمین لائق و تخصیص یک تعداد کافی شاگردان ممتاز دارالمعلمین های مرکز را تدویر و تقویه نمود . راجع به مسئله امتحانات دارالمعلمین کما حقہ اعتنا و توجه کامل بعمل آمده با مراعات مقررات تعلیماتنامه امتحانات امتحان صحیح از طلاب گرفته شد و در نتیجه یک عده فارغ التحصیلان درستی از دارالمعلمین برآورده شد که به شهادت نتایج امتحانات و نظریات معلمین و متخصصین که در دارالمعلمین مصروف اجرای وظیفه میباشند در پیشبرد امور عرفانی و اصلاح مکاتب میتوان موفقیت آنرا از حالا پیش گوئی نمود گرچه در اثر تطبیق تعلیماتنامه امتحانات و حصول اطمینان صحیح در لیاقت اشخاصی که داخل امتحان فارغ التحصیلی دارالمعلمین شده بودند یک عده نسبتا زیاد طلاب موفق شده توانسته اندولی چون از طرف دیگر وضعیت تعلیمی اشخاصی که با وجود مشکلات امتحان و اشتراک منحصصین در اخذ امتحانات موفق گردیده و بکار شروع کرده اند خیابان قابل امید واری است میتوان گفت که از حیث کیفیت نتایج امتحان سالانه دارالمعلمین ها از هر وقت بهتر بوده است .

برای ادامه صحیح مطالعات طلاب شامله دارالمعلمین از یکطرف به تهیه وترتیب اطاقها ودارالمطالعه های کافی توجه بعمل آمده یکعده عمارات نیم کاره برای استفاده تدریسات دارالمعلمین تکمیل گردید و مورداستفاده قرار یافت واز درس خانه های سابق که حاوی شرایط لازمه جای شب باش ودارالاقامه طلاب دیده میشد برای لیلیه استفاده کرده شد وباین صورت جهت تدریس واستراحت همه شاگردان با مراعات شرائط صحی وتریبوی جای کافی حاصل گردید جهت نظم ونسق اموراتاداری وانضباطی دارالمعلمین هاعص عبدالاحمدخان مشاوروزارت معارف بحیث آمردارالمعلمین هاموظف گردید که با جدیت وفعالیت لازمه درتنظیم آن مصروف میباشند - یکعده متخصصین برجسته تعلیم وتریبیه وماهرین مضامین مختلفه بحیث مفتشین تعلیمی دارالمعلمین موظف گردیده اند که همواره ازجریانات دروس کنترول ومراقبت لازمه نموده درمواردومواقع لازمه بمعلمین منسوبه دارالمعلمین هدایات لازمه بدهند وراجعه به اصلاح امور تعلیمی دارالمعلمین بوزارت اظهارنظر نمایند .

برای مشغولیت طلاب در اوقات فراغت ایشان پروگرام مناسبی دائر بر مشاغل تربیوی تهیه دیده شده است که محتوی براستماع کنفرانسهای مسلکی وتریبوی وسبرهای علمی واجرای اعمال زراعتی وسپورت های مختلفه میباشد . باتطبیق این پروگرام درطول سال تعلیمی گذشته طلاب دارالمعلمین از اوقات فراغت ویککاری خود فوائد زیادی برده اند .

### کورسهای عصر برای معلمین

برای تقویّه معلومات مسلکی واختصاصی معلمینی که فعلا موظف به تدریس میباشد وزارت معارف مؤسسه برای تدریس ازطرف عصرتاسیس کرده استادان لایق رابه تعلیمات آن موظف ساخته بود سال بسال شاگردان نظربه شوقی که داشتند واستفاده که برای شان حاصل شد زیادتیرتوجه نشان داده باوجود عدم مساعدت وقت وماندگی استادان وشاگردان از کارهای روز طرفین سعی بلیغی نموده پروگرام وزارت معارف را پیش برده توانستند خوشبختانه درین سال دسته اول طلاب این مؤسسه امتحان های ممنونیت بخش را گذشتانده مستحق اخذشهادتنامه وامتیازات آن گردیدند .

این مؤسسه بدوشعبه منقسم میگردد یکی آن معادل به دارالمعلمین متوسطه ودیگر آن معادل به دارالمعلمین ابتدائیه میباشد مؤسسه اولین بمعلمینی که تحصیل دارالمعلمین ابتدائیه را نموده ومطالعات شخصی وتجربه معلمی باعث تقویه معلومات مسلکی آنها گردیده پروگرام دارالمعلمین متوسطه را تدریس میکنند مؤسسه دوم اشخاصی را که کورس های دارالمعلمین مستعجل را خوانده تحت تعلیم گرفته نواقصی که راجع به تطبیق مسلک معلمی در آنها موجود است

ذریعه تدریس پروگرام داران معلمان ابتدائیه رفع نموده ایشان را قادر باجرایی صحیح وظیفه شان میسازد - درین سال مجلس معلمان تصاویر اصلاحی و مفیدی برای نظم و نسق تدریسات و اداره این موسسه نموده و توافق می کرد که در مدت دوره تجربی ملاحظه شده بود در نظر گرفته شده تجاویز قطعی و اساسی برای دوره های مابعدیش بینی کرده شد این موسسه از نقطه نظر تربیه معلمان درد بزرگ وزارت معارف را نداوی میکند و هم برای معلمینی که فرصت تحصیل داران معلمان را نیافته اند راه تحصیل را بروی شان بند نساخته تحصیل عالی تر را برای شان مهیا میگرداند و بدین وسیله بعض معلمان که فعالیت زیاد بخرج رسانده در تقویه معلومات خود و شاگردان خود کوشیدند و اند مورد حق تلفی واقع نمیگردند -

### کورسهای پښتو

برای ترفی قدرت معلمان موجوده مکاتبات در زبان پښتو - درین سال پروگرام دوره متوسطه کورسهای پښتو روی کار گرفته شد در سالهای سابق فعالیت کورسهای پښتوی معلمان مکاتبات محدود باین بود که قدرت استفاده معلمان از مطبوعات پښتو بالغایه قرائت و تدقیق کتب مطبوعه دوره ابتدائی اضافه و تقویه گردید اما درین سال تطبیق پروگرام متوسطه درین کورسها سردست گرفته شد که این پروگرام در ظرف - ۹ سال به پایانه تکمیل رسانیده شود -  
بامراعات مقررات این پروگرام معلمان مکاتبات علاوه بر قرائت کتب قرائتی دوره متوسطه در طول دوره تعلیمی کورس پښتو در انشاء و املا و گرامر و دستور زبان پښتو نیز خبرت و دسترس کافی حاصل نموده میتوانند - برای عملی شدن این منظور وزارت معارف جهت استفاده معلمان ابتدائی کتابها بنام قواعد و اصول انشای پښتو طبع و نشر نموده و مورد استفاده معلمان مکاتبات قرار داده شده است از صورت پیشرفت تدریسات کورسهای پښتو بذریعه اعزام هیئتهای مقتشین سیار و گرفتن نتایج امتحانات و راهای تعلیمی سه ماهه کورسها متعادیا و ارسی کرده میشود که در آئینه قریبی سویه معلمان مکاتبات در لسان پښتو بر حسب مرام انکشاف و توسعه یابد - و تدریسات مکاتبات رنگ و صورت بهتری را بخود اختیار میکنند - علاوه بر روی کار شدن این پروگرام که هدف آن تقویه و ترفی سویه معلمان موجوده مکاتبات است بتدریسات لسان پښتو در داران معلمانها نیز توجه مزیدی بعمل آمده و جهت عملی شدن این مطلوب در تنظیم دروس پښتوی داران معلمان باتعین معلمان لایق و مقتدر و تهیه کتب قرائتی و مطالعوی شاگردان طوریکه باید جدیت بعمل آمده است -

### معلمان خصوصی

از آنجا که تا کنون در تدویر مکاتبات ابتدائی تعداد کافی معلمان فارغ التحصیل داران معلمان در دست نیست و باوجودیکه در تدریسات دوره اول مکاتبات ابتدائیه یعنی صنوف اول، دوم

وسوم از تدریسات اصول صنفی کار گرفته میشود. باز هم معلمین تعلیم یافته موجوده احتیاج مکاتیب رافع کرده نمیتواند و ناگزیر است که جهت تکمیل کمبود های معلمین مکاتیب ابتدائی به چاره های موقت و مستعجل دست زده شود یکی از این چاره ها استفاده از اشخاصی است که با داشتن تحصیلات خصوصی شامل کار ساخته شوند وزارت معارف در این سال از بین اشخاصیکه با داشتن تحصیلات خصوصی داوطلب معلمی شده بودند بعد از اخذ امتحان و علم آوری درینکه اشخاص داوطلب عجالاً از عهده تدریس صنوف دوره اول ابتدائی بدر شده میتوانند قوه افادۀ پختو و تحریر و حسن حال و حرکت ایشان درست باشد اشخاص مستحق را از دیگران تمیز داده برای اشغال و وظیفه معلمی دوره ابتدائی تعیین کرده است چون برای استفاده اینگونه اشخاص راجع به اصول ترتیب پلان های درس و ادامه تدریسات اصول صنفی و بکار انداختن اوئیه های مختلفه معلومات حیاتی درین سال کتاب نمونه های درس و پلان تدریس هم به لسان پختو تهیه شده است این کتاب با کرنلار و رهبر معلومات حیاتی و رهبر کتاب حساب برای تلقین اصول تدریس بمعلمین خصوص کمک زیاد نموده کارهای شان را بطور اتوماتیک مطابق اصول صنفی که مطلوب وزارت است پیش خواهد برد و بذریعہ این کتب و باقی هدایاتی که وقتاً فوقتاً کتب یا شفاها برای معلمین داده میشود در اثر تجربه و تطبیق معلمین خصوصی بعد از چند سال میتوانند مثل معلمین تعلیم یافته دارالمعلمین کار بکنند.

نتایج تفتیش نشان میدهد که این نظریه را تجربه تأیید مینماید فی الحقیقه نتایج تفتیش بعض معلمین خصوصی مساوی دارالمعلمین دیده هامیباشد و حتی بهتر از آن هم تصادف شده است. این تجربه نشان میدهد که نشریات هدایت آمیز ریاست تعلیم و تربیه در تکمیل نواقص مسلکی معلمین خصوصی کمک زیادی نموده ذریعہ معلمین خصوصی و رساله های رهنمائی صدمه بزرگی را که به تعلیم مکاتیب کمبود معلم وارد میساخت مانع گردیده. چون اکثر معلمین مکاتیب ابتدائی در اطراف موظف میباشند و برای تکمیل معلومات مسلکی معلمی بدارالمعلمین شب که در مرکز است شامل شده نمیتوانند کتبات های که فوقاً ذکر شد ایشان را در همان جا نیکیه مستند با اصول آشنا ساخته و فعالیت شان را به هدف مطلوب متوجه میسازد.

### معلمین مکاتیب ثانوی

در مکاتیب ثانوی درین سال دو مرتباً کمبود معلمین وضعیت بحرانی را بخود داخل نمود وزارت معارف در صدد تهیه معلم افتاده و در اثر اعلامیه که برای قبول معلمین بعمل آورد عرض یکمده داوطلبان را پذیرفته برای انتخاب و استخدام معلمین از هند بجنرال فونسل افغانی مقیم هندوستان هدایات مفصل داده شد. تا معلمین هندی لازمه مکاتیب ثانوی افغان نستان را مطابق هدایات

وزارت معارف انتخاب و استخدام نموده بوقت معینه آن اعزام دارد که در پیشرفت تدریسات مکاتب سخته عاید نگردد. علاوه بران برای مکتب استقلال یک عده کافی معلمین فرانسوی استخدام گردید که کابل واصل شده اند باینصورت برای سال تعلیمی آینده مکتب استقلال از مشکلات فقدان معلم رهایی یافته امید است که در پیشبرد تدریسات و تطبیق پروگرام تعلیمی این مکتب سخته روند و سوییۀ تعلیمی شاگردان شامله این مکتب بهتر بتواند انکشاف و ترقی یابد.

برای مکتب غازی دونفر معلم انگلیسی برای تدریس مضمرن کیمیا و زبان انگلیسی استخدام شده است که با فعالیت تمامه بتدریس مضامین متعلقه خودشان مشغول میباشد.

در صورت رسیدن معلمین کمبود مکاتب ثانوی وزارت معارف امید دارد که نتیجه مطلوب خود را حاصل نماید و امتحان نهائی تمام مکاتب ثانوی در تحت اثر خود وزارت اجرا گردد تا یک سویه عمومی از طرف وزارت قایم گردیده اختلافات جزئی در سیستم تعلیمات مکاتب بکلی از بین برداشته شود.

فاکولته های سیاسی و ادبیات دسته های طلاب اولین خود را منحصر ب معلمی تخصیص داده و پروگرام فاکولته ها را بقرار آن ترتیب نموده است مقصد وزارت معارف تهیه معلمین داخلی برای لیسۀ ها میباشد زیرا در اثر ختم و تجدید قرار داد و رخصتی های معلمین خارجی لیسۀ های ما کثراً بی معلم مانده تا رسیدن معلم جدید از خارج یک قسمت وقت طلاب و زحمات وزارت ضایع میگردد برای تطبیق پروگرام در تمام صنوف و در تمام دورۀ تعلیمی شاگردان، باید وقفه بسبب فقدان معلم به تحصیل طلاب واقع نشود ورنه سویه معینه تعلیمی را از طلاب و معلمین طلب کردن ممکن نیست و در امتحانات نسبت نا کما می خیلی زیاد میشود. فاکولته سیاسی درین سال صنف اخیر را دارا شد در سال آینده یک دسته شاگردان فارغ التحصیل گردیده چو کات خالی مکاتب را اشغال مینمایند و ای بعضی از طلاب فاکولته سیاسی از اوقات فراغت استفاده کرده در صنوف متوسطه مکاتب تدریس نمودند فعالیت این شاگردان صنوف متوسطه لیسۀ ها را خیلی تقویه کرد و فراری که در امتحان سالانه مشاهده شد طلاب استفاده زیادی کرده بودند.

باین صورت راجع به موفقیت آینده معلمین دوره ثانوی فارغ التحصیل این فاکولته میباشد برای وزارت معارف اطمینان حاصل گردید و طلاب فاکولته سیاسی را عامل بزرگ اصلاح آینده لیسۀ ها میدانند تقویه سویه علمی طلاب متوسطه بصنوف عالی تر لیسۀ طلاب لایق بار آورده وظیفه معلمین صنوف عالی لیسۀ ها را سهل و ممکن الاجرا میسازد.

### استخدام پروفیسرها برای موسسات عالی و مسلکی

برای موسسات عالی و مسلکی نیز علاوه از معلمین و دا کتر های داخلی از خارج بعضی معلمین لایق استخدام گردیده است که از انجمله برای تدریس رسم و کار دستی دارالعلمین بنای نصرت



قره‌جه از ترکیه و برای تدریس فیلولوجی فاکولته ادبیات آقای دا کتر پز ما نند شاستری از هند استخدام شده است .

برای تدریس در فاکولته طبی يك هیئت بزرگ از دانشمندان لایق فرانسوی انتخاب گردیده است که عنقریب استخدام و باعث ترقی فاکولته طبی کابل خواهند گردید .

جهت نظم و نسق امور فاکولته طبی وزارت معارف لازم دیده است که امور اداری فاکولته بد کتور های افغانی داده شود با اساس همین نظریه ع . س دا کتر محمد فاروق خان به حیث کفیل رئیس فاکولته طبی و ص دا کتر عبدالقیوم خان به سر طبابت شفاخانه های علی آباد و ص دا کتر نظام الدین خان به سر طبابت شفاخانه مستورات عزت قرار حاصل نموده اند و همچنین ع ص عبدالحکیم خان سابق عضو ریاست تعلیم و تربیه بکفالت ریاست فاکولته حقوق تعیین گردیده و تدریس مضمون اجتهاد را نیز در آن فاکولته به عهده خود گرفته اند .

### کتاب درسی

چون کتاب درسی طلاب دوره ابتدائی برای شاگردان بطور رایگان توزیع میشود و بعد از استفاده آن دوباره اعاده نمیکرد لازم بود که از کتاب درسی دوره ابتدائی درین سال باز تجدید طبع بعمل آید . قبل از اجرای این تجدید طبع برای مذاکره در اطراف چگونگی محتویات این کتابها و صورت تطبیق و تعدیلات لازمه آنها مجالس جداگانه معلمان و متخصصین در مضامین و شعبات مختلف درسی دایر گردیده بعد از غور و تدقیق نظریاتیکه معلمان در اثر تجارب خود حاصل نموده و متخصصین در طبی مجالس به آن اشاره و لزومش را در سلسله کتاب ابتدائی یاد آوری مینمودند در کتابها تعدیلات لازمه و اصلاحات ضروریه بعمل آمده کتاب لازمه با داشتن او صاف که مورد قبول کمیسیونهای متشکله واقع گردیده بود به مطبعه عمومی سپرده شد و در مورد باید از مساعی شایسته مطبعه عمومی تشکر و یاد آوری نمود که کتابهای لازمه مکاتب ابتدائی را در اوقات لازمه بوزارت معارف سپرد که بلافاصله جهت استفاده عموم کتاب توزیع و به تمام مکاتب مرکرو اطراف فرستاده شد برخی از کتاب دوره ابتدائی از قبیل کتاب دینیات صنوف چهارم و ششم که بنابر تجدید نظریه پروگرام دوره تعلیمات ابتدائی باید سرازیر و تالیف میگردد پس از تالیف تدقیق و ملاحظه مجلس جمعیت العلما بمطبعه سپرده شد که در طبع اول آن جهت استفاده عموم طلاب صنوف چهارم و ششم مرکرو اطراف اقدام بعمل آید این کتابها که اخیرا به طبع سپاریده شده است از حیث استعداد و سویه شاگردان و سلاست بیان و صحت مطالب برای تشویق و علاقه مندی طلاب دوره ابتدائی نیکوتر اعمالی شده میتواند مزید بر آن چون تربیه دینی یکی از اهداف مهم پروگرام دوره ابتدائی است و تعلیماتنامه ابتداییه نیز در موقع تذکر از تربیه افضل باین

موضوع اهمیت زیاد داده است در عده ساعات مضامین قرائت قرآن کریم و دینیات دوره ابتدائی در همه صنوف از اول تا ششم تزییدی بعمل آمد. و درباره حسن استفاده از این ساعات و کتب درسی و برای تقویه تربیه اسلامی و معلومات دینی شاگردان بهمه مکتاتب هدایات لازم داده شد.

همچنین در کتابهای قرائتی صنوف متوسطه و ثانوی مطابق رایور ها و نتایج مجالس معلمین و متخصصین که با وقت لازم دایر گردیده است تعدیلات مقتضیه بعمل آورده شده از طرف دیگر برای تالیف کتب قرائت بقرار اصول تدریس لسان مجالس متعدد تشکیل و یک هیئت با صلاحیت بکار شروع نمود در کتب مذکور نظر بسویه مختلف صنوف و سن اطفال مراعات بعمل آمد و متون بدان قرار انتخاب گردید. مسئله مشککتر که عبارت از اذخال و استعمال کلمات است از نقطه نظر کثرت استعمال آن نیز مورد بحث و تدقیق قرار داده شد ریاست تعلیم و تربیه قرار اصولیکه در زبانهای حیه عصری و در مکتاتب ابتدائی مبانک مترقی دنیا معمول است در نظر گرفته که کلمات را بگروهها و دسته ها تقسیم و مطابق اذهان اطفال کتب قرائت را ابتداء از کلمات مانوس و معمولترین شروع و رفته رفته ساحت معلومات و ذخیره کلمات طفل را توسعه بخشیده عناصر لازم زبان را تدریس نماید.

ریاست تعلیم و تربیه یقین دارد که بعد از عملی شدن منظور فوق و تالیف کتب بقرار آن در پیشرفت زبان پشتو سهولت زیادی را موجب خواهد شد. و تکلیف طلاب و معلمین را تخفیف خواهد داد. در مورد بقیه کتب مطبوع دوره اول لیسه به همین ترتیب اصلاحات بعمل آمده کتب ضروریه جهت تجدید طبع فرستاده شده و یک عده از کتب درسی این دوره که تا اینسال تالیف نیافته بود بعد از تعیین شرایط لازم به ذریعه نویسندگان و دوکتورهای وطنی و تحصیل دیده گان موسسات عالی تالیف گردیده کمیسیونهای متشکله برانها غورو تدقیق بعمل آمد و بعد از تکمیل رسمها و تصاویر و نقشه ها و گرافهای متعلقه برای طبع به مطبعه سپرده شد.

ناگفته نماند که از تالیف و طبع و نشر این کتابها زبان پشتو وزارت معارف علاوه بر رفع احتیاجات مکتاتب جنبه استفاده اهالی و انتشار کتب علمی را در وطن نیز مد نظر داشته و بطبع و نشر این کتابها اقدام کرده است میتوان گفت که از مجموع این کتابها بدست ذوق مندان یک نوع دایرة المعارف کوچک پشتو حاصل میشود که با بحث از موضوعات دینی اخلاقی - اقتصادی - تاریخی - جغرافیائی - حیوانی - نباتی - و غیره است.

و چون از طرف دیگر این کتابها با عبارات سلیس و ساده تحریر و بذریعه رسمها و تصاویر و لوحه ها توضیح یافته است میتوان امید نمود که طرف استفاده اهالی واقع شود و برای مطالعات

یشتو زبانها که میخوانند در رشته های متعلقه دارای معلومات عمومی واستعداد اساسی باشند وسیله مهمی را تشکیل می دهد .

برای استفاده طلاب مکاتب ثانوی یک عده کتابهای درسی که مضامین آن به السنه خارجی تدریس میشود نیز خواسته شده و برای توريد آن که هر چه رود تر و اصل مرکز و مورد استفاده قرار داده شود اقدامات وتعقیبات لازمه بعمل آمده .

برای استفاده طلاب فاکولته ادبیات- کتابهای تاریخ ادبیات- قواعد اسان- تاریخ مدنیت و منطق و روحیات و متون و یک عده کتابهای دیگری ترجمه و تالیف کرده شد در این سال برای تدقیق و فراهم آوری مصطلحات علوم انجمن های جداگانه یکی بنام انجمن- بن تشبیهت علوم ریاضی و فیز یکی در فضا کولته سیاسی و دیگری بنام انجمن تثبیت مصطلحات علوم اجتماعی و ادبی در فاکولته حقوق مشغول اقدامات گردید تا بذریعه جمع اوری و تهیه این مصطلحات علوم در ترتیب کتب صنوف دوره ثانوی مکاتب و فاکولته ها و تحریر دایرة المعارف استفاده لازمه بعمل آید اجراآت این کهوسیونهای متشکل ازدو کتور ها پرو فیسرها و معلمین موسسات عالیّه بخوبی پیشرفت نموده و ادامه داد امید است که با جمع آمدن این مصطلحات از همه اولتر در نظر و اشاعه دائره المعارف که تهیه و ترتیب آن الان سر دست و بروی کار میباشد استفاده کاملی گرفته شود .

برای استفاده معلمین مکاتب ابتدائی کتابهای مخصوص که آنها را در اجرای امور متعلقه اصول صنفی و طرز تهیه اولیه های معلومات حیاتی رهبری نماید از قبیل کتاب نمونه های درس و پلان تدریس و کتاب راجع باوصاف معلم اصولی تالیف و برای نشر آماده گردید علاوه برین جهت مفاهمه در اطراف پیشبرد امور تعلیمی و تربیوی مکاتب و اجرایی تطبیقات اصول صنفی مجالس معلمین ابتدائی مرکز و قناتوقتا - بعمل آمده در طی این مجالس راجع به حسن تدریس و تربیه و اداره مکاتب قرارهای مفید اتخاذ گردید. از آنجا که در حال موجود بنا بر کمبود معلمین اساسی وعدم وسایل لازمه تطبیق محتویات کتب معلومات عالیّه از تدریس کتابهای این مضمون در مکاتب ذکور نتیجه مثبت و مفیدی بدست نمی آمد عجالتا تدریس این مضمون در مکاتب ذکور معطل وساعات درس هفته واران در صنوف چهارم و پنجم ابتدائیه برای مضامین یشتو- و حسن خط و در صنف ششم برای تاریخ و معلومات طبیعیه داده شد تا بذریعه تخصیص یافتن این ساعت طلاب در افاده تحریری و شفائی و حسن خط بیش از پیش ترقی نموده جهت انکشاف معلومات و قدرت استفاده مضامین دیگر زمینه فراهم شده بتواند .



ع . ج . ا . ع والا حضرت سردار محمد داؤد خان دھرب وزیر  
S. A. R. "E. A" Sardar Mohammad Daoud Khan  
ministre de la guerre.

د پښتو مدیریت

د انضباط خانګه

ج - د نشر اتو مدیریت:

د - د خبر یطی

۳ : - د اردو ریاست :

رئیس

ع ، ش عبدالاحد خان لمری فرقه مشر

د ذاتیه معاملاتو مدیریت ( مامورین )

د نقلیې عمومی

د صحیفې او بیطاریې

۴ : - د لوا زما تو ریاست

د رئیس کفیل

ع ، ش محمد علی خان دوهم فرقه مشر

معاون

ح ، محمد آصف خان دوهم غنا مشر

د محاسبی عمومی مدیریت ( کنترول )

د لوا زمو مدیریت

د تقاعد او یتیمانو مدیریت

۵ : - د حربی ریاست :

رئیس

ع ، ش ، عبدالقیوم خان دوهم فرقه مشر

د تدقیق اود معاینی مدیریت

د اسلحی مدیریت

د جبهه خانی مدیریت

د فنی آلاتو او ادواتو مدیریت

۶ : - د محاسبی ریاست :

۷ : - د اصلاح او ترقی ریاست

۸ : - د دیوان حرب

۹ : - د قبایلو

۱۰ : - د اولو مییک ریاست

۱۱ : - د استخباراتو عمومی مدیریت

### موزه و کتبخانه

برای استفاده و مراجعه معلمین مکاتب ابتدائی و حسن انتظام تیاری - دروس ایشان در هر مکتب ابتدائی که دارای عمارات اصولی باشد تأسیس یک کتبخانه کوچک مشتمل بر مطبوعات وطنی و مسلکی امزداده شد و جهت تأسیس این کتبخانه از حیث تهیه وسایل لازمه چون الماری - کتاب و غیره اقدامات مقتضیه بعمل آمد و برای استفاده معلمین مکاتب ثانوی و تهیه زمینه مطالعه شان درالسنه خارجه کتبخانه وزارت معارف کمک زیادی نمود - ترتیب کتبخانه مذکور دردادوستد کتب برای فارغین سهولت راموجب و کتابهای چاپ شده و تصنیف شده برای مراجعین راجع بموجود کتب و انتخاب آن معلومات کافی داده برعهده مراجعین و استفاده کننده گان افزود - خو شبخانه درین سال کتبخانه یک ذخیره جدید در حدود ( ۵۰۰۰ ) کتاب دریافت نموده بموجود خودافزود - که به سبب بندش راه ها و فقدان کتب خزینه پریمی رابرای کتبخانه وزارت معارف تشکیل میدهد - و برای طلاب و معلمین خیلی ها مورد استفاده قرار میگردد - یک هیئت مخصوص برای ترتیب این کتب موظف و کتب مذکور را بطوری سیستماتیک ترتیب نموده دریک اطاق که برای آنها تخصیص داده شده به الماری ها چیده اند ( موزیم جهت تدقیق تاریخ باستانی این کشور برای حفاریات و تتبع تازه و مکمل تری جدیت بعمل آمده موسسولوم برزی رئیس جدید هیئت ارکیولوژی فرانسی با هیئت حفار مرکز نقاط شمالی و تاریخی مملکت را گردش نموده بجهت اجرای حفاریات آینده ترتیبات لازمه گرفته شد - و یک عده شکوه و آثار گرانهای تاریخی و کتب قلمی از نو داشخاص داخلی جهت موزیم خریداری کرده شد -

### قرطاسیه لوازم تحصیل

درین سال بنا بر رفع مشکلات تولید سامان قرطاسیه و فراوانی لوازم تحصیل به تطبیق مقررات و توزیع سامان تعلیمیه که باید برحسب مقتضیات اصول صنفی و پروگرام دوره شش ساله ابتدائی برای شاگردان داده شود اوامر لازمه داده شد و بغرض اجرای این مطلوب درار سال و توزیع مقدار کافی لوازم تحصیل شاگردان بهمه اطراف و اکناف مملکت که مکاتب ابتدائیه جاری میباشد با استفاده از اسرغ و وسایل ترانسپورتی وطن اقدامات لازمه بعمل آمد -

بنابر توریید و دستیاب شدن مقدار کافی مسابله طبعی و مصارف قرطاسیه لازمه طبع کتابهای درسی شاگردان درین سال و وزارت معارف مصمم گردید که آینده کتابهای درسی شاگردان از نزد شان اعاده نشود تا بعد از استفاده شاگردان درطول سال تعلیمی کتب مذکور درخانه هم مورد استفاده خود شاگردان و منسوبین ایشان واقع شده بتواند گرچه معلوم است که قبول اعطاء لوازم

تعلیمی طلاب به صورت مجانی و عدم اعاده آن بعد از استفاده شاگردان بر بودجه معارف - بار سنگین را تحمیل می‌کنند ولی چون مرام حکومت موجوده توجه در آسایش و سهولت کارها گردان و تنویر اذهان اهالی است لهذا به تعقیب این نصب العین و تطبیق این منظور و ختم جنگ و پیداشدن کاغذ برای مطبعه وزارت معارف از واپس گرفتن کتب صرف نظر نمود.

### لایله، عمارات و ابنیه

وزارت معارف در اثر نظریه فا کولته‌های سیانس و طبی لایله این دوموسسه را لغو و برای طلاب مدد معاش مقرر نمود تا طلاب بتوانند بسکونت در خانه‌های خود بمطالعات بپردازند ولی برای طلاب طعام چاشت در فا کولته‌ها داده میشود.

گرچه تا هنوز بطوریکه باید مشکلات موجوده از بین زایل نگردیده و جهت ادامه تعمیرات حکومتی وسایل مکفی در دست نیامده است باز هم وزارت معارف درین سال نظریه احتیاج شدیدی که به عمارات اصولی مکاتب و تاسیسات علمی محسوس میگردد در راه تکمیل عمارات نا تمام اقدام نموده در رفع نواقص قدمی جلو گذاشت و برای فا کولته ادبیات نیز جای مکفی و مناسب تهیه دیده شد. در اطراف و نقاط متعدده مملکت به تاسیس لیسه‌های جدید حکم داده و برای تدویر این مواضع و عمارات مناسب تخصیص و تهیه گردید. در فا کولته طبی تاسیسات برقی لابر اتور های کمیای حیاتی و طبی و کمیای عمومی و لابر اتور بیه لوزی بصورت فنی تکمیل و یک عده سامان و لوازم ضروری وارد شده - در لابر اتور های کیمیا - شعبات تجزیه مواد مرضی - و تو کسینکو ری و غیره باز شده همچنان لابر اتور را توسی و طبابت عدلی افتتاح شده مورد استفاده قرار یافته تعمیرات فا کولته طبی پیشرفت خوبی نموده یک قسمت از تعمیرات اساسی اداره لایله و ملحقات آن تکمال نمود.

عمارات مکاتب دارالمعلمین که تا حال بدون احاطه بود درین سال به تعمیر دیوار احاطه آن - شروع و دیوار قسمت لیلی آن بطول ( ۱۴۰۰ متر ) تکمیل و دیوار حصه تد رسی آن نیز که بهمین طول است عنقریب تکمیل میگردد.

علاو تا برای آب رسانی و آبیاری میدانها و نباتات و اشجار مکاتب پنج دوره چاه و یک اثر آب در مکاتب موصوف خفرو برای خریداری بمب‌های برقی جهت آبیاری چمن ها و میدانهای مکاتب موصوف اقدام و در عین حال بتعمیر یک طبابخانه عصری مطابق نقشه‌ها و تعمیر یک داش نان کچه و یک پزی و یک حمام کلان که از حرارت دائمی مطبخ و داش بواسطه زلهای آب گرم، گرم میشود شروع و هم به ساختن یک دویی خانه یک خیاط خانه و سه تحولخانه لوازمات تدریسی و لیلی واز زاق و غیره مطابق نقشه های فنی آغاز گردید.

میزهای نان خوری طلاب تماماً از سنگهای اعلای وردک بصورت مرغوب تهیه و ماشین های رخت شوئی برای شستن البسه طلاب ذریعه مکتب میخانیکي بصورت فنی تهیه شد .  
در محوطه اول دارالمعلمین تعمیر یک مسجد کلان برای گنجایش (۵۰۰) نفر نماز گذار در نظر گرفته شد .

تعمیر اطاق عمومی سینمای مکتب دارالمعلمین که گنجایش (۵۰۰) نفر را دارد به ا کمال رسیده و یک ماشین سینما نیز برای مکتب موصوف داده شد .  
عمارت کتابخانه اساسی و عصری مربوط معارف که در نظر راست هر چه زود تر تکمیل و برای استفاده آماده گرد در دین سال به تعمیر آن دوام داده شد .

### تأسیس لیسه های جدید

ریاست تفتیش برای مفتشین خود علاوه بر هدایات و اصولاً مه های تفتیش که جزو اساسی وظیفه آنها را تشکیل میدهد راجع به بعضی معلومات خانواری و احصائیه نفوس و قرب و بعد جمعیت های اهالی از همدیگر نیز معلومات خواسته و نظر دقت مفتشین مذکور را در آن جلب نموده تا شرایط امکان تأسیس مکاتب جدید را از نقطه نظر اجتماع نفوس تدقیق نمایند - و در جاهائیکه مکاتب ابتدائی موجود است نیز تعداد نفوس و نقاط اجتماع اهالی را ملاحظه و برای تأسیس مکاتب ثانوی عوامل لازمه را مطالعه کنند - یقین است که مملکت ما زراعتی و توزیع نفوس نظریه توزیع اراضی بالای ساحه های وسیع منتشر میباشد و مسافه های زیادی که در بین قراوقصبات موجود است تا سیس مکاتب را مشکل میسازد زیرا اطفال یک قریه اکثر آن کفایت ننموده و اطفال دهات دیگر بسبب بعد مسافه به تعلیم رسیده نمیتوانند حالاً آنکه وضعیت در شهر ها و قمر اگر صنعتی این مشکلات را عرضه نمینماید - و برای تأسیس مکاتب تنها بودجه و اطفال لازم است ولی در افغانستان با وجود اینکه حکومت بسبب توسیع معارف و تعلیم افراد هر گونه مصارف را متحمل میشود لیکن توزیع نفوس و دوری خانواری ها از همدیگر باز تأسیس مکاتب بالخاصه مکاتب ثانوی که عده زیاد شاگردان و مکاتب ابتدائیه الحاقیه بکار دارد خارج امکان مینماید - ازین باعث باید چنان نقاطی را مدنظر گرفت که از حیث نفوس و مسافه موافق بوده چند مکاتب ابتدائیه و یک لیسه در آن تأسیس شده بتواند .

در اثر گردش ها و تحقیقات متعدد مفتشین مرکز بعضی از جاها که مکاتب ابتدائیه کافی داشتند و تعداد طلاب در آن مکاتب زیاد بود در نظر گرفته شد و راپوری مبنی برین معلومات بمجلس وزارت تقدیم گردید مجلس وزارت در مقامات ذیل امر تأسیس تدریجی لیسه راداد ندیعنی تصویب نمودند که یک عده طلاب مکاتب ابتدائیه بعد از فراغ دوره شش صنفی فارغ نگردیده



بتدریس خود ها دوام بدهند البته صنوف عالی لیسه سال به سال زیاد شده بعد از مدت شش سال صنف ۱۲ را صاحب خواهند شد درین سال امر تاسیس لیسه هادراستالف - غزنی - سرخورد مشرقی - مرکز جلال آباد - مرکز مزار و مرکز هرات داده شده و برای تهیه لوازم تعلیم و معلمین آن اقدامات بعمل آمد از طرف دیگر وزارت معارف وضعیت بعضی از مراکز دیگر را نیز از نقطه نظر فوق مطالعه نموده لیسه های متعددی را خیال دارد تاسیس بنماید و بدین صورت احتیاج عمده شرقی مملکت را که مربوط به اشخاص تعلیم یافته است حل نماید و برای رفاه و سعادت آینده افغانستان اردوی عرفانی را تربیه نماید و موسسات عالی و تخنیکی به اساس مکاتب ثانوی بنا گردد انشاء تعالی.

### مدرسه علوم شرعیه

در مدرسه علوم شرعیه جمعی از اولاد این مملکت برای خدمات اسلامی و پیشبرد آرزو های دینی تربیه ببینند تا این دسته اولاد وطن با داشتن حصه کافی از معلومات عصری از علوم دینی و مذهبی بهره کافی داشته به شعبات مختلف دینی مصدر خدمات اسلامی شده بتوانند از آنجا که وجود هیچ موسسه در قطار ضروریات عمده به حساب میاید ۱۰ پاول میزان سال ۱۳۲۳ تاسیس مدرسه علوم شرعیه کابل مورد منظوری مقامات صلاحیت دار واقع گردیده يك دسته هشتاد نفری فارغ التحصیلان صنوف ششم مکاتب ابتدائیه ولایت کابل و مشرقی بمرکز خواسته و بمدرسه موصوف پذیرفته شدند برای بود و باش لیلی و نهاری شاملین این مدرسه عمارت دارالفنون موضع سابق فاکولته طبی تعیین گردیده بود در سنه ۱۳۲۴ چون توسیع این مدرسه زیر نظر بود و عمارت متذکره گنجایش آنرا نداشت مدرسه از آنجا به یغمان نقل و برای دارالافامه لیلی شاگردان عمارت سلام خانه و برای درسگاه شان عمارت هوتل بهار و همچنین برای اداره و رهائش هیئت تربیوی آن عمارات مناسب جدا گانه تعیین گردید تا طلاب و موظفین از هوای آزاد و بافرحت یغمان استفاده کرده و شب و روز متعلمین تحت تربیه اساسی و دینی باشند تمام وسایل آسایش لیلی و پیشبرد تعلیمی مهیا و یکسال تعلیم مدرسه در برج میزان سنه ۱۳۲۴ انجام و امتحانات آغاز گردید در نتیجه امتحان یقین کلی حاصل شد که پروگرام مرتبه درین مدرسه بخوسی قابل اجرا بوده علوم دینی و عصری را یکجا آموختن دشوار نیست در ظرف همین یکسال اول طلبه به محاوره بلکه به نوشتن مکتوبهای مختصر ابتدائی بزبان عربی و یاد گرفتن يك غده لغات انگلیسی قدرت پیدا کرده اند.

يك کتابخانه کوچک نیز در مدرسه ترتیب یافته پکعمده کتب راجع به علوم مختلفه در آن جمع و به معرض استفاده قرار داده شد از نقطه نظر توسیع مدرسه بشمول (۹۰) نفر جدید دیگر هم

امروبا لاخره ص مواوی شاه محمدخان مدیرمدرسه بغرض انتخاب طلبه بولایت قند هاروغزنی و شمالي فرستاده شد تا طلاب لایق شمول این مدرسه را انتخاب نماید و چون اولیای طلاب به داخل شدن اطفال خود درین مدرسه رغبت و علاقه مفرطی داشتند در ادخال اطفال خود بمدرسه علوم شرعیه مسابقه مینمودند قبل از ورود این طلاب جدید وزارت معارف تمام ضروریات شان را مهیا نموده و بمجرد وارد شدن بمرکز تحت تعلیم و تربیه گرفته شدند .

پروگرام مدرسه علوم شرعیه که قسمت متعلق سال اول آن درسته ۱۳۲۴ تطبیق گردیده

است قرار ذیل است :

- درفقه شریف . - خلاصه کیدانی - کنزاول - کنزاخیر - هدایه اول - هدایه اخیر .
- در تفسیر . = ترجمه قرآن کریم - جلالین شریف - مدارك شریف .
- در اصول تفسیر . اتقان سیوطی .
- در اصول حدیث . - مقدمه مشکوة شریف - شرح نخبه الفکر -
- در حدیث شریف . - مشکوة شریف - بخاری شریف .
- در تجوید . - قواعد تجوید جزری .
- در اصول فقه . - اصول شاشی - نور الانوار .
- در عقاید . - ابوالمنتهی - شرح عقاید نسفی .
- عربی . - محاوره با قواعد صرف و نحو املاء انشاء قرائت عربی متن شافیه شرح جامی مختصر المعانی ادبیات عربی .
- در منطق . - منطق جدید (صوری و تطبیقی) و قطبی .
- در فلسفه و اخلاق . - اخلاق جلالی میندی .

بر علاوه از تدریس کتب متذکره فوق جهت تطبیق در مدرسه علوم شرعیه راجع به پنبشو علوم ریاضی، فزیک، کیمیا، جغرافیا، تاریخ، روحیات و ما بعد الطبیعی - اجتماعات و اقتصاد - حقوق - رسم - تاریخ فلسفه و لسان انگلیسی پروگرام جداگانه که مطابق مفردات پروگرام مکاتب ایسه میباشد ترتیب یافته و مورد تطبیق قرار گرفته است طوری که در اخیر تحصیل مدرسه علوم شرعیه طلاب علاوه بر کسب معلومات دینی و عربی دارای تحصیل علمی معادل به بکسلوریای لیسه ها تیز میشوند .

در سال گذشته برای مدارس اطراف از طرف وزارت معارف نصابی تعین و یک هده طلاب در مدرسه که بنام مدرسه متوسطه علوم شرعیه موسوم گردیده بود شروع به تعلیم نمودند ولی شوق مفرد اهالی و احساسات مدرسین و طلاب اطراف که در اثر عشق بعلم و معرفت افر وخته شده بود وزارت معارف را وادار ساخت تا با وجود مشکلات معلم جای وسامان مثل مدرسه

علوم شرعیه پغمان مدارس ۹ ساله بعوض مدارس متوسطه شرعیه احداث نماید اگر چه مقصود وزارت معارف از تاسیس مدرسه متوسطه شرعیه شش ساله این بود که طلاب بعد از فراغ تحصیل برای احراز مدارجات رفیعہ علمی در کابل آمده بصنف هفتم مدرسه علوم شرعیه پغمان داخل شوند و تحصیل خود را مثل طلاب این مدرسه بااستثنای زبان انگلیسی دوام بدهند ولی بسبب اشکالات مسافرت طلاب وشوق مفراط شان براینکه درشهر خود همان طو ر یک مدرسه عالی داشته باشند مدرسه ۹ صنفی در نقاط مذکور تاسیس گردید. طلاب درین مدارس بعد از ختم ۹ صنف مستحق شهادتنامه علوم شرعیه عصریه مگردند و هر گاه طلاب لایق و ذکی فارغ التحصیل خواهش اختصاص را در یکی از شعبات سه گانه قضاء تبلیغ و تدریس داشته باشند در آن وقت به کابل آمده سه سال دیگر به تحصیل خود دوام میدهند و شعبه را که برای خود اختصاص داده اند بعد کمال میرسانند. حکومت دیانت پرور در راه تاسیس این مدارس و بدست آوردن علمای دین که از حالت موجود دنیا و علوم عصریه واقف باشند هر گونه مصارف را متحمل گردیده و هیچگاه مانعی را برای جوینده گان علم درین راه در نظر نکرفته و مادتا و معنائی که طلاب را مهیا ساخته و میسازد وزارت معارف امید قوی دارد که محصولات این مدارس باعث رفاه وسعادت دینی و دنیوی ملت خواهد گردید. (و من الله التوفیق)

### امور صحی مکاتب

برای بهبود اوضاع صحی مکاتب وجلو گیری از بروز امراض ساری در بین شاگردان اطفالی که دوره آبله کوبی شان فرارسیده بود ذریعه داکترهای معارف آبله کوبی شدند. هیچکس را مرض تیفو برای همه طلاب معارف بصورت مجانی تطبیق کرده شد و در مکاتب ابله واکسیناسیون ضد حمای لکه دار بعمل آمد که درین سال هیچ یک واقعه درلیلیه ها بمشاهده نیبوست برای دارا لملمین منظوری یک شفاخانه بایک تعداد کافی بستره و یک دواخانه و یک دکتور مخصوص داده شد تا امراض خفیفی طلاب در آن مداوی و هرگاه کس وخامت وسرایت نماید به شفاخانه های بزرگ نقل داده شود. این شفاخانه از نقطه نظر حفظ ماتقدم از شیوع امراض ساری وتجربید مریض ها بالای محافظه و اساحت عموم طلاب اهمیت زیادی دارد جای ویلان تعمیر این شفاخانه تعین گردیده و تعمیر آن جریان دارد.

نمایشات سپورتی مختلفه از قبیل دویدن ده هزار متری و تورنمنت های فیتبال و سپورت های انفرادی انواع دویدن وانداخت و خیزوها کی بعمل آمد و تورنمنت های فیتبال به سیستم ایک و تورنمنت والی بال و با سکتبال و هند بال و غیره نیز تطبیق کرده شد تیم مت بال کلب آریانا برای مسابقه باتیم های هندی اعزام شدند برای تشویق و ترویج سپورت تیم های فیتبال از مکتب استقلال ونجات برای مسابقه باتیم های معارف به هرات و قندهار اعزام شدند سیامان ولوازم مختلفه سپورت باوجود مشکلات از خارج وارد گردیده برای استفاده طلاب مرکز ولایات توزیع و ارسال کرده شد.

## تاسیس پوهنتون افغانستان

یکی از اقدامات مهم و بزرگ وزارت معارف در سنه ۱۳۲۴ هـ. ق. تکمیل ارکان و عناصر پوهنتون (دارالفنون) کابل بود. فی الحقیقت فاکولته های چهارگانه طب، حقوق، سیاست ادبیات با تأمل می موسسات ملحقه آن دارا لفنون کابل را تکمیل نمودند. و در اثر آن فرمانی از حضور اعلیحضرت المتوکل علی الله محمد ظاهرشاه راجع به تاسیس پوهنتون کابل باضمائم آن که محتوی بر مواد قانون تاسیس پوهنتون است بصدارت عظمی شرف صدور بخشید. با اثر فرمان حضور ملوکانه فرمان نمبر ۲۷ بر ۶۳۵ مورخه ۲۲ حمل سنه ۱۳۲۵ راجع به تاسیس پوهنتون از مقام صدور عظمی وزارت معارف توصل نمود و بروز ۲۵ حمل ساعت ۴ بعد از ظهر مراسم افتتاح رسمی پوهنتون یا یونیورسټی کابل در سالون فاکولته حقوق و علوم سیاسی با تشریفات شاندار از طرف و لاجحضرت وزیر معارف معاون صدارت عظمی بعمل آمد درین موقع تمام اراکین وزارت معارف، روسا و معلمین فاکولته ها و سائر منسوبین معارف و مطبوعات و جمعی از طلاب فاکولته ها حضور بهم رسانیده بودند. ابتدا مجلس باقر ائت چند آیه قرآن پاک که از طرف یکی از محصلین فاکولته و سیاست تلاوت گردید افتتاح شد. متعاقب آن و لاجحضرت وزیر معارف بر منبر خطابه رفته نطق جامع ویر معنائی ایراد فرمودند که مفاد آن ذیلاً مندرج است:

## (آ) مفاد خطابه و لاجحضرت وزیر معارف

حضار محترم! خداوند مهربان را شکر گذارم که امروز برای ما موقع عطف فرمود تادیر محلی که دران ارباب علم و عرفان جمع شده اند حاضر شده در موضوعیکه ما بوطیه ارتقاء معارف و ترقی علم و عرفان در مملکت است حرف بزنم و درین راه یک قدم بیشتر بگذاریم همه ما و شما بیاد داریم که (۱۵) سال قبل اعلیحضرت شهید سعید که در یک عالم بی وسیله کی زمام امور مملکت را بکف گرفتند باوجود مشکلات و زحمات فوق العاده که در سر راهشان حائل بود محض بانگاه عزم متین و عشق مفرطیکه بترقی و ترقی و عزیز خود داشتند در اولین فرصت ممکنه شعبه مهم دارالفنون را که عبارت از فاکولته طب میباشد تاسیس و دران یک تعداد جوانان فارغ التحصیل متوسط را برای آموختن طبابت و فرا گرفتن تعلیم عالی برگماشتند آرزوی یگانه که اعلیحضرت شهید از تعلیم عالی داشتند تهنایمینه خوش بختی مملکت و آبادی وطن و سعادت ملت بود متأسفانه عمر بایشان وفا نکرد و آن افکار بزرگ ناتمام ماند چیزیکه در اینجا می خواست بختی است این است که اعلیحضرت المتوکل علی الله محمد ظاهرشاه پادشاه محبوب و معارف پرور ما عیناً اساسات و سیاست پدر بزرگوار خود را تعقیب فرموده مبادی اساسی را که اعلیحضرت شهید طرح فرموده

بودند مورد عمل قرار داده به اشخاص عالم و ارباب معارف موقع دادند تا در پیشرفت معارف و ترقی شعب عرفانی مملکت قولاً و عملاً کار کنند. البته همه میدانیم که وزارت معارف مادر تمام ادوار سلطنت اعلیحضرت شهید و شاه جوان خود هروقت میخواست قدمی به پیش گذارد با مشکلات و صعوباتی که مواد عدم و سائل و اسباب بود بر میخورد ولی وزارت معارف تمام آن مشکلات را تحمل کرده از پیشرفت و اصلاحات اساسی خود باز نماند تا اینکه در ضمن اصلاحات سائره خویش به تاسیس چند فاکولته که از کارکنان اساسی یک یونیورسسته را تشکیل میدهد موفق شده زمین را رفته رفته برای تأسیس دارالفنون مساعد گردانید تا اینکه امروز همینکه دیدوسایل تاحدی آماده و زمینه مساعد است فوراً به تمثیل افکار و آمال ذات شهبانه پرداخته و بتاسیس افتتاح رسمی (پوهنتون) پرداخت و بعد ازین هم البته هروقت سرمایه در مملکت پیدا و زمینه تاسیس شعبه جدیدی فراهم شود بتاسیس یک شعبه دیگر در ترقی معارف و تکمیل دارالفنون قدم دیگری برداشته خواهد شد.

البته ترقی و پیشرفت، آمال و آرزوی ماست اما دروای تمام اینها آرزو امید جدی نری که داریم و باید درین جا مخصوصاً ذکر کنیم این است که باید از پیشرفت علم و عرفان در مملکت هدف و نصب العین مشخصی داشته باشیم و آن تربیه فضائل معنوی و ایجاد معنویات قوی در طبقه جوان و نسل آینده میباشد هدف ما از تعلیم و عرفان نباید صرف ظواهر و جنبه مادی آن باشد بلکه وقتی میتوانیم بگوئیم حقیقتاً در جامعه خود عرفان صحیح وارد کرده ایم که روح جدید و آمیخته با فضائل معنوی و رشادت اخلاقی درین طبقه تعلیم یافته و منور توأم با فرا گرفتن علوم و فنون جدید و دمیده باشد من میخواهم ازین موقع اسفاده کرده بگویم آرزوی من ایجاد علم توأم با معنویات عالی در مملکت است البته اشخاص عالم دارای تعلیم عالی وقتی میتوانند باین مملکت مفیدتر ثابت شود که ارزش اخلاقی و معنوی آنها مثل علم و معلوماتشان کامل و بلند باشد.

علم نباید تنها دارای هدف مادی باشد بلکه تعلیم عالی زیادهتر از جنبه مادی حائز مرتبه معنوی است. البته همه میدانیم وقتی بود که ما علم نداشتیم تعلیم صحیح در مملکت ما موجود نبود ولی ما دارای معنویات و فضائلی بودیم که بصفت یک شعور معنوی ما را از بساطت بلکه با خطرات نجات داد مادران اوقاتیکه علم نداشتیم عزت نفس و مناعت طبع و اعتماد بنفس تا درجه نهائی در ما موجود بود و این جوهر معنوی تاریخ مشعشعی را بما تأمین کرد اگر ما امروز سعی میکنیم با وسیله ترقی عرفان، اصلاح سیستم معارف و تعلیم و تربیه در مملکت ما علوم و فنون عالی و موسساتیکه حامی و خادم این علوم باشد بوجود آید ولی هدف ما معنوی نباشد عکس العمل هائی تولید خواهد کرد که از آن علم، عدم علم بهتر است. اعلیحضرت همایونی آرزو دارند

خوان مملکت خان معانی طوریکه به صلاح علم مجهز میباشد به زیور معنویات پندامه مزین باشد پس ما باید بدایم معنویات را قنن و مقام برزگی است و نوری بودن از جوهر معنوی ناری بودن از کمال است ما باید در پند بردن سوره معنوی اولاد مملکت از هیچ کوه شاعری و یقین میکنیم زیور یقین دارم که معنویات پند یگانه وسیله اعلا و رفی است این را برست که باید در نزد از کسان و اولاد معارف باشد و آنها باشد که علم و مملکت معنویات پند فایده ندارد در خاتمه از خداوند یار میکنم تا به لطف و مرام بی پایان خود به تمام اولاد معارف و یقین غایت فرماید اعلم را طوری پاموریم که بتوانیم آنرا وسیله وصول به سعادت حقیقی و فضیلت انسانی قرار بدهیم اشک از رئیس تعلیم و تربیه وزارت معارف خواستی میکنم که تار یقین مفصل تعلیمات عالی را در مملکت با مرامین جدیدی که برای تاسیس این مؤسسه از معنویات ذات معانی شرف صدور چشمه است به اطلاع شما برساند

### معروضه رئیس تعلیم و تربیه وزارت معارف

والا حضرتنا - حضور محترم :

اعلیحضرت شهید سعید علیه الرحمه (۱۵) سال قبل اجتماع امروزی مشاوران را پیش بینی و تصویب فرموده بودند مسئله اساس دارالقانون در افغانستان یکی از آرزو های مبارک شان بوده که همیشه در قلب خود می پروردا این تصور برای



آخرا و تصویق آن شرائط مکان و زمان مناسب را فراهم داشتند چنانچه بقول شاه علی محمد خان وزیر معارف آن وقت در ماه عقرب ۱۳۱۰ هجری داشت مبارک در باب تاسیس (و یورو) به وزارت معارف شرف صدور یافت و در وقت فرمودند که وزارت معارف باید در دست دقیق باشد که آنکس درین موقع میباید شرائط موجوده یک دارالقانون تاسیس نماید ساختن پروگرام سایر لوازم تشکیل آنرا از قسم های کتابخانه و اداره و غیره ترتیب داده بحضور عرضه میدارد چون اوجه اعلیحضرت معقول و برین امر فوق العاده متعلق بود وزارت معارف در صدر آمده و اولاد

بجای خود را در محمد علی خان رئیس تعلیم و تربیه وزارت معارف

مادی و معنوی آنرا سنجیده اوائج که ممکن بود ترتیب کرده بحضور اعلیحضرت مرحوم تقدیم نمود در (۲۳) خوت سال ۱۳۱۰ در تحت ریاست ملوکانه در قصر دلکش مجلسی مرکب از والاحضرت صدر اعظم و والاحضرت غازی وزیر حربیه و رجال بزرگ دولت و بعضی اراکین وزارت معارف تشکیل یافته اعلیحضرت مغفور بنفس نفیس خود افکار و آرای رجال دولت و وزارت معارف را استماع فرمودند بعد ازان مفکوره قیمت دار خود را در باب پیشرفت معارف بدین قرار اظهار نمودند :

« چون برادران من واقف اند که از صفات سن باین طرف در امور عرفانی يك عشق مفراطی دارم خصوصاً درین دور که وظیفه بزرگ اصلاح و تربیه عمومی ملت بدوش من گذاشته شده وظیفه و وجبیه خود میدانم که درجات علمی ، اقتصادی و عمرانی این مملکت را هر روز با اصول صحیح و بیاری خداوند و همدستی اولاد وطن خود پیش ببرم در نتیجه عمارات دارالامان را با تمام مشتملات و باغ ها و اراضی متعلقه آن جهت دارالفنون به وزارت معارف احسان فرمودند ازان وقت وزارت معارف به تاسی و تعمیل امر ملوکانه در صدد تاسیس دارالفنون و تهیه لوازم و شرائط آن بقدر امکان کوشش نمود با وجود اعزام طلبای اعدادی بخارج وزارت معارف از فکر تاسیس دارالفنون منحرف نشد و پس از اخذ امتحان سالانه مکاتب اعدادی دسته از طلبا به اروپا و امریکا اعزام و باقی برای ادخال به دارالفنون افغانستان نامزد شدند درین خصوص که آیا کدام از شعبات (یونیورسیتی) را بدو میتوان افتتاح نمود وزارت معارف بامتنصبین و ارباب فضل و دانش مذاکره و مفاهمه نموده و در نتیجه معلوم گردید که شعبه طبیه دارالفنون را فعلاً میتوان تاسیس کرد .

بعد از ترتیبات مقدماتی در محفل تاریخی اول عقرب ۱۳۱۱ بحضور اعلیحضرت غازی نادر شاه شهید فاکولته طبی دارالفنون کابل رسماً تاسیس گردید اعلیحضرت معظم در ضمن بیانات قیمت دار خود فرمودند :

« بدرگاه کبریائی مشکورم که خداوند افغانستان را نه تنها از بلای خطرناک انقلاب نجات داد بلکه به بسا اصلاحات و اقدامات نافع دیگر نیز موفق ساخته ماوشما را بنیل همچو يك تقریب سعیدی که برای افتتاح يك موسسه نهایت مفید عرفانی دران اجتماع کرده ایم نائل ساخت اگر این فاکولته طبیه (یونیورسیتی) را که امروز بیک پیمانه خوردی اثبات وجود کرده است بیک دانه تخم توت تشبیه نمائیم شاید معلّم را بخوبی ذهن نشین سامعین کرده خواهد بود طوری که يك باغبان در موقع کاشتن همان خاک دانه تخم توت يك جهان آمال خود را به بلور مربوط و دوائر نظارت و آبیاری اثران لورا بصورت نهال و رفته رفته يك دوخت تنومند

## د مملکتی دواړو تشکیلات

- ۱۲ - د اوراقو عمومي مدیریت
- ۱۳ - د تعمیراتو مدیریت
- ۱۴ - د پیمایش اوسنچش مدیریت
- ۱۵ - د حرب دوزیر د تحریر اتو اود مخصوص قلم مدیریت
- ۱۶ - د قاهر یکساتو عمومي مدیریت
- ۱۷ - د عالی کورس
- ۱۸ - د محاسبی اومو زیکی د کورسو مدیریت
- ۱۹ - د سپورت مکتب

## د عسکری قطعاتو قوماندانان

- ۱ - د فوای مرکز قوماندان : ع ، ش ، س ، ع عبدالغنی خان فرقه مشر
- ۲ - د جنوبی عسکری قوماندان او تنظیمه رئیس : ع ، ش محمد قاسم خان فرقه مشر
- ۳ - د غزنی » : » نور محمد خان
- ۴ - د قندهار او فراه عسکری قوماندان : » محمد علم خان
- ۵ - د هرات » : ح محمد گل خان لمری - غنوه مشر
- ۶ - د مزار او د میمنی » : ع ، ش الله داد خان لمری - فرقه مشر
- ۷ - د مشرقی » : ع ، ش میر احمد خان
- ۸ - د دهوایی دعو می فواو قوماندان : ..... : ع ، ش عبدالرزاق خان فرقه مشر
- ۹ - د حربې ښوونځی قوماندان : ح محمد عیسی خان غنډ مشر
- ۱۰ - د حربې پوهنځی د قوماندان کفیل



امر داری بار می آورد من نیز از خدای بزرگ استعانت می خواهم تا به مساعدت ملت عزیزم و وظیفه ستاسی مامورین مربوطه این موسسه عرفانی را که فعلاً خورد و خیل می باشد به آن دانه توت است یک دارالفنون عالی بسازد و از فیوض آن حکومت و مملکت ما را مستفید و از میان آن چنان طلابی کسایاب برآیند که از حیث اخلاق و تربیه از جنبه تحصیلات علمی و فنی بهترین فارغ التحصیلان دارالفنون های عالم بوده طوری حسن اخلاق و اعمال خود را با افغانستان نشان بدهند تا بجهان و جهانیان معلوم گردد که ملت افغانستان چنان یک ملت زنده و پیدار است که از یک طرف بمقررات مذهبی خویش پایبند و از جانب دیگر شئون ملی خود را از دست نداده بهمراه شجاعت اثری از تمام امتیازات عصری بدرجه اول بهره وراست به بدین شکل فاکولته طبی تاسیس و عیناً مطابق امیدها و پیش بینی آن فخرمان نامی شروع بانکشاف و توسعه نمود چندی نگذشت که واقعه المذک و جگر خراش شهادت آن فخرمان نامور بوقوع پیوست و تمام آمال و آرزوهای خویش را به بازماندگان و اولاد آینده وطن تودیع و روح یرفتوحش بخلد برین آرام یافت پس وظیفه کسافه افراد ملت و بالخاصه مؤظفین امور عرفانی است که مطابق هدایات آن حامی علم و عرفان رفتار نموده آرزوهای خیر اندیشان را به تحقیق برسانند بفضل خدای متعال دیده میشود که جریانات امور عرفانی مثل سائر کارهای دولتی بر حسب خط مشی و مرام اعلیحضرت شهید و تحت قیادت اعلیحضرت المتوکل علی الله بطرف آینده درخشانی بسیر تکامل خود متوجه میباشد و برای تحقیق نظریات آن مغفور وزارت معارف باعزم و ثبات و پروگرام صحیح یک هیئت جوانان مملکت را تحت تربیه و اداره گرفته و به تکمیل نظریات و تعمیل پلانیهای اعلیحضرت شهید شروع به فعالیت نمود مشکلاتیکه به سبب عدم وسائل بالخاصه به سبب جنگ دنیا که (۶) سال طول کشید و راهای مدیت را که سرچشمه فیض یابی معارف است مسدود گردانید بعزم متین و بازوی پر کار خدام معارف صدمه تولید ننموده همیشه بسمت اعتلا و موفقیت و رسیدن بمقصد روان بود و بسا موانع بزرگی را برطرف ساخته اند و علاوه بر تکمیل و اصلاح توسعه فاکولته طبی چه از نقطه نظر مالزومه و معلم و چه از نقطه نظر مهارت به تناسی از آمال اعلیحضرت شهید به تکمیل دارالفنون کابل بدل جدیت و مساعی و رزیده اند و احتیاجات مملکت را یکسان یکسان در نظر گرفته بلحاظ ضرورت اولی و تحقیق شرائط تاسیس یکی بعد دیگر فاکولته های اساسی یک دارالفنون را تاسیس نمود در سال ۱۳۱۷ بقرار فرمان یادشاهی فاکولته حقوق و علوم سیاسی از طرف وزارت معارف تاسیس گردید که مقصد آن تربیه مامورین در شعب اداری و دیپلوماسی و اقتصادی و مالی است که علاوه از مطالعه و مضامین و اصول ممالک خارجه خصوصیات و احتیاجات افغانستان را مستقیماً تحت مذاقه قرار میدهد تا وجودی که طلاب بگلور بادریان وقت اندک و یک قسمت شان بخارج اعزام گردیده بود

برای بکار انداختن این فاکولته موقتاً از اشخاص غیر بکلور یا که دارای لیاقت خصوصی میباشند طلاب اخذ گردید و برای مامورینی که خواست تحصیل را داشتند وقت کافی با معاش داده شد تا از تعلیم مستفید گردند.

روز بروز در اثر بدست آمدن فارغ التحصیلان لیسه‌ها این فاکولته رونق بهتری و اساسی‌تر بخود کسب نمود و از حیث طلاب، پروگرام، معلمان و هیئت اداری و اصلاحات بی‌دری واقع گردید که امروز یک فاکولته مکمل را تشکیل میدهد و مامورین اقتصادی و اداری بالغای حکام مملکت ازین مؤسسه می‌برایند بعضی مکاتب مسلکی که عبارت از لیسه تجارتی و مکتب اصول تحریر باشد بنابر ارتباط مسلک و پیشبرد سویه علمی این مکاتب به فاکولته حقوق منحق گردید این فاکولته یک‌عده فارغ التحصیلان نیز داده و بمعرض استقامت دوائر حکومتی گذاشته است. در میزان ۱۳۱۳ در وزارت معارف اقدامی از طرف شایع احمد علی خان وزیر معارف آن وقت در خصوص تاسیس فاکولته سیاسیه بعمل آمد یک‌عده طلاب فارغ التحصیل بکلوریا در آنجا داخل شدند ولی به سبب عدم وجود معلمان سنج و کافی و ارسال یک‌عده اراکان طلاب بخارج فاکولته مذکور بسته شد و طلاب باقی‌مانده آن به شعبات تخنیک و غیره تقسیم شدند باوصف این وزارت معارف احتیاج معلمان لیسه‌ها را همیشه در نظر داشته خیلی مایل بود که یک مؤسسه برای تربیه معلمان دوره ثانوی مکاتب بوجود آید ولی به سبب عدم وجود معلمان سامان و طلاب منتظر فرصت تهیه شرائط تاسیس آن بود در فرصتی که یک‌عده فارغ التحصیلان از خارج وارد شدند به تاسیس مجدد فاکولته سیاسیه پرداخت تا در این بار بطور اساسی فاکولته مذکور تاسیس گردید و از میزان ۱۳۲۲ به تعلیمات خود آغاز گردید و طلاب در (۲) شعبه ریاضی، و کیمیا و بیولوژی تحت تعلیم گرفته شد از طرف دیگر از حسن تصادف معلمان متعدد افغان از خارج فارغ التحصیل شده وارد وطن گردیدند و هر یک سهمی در داخل دایره اختصاص خود بتدریس مضامین فاکولته گرفته اند طلاب جدید سال بسال به تعداد کافی اخذ گردیده تحت تعلیم گرفته میشوند.

لاهور اتوارهای آن در مدت کم توسعه زیادی یافته الحال از هر جنبه فاکولته مذکور قابل امید و اطمینان است.

حضار محترم! اگرچه این فاکولته تا حال فارغ التحصیل نداده ولی مقصد وزارت معارف در خصوص تهیه معلمان مکاتب ثانوی تا اندازه حاصل گردید زیرا طلاب این فاکولته از ساعت فارغ خود کار گرفته دیوس اساسی صنوف متوسطه و عالی لیسه‌هایی را که به بحران

فقدان معلم گرفتار اند پیش می برتد ریاست تعلیم و تربیه از نتیجه کارشان ممنون است پس یقین است که بعد از فراغ تحصیل یک قسمت طلاب این فاکولته معلمین لایق مکاتب ثانوی را تشکیل خواهند داد.

والاحضرتا! درخصوص فاکولته ادبیات از حضور شما اجازه خواسته عرض مینمایم که درابتداء این اقدام نظر به افکار و فوای معنوی شخص والاحضرت بوده و هیچ کدام از همکاران شما تاسیس شعبه ادبیات این فاکولته را بدین زودی ها ممکن نمی دید در خصوص تهیه مواد تدریسی همه متردد بودیم ولی الحال بکمال منوئیت مشاهده می شود که فاکولته ادبیات و قسمت مشککترین آن از عرصه عدم یا به صحنه وجود گذارده و مواد و ستون کافی که مواد تدریس را تشکیل بدهد تهیه شده و یک عده استادان تحت نظم و نسق جدید گرفته شده و تالیفات و تطبیقات آنها برای تقویه و دریافت اساسات زبان ملی رولی مهمی را بازی می نمایند. اگر به تدریسات یکنیم ساله این فاکولته نظر انداخته شود راجع به موقعیت آینده و انکشاف این مؤسسه یقین کامل حاصل میگردد. مبرهن است که بعد از موفقیت به تاسیس شعبه ادبیات پنبو شعبات دیگر فاکولته ادبیات اشکالی نداشته و تاسیس آن مبنی به کثرت تعداد طلابی میباشد که ازلیسه ها بدارالفنون وارد میشوند یقین است که در صورت تأمین جلاب کافی شعبات تاریخ، جغرافیه، السنه و غیره یکی بعد دیگر تاسیس خواهد گردید.

والاحضرتا و حضار محترم! وزارت معارف خوش بخت است که امید های اعلیحضرت شهید را در تحت سرپرستی و همه هدایات شما بتحقیق رسانیده و عملی کرد روح پر فتوح وی را خوشنود ساخت عناصر مهمه که برای تشکیل دارالفنون لازم بود مهیا نمود افتتاح این عمل و تطبیق نظریات اعلیحضرت شهید به وزارت معارف عاید است و این لحظه تاریخی را به اهل معارف تبریک میگوئیم و از خداوند موفقیتهای شان را در باقی اقدامات خواهیم خواهم.

حضر محترم! بعد از تکمیل و تهیه عناصر تربیتی دارالفنون کابل صدارت عظمی بشف صدور فرمان از حضور اعلیحضرت المتوکل علی الله پادشاه محبوب ما بایل گردید و به وزارت معارف اطلاع داده بنده افتخار دارم تا از قرائت آن همه شما را مستفید گردانم ناگفته نماند که راجع به کلمه دارالفنون و فاکولته و باقی مصطلحات متعلق به آنها اخیراً در وزارت معارف مجلسی منعقد و کلمات (پوهنتون) و (پوهنځی) و غیره تصویب گردید که بنده بسبب سیر تاریخی واقعات در جملات ماقبل آنها را استعمال نه نمودم البته حضار محترم من بعد مصطلحات را که در فرمان تاسیس (پوهنتون) تذکار گردیده مورد استعمال قرار خواهند داد.

## فرمان تاسیس پوهنتون

نقل فرمان نمبر ۲۰۴ بڼ ۱۳۵-۲۲ حمل ۱۳۲۵ مقام منبع صدارت عظمی

ع، ج والا حضرت سردار محمد نعیم خان وزیر معارف

فرمان نمبر ۶۰ بر ۲۹۳ تاریخ ۲۱ حمل ۱۳۲۵ حضور فرین الشرف اعلی حضرت همایونی

صدارت عظمی شرف ورود بخشیده مراتب ذیل را حکم فرماست:

میرهن است منظور نظر حکومت همیشه توسیع و ترقی معارف بوده و میباید و همیشه اروسا تلی که در دست توان خود دیده استفاده نموده برای ترقی سویه عرفانی در مملکت اقدامات لازم را دریغ ندانسته و بفضل خدای بزرگ روز بروز این اقدامات موثرتر واقع شده و موجب اطمینان و امیدهای نیک ما میگردد حکومت همیشه برای افرادی که خواسته اند از فیض علم و دانش زیاده تر بهره مند گردند وسیله تعلیم و تربیه را فراهم ساخته و در رفیع مواضعیکه به مقابل همچو اشخاص پیش آمده بذرایع ممکنه اقدام نموده است چنانچه یکمده از طلاب بکلوریا به سبب عدم وجود مدارس عالی در داخل مملکت مجبور بودند از تحصیل عالی صرف نظر نمایند برای دوام تحصیل و احراز مدارج تخصص بخارج فرستاده شدند و مصارف کثرت فیکه برای این امر لازم بود حکومت متحمل گردید.

با این چاره سنجی های موقت حکومت در نظر داشت که برای آینده علوم طلاب تدابیر اساسی اتخاذ نموده مؤسسات عالی را برای تربیه طلاب منتهی و رساندن شان بمدارج عالی علوم تاسیس نمایند تا طلابیکه بتعداد زیاد از لیسه ها فارغ میشوند در داخل مملکت وسائل تحصیلات عالی را فراهم یابند.

این بود که در اثر ارشاد اعلی حضرت شهید سعید علیه الرحمه پوهنچی طبی تاسیس گردید و یکی از مهمترین احتیاج افغانستان در اثر نظریه نیک آن فرمان نامی تهیه دیده شد به تعقیب اقدام آن قائد بزرگ بعد از دریافت نمودن تعداد کافی طلاب ضرورت های اولین مملکت را در نظر گرفته بالتدریج پوهنچی های حقوق، علوم و بالاخره ادبیات تاسیس شد.

چون در اکثر ممالک متدینه هیئت مجموعه پوهنچی های طبی، حقوق، علوم، ادبیات، شعبات اساسی یک پوهنتون را تشکیل میدهند پس بعد از بکار افتادن این چهار پوهنچی لازم است که بر طبق آرزوی حکومت و ایجابات عصری پوهنتون کابل تاسیس گردد تا بقابلت پوهنچی های مربوطه انسجام و هم آهنگی بخشیده در پیشبرد کار این مؤسسات انتظام و سهولت را فراهم آورد و همچنین یک مرجع و مأخذ علمی قوی برای رهنمائی متتبعین و علما و متخصصین بوجود آید تا در اثر آن رهنمائی نتایج کارشان مطابق ایجابات اصول علمی امروزی بوده با هدف ملی و اجتماعی افغانی توافق ورزد و برای ارتقا و وقایه سویه علمی در افغانستان دائره ذیصلاحیتی تشکیل گردد.

تا به تشخیص علما و تقدیر مدارج علمی و آثار شان حکمیت صحیح کرده بواند بنابران لازم دیده منظور نمودیم که بفرض ضبط و ربط تحصیلات عالی و پیشرفت جدی آن ټکنالوجۍ پوهنتون مکملی در کابل تاسیس و بپروګرام میکه در خور شان چنان ټکنالوجۍ موسسه عالی باشد شروع بکار نماید .  
بوسیله فرمان هذا قانون تاسیس پوهنتون کابل را حسب مواد منظمه این فرمان منظور نموده از تصمیم و اراده حضورم به آن عم محترم آگاهی بخشیده امر و ارشاد میفرمائیم که از منظور حضورم بوزارت معارف هدایت بدهند تا ټکنالوجۍ آن اولتر ترتیب و تدوین بودجه آن را سنجش نموده در ضمن بودجه دولتی منظوری حاصل دارند .

امر و هدایت حضور مبارک شاهانه فوقاً بجلالنام شما خبر داده شد تا طبق آن به ترتیب و تدوین بودجه پوهنتون موصوف بیردازید پنج ورق قانون نامه تاسیس پوهنتون که بصحبه حضور اعلی حضرت همایونی رسیده نیز فرستاده شد تا تحت اجرا گذاشته شود .

### مواد اصولنامه پوهنتون (دارالفنون)

ماده اول - ارا ده مینمائیم موسسه بنام پوهنتون برای تعلیم درجات عالی علوم و فنون و ادبیات و فلسفه در کابل تاسیس نمائیم .

ماده دوم - پوهنتون دارای شعب ذیل است که هر ټکنالوجۍ از آنها موسوم به پوهنځی خواهد بود .  
۱ - علوم

۲ - ادبیات و فلسفه

۳ - طب و شعب و فروع آن

۴ - حقوق و علوم سیاسی و اقتصادی ، دارالمعلمینهای عالی و مدارس صنایع مستظرفه و دارالعلوم عربیه ممکن است از مؤسسات پوهنتون محسوب شوند و نیز ممکن است مدارس و مؤسسات مسلکی دیگری عندالاقضا به پوهنتون منضم گردد .

ماده سوم - رئیس پوهنتون در آغاز افتتاح بر حسب پیشنهاد وزیر معارف بموجب فرمان ما تعیین و بعد بر طبق ماده یازده بر حسب پیشنهاد شورای پوهنتون و موافقت وزیر معارف بموجب فرمان ما منصوب خواهد شد اداره پوهنتون بعد از رئیس پوهنتون است و روسای پوهنځی ، استادان ، مدرسین پوهنځی بر حسب پیشنهاد رئیس پوهنتون و منظوری وزیر معارف مطابق قانون مامورین منصوب میشوند . سائر مامورین و مستخدمین بر طبق مقررات این قانون از طرف رئیس پوهنتون منظور و مقرر میگرددند .  
بصره اول - مدت خدمت رئیس پوهنتون و روسای پوهنځی سه سال است بعد از انقضای این مدت ممکن است مجدداً انتخاب شوند .

تبصره دوم - رئیس پوهنتون مجاز است علما و دانشمندان داخلی و خارجی را بر حسب پیشنهاد شورای پوهنتون و تصویب وزیر معارف به عضویت افتخاری پوهنتون بپذیرد .

ماده چهارم - شورای پوهنتون از اشخاص ذیل تشکیل می شود :

۱ - رئیس پوهنتون که سمت ریاست شوری را خواهد داشت .

۲ - روسای پوهنخی - لاقبل یک نفر استاد از هر يك پوهنخی ها .

ماده پنجم - وظائف شورای پوهنتون بقرار ذیل است :

تعیین شرایط شمول طلاب به پوهنتون تدوین پروگرام تحصیلات پوهنخیا تعین شرایط گرفتن درجه و تصدیق نامه و دیپلوم تهیه نظامنامه های لازمه جهت امتحانات و پیشرفت کار پوهنخی ها ، اظهار نظر در مورد اشخاصیکه بسمت استاد و مدرس از طرف مجلس هر پوهنخی پیشنهاد شده اند ، پیشنهاد هر اقدا میکه موجب ترقی و اصلاح کار پوهنتون باشد معاونت و کمک فکری با رئیس پوهنتون .

ماده ششم - هر پوهنخی دارای مجلسی خواهد بود مرکب از استادان و مدرسین در تحت ریاست رئیس پوهنخی و وظائف و تشکیلات مجلس مزبور بموجب نظامنامه خواهد بود که از تصویب شورای پوهنتون گذشته باشد .

ماده هفتم - پوهنتون دارای شخصیت حقوقی میباشد و نمایندگی آن بعهده رئیس پوهنتون است و از لحاظ اداری و مالی پوهنتون مستقل و مستقیماً نزد وزیر معارف مسئول خواهد بود .

ماده هشتم - پوهنتون میتواند در مقابل امور علمی و فنی که اشخاص و موسسات غیر رسمی رجوع مینمایند بر طبق نظامنامه مخصوص حق الزحمه دریافت دارند . وجوهی که از این راه عاید میشود همچنین اعانه ها بیکه اشخاص مختلف میدهند و عایدات دیگر بحساب جدا گانه در تحت نظر رئیس پوهنتون جمع آوری و با تصویب وزیر معارف بمصارفیکه در شو رای پوهنتون پیشنهاد میشود خواهد رسید .

ماده نهم - معلمین پوهنتون به طبقات سه گانه ذیل تقسیم میشوند:

۱ - استاد - ۲ - مدرس - ۳ - معاون . علاوه برداشتن شرایط مقررده قانون مامورین استاد باید کمتر از سی سال و مدرس کمتر از بیست پنج سال عمر نداشته باشند و در رشته که تدریس مینمایند درجه علمی آنها را شورای عالی پوهنتون لاقبل دکتوری یا معادل آن تشخیص بدهد .

سوم معاون که باید لاقبل دارای شرایط معلمین دوره ثانوی یعنی (جواز) باشد و بر طبق مقررات مربوطه به معملی استخدام خواهند شد سایر مامورین از قبیل نگران لابراتورها و آتولیا و اعضای کتابخانه و امثال آن و اعضای دفتر تابع مقررات قوانین عمومی خواهند بود .

تصویر - د سړي کتاجانه ازجست درجه علمي بايد کمتراز (مجاز) تياشده .  
ماده دهم - د از آغاړ سال تحصيلي ( ۱۳۲۵ ) و بعد از استادان و مدرسین که طرف احتياج پوهنتون د شواهد و صورت تعدد د اوضاعيان با مسابقه مطابق نظامنامه خصوصي تعين خوا هداشته



ماده يازدهم - د از است هر رشته از تروس بر عهده استادان د رشته است . د از احر از لقب استادي ه لوم بر پيدا شدن محل تدريسي بايد لا اقل پنج سال د پيس بوده و د رشته خود د بلتي اقرار اړ ده باشد که مورد قدر خلقي و تصويب شوراي پوهنتون واقع شود . د روساي پوهنځي اس از کتب نظر مجلس پوهنځي د پوهنه از بين استادان و رئيس پوهنتون د روساي پوهنځي انتخاب ميشود .

ماده دو از دهم - د ادا ميکه معاون داراي شرايط د کوردر ماده (۹) پيښه کافي براي

استخدام يافت نشود ممکن است از اشخاصيکه در رشته از علوم و ادبيات د مقام شامخ رسیده و شوراي پوهنتون لياقت آنها را تصديق کرده استخدام شود و تيز ممکن است اوقا تخصصيکه در خدمت ادوات دولتي هستند در برابر حق الزحمه استفاده شود .  
ماده سيزدهم - اشخاصيکه در سال تحصيلي ۱۳۲۵ در مدارس عاليه مشغول خدمت بودند اگرداوي شرايط مندرجه در ماده ( ۹ ) اين قانون باشند معلم رسمي پوهنتون خواهند بود .  
ماده چهاردهم - پوهنتون از اشخاصيکه در رشته از علوم و ادبيات د مقام شامخي رسیده و با خدمات پررنگي به عالم انسا است کرده باشند و شوراي عالي پوهنتون پس از مداخله کامل احر از لياقت آنها را تصديق نمايد يا تصويت وزير معارف درجه دکستوري افتخاري اعطا خواهند نمود .

ماده يازدهم - شوراي عالي پوهنتون نظامنامه را که براي اجراي اين قانون ضرورت دارد ترتيب و بعداز تصويب وزير معارف بموقع اجرا خواهد گذاشت .

ماده شانزدهم - وزارت معارف درصدد اتيه معلمين و متخصصين و ساثر ضروريات اداري و تدريسي پوهنتون موصوف برآمده سر از ۱۳۲۵ ته تيسيس و افتتاح آن اقدام نمايد اين موصيه صورتيکه معمول و متمني است بر طبق نصيب العين و منظور عالي خودش مطابق مقررات

واصول علاوه بر داره ویشیرد وظائف تدریسی و تربیوی پوهنځیها و مطالب علمی در عین زمان مرجع حل و عقد امور علمی دیگر مؤسسات مملکتی و نیز احتیاجات خواهد شد .  
حکم حضور - قانون تأسیس پوهنتون را که شامل شانزده ماده و ضمیمه فرمان امیر ۶۰ ر ۲۹۲  
۱۳۲۵ حمل ۲۱ یعنی ۱۳۲۵ میل شد منظور فرمودید مطابق آن تعین گردید  
(امضای اعلیحضرت هما یونی المتوکل علی الله)

بعد از ورود قانون تأسیس پوهنتون ذریعه این فرمان والا حضرت وزیر معارف مطابق ماده سوم  
آن تقرر همکار ما پروفسور پوهنځی علوم داکتر عبدالعزیز خان را حضور اعلیحضرت هما یونی  
برای کفالت ریاست پوهنتون پیشنهاد کردند و احکام اعلیحضرت هما یونی ذریعه فرمان صدارت  
بو وزارت معارف ارسال گردید . انک شاغلی داکتر را بعد کفالت ریاست پوهنتون معرفی  
و فرمان تقرر شان را قرائت مینمائیم .

نقل فرمان ۱۸۸ ر ۱۶۰ - ۲۴ حمل ۱۳۲۵ صدارت عظمی :

ع.ج. والا حضرت سردار محمد نعیم خان وزیر معارف :

نظر فرمان شهر ۶۶ ر ۲۲ و ۱۳۲۵ حضور قرین الشرف سید کبانہ در اتر لاف و اهلشکه از  
صد اقتساب داکتر عبدالعزیز خان متخصص با کتر یولوژی و معلم پوهنځی علوم و فقه و شایسته  
در اتریشند . جلاله اقتساب شما بحد کفالت ریاست پوهنتون مقرر و مضمون خدمت خلاصه ای داکتر  
موصوف را کفالت ریاست پوهنتون شایسته اداره امور علمی و اداری قلم کجاست هما و مکی  
مسلمکی مربوطه آنرا باو تفویض دارند .



(امضای والا حضرت افخم صدر اعظم) در خانه از  
خدای متعال سلامی و طول عمر اعلیحضرت جوان  
بخت المتوکل علی الله را محبت نمود این  
روز مبارک را بنام اهل عرفان و الخاصة معلین  
پوهنتون و ما مورین و وزارت معارف تبریک  
گفته برای شاغلی داکتر عبدالعزیز خان توفیق  
الهی و موفقیت های شایسته را خواسته و شد  
کلام را برای شان واگذار میشود .

حکایتکه از عقب گرفته شده و حضرت امامین و احسن  
استماع فطیخ شاغلی رئیس تعلیم و تربیه نشان داده شد



## بیانیه ښاغلی دا کتر عبدالمجید خان کفیل ریاست پوهنتون

والاحضرت ، حضار گرام !

این اقدام و اراده بزرگ و تاریخی حکومت ترقی پسند و معارف پرور خویش را که وزارت جلیله معارف را بتاسیس و تشکیل (پوهنتون) یعنی موسسه تعلیمات عالی مامور فرموده و باین وسیله زمینه سعادت حال و استقبال این جامعه با استعداد را تهیه نموده از صمیم قلب تبریک میگویم . و از نوازش و مرحمت حکومت بهی خواه و وزارت معارف که درین مورد به بنده ارزانی فرموده و این عهده مهم و پیسابه را به بنده سپرده اند عرض تشکر و امتنان مینمایم از خداوند علیم و بصیر (ج) توفیق میخوام که در عملی ساختن آرزوها و آمال حکومت متبوعه و در انجام دادن وظائف عرفانی با تمام قوه و نیروی مادی و معنوی خویش موفق گردم . ایجاد پوهنتون در حقیقت ترتیب و تسلسل تاریخی و منطقی انکشاف پلانهای جامعی را نشان میدهد که اعلیحضرت شهید محمد نادر شاه قهرمان حقیقی نهضت علم و عرفان برای تنویر افکار و برای سعادت حقیقی این خاک و آب طرح فرموده بودند دران عصر فرخنده شالوده متین این موسسه عالی ریخته شده و اولین شعبه پوهنتون به عنوان (فاکولته طب) در ساحه عرفان مملکت جلوه گر گردید حکومت اعلیحضرت المتوکل علی الله محمد ظاهر شاه بتوسعه شعبات دیگر آن بذل توجه فرمودند و در نتیجه پوهنځی حقوق و علوم سیاسی پوهنځی علوم و پوهنځی ادبیات یکی بعد دیگری عرض وجود نمودند و انکشاف این عناصر و اجزای مختلفه ایجاد یک ریاست مرکزی را ایجاب نمود این یک امر مسلم تاریخی است که موسسات تعلیمات عالی در یک جامعه از عوامل درجه اول و اساسات مهم ارتقا و انکشاف علمی ، سیاسی ، اقتصادی و اجتماعی میباشد و مللیکه یک آن آو لتر به تاسیس آنها موفق شده اند از پیش قدمان تهذیب و تمدن بشر گر دیده اند مخصوصا امروز ارزش و اهمیت تعلیمات عالی که اختراعات و ایجادات مجیر العقول ، زاده لابراتور های آنست و پروژ های عالم شمول اقتصادی و سیاسی موجوده ثمره و نتیجه دماغهای منسوبین آن میباشد فوق العاده واضح گردیده . امروز بشر توانسته است از برکت تتبعات و تحقیقات علمی که بیشتر در پوهنتونها بعمل می آید به اسرار ذره پی برد و از قلب موهوم آتوم ، انرژی پیسابه را بدست بیاورد قوه و نیروی یک جامعه متناسب به تکامل شخصیت عشق و محبت به صدق و حقیقت ، دیانت فطری ، قوه و مللیکه تفکر صحیح و سجا یی اخلاقی افراد آن است تربیه و تنمیه این سجا یا روی هم رفته وظیفه و غایه پوهنتون را تشکیل میدهد بنا به آن نصب العین پوهنتون تربیه اعضا و افراد صحیحی برای حیات اجتماعی میباشد . اگر چه در تاریخ یونیورسته های عالم امثله برجسته تربیه نوابغ و علمای متبحر نیز یافت می شود اما مقصد و غایه اصلی تعلیمات عالی

پوهنتون تربیه و تولید نوابع و قهرمان‌ها، شعر او نویسندگان نامور - موسسین و قائلین دبستان‌های فلسفی و مذهبی، فاتحین و جهات‌کشایان نیست پوهنتونها از شخصیت‌های فوق‌العاده - استاد ارسطو بوعلی سینا، نیتون رافائیل - فردوسی - جامی - احمدشاه و نادرشاه و امثال شان وعده میدهد



بلکه به بلند بردن سوئے علمی و معنوی فرد جامعه همت میگمارد هرگاه بتا ریخ دا را علوم ها و پوهنتونهای کهن دنیا از قبیل (الازهر) (سالرنو) یاریس (هیدل برگ) اکتفورد و کیمبرج و هارورد نظر اندازیم خواهیم دید که دوره نشو و نما و تکامل آنها قرن ها را دربر داشته و هزاران اشخاص مانند روحانیون ، سیاسیون ، علمای طب و فلسفه ، ارباب ثروت و دوسندگان بشریت و غیره در انکشاف آنها رول های مهمی را بازی نموده و مصدر ایثار و قداکاری گردیده اند پوهنتون ما نیز که از مراحم و الطاف خداوندی و توجهات معارف پرورانه حکومت اعلیحضرت المتوکل علی الله محمد ظاهرشاه و مساعی خستگی ناپذیر والا حضرت

وزیر معارف در عرصه نسبتاً قلیلی دارای شعب متعدد گردیده بیشتر از همه محتاج ایثار ، ابتکار و همکاری تام علاقه مندان و معارف جویان و مخصوصاً طبقه تعلیم یافته های جوان میباشد

در خاتمه از خدای بی نیاز به کمال عجز التجا مینمایم که آرزوهای بزرگ و مقدس که حکومت متبوعه و ملت عزیز ما از این مؤسسه فرخنده دارند از عالم امید بساحت حقیقت پیوندد و تسلهای آینده این کشور از ثمرات علم و عرفان آن نیرومند و شاد کام گردند

شاد باد روح سعید اعلیحضرت شهید زنده باد اعلیحضرت جوان و معارف پرور ما

تأیید و درخشان باد آفتاب علم و معرفت مملکت

بعد از ختم بیانات بناغلی دکتور عبدالمجید خان والا حضرت و اکثری از مدعوین و حضار و جمعی از طلبه فا کولته ها به گذاشتن حمائل گل به مزار اعلیحضرت شهید (بانای پوهنتون) عازم گردیدند در آنجا چندین حمائل گل که تهیه دیده شده بود بیاس خدمات و توجهات بزرگ ایشان که در تاسیس دارالفنون فرموده بودند بزارشان اهدا و سپس بناغلی قاضی مرافعه بیا نبه جناب و سودمندگی مبنی بر فضیلت خدمات عرفانه و معنویه ایراد در ختم آن حافظی چند آیه از قرآن کریم تلاوت و بعد از دعا و فاتحه به فا کولته حقوق و علوم سیاسی برای صرف عصر به برگشتن و این مجلس در حوالی ساعت ۳ ختم شد



ع ج ۱۰۱۰، لبنان والاحضرت سردار شاه ولی خان «د گابل فاتح»  
داعلیحضرت مختار وزیر اوفوق العاده نماینده په پاریس کښی  
S. A. R. «A. A» Sardar Shah Wali Kahn Ghazi  
envoyé extraordinaire et ministre plénipotentiaire  
de Sa Majesté à paris.

## خارجہ وزارت



ع. ج. س. اعلیٰ محمد خان د خارجہ چارو وزیر  
S. Ex. Ali Mohammad Khan ministre  
des affaires étrangères.

وزیر : ع. ج. س. اعلیٰ محمد خان  
مین : ع. ص. عبدالحمید خان  
د سیاسی عمومی مدیریت :

عمومی مدیر : ع. ج. س. اعلیٰ محمد خان  
د لمری خانگی مدیر : ع. ص. عبدالروف خان  
د دومی : ع. ص. فضل احمد خان  
د دریمی : ع. ص. عبدالقیوم خان  
د خلوری : ع. ص. محمد فہیم خان  
د نشریاتو ریاست :

رئیس : ع. ج. س. اعلیٰ محمد خان  
لمری معاون : ع. ص. عبدالروف خان  
دوم : ع. ص. نور احمد خان  
د معاونانو د خانگی معاون : ع. ص. اعلیٰ محمد خان

### د بین المللی چارو عمومی مدیریت :

عمومی مدیر : ع. ج. س. اعلیٰ محمد خان  
د کنفرانسو د خانگی معاون : ع. ص. اعلیٰ محمد خان  
د حقوق : ع. ص. اعلیٰ محمد خان

### د وېزي او قونسلگری عمومی مدیریت :

عمومی مدیر : ع. ج. عبدالروف خان  
د لمری خانگی مدیر : ع. ص. فیض محمد خان  
معاون : ع. ص. محمد اختر خان  
د تابعیت د (۲) خانگی معاون : ع. ص. میر غلام فاروق خان  
د وېزي د (۳) : ع. ص. غلام ابوبکر خان

## امور وزارت فوائد عامه

امور فوائد عامه اگرچه دردوران جنگ بسبب بندش راه های تجارت و عدم توريد لوازم فنی ومهندسين، لایق تا اندازه معطل بود هنوز بندش های مذکور رفع نشده است اما باز هم وزارت موصوف پیش از ختم جنگ پیش بینی های لازم را نموده و پروژه های مهمی را در قسمت عمرانات وجاده سازی و بند وانهار سردست گرفته که بزودی آغاز خواهد شد. کارهای مهم امسال قرار ذیل توضیح میشود :

### مدیریت عمومی معابر :

۱- سړک تنگی غارو : در نزدیکی شهر جلال آباد يك قطعه سړک بين نغړک و پل سرخ آب بطول تخمیناً ۳ کیلو متر و عرض ۱۲ میتر جدیداً احداث شد که امتداد سړک تنگی غارو شمرده می شود و بسړک سابق طرف شهر جلال آباد میرساند .

از پل سرخ آب الی پل درونته سړک سابق اصلاح و بعرض ۱۲ متر و وسیع تر ساخته شد . در حصه تنگنای درونته سړک بوسیله سرننگ پرانی وجیل کاری زیاد فراخ تر گردید و از درونته تا آب درگی مواضع اصلاح طلب زیر کار گرفته شد و تعدیل یافت .

در دیگر قطعات سړک تنگی غارو واقع در ولایت کابل طور کار کرده شد که تمام آنها باستثنای حصه ماهیپر موتر رو گردیده . بالاخص سرننگ پرانی قوی در حصه ۴ که مراد از تنگی دگری است بطول ۵ کیلو متر اجرا شد .

نتیجه شرح فوق این است که از کابل الی ماهیپر و از انطرف ماهیپر الی جلال آباد موتر بالاری می تواند بالای تمام قطعات سړک گردش نماید ، اما برای اینکه سړک را در تمام قطعاتش اساسی بخوانیم باید بالای برخی از قطعات هنوز کار کرده شود .

۲- سړک پنجشیر : سرننگ پرانی وصخره کاری موثر و زیاد در دره گل بهار بکنار راست دریای پنجشیر این تنگنای صعب المرور را قابل عبور موتر تیز رفتار ولاری ساخت در اثر يك سلسله اصلاحات دیگر که در مواضع مختلفه بین دره مذکور صورت گرفت این راه کاروانی هم بشکل سړک در آورده شد .

حال از چاریکنار براه گل بهار تا قریه پارانده که از رخنه بالا تراست موتر رفت و آمد کرده می تواند . چون این سړک کوتاه تر میباشد لذا در نظر است که در آینده لین عمومی قرار یافته نقاط شمال مملکت را بهتر و زودتر بمرکز وصل کنند . البته در آن صورت توسعه و تعریض میسر و دیگر اصلاحات فنی لازم خواهد بود .

۳- سرک گردیز-خوست-: این سرک که بخش زیادی از در دره جدران واقع است و دو کوتل شخ و غیر مناسب که عبارت از کوتل سروتنی و سره خواری میباشد، دارد، در برخی قطعاتش بغرض اصلاح زیر کار گرفته شده چنانچه فعلاً کار آن جریان دارد و در نظر است که لین آن در بعضی قسمت ها از راهای آسانتر برده و تعدیل شود، تا تسهیلات در ترافیک بعمل آید.

۴- سرک جدید پغمان - بالای این سرک که حاوی دومیتر علیحدہ برای رفت و آمد است آنقدر کار کرده شد تا یک مسیر آن بکلی پخته کاری و انجام گردید و قسمت بسیار زیاد تر خام کاری مسیر دوم نیز عملی شده.

۵- سرک کابل - هزاره جات - از کابل الی دایزنکی و از آنجا براه بامیان تا نقطه تقاضع بالین عمومی شمال در حصه بلوکه مطالعات فنی برای اصلاحات و اساسی ساختن این سرک که فعلاً نیز با داشتن مشکلات و موانع زیاد موثر تر روست، بعمل آمد.

۶- ترتیب برآورد ها مثلاً برآورد اولی برای اصلاح و پخته کاری سرک معدن ذغال سنگ کرکر و اجرا آت یومیه.

### پلها و معبرها :

ساختن پلهای کلان به نسبت قلت مواد خارجی در اثر جنگ عمومی معطل بود. حال پیش بینی ها و تشبیهات درینمورد بعمل آمده بالخاصه درباره ساختمان پلهای آهنی چند پلچک آبرو و معبر در سرک تنگی غارو ساخته شده و یک تعداد آن حاضرأ نیز زیر تعمیر است.

### مدیریت فوائد عامه قند ها ر :

الف - تعمیراتی که جدیداً شروع شده :

۱ - تعمیر سالون حکومت کلان قلات

۲ - « « « « سپین بولدک

۳ - « « « « گدام حکومت کلان کرشک

۴ - « « « « گمرک جدید سپین بولدک

ب - تعمیراتی که قبلاً شروع و در سال جاری تکمیل شده :

۱ - تعمیر مخابرات حکومت سپین بولدک

۲ - « « « « اداره مالیه

۳ - « « « « قوماندانی

۴ - « « « « احصائیه

دعای اقتصاد و وزارت معنوی



د. سید علی خان کریم راجه اقتصاد معنوی  
وزارت معنوی

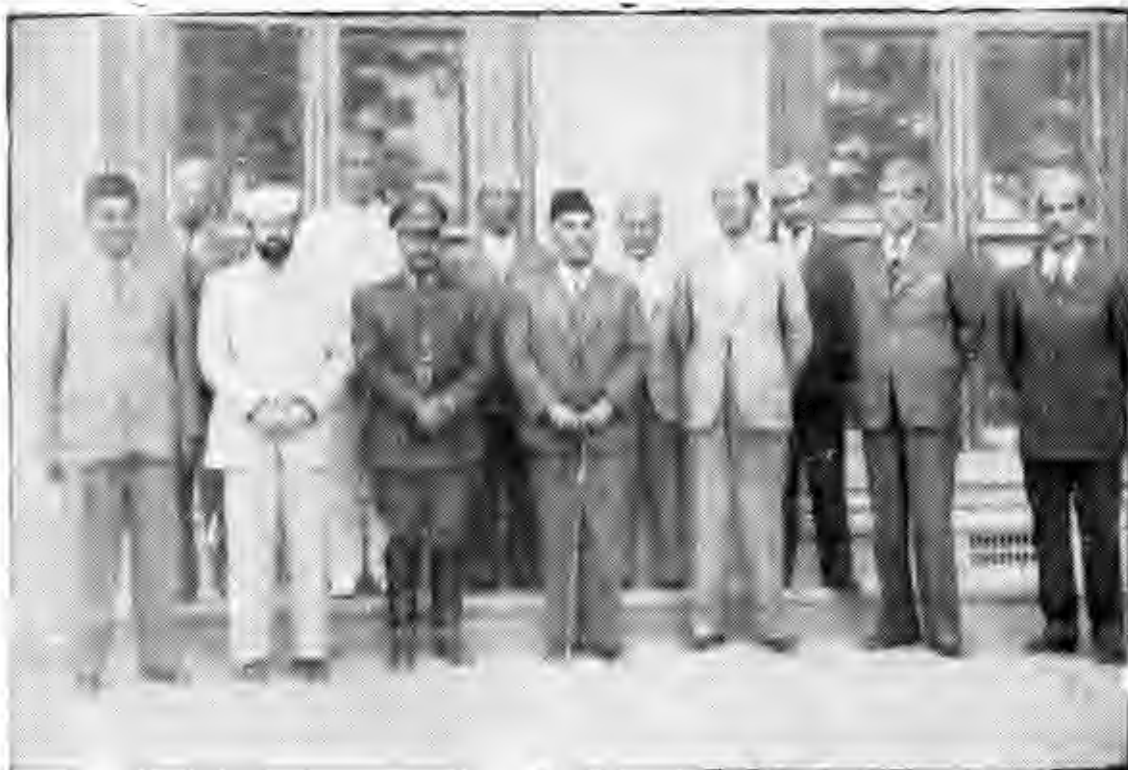


د. سید احمد خان دیالک ملوی - معنوی  
وزارت معنوی



د. سید علی خان کریم راجه اقتصاد معنوی  
وزارت معنوی





د نوي کابينې مجموعې هيئت



مطبوعاتي هيئت د غازي - پهلوي - پهلوي - پهلوي په حضور کښي



ج - تعمیراتیکه تحت کار است و به تکمیل نرسیده :

۱ - کار ترمیم احاطه و غیره تعمیر مو جوده لیسۀ احمد شاه بابا

۲ - تعمیر لیسۀ میر ویس بابا

۳ - « مکتب های ارگ »

۴ - « » « » « دند »

۵ - « » « گادی »

۶ - « سینما »

۷ - « » « مجلس جدید »

۸ - « » « شفاخانه حکو مت کلان قلات »

مدیریت فواید عامه ولایت هزار شریف :

۱ - تعمیر سینما مطابق نقشه های مرتبه قسمت کلی تهداب های آن الی روی زمین پر و متباقی آن به سبب پیش آمد سر ما معطل شده .

۲ - تعمیر شفاخانه مستورات که یک عمارت بسیار بزرگ بوده و بصورت پخته تعمیر می شود تا ما تا کرسی کار شده .

۳ - تعمیر گدام مر کز به کلی تکمیل گردیده و فعلاً ذخیره گندم و جو در گدام مذکور می باشد

۴ - تعمیر مترو لوژی الی کرسی و بلکه چیزی بیشتر کار شده در سال آینده تکمیل خواهد شد

۵ - گدام بلخ نیز طبق دیگر گدام ها بصورت پخته الی کرسی کار شده .

شق معابر فواید عامه :

۱ - از پل امام بکری الی کوتل چیچل :

قبل ازین از مزار شریف الی پل امام بکری و از آنجا الی شولگره ویل برق که بطول تقریباً ۴۰۰۰ متر و شش میل سرک موجود بود این سرک او خود مزار شریف الی پل امام بکری به طول ۱۲۰۰ متر یک اندازه سرک قابل تردد بوده ازان به بعد الی چشمه شفا و شولگره ویل برق سرک مذکور غیر اساسی از (۴) الی ۵ نیم و شش متر عرض داشته بر علاوه اینکه اصل سرک کم بر بود مشکلات نشیب و فراز زیادی داشته و در برخی جاها سنگزار و غیره در بین راه واقع بود که اکثر باعث مشکلات تردد موتر و عراده هامی باشد همانا از پل امام بکری الی پل برق که (۳۶) مبل راه می شود سرک مذکور از ۸ - الی ۹ متر عریض و هم نشیب و فراز آن اصلاح و باقی نواقصی که در سرک موجود بود مرفوع شده و از پل برق الی کشنده پایان و از آنجا الی کشنده بالا و از کشنده بالا

بالا الی کوتل چیچل بطول (۲۶) میل و به عرض ۸ و ۹ متر سرك جدید تمديد شده که این سرك چون از بین پشته ها و تپه های خاکی گذشته لهذا کثر قسمت های سرك مذکور از (۲) الی هفت متر بلندی های تپه ها بریده شده و خام کاری آن بصورت مهندسی و اساسی اکمال و در بعضی حصص آنهم جفله و ریگ انداخته شده و یک سرك اساسی گفته میشود .

۲- تفصیل کوتل چیچل، این کوتل که (۱۲۴۴) متر طول دارد یک کوتل خیلی صعب المرور و بلند و سنگ آنهم از سنگهای سخت و قسم تپه سنگ بوده و قریباً از سه حصه کارات سرنگ پرانی آن دو حصه تکمیل گردیده و مواضعیکه سرنگ پرانی شده سنگ چینی آن نیز تکمیل و پرکاری هم شده بصورت سرك را بخود گرفته است :-

۳- از کوتل چیچل الی مرکز حکومتی دره صوف که ۱۴ میل مسافه بوده و بعضی جایهای سرك ۸ متره در زمین سنگ دار تصادف کرده که یک اندازه سرنگ پرانی لازم دارد و پرخی جایهای بین سرك از یک الی دو متر که بلند بوده تسطیح گردیده یعنی از کوتل چیچل الی مرکز حکومتی نیز سرك تمديد شده بعضی کارات جزوی آن باقی مانده انشاء الله در سال آینده تکمیل خواهد شد .

۴- سرك شبرغان الی سربل که خامه بوده کار جفله اندازی آن جاری شده و مسافه سرك مذکور که در حدود ۴ میل باشد و از دو طرف کار جاری شده زیاده از دو ثلث کار آن پیشرفت نموده و باقی مانده آن زیر کار است :-

۵- قبل ازین که از حکومت کلان ایبک الی شارباغ و از آنجا الی خرم و آب کلی که به مسافه (۳۸) میل واقع است تا درجه سرك موجود بود اما این سرك به مرور زمان نظریه اینکه عبور و مرور عمومی نبوده در اثر سیلاب بکلی خراب و بلکه بعضی قسمت های آن از حالت سرك بودن برآمده بود لذا تمام آن مرمت کاری و آباد گردیده است که الی خرم موثر رفته می تواند .  
۶- از تاشقرغان الی معدن نمکسار یک سرك اصولی و اساسی بصورت خامه بطول قریباً بیست و پنج میل و عرض ۷ متر سرك جدید تمديد گردیده است .

۷- سرك مزار شریف الی دهدادی هم که خامه بوده در حدود ۷ میل میباشد به اصول درست سنگ فرش و جفله اندازی و پخته شده :-

### مدیریت فوائد عامه ولایت جنوبی :

۱- پل سید خیل که در عرض راه بین گردیز و خوست بردریای جدرا ن واقع است و به اثر سیلاب در سال گذشته ویران گردیده بود ، در سال جاری کار تعمیر آن خامه یافت

و نسبت به سابق در استحکام و ارتفاع پل مذکور توجه بعمل آمد که در آینده بخطر سیلاب مواجه نشود .

۲- عمارت دمنجنی بنونجی که در سابق بدور آن دیوار نبود ، در هداسته بدور احاطه تعمیر مذکور بصورت پخته کاری یک دیوار شروع و بانصب کتاره های آن خاتمه یافت .  
۳- حکومت جدید تشکیل زرمتم که قبلاً برای نشیمن مامورین تعمیری نداشت در سال جاری یک عمارت اساسی مطابق نقشه مهندس که دارای اطاقهای متعدد است تعمیر گردید .  
که کار کلی آن خاتمه یافته و جزوی آن در شرف تکمیل است و فعلاً مامورین در اطاقهای مذکور رعایش دارند علاوه . متصل تعمیر مذکور اساس یکبازار جدید اصولی گذاشته شده که تهداب کنی آن شروع گردیده .

۴- سرک بین گردیز و خوست خصوص در حصص جدران ومیر نادرشاه و طولاً خیل که دارای عرض کافی نبود ، و ازینجهت برای عبور و مرور عراده ها بالخاصه در ایام زمستان مشکلاتی عائد میکرد ، لذا کار تو سعه آن از حصه بنید خیل جدران بسمت گردیز شروع و کار آن بشدت جاری است .

۵- از مرکز گردیز الی مرکز قشله عسکری میرز که ، که سابقاً سرک تمدید بوده چون تمدید سرک مذکور از مرکز قشله مزبور الی غونزی خوله منگل هم ضرور دانسته می شد ، بنابراین کار آن شروع و یک قسمت کار مذکور خاتمه یافته و باقیمانده آن عنقریب تکمیل خواهد شد .

### مدیریت فوائد عامه میمنه:

۱- کار تعمیر مکتب اندخوی که در سال گذشته شروع شده بود ، در هداسته تکمیل و در معرض استفادۀ طلاب گذاشته شده .

۲- بر آورد نقشه گدام ارزاق میمنه و اند خوی در سال جاری واصل و تهداب گدام میمنه در برج قوس گذاشته شده ، کار گدام اند خوی در سال آینده شروع خواهد شد .

۳- ساختمان ملحقات هتل و شفا خانه و مکتب متوسطه جاری و یک اندازه کار شده .

۴- از حصه مرکز حکومت پشتون کوت سرک جدید بعرض هشت متر طور خامه الی قشله عسکری تمدید و بعرض (۵۰) سانتی و سه متر و ارتفاع ده سانتی متر ریگ انداخته شده .

۵- عمارت حکومت پشتون کوت ترمیم طلب گردیده بود ، متکملی گردید .

۶- در سرک این از حصه اوچه مربوط حکومت تگاب شیرین و حصه حکومت پشتون کوت الی زیارت خواجه عثمان مربوط علاقه داری المار بعرض ۴ متر و ارتفاع ده سانتی متر ریگ دریائی هموار گردیده .

مدیریت فوائد عامه حکومت اعلای فراه :

- ۱ - از مرکز حکومت اعلی الی حکومتی انار دره که تاباین نزدیکیها سرک اصولی که عبور و مرور عراده ها بدون تکلیف شده بتواند موجود نبود ، برای رفع این مشکلات از حدود پل دریای فراه رود الی علاقه داری قلعه کاه و از علاقه داری مذکور الی مرکز حکومتی انار دره که مسافه (۱۲۵) کیلومتر را حاوی است سرک جدیدی احداث گردیده که برای عبور و مرور عراده ها مساعد است .
- ۲ - سرک های عمومی سمت قندهار ، هرات و پخوانسور که لازم ترمیم بود ، از سمت قندهار الی دلا رام و از سمت هرات الی حوض خشک و از سمت پخوانسور الی حصه کر کی جفله اندازی و ترمیم گردیده و کوتهای معابر از مرکز الی دلارام سفید کاری و در نواحی آنها نهال شانی شده است .
- ۳ - برای شفاخانه و معاینه خانه مرکز فراه یک موضع خوبی انتخاب و تعمیر آن بصورت عصری زیر کار گرفته شده و بپایه تکمیل رسیده و مامورین اداری از موضع سابق به عمارات جدید نقل مکان نموده اند .
- ۴ - عمارات مترو لوزی که طبق نقشه جدید از چندی تحت تعمیر بود ، تکمیل گردیده است .
- ۵ - به علاقه داری گلستان در گذشته برای رهائش مامورین جای موجود نبود ، و این منطقه از حیث آب و هوا از تمام مناطق مربوطه فراه برتری دارد ، بنابراین تعمیر یک عمارت عصری را نیز لازم و ایجاب می نمود ، لذا یک عمارت عصری دو منزله بصورت پخته کاری زیر اجرا گرفته شده که یک منزل آن به پایه تکمیل رسیده .
- ۶ - در حکومتی بیکوا که به لین سرک عمومی واقع است برای دوائر رسمی جای موجود نبود ، یک تعمیر اساسی که گنجایش تمام دوائر را دارا است سابق تحت تعمیر گرفته شده بود ، در هذالسنه بپایه تکمیل میرسد .
- ۷ - در حکومتی انار دره که دوائر رسمی و مکتب منحصر به دو در بند حویلی بود ، اکنون برای دوائر و مکتب عمارات جدا گانه بصورت عصری تحت تعمیر گرفته شده .
- ۸ - تعمیر علاقه داری جوین ترمیم و یک بازار جدید در برابر آن احداث و به پایه تکمیل رسیده .
- ۹ - در علاقه داری کر کی یک مسجد و یک تعداد دکان مطابق نقشه تحت تعمیر گرفته شده .
- ۱۰ - تعمیر دو طرفه شمالی و جنوبی مکتب متوسطه مرکز فراه که از چندی شروع شده بود قریب پویش است .

۱۱ :- از مرکز فراه طرف علاقه داری بالا بلوک سرک و جود نداشت : عبور موترها از دامنه دشت که سافه بعیدی را در بر میگرفت می شد ، درین اواخر سرک جدیدی از مرکز فراه در بین آبادیها شروع گردیده ، ونظر به سرک دامنه کوه ده میل کوتا تراست .

**ماموریت فوائد عامه حکومت اعلای بدخشان :**

- ۱ :- تعمیر دفتر حکومت اعلی بایک سالون وغیره ضوریات آن
- ۲ :- « دائره غنڈ ژاندارمه که تمام شعبات مربوطه آن دران زهایش دارند .
- ۳ :- « مدیر یت مالیه » « » « »
- ۴ :- « محکمہ مرا فعه » « » « »
- ۵ :- « ابتدائیه » « » « »
- ۶ :- « ماموریت تحریرات » « » « »
- ۷ :- « مخابرات » « » « »
- ۸ :- « استخبارات » « » « »
- ۹ :- « احصائیه » « » « »
- ۱۰ :- « زراعت » « » « »
- ۱۱ :- « فوائد عامه » « » « »
- ۱۲ :- « مدیریت مطبوعات » « » « »

علاوه بر عمرانات فوق یک قسمت ملجقات به قوماندانی امنیه وشعبات مذکور یک تعمیر عصری برای شفاخانه مدیریت صحیه ملکی در فیض آباد وهکذا یک تعمیر شفاخانه دیگری در بهارک یاقشله کندک ژاندارمه تأسیس و آباد شده است ، بهمین ترتیب عمرانات علاقه داری شهر بزرگ وعلاقه داری راغ که خراب ومنهدم شده بود ، مجددا آباد وقابل استفادہ مامورین واقع شده ، همچنین پل حصه بهارک ، جرم که در خط سرک موتر واقع است واز شدت آب خیزی خراب شده بود ، آنهم آباد و برای مترددین سهولتی فراهم نموده است ، ویک عمارت دیگر برای کار گاه صنعتی محبوسین در قوماندانی امنیه آباد شده است .

### ب - شق معابر :

سرک شخک تنگ فیض آباد که در اثر آب خیزی خراب ومنهدم شده بود ، دوباره بصورت صحیح آباد گردیده ، همچنان شخک راه زیباک ملقب به شخک کر سنگ دره و در دوج آباد شده ویک پل چوبی بر علاوه پل خشتی دره قابل شهر فیض آباد نسبت بایستکه در ایام تابستان پل خشتی زیر آب می شد ، تاسیس گردیده است .

## امور وزارت صحیه

امور صحیه به سلسله سالهای گذشته در سال ۱۳۲۴ نیز مطابق پلان مرتبه پیش رفتاری را احراز و داخل اقدامات جدی تری شده که مختصر آن قرار آتیست :-

### کالرا :-

قرار اطلاعاتیکه از منابع صلاحیت دار بتاريخ (۱۹ و ۲۱- اسد ۱۳۲۴) بوزارت صحیه واصل گردید بروز مرض کالرا در دیره اسمعیل خان و وزیرستان جنوبی تصدیق و وزارت صحیه برای جلوگیری از سرایت مرض در خاک افغانستان به اقدامات آتیه متوصل گردید :-  
اولتر از همه یک مقدار کافی واکسین ضد کالرا را بولایت مشرقی، جنوبی و حکومت کلان غزنی ارسال و در قسمت سرحداتیکه با خاک هند تماس داشته و راه عبور و مرور مسافری قرار گرفته بود قرانطین های حدودی دائر و تمام اهالی ملکی، نظامی، و طلاب مناطق همجوار سرحد را به واکسین ضد کالرا تزریق نمود و ضمناً مسافرینی که از خاک افغانستان بطرف هند عزیمت و یا از خاک هند آرزوی مسافرت را بخاک افغانی مینمودند بدون داشتن تصدیق تزریق واکسین ضد کالرا از مسافرت نمودن ایشان ممانعت کرده میشد، چنانچه این اقدامات فوری وزارت صحیه عامل بررگمی جلوگیری از سرایت مرض گردیده و از لطف خدای پاک در سال ۱۳۲۴ باینکه مرض در خاک هند شدت داشت افغانستان از سرایت آن مصئون ماند -

### تیفوئید (محرقه)

چون مطابق پروگرام هر ساله برای حفظ ما تقدم یک تعداد زیاد واکسین ضد تیفوئید از طرف وزارت صحیه در تمام ادویه فروشی ها در دسترس استفاده اهالی قرار داده شده و ضمناً به تمام مراکز صحی یک تعداد کافی واکسین مذکور برای تزریق ارسال گردید، ازین باعث نظر به احصائیه که نزد وزارت صحیه قید گردیده در سال ۱۳۲۴ واقعات مرض تیفوئید نسبت به سالهای گذشته کمتر به نظر رسیده است -

### حمای لکه دار :-

در اثر توسعه دادن واکسین ضد حمای لکه دار در محاسن و مواضع لازمه مانند سال ۱۳۲۳ تعداد مصاب شدگان این مرض کمتر بوده و ستون احصائیه و قیاسات هم در اثر تطبیق واکسین مزبوره و اتخاذ تدابیر فنی خیلی ها پایاتر آمده است، بلکه گفته میتوانیم که در جریان سال ۱۳۲۴ واقعات تیفوس در محاسن به ندرت اتفاق افتاده -

## واکسین چیچک و آبله کوبی :-

در سال ۱۳۲۴ چون بصورت منفردانه واقعات چیچک یاغی در برخی نقاط افغانستان بمشاهده پیوست ، وزارت صحتیه با سرعت هرچه تمامتر دامنه فعالیت شعبات ذی علاقه را وسعت داده و توجه بیشتر خود را به واکسین ناسیون عمومی معطوف ساخت ، چنانچه در جریان این سال به تعداد (۲۵۶۳۰۰) نفر واکسین چیچک طرف استفاده قرار داده شده و به اساس تعلیماتنامه آبله کوبی دستاویز خیلی مؤکدی را بمراجع ذی علاقه صادر نموده است ، چنانچه این اقدامات وزارت صحتیه از انتشار فوری مرض چیچک کاسته و از تلفاتی که باید به اطفال مملکت رخ میداد جلوگیری بعمل آورد .

## مجادله با سفلس :-

در سال ۱۳۲۴ نیز به اساس رهنمای تداوی سفلس وزارت صحتیه حتی المقدور به مجادله این مرض پرداخته و یکمقدار ادویه کافی ضد مرض سفلس را بموضعی که بیشتر به این دوا احتیاج داشتند ارسال و به تداوی مصاب شدگان اقدام کرده است ولی در اینجا باید متذکر گردید که ارسالات ادویه در اوایل سال ۱۳۳۴ نسبت به مسدودیت راههای تجارتی و رسیدن ادویه بطلی بود ولی در اواخر این سال چون ادویه کافی به دسترس وزارت صحتیه افتاد در ارسالات ادویه ضد سفلس قدمهای سریع تری برداشته و همان سکه گمی که در اوایل سال بنا بر نبودن ادویه کافی رخ داده بود تقریباً از بین مرتفع گردید .

نوارسنو فامین بجای :-  
نیوسلورسان

چون ادویه نیوسلورسان که برای تداوی امراض سفلس درین سالهای اخیر تطبیق میشد کمباب و ناپیدا گردید وزارت صحتیه موضوع را تحت توجه گرفته اخیراً به اساس صوابدید ، هیئت طبی تجویز وقراری گذاشت که آتیاً بعوض ادویه نیوسلورسان برای معالجه مریضان سفلس دار ادویه (نوار سنو فامین) که در تداوی مرض مذکور عیناً تاثیر ادویه نیوسلورسان را دارد تطبیق شود .

چون این دوا نیز در تداوی مرض سفلس شهرت بین المللی را حائز میباشد لهذا در جریان سال ۱۳۲۴ وزارت صحتیه در صدد تهیه آن افتاده و بوسیله دیوی عمومی یکمقدار کافی از ادویه مذکور را وارد نموده و به شفاخانهای ذی علاقه توزیع کرد . باید متذکر شد که قیمت یکدوره نیوسلورسان تمام شد دیوی عمومی مبلغ هشتاد و دو نیم افغانی بوده که بدون اخذ هیچگونه مفادی بهمین قیمت فروش میرسد ، در حالیکه یکدوره دوا جدید یعنی (نوارسنو فامین) به مبلغ (۲۰) افغانی و با قلمات ملحظه دوره تداوی صورت مکمل آن به سی افغانی و ۵۰ پول تعین قیمت گردیده و امر فروش داده

شده است و يك تفاوت بارزی را از حیث تنزیل قیمت نیز در مقابل نئوسلورسان با آنكه تاثير و ترتیب معالجه آن بانو سلوارسان يك سان است نشان می دهد .

جذام خانه :-

وزارت صحت به اساس نظریات بهی خواهانه حكومت متبوعه از چندی باینطرف مترصد بود كه برای از بین بردن مرض مسری جذام چاره سنجی کرده و نظریات خود را با پروژه مرتبه آن به پیشگاه حكومت خیر اندیش خود تقدیم نماید، چنانچه از كوائف سابقه این موضوع در سالنامه های ماقبلی مشروح اند كری رفته، اینست درین اواخر كه پس از يك سلسله تفحصات كه درباره احصائی جذامیه و صورت تجرید و آسایش ایشان بعمل آمده است و نقاط مختلفه در هر گوشه و كنار جهت این مسئله مورد توجه قرار گرفت بدو در منطقه (سرخاب لوگر) موضعی را بنام دهكده جذامی ها انتخاب نمود ولی در اثر تتبعات آخرینی كه نسبت به این موضوع بعمل آمد سستم دهكده جذام را چندان مناسب نیافته و حسب نظریات فنی به این تجویز افتاد كه بایستی در همان حصصی كه مجذومین بیشتر تمرکزیت داشته و تعداد مصابین آن نسبت به سایر نقاط زیاد تر باشند بادر نظر گرفتن وضعیت اراضی و آب و هوا و غیره مسایل غایده آن در آنجا جذام خانه هایی احداث نماید تا هريك از جذامی های مملكت در محوطه ها و اطاقهای جدا گانه كه حصه انائیبه و مردانه و فامیل دار جذامی بر طبق پروگرام مرتبه حیات بی دغدغه و مامونی بسر برند تا از یكطرف سایرین از سرایت مرض ایشان مصون مانده و از جانب دیگر مجذومین نیز در يك منطقه بی جنجال تحت نظر هیئت فنی بر فاهیت زیست نمایند، پس به این منظور حسب نظریه و صوابدید هیئت صحت وزارت صحت برای حفاظت جذامی های منطقه هزاره جات يك جذام خانه در حصه (يكاولنگك) انتخاب گردید. موضع منتخبه كه در يك حصه خیلی مناسب واقع شده است از نقطه نظر آب و هوا برای تجرید این قبیل مریضان بسیار موزون بوده و دارای همه گونه مزایای حفظ الصحة می باشد. خریداری زمین این منطقه، ترتیب نقشه جات جذام خانه و تهیه مصالح تعمیر آن تماماً در سال جاری تحت فیصله آمده و اگر خدا بخواهد امید است كه در سال آتی طبق نقشه مرتبه عمارت این جذام خانه آغاز یابد .

علاوه بر آن از نقطه نظر استفاده تعلیمی منسوبین فاكولته طب و تجرید و نگاهداشت بكمده مریضان جذام در نظر گرفته شده است تا حسب پیشنهاد هیئت فنی يك منطقه وسیعی برای جذامی ها در جوار (ده سبز) تاسیس شود، این منطقه نیز دارای تمام خصوصیات و مزایائی كه از هر حیث بحال مجذومین موزون دیده شده و نسبت به قریب بودن آن به مركز كابل با علاوه مفاد تجریدی و استفاده مجانی مجذومین از تدای و اعاشه، مورد استفاده تعلیمی طلاب منسوبین طب هم واقع شده میتواند .



## د مملکتی دواړو تشکيلات

### داوراقو عمومي مدیریت :-

عمومي مدير	:	ع ، عبدالغفار خان
داجرائي دڅانگي معاون	:	ص ، عبدالغفور خان
د حفظيې	:	ص ، عبدالغفور خان
د تبيض	:	ص ، محمد انور خان

### د شفر او د قلم مخصوص مدیریت :-

مدير	:	ص ، محمد سليمان خان
د شفر دڅانگي معاون	:	ص ، محمد يوسف خان
د قلم مخصوص	:	ص ، محمد ابراهيم خان

### د مامورينو او اجرائيې او تنظيماتو مدیریت :-

مدير	:	ص ، عبدالرزاق خان
معاون	:	ص ، غلام صديق خان

### د کنترول او محاسبې مدیریت :-

مدير	:	ص ، عبدالاحد خان
امور	:	ص ، عزيز الله خان

ب دافقاني سفيران او نمايندگان په خارج کښي :-

### د اعلي حضرت لوی سفارت په انقره کښي :-

سفیر	:	ع ، ج سردار فیض محمد خان
سرکاتب	:	ص ، محمد نعیم خان

### د اعلي حضرت لوی سفارت په طهران کښي :-

سفیر	:	ع ، ج مير محمد حيدر خان
سرکاتب	:	ص ، .....